

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۲۱)

وصیت نامه کامل شهدا

استان ایلام



دو قتر چهارم

مر- یو

مرادی، اسدالله- یونسی، محمد تقی

به کوشش:

دکتر منوچهر اکبری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اداره کل اسناد و انتشارات

پاییزه ۱۳۹۴

سرشناسه: اکبری، منوچهر ۱۳۳۵

عنوان و نام پدیدآور: وصیت‌نامه کامل شهدا/استان ایلام/دفتر چهارم مر- یو (مرادی- یونسی)/اداره کل اسناد و انتشارات
مشخصات نشر: تهران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور اجتماعی، اداره کل اسناد و انتشارات،
نشر شاهد، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۶۶۱ صفحه، مصور، نقشه

شابک: ۳-۵۵۰-۳۹۴-۶۹۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

مندرجات: مر- یو (مرادی، اسدالله- یونسی، محمدتقی)

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- شهیدان- وصیت‌نامه

شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ و ۶۸۲۴/الف/DSR۱۶۲۵

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۱۸۱۰۳



اداره کل اسناد و انتشارات

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۲۱)

وصیت‌نامه کامل شهدای استان ایلام ♦ دفتر چهارم مر- یو (مرادی- یونسی)

به کوشش: دکتر منوچهر اکبری (استاد دانشگاه تهران)

نوبت چاپ: چاپ اول پاییز ۱۳۹۴ ♦ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

مدیر تولید: محبوب شهبازی ♦ ناظر فنی: رضا حاجی آبادی

مستند سازی اسناد: یوسف قدیانی ♦ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند

ناظر چاپ: شاپور محمد حسن زاده ♦ صفحه آرایی: نسترن حاجی‌زاده سابق

حروف چینی: مینا صفری، سولماز پرستاری، فاطمه هدایتی گودرزی و سمیرا فریرز

نمونه‌خوانی: لیزا افشار تاجری ♦ تنظیم و استخراج نمایه: گوهر نصرتی، نسترن حاجی‌زاده سابق

امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کوثر

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال ♦ شابک: ۳-۵۵۰-۳۹۴-۶۹۴-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد شهید و امور ایثارگران است.

نشانی: تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی- شماره ۵ معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد

شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۳۰۸۰۸۹-۸۸۳۰۹۲۴۹ ♦ توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ♦ مرکز

پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱: فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر

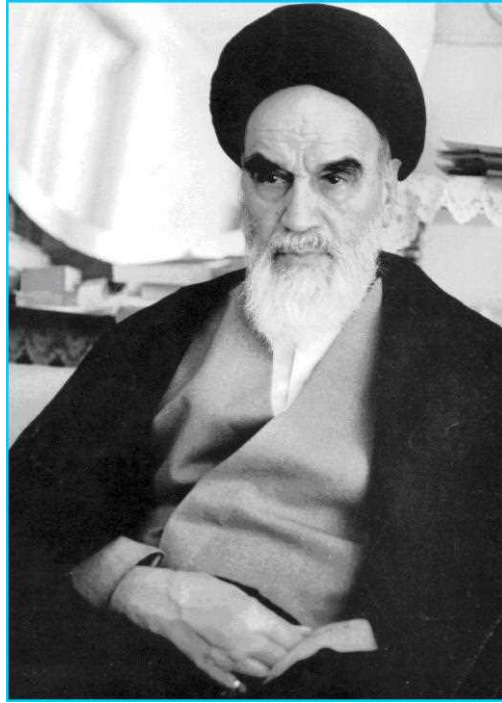
www.navideshahed.com

فهرست

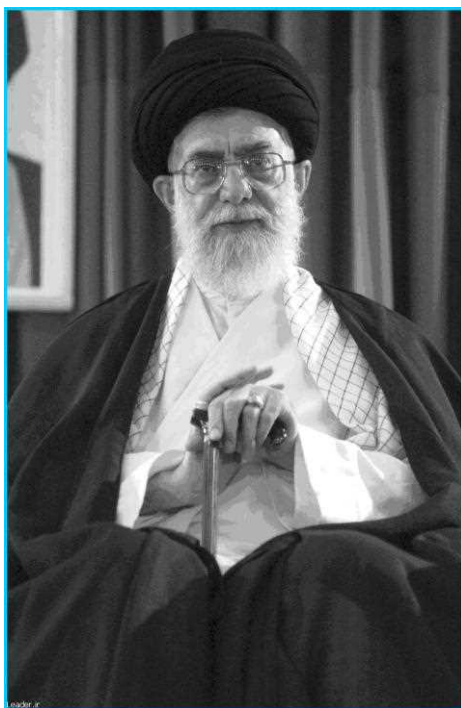
۹۰	ملکی، منصور	۱۱	سخن ناشر
۹۶	ملکی، موسی	۱۵	مرادی، اسدالله
۱۰۰	منتی، هاشم	۱۹	مرادی، جوهر
۱۰۳	منصوری، عبدعلی	۲۳	مرادی، حمید
۱۰۶	مهدوی، خیرعلی	۲۷	مرادی، رحمان
۱۱۵	مهدوی، علی حسین	۳۱	مرادی، فریدالله
۱۲۱	مهدی زاده، قهرمان	۳۶	مرادی، محمدیار
۱۲۴	مهدیه، عبدالرزاق	۳۹	مرادی، محمود
۱۲۷	مهرداد، علیمرد	۴۲	مزید، غضبان
۱۳۱	موسوی پشتکوهی، سیدامیدعلی	۴۵	مصطفی، عباسقلی
۱۴۰	موسوی، سیدمحمود	۴۹	مظفری، ستار
۱۴۶	موسوی، سیدابراهیم	۵۲	ملاحی، غلام
۱۴۹	موسی، نورالدین	۵۷	ملایی، شمس الدین
۱۵۳	موسی زاده، مهدی	۵۹	ملک احمدی، فرمان
۱۵۹	مؤمنی، علی	۶۲	ملک احمدی، منصور
۱۶۲	مؤمنی، قیصر	۶۵	ملک پور، حسین
۱۶۷	میرزا کریمی، جعفر	۶۸	ملکی، حسین
۱۷۲	میرزایی، جعفر	۷۱	ملکی، عباس
۱۷۷	میرزایی، شاولی	۷۶	ملکی، نعمت الله
۱۹۲	میری، شیرزاد	۸۱	ملکی، عجم
۱۹۶	میری، محمد	۸۷	ملکی، الیاس

۳۰۶	نوری، حبیب‌الله	۲۰۱	نادعلی پور، جبار
۳۰۹	نوری، عباس	۲۰۶	نادی، ابراهیم
۳۱۵	نوری، کیکاووس	۲۱۲	نادی، صیدرستم
۳۱۹	نوری، محمد	۲۱۷	نارنجی، عظیم
۳۲۱	نوری، یدالله	۲۲۴	ناصری، حسن
۳۲۹	نوریان، فرج‌الله	۲۳۰	نجفی، جلال
۳۳۲	نیکنام، جواد	۲۴۰	نجفی، نورالله
۳۳۵	هاشمی پور، فرمان	۲۴۳	نصراللهی، لطیف
۳۴۰	هاشمی، محسن	۲۴۶	نظریگی، صیدمحمد
۳۴۳	هاشمی، مهرداد	۲۵۱	نظری زلانی، شیرزاد
۳۴۷	همت‌علی، رمضان	۲۵۶	نظری، حسن
۳۵۰	همتی، عبادالله	۲۶۳	نظری، قدرت
۳۶۵	هنجاری، اردشیر	۲۶۹	نظری، یوسف
۳۷۰	والایی، علی	۲۷۴	نعمتی، علی اشرف
۳۷۵	وحیدنیا، عبدالرسول	۲۷۷	نقی‌زاده، حشمت‌الله
۳۸۱	ولی‌بیگی، پرویز	۲۸۱	نورالله‌زاده، احمد
۳۸۵	ولی‌نژاد، یداله	۲۸۷	نوروزی، بهمن
۳۸۸	ولی‌زاده، صیدنبی	۲۹۳	نوروزی، پرویز
۳۹۲	ولی‌زاده، عباسعلی	۲۹۸	نوروزی، عبدالکریم
۳۹۶	ولی‌زاده، عبدالحسین	۳۰۰	نوری، احمد

۳۹۹	ولی زاده، محمدعلی
۴۰۲	ولی زاده، منیره
۴۰۵	یاران، فارس
۴۰۸	یارمحمدی، احمد
۴۱۱	یارمحمدی، سعید
۴۱۳	یاری نژاد، فرمان
۴۱۸	یاری، جهانشاه
۴۲۲	یاری، حمدالله
۴۲۹	یاری، سهراب
۴۳۶	یاری، محمدرضا
۴۴۶	یاری، نورعلی
۴۴۹	یاری، یحیی
۴۵۶	یاسمی، جاسم
۴۶۲	یاسین ممتاز، صادق
۴۶۵	یزدانی نیا، سیدباقر
۴۷۰	یکسان، همت
۴۷۶	یونسی، محمدنقی
۴۸۰	تعلیقات
۵۴۳	فهرست نمایه



«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»
امام خمینی(ره) - صحیفه نور - جلد ۱۵ ص ۳۲



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکارها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری - نماز جمعه تهران - آذرماه ۱۳۸۱

سخن ناشر

تاریخ و فرهنگ یکی از مهمترین مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری در تمدن بشری به آن مباحثات می‌کنند. شکی نیست که کشور ایران به علت برخورداری از تاریخ کهن و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی در صف مدعیان این عرصه قرار داشته و آداب، رسوم و فرهنگ این مرز و بوم که سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، به نسل‌های بعدی منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباحثات این ملت می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌های مختلف اجتماع، به ویژه کسانی که توفیق لمس و درک فرهنگ و شرایط ویژه دوران تأثیرگذار آن اجتماع را نداشته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همت مراکز اسنادی و آرشیوی صرف گردآوری، محافظت، نگهداری و مراقبت از این گنجینه‌های گرانقدر فرهنگی می‌شود.

اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر به فرد و ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان می‌نماید. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضمن ایفای نقش اطلاع‌رسانی که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجد یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند.

گردآوری، حفظ و دسترس پذیری اسناد شهدا و ایثارگران به مثابه‌ی حافظه تاریخی و میراث معنوی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس یک رسالت تاریخی است. حفظ و نگهداری این اسناد سبب خواهد شد تا آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

پس از فرایند گردآوری و مستند سازی اسناد و وصایای شهدا و ایثارگران، انتشار اسناد دست اول شهدا جزو اولویت های نشر شاهد بشمار می رود. به باور اندیشمندان و صاحب نظران فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکارتر می‌سازد.

این کتاب حاوی ۹۸ وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان ایلام (دفتر چهارم) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسانه همکاران محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان ایلام و اداره کل اسناد و انتشارات است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات و تاریخ دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را بر عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند، تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحب نظران گرانقدر آقایان: دکتر محسن میرانصاری، حجج الاسلام احمد مازنی و سید حسن مودنی، دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ و تمامی کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه ما را یاری رساندند صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.

در پایان دست صاحب نظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت

ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

محبوب شهبازی

مدیر مسئول نشر شاهد

پاییز ۱۳۹۴



نام: اسدالله
نام خانوادگی: مرادی
نام پدر: خداداد
نام مادر: عنبر
تاریخ تولد: ششم خرداد 1317
محل تولد: روستای تونه علیا از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوم اسفند 1363
محل شهادت: چنگوله شهرستان مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدحسین
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا ای امت شهیدپرور، باید بدانید که فرزندان شما در جبهه‌ها با ایمان کامل به حقانیت جمهوری اسلامی می‌جنگند.
- ا این حقیر نیز قطره‌ای از دریاست که با آگاهی و ایمان کامل به جبهه‌های نبرد آمده‌ام.
- ا اگر من شهید شدم، هیچ وقت برای من ناراحت نباشید و گریه نکنید.
- ا من عاشق درگاه الهی هستم و کسی که در راه معبودش به شهادت برسد، گریه ندارد.

اسدالله مرادی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان بر منجی عالم بشریت، امام زمان، حضرت مهدی موعود (عج) و با درود بر نایب برحقش، بنیانگذار² جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی و با سلام بر ارواح پاک شهدای راه اسلام و جمهوری اسلامی و سلام و درود فراوان بر امت شهیدپرور ایران که به حق یاوران امام زمان هستند و پیروان راستین امام خمینی می‌باشند.

ای امت شهیدپرور، باید بدانید که فرزندان شما در جبهه‌ها با ایمان کامل به حقانیت جمهوری اسلامی می‌جنگند و این حقیر نیز قطره‌ای از دریاست که با آگاهی و ایمان کامل به جبهه‌های نبرد آمده‌ام و با مزدوران کفر می‌جنگم و امیدوارم که خداوند [...] پیروزی کامل، یعنی یا زیارت کربلای عزیز و شهادت [...]⁴ برادران و قومان و خویشان، اگر من شهید شدم، هیچ وقت برای من ناراحت نباشید و گریه نکنید که من عاشق درگاه الهی هستم و کسی که در راه معبودش به شهادت برسد، گریه ندارد. در پایان از امت عزیز ایران می‌خواهم که این دعا را فراموش نکنند: خدایا خدایا تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار، از عمر ما بکاه و بر عمر او بیافزا.

اسدالله مرادی عضو بسیج عشایر شوهان

61/12/1

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «متن وصیت‌نامه برادر بسیج اسدالله مرادی».

2- در اصل وصیت «بنیانگزار».

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

اگر من بختیستم همیچونت در این آرامت نباشم و گریه کنم بکنند
که من عاشق درگاه الهی هستم و کسی که طایفه عبودیت به من نرسد
نقد در درگاه آرامت عزیزان من تمام که این دعا را خواندش نکند
خدا یا خدا تو را ببخشد تا انقلاص جسمی فیضی را نگردد
از غم و کافور بودم در این دنیا

لایحه تقدیر برای عصر پنجشنبه امیران شرفان

ار ۱۳۱۶

نام: جوهر
نام خانوادگی: مرادی
نام پدر: بساط
نام مادر: شاه زنان
تاریخ تولد: یک فروردین 1317
محل تولد: روستای دمیران از توابع
شهرستان ایوان
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هشتم آبان 1359
محل شهادت: سارات قصرشیرین
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: روستای حاجی حاضر شهرستان
زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا خوشحالم با سربلندی به پیشگاه عدالت تو می‌آیم.
- ا خدا را شاهد می‌گیرم از بیت‌المال و امانت و هرگونه وجهی که متعلق به شخص خودم نبوده، نه کم نه زیاد، دخل و تصرف نکرده‌ام.
- ا خدایا به خاطر تو از همه چیز گذشتم.
- ا خدایا جز به رضای تو فکر نکردم.

جوهر مرادی

بسم الله الرحمن الرحيم

ای کسی که بعد از مرگ من که انشاء الله «شهادت» خواهد بود، نسبت به من دلسوزی، این دفتر و یادداشت مرا به دقت مطالعه کن و به این نکات توجه و مورد عمل قرار بده: در مورد محاسبه مال و ثروت از جهت خمس، صفحه مخصوص آن را بررسی کن که آیا بدهکارم یا خیر.

با برادرانم از زمین زراعتی که تبدیل به ساختمانی شده چهار نفری شریک بوده آنها هر کدام جداگانه یادداشت شده و کلیه فروش نیز ثبت شده است.

به کسی بدهکار نیستم ولی طلبکارها را در صفحه مخصوص زیر یادداشت کرده‌ام خدا را شاهد می‌گیرم از بیت‌المال و امانت و هر گونه وجهی که متعلق به شخص خودم نبوده، نه کم نه زیاد، دخل و تصرف نکرده‌ام. اگر جوهری در اختیارم بوده به مصارف شرعی رسانیده و یادداشت نموده‌ام، ولی آنچه از خودم داده‌ام بدون یادداشت بین خود و خدا بوده است. به حسابهایم بعد از مرگم رسیدگی کنید که افراد بی‌اطلاع به من افترا نزنند زیرا مدیونم می‌شوند و در پیشگاه خدا انشاء الله از این جهات سربلندم.

در این مدت انقلاب و در طول نهضت، خدایا به خاطر تو از همه چیز گذشتم و جز به رضای تو فکر نکردم. همه اسلحه و مهمات پاسگاه و دولت، هر چه به دستم رسید چون تربت مقدس از آن نگهداری کردم و هیچگاه استفاده شخصی ننمودم. خدایا من نمی‌خواهم رنجی را و خون دلی را که به خاطر رضای تو و انقلاب اسلامی در حد وسع خود متحمل شده‌ام، شرح بدهم ولی تو خود بر کار من ناظر بوده‌اید و گواهی [که] آنچه درباره‌ام گفته‌اند یا می‌گویند و یا خواهند گفت خالی از حقیقت است. خوشحالم با سربلندی به پیشگاه عدالت تو می‌آیم.

اللهم وفقنی لما تحب و ترضی

اللهم ارزقنی شهادة 59/3/20

ای کسکه بعد از مرگ من که ان شاء الله (پسندید) خواهد بود
 نسبت به من و نوزاد من و فرزندانم مرا بدقت مطالعه کن

و به این نکات توجه و مورد نظر قرار بده

۱- در مورد من بعد از آنکه در صورت از حکومت عین صلواتی بعد از آنکه از برای کن
 که آنکه در هنگام من یا غیر

۲- با من از آنم از زمین در اینجایی که در من با تمام بی سیر و چیدانهای که در
 و آنچه آنجا بر کدام حد آینه ملاقات من و بعد از من نیز نسبت من است

۳- هر کسی بدینها رسید و در طبعها را در حدی که در من نیز در آن است که من
 ۴- حد را با بد بگنیم از بیت الال در آن است و برگردن و طبعی به من منکر

خوش بیدار نه کم نه زیاد و حدی که در من سرور ام آنرا در منی در آن است در من
 عبادت من در من و در آن است من ام و در آن که از من در آن است در آن است
 در آن ملاقات من خود در حدی که در من است که من در آن است در آن است
 که در آن است در آن است من از آن است در آن است در آن است در آن است
 خدا ان شاء الله از آن است در آن است در آن است در آن است

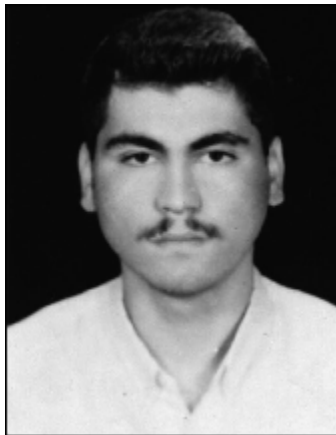
در این وقت انصاف و در هر طریقی به حضرت خدایمونی طاقول
 همه چیز گذارم و در هر صورت تو را میگویم که هر چه از من است
 و محبت هر چه بدستم رسید چون مرگت آمد من از آن
 مکندارم و هر گاه استغاثه کنی منم خدایم و میگویم
 دیگر او بخون زدی را که با طریقی صد تو در انصاف است
 در هر وسیع تو میگویم نام از هر چه بدستم و در تو خود
 هر چه با طریقی ام و تو خواهی آنکه در باره ام گفته اند
 تا سکونت و یا خوابت گفت همه کار منصف است
 بنویسم با سر بلند بر بیست و یک ساله عدالت تو را نام

اللهم زدنی

اللهم زدنی شهادة

۵۹/۳

نام: حمید
نام خانوادگی: مرادی
نام پدر: یدالله
نام مادر: مهین
تاریخ تولد: پنجم اردیبهشت 1354
محل تولد: شهرستان مشهد
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: نیروی انتظامی
تاریخ شهادت: بیست و سوم مهر 1374
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای باغ فردوس شهرستان
کرمانشاه



عبارت های کلیدی

- ۱ از چشم و هم چشمی که بیشتر قوت پیدا کرده و پول جایگاه انسانیت را در بین مردم گرفته است، بیزارم.
- ۱ بهترین دوران زندگی ام را در انجمن اسلامی گذراندم.
- ۱ از خانواده ام راضی هستم و باید بگویم که بهترین خانواده دنیا را دارم.
- ۱ از همه کس نامهربانی کشیده ام، به جز فرشتگان.

حمید مرادی

بسم الله الرحمن الرحيم

الآن که دست به قلم بردم ورق سفید را سیاه می‌کنم، ساعت 9/30 روز جمعه مورخه 74/06/17 است. شاید برای آخرین بار باشد که دارم خوب تصمیم می‌گیرم و می‌نویسم و شاید برای چندمین بار باشد که دلم شکسته، از همه چیز و همه کس خسته شده‌ام، از دورویی‌ها و چاپلوسی‌ها، از غرور بی‌جای فامیل و مردم و از چشم و هم‌چشمی که بیشتر قوت پیدا کرده و پول جایگاه انسانیت را در بین مردم گرفته [است].

بهترین دوران زندگی‌ام را در انجمن اسلامی گذراندم. معنویات خودم را در آنجا دیدم که بیشتر به آن پرداختم و به نماز اهمیت بیشتری می‌دادم. از خانواده‌ام راضی هستم و باید بگویم که بهترین خانواده دنیا را دارم. دوست داشتم که یکبار دیگر به خانه برگردم، دوست داشتم که یکبار دیگر پدر و مادرم را ببینم، دوست داشتم که یکبار دیگر برادر و خواهرهایم را ببینم، دوست داشتم که یکبار دیگر اطرافیان را ببینم، دوستان را ببینم. افسوس از گذشته می‌خورم که چه روزهایی را از دست دادم و از آن روزهای خوب استفاده نکردم از اینکه درس را نتوانستم خوب به پایان ببرم ناراحتم، از اینکه شاید اطرافیان را از خود رنجاندم ناراحتم، از اینکه شاید پدر و مادرم را از خود رنجانده باشم.

ای کاش می‌توانستم آینده را ببینم و کمتر خطاها را انجام می‌دادم. افسوس می‌خورم، افسوس، اما دیگر جای افسوس باقی نمانده، فقط باید اشتباهات گذشته را جبران کرد. دوست دارم که این بار که به مرخصی رفتم خوب اطرافیانم را برانداز کنم. دیگر اشتباهی از من سر نزنند.¹ دوست دارم دست‌های پدر و مادرم را ببوسم و بگویم اگر تا به حال ناراحتی از من به دلتان دارید به بزرگی خودتان ببخشید، دوست دارم خوب آنها را ببینم که تا مرخصی بعدی آنها را در خاطر داشته باشم دوست دارم. تنهایی را دوست ندارم، از آن

بیزارم، از جدایی بیزارم، از اینکه دور افتاده‌ام و سرزده‌ای ندارم، از اینکه به فکر همه چیز هستم، از اینکه تمام فکرها¹ در مغزم خطور می‌کند و من را ناراحت می‌کند. دلسرد شده‌ام، دلسرد از زندگی، دلسرد از همه چیز، دلسرد از همه کس، در این دنیا از همه کس بدی دیده‌ام، از همه کس نامهربانی کشیده‌ام، به جز فرشتگان من پدر و مادر و برادر و خواهرانم آنها را دوست دارم، از صمیم قلب دوست دارم. پس ای فرشتگان من، مرا دریابید، از خطاهای من درگذرید که پشیمان و شما را دوست دارم ای عزیزان.

وصیت‌نامه شهید حمید مرادی

تاریخ شهادت 74/07/22

محل شهادت منطقه مهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الآن که دست به قلم بردم و ورق سفید را سپاه می‌کنم ساعت ۹/۳۰ روز جمعه مورخه ۷۴/۶/۱۷ است شاید برای آخرین بار باشد که دارم خوب تصمیم می‌گیرم و می‌نویسم و شاید برای چندمین بار باشد که دلم شکسته از همه چیز و همه کس خسته شدم ، از دروپی‌ها و چاپلوسی‌ها از غرور بی‌جای فامیل و مردم و از چشم و هم چشمی که بیشتر قوت پیدا کرده و پول چاپگاه انسانیت را در بین مردم گرفته بهترین دوران زندگی را در انجمن اسلامی گذراندم و معنیات خودم را در آنجا دیدم که بیشتر به آن پرداختم و به نماز اهمیت بیشتری می‌دادم از خانواده‌ام راضی هستم و باید بگویم که بهترین خانواده دنیا را دارم . دوست داشتم که یک بار دیگر به خانه برگردم ، دوست داشتم که یک بار دیگر پدر و مادرم را ببینم ، دوست داشتم که یک بار دیگر برادر و خواهرهایم را ببینم ، دوست داشتم که یک بار دیگر اطرافیان را ببینم ، دوستان را ببینم افسوس از گذشته می‌خورم که چه روزهایی را از دست دادم و از آن روزهای خوب استفاده نکردم از اینکه درس را نتوانستم خوب به پایان برسم ناراحتم از اینکه شاید اطرافیان را از خود رنجاندم ناراحتم از اینکه شاید پدر و مادرم را از خود رنجانده باشم . ای کاش می‌توانستم آینده را ببینم و کمتر خطاها را انجام می‌دادم .

افسوس می‌خورم افسوس اما دیگر جای افسوس باقی نمانده فقط باید اشتباهات گذشته را جبران کرد .

دوست دارم که این پار که به مرخصی رفتم خوب اطرافیانم را برانداز کنم . دیگر اشتباهی از من سر ندهد. دوست دارم دستهای پدر و مادرم را ببوسم و بگویم اگر تا بحال ناراحتی از من به دلان دارید به بزرگی خودتان ببخشید ، دوست دارم خوب آنها را ببینم که تا مرخصی بعدی آنها را در خاطر داشته باشم دوست دارم

تنهایی را دوست ندارم ، از آن بیزارم ، از جدایی بیزارم ، از اینکه دور افتامم و سرزده‌ای ندارم ، از اینکه به فکر همه چیز هستم از اینکه تمام فکرها را در مغزم غلط می‌کند و من را ناراحت می‌کند
دلرسد شدم ، دلرسد از زندگی ، دلرسد از همه چیز ، دلرسد از همه کس ، در این دنیا از همه کس بدی دیده‌ام ، از همه کس نامهربانی کشیدم بجز فرشتگان من پدر و مادرم و برادر و خواهراتم ، آنها را دوست دارم ، از صمیم قلب دوست دارم

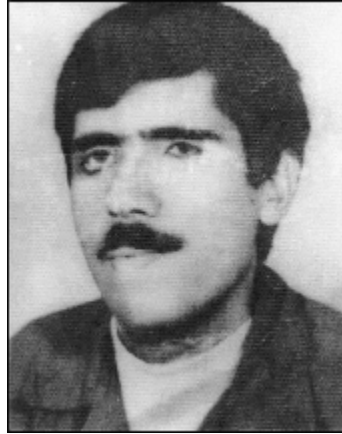
پس ای فرشتگان من ، مرا دریابید از خطاهای من در گذرید که پشیمانم و شمارا دوست دارم ای عزیزان .

وصیت نامه شهید حمید مرادی

تاریخ شهادت ۷۴/۷/۲۲

محل شهادت منطقه مهران

نام: رحمان
نام خانوادگی: مرادی
نام پدر: صید کاظم
نام مادر: فرنگیس
تاریخ تولد: یکم اسفند 1335
محل تولد: روستای آسمان آباد از توابع
شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهاردهم مرداد 1363
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای روستای پیرحمزه
شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ ما در زمانی زندگی می‌کنیم که اسلام عزیز و مظلوم مورد هجوم ابرقدرتها قرار گرفته است.
- ۱ باید برای دفاع از اسلام عزیز به جبهه‌های حق علیه باطل برویم.
- ۱ اگر به جبهه‌ها نروید و جان خود را نثار اسلام نکنید، اسلام پیروز نخواهد شد.
- ۱ خواهران و برادران عزیز همچنان در خط اسلام باشید که خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت همه شما در آن است.
- ۱ عزیزان امام بزرگوار را تنها نگذارید.
- ۱ بدانید که اگر قدر این نعمت خدایی را ندانید، خداوند هرگز ما را نمی‌بخشد.
- ۱ تا وقتی که در صحنه هستید و به خدا ایمان دارید و وحدت کلمه شعار شماست خطری شما را تهدید نمی‌کند.
- ۱ اگر من شهید شدم برای من هیچ ناراحت نشوید.
- ۱ من در راه اسلام جان خود را نثار کردم.
- ۱ این راه را خودم انتخاب کردم که راه همه انبیاء است.

رحمان مرادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»¹

با درود و سلام بر امام امت خمینی بت شکن و به امید پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل و با درود و سلام به تمام شهیدان صدر اسلام؛ از کربلای حسین (7) تا کربلای ایران و به امید کربلای حسینی.

پدر و مادر عزیزم، سلام علیکم. عزیزان من ما در زمانی زندگی می‌کنیم که اسلام عزیز و مظلوم مورد هجوم ابرقدرتها قرار گرفته است و ما باید برای دفاع از اسلام عزیز به جبهه‌های حق علیه باطل برویم و دفاع از این اسلام کنیم. به‌راستی بدانید که اگر به جبهه‌ها نروید و جان خود را نثار اسلام نکنید، اسلام پیروز نخواهد شد.

خواهران و برادران عزیز همچنان در خط اسلام باشید که خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت همه شما در آن است و غیر از آن تباهی و نابودی است. عزیزان امام بزرگوار را تنها نگذارید و همواره مطیع او باشید که علی (7) و حسین (7) زمان و نایب برحقش امام زمان (عج). بدانید که اگر قدر این نعمت خدایی را ندانید، خداوند هرگز ما را نمی‌بخشد و همچنان در صحنه باشید که تا وقتی که در صحنه باشید که تا وقتی که در صحنه هستید و به خدا ایمان دارید و وحدت کلمه شعار شماست، خطری شما را تهدید نمی‌کند.

و در پایان این جانب رحمان مرادی که مدت 3 سال و چند ماه است در جبهه‌های حق علیه باطل خدمت می‌کنم که مدتی است ما را به یکی از تپه‌های چنگوله آورده‌اند و در پایان با پدر و مادر و برادران عزیزم، اگر من شهید شدم برای من هیچ ناراحت نشوید که من در راه اسلام جان خود را نثار کردم و این راه را خودم انتخاب کردم که راه همه انبیاء است. و تنها وصیت من به پدر و مادر و برادرانم این می‌باشد که از دخترانم مواظبت کنند، تا وقتی که بزرگ شوند.² چون دختران اینجانب در زمان حکومت عدل جمهوری اسلامی

1- آل عمران/169.

2- در اصل وصیت‌نامه «می‌شوند».

پیدا شده‌اند، اگر آنها را در آینده شوهر دادید، اولاً مؤمن و متعهد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه باشند، ثانیاً شیربها نگیرید.

«والسلام علیکم»

شهید رحمان مرادی

نام: فریدالله
نام خانوادگی: مرادی
نام پدر: اسکندر
نام مادر: فخریه
تاریخ تولد: هشتم فروردین 1346
محل تولد: شهرستان دهلران
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهارم بهمن 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر
زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ به عنوان وظیفه شرعی و پاسخگویی به ندای امام امت به سوی جبهه آمدم.
- ۱ جان من به اندازه یک هزارم جان فرزندان امام حسین (7) ارزش ندارد.
- ۱ آنها در راه دفاع از دین خدا جهاد کردند و شهید شدند و ما هم در این جهاد مقدس به آن بزرگان اقتدا نموده ایم.
- ۱ پدر و مادر مهربانم اگر شهید شدم صبر داشته باشید و راضی به قضای الهی باشید.
- ۱ راه مرا در دفاع و کمک به انقلاب اسلامی ادامه دهید و هیچگاه از حمایت از انقلاب اسلامی و امام امت دست برندارید.
- ۱ هیچگاه در زندگی از اسلام و امام دست برندارید.
- ۱ بدانند که جهاد در راه خدا بهترین توشه برای آخرت و آسانترین راه برای رسیدن به بهشت است.

فریدالله مرادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُنْزِلُكُمْ أَتْيَكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»¹

«خداوند مرگ و زندگی را قرار داد تا شما (انسانها) را بیازماید که کدام یک از شما کارهای نیکو انجام می‌دهید».

با سلام به پیشگاه امام زمان (عج) منجی انسانها و درود به پیشگاه امام امت خمینی بت شکن رهبر کبیر انقلاب اسلامی و پیشگاه امت شهیدپرور و بر ارواح مقدس شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و با سلام خدمت پدر و مادر بزرگوارم. شما که رنج مرا بر دوش کشید و من هیچ‌وقت در زندگی نتوانستم پاسخگو بر زحمات شما باشم. امیدوارم که از بنده راضی بوده و مرا حلال نمایید و از خطاهایی که در زندگی نسبت به شما روا داشته‌ام درگذرید. [...] ² بنده به عنوان وظیفه شرعی و پاسخگویی به ندای امام امت به سوی جبهه آمدم. بدانید جان من که از عزیزتر از دیگر جوانان این ملت و خون من رنگین تر از خون آنان نیست (هرچه باشم جان من به اندازه یک هزارم جان فرزندان امام حسین (7) ارزش ندارد. آنها در راه دفاع از دین خدا جهاد کردند و شهید شدند و ما هم در این جهاد مقدس به آن بزرگان اقتدا نموده‌ایم.

پدر و مادر مهربانم اگر شهید شدم صبر داشته باشید و راضی به قضای الهی باشید که خداوند در قرآن پاداش [...] ³ برابر داده است. «إِنَّمَا يُؤَكِّدُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»⁴ و راه مرا در دفاع و کمک به انقلاب اسلامی ادامه دهید و هیچ‌گاه از حمایت از انقلاب اسلامی و امام امت دست برندارید که [...] ⁵ دنیا و آخرت در این راه است. برادران و خواهران گرامیم، اگر از من خطایی نسبت به شما سر زده مرا حلال نمایید و نسبت به پدر

1- بخشی از آیه 2 سوره ملک.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- بخشی از آیه 10 سوره الزمر.

5- خوانا نیست.

و مادرتان مهربان باشید و خود را آمادهٔ جهاد و برای دفاع از اسلام و کمک به انقلاب اسلامی و پاسخگویی به ندای امام امت نماید و هیچگاه در زندگی از اسلام و امام دست برندارید.

از دوستان و آشنایان تقاضا دارم که مرا حلال نمایند و هرچه بیشتر به سوی جبهه‌ها و دفاع از اسلام روی آورند و بدانند که جهاد در راه خدا بهترین توشه برای آخرت و آسانترین راه برای رسیدن به بهشت است. در آخر از کسانی که در مراسم تشییع جنازهٔ من شرکت می‌کنند، سپاسگزارم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه‌دار

از عمر ما بکاه و به عمر رهبر افزا

فریدالله مرادی

65/3/3

جبهه مهران ساعت 2 بعد از ظهر

که دست بی درستی در خفا قدم بر راه حق نهاده هر چه بسته است در محراب خیر و بر دفع آن دستم بوی
آوردند و با سنگ خرد در راه خدا هر چه بود بر این راه افروخته است که از این راه برسد به برکت است
در روز قیامت آن که در راهم تسلیم شده من از آنست که نهد
تسلی با سنگ خرد

در این زمانه که در راه خدا هر چه بود
از راه نگاه او بر هر از راه

فریدالله مرادی

۳ شهریور ۱۳۶۶
جمهوری اسلامی ایران

نام: محمدیار
نام خانوادگی: مرادی
نام پدر: محمد
نام مادر: سحرخانم
تاریخ تولد: چهارم آبان 1345
محل تولد: روستای شوهان از توابع شهرستان
مهران
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هفت بهمن 1362
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ درود و سلام بر عزیزانی که با خونشان درخت تنومند اسلام را آبیاری نمودند.
- ۱ درود و سلام بر عزیزانی که مرگ سرخ را بر زندگی ذلت بار همراه با ستمکاران ترجیح دادند.
- ۱ در مرگ من زیاد گریه نکنید، چون شهدا به اوج کمال می رسند.

محمدیار مرادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه برادر پاسدار وظیفه شهید محمد یارمرادی.

«وَكَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»¹

درود و سلام پرودگار بر همه انبیاء و اوصیاء و شهداء راه فضیلت. عزیزانی که با خونشان درخت تنومند اسلام را آبیاری نمودند و مرگ سرخ را بر زندگی ذلت‌بار همراه با ستمکاران ترجیح دادند و جوابگوی ندای جانسوز «هل من ناصر ینصرنی»² امام حسین (7) شدند. توصیه‌ای که پس از شهادتم نسبت به ملت شهید پرور دارم این است که اگر می‌خواهید کشورتان³ از شر اجانب مصون و محفوظ بماند هرگز دست از پشتیبانی ولایت فقیه برندارید. به پدر و مادر و اقوام توصیه می‌کنم در مرگ من زیاد گریه نکنید، چون شهدا به اوج کمال می‌رسند، به جایی که بهشت پیش آن بسیار کوچک است. زیرا علی (7) می‌فرماید: «ما من احدان یدخل الجنة و یتمنی ان ینخرج منها و یقتل فی سبیل الله عشر مرات لمن یری من کرامه الله عزوجل» هیچ فردی روز قیامت تقاضای خارج شدن از بهشت را نمی‌کند مگر شهید که آرزو می‌کند از بهشت خارج شود و ده بار دیگر در راه خدا کشته شود به خاطر آن همه فضل و کرم که از خدا دیده است پس شما را چه باک که فرزندانان چنین راهی را انتخاب کرده [اند]. خداوند انشاءالله به شما اجر جزیل و صبر جمیل عطا فرماید. پروردگارا امام امت خمینی بت شکن را تا فرج حضرت مهدی (عج) برای ملت ما نگه‌دار و برای نجات مستضعفین در فرج ولی عصر تعجیل فرما. آمین یا رب العالمین.

وصیت نامه شهید محمد یارمرادی 62/11/25 مورد تأیید برادر شهید می‌باشد.

حمزه مرادی

1- بقره / 154.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «کشورتان را».

نام: محمود
نام خانوادگی: مرادی
نام پدر: عبدکه
نام مادر: زنویه
تاریخ تولد: پنجم خرداد 1349
محل تولد: روستای زرین آباد از توابع
شهرستان دهلران
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از
توابع شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ۱ خدایا تو را سپاس می گویم که ما را در زمانی قرار دادی تا بتوانیم به ندای حسین زمان خمینی عزیز لبیک بگوییم.
- ۱ این حقیر علاقه دارم در کنار بسیجیان مخلص و این سربازان امام زمان (عج) به دین اسلام خدمت کنم.
- ۱ خدایا از تو می خواهم که توفیق مبارزه در راهت را به من عطا فرمایی.
- ۱ از برادران حزب الهی و امت انقلابی انتظار دارم که همیشه در صحنه انقلاب باشند.
- ۱ فرامین امام بزرگوار را گوش داده و کاملاً به آن عمل نمایند.

محمود مرادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَوِّقُونَ»¹

«هرگز مپندارید آنانکه در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند».

با درود و سلام به اولیاء و انبیاء خدا از حضرت آدم تا حضرت خاتم مهدی (عج) و از حضرت علی (7) تا حضرت قائم صاحب‌الزمان (عج) صاحب اصلی این انقلاب و مملکت اسلامی و دادرسی بیچارگان. و با درود و سلام به نایب او امام خمینی کبیر، بت شکن عصر و نجات‌دهندهٔ مظلومان از دست ظالمان و بیدادگران و با درود و سلام بر شهدای اسلام از بدر² و احد³ و کربلا و انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی.

خدایا تو را سپاس می‌گویم که ما را در زمانی قرار دادی تا بتوانیم به ندای حسین زمان خمینی عزیز لبیک بگوییم و در صحنهٔ کارزار حضور پیدا کنیم و با دشمنان دین حق مبارزه کنیم و در این راه هستی خود را یعنی جانم را در طبق اخلاص گذاشته و فدای دین مقدست کنیم و از آنجایی که این حقیر علاقه دارم در کنار بسیجیان مخلص و این سربازان امام زمان (عج) به دین اسلام خدمت کنم لذا تصمیم گرفتم که به عضویت سپاه پاسداران درآیم و با لباس رزم بسیجی به پیکار با دشمنان اسلام و قرآن پردازم⁴ و در این رابطه خدا را شکر گزارم. خدایا از تو می‌خواهم که توفیق مبارزه در راهت را به من عطا فرمایی، تا بتوانم به خوبی از دینت پاسداری نمایم و مرا در مقابل شهدا و آنانی که در راه تو جنگیدند و شهید شدند خجل نکنی و از برادران حزب الهی و امت انقلابی انتظار دارم که همیشه در

1- آل عمران/ 169.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل نسخه تایپی مورد تأیید بنیاد شهید «بجنگیم».

همیشه در صحنه انقلاب باشند و فرامین امام بزرگوار را گوش داده و کاملاً به آن عمل نمایند و در پایان از کلیه برادران و دوستان حلالیت می‌طلبم و التماس دعا دارم.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند¹
دیوانه کنی، هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

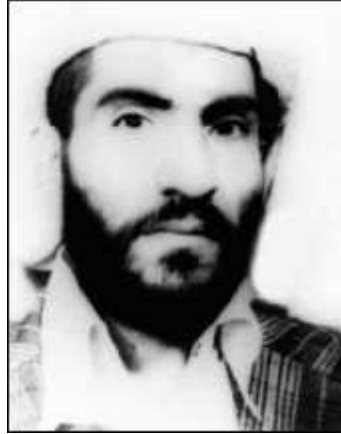
الحقیر: محمود مرادی²

67/2/7

1- شعر از خواجه عبدالله انصاری است. در اصل نسخه تایی مورد تأیید بنیاد شهید «آن که تو را شناخت جان را چه کند».

2- از جمله وصیت‌نامه‌هایی که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

نام: غضببان
نام خانوادگی: مزید
نام پدر: باوی
نام مادر: صنم
تاریخ تولد: شانزدهم خرداد 1330
محل تولد: روستای شوهان در شهرستان مهران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یکم بهمن 1361
محل شهادت: گره شیر شهرستان زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ا راه شهادت در راه اسلام و قرآن را انتخاب کردم.
- ا جان بی ارزش خود را فدای اسلام می کنم.
- ا همسر گرامی بعد از من برای فرزندانم مادری مهربان باشید.
- ا سعی کنید راه شهدا را ادامه دهید.
- ا همه دستورات اسلام و قرآن را در کارهای خود به کار ببرید.
- ا وظیفه خود می دانم مانند دیگر مسلمانان و مریدان راه امام حسین (7)، دنباله رو راه او باشم.

غضبان مزید

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت شهید غضبان مزید.

در این برهه از زمان که انقلاب شکوهمند و پر عظمت اسلامی تحت فشار مستقیم بیگانگان و مستکبران قرار گرفته است، وظیفه خود می‌دانم که همانند دیگر مسلمانان و پیروان خط حسین (7) که دنباله‌رو راه او باشم و در حفظ و پایداری آن بکوشم و از بین رفتن قرآن و رسوم پیامبران (6) و امامان معصوم تا پای جان دفاع کنم و اینک راه شهادت در راه اسلام و قرآن را انتخاب کرده و جان بی‌ارزش خود را فدا می‌نمایم امیدوارم که توانسته باشم قلب امام زمان و نایب برحقش امام امت را از خود خشنود گردانم و باری همسر گرامی می‌دانم آنچه‌آن که باید و شاید برای تو نکردم امیدوارم که بعد از من برای فرزندانم مادری مهربان باشید و در نگهداری از آنان حداکثر تلاش خود را بنمایید. باری پسران عزیزم بعد از شهادت من هیچ‌گونه ناراحتی به‌خود راه ندهید و سعی کنید¹ چنان کسی باشی که بتوانی راه شهدا را ادامه بدهید تا خون شهیدان اسلام و مسلمین به هدر نرود و احترام خواهر و مادر و اقوامتان را حفظ نگهدارید و تا آنجا که می‌توانید در اطاعت از دستورات اسلام و قرآن آنها را در همه کارهای خود به‌کار ببرید و شخص مهم و گوش به فرمان امام امت که فرستاده و نایب امام زمان است باشید.

«والسلام من اتبع الهدی»²

1- در اصل وصیت «کن».

2- در اصل وصیت «والسلام من تبع الهدی».

نام: عباسقلی
نام خانوادگی: مصطفی
نام پدر: مرتضی
نام مادر: نیم طلا
تاریخ تولد: نوزده خرداد 1320
محل تولد: روستای تونسه از توابع شهرستان مهران
تحصیلات: خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوم اسفند 1363
محل شهادت: چنگوله شهرستان زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد شهرستان
مهران



عبارت های کلیدی

- ا عزیزان جبهه رفتن من به خاطر هوای نفس نبوده است.
- ا من نیز همانند دیگر ایرانیان احساس کردم که نباید ساکت بنشینم.
- ا عشق به الله مرا به سوی جبهه کشانید.
- ا آری من دیگر بیش از این نمی توانم نظاره گر این فجایع دشمنان اسلام باشم.
- ا از شما ملت عزیز می خواهم که امام را تنها نگذارید.
- ا دست در دست هم داده و حدت کلمه را حفظ نمایید.
- ا از شهادت در راه خدا نهراسید.
- ا به شرق و غرب و اسرائیل بشورید.
- ا امام را تنها نگذارید.
- ا جهادگران و مجاهدان در نزد خدا قابل قیاس با بی تفاوتان نیستند.

عباسقلی مصطفی

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»¹

عزیزان جبهه رفتن من به خاطر هوای نفس نبوده است، بلکه به خاطر احساس مسئولیت در برابر خدا و رسول خدا (6) و رهبر انقلاب امام خمینی و شنیدن پیام‌های حسینی‌گونه او بوده است.

وقتی که آمریکای جنایتکار و وابسته‌های خود فروخته‌اش قصد تجاوز به میهن اسلامی ما را دارند و روز به روز تجاوز خود را بیشتر می‌کنند آیا برای ما دیگر جای درنگی باقی است؟ من نیز همانند دیگر ایرانیان احساس کردم که نباید ساکت بنشینم و شاهد این جنایت‌ها باشم. هر وقت به فکر می‌روم یاد بمباران‌های وحشیانه بعثی‌ها² [می‌افتم]³ که خانه مردم را ویران نموده و حتی از به شهادت رساندن خردسالان بی‌گناه فروگذار نمی‌کنند⁴، واقعاً دیگر ایستادن جایز نیست و فکر می‌کنم که این چه زندگی است که داشته باشم. عشق به الله مرا به سوی جبهه کشانید. آری من دیگر بیش از این نمی‌توانم⁵ نظاره‌گر این فجایع دشمنان اسلام باشم و در برابر این مسایل بی‌تفاوت باشم.

خدایا شهادتم را که در راه خدا و اسلام و دفاع از کیان اسلامی است مورد قبول قرار ده و از شما ملت عزیز می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و از این سنگر هدایت و حامی مستضعفان، حمایت نمایید و دست در دست هم داده و حدت کلمه را حفظ نمایید و با خلوص نیت به اوامر امام گوش نمایید و از شهادت در راه خدا نهراسید و به شرق و غرب و اسرائیل بشورید.

1- آل عمران/ آیه 169.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- «می‌افتم» در اصل وصیت نبود و به سیاق متن برای کامل شدن جمله افزوده شد.

4- در اصل وصیت «کند».

5- در اصل وصیت «نمی‌توان».

تقاضایم از هم‌زمان و هم‌سنگرانم این است که اگر می‌خواهند مرا خوشحال نمایند، امام را تنها نگذارند¹. به راستی که جهادگران و مجاهدان در نزد خدا قابل قیاس با بی‌تفاوتان نیستند².

«والسلام من اتبع الهدی»

1- در اصل وصیت «نگذارید».

2- ذیل وصیت آمده است: (اینجانب مجتبی مصطفی فرزند شهید عباسقلی مصطفی گواهی می‌دهم وصیت‌نامه فوق متعلق به شهید عباسقلی مصطفی می‌باشد).

نام: ستار
نام خانوادگی: مظفری
نام پدر: عیسی
نام مادر: ملکه
تاریخ تولد: دوم فروردین 1344
محل تولد: عراق
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هشتم بهمن 1362
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ من پای به این سرزمین مقدس گذاشته‌ام تا در راه اسلام با کفار بجنگم.
- ۱ من الان بر مرکبی تندرو سوار هستم که می‌خواهد مرا به سرمنزل مقصود برساند.
- ۱ حتماً نماز را بخوانید و یادتان نرود به نماز جمعه بروید.
- ۱ امام را دعا کنید و او را تنها نگذارید.
- ۱ افتخار کنید که شما هم شهیدی را به اسلام بزرگ و این انقلاب اسلامی تقدیم نموده‌اید.
- ۱ همانند کوه استوار باشید.
- ۱ استواری و پابرجایی شما است که وحدت و یکپارچگی بین امت اسلام حکم فرما است.
- ۱ امام را دعا کنید و او را تنها نگذارید.

ستار مظفری¹

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بر امام زمان (عج) و نایب بر حقش حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. بهتر است وصیت‌نامه‌ام را با سخنی از رسول اکرم (ﷺ) آغاز کنم که فرموده‌اند: خونی که در راه خدا ریخته شود با ارزش‌ترین خون‌ها است و همچنین حضرت امام فرموده‌اند: «شهادت فوزی بس عظیم است»².

من پای به این سرزمین مقدس گذاشته‌ام، تا در راه اسلام با کفار بجنگم و از حریم مملکت اسلامی دفاع کنم و اگر هم خدا قبول کرد در این راه شهید بشوم یعنی به آرزوی همیشگی برسم. من الان بر مرکبی تندرو سوار هستم که می‌خواهد مرا به سرمنزل مقصود برساند، منزلی که با رسیدن به آن سعادت می‌یابی و پای در مکانی دیگر می‌گذاری و با دنیای دیگر مأنوس می‌شوی که همه چیز در آن از روی حساب است.

خوب³ دوستانم: اگر من شهید شدم مرا از یاد نبرید، حتماً نماز را بخوانید و یادتان نرود به نماز جمعه بروید. زندگینامه و وصیت‌نامه‌های شهدا را بخوانید، امام را دعا کنید و او را تنها نگذارید، در تشییع جنازه‌ها و در مجالس مذهبی شرکت کنید.

سخنی چند با خانواده عزیزم و در حقیقت وصیتی چند به خانواده‌ام: ضمن سلام و درود بر شما از خداوند منان می‌خواهم که همیشه سالم و تندرست باشید. در مرگ من هیچ‌گاه ناراحت نباشید و افتخار کنید که شما هم شهیدی را به اسلام بزرگ و این انقلاب اسلامی تقدیم نموده‌اید⁴. همانند کوه استوار باشید زیرا از استواری و پابرجایی شما است که وحدت و یکپارچگی بین امت اسلام حکم فرما است. خانواده عزیزم اگر سرزمین

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- اشاره دارد به این سخن امام خمینی: «جوان‌های ما که اعتقاد به ماورای طبیعت دارند و شهادت را برای خودشان فوزی عظیم می‌دانند» (صحیفه امام، جلد 12، ص 267).

3- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «خوب».

4- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «نموده‌ای».

مقدس اعراب به دست سپاهیان اسلام از دست بعثیان¹ کافر آزاد شد و انشاءالله که می‌شود، شما هم به کربلا می‌روید و امام حسین (7) و دیگر ائمه را زیارت می‌کنید و از آنها بخواهید که این شهیدی که به اسلام هدیه نموده‌اید، قبول کنند. و سلام من را به خواهرانم برسانید و اگر احوال مرا پرسیدند و گفتند ستار کجاست بگویید به بزرگترین آرزوی خویش رسید و شهید شد، شما را به خداوند قسم می‌دهم که نگذارید ناراحت بشوند و گریه بکنند و اگر گریه‌تان گرفت، بروید حرم امام حسین (7) و برای او گریه کنید، برای سالار شهیدان گریه کنید، برای بهشتی‌ها²، رجایی‌ها³، باهنرها⁴ و برای صدرها⁵ گریه کنید و در ضمن مادر مهربانم شیرت را حلالم کن و اگر شهید شدم، برایم ناراحت نباش. سلام مرا به تمام دوستان و آشنایان و بالخصوص بچه‌های محل برسانید. امام را دعا کنید و او را تنها نگذارید، وصیت‌نامه‌ام را بخوانید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

ستار مظفری

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

نام: غلام
نام خانوادگی: ملاحی
نام پدر: سلیم بگ
نام مادر: منیره
تاریخ تولد: پانزدهم شهریور 1341
محل تولد: شهرستان ایلام
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یکم مرداد 1367
محل شهادت: میمک
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از
توابع شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ۱ راهی را انتخاب نموده ام که آخرش ملکوت اعلی و معراج سعادت احسن تقویم و مرکب آن مرگ سرخ است.
- ۱ به هیچ عنوان بر من گریه نکنید.
- ۱ اگر می خواهید روح من آزاده نباشد، بر شهادت من سعادت بورزید که فرزندان در راه خدا به لقاء پیوست.
- ۱ دست از حمایت امام و ولایت فقیه برندارید.
- ۱ در این زمان مرهون و بقای عمر جمهوری اسلامی می باشید.
- ۱ عمرتان را در راه تحصیل کمالات سپری کنید.
- ۱ نیکی ها را گسترش دهید.
- ۱ برادرانتان را در رسیدن به کمالات و معنویات الهی یاری کنید.

غلام ملاحی

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام به پیشگاه ولیعصر (عج) [و] نایب برحقش رهبر کبیر انقلاب اسلامی و شهدای والامقام و جانبازان گرانقدر که با ایثارگری‌های خود باعث عظمت اسلام و افتخار مسلمین شده و با گذراندن فراز و نشیب‌های جنگ به قیمت خون خویش تجربیات گران‌بهایی را به دست آورده و به مستضعفین جهان که به انقلاب اسلامی چشم دوخته‌اند هدیه نمودند.

نوشتن وصیت‌نامه افزون بر این که امری است عقلانی و شیوه‌ای است مرسوم بین خردمندان، در اسلام نیز بدان سفارش‌های مؤکدی شده است تا جایی که پیامبر کسی را که «بدون وصیت از دنیا برود، مرده‌ی دوره‌ی جاهلیت معرفی می‌کند»¹. سلام گرم به خانواده محترم و [...] مهربانم و هم‌سرم. اکنون که فرسنگ‌ها دور از دیدگان شما هستم در سرزمینی غریب که گویی بوی وداع می‌دهد و پهن دشت خوزستان که تربت آن با خون عزیزان جان‌باخته، رنگی به خود گرفته سلام گرم و بی‌پایان می‌فرستم.

روزها و ماه‌ها بود که در انتظار این روزها و لیلۃ‌القدرها بودم که در مکانی از دار دنیا خداحافظی کنم که حداقل از زادگاهم دور باشم. باور کنید که آرزو داشتم در خاک لبنان، آنجایی که ندای مظلومیتش به گوش همه‌ی مسلمانان رسیده است شهید بشوم. پس راهی را انتخاب نموده‌ام که آخرش ملکوت اعلی و معراج سعادت احسن تقویم و مرکب آن مرگ سرخ است. به هیچ عنوان بر من گریه نکنید و ناراحت نباشید اگر می‌خواهید روح من آزرده نباشد، بر شهادت من سعادت بورزید که فرزندان در راه خدا به لقاء پیوست. من از این دنیای هیچ و پوچ نه تنها توشه‌ای از معنویات برای خود بر نداشتم که در پیش خدا و ائمه اطهار روسفید شوم، بلکه از نظر مادیات چیزی نداشته و مقدار پولی که آن هم

1- ترجمه حدیث نبوی است که قال رسول الله (6) : «من مات بغير وصية مات ميت الجاهلية» (وسائل الشیعه، جلد 19، ص 295).

2- خوانا نیست.

خمشش را ندادهام که از آن وجه باقی مانده به اشخاص ذی‌صلاح بدهید تا برایم نماز [بخوانند]¹ و روزه بگیرند.

و تو ای مادر مهربانم از صمیم قلب تو را دوست دارم. ای کاش می‌دانستی چه شور و شوقی دارم. به هر حال از خداوند تبارک و تعالی توفیق سلامتی و صبر و بردباری برای همه شما خواهانم. اما همسر گرامیم، می‌دانم بر این راهی که من انتخاب کرده‌ام و این لباسی که من بر تن دارم کاملاً واقف هستی و خود شما از پیروان حضرت زینب (سلام‌الله علیها) هستید. می‌دانستم همسری انتخاب نموده‌ام که از نعمت‌های خدادادی است و در برابر تکلیف الهی سر تسلیم فرود می‌آورد و با رفتن این حقیر به جبهه‌های جنگ دعای خیرت بدرقه راهم می‌باشد. درود خدا بر تو باد که به پیام امام لیبک گفتی و دوشادوش زینبیاں زمان، حاملانی از آل بتول هستید. اینک سرآغاز زندگی نوین برایمان بود جنگ را ترجیح به زندگی شیرین دادیم. برای همیشه تو را می‌ستایم و از خداوند تبارک و تعالی توفیق، سلامتی و سعادت برایت خواهانم.

و شما ای برادران و دوستان گرامی، دست از حمایت امام و ولایت فقیه برندارید که در این زمان مرهون و بقاء عمر جمهوری اسلامی می‌باشید² که اگر لحظه‌ای غفلت کنید دشمنان انقلاب اسلامی جان تازه‌ای می‌گیرند و خون شهدای عزیز را پایمال می‌کنند و اسلام و مسلمین برای همیشه از روی زمین محو می‌شوند. عمرتان را در راه تحصیل کمالات سپری کنید و لحظه‌ای زندگی را در گردآوری فضیلت‌های علمی و عروج از پستی و نقصان به قله کمال و از فرودگاه جهل به اوج عرفان به کار گیرید، نیکی‌ها را گسترش دهید و برادرانتان را در رسیدن به کمالات و معنویات الهی یاری کنید.

امیدوارم همه شما برادران و دوستان مرا ببخشید و طلب بخشش از خداوند کریم و شما دوستان عزیز دارم. خداحافظ و به امید دیدار در یوم‌الحساب.

1- در اصل وصیت «بخوانند» افتاده است.

2- در اصل وصیت «می‌باشند».

امام حسین (7) فرمودند: «اگر دین محمد (6) جز با کشتن من پابرجا نمی ماند، پس ای شمشیرها پیکرم را قطعه قطعه کنید»¹. پس اگر جمهوری اسلامی با خون ما حیات می گیرد ای مسلسل ها پیکرم را در بر بگیرید.

خرمشهر - 64/11/20

غلامرضا ملاحی

وصیت‌نامه سردار رشید اسلام، شهید غلامی ملاحی

با ورود و سلام به پیشگاه ولی عصر (عج) و نائب بر حقش رهبر کبیر انقلاب اسلامی و شهادت والا مقام و جانبازان گرانقدر که با ایثارگری های خود باعث عنفوت اسلام و افتخار مسلمین شده و ما کثرتان فرز و نسلب های جنگ به قیمت خون خویش تجربیات گرانمایی را به دست آورده و به مستضعفین جهان که به انقلاب اسلامی چشم امید دوخته اند هدیه نمودند، نوشتن وصیتنامه افزون بر اینکه امری است غلامی و شیوه ای است مرسوم بین خردمندان - در اسلام نیز بدان سفارشهای موعودی شده است تا جایی که پیامبر کس را که بیرون وصیت کند - برود را مرده دوره جلالیت معرفی می کند.

دم گرم به خانواده محترم - مهربانم و همسرم

تکون که فرستگیا دور از دیدگان شما هستم در سرزمینی غریب که کوی بی وداع می دهد و بهن دشت خوزستان که تربت آن ما خون عزیزان جان باخته رنگی به خود گرفته، سلام گرم و سی پایان می فرستم. روزها و ماهها بود که در انتظار این روزها و ایله القرها بودم که در مکانی از دار دنیا خداحافظی کنم که حداقل از زادگاهم دور باشم. باور کنید که آرزو داشتیم در خاک ایمان- آنجایی که ندای مظلومیتش به گوش همه مسلمانان رسیده است، شهید بشوم. پس راهی را انتخاب نمودم ام که آخرش ملکوت اعلی و معراج سعادت احسن توفیق و مرتب آن مرگ سرخ است. به هیچ عنوان بر من کربه تکبید و ناراحت نباشید اگر می خواهید روح من آزرده نیامد. بر سعادت من بوزید که فرزندان در راه خدا به لقاء پیوست. من از این دنیای هیچ و بوج نه تنها نوشته ام از معنویات برای خود برداشتم که در پیش خدا و ائمه اطهار رو سفید شوم بلکه از نظر مادیات چیزی نداشته و مقدار پولی که آنهم خمسش را نداده ام که از آن وجه باقی مانده به اشخاصی صلاح بدیدم تا برایم نماز و روزه بگیرند. و تو ای مادر مهربانم، از صمیم قلب تو را دوست دارم. ای کاش می دانستی چه شور و شوقی دارم، به هر حال از خداوند تبارک و تعالی توفیق سلامتی و صبر و بردباری برای همه شما خواهم. اما همسر گرامی، می دانم بر این راهی که من انتخاب کرده‌ام و این لباسی که من بر تن دارم تماماً واقف هستی و خود شما از پیروان حضرت زینب هستی. می دانستم همسری انتخاب نمودم که از نعمت های خدادادی است و در برابر تکلیف الهی سر بسنجم فرود می آورد و با رفتن این خلیف به جبهه های جنگ دعای خیرت بدرقه راهم می باشد. درود خدا بر تو باد که به پیام امام تمیک گفتی و دوشادوش زینبیمان زمان - حاملانی از آل بتول هستی. اینکه که سزاغاز زندگی نوین برپایان بود، جنگ را ترجیح به زندگی شیرین دادیم برای همیشه تو را می ستایم و از خداوند تبارک و تعالی توفیق، سلامتی و سعادت برایت خواهانم.

و شمای برادران و دوستان گرامی:

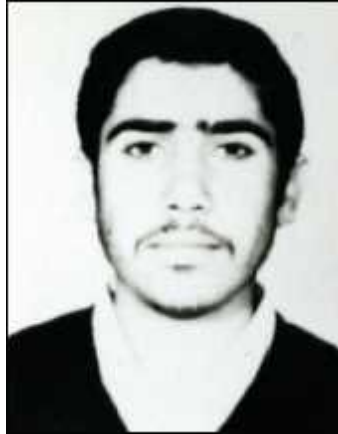
دست از حمایت امام و ولایت فقیه بردارید که در این زمان مروه و بقاء عمر جمهوری اسلامی می باشند که اگر لحظه ای لغت کنید دشمنان انقلاب اسلامی جان تازه ای می گیرند و خون شهدای عزیز را پایمال می کنند و اسلام و مسلمین برای همیشه از روی زمین محو می شوند. عمرتان را در راه تحصیل کمالات سپری کنید و لحظه ای زندگی را در گردآوری فضیلت های علمی و عروج از پستی و نقصان به لاله کمال و از فروگاه جهل به اوج عرفان به کار گیرید. نیکبها را کسرتش دهید و برادرانتان را در رسیدن به کمالات و معنویات الهی یاری کنید امیدوارم همه شما برادران و دوستان مرا ببخشید و طلب بخشش از خداوند کریم و شما دوستان عزیز دارم. خداحافظ و به امید دیدار در یوم الحساب.

امام حسین (ع) فرمودند:

اگر دین محمد (ص) جز یا کشتن من یا برجا نمی ماند پس ای قمشیریها پیکرم را قطعه قطعه کنید.
پس اگر جمهوری اسلامی با خون ما حیات می گیرد، ای مسلمنها پیکرم را در بر بگیرید.

خرمشهر - ۶۲/۱۱/۲۰ غلامرضا ملاحی

نام: شمس‌الدین
نام خانوادگی: ملایی
نام پدر: نوروز
نام مادر: حوری
تاریخ تولد: یکم اسفند 1348
محل تولد: روستای هاشم آباد از توابع
شهرستان ده شهر
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ونهم خرداد 1367
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ با فریاد رعدگونه، نفرت خود را علیه استکبار جهانی و ایادیشان اعلام دارید.
- ۱ هرگز پشت امام، این قلب تپنده امت اسلامی را خالی ننمایید.
- ۱ فرمان امام، پیر جماران را مد نظر قرار دهید.
- ۱ به جبهه بیاید که نور امید الهی در دلتان روشن شود.
- ۱ راه شهادت را از آزاد مرد اسلام امام حسین (7) سیدالشهدا آموخته‌ام.
- ۱ خدا یار و یاور امام و امت شهیدپرور باشد.

شمس‌الدین ملایی¹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»²

ای امت شهیدپرور ای سیل خروشان! هدف ما حفظ اسلام و انقلاب اسلامی است، پس با فریاد رعدگونه، نفرت خود را علیه استکبار جهانی و ایادیشان اعلام دارید. هرگز پشت امام این قلب تپنده امت اسلامی را خالی ننمایید. فرمان امام پیر³ جماران را مد نظر قرار دهید به جبهه بیابید که نور امید الهی در دلتان روشن شود. خدا با ما است هرگز به خود بیم راه ندهید، درنگ نکنید که دشمن ذلیل گردیده است.

ای مادر از اینکه تنها فرزند تو هستم به تو توصیه می‌کنم که اگر شهید شدم گریه نکنید چون من به سوی معبودم پیوسته‌ام و راه شهادت را از آزاد مرد اسلام امام حسین (7) سیدالشهدا آموخته‌ام، به جای آن برایم قرآن بخوانید تا آرامش خاطر پیدا کنم. پدر و مادرم همگام با خانواده شهدا با منافقین⁴ این دوستان دیرینه شرق⁵ و غرب⁶ بجنگید و در مقابل آنها ایستادگی نمایید به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی. خدا یار و یاور امام و امت شهیدپرور باشد.

شمس‌الدین ملایی

67/3/23

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- مائده/35. ترجمه: «ای اهل ایمان از خدا بترسید و (به وسیله ایمان و پیروی اولیای حق) به خدا توسل جویند و در راه او جهاد کنید. باشد که رستگار شوید».

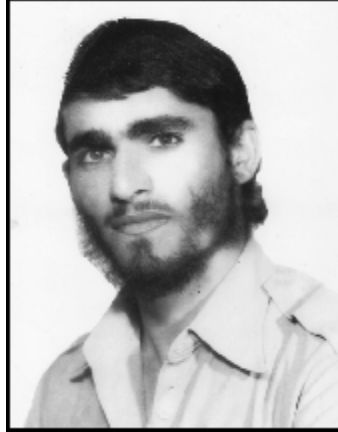
3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

نام: فرمان
نام خانوادگی: ملک احمدی
نام پدر: مرادعلی
نام مادر: طهینه
تاریخ تولد: یکم اسفند 1338
محل تولد: روستای کارزان سوفلا از توابع شهرستان
شیروان و چرداول
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یکم تیر 1366
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ای مادران مبدا از رفتن فرزندانمان به جبهه جلوگیری کنید.
- استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمانها برای تسکین دردها است.
- همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید.
- هرگز دشمنان پیش شما تفرقه نیندازند.
- در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید.
- خود را بسازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید.
- از شما می خواهیم که مردانه بجنگید و جبهه را خالی نگذارید.
- بهترین مرگ شهادت است.
- از شما خواهان و برادران عزیز می خواهیم که راهم را ادامه دهید.
- خواهران از شما می خواهیم که حجاب اسلامی را رعایت کنید.

فرمان ملک‌احمدی¹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»²

با عرض سلام و درود به آقا امام زمان و نایب برحقش امام خمینی و با سلام به رزمندگان کفرستیز انقلاب اسلامی ایران و با سلام و درود به تمامی شهدا، اسرا و مفقودین و معلولین.

در ابتدا من چند وصیت به جوانان رزمنده اسلام دارم. ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد. مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین (7) در راه حسین (7) و با هدف شهید شد. ای مادران مبادا از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید، که فردا در محضر خداوند نمی‌توانید جواب حضرت زینب (سلام الله علیها) را بدهید که تحمل 72 شهید را نمود. همیشه مثل خاندان وهب³ جوانانان را به جبهه‌های جنگ بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید، زیرا مادر وهب فرمود «سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیریم». برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردها است و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان پیش شما تفرقه نیاندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نسازند، که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابر قدرت‌ها است.

در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید و خود را بسازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید. اگر فیض شهادت نصیبتان شد، آنان‌که پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند و به ولایت فقیه اعتقاد ندارند، بر شما نگریند و در مراسم شما

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- محمد/7. ترجمه: «اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری و ثابت قدم خواهد کرد».

3- رک. تعلیقات.

حاضر نشوند. از شما می‌خواهم که مردانه بجنگید و جبهه را خالی نگذارید که دشمنان بر شما [...] ¹ به درگاه خداوند متعال باشد.

و اما چند وصیت به مادرم. مادر عزیز و مهربان و گرامیم من اگر مفقود شدم ناراحت نباش که زهرا (سلام الله علیها) مفقود است. مادرم اگر دو دستم قطع شد ناراحت نباش که ابوالفضل (7) هر دو دستش قطع گردید. مادر اگر جنازه‌ام را دیدی بگو که پسرم داماد شده و لیاقت شهادت را یافته. مادر تو خود می‌دانی که بهترین مرگ شهادت است و اگر که من لیاقت شهادت را داشتم، شهید می‌شوم. مادر این راهی است که همه باید این راه را بپذیرند و مادرم اگر من شهید شدم، همان‌طوری که من از کودکی به حد بلوغ رسیدم را با ناز و نعمت بزرگ کردید همان‌طور از تو می‌خواهم که تنها یادگاریم زهرا و فاطمه را نگه داری و آنان را اذیت و آزار ندهید و تو ای همسرم فریادت باید رسواگر یزید بغداد باشد. در خاتمه از شما می‌خواهم که امام را تنها نگذارید که پیروی امام سعادت دنیا و آخرت همهٔ مسلمین است و از فاطمه و زهرا خوب مواظبت کنید و راهم را ادامه بدهید و همیشه عبادت خدا کنید ² و با شجاعت و رشادت صبر کنید ³. به جان امام و حریت و پیروزی اسلام دعا کن و اگر در زندگی خدای نخواستہ از من به شما اذیت شده مرا ببخشید و از شما خواهران و برادران عزیز می‌خواهم که راهم را ادامه دهید و حسین‌وار بجنگید و خواهران از شما می‌خواهم که حجاب اسلامی را رعایت کنید و درس‌های خود را به خوبی بخوانید و از حرف مادر خویشتن اطاعت کنید.

«والسلام»

فرمان ملک احمدی

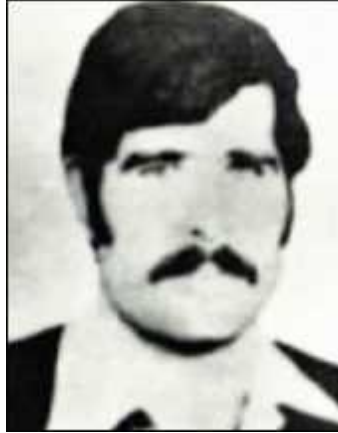
66/2/10

1- در اصل نسخهٔ تایپی و مورد تأیید بنیاد شهید افتادگی دارد.

2- در اصل وصیت «کن».

3- در اصل وصیت «کن».

نام: منصور
نام خانوادگی: ملک احمدی
نام پدر: حیدر
نام مادر: ماهیچه
تاریخ تولد: سوم مرداد 1328
محل تولد: روستای کارزان از توابع شهرستان
شیروان و چرداول
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم دی 1359
محل شهادت: میمک
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا اگر این سفر آخرم شد و شهید شدم شادی کنید.
- ا بنده خدایم، باید در راه او جهاد کنم.
- ا خدا مرا آزاد آفریده و باید آزاد زندگی کنم.
- ا باید هرگز زیر بار ظلم نرفت.
- ا باید تا آخرین قطره خون از دین و مملکت خود دفاع کرد.

منصور ملک‌احمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شهید منصور ملک‌احمدی:

پدر و مادر گرامی: اگر این سفر آخرم شد و برگشتم و شهید شدم شادی کنید و هرگز سیاه¹ نپوشید و اشک نریزید. زیرا که بنده خدایم، باید در راه او جهاد کنم خدا مرا آزاد آفریده و باید آزاد زندگی کنم؛ پس باید هرگز زیر بار ظلم نرفت و تا آخرین قطره خون از دین و از مملکت خود دفاع کرد.

اما پدر چون در پی بزرگ کردن من زحمت بی‌دریغ کشیده‌ای پس بر من حق داری و امیدوارم از پسر خوب نگهداری کنی و میراث ببری زیرا این بر من خوش است. همسرم توصیه من به شما این است که تنها فرزندم را که از من باقی مانده و جانشین من است مواظبت کنید و موظف هستید که او را به خوبی تربیت و از او شخص اسلام شناس، خلق دوست و میهن پرست بار آورید. همسرم اگر توانستید فرهاد را از یاد مبر که او یادگاری من است.

منصور ملک‌احمدی

(بِسْمِ تَعَالَى)

:: وصیت‌نامه شهید منصور ملک احمدی ::

پدر و مادر گرامی : گر این سفر آخرت شد و برنگشتم و شهید شدم شادی کنید و هرگز
سياه نبوشید و اشك نریزید زیرا که بنده خدایم باید در راه او جهاد کنم
خدا مرا آزاد آفرید و بایند آزاد زندگی کنم پس باید هرگز زیر بار ظلم نرفت و تا آخرین
قطره خون از دین و از مملکت خود دفاع کرد *

اسباب در بین مردم کردن من رحمت بی دریغ کشید * ای پس بر من حق داری و امیدوار
از بسرم خوب نگهداری کنید و میراث بیری زیرا این بر من خوش است * معسر توصیه من به
شما این است که تنها فرزندم را که از من باقی ماند * و جانشین من است مواظبت کنید و موظف
هستید که او را بخوبی تربیت و از او شخص اسلام شناس ، خلیف دوست ، و همین پرست بار آفرید *
معسر اگر توانستید ترسداد را از یاد ببر که او یادگاری من است *

منصور ملک احمدی

نام: حسین
نام خانوادگی: ملک پور
نام پدر: سیدرضا
نام مادر: جواهر
تاریخ تولد: 1345
محل تولد: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: -
تاریخ شهادت: بیست و هفتم مهر 1363
محل شهادت: زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت ترکش بر اثر بمباران هوایی
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا شهادت مرگ سعادت‌آمیزی است که آغازیدن مرگ زندگی پربار جدیدی را نوید می‌دهد.
- ا در حفظ و نگهداری انقلاب جانانه فداکاری کنید.
- ا سعی کنید اسلام را تقویت کنید.
- ا دفاع از میهن کار هر مسلمان است.
- ا مخصوصاً نماز را فراموش نکنید.
- ا مساجد به جماعت برگزار کنید.
- ا دست ضعیفان را بگیرید.

حسین ملک‌پور

بسم الله الرحمن الرحيم

[...] ¹ شربت شهادت نوشیدند، مطمئناً خون پاک آنان و همه شهیدان تداوم بخش انقلاب اسلامی ایرا[ن است] یاد آنان و همه شهیدان را گرامی داشته و راهشان را ادامه خواهیم داد. وصیت‌نامه این شهید گرانقدر بدین شرح است:

اینجانب حسین ملک‌پور تاریخ تولد 1345 صادره از صالح آباد مهران.

شهادت مرگ سعادت‌آمیزی است که آغازیدن مرگ زندگی پربار جدیدی را نوید می‌دهد. خوش به حال آنان که پیش از من به این فوز عظیم قائل شدند. در حفظ و نگهداری انقلاب جانانه فداکاری کنید. به یاران جوانم سفارش می‌کنم درسشان را بخوانند و تا هر موقع وجودشان لازم بود در راه اسلام جان بدهند. سعی کنید اسلام را تقویت کنید. می‌دانید دفاع از میهن کار هر مسلمان است. به تمام آشنایان سفارش می‌کنم در موقع ضرورت وجود خود را فدای اسلام کنند. امیدوارم همگی موفق باشیم تا که لایق اسلام باشیم، مخصوصاً نماز را فراموش نکنید و در مساجد به جماعت برگزار کنید. دست ضعیفان را بگیرید. وعده ما با شما بهشت موعود انشاءالله با ایمان و عمل خوب از این به بعد مسئولیت برعهده شماست.

«والسلام»

1- از شروع وصیت‌نامه برمی‌آید که ناقص است. قسمت‌های پیشین این صفحه وجود ندارد.

چونکه این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

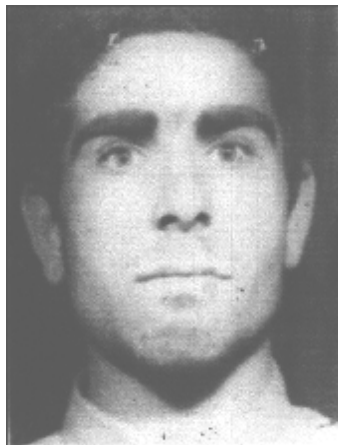
و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

و چون این کتاب در دسترس نیست و چون این کتاب در دسترس نیست

نام: حسین
نام خانوادگی: ملکی
نام پدر: امیر
نام مادر: ریحان
تاریخ تولد: 1314
محل تولد: شهر سومار از توابع
شهرستان قصرشیرین
تحصیلات: خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: -
تاریخ شهادت: هجدهم خرداد 1364
محل شهادت: اهواز
نحوه شهادت: بمباران هوایی
مزار: جاوید الاثر



عبارت های کلیدی

- ا مادر همان شیری که به فرزند عزیزت حسین داده ای حلالم کن.
- ا ما تا آخرین قطره خون ایستاده ایم.
- ا می خواهیم فتنه را از بین ببریم.
- ا پدرجان این فرزند برای همین روز است که دفاع از اسلام بکند.
- ا من باید مبارزه بکنم و تا آخرین قطره خون در بدن باید بریزم.
- ا پدرجان فرزندت هم چون علی اصغر (7) و علی اکبر (7) می جنگد و شهید می شود.

حسین ملکی

بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر عزیزم همان روزی که شما را ناراحت کردم، شب خواب نکردم. ولی پدر عزیزم و مادر عزیزم خواهش می‌کنم که مرا ببخشید و من از پدربزرگ و مادربزرگم خیلی خواهش می‌کنم، مرا ببخشند. ولی این را هم بگویم شب عملیات که گفتند برادران فردا عملیات است خیلی ناراحت شدم و به فکر شما و خواهرانم و دوتا برادر کوچک افتادم.

ولی مادرم این هم بدان همین موقع که وصیت‌نامه را نوشتم خیلی گریه کردم و وصیت‌نامه را نوشتم ولی من از عمه‌های خود خیلی خواهش دارم که مرا ببخشند. مادر همان شیری که به فرزند عزیزت حسین داده‌ای، حلالم کن و مادر عزیزم و پدر عزیزم و پدربزرگ عزیزم و مادربزرگ عزیزم هر کس از شما سؤال کرد این گریه [را] برای چه می‌کنی؟ در جواب بگویند: این گریه برای آن بی‌کسان است. مانند امام حسین (7) و امام حسن (7) که همچون نهر خروشان می‌درخشد و «حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً»¹ و ما تا آخرین قطره خون ایستاده‌ایم و می‌خواهیم فتنه را از بین ببریم.

بله پدر جان این فرزند برای همین روز است که دفاع از اسلام بکند. بله پدر جان فرزندت هم چون [مثل] علی‌اصغر (7) و علی‌اکبر (7) که شهید شدند مثل آنان می‌جنگد و شهید می‌شود ولی نه، شهید شدن به همین آسانی نیست. پس من باید مبارزه بکنم و تا آخرین قطره خون در بدن باید بریزم. والسلام دیگر عرضی ندارم.

فرزند شما حسین ملکی

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

1- بخشی از آیه 193 سوره بقره است. در اصل وصیت «لا تگونه».

بسم الله

پدر و مادر عزیزم همان روزی که ناراحت‌عما کردم عیب‌خواه‌ت کردم ولی من در عزیزم و مادر عزیزم خیلی خواهی می‌کنم که مرا ببخشد و من از پدر بزرگ و مادر بزرگم خیلی خواهی می‌کنم مرا ببخشد ولی این را هم بگویم عیب‌علیاتی که گفتند برادران فردا عملیات است خیلی ناراحت‌عندم و بگویم عما و خواهرانم و دو تا برادر که افتادم ولی مادرم این هم بدان همین موقع که وصیت‌نامه را نوشتم خیلی گریه کردم و وصیت‌نامه را نوشتم ولی من از همه‌های خودم خیلی خواهی دارم که مرا ببخشند مادر همان بی‌بره که به فرزند عزیزت حسین داده ای تمام کن و مادر عزیزم و پدر عزیزم و پدر بزرگ عزیزم و مادر بزرگ عزیزم هر کس از شما سوال کرد این گریه برای من کنی؟ در جواب می‌گویند این گریه برای آن بیگمان است همانند امام حسین

و امام حسن که همچون غیر غرویان می‌درخشد و حتی لاشکونه فتنه و ما تا آخرین ثانیه ^{خون} ایستاده ایم و سعی خواهیم فتنه را از زمین ببریم بلکه پدر جان این فرزند را برای همین روز که دفاع از اسلام بکنده بلکه بدرجان فرزندت مسیون مثل علی افضل و علی اکبر که شهید شدند مثل آنان می‌جنگد و شهید می‌شود ولی نه شهید شدن به همین آسانی نیست پس من باید مبارزه بکنم و تا آخرین قطره خون در بدن بمانم و سلام دیگر عرضی ندا رم

فرزند عما حسین ملکی و سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

نام: عباس
نام خانوادگی: ملکی
نام پدر: علی
نام مادر: بانو
تاریخ تولد: یازدهم فروردین 1335
محل تولد: شهرستان مهران
تحصیلات: خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هجدهم بهمن 1361
محل شهادت: گره شیر زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ از صمیم قلب به ندای «هل من ناصر ینصرنی» فرزند و وارث برومند حسین (7)، خمینی بزرگ و بت شکن لبیک گفته‌ام و این بار انشاءالله شهادت را از خودم می‌دانم.
- ۱ شهادت من را افتخاری برای خودتان بدانید.
- ۱ اگر از شهادت من غمگین شوید، دشمنان اسلام از شماها شاد خواهند شد.
- ۱ از شما می‌خواهم که امام عزیز را همیشه دعا کنید.
- ۱ همیشه به سهم خودتان سدی باشید در مقابل ضد انقلاب‌ها و شایعه افکن‌ها.
- ۱ کاری کنید که دیگران هم جوان‌هایشان را با میل به اسلام به جبهه‌های حق علیه باطل بفرستند.

عباس ملکی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»²«و ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی»³ امام حسین (7)

[...] فراوان بر امام امت، خمینی بت شکن، یگانه یاور مستضعفان عالم که بزرگیش صدبار بالاتر از آن است که وصفش را می کنند و سلام بر شهیدان خفته به خون راه حق که در راه اسلام و قرآن با کفارانی⁵ مبارزه کردند و در این راه شهید شدند، روحشان شاد و یادشان گرامی باد. سلام بر ملت شهیدپرور و مسلمان ایران که با فدا کردن و هدیه خون بهترین فرزندان خود درخت پر ثمر انقلاب را آبیاری نمودند. سلام، صد سلام و صد درود بر آن پدر و مادرانی که آنقدر محبت اسلام را در دل دارند که از فرزندان عزیز خود صرف نظر نموده و فدای اسلام عزیز می نمایند.

اما پدر عزیز و مادر مهربانم، شما که سالهای سال برای این فرزندان (عباس ملکی) زحمت کشیدید و در پی بزرگ کردن من رنجها کشیدید. اکنون که مرا بزرگ کرده اید و با شوق و میل فراوان به اسلام، مرا به جبهه فرستاده اید و هر بار که به جبهه رفته ام و شهادت نصیب نشده و به خانه برگشته ام و شما از آمدن من خوشحال می شدید، اکنون بدانید که من بعد از 2 سال و خورده ای⁶ در جبهه های حق علیه باطل دیگر به خانه بر نمی گردم و شماها دیگر انتظار مرا نکشید، که این بار من خالصانه از صمیم قلب به ندای «هل من ناصر

1- بالای وصیت نامه آمده است: «وصیت نامه شهید عباس ملکی».

2- بخشی از آیه 156 از سوره بقره.

3- ر.ک. تعلیقات ذیل «ان کان دین محمد...»

4- خوانا نیست.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «خورده ای»

ینصرنی¹ فرزند و وارث برومند حسین (7)، (خمینی بزرگ و بت شکن) لیبیک گفته‌ام و این بار انشاءالله شهادت را از خودم می‌دانیم و به این زودی‌ها نصیبم خواهد شد. از شماها می‌خواهم که هیچ‌گونه برای من ناراحت نباشید و شهادت من را افتخاری برای خودتان بدانید و اگر از شهادت من غمگین شوید، دشمنان اسلام از² شماها شاد خواهند شد و اگر در شهادت من نه فقط غمگین نشوید، بلکه شاد شوید، آن موقع است که دشمنان اسلام و دشمنان امام بزرگوارمان³ امام خمینی غمگین و مأیوس می‌شوند و اما از شما می‌خواهم که امام عزیز را همیشه دعا کنید و همیشه به سهم خودتان سدی باشید در مقابل ضد انقلاب‌ها و شایعه‌افکن‌ها و شماها در وقت شهادت من کاری کنید که دیگران هم از شما و امثال شما سرمشق بگیرند و جوان‌هایشان را با میل به اسلام به جبهه‌های حق علیه باطل بفرستند.⁴

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «به».

3- در اصل وصیت کلمه «بزرگوار» تکرار شده بود که یکی حذف شد.

4- در آخر صفحه اول وصیت‌نامه آمده است، ادامه دارد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَرَحْمَةِ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةِ اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ اَجْمَعِيْنَ
که خداوند بزرگوارم است همین بهت شکرت، یاد و استغفار عالم که در تکیه صد بار
تلاش می کنم و عرض می کنم و سلام بر مسلمانان حق تعالی چون راه حق که در راه و قرآن
با کف و آن نفس مبارک گرفته در راه راه کشیده شده روحانی شاد و پادشاه گرامی باد

در سلام نیت می نویسم و در بیعت با حق اقرار می کنم و با خدا می گردم و به دست خود بهترین مرتبه را می خواهم
در راه اسلام ایستادگی کنم و با هر کس که در راه حق می رود دوستی می کنم و با هر کس که در راه باطل می رود دشمنی می کنم
و در راه اسلام ایستادگی می کنم و در راه باطل ایستادگی نمی کنم و در راه باطل ایستادگی نمی کنم
با این در میان (عاشق حق) نیت کشیده بودم و در این نیت کرده ام من در میان کشیده و گفته ام که

میزان کرده اند ما سوختن زمین و فراق با کس که ما را جبهه فرستاده اند و هر بار که در جبهه رفتیم و شهادت
می دهیم شکر و در خانه برگشته ایم و شهادت می دهیم در حال حیات می شکریم و بعد از آن که در راه حق می رویم
و هر روز در جبهه های مختلف حق علیه الظالمین می جنگیم و تا جان ما را نگیرد و شهادت دیگر از ما نگیرد که این بار

من خلاصانه از صمیم قلب - بخای اول من با حق می گردم و در دست پروردگار حق تعالی است ((

(حق بزرگ است و من بیک گفته ام و این گناه است که از حرم می دانم و بعد از این روزها
تعمیر خواهد شد. که شایان می خواهم که هرگز برای من ناراحت نباشید و شهادت من از تقاری برای
خودتان بود و اگر در شهادت من ممکن شود از شهادت شما هم شهادت می آید خواهد بود و این روزها

من در خانه می گردم و شکر می گویم که شهادت اسلام و دشمنان اسلام و دشمنان تمام می گردم

در راه اسلام ایستادگی می کنم و با هر کس که در راه حق می رود دوستی می کنم و با هر کس که در راه باطل می رود دشمنی می کنم
در راه اسلام ایستادگی می کنم و در راه باطل ایستادگی نمی کنم و در راه باطل ایستادگی نمی کنم
وقت شهادت من که در راه اسلام ایستادگی می کنم و در راه باطل ایستادگی نمی کنم و در راه باطل ایستادگی نمی کنم
حق علیه الظالمین فرستاده اند و در دست پروردگار حق تعالی است ((



بسیار جوان بودم بدنگاه آمیزه گرافیک در راه برکت کردن بنگاه میزند عزیزم دلگام
که راه ما هرگز نایدی برکت گنبد و خوردنیز در راه اسام زینت و له با نشید و هاندید
کریمانه ای پناه کران نام من بود و فرزندش پیروز مهر برده تا ما دارم که در کرم در شهادت
سرم سپرد نشید و هرگز در شهادت من نکران و من میل بنا نشید و برای من که نگاه جمله مرتعال
آوردیون غنبت بنا نشید هر دو نام قدر مثل دفعه مای قبل و نظار برگشتن من در سر سحر میرودان
که من لیدر دار آینه اند که هم حدس زده ام و آینه ای که شروع شهادت در بود و هر دو اسم من من کنم
به نشید چشمم دشوار دم) و لیدر و دم که در صدم به نام خودت به برده و خواه نام نصیحت نشید
در شهادت من را به خود بود بدو ما دم نیکه که در شهادت من غرضی عظیم است
در نیست کسی بنویز بیاقتش را طاهره و من در دین راه افسوس میخورد که فقط یک حال دارم در ای
دیده ام که در ای گمان چندین طهر جان داشتم و در آن نقطه و من که به سینه در راه ایلام شهیدیم
نشیدم به ای بید و مادره هر دم تا دم به دناسا من که هم هست و در سر شانه ایان ذمام عزیزان را
دها کشید و برای من هم ارزش بطلید و لذت لایا خواه که برادران عزیزم باقر بیارم و حسین باقیم
و چون در عین بر روی دیوار برادران و خواه نام را خوب نگردد که کشید و نقد اینده که به آینه و عدل من
حسب کار در آینه را مکتب ناریا و به برکت کشید و من نصیحت با و دم است که نماز در زنده قضایام
نشید کشید نام که دنیا و دنیا و دنیا نشاید قضایایم جایزه بود و در وقت جگر صبح آمدید آینه کشید
نشید جایزه در قرآن مجید خوانید و در سر سوره الحجه بخوانید و خواند سده های قرآن در شهادت
سرا سید و تمام پاشا و در وقت ایران و حبس یک نام هر زنده پس که در کرم دست ان اسما و نقد
اندر کرم با نشید و لذت کشید شمول و شهادت نیا کشید که آینه جان ما ها خیلی لست از جان
نیا کشید که طی لشکر ایام حبس و آینه با طهارت و باشهر و ما و باید ~~عظیمه~~
در من سرا را که بغیر و ایامان غیر ملل آن را تا خون خود زنده کرده اند ~~هست~~ زنده تا دم و در شهادت
نشیدم را آن چنان در رسم بگرم که دیگر که جا نشیدم نشود ~~اسم~~ پیروز است

نام: نعمت‌الله
نام خانوادگی: ملکی
نام پدر: صیدحسین
نام مادر: گل‌انار
تاریخ تولد: یازدهم تیر 1340
محل تولد: روستای بیشه دراز از توابع
شهرستان دهلران
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوازدهم مرداد 1362
محل شهادت: قلاویزان مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم
شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ پدرم و مادرم و ای عزیزان اگر شهید شدم، اول سلام مرا به رهبرم برسانید.
- ۱ در هنگام عزاداری و تشریفات تبلیغ کنید که برای چه رفتم و برای چه کشته شدم.
- ۱ در راه خدا خدمتی صادقانه انجام دادم و انجام وظیفه نمودم و در راه خدا شهید شدم.
- ۱ شما عزیزان خدا در مقابل دشمنان اسلام، مانند کوهی استوار و سرسخت باشید. پدر و مادرم خواهشی که دارم این است بعد از من پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ۱ امام این پیر جماران را دعا کنید و تنها نگذارید.
- ۱ دنیا بدانند که اسلام پیروز بوده و هست.
- ۱ ما بنده خداییم و به سوی او می‌رویم.

نعمت‌الله ملکی¹

بسم‌الله الرحمن الرحيم

«رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدامنا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»²

خدایا به‌خاطر تو و اسلام تو و قرآن تو به هر کجای دنیا برای مبارزه سفر خواهیم کرد. خدا به‌خاطر رسیدن به تو و عشق به تو از همه چیز خود حتی از جان خود گذشتم و سراسیمه به‌سوی تو می‌آیم. امیدوارم که قبول فرمایید که من به‌جز گناه چیز دیگری در کوله‌بار خود ندارم به امید آنکه مرا مورد عفو قرار دهید و امام زمان (عج) از من و همه شما عزیزان خدا خشنود باشد. با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب امام عزیزمان امام خمینی فرمانده کل قوا و با درود به روان پاک شهیدان سرخ جامگان اسلام از هابیل³ تا حسین (7) تا شهدای هفت تیر⁴ و از شهدای هفت تیر تا شهدای راه حق و حقیقت، وصیت‌نامه خود را به‌نام خدای یکتا آغاز می‌کنم.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»⁵

«مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه ایشان زنده‌اند و از نعمت‌های الهی بهره‌مندند». پدر و مادرم درود بر شما که با زحمت‌های فراوان از دوران کودکی با هر ناراحتی و دردی مرا بزرگ کردید و به جبهه حق فرستادید تا با دشمنان اسلام مبارزه کنم. درود بر شما باد که به من یاد دادید لبیکی را که حسین در هزار و چهارصد سال پیش «هل من ناصر ینصرنی»⁶ آن را گفته است. خداوند در این دنیا و هم در دنیای آخرت اجر عظیمی به شما عنایت فرماید. پدرم و مادرم و ای عزیزان اگر شهید شدم اول سلام مرا به

1- در نسخه تاپی وصیت‌نامه تصویر شهید و این آیه از قرآن آمده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

2- بقره/250.

3- ر. ک. تعلیقات.

4- ر. ک. تعلیقات.

5- آل عمران/169

6- ر. ک. تعلیقات.

رهبرم برسانید، ثانیاً در هنگام عزاداری و تشریفات تبلیغ کنید که برای چه رفتیم و برای چه کشته شدم. بگویید که من راه خود را شناختم و در راه خدا خدمتی صادقانه انجام دادم و انجام وظیفه نمودم و در راه خدا شهید شدم و امیدوارم به درگاه خداوند که مرا مورد عفو و رحمت خود قرار دهد و مرا از سربازان پاک امام زمان (عج) قرار دهد و شما عزیزان خدا در مقابل دشمنان اسلام مانند کوهی استوار و سرسخت باشید. پدر و مادرم خواهشی که دارم این است بعد از من پشتیبان ولایت فقیه باشید و امام این پیر جماران¹ را دعا کنید و تنها نگذارید. خواهشی دیگر که دارم این است هر کس بر سر قبرم آمد از پدر و مادرم و بقیه قوم و خویشانم مرا حلال کنند و اگر ناراحتی نیز از من داشته‌اند مرا ببخشند و این به جای خداحافظی من می‌باشد. پیام دیگری ندارم چون شما تک تک پیام هستید برای مردم و مستضعفین دنیا، و دنیا بدانند که اسلام پیروز بوده و هست و ما بندهٔ خداییم و به‌سوی او می‌رویم.

امیدوارم به درگاه خدای یکتا که به شما بازماندگان اجری عظیم و صبری کثیر عنایت فرماید. اما تو ای مادرم مانند مادرهایی باشید که فرزند یا شوهر خود را فدای اسلام کرده و باز با صدای بلند فریاد می‌زنند «جنگ جنگ تا پیروزی» امید است که خدا مرا از بندگان شهید خود قرار دهد و در پایان التماس دعا دارم. به امید پیروزی نهایی رزمندگان پرتوان اسلام و سلامتی و طول عمر برای رهبر انقلاب.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

نعمت الله ملکمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّ يُؤْتَوْنَ أَجْرًا عَظِيمًا
 وَكَانَ

شهید

نعمت الله

ملکی



وصیت نامه

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوْا قَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ .

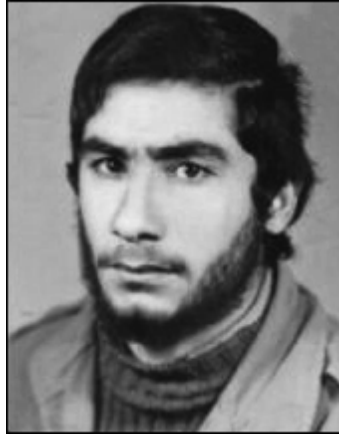
دایا بخاطر تو و اسلام تو بپه کجای دنیا برای مبارزه سفر خواهم کرد
 خدا بخاطر رسیدن بتو و عشق بتو از همه چیز خود حتی از جان خود گذشتم
 و سراسیمه بسوی تو میام امید دارم که قبول فرمائید که من چیز نشاء چیز دیگری در کوله
 بار خود ندایم یا امید آنکه مرا مورد عفو قرار دهی و بدو عالم زبان من از من و همه نسوا
 عزیزان خدا بخشود باشد . با درود نراوان به رهبر کبیر انقلاب امام عزیزان امام
 خمینی فرماید که کتای با درود بر اوان پاک شهیدان من جانتان اسامی از دایم
 تا حسین (ع) تا شهیدای هفت تیر و از جادای هفت تیر تا شهیدای راه حسن
 و حقیقت و وصیتنامه خود را بنام خدای یکتا آغاز میکنم .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَّهُمْ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ عَدَد
 رَجْمِ بَرَزَوْنِ . هَسْأَرِدَ أَنَّكَ دَرِ رَءِ خَدَا كَسْتَه شَدْمَانَد مَرْد مَانَد بَلَكَه اِيْشَان زَنده
 اند وَ زَنده تَهی اَلِسِ بَهْرَه نَدَه پَد رَه تَدِمِ دَر و دِ پَرَشَا كَه بَا زَحْمَتِ نَرَاوَان
 از دیران کون کجها هرتا راحتی و دردی مرا بزرگ کرده بدو چه جبهه حق فرود ننداشتا
 با دشمنان اسام مبارزه کنم درود پر شط باه که به من یاد دادید لیلی راه حسین
 در هزار و چهارصد سال پیش (هل من ناصر ینصرنی) آنرا گفته است . خداوند
 در این دنیا و هم در دنیای آخرت اجر و پاداشی به نیت مراد میدهد . پدرم میادیم
 وی عزیزان اثر شهید شدن اول سوره موا به رحیم برسانید . انیا هر روز تکلم
 خاداری و تشنگی تملین کنید که برای چه رفتیم و برای چه کت شدیم بگوئید که من
 راه خود را شناختم و در راه خدا شدیم حادثات انجام دادیم و انعام بخشدیم
 نمودم و در راه خدا شهید شدیم و امید دارم که در راه خداوند که مرا مورد عفو و رحمت

خود قرار دهد و مرا از سرایان پاک امام زمان حج قرار دهد . و شما عزیزان خدا در قابل دشمنان اسلام مانند کوهی است توار و سرسخت باشید پدر و مادرم خواهش که دام اینست بعد از من پشیمان و لایق توبه باشید و امام این پیر جباران را دعا کنید و تنها نگذارید . خواهش دیگر که دام اینست هر کس بر سر قدم آمد از پدر و مادرم و توبه تم و خوشنام مرا حلال کند و اگر ناراحتی نیز از من داشته‌اند مرا ببخشند و این بجای خدا حافظی من میباشد پیام دیگری ندادم چون شما تك پیام هستم برای مردم و مستضعفین دنیا و دنیای بعد از آنکه اسلام پیروز بوده و هست و ما بنده خدا هستیم و میرویم .

امید دارم بدرگاه خدای یکتا که شما بازماندگان اجری عظیم و صبری کثیر عنایت فرمایند . اما توای مادرم مانند مادرهایی باشید که فرزندان یا شوهر خود را فدای اسلام کرده و باز با صدای بلند فریاد میزنند " جنگ جنگ تا پیروزی " امید است که خدا مرا از بندگان شهید خود قرار دهد و در پایان التماس دعا دارم . با امید پیروزی نهائی رزمندگان بر توان اسلام و سلامتی و طول عمر برای رهبرانقلاب . والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نام: عجم
نام خانوادگی: ملکی
نام پدر: محمد
نام مادر: سحر
تاریخ تولد: سی ام شهریور 1340
محل تولد: شهرستان مهران
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و هشتم بهمن 1362
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از
توابع شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ا چیزی که ما را به این سرزمین می آورد مسئولیت و تعهد است.
- ا در مقابل خون پاک شهدا باید جوابگو باشیم.
- ا در این سرزمین احساس می کنم که در کنار پیامبر اکرم (ﷺ) می جنگم و هر لحظه امام زمان (عج) را می بینم.
- ا ما به خاطر انتقام گیری و کشورگشایی جنگ نمی کنیم، فقط برای رضای خدا به جبهه می روم.
- ا خدایا از تو می خواهم که توفیق شهادت را نصیبم کنی.
- ا از همه شما می خواهم که هیچ وقت امام را تنها نگذارید.
- ا جز برای رضای خدا و جهاد در راه او مقصدی نداریم.
- ا شهادت فرزند، پدر و مادر را نزد رسول (ﷺ) و فرزندان آن بزرگوار رو سپید می کند.
- ا از خون این جوانان است که اسلام رشد می کند و درخت آن به ثمر می رسد.
- ا روی قبر من نویسد جوان ناکام، چون من به کام خود رسیده ام.

عجم ملکی

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت‌نامه پاسدار و دانش‌آموز ایثارگر: شهید عجم ملکی
 «من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من
 عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانادیته»¹.
 «آنکس که مرا طلب کند می‌یابد، آنکس که مرا یافت می‌شناسد، آنکس که مرا شناخت
 دوستم می‌دارد، آنکس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد، آنکس که به من عشق
 ورزید، من نیز به او عشق می‌ورزم، آنکس که به او عشق می‌ورزم می‌کشم، و آنکس را که
 من بکشم خونبهایش بر من واجب است و آنکس که خونبهایش بر من واجب است، پس
 من خودم خونبهایش هستم».

«ما با خدای خود عهد بسته‌ایم که دنباله‌رو قیام امام حسین (7) باشیم»². (امام خمینی)
 به‌نام خدا و با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و همه شهدای انقلاب اسلامی و جنگ
 تحمیلی.

قسم به خون شهدای این سرزمین، چیزی که ما را به این سرزمین می‌آورد مسئولیت و
 تعهد است. چون در مقابل خون پاک شهدا باید جوابگو باشیم و جز برای رضای خدا و
 جهاد در راه او مقصدی نداریم.

برادران و خواهران، می‌دانید که شهادت در راه خدا آنقدر شیرین است که مانند گل رز
 خوشبو و در این سرزمین احساس می‌کنم که در کنار پیامبر اکرم (6) می‌جنگم و هر
 لحظه امام زمان (عج) را می‌بینم و چشمم به جمالش روشن می‌شود و اما برادران و
 خواهران بدانید که ما به‌خاطر انتقام‌گیری و کشور گشایی جنگ نمی‌کنیم و من فقط برای
 رضای خدا به جبهه می‌روم و هر قدمی که برمی‌دارم و گلوله‌ای که شلیک می‌کنم و قلب

1- ر.ک. تعلیقات ذیل «من طلبنی وجدنی و...».

2- صحیفه امام، ج 15، ص 9.

دشمن را هدف می‌گیرم به یاری خدا می‌باشد و [برای] هر گلوله‌ای که به بدنم می‌خورد به یاری خدا تحمل می‌کنم درد و زجرش را که شیرین‌تر از عسل می‌باشد.

بار خدایا الان که دارم این وصیت‌نامه را می‌نویسم «چندمین وصیت‌نامه است که می‌نویسم»¹، خدایا مگر دوست نداری که به فیض این سعادت عظیم برسم. خدایا از تو می‌خواهم که توفیق شهادت را نصیبم کنی، مرگ پر افتخاری که بارها به آن نزدیک شده‌ام ولی نصیب نشده است. شاید لایق شهید شدن نباشم، زیرا شهید مقامی والا دارد و من فردی گناهکار و خوارم.

از پدر و مادرم و خواهران و فامیلان می‌خواهم که در تشییع جنازه‌ام فقط ذکر خدا با بگویند و الله اکبر را تکرار کنید. پدر و مادر عزیزم حلالم کنید و از شما می‌خواهم اگر به عللی جنازه‌ام به دست شما نرسید ناراحت نباشید و آن زمانی را به یاد بیاورید که علی اکبر (7) وارد میدان جنگ شد و با زبان تشنه به شهادت رسید و امام حسین (7) بالای سرش قرار گرفت و در اینجا یک مثال برای شما می‌زنم و آن این است که شما وقتی به مرضی مبتلا شوید به دکتر مراجعه می‌کنید و دکتر به شما دواهایی می‌دهد و تلخ و ناگوار است وقتی که آنها را می‌خورید و پس از چند ساعتی به شما بهبود و آن صورت خسته و رنجیده را شاداب می‌کند، شهادت فرزند برای پدر و مادر همانند آن دوا می‌باشد که آنها را نزد رسول (6) و فرزندان آن بزرگوار رو سپید می‌کند و بدانید که از خون این جوانان است که اسلام رشد می‌کند و درخت آن به ثمر می‌رسد.

سخنی چند با برادرم شیرزاد. عزیزم می‌دانم که بدنم پس از شهادت با² دست تو نقل و انتقال می‌یابد، ابتدا پدر و مادرم را کنار جسدم بیاوری و بدنم را به آنها نشان دهی و بگو که امانتی که در دست شما بوده به صاحب اصلیش برگردانید. ناراحت نباشید و روی قبر من ننویسید جوان ناکام، چون من به کام خود رسیده‌ام.

1- در دوران جنگ مرسوم بود رزمندگان در هر عملیات وصیت‌نامه‌ای می‌نوشتند. اگر در آن عملیات شهید نمی‌شدند در عملیات بعد وصیت‌نامه‌ای دیگر می‌نوشتند. در مواردی همان وصیت قبلی را تمدید می‌کردند.

2- در اصل وصیت «به».

از عمه و عموهایم می‌خواهم اگر برای من ناراحت شدید آن زمان را به یاد بیاورید که در صحرای کربلا امام حسین (7) بر بالای سر قاسم (7)¹ قرار گرفت، برای امام حسین (7) و فرزند سیزده ساله امام حسن (7) گریه کنید. از همه شما می‌خواهم که هیچ‌وقت امام را تنها نگذارید و برای سلامتی ایشان دعا کنید، به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

«من الله التوفیق»

عجم ملکی از جبهه جنگ

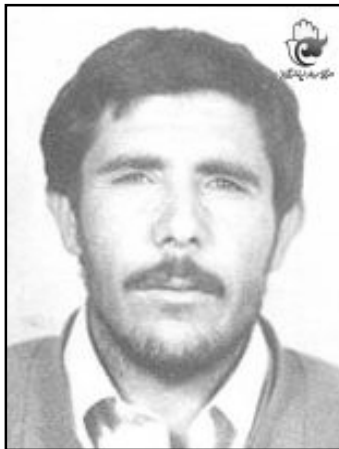
لا سئفنی چند با برادریم شیرراد

عزیزم من دلم که بگویم بین از شما دست به دست نوشتن و امضا من باید ، ابتدا بررو ما درم را کنار هم در بیادری و بعد
 در آنجا سنان دهن و کتو که امانی که در دست شما بوده مناجب از هلیس برگرداندهاید بار اصب یا سید و روی قبر من
 نور سیر جریان تا کام و چون من و کام خود دیده ام ، از همه و همه طایم میولمم گدای من با از همه شیدا آن زمان
 را عیار یا و دیگر که در محسولی که بلا امام حسن ده و بر بالای سر دم ده ، قرار گرفته ، برای امام حسن ده و فرزندان
 سیزده ساله امام حسن کزبه کنی ، از همه ضامن خدایم که هیچ وقت امام را نخواهد کرد در بر و برای سلامتی ایشان دعا
 کنید ، با امید بیروزی اسلام بر کفر جنتی .

من الله العزیز

عجم سلکی از عید جنگ

نام: الیاس
نام خانوادگی: ملکی
نام پدر: شیخه
نام مادر: کوکب
تاریخ تولد: 1310
محل تولد: روستای دنه از توابع شهرستان دهلران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری
تاریخ شهادت: سیزدهم مهر 1359
محل شهادت: موسیان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ا به رهبرم می گویم پیروزیم، زیرا که رهنمود ایشان این جهت را به من آموخت.
- ا من اسلام بدون روحانیت را نپذیرفتم.
- ا اسلام منهای روحانیت را مانند جامعه بدون رهبر و راهنما می دانم.
- ا نهضت تا پیروزی کامل اسلام بر کفر و تا پیروزی حاکمیت الله بر سرزمین، ادامه دارد.
- ا من مصراً از شما می خواهم که برایم گریه نکنید و شاکر باشید.
- ا همسر عزیزم و فرزندان خوب و قشنگ، امیدوارم راهی جز راه خدا را در پیش نگیرید.
- ا علاقه و محبت به راه الله و عشق به شهادت را خویشتن انتخاب نموده ام.
- ا پیروزی و نصرت همه رهروان طرق سبیل الله را از خداوند بزرگ مسئلت دارم.
- ا عاجزانه خواستارم که خون شهیدان زنده نام و همیشه جاوید انقلاب سرخ ایران را که حیات بخش مستضعفین است، نگذارید پایمال شود.

الیاس ملکی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه: به نام پروردگار در هم کوبنده کاخ ستمگران
 درود بر رهبر انقلاب امام خمینی و سلام بر شهیدان انقلاب اسلامی ایران. به رهبرم
 می‌گویم پیروزیم زیرا که رهنمود ایشان این جهت را به من آموخت. به اتم می‌گویم به پا
 خیزید و هوشیار باشید که خدای نخواستہ، اگر غفلت کنید تا ابد شکست خورده‌ایم.
 و به مسئولین می‌گویم که اگر دربارهٔ مسئولیتی که به تو محول شده لاقید باشید و
 چنانچه خیانت کنید راه کفار را خواهید رفت. و به همسر و فرزندانم می‌گویم مطمئن
 باشید تا امت مسلمان در صحنه جریانات تاریخ‌ساز انقلاب است، در پیروزی انقلاب شکی
 نیست و به تو ای منافق² و وابستهٔ امریکایی... و ضد انقلاب بدون رودربایستی³ بگویم که
 هر چه بکنید انقلاب به جهان صادر خواهد شد و به همهٔ مستکبران هم فهماند که ما له
 می‌کنیم همهٔ کسانی را که بخواهند با ما جنگ کنند.

و به شما بگویم که من اسلام بدون روحانیت را نپذیرفتم و اسلام منهای روحانیت را
 مانند جامعهٔ بدون رهبر و راهنما می‌دانم و شما هر قدر بخواهید روحانیت را تضعیف کنید
 ضعف خویش را نشان می‌دهید و اگر شایعه پراکنی کنید مطمئن باشید که باز حرکت شما
 در بین مردم معلوم و عیان است. نهضت تا پیروزی کامل اسلام بر کفر و تا پیروزی
 حاکمیت الله بر سرزمین ادامه دارد.

اکنون که وصیت‌نامهٔ مرا باز می‌کنید می‌دانم که چشمانتان اشکبار شده چون ذاتاً در هر
 خانواده‌ای که شهید می‌دهند اینکه در بستر مرگ طبیعی می‌میرند چنین حالتی رخ می‌دهد
 ولی من مصرأً از شما می‌خواهم که برایم گریه نکنید و شاکر باشید. همسر عزیزم و

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- رک. تعلیقات.

3- در نسخه تاپی و مورد تأیید بنیاد شهید «رودروایستی».

فرزندان خوب و قشنگم! همه شما را به خدا می‌سپارم و امیدوارم راهی جز راه خدا را در پیش نگیرید.

پسر عزیزم! اکنون تو هستی که باید خواهرانت را که هنوز چیزی درک نمی‌کنند، بار آوری و به تو می‌گویم که خدا بهترین و برترین راه‌هاست. پوینده و کوشنده در این راه باش و من کسی را نداشتم که مرا راهنمایی نماید ولی علاقه و محبت به راه الله و عشق به شهادت را خویشتن انتخاب نموده‌ام. انشاءالله و تعالی همگی پوینده راه الله باشید.

پیروزی و نصرت همه رهروان طرق سیبیل الله را از خداوند بزرگ مسئلت دارم و طول عمر رهبر انقلاب، نابودی دشمن همه مستکبران را از خداوند عزوجل آرزو دارم و از همه خواهران و برادران عاجزانه خواستارم که خون شهیدان زنده نام و همیشه جاوید انقلاب سرخ ایران را که حیات بخش مستضعفین است، نگذارید پایمال شود. به امید پیروزی مستضعفین و زاغه‌نشینان بر مستکبرین و کاخ‌نشینان.

«والسلام»

الیاس ملکی

نام: منصور
نام خانوادگی: ملکی
نام پدر: احمد
نام مادر: اصله
تاریخ تولد: پنجم فروردین 1319
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع شهرستان مهران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نوزدهم بهمن 1361
محل شهادت: گره شیر شهرستان مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ ای عزیزان، ای مسلمانان، درس شهادت طلبی و ایثارگری [را] از شاه شهیدان حسین بن علی (7) بیاموزیم.
- ۱ ای عزیزان زمان، زمان جهاد رد راه آرمانهای مقدس اسلام است.
- ۱ وقت، وقت ایثارگری است.
- ۱ زمانی است که باید به دنیا بفهمانیم که ما زیر بار ذلت نمی‌رویم و روی پای خود می‌ایستیم.
- ۱ باید مثل مولایمان همانند پیامبران با دشمنان سخت و با برادران دینی و مسلمان خود لطیف و نرم باشیم.
- ۱ در حال حاضر «اسلام و کفر در مقابل هم قرار گرفته است».
- ۱ در این زمان است که باید دین خود را نسبت [به] اسلام و مسلمین و میهن ادا کرد.
- ۱ رهنمودهای رهبر عزیزمان را چراغ راه هدایت و سعادت خود قرار دهید.
- ۱ به ندای رهبر که ندای حسین (7) است، ندای علی بن ابی طالب (7) است و ندای پیامبر اسلام است، با خلوص تمام لبیک بگویید.
- ۱ نگذارید جبهه‌ها خالی بماند.

منصور ملکی

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام [و] درود به محضر مبارک و خجسته آقا امام زمان و نایب برحقش امام خمینی و با سلام و درود به تمامی رزمندگان کفر ستیز اسلام و خانواده‌های¹ شهدا.

خدایا خداوندا، شکر تو را به جای می‌آورم که توانستم چند صباحی از این عمر خودم را در خدمت اسلام در مرزهای خونبار اسلام بگذرانم.

الهی دلم در حال پرواز به سوی معشوق است و هر لحظه هوای پرواز کردن به سوی تو و به قرب تو [را] در خود می‌پروراند² و در حال حاضر با چشم باطن خود به عمق جهان ابدی نائل آمدم و پی بردم و با چشم خود زیبایی‌ها و نعمت‌های بهشتی و رودها و آب‌های روان و زلال را دیدم و درک نمودم و کوله‌بار سفر را آماده کرده و آماده سفر هستم. سفری بسیار طولانی و راهی پر پیچ و خم³ سفر و راهی که هر انسان این راه بزرگ را در پیش دارد و باید بپیماید.

پس ای عزیزان ای مسلمانان درس شهادت طلبی و ایثارگری [را] از شاه شهیدان حسین بن علی (7) بیاموزیم. مگر ما پیرو حسین بن علی (7) نیستیم؟ مگر حسین مولایمان نیست؟ پس ای عزیزان زمان، زمان جهاد در راه آرمان‌های مقدس اسلام است. وقت، وقت ایثارگری است. زمان زمانی است که باید به دنیا بفهمانیم که ما زیر بار ذلت نمی‌رویم و روی پای خود می‌ایستیم و باید مثل مولایمان، همانند پیامبرمان، با دشمنان سخت و با برادران دینی و مسلمان خود لطیف و نرم باشیم. این دوران که عکس دوران پیامبر است و یا بهتر بگویم همانند زمان پیامبر است، در حال حاضر «اسلام و کفر در مقابل هم قرار گرفته است»⁴ و در زمان پیامبر حضرت علی (7) در مقابل پهلوان قریش

1- در اصل وصیت «خانواده‌های».

2- در اصل وصیت «می‌پروراند».

3- در اصل وصیت «راهی پر پیچ و خم».

4- عبارت شهید برگرفته از این سخن حضرت امام خمینی است: «ملت عراق بدانند که امروز جنگ بین اسلام و کفر است» (صحیفه امام، جلد 11، ص 239).

عمرو بن عبدود ایستاد و او را از پای در آورد و در این زمان است که باید دین خود را نسبت [به] اسلام و مسلمین و میهن ادا کرد.

و ای عزیزان رهنمودهای رهبر عزیزمان را چراغ راه هدایت و سعادت خود قرار دهید همانطوری که¹ قرار داده‌اید و به ندای رهبر که ندای حسین (7) است، ندای علی بن ابی طالب (7) است و ندای پیامبر اسلام است، با خلوص تمام لبیک بگویید² و نگذارید جبهه‌ها خالی بماند.

³ هل من ناصر ینصرنی

⁴ «والسلام»

1- در اصل وصیت «همانطوری که»

2- در اصل وصیت «بگوید»

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «وسلام».

در وصفه نقالی ۹۹

باسم دود بخفته سرو عتبه آتا نام از نام دانای بر حقیقت اسم خفیه -
و با اسم دود به تالی رزمندگان کفر بشیر اسم و هزاره از دنیا عظم محمد
خدا یا خداوند است که در راه جبار هم اگر کم که تو زستم عهد صبحی نزار این همه حرم را
در خدمت اسم در سرهای خد بسیار اسم بگذرانم .
المسرد حال بی روزی سنی مستون آت و قدر خفته هوی بر در دوران به سری تو
و به ترس تو خردی روانه و در حال طوفان با عیت باطن خرد به سخن محال
امی نامل که نام دبی یازم و با عیت خود ز با بیا در دین سر شسته دود ما و آگاهی سر

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
 در راه مبارزه با رژیم و کربانان شهیدان آماده کرده و کاره اسفند مستم
 مسرو بسیار جزو او را هم بفرستیم سفرد را هم دلمه اسفند این راه سزگر
 راه پیش دارد و ما به میاید

دکترای مسزول ای سفاک درین شهادت علمی و ایندگی از شاه اسفند
 حسین بن علی با صوم سسر شایر و حسین بن علی نیتیم سسر سزگر
 سزگر بین ای مسزول رسال رحال محمد در راه اگر ما سسر سزگر
 کت و کت و کت ای سزگر زمال رای کت به باید به دنیا بیا بیا
 ما در راه کت سزگر و روی پای خود ای سیم و باید مثل مراد مال هاشم با سزگر
 ما در راه کت و ما در راه کت و سزگر خود لطیف تریم ما سیم

در کس دوری بیاستد و با جشم کعبه هانده زان بیاید
 آیت رحال مافرا سدم رکن در شابل هم ز کز بر قتم است و در زان بیاید
 حضرت علی در شابل هر کس غمزدین غمزدود مستجاب و اورا در یا مستجاب کرد
 و در این زان است که باید پس هم زود است و سدم و سمن و سمن
 ادا کرد

در این غمزدین هر روز خانی هر روز غمزدینم را در این راه هدایت است خرد کرد
 دهید همانا نطویم قدر داده اید و در ناسر و سبکه ندای حسین است
 ندای علی حسین و سبک است و ندای بیاید سدم است با فرعون نام

سبک کردید و غمزدین هر چه ما خانی بماند • هر سده غمزدین

میرزا

نام: موسی
نام خانوادگی: ملکی
نام پدر: هاشم
نام مادر: خانم جان
تاریخ تولد: دوم خرداد 1341
محل تولد: شهرستان دهلران
تحصیلات: دوم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری
تاریخ شهادت: پانزدهم شهریور 1362
محل شهادت: زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای شهر میمه از توابع
شهرستان دهلران



عبارت های کلیدی

۱ از شما می خواهم راه مرا که همان راه اسلام است ادامه دهید.

۱ امام را تنها نگذارید.

۱ همچون کوه استوار و محکم و پایدار باشید.

۱ سرانجام حق بر باطل پیروز است.

موسی ملکی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا تو شاهد باش که من در این راه کورکورانه قدم برداشته‌ام و از روزی که تو را به یگانگی شناختم در قلبم جرقه‌ای از ایمان پدیدار شده و از همه چیز خود گذشتم و به تو پیوستم.

برادران عزیز از شما می‌خواهم راه مرا که همان راه اسلام است، ادامه دهید و امام را تنها نگذارید و همچون کوه استوار و محکم و پایدار باشید که سرانجام حق بر باطل پیروز است و صاحب ما چندی خواهد آمد و انتقام خون ما را خواهد گرفت.

به هر کس میسر نگشت این سعادت	نصیب هر کس مباد این سعادت
انسان باشد انسان آنکه می‌میرد تا	(گفتم) (گفتا)
گفتم ثنا گفتم به جانبازان	گفتم وطن گفتا بگو مقصد دلیران
گفتم سرود دلکش و نغمه‌رهای	گفتا که باشد سرها در راه جانبازان
گفتم جمال نور حق خواهم که دیدن	گفتا برو بین لاله‌های سرخ ایران
گفتم کجا عشق و رمز آشنایی	گفتا برو به جبهه پیش جان‌نثاران
گفتم باشد وحدت این زیباترین شعر	گفتا اسلامی ضد استکبار و طغیان
چگونه می‌توان معراج رفتن	گفتا که باید سردهی در راه جانان
گفتم به سوک لاله‌ها اشکی فشانیم	گفتا تبسم باید اندر سوک یاران
گفتم که شمس و زهره و ماه و ستاره	گفتا به اشک از نور رخسار شهیدان
گفتم که تنیدی صفا را	گفتا خمینی
گفتم خرابات مغان را	گفتا جماران
گفتم خدایا نصرتی گفتا شفایی	باید سراید نغمه در وصف یاران

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

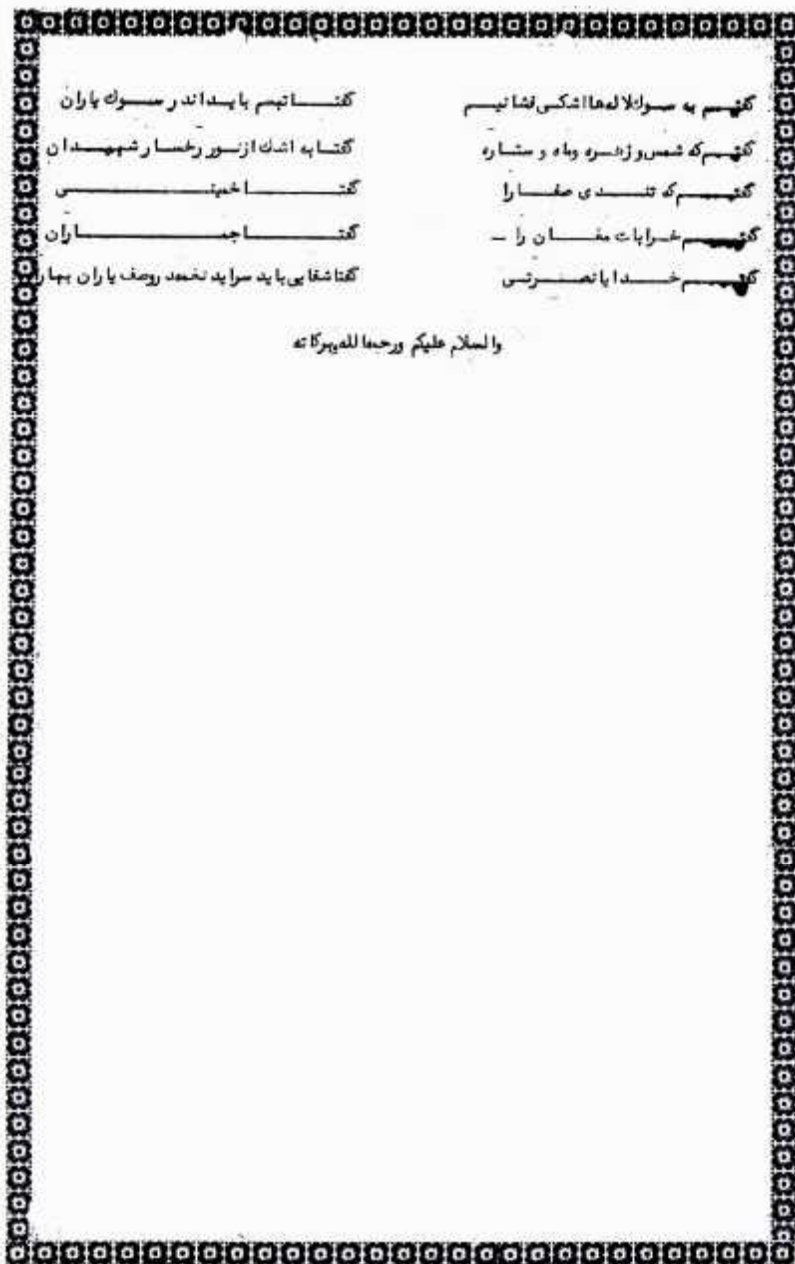


وصیت نامه شهید موسی ملکی



هدایا فرساهد باشی که من در این راه کورکورانه قدم برنداشتم و از ریزی که تسوا به پگانگی
لناختم در قلبم بجز نفای از ایمان دیدار شد و از همه چیز خود گذشتم همه تو بهوشم *
برادران عزیز از شما می خواهم راه مرا که هدان راه اسلام است ادامه دهید و امام راتنها نگذارید و
جبهه سون کوه استوار و محکم و پایدار باشید که سرانجام حق بر باطل چسبند استو صاحب با
چندی خداوند آید و انعام خدین ما را خواهد گرفت *

- هرگز بجز نکت این سعادت ...
- نصیب هر کس بیاد این سعادت ...
- گمان باشد انسانیکمیرد تا زندگی بخشد ... (گفتیم)
- گفتیم تا گفتیم به جانبازان ... گفتیم وطن گفتا بگو تعداد لیسان
- گفتیم سرور دکن و نغمه زمان ... گفتیم که باشد سرها در راه جانبازان
- گفتیم جمال سر حق خواهیم که دیدن ... گفتا سرو بهین لاله های سر ایران
- گفتیم که عاشق و رومیز آشنا پس ... گفتا سرو به جبهه پیش جان نثاران
- گفتیم باشد وحدت این زیباترین شعر ... گفتا سلامی خدا ستکار و شکنان
- گفتیم میخوانیم بحراج رفتن ... گفتا که باید مردی در رایحانان



نام: هاشم
نام خانوادگی: متی
نام پدر: غضبان
نام مادر: نجمه
تاریخ تولد: دوازدهم تیر 1344
محل تولد: شهرستان مهران
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362
محل شهادت: زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدحسین
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا به تمام ملت پیام می‌دهم که هر چه بیشتر در راه اسلام جهاد کنند.
- ا امام عزیز را دعا کنید.
- ا امیدوارم که این انقلاب اسلامی ایران همیشه با خوشی و خرمی بر مردم ادامه پیدا کند.
- ا ای مردم بدانید هر کس که برای خدا کاری بکند، ترس و واهمه‌ای در آن نیست.
- ا مردم مرگ بر آمریکا یادتان نرود.

هاشم متی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

با دعا برای طول عمر امام امت و پیروزی رزمندگان از قول من به تمام ملت پیام می‌دهم که هر چه بیشتر در راه اسلام جهاد کنند و امام عزیز را دعا کنید و از خداوند تعالی و تبارک سلامتی او را بخواهید و امیدوارم که این انقلاب اسلامی ایران همیشه با خوشی و خرمی² بر مردم ادامه پیدا کند. ای مردم بدانید هر کس که برای خدا کاری بکند ترس و واهمه‌ای در آن نیست و مردم مرگ بر آمریکا یادتان نرود و از قول من به پدرم بگویید که هیچ کدام از برادران و خواهرانم برای من ناراحت نشوند چون من در راه حق و خداوند متعال حرکت می‌کنم، با امید پیروزی رزمندگان اسلام.

شهید هاشم متی

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه برادر شهید هاشم متی».

2- در اصل وصیت «خرم».

وصیت نامه شهید عزیزم

بدرمانگان طریقی و ایمان است و بیرون درنگمان اولی و دوم
دوم ملت پیامی است که خود گفتند در راه اسلام چکا و گفتند
ایم خورید و دعا کنید را در راه خداوندی و شایسته مدنی از شما حدیث
و امیدوارم در این انقلاب اسلامی برای همیشه با خوشی و خرم بروم از راه
پیدا کند - این بروم باید خوشی در این راه کارها گفته در این راه
در این راه در راه ترک سگاری و زنا و غیره و اولی و دوم
گفتند که چه میگویم از راه در راه اولی و دوم را در راه اولی و دوم
در راه اولی و دوم که علم و با ایمان بیرون از نگمان اسلام

- بحمد حق است -

نام: عبدعلی
نام خانوادگی: منصور
نام پدر: ولی
نام مادر: ماهبانو
تاریخ تولد: 1312
محل تولد: عراق
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یکم مرداد 1365
محل شهادت: چنگوله
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت می‌نمایم، اول برای خدا و رضای او که جز این برای چیزی دیگر خانه و کاشانه خود را رها نکرده‌ام.
- ۱ پیام کوچکی به ملت قهرمان ایران می‌دهم که گوش به فرمان خمینی بت شکن باشند.
- ۱ کسانی که بر ضد روحانیت حرف زدند، با مشت بکوبید [به] دهان این یاوه گویان غربی.
- ۱ ای فرزندانم گوش به فرمان امام امت باشید.

عبدعلی منصوری

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بر رهبر شیعیان جهان امام خمینی بت شکن و درود فراوان بر شهیدان اسلام از کربلای حسین (7) تا کربلای حسین این زمان، امام خمینی و سلام فراوان بر ملت قهرمان ایران. اینجانب عبدعلی منصوری اهل ایل شوهان¹ ساکن ایلام که در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت می‌نمایم اول برای خدا و رضای او که جز این برای چیزی دیگر خانه و کاشانه خود را رها نکرده‌ام و دوم برای لبیک به صدای «هل من ناصر ینصرنی»² خمینی این فرزند پاک فاطمه (سلام‌الله علیها) و من هرچند کوچکتر از آنم که پیامی به ملت ایران بدهم، ولی پیام کوچکی به ملت قهرمان ایران می‌دهم که گوش به فرمان خمینی بت شکن باشند و کسانی که بر ضد روحانیت حرف زدند، با مشت بکوبید [به] دهان این یاوه‌گویان غربی و شما ای فرزندانم گوش به فرمان امام امت باشید و برای پدر بزرگتان گریه نکنید، چون دشمن از این گریه شما شاد خواهد شد و خانواده‌تان را خوب اداره نمایید. دیگر عرضی نیست از تمام کسانی که از من ناراحت می‌باشند، طلب مغفرت می‌نمایم.

اگر باشد قرار آخر بمیرم دلم خواهد که در سنگر بمیرم

1- ایل «شوهان» از ایل‌های تاریخی و قدیمی ایلام است که در حفظ کیان این منطقه رشادت‌ها به خرج داده‌اند. («ایل من ایلام»، صید محمد درخشنده)

2- ر.ک. تعلیقات.

اسلام و در حيدر و حضرت شيان همان امام حسين است شهن و در ۳۰ فروردين
 سنيان اسلام از براي حسين تا كبري اي حسين اين زمانها امام حسين
 و سلام و احوال بر ملت و فرمان ايران انعامت عليه صلوات الله
 ايلدسته حالت سال ايلام در در حيفه هاى حقى طلب باطل مشركت ما را
 اول براي خدا و رساله اوله 4 جزيان براي حيرت ديگر خانه و كاشانه خود را
 رسانده ام و در هم براي گلب در هداى هلا من ناصر نصرتي حسين اين
 فرزند باك فاطمه در صبر و در حيره كو تيكه از آتم كبريا در ملت ايران بر
 دل بيام تو چو به ملت فداي ايران ما هم كه كو مشر و فرمان حسين است
 باخته و گمان كه بعهده و حيفت حرف زد در باست بگونه دهان اين يوه لوان
 در
 شاي و زاتم كوشن بد فرمان امام است داشته و براي پير بزرگان كرم كند
 چون دانش از ان كرم شما سواد خواهد شد و خوراها نان ما خوب ايلد كالم
 در روز سن كرم كسان را بر نهاده و با كرم صلوات الله

محمد باقر

دله با كرم ترا آفرينم دله خواجه كرم در سكره م

نام: خیر علی
نام خانوادگی: مهدوی
نام پدر: یدالله
نام مادر: نیم طلا
تاریخ تولد: ششم دی 1344
محل تولد: شهرستان دره شهر
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1364
محل شهادت: قلاویزان مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا جهاد در راه یزدان را با امری واجب اسلامی اطاعت کرده ام.
- ا ای امام، ای نوری که حال بر جهان هستی روشن شده اید، حرقت و امرت و احکامت را اجرا کرده ام.
- ا بیشتر از این به خاطر حفظ اسلام از پشتیبانان ولایت بود باشید.
- ا به امید خداوند قادر جنگ بر نفع اسلام می باشد.
- ا مبدا امام را تنها بگذارید.
- ا باید همگی ما در این راه مبارزه کنند که روز قیامت خداوند شما را روسفید کند.
- ا سعی کنید بر شهادتم افتخار کنید.
- ا امیدوارم که پشتیبان اسلام و مسلمین باشید.
- ا دنیای لجن زار هیچ گونه ارزشی ندارد و به دنیا بی اعتنا باشید و به سوی اسلام بیونید.

خیرعلی مهدوی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان. به نام آنکه ما را خلق کرد و «عاقبت بازگشتمان به سوی اوست»². به نام مولایم مهدی (عج) آنکه فرماندهی خود را هر لحظه و روزها و شبها در دیداری رزمندگان اسلام است. با درود و سلام بر حماسه رشادت شهدای اسلام که زمین کربلای ایران را تا کربلای حسین (7) تکه تکه از خون خود گلگون³ کردند و با سلام و درود بر قدرت ملت قهرمان اسلامیمان بر پارسایان⁴ شب و رشیدان روز ظفرمندان سپاه توحید و هم‌چنین اسرای جنگ تحمیلی [...] با این⁵ که واجب گفتن پیام عینی خودم را بعد و قبل از زنده ماندن⁶ را باری دیگر مانند سلام به عنوان وصیت به خدمت خانواده محترم و مردم شهید پرور به عرض بسپارم.

امیدوارم که با هدفی که انتخاب کرده‌ام و این مدت‌ها سال است که این جنگ تحمیلی بر علیه احکام اسلام به وسیله دشمنان جهل و مزور افروخته شده است و اینجانب در سال 1361 ماه 7 به امر امام خمینی نور خدا شرایط را قبول داشته، قدم خودم را در جبهه‌ها گذاشته‌ام. و این جهاد در راه یزدان را با امری واجب اسلامی اطاعت کرده‌ام یا چون این خدمت‌ها که سعادت و لیاقت شهادت را نداشته‌ام حال که در این [...] بعد از 5 سال تمام که خطوط مقدم جبهه به سر می‌گذرانم ولی حال که در این تاریخ امروز مورخ 66/4/8 می‌باشد این بار باری است که مانند طول خدمت در جبهه‌ام که آخرین بار از گشت‌های نفوذی دشمن می‌باشند⁷ که امشب رأس ساعت 11:45 تاریخ ذکر شده با جمعی از برادران

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه مورخه 66/4/8 - هو القادر». مطالب دیگری هم نوشته که خوانا نیست.

2- ترجمه آیه 156 سوره بقره است. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

3- در اصل وصیت «گلگون» افتاده است.

4- در اصل وصیت «پارسان».

5- در اصل وصیت ناخواناست. عبارت‌هایی که با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.

6- در اصل وصیت «ماندم».

7- در اصل وصیت نامه «می‌باشند».

لشکر فتح برای عملیات نفوذی که با هدف انهدام نیروهای دشمن و گرفتن چند نفر اسیر برای کسب اطلاع می‌رویم حال امیدوارم که به پیشگاه قادر یزدان موفق باشیم.

آری ساعت 7 صبح بود که مسؤول اطلاعات عملیات لشکر فتح در حالی که در خواب بودم مرا بیدار کرد. او با سلامی گرم و احوال‌پرسی پیام ضربه نفوذی را برایم گفت و دارد می‌گوید چون شما از طرف لشکر 11 انتخاب شده‌اید امشب را باید همراه ما بیایید و یا زیارت را در آغوش می‌گیریم و یا شهادت را با اینکه آماده شدم و الآن ساعت 9¹ شب است که به پشت جبهه برای گروه بندی² و رمز عملیات می‌رویم تا منطقه را طبق نقشه یاد بگیریم. بارالها، خداوندا³ امیدوارم که بعد از شهادتم کسانی⁴ باشند مانند این حقیر که اسلام را در دست بگیرند و بی‌ترس و خوف علیه⁵ دشمنان بتازند⁶. انشاءالله

طبق پیامم چند کلمه‌ای را به‌عنوان سلام بر رهبر کبیرم، بت شکن تاریخ، ابراهیم خلیل‌الله (6) ای امام، ای نوری که حال بر جهان هستی روشن شده‌اید، حرقت و امرت و احکامت که ما را به راه اصلیمان⁷ شفاعت و هدایت دادی و فرمودی اجرا کرده‌ام و امیدوارم که از درگاه پیشگاه خداوند تا انقلاب حضرت مهدی (عج) طول عمری کبری تا ظهور آن حضرت داشته باشیم. (انشاءالله)

ولی ای مردم مسلمان و امت شهید پرور و ملت ستم‌دیده انشاءالله که بتوانید بیش از پیش و بیشتر از این به خاطر حفظ اسلام از پشتیبانان⁸ ولایت بوده باشید، تا زمانی خدایی نکرده آسیبی به مملکت وارد نشود و به امید خداوند قادر جنگ بر نفع اسلام می‌باشد.

1- در اصل وصیت «ساعت‌های 9».

2- در اصل وصیت «انتخاب گروه بندی».

3- در اصل وصیت «خداوند».

4- در اصل وصیت «کسی».

5- در اصل وصیت «بر علیه».

6- در اصل وصیت «بتازد».

7- در اصل وصیت «اصلیمان».

8- در اصل وصیت «پشتیبانان».

سعی کنید با امام باشید. مبدا امام را تنها بگذارید. جبهه‌های داخلی و بیرونی را گرم نگه دارید. [...]

در ضمن چند کلمه‌ای با پدر بزرگوار و محترم: پدرم سلام؛ سلام بر چهره مبارکت؛ سلام و درود گرم اینجانب الحقیق بر شما. امیدوارم که با خونی که لباس‌هایم را خیس کرده‌ام مرا ببخشید. بنده به قدر زحمات بی‌دریغ شما می‌افتم و واقعاً خجالت‌م که از هیچ نظر شما را کمک نکردم زیرا مسئله جنگ اتفاق افتاد و امروز باید همگی ما در این راه مبارزه کنیم که روز قیامت خداوند شما را روسفید¹ کند زیرا شما در آن روز سربلند خواهید بود. چرا؟ چون که فرزندان «اینجانب را» در راه رضای خودش و اسلام داده‌اید. خداحافظ پدرم.

ولی شما برادرانم گرچه حال گلویم عقده‌گریه راه افتاده است و خون جوشیده [...]. وسوسه یادتان می‌کند ولی باید ببخشید شماها که باری دیگر به وسیله این تکه کاغذ باشما خداحافظی می‌کنم². امید است که مواظب فرزندم مصیب باشید. خواهانم: چه بگویم که قلب شما دل‌تنگی نکند و گریه‌تان³ راه نیفتد. می‌دانم حرفم را قبول نمی‌کنید ولی امیدوارم مرا حلال کنید زیرا بنده زنده‌ام ولی نمرده‌ام. مبدا بر قبرم گریه کنید و لباس سیاه⁴ بپوشید، چون فاطمه و زهرا و زینب این کردارها را انجام ندادند.

همسرم سلام، سلام چه بگویم تا اینکه از دست شما راضی باشم و با چه زبانی صحبت کنم تا اینکه اشک‌های چشمم این کاغذ وصیتم را خیس نکند. حال که بعد از چند صبح⁵ کم مانند 2 سال زندگی با شما احساس می‌کنم چند روزی بوده است و بیشتر آن [را] در جبهه به سر برده‌ام. امید است که رفتار و کردار مرا که قابل اجرای یک پاسدار نبود، مرا ببخشید و حال که چون اسلام احتیاج به اسلام داریم در این شب با رساندن پیام سلام و

1- در اصل وصیت «روح سفید».

2- در اصل وصیت «می‌گیرم».

3- در اصل وصیت «گریه‌تان».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «چند صبح».

وصیتم به وسیله این کاغذ خداحافظی می‌کنم¹. امید دارم که شما مانند زینب (سلام‌الله علیها) و فاطمه (سلام‌الله علیها) باشید.

سعی کنید بر شهادتم افتخار کنید و لباس سیاه بر تن برایم نپوشید و سعی کنید که در ارگانی برای رضای خداوند مشغول خدمت باشید. سعی کنید که فرزندم مصیب را تحویل جامعه اسلامی بدهید و مانند فاطمه (سلام‌الله علیها) که حسن (7) و حسین (7) را تحویل اسلام داد. در ضمن ناگفته نماند که بعد از هفته اینجانب صلاحیت هرگونه کار زندگی در دست خودت می‌باشد و آزاد هستید، تا آنجا که می‌توانید قرض‌ها را بدهی [را] بدهید و حقوق‌های ماهانه‌ام را طبق وصیت به عهده شما و فرزندم می‌باشد. هیچ‌کس حق پول، طلا، چیزهای خانه از همسرم را ندارد و تمام اموالم در دست همسر و فرزندم می‌باشد. «التماس دعا. خداحافظ»

در پایان عموهایم و تمام دوستان و آشنایان و قومان دست حلالیت می‌خواهم. التماس دعا مرا ببخشید خداحافظ. بار دیگر امیدوارم که پشتیبان اسلام و مسلمین باشید. ضمناً دوستانم یادگارانم را یاد کنند. چرا؟ چون که دنیای لجن‌زار هیچ‌گونه ارزشی ندارد و به دنیا بی‌اعتنا باشید] و به سوی اسلام بپیوندید. التماس دعا. خداحافظ.

اینجانب خیرعلی مهدوی

ساعت 5:10 (پنج و ده دقیقه) کم تاریخ ذکر شده

1- در اصل وصیت «می‌گیرم».

روزنامه (استان ایلام) / همدان / ۲۶۱۴/۸
 (پشتینامه)
 بسم الله یا حیدر جبرست خون شهیدان نام که ما را حق کرد و عاقبت باز داشتیم برمان



گوشت به نام حیدر نام بود که آنکه فرماندهی خود را بر لفظ و دروغها و شایعات دردیگری در نه
 اسم است دارد و سوار بر جبهه رشادت شهیدان اسم که زمین کر زنی و پورا را تا کر غازی
 حسین که که که خون خود را در راه اسلام داد بر فرزند ملت همه اسلام را بر پا داشت و در شب
 روز ظهر در آسپاد توحید و محبت کشته شد جنگ قمیل ز با ای که صاحب گفتن پیام عینی
 خود را بعد از آن که زنده و مانع ز ما می گذر مانده ایم ، همه آن در صیت و خدمت خادان خدمت
 مردم شهید بود ، بر لفظ پیام را همه مردم با هدیه که اندک آن در نام و این قدر سال
 که این جنگ قمیلی بر علیه اعدای اسلام بود سید و شهنشاه چون در ضرورت امر و حتم شد و این
 نه سال ۱۳۶۱ تا ۷۰ به امر امام خمینی بود خدا شریک را قبول داشت و مردم مردم را در جبهه
 گذاشتیم در این جبهه در طول روزها ما با امور مردم و صاحب اسلام حفاظت کردیم
 تا امروز این جبهه را که مطهر و شریف است سرانجام آنکه همه حال که در این



۲

در سال ۱۳۵۷ که خطبه عظیم حجیم حضرت ابوبکر صدیق در این تاریخ اجراء شد.

مبارک شد این بار تاریخیست که مانند جدول غنچه در جیبم ام که آخرین بار از ششماه نمودگی

مبارک شد، اشب و این سال ۱۳۵۷ تاریخ ذکر شده تا همین که برگردا اشک فرج - راه پهلوت

تاریخی که یادداشت اندام میریما در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۵۷ در این تاریخ اعلام می رود

سال امیدوارم که در بیست و نهمین سالگرد تولد ما ششم بر آید سلامت ۱۳۵۷ صبح بود که مشغول

انجام عملیات اشک فرج در حال گذر از این روزم در این روزم در این روزم در این روزم

نمودم در این روزم گفت و در این روزم که طرف اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج

اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج

اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج

اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج

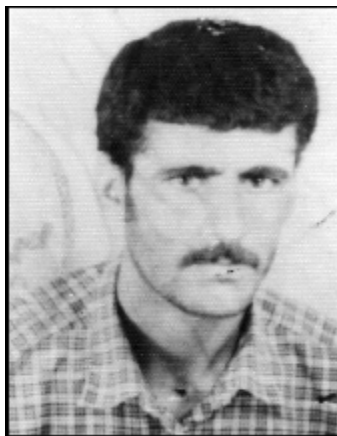
اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج اشک فرج



سوره (جانب اول) در چنانست و بر ما در تم تقداری

این نام لای نورین که حال بر حیا هستی روشی شده ای در دست و اوست در آن حضرت که در آن
 ایستاده شایسته رعایت دادی ز هر مودلی از آن که تمام دادند و کلامی که از تو شنیدیم و صدای
 تا از تو سب حضرت همه جلوه گر گشتند تا همه که از آن حضرت داشتند به شنیدند ایشان را
 در راه بر مردم مشتاقان است و شنیدیم بر دست شنیدند ایشان را که گفتند ای سرور
 و بیشتر که این را در نظر حفظ اندام نظر بر بیشتر اولاست بود با شنید تا از آن حضرت
 تکوین آید بی شک و در هر مشوره همه خداوند غلامی که بر وضع اندام بر آن مشوره
 دادیم با شنیدند اما اگر آنرا شنیدند که در همه جا و در هر روزی را که در به با چشم چنان
 و در دل در روز در همه در همه در نفس خند که می آید و بر تو آید و در همه در همه
 سلام بر همه در حرکت سلام در همه در همه ایستاد العقیر بر شما شنیدند که در آن حق که ما شنیدیم
 را خیس کردیم بر ما شنیدند همه به در هر حال که در همه در همه در همه که در همه در همه
 هزاران که مکرر در همه در همه در همه در همه در همه در همه در همه در همه در همه

نام: علی حسین
نام خانوادگی: مهدوی
نام پدر: حیدر
نام مادر: اسکناس
تاریخ تولد: 1341
محل تولد: روستای ژبور از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سی و یکم خرداد 1366
محل شهادت: گاموی کردستان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا راهی که می‌روم با آگاهی کامل که انشاءالله فی سبیل‌اللهی باشد.
- ا به اسلام عزیز اهمیت بدهید.
- ا نگذارید خون شهیدان عظیم پایمال شود.
- ا نسبت به کارها بی تفاوت نباشید.
- ا بنا به فرموده امام عزیزمان وقتی کشور آسیب می‌بیند که ملتی بی تفاوت باشد.
- ا پیرو ولایت فقیه و جامعه روحانیت باشید، زیرا تنها راه سعادت و پیروزی اسلام و قرآن اینان هستند.
- ا اما ای پدر و مادر سخنانی با شما دارم. مبدا از خدا غافل باشی.
- ا به ریسمان الهی یعنی قرآن و اهل بیت پیامبر متصل شوید.
- ا اصل ما از آخرت است و همه باید به آنجا رویم. اما باید با اعمالی رویم تا مورد قبول خداوند عز و جل باشد.

علی حسین مهدوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ¹

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»²

اینجانب علی حسین مهدوی از شهرستان آبدانان روستای زیور بنا به وظیفه خویش [...] و به ندای امام امت در تاریخ 65/4/20 رهسپار جبهه‌های حق علیه باطل شدم. وصیت‌نامه‌ام امام خدا و با اعتقاد کامل به «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»⁴ و برای رضایت و خشنودی خداوند سمیع، بصیر و با یاد تمامی شهیدان جمهوری اسلامی که پرچم خونین شهیدان را بر فراز رفیع قله‌ها برافراشته‌اند و نگاه داشته‌اند و با درود به امام زمان و نایب بر حقش، امام امت و نستوه و شکست‌ناپذیر شروع می‌کنم. و راهی که می‌روم با آگاهی کامل که انشاءالله فی سبیل‌اللهی باشد.

و اما وصیتم را با چند تا درخواست و سفارش از شما مردم حزب‌الله و نیروهای مسلح و از خانواده‌ام آغاز می‌کنم.

اما مردم حزب‌الله وصیتی که شهید به شما این می‌باشد که به اسلام عزیز اهمیت بدهید و نگذارید خون شهیدان عظیم پایمال شود و راه آنها را ادامه دهید و سفارش می‌کنم شما را [...] را⁵ در قلبهایتان برپا دارید، ضمناً حتماً پیش از مرگتان خمس و زکات اموالتان را دهید که بعد از مرگ کارتتان دشوار می‌شود و در کشور اجرای احکام و قوانین اسلامی

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

2- توبه/ 20.

3- خوانا نیست.

4- بقره/ 156

5- خوانا نیست.

پیشه کنید و نسبت به کارها بی تفاوت نباشید، زیرا بنا به فرموده امام عزیزمان وقتی کشور آسیب می‌بیند که ملتی بی تفاوت باشد.

و اما شما ای نیروهای مسلح و ای نیروهای امام زمان (عج) شما را به خدا ای عاشقان و ای سلحشوران کربلا برای آزادی بارگاه امام حسین (7) یورش کنید و خصم زبون را ریشه کن کنید و قلب مسلمانان را شاد کنید. مبدا [از] فریاد الله اکبرتان و [...] ¹سلاحتان و فریاد سوزناک نیمه شبستان و مناجات در سنگرهایتان و یا مهدی (عج) گفتن هایتان فراموش کنید.² پیرو ولایت فقیه و جامعه روحانیت باشید زیرا آنان راستینان و دلسوزان واقعی اسلام و مسلمین هستند و تنها راه سعادت و پیروزی اسلام و قرآن اینان هستند.

اما ای پدر و مادر سخنانی با شما دارم. مبدا از خدا غافل باشی که نیستی و مبدا حرکتی از شما سر زند که دشمنان انقلاب و خودتان شاد شوند. مبدا اشک شما [را] دشمنان ببینند و خوشحال شوند و مبدا از کسی توقعی داشته باشید. به ریسمان الهی یعنی قرآن و اهل بیت پیامبر متصل شوید و آن هم [...] ³روحانیت که راهنما و حد واسط قرار گرفته‌اند.

و اما مادرم؛ ای مادر بزرگواریم، ای چراغ و نور خانواده [پدرم] شیرت را حلال کن و مرا ببخشید زیرا در طول زندگی من هیچگونه کمکی که شایسته شما بود نکردم. و اما ای برادران و خواهران از جمله عموزاده‌های شریفم وظیفه خویش را بشناسید و رفتارهای نیک انسانی انجام دهید و خشنود کننده مردم باشید تا هم خدا از شما خشنود باشد و هم مردم و من شهید از تو خشنود شوم [...] ⁴نگران حال من نباشید و افتخار کنید که فرزندی و هدیه‌ای ناقابل⁵ به خداوند و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داده‌اید زیرا که اصل ما از آخرت است و همه باید به آنجا رویم. اما با رفتن ما، باید با اعمالی رویم تا مورد قبول خداوند عزوجل باشد.

1- واژه‌ای در اصل وصیت ناخواناست.

2- در اصل وصیت «نکنید».

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «ناقابلی».

و از همسرم تقاضا دارم که [از] بچه‌هایم مصطفی و مرتضی و مجتبی خوب مواظبت کند، زیرا که آنان یادگاران و جانشینان پدر خود می‌باشند¹ و نگران نباشی زیرا که رسول اکرم (6) فرماید: از خود خدا به من [گفته] شده که:

«من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی عشقنی و من عشقنی عشقته قتلته و من قتلته»².

«یعنی هر کس که در راه من حرکت کند مرا می‌یابد و هر کسی عظمت مرا دریافت مرا می‌شناسد و آن کس که مرا شناخت عاشق من می‌شود و کسی که عاشقم شد من نیز عاشق اویم و عاشق هر کسی و همه او را به شهادت می‌رسانم و هر کسی را من شهید کردم خود ضامن اویم و هر کس خودم ضامن اویم خودم پاداش او را می‌دهم».

پس با شما خداحافظی می‌کنم. در پایان جواب: جنگ جنگ است. جواب: صلح ننگ است.

علی حسین مهدوی

1- در اصل وصیت «می‌باشد».

2- ر.ک. تعلیقات.

نام: قهرمان
نام خانوادگی: مهدی زاده
نام پدر: کریم
نام مادر: شمسیه
تاریخ تولد: یکم تیرماه 1348
محل تولد: شهرستان مهران
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار امام حسین بخش ملکشاهی
شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا اینجانب با نیت خالص و اراده ای مصمم به عضویت سپاهیان اسلام در آمده و در جبهه های جنگ حضور یافته ام.
- ا اینجانب به دشمنان اسلام اعلام می کنم که سیطره آنان بر خاک اسلامی محال است.
- ا اگر تمامی ابرقدرت ها و جهان خواران و سایر قدرت های مرتجع جهانی با هم متحد شوند، باز هم لحظه ای از کوشش و دفاع از کشورمان فرو نخواهیم گذاشت.
- ا در برابر همه قدرت های فاسد جهانی ایستادگی و مقاومت می کنیم.
- ا تا آخرین قطره خونی که در بدن دارند با دشمنان مقاومت نمایند.
- ا به راستی که شهید شدن در راه خدا و اسلام و دفاع از خاک اسلامی، چقدر عزیز و باعزت است و عاقبت خوب آن چقدر لذت آور است.
- ا ما مرد جنگیم و از مرگ نمی ترسیم.

قهرمان مهدی‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»¹

«و هرگز مپندارید که کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند می‌میرند بلکه آن‌ها زنده‌اند و در نزد خدای خویش پاداش می‌گیرند».

وصیت‌نامه شهید قهرمان مهدی‌زاده

اینجانب با نیت خالص و اراده‌ای مصمم به عضویت سپاهیان اسلام در آمده و در جبهه‌های جنگ حضور یافته‌ام و به خدای سبحان سوگند یاد می‌کنم که تا آخرین قطره خونی که در بدن دارم، از میهن اسلامیم ایران دفاع نموده و با یاری خداوند و به رهبری حضرت امام خمینی و همچنین همکاری دیگر سپاهیان و رزمندگان، هرگز به دشمنان اجازه نخواهم داد که بر خاک کشورمان تسلط یابند.

اینجانب به دشمنان اسلام اعلام می‌کنم که سیطره آنان بر خاک اسلامی محال است و هرگز نخواهند توانست که بر میهن ما دست یابند. اگر تمامی ابرقدرت‌ها و جهانخواران و سایر قدرت‌های مرتجع جهانی با هم متحد شوند باز هم لحظه‌ای از کوشش و دفاع از کشورمان فرو نخواهیم گذاشت² و در برابر همه قدرتهای فاسد جهانی ایستادگی و مقاومت می‌کنیم.

در پایان به همه رزمندگان و همه مردم ایران وصیت می‌کنم که یک لحظه از تلاش و کوشش در جهت دفاع از میهن اسلامی دریغ نورزیده و تا آخرین قطره خونی که در بدن دارند با دشمنان مقاومت نمایند و خاک‌های تصرف شده توسط دشمن را هر چه زودتر آزاد نمایند، تا انشاءالله تعالی در آینده‌ای بسیار نزدیک بر دشمنان غلبه کرده و میهن اسلامیمان را دوباره آباد سازیم. من می‌دانم و یقین دارم که حتماً در این راه شهید خواهم شد. به راستی که شهید شدن در راه خدا و اسلام و دفاع از خاک اسلامی چقدر عزیز و باعزت است و عاقبت خوب آن چقدر لذت‌آور است. ما مرد جنگیم و از مرگ نمی‌ترسیم.

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «فرو نخواهیم نشست».

اما نگران آن هستیم که مبادا دشمن فاسد بر کشور عزیزمان دست یابد. از خداوند متعال پیروزی اسلام و رزمندگان اسلام را خواستارم.

نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ¹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ولا تحسب الذين قتلوا في سبيل الله او ماتوا احياء عند ربهم يرزقون ؛ وهرگز سیدلر که کسانیکه در راه خدا شهید شدند یا در سبیل الله شهید شدند و در نزد خدای بخشنده زنده اند ؛

و حسبت انما شهيدتم انما شهدتم انهم

اینها نیستند حال آنکه ما را اهل علم هم عقوبت میاید این اسلام در آینه و در حیدمان حقیقت محض را یافته ایم و خدای سبحان سرگشته یاد گرفتیم که تا آخرین قطره خون که در بدن داریم از زمین اسلام ایران دفاع نکرده و با یاری خداوند و بر علیه حضرت امام شیخ و همین شماره دستگیر میاید و در زندان هرگز در هیچ اجاره نخواهیم داد که بر خاک کشته نشود تسلیم نماندیم اینها نیستند ؛ دستک اسلام اعلام میگویم که میاید آنگاه بر خاک اسلام بر آید .
در این احدی است ، بر همین ساد است سینه آفرینان ابرقده و حیا فرزندان و سایر قدهای سرخه های با هم همه شهید ما هم اینها را دوستش و دفاع از کشورمان ضرورتی است و در برابر همه قدرتها نماندیم
استیادتان و سعادت و آسایش در ایران ، همه زندگان و همه مردم ایران و همه ملت که یک لحظه از پادشاه و کوشش و جهت دفاع زمین اسلام در هیچ نوری و تا آخرین قطره خون که در بدن دارند پادشاه سعادت نماندیم و جانها را صرف سه تومس و نوس را هر چه در دست آرند نماندیم تا استیاد الله تعالی در آینه بسیار بزرگ بود که علیه کرده و زمین اسلام را در باره ایبار سیم من من دانم و قیاس داریم که حتما در این راه شهید خواهیم شد
راستی که شهید شدیم در راه خدا اسلام دفاع از خاک اسلام حیدر عمر و با غرور است و عاقبت خوب آن حیدر قدرت اکبر است ما مرد جنگیم و از سبیل نمی ترسیم اما نگذار آن هستیم که ما را دشمن نماندیم بر کشته عزیزان است یا به از خداوند متعال بیروزگی اسلام و زندگان اسلام را عواستارم .

فقد من الله و ما یریب

نام: عبدالرزاق
نام خانوادگی: مهدیه
نام پدر: علی قدم
نام مادر: صدیقه
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1345
محل تولد: شهر چوار از توابع شهرستان ایلام
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: -
تاریخ شهادت: بیست و سوم بهمن 1365
محل شهادت: زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا | مادرم آرزو دارم که به جبهه بروم و شهید بشوم.
- ا | امروز روز جنگ با کفر است.
- ا | باید دست از درس و ورزش بکشم و به جبهه حق علیه باطل بشتابم.
- ا | اگر روزی به جبهه رفتم و شهید شدم برایم گریه و زاری نکنید.
- ا | سعی کنید بقیه برادرانم را طوری تربیت نمایید، که ادامه دهنده راه شهیدان باشند.

عبدالرزاق مهدیه

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه به مادرم

«من ورزشکار نیستم ولی ورزشکارها را دوست دارم.»¹

مادرم بیش از هر چیز سلام و التماس دعا دارم که مرا یاری کنید. مادرم آرزو دارم که به جبهه بروم و شهید بشوم، ولی خودم را لایق‌تر از بقیه دوستانم نمی‌دانم. چون امروز روز جنگ با کفر است آیا چرا باید در گوشه‌خانه بایستم و گوش به زنگ باشم که آیا نبینم بقیه بچه‌ها در جبهه چه می‌کنند. من خودم از نظر وجدانم ناراحتم. باید دست از درس و ورزش بکشم و به جبهه حق علیه باطل بشتابم. زیرا اگر روزی به جبهه رفتم و شهید شدم برایم گریه و زاری نکنید و نیز هنگامی که خبر مرگ من² به گوش تو می‌رسد، باید خدا را شکر کنید و از نظر وجدانی راحت باشید. مادرم این را به تو می‌گویم که سعی کنید بقیه برادرانم را طوری تربیت نمایید که ادامه دهنده راه شهیدان باشند. ولی حالا که به جبهه نرفته‌ام، ولی در آینده نزدیک به جبهه می‌روم و امیدوارم به درگاه خداوند متعال که این انقلاب عزیز به ثمر برسد همان‌طوری که امام حسین (7) در میدان جنگ با کفار [...]»³

می‌جنگید که عاقبت با آن همه مشکلات بر دشمنان غلبه کرد⁴ و پیروز گردید. پدرم در این وصیت‌نامه به شما هم سلام می‌رسانم و مادرم مرا ببخشد که نتوانستم در کارهایت به شما⁵ کمک کنم. من انشاءالله به این زودی به جبهه می‌روم و به بقیه برادرانم کمک می‌کنم⁶ تا دست استکباران را از سر این مرز و بوم کوتاه کنیم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

عبدالرزاق مهدیه - 65/9/22

1- صحیفه امام، ج 8 ص 34. در اصل وصیت «ورزشکاران».

2- در اصل وصیت «مرا».

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «شد».

5- در اصل وصیت «با».

6- در اصل وصیت «کنم».

وصیت نامه به مادرم

بیرسانی

من و زین شفا بیسم و بی نیت سعادتی را دوست دارم که به نام خنی در

مادرم من زهر خنجر سلام و التماس دعا دارم که طوایر کافری مادرم آرزو دارم که در جبهه
یوم و شهادت کنم و خادمی را لایق تر از تقییم و دوستم را نمی دانم چون امروز روز شنب
یا کفایت ای چو ناید که گدازه خانه بد ایستم و گداز بر زلف ما شتم که آیا بیستم تقی
بسیار بار جبهه چه می گشته من خادم از تقی و هدام تا راهتم با بدست از دستش و در دست
بگشتم در جبهه من بعد با من شمام ز را از رفی به بیچاره رفیق و همکار سلام بر او گشته
و در کار بگشتم که خنجر گدازم که منی بود جود خود را بگشتم و در
تقر و جدای رحمت باشد مادرم این را به نامی گدازم که سعی تقی و ولایت مرا
هری برست تا نیکم از راه دهنده راه شکران است و کما حالاً که به جبهه رفیقان
و که در اینده نزدیک به جبهه من یوم و اسیر دارم بگشتم و بنواوردند که من
از تقی عزیز تر ام تقریر شده همان گدازم که ایام حشر و سیدان و جلیب یا کما در دست
می خنجر و عاقبت ما آن چه تقصیر است بگشتم بگشتم تقی و رفیق گدازم
این وصیت نامه به شما هم سلام می رسانم و با برادر بیچاره که تقی است دعا و رحمت ما
شما کفایت کنیم من آن که بوی زردی به جبهه یوم در تقی برادرم کفایت کنیم تا
در استبداد () را در من می رسد که در ایام و سلام بگشتم و در تقی و جلیب یا کما در دست

نام: علیمرد
نام خانوادگی: مهرداد
نام پدر: امین
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: 1344
محل تولد: روستای نخجیر از توابع شهرستان مهران
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: چهارم تیر 1367
محل شهادت: زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ۱ امروز اسلام احتیاج به خون دارد.
- ۱ باید ساکت نباشیم. با حضور فعال خود در جبهه ها و برای رهایی اسلام تا پای جان و تا آخرین قطره خون از اسلام و انقلاب اسلامی دفاع بکنیم.
- ۱ در مقابل مشکلات مانند کوه استوار و هر سختی را با جان بخریم تا انشاءالله بتوانیم دین خود را به انقلاب و خون شهدا اهدا کرده باشیم.
- ۱ وقتی که می دانیم بازگشت ما هم به سوی الله است، چه بهتر که در راه او شهید بشویم.
- ۱ انشاءالله که این راه را ادامه دهند و تا نابودی ظلم [و] ستم در سراسر عالم از مبارزه دست بردار نباشند.

علیمرد مهرداد

بسم الله الرحمن الرحيم

«تا وقتی که بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله در سراسر جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هم هستیم»¹

با سلام [و] درود بی‌کران خدمت آقا امام زمان (عج) و نایب بر حقش امام خمینی و سلام بر شهیدان راه حق و حقیقت که با نثار جان خود درخت تنومند انقلاب اسلامی را بارور ساخته‌اند و سلام بر رزمندگان جان باخته‌ای که در جبهه‌ها مشغول رزم با کفار هستند. و سلام به خانواده‌های محترم شهدایی که با فدایی دادن عزیزان خود گامی بزرگ در راه اسلام عزیز برداشته‌اند.

در این برهه از زمان که خداوند بر ما منت نهاده است و ما را به راه راست هدایت نموده امروز اسلام احتیاج به خون دارد. ما باید ساکت نباشیم با حضور فعال خود در جبهه‌ها و برای رهایی اسلام تا پای جان و تا آخرین قطره خون از اسلام و انقلاب اسلامی دفاع بکنیم و دشمنان دین خدا را سر جای خود بنشانیم و در مقابل مشکلات مانند کوه استوار و هر سختی را با جان بخریم تا انشاءالله بتوانیم دین خود را به انقلاب و خون شهدا اهدا کرده باشیم.

پدر و مادر مهربانم از زحمتهایی که برایم کشیده‌اید، صمیمانه تشکر می‌کنم. البته می‌دانم که از دست دادن فرزند مصیبتی بزرگ است ولی باید این آیه شریفه را به یاد آورد که می‌فرماید:

«إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»²

«کسانی که وقتی مصیبتی بر آنها وارد می‌شود می‌گویند به راستی که ما از خداییم و بازگشت ما به سوی اوست».

پس وقتی که می‌دانیم بازگشت ما هم به سوی الله است چه بهتر که در راه او شهید بشویم.

1- امام خمینی، صحیفه امام، ج 12، ص 148.

2- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

در پایان از همه اقوام، دوستان و آشنایان حلالی می‌طلبم و انشاءالله که این راه را ادامه دهند و تا نابودی ظلم [و] ستم در سراسر عالم از مبارزه دست بردار نباشند.

مورخه 66/10/1

جنگ جنگ تا رفع فتنه در جهان

علیمرد مهرداد

به امید پیروزی نهایی لشکریان اسلام و زیارت کربلای حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ و نام این اسناد و فرستادن آن در اسرار خداوند و تقدیر است و تا ما به دست تمام حسین نام من
 اسم در هر کجای که باشد این اسم را با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم
 خودم ترس از خدا نداشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم
 هستم و در هر وقت که با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم
 در این روزها که ما را در این دنیا فرستاده اند و در این دنیا ما را فرستاده اند و در این دنیا ما را فرستاده اند
 ما باید که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم
 و در هر وقت که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم
 هرگز تا آنکه خداوند این مردم را از این دنیا نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد
 بدو ماند و ما را از این دنیا نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد
 مصیبت بود است ولی باید این آیه شریفه را یاد کرد که می فرماید: اذا صالتم معی قالوا ان الله وانا الله
 ما ندیده و دیده مصیبتی بر آنما وارد می شود و می بیند که ما را از خود نمی برد و ما را از خود نمی برد و ما را از خود نمی برد
 هم می بیند و الله است چه بجهت کرده اند او شهادت می فرماید.

در پایان از همه اقوام دست بردارید و از همه عالم دست بردارید

تاریخ و نام این اسناد و فرستادن آن در اسرار خداوند و تقدیر است و تا ما به دست تمام حسین نام من
 اسم در هر کجای که باشد این اسم را با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم
 خودم ترس از خدا نداشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم
 هستم و در هر وقت که با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم و در هر وقت که با خود داشته باشم
 در این روزها که ما را در این دنیا فرستاده اند و در این دنیا ما را فرستاده اند و در این دنیا ما را فرستاده اند
 ما باید که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم
 و در هر وقت که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم و در هر وقت که با خود داشته باشیم
 هرگز تا آنکه خداوند این مردم را از این دنیا نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد
 بدو ماند و ما را از این دنیا نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد و این دنیا را از این مردم نبرد
 مصیبت بود است ولی باید این آیه شریفه را یاد کرد که می فرماید: اذا صالتم معی قالوا ان الله وانا الله
 ما ندیده و دیده مصیبتی بر آنما وارد می شود و می بیند که ما را از خود نمی برد و ما را از خود نمی برد و ما را از خود نمی برد
 هم می بیند و الله است چه بجهت کرده اند او شهادت می فرماید.

نام: سیدامیدعلی
نام خانوادگی: موسوی پشتکوهی
نام پدر: سیدرضا
نام مادر: منیژه
تاریخ تولد: سوم تیر 1341
محل تولد: شهرستان دهلران
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و هشتم مهر 1364
محل شهادت: سومار
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدفخرالدین
زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا اگر خداوند این بنده ذلیل و حقیر و گنه کار را توفیق شهادت داد، جوابی برای آخرت داشته باشم.
- ا اگر هم لیاقت و سعادت این فریضه الهی را پیدا نکردم، حداقل جهاد در راهش را کرده باشم.
- ا از پدر و مادرم می خواهم که برای فرزندشان در صورت شهید شدن هیچگونه ناراحت نباشند.
- ا در روی قبرم علامت و یا نشانه ای از ولایت فقیه بگذارند.
- ا از آن ها می خواهم که تا جان در بدن دارند چه کمک مالی و چه کمک جانی از این انقلاب و امام حمایت کنند.
- ا نگذارند که در طول حیاتشان یک لحظه لبخند شادی بزنند. (چه دشمنان داخلی و چه خارجی).

سیدامیدعلی موسوی پشتکوهی

بسم الله الرحمن الرحيم

بأسم رب شهداء و الصديقين¹

به نام الله پاسدار حرمت خون شهدا از کربلای حسینی تا انقلاب خونبار روح خدا خمینی و با درود و سلام به رهبر عظیم الشان مستضعفان جهان حضرت امام خمینی و با درود بی‌کران به روان پاک شهدای این خطه توحیدی از طفلان معصوم گرفته تا پیران سال‌خورده که هر کدامشان برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های انسان‌ساز بشری و اسلام که سال‌ها توسط دستگاه‌های پوچ و تبلیغاتی شاهان خود فروخته با تمام قدرت داشت به پرتگاه سقوط هر چه بیشتر نزدیکتر می‌شد که در این برهه از زمان یکی از اولیاء دین همانند نوری در ظلمت و جرقه‌ای در تاریکی بدرخشید و دریای بیکران جهل و خاموشی را به تلاطم افکند و بساط عیش و عشرت از (پهلوی) سرزمین مقدس ایران اسلامی در اسرع وقت رخت بر بست و این خبر بسیار سخت و ناگوار را برای اربابان خود فروخته‌اش به ارمغان برده، لذا با شنیدن این خبر طاقت نیاوردند و از همان روزها دست به حیل‌های رنگارنگ زدند، که با حول و قوه الهی همه این مکر و فریب توسط ملت مظلوم ایران خنثی و آن‌ها را در جهان رسوا کردند. زیرا که این فرمایش خداوندی امت «وَمَكْرُوا وَمَكْرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»².

تا اینکه آخرین نتیجه در توان صدام عقلی³ دانستند و او را برای جنگی با جنود الله تا دندان مسلح ساختند و توسط بلندگوهای⁴ دروغین خود به او لقب سردار قادسیه⁵ دادند و ژاندارم منطقه معرفی کردند تا بتواند حکومت الهی را در ایران خفه سازد. زهی خیال باطل.

1- در اصل وصیت «به اسم».

2- آل عمران/ 54، ترجمه: «یهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آن‌ها مکر کرد و به یاد آر وقتی که خداوند از همه کس بهتر مکر تواند کرد».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «بلندگوهای».


5- ر.ک. تعلیقات ذیل «صدام».

[...] ¹خانه ننگ می دانستم و تصمیم گرفتم که خود را به پاسگاه محل معرفی کرده و برای یاری نمودن دیگر عزیزان سلحشور و لیبیک به گفته امام در سنگر جهاد فی سبیل الله حاضر شوم و با کوله باری از گناه دهان به اعتراف گشوده که اگر خداوند این بنده ذلیل و حقیر و گنه کار را توفیق شهادت داد، جوابی برای آخرت داشته باشم و اگر هم لیاقت و سعادت این فریضة الهی را پیدا نکردم، حداقل جهاد در راهش را کرده باشم و خدای عز و جل از پاره ای از گناهانم چشم بپوشد. و در ضمن از پدر و مادرم می خواهم که برای فرزندشان در صورت شهید شدن هیچگونه ناراحت نباشند و برایم گریه نکنند و از آنها می خواهم که در روی قبرم علامت و یا نشانه ای از ولایت فقیه بگذارند تا در قبر نیز ولایت فقیه بر من حاکم باشد و از آنها می خواهم که تا جان در بدن دارند چه کمک مالی و چه کمک جانی از این انقلاب و امام حمایت کنند و این امید را از دشمنان سلب کنند و نگذارند که در طول حیاتشان یک لحظه لبخند شادی بزنند. (چه دشمنان داخلی و چه خارجی).

«وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ»²

1- دو صفحه از اصل وصیت افتادگی دارد (به استناد شماره گذاری صفحه های اصلی وصیت).

2- در اصل وصیت «و سلام علیکم و رحمة الله».



این وصیتنامه را بنده در روز شنبه ۱۳۰۲/۰۳/۰۳ در شهر تهران در حضور دو شاهد و دو گواهی کننده در دفتر چهارم اسناد شهدا و ایثارگران تنظیم نمودم.

وصیتنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ شَهْدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

بِتَائِبِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ حُرْمَتِ خُونِ شَهْدَاءِ

از ره بِلایِ عَسَنِي تَأَلُّفِ خُونِ شَهْدَاءِ

رَوْحِ خَدَائِشِ وَ بَارُو دُوسَمِ بَرِهَرِ

عَظِيمِ اَتَانِ تَضَعَانِ جِهَ مَضَرَاتِ اِمَامِ فَضِيلِ

بَارُو دُوسَمِ بِلَا جَرُو دِيَاكِ شَهْدَاءِ اِسْنِ خَطَّةِ

تَوَهِّدِي اَزْ هَفَلَا بِعَصْمِ اِرْفَقَةِ

۱۱۰



وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

پیراسال فروردیه که هر کدای شاه برای تحقق

بخشید که آریانها این سازش که اسدوم

که سالها خیر تو سبب دستها بود و تبلیغ

شاهها خود فروخته بانگ قدرت داشت به

برنگاه سقراط هر چه بیشتر گمانزدید بیشتر

که در این برهه از زمانه که از اولیادین

هفتاد و نهمین روز قیامت و در آن روز



وصیت‌نامه

عذرا مرا به جمل حسنها و ریحای مرگ کتک کن.
بسم الله الرحمن الرحیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تلاطم افکنند و با طعنه و عسرت از دین پروری

سزین مقدس ایران اسلام در اسرع وقت

رفت بر لبست و این فخر بی سختی و تلوار

و برای کار بیابان خود فروخته اش به لرغالی

برده لزاء بشنید این غیر طاقت نماندند

و از حال روزها دست به حمله ها کار تا این

زدند به با هوای ^{توه} ^{الله} این مکر و فریب



مدارا جان مطهری از تو می‌خواهم که به طایر ایلام
دانه اند و بنگای تو رخا دهد و بنگای تو صاف کند.
بیا (م)

وصیتنامه

توسط دست مظلوم ایرانشین و آذربایجان
و خاکسردند ایرانی این فریادش خدایوندی است

و دیگر و مگر الله و الله خیر العالمین

تا اینکه آخوین بیکم برادر توان صدر مصلحتی

دانستند و او را برای جیش با جنود الله نمودند

سلاح هفتند و توسط بنده تو ای لر و مین خود

بر او لقب سردار دادند و سرورند از مردم مظلوم
دادند

معرفی کردند تا بتواند حکومت ایران را در

ایران حفظ کند زنده ای خیاره کن ←



وصیتنامه

فران را بخوانید زیرا خداوند دلی را که فران را در نامه
مذمت نکرده. پیامبر (ص)

خانم تنگ میرانتم و نصیب رفیقان من هفتاد و
بیست و یک سال عمری کرده و برای ایامی نمودن
در عزیزان محسوب و بسبب بلفظ لغات
شکرها در فی سبیل الله هفتاد و شصت و یک سال
پیران گذرانده و در اوقات فراغت خود به
خداوند این شکر و حمد و ثناء را ادا فرموده
به صورت بار خواجه برای آخرت راسته
با اسم عارفان هم این وقت به سعادت این فرزند
الهی را میسر بکنم خداوند بفرماید
در راه حق



وصیتنامه

ماظنن از همه مردم گسوات که از تفسیر احوال جهان بند
گردد

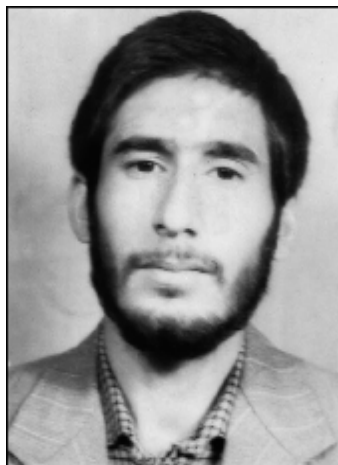
بناحور(ص)

را کرده باشم و خدای عزوجل از زیاده ای از آنها هم
 هشتم بپوشد و هر صحن که از پدر و مادرم میخواهم
 که برای فرزندش در صحن است بپوشد که هیچگونه
 ناراحت نباشند برام اگر به نیتند و از آنها
 میخواهم که در روک قبرم علامت و بیانشان
 از ولایت قطع بگذارند تا در قبر نیز علامت قطع
 بر من حکم باشد و از آنها میخواهم که تا جایی در
 بیابان دارند هیچ سنگ ماله و هیچ تک چاه از این
 انقلاب و این همت کنند و این امید را
 از در شمال مسجد کنند و بگذارند که در طول حیات
 تک تک این شاهان بکشند ()

(۱۱۷)

و چه دشمنان را خدایم خارج و سلام عظیم و رحمت

نام: سید محمود
نام خانوادگی: موسوی
نام پدر: سید عبدالله
نام مادر: گوهر بیگم
تاریخ تولد: یکم مهر 1363
محل تولد: روستای زرین‌آباد از توابع
شهرستان دهلران
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و چهارم دی 1365
محل شهادت: سومار
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: مزار: گلزار شهدای بخش صالح‌آباد
از توابع شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا به همه بگویید، جان محمود هدیه‌ای بود برای امام امت، خمینی بت شکن و در راه خدا.
- ا پیام شهید که این شعار شهید «امام امت را تنها مگذارید».
- ا پدر ارجمندم و تو مادر دلسوزم شما پسران راهی را رفت که حسین (7) و یارانش آن را پیمودند.
- ا وقتی راه کربلا را باز کردیم انشاءالله می‌رویم قدس را هم فتح می‌کنیم.
- ا باید برای سعادت آخرت و بهشت جاودان کوشش کنیم.
- ا باید در دنیا و آخرت با سعادت و عزت باشیم.
- ا باید کاشت امروز و فردا برداشت نمود.
- ا همیشه به خداوند متعال امید داشته باشید.
- ا پیروزی با مؤمنان و صابران است.

سیدمحمود موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

«هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست»¹ و من می‌خواهم با این قطره خون به معشوقم که خدا است برسم. به همه بگویید جان محمود هدیه‌ای بود برای امام امت، خمینی بت‌شکن و در راه خدا؛ برای همین بود که محمود به جهاد با بعثیون² کافر رفت و شربت شهادت نوشید. پیام شهید که این شعار شهید «امام امت را تنها مگذارید» که این یک خیانت به اسلام و مسلمین است، پدر بزرگوار و مادر گرامیم انشاءالله که خون ناقابل من را خدا قبول کند که بتوانم روز محشر شما را روسفید کنم. پدر ارجمندم و تو مادر دلسوزم شما پسران راهی را رفت که حسین (7) و یارانش آن را پیمودند.

قاضی ار با ما نشنید برفشان دست را	محتسب گر می خورد معذور دارد مست را
ما و لیلی همسفر بودیم اندر راه عشق	او به مطلب‌ها رسید و [ما] هنوز آواره‌ایم
در این دنیای بی حاصل چرا مغرور می‌گردی	سلیمان گر شوی آخر ³ خوراک مور می‌گردی
عزیزان ⁴ قدر یکدیگر بدانید ⁵	اجل سنگ است و آدم مثل شیشه

1 - ترجمه این حدیث نبوی است «ما من قطرة احب الی الله عزّ و جلّ من قطرة دم فی سبیل الله» (وسایل الشیعه، ج 11، ص 8).

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «باز هم».

4- در اصل وصیت «عزیزون».

5- در اصل وصیت «بدونند».

رزمندگان اسلام خواهند¹ بود انشاءالله² همه پشت سر امام امت نماز را در کربلا برگزار می‌کنیم و وقتی راه کربلا را باز کردیم، انشاءالله می‌رویم قدس³ را هم فتح می‌کنیم و پشت سر امام امت نماز [جمعه] را در قدس برگزار می‌کنیم و این توفیق با خداوند می‌باشد. بیش از این اگر مزاحم شدم، ببخشید باید برای سعادت آخرت و بهشت جاودان کوشش کنیم. باید در دنیا و آخرت با سعادت و عزت باشیم و آخرت را به دنیا و یا دنیا را به آخرت نفروشیم و به فکر هر دو باشیم و در دنیا برای آخرت کار باید کرد. باید کاشت امروز و فردا برداشت نمود.

یک نکته کوچک دیگر را نیز اگر بخواهید بدانید برایتان بگویم آن این است که بنده شروع به چای خوردن نمودم. امید است نفعی در آن باشد. اگر چه انسان عزیزم و [...] ⁴. ولی هیچگاه نگران و ناراحتی به خودتان راه ندهید و همیشه به خداوند متعال امید داشته باشید. بدانیم که خداوند پشیمان ضعیفان [و] مستضعفین و امیدواران و صابران است. پیروزی با مؤمنان و صابران است اگر گفتم که 20 روز از مرخصی گذشته به مرخصی خواهیم آمد. باید بدانید که همیشه انسان باید انشاءالله و امید به خدایی بگوید که اینطور شود بالاخره آماده باش هست. یا مرخصی لغو می‌شود - یا جابجایی می‌شود - و سرباز موفق نمی‌شود که به مرخصی بیاید به هر حال اگر تا مدتی دیگر هم به مرخصی نیامدیم هیچ‌گونه نگران و ناراحتی نداشته باشید و انشاءالله دیدارها به خیر و به خوبی تازه و روشن گردد. به یاری خداوند تبارک و تعالی و بازوی پرتوان سربازان و رزمندگان اسلام امسال سال پیروزی⁵.

1- در اصل وصیت «خواهد».

2- در اکثر موارد در اصل وصیت «انشاءاله» آمده است.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- خوانا نیست.

5- از سیاق عبارت پایانی وصیت برمی‌آید که وصیت‌نامه ناتمام است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هیچ قطره‌ای در قیاس بحقیقت نزد خدا از قطره
 خدوشی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست و من به خدا ام
 با این قطره خول به مشوقم که خدا است برسم به همه
 بگوئید مجال محمود مدینه ای بود برای امام اوست حسین
 بت شکن و در راه خدا برای حسین بود که محمود به جهاد با شهید
 کافر رفت و شربت شهادت نوشید پیام شهید که این شعار
 شهید امام اوست را تنها نگذارید که این یک شهادت به
 اسلام و مسلمین است پدر بزرگوار و مادر گرامیم اشیا طایفه که خول
 تا قابل من ما خدا قبول گفت که بتوانم روز محشر شما را
 رؤسید کنم پدر ارجمندم و گو مادر دلسوزم شما پسران
 راهی را رفت که حسین و یارانش آن را پیمودند

تقاضای ارجحانه بر شماست دست ما هرگز من خرد معنی دارد
 همه ما حاکم لیل سفر بودیم اندر راه عشق او به طلب ما رسید و
 همه آوارانیم در این راه دنیا را بی حاصل میرا مغزورگی کرد
 ایمان گر شویم با رجم عقوبات صغری می کرد

مژ زول قدر جلدیگر بدوند اجل مستیست و آدم مثل
 میوه

رسول اسلام خواجه بود در این راه که بسینه سر امام است
 نماز را در دنیا بر گزار می کنیم در وقتی راه کردیم را بار کردیم
 دنیا را که میرویم قدس را هم فتح می کنیم لایسته سر امام است نماز را
 را در قدس بر گزار می کنیم ما را تو صبح جا خداوند می باشد بی
 لذت ^{بسیار} آرام هم بنشیند باه برای سعادت آخرت و بهشت جا بدلا
 کوشش کنیم باه در دنیا را آخرت و سعادت و عزت باقیم و
 آخرت را به دنیا و ما دنیا را به آخرت لغو کنیم و به فکر هر دو
 در دنیا برای آخرت ما زنگ کرده با به گشت امروز رفقا بر داشت ما
 می نماند کوچک کنیم را به راه ^{بسیار} خواهد بود این جوانان هم آن
 بعد است که شروع به جای خود را می نماند لایسته سر امام است
 در سیرت ^{بسیار}

عزیز و حبیبا و فرزندان را از چشمم خردان راه دور همی رهیم خداوند متعال
ما سو داشته باشیم ما هم که خداوند، بشیسان صفتان مستقیمین
و اسب و پستان و همایون است ، پروردگار ما و توانا ، ما را ای کاش خدایا
گفتم که ~~بسیار روز~~ ^{روزها} ~~بسیار~~ ^{بسیار} ~~مکرم~~ ^{مکرم} ~~مکن~~ ^{مکن} ~~ما~~ ^{ما} ~~باید~~ ^{باید} ~~باید~~ ^{باید}
که هر ⁴⁰ سال یک بار انشاء الله واسعه خدایا بگردانیم تا استغفار کنیم
تا لازمه آباد ، باشه هست - تا حضرت کند سیود - یا خایجان
مسود - و سر با از روضه مسود که به حضرت سایه - هر حال اگر تا
بدنه و سر هم به حضرت ندانیم همیشه در آن مبارک خانه باشیم و
انشاء الله دنیاها بخیر و خوبی نماند در دهر و در دهر بیرون خدایا
تبارک و تعالی و بذوره در توان - برادران و در دستگیران اسلام استان ایلام

نام: سیدابراهیم
نام خانوادگی: موسوی
نام پدر: سیدرستم
نام مادر: نصرت
تاریخ تولد: بیست و دوم فروردین 1341
محل تولد: زرین آباد از توابع شهرستان دهلران
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و یکم مرداد 1360
محل شهادت: ششدار ایلام
نحوه شهادت: اصابت سهوی گلوله
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدفخرالدین
شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ اعلام می نمایم که این هدف «شهادت» را با آگاهی و اختیار انتخاب کرده ام.
- ۱ تا سرحد شهادت برای دفاع از کشورم و مبارزه با دشمنان انقلاب اسلامی ایستاده ام.
- ۱ تا جان در بدن دارم پیرو ولایت فقیه و آرمان مقدس امام خمینی هستم.
- ۱ به پدرم وصیت می کنم که در مرگ من استوار و محکم باشد.
- ۱ از ملت شریف و انقلابی ایران می خواهم که اجازه ندهند دشمنان انقلاب به اهداف پلید خود یعنی نابودی انقلاب برسند.

سیدابراهیم موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

«برترین شهدا کسانی هستند که در صف اول به مبارزه با دشمنان خدا می‌پردازند و دست از کارزار برنمی‌دارند؛ تا اینکه دشمنان خدا را بکشند و خود نیز به شهادت برسند»¹

اینجانب سیدابراهیم موسوی در این مقطع حساس که سرزمین اسلامیمان مورد تجاوز دشمن بعثی قرار گرفته است بر خود لازم می‌دانم که وصیت‌نامه‌ام را نوشته و آماده شهادت باشم و اعلام می‌نمایم که این هدف «شهادت» با آگاهی و اختیار انتخاب کرده‌ام و تا سرحد شهادت برای دفاع از کشورم و مبارزه با دشمنان انقلاب اسلامی ایستاده‌ام و تا جان در بدن دارم پیرو ولایت فقیه و آرمان مقدس امام خمینی هستم. به مادرم سفارش و وصیت دارم که بعد از شهادتم سیاه² نپوشد و روحیه داشته باشد و در آن لحظه‌ای که خبر شهادتم [را] به او می‌دهند، «امام حسین (7)» و یارانش که در دشت کربلا غریبانه و با لبان تشنه شهید شدند به یاد آورد و صبر داشته باشد که خداوند با صابران است. به پدرم وصیت می‌کنم که در مرگ من استوار و محکم باشد و همواره حامی انقلاب و امام خمینی باشد. به برادر[م] وصیت می‌کنم که در تمام لحظات زندگی خداوند را ناظر بر اعمال و رفتارش بداند و نیز پیرو و ادامه دهنده راه شهیدان و حامی انقلاب و امام باشد. از کلیه اقوام و خویشاوندان طلب حلالیت دارم.

در پایان همه را به خداوند بزرگ می‌سپارم و از ملت شریف و انقلابی ایران می‌خواهم که اجازه ندهند دشمنان انقلاب به اهداف پلید خود یعنی نابودی انقلاب برسند.

سیدابراهیم موسوی

1360/3/17

1- پیامبر اکرم (6).

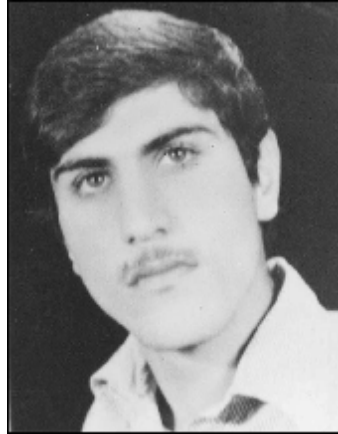
2- ر.ک. تعلقات.

بسم الله
 وصیت نامه شهید سید ابی سید مروری

پروردگارا! خدا را که همیشه که در صفت اول به سببده باشی خدا را پروردگارا در دست از
 کارزار برمی درازند! او یکید دشمن خدا را نکند و خود نیز به شهادت برسند. یا سید مروری
 ای جانب سید مروری که در این قطع هاست که نزدین اسلامیان مرد تجاوزه دشمن عشق
 زارگرفت است بر خود لازم میباید که وصیت نامه ام را نوشته و آنگاه به شهادت باشم
 در مقام می نماند که این هدف «شهادت» با آنچه می خواهم انتخاب کرده ام و در سرحد
 شهادت برای روح آن که گویم و سببده باشی خدا را پروردگارا در دست از کارزار
 تمام ببرد ولایت نسیم و گردان مقصود ام غمناک هستم. یا نامم بنامش در وصیت دارم
 که بعد از شهادت من سید مروری در وصیت داشته باشد و در آن لحظه ای که خبر شهادت من به او رسید
 در آن لحظه ای که در دست گرفته بودم و با لبان تشنه تشنه می نوشتم. یا سید مروری
 صبر داشته باشد که حصارده! همان در است. یا بدوم در وصیت کنم که در کتب من دستور دهم
 باشد و بعد از آن استوب در آن غمناک باشد. یا برادر در وصیت می کنم که در تمام لحظات زندگی
 خداوند را خاطر بر امان در دستش بماند. نیز ببرد و در راه جنت راه نرسد و وصی القلاب و نام
 باشد. که کسب نمودم و خیریت دندان طلب حلاوت دارم.
 در این صبر را به خداوند برگرد می سپارم و از دولت شریف و انصافی او این می خرم که اجازه
 بدهد دشمن القلاب به اهداف بلند خود یعنی نابودی القلاب برسد.

سید ابی سید مروری ۱۳۶۲/۴/۱۷

نام: نورالدین
نام خانوادگی: موسی
نام پدر: سلیم
نام مادر: زکیه
تاریخ تولد: نهم مرداد 1344
محل تولد: شهرستان ایلام
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: شانزدهم مهر 1361
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد
از توابع شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ۱ مادر جان می خواهم به کربلا بروم تا با حسین (7) پیمان ببندم.
- ۱ می خواهم به علی اکبر حسین (7) اقتدا کنم.
- ۱ تا خون در بدن دارم، پیش مرگ روح الله خواهم بود.
- ۱ مادر، همه ما وسیله هستیم تا اسلام را یاری کنیم.
- ۱ ما برای این دنیا خلق نشده ایم، باید به دیدار خداوند بزرگ برویم.
- ۱ تیزترین مرکب که انسان را به مقصد خدایش می رساند، همانا شهادت است.
- ۱ مرگ با افتخار هزار بار بهتر از زندگی در سایه مستکبرین است.
- ۱ ای کاش هزار جان داشتم و هر بار که شهید می شدم، دوباره به صحنه برمی گشتم.
- ۱ عاشق خط سرخ ولایت فقیه هستم.
- ۱ اگر من شهید شدم به آرزوی خود رسیده ام.
- ۱ خدا را فراموش نکنید.
- ۱ از امام عزیز دست بردارید.

نورالدین موسی

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود به رهبر عزیزم امام خمینی و سلام بر همه شهیدان راه قرآن به خصوص دکتر بهشتی¹ و با درود بر پدر و سلام بر مادر مهربانم.

مادر جان می‌خواهم به کربلا بروم تا با حسین (7) پیمان ببندم. می‌خواهم به علی اکبر حسین (7) اقتدا کنم و چون او، تا آخرین لحظه حیات دنیایم به امام بزرگوار باوفا باشم.

امام ای همه هستیم اگر مرا از خود برانند به من مارک بچسبانند، دیوانه‌ای بخوانند، چماق‌دارم معرفی کنند، هیچگاه از صحنه خارج نمی‌شوم و به همه مستکبرین و منافقین² می‌گویم تا خون در بدن دارم پیش‌مرگ روح الله³ خواهم بود. مادر مبادا گریه کنی که می‌بینی نوجوانان کم سن و سال‌تر از من به جبهه می‌روند و دین خدا را یاری می‌کنند.

مادر، همه ما وسیله هستیم تا اسلام را یاری کنیم. ما برای این دنیا خلق نشده‌ایم که باید به دیدار خداوند بزرگ برویم. تیزترین مرکب که انسان را به مقصد خداییش می‌رساند، همانا شهادت است، من هم می‌روم تا که اگر خدا قبول کرد شهید شوم. خدا را فراموش نکنید و از امام عزیز دست بردارید، برای من هم نماز و دعا بخوانید.

امروز مرگ با افتخار هزار بار بهتر از زندگی در سایه مستکبرین است، امروز روز یاری اسلام و مسلمین است، ای کاش هزار جان داشتم و هر بار که شهید می‌شدم دوباره به صحنه برمی‌گشتم که به آنان بفهمانم عاشق خط سرخ ولایت فقیه هستم.

دوستان شما را به خدا بی‌مطالعه افراد را طرد نکنید. گول منافقین را نخورید. دوستان خود را بشناسید و از دشمنان غافل نشوید. اگر من شهید شدم به آرزوی خود رسیده‌ام. به

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «روح اله».

آنان که خود را مدعی می‌دانند بگویید: اگر باور دارید که به خاطر اسلام شهید شده‌ام، از رفتار خود نسبت به من استغفار کنید که من ادعایی ندارم.

«وَالسَّلَامُ»

نورالدین موسی

وصیت نامه شهید نورالدین موسی

بسم الله الرحمن الرحيم

بادرود به زهیر عزیزم امام خمینی و سلام بر همه شهیدان راه قرآن بخصوص دکتر بهشتی و یادرود بر پدر و سلام بر مادر مهربانم .

مادر جان می‌خواهم به کربلا بروم تا با حسین پیمان ببندم . می‌خواهم به علی اکبر حسین اقتدا کنم و چون او، تا آخرین لحظه حیات دنیایم به امام بزرگوار با وفا باشم .

امام ای همه هستیم اگر مرا از خود برانند به من مبارک بچسبانند، دیوانه‌ام بخوانند، چماق‌دارم معرفی کنند هیچگاه از صحنه خارج نمی‌شوم و به همه مستکبرین و منافقین می‌گویم تا خون در بدن دارم پیشمرگ روح اله خواهم بود .

مادر مبادا گریه کنی که می‌بینی نوجوانان کم سن و سال‌تر از من به جبهه می‌روند و دین خدا را یاری می‌کنند .

مادر، همه ما وسیله هستیم تا اسلام را یاری کنیم ما برای این دنیا خلق نشده‌ایم که باید بدیدار خداوند بزرگ برویم . تیزترین مرکب که انسان را به مقصد خدائیش میرساند همانا شهادت است، من هم می‌روم تا که اگر خدا قبول کرد شهید شوم . خدا را فراموش نکنید و از امام عزیز دست بردارید برای منتم نماز و دعا بخوانید امروز مرگ با افتخار هزار بار بهتر از زندگی در سایه مستکبرین است ، امروز روز یاری اسلام و مسلمین است ، ای کاش هزار جان داشتم و هر بار که شهید می‌شدم دوباره به صحنه برمی‌گشتم که به آنان بفهمانم عاشق خط سرخ ولایت فقیه هستم . دوستان شمارا به خدا بی‌مطالعه افراد را طرد نکنید . گول منافقین را نخورید دوستان خود را بشناسید و از دشمنان غافل نشوید . اگر من شهید شدم به آرزوی خود رسیده‌ام . به آنان که خود را مدعی میدانند بگوئید اگر باور دارید که به خاطر اسلام شهید شده‌ام از رفتار خود نسبت به من استغفار کنید که من ادعائی ندارم .

والسلام

نورالدین موسی

نام: مهدی
نام خانوادگی: موسی زاده
نام پدر: کرکی
نام مادر: سحر
تاریخ تولد: 1346
محل تولد: روستای گل گل از توابع شهرستان مهران
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوازدهم اسفند 1364
محل شهادت: سلیمانیه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ۱ من راهی را انتخاب کرده ام که امام حسین (7) در روز عاشورا این راه را پیمود.
- ۱ دلم می خواهد هر چه زودتر از این زندان فانی بروم.
- ۱ دلم می خواهد اگر خداوند قبول کند، قطره خونی که دارم در راه رضای خداوند ریخته شود.
- ۱ می خواهم به دشمنان اسلام بفهمانم که تا اسلام چنین جوانانی دارد هرگز شکست نخواهد خورد.
- ۱ مادر جان برای من گریه و زاری نکن، چون با این کار دشمنان اسلام شاد می شوند.
- ۱ من وظیفه انسانی و اسلامی خود می دانستم که باید برای دفاع از اسلام به جبهه ها روانه شوم.
- ۱ این راه که من رفتم راهی است که علی اصغرها آن راه را انتخاب نمودند.
- ۱ تا اسلام و جمهوری اسلامی ایران این چنین جوانانی دارند هرگز شکست نخواهد خورد.
- ۱ خواهران عزیزم امیدوارم که زینب وار بعد از شهادت من در مقابل سختی ها و ناراحتی ها مقاومت کنید.

مهدی موسی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

«خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار»

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِئْتَنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ»^۱

«با کفار مقاتله کنید تا فتنه و آشوب از روی دنیا محو شود و تمام دنیا را حکومت خداوند فرا گیرد».

مادرم با درون و سلام به تو که چنین فرزندی را پرورش دادی و مرا به این سن رساندی. مادر جان مرا می‌بخشی و از تو حلالیت می‌طلبم چون آن طوری که شایسته فرزندی بود به تو خدمت نکردم.

پدر جان با تقدیم خالصانه‌ترین سلام به خدمت تو امیدوارم که مرا ببخشی و از درگاه خداوند متعال برای من طلب عفو و مغفرت نمایی. پدر و مادر مهربانم، برای من ناراحت نباشید چون من راهی را انتخاب کرده‌ام که امام حسین (7) در روز عاشورا این راه را پیمود. پدر و مادرم نمی‌دانم این چه عشقی است که با این جذابیت مرا به طرف خود جذب می‌کند. هیچ وقت این حالت به من دست نداده است. دلم می‌خواهد هر چه زودتر از این زندان فانی بروم. دلم می‌خواهد اگر خداوند قبول کند قطره خونی که دارم در راه رضای خداوند ریخته شود. می‌خواهم به دشمنان اسلام بفهمانم که تا اسلام چنین جوانانی دارد هرگز شکست نخواهد خورد. مادر جان من می‌دانم که دیگر به خانه بر نمی‌گردم. می‌دانم این جاذبه که مرا به طرف خود می‌کشد چه جاذبه‌ای است. مادر جان تو با رشادت و دلیری خودت باید بعد از شهید شدن من به دشمنان اسلام بفهمانی که هدف من چه بوده است. مادر جان برای من گریه و زاری نکن چون با این کار دشمنان اسلام شاد می‌شوند.

مادر جان برای اینکه من در میان شماها نیستم ناراحت مشو، برای این ناراحت بشو که دیگر من نیستم و به اسلام خدمت کنم. مادر جان وقتی که مرا یاد کردی می‌توانی بر سر مزارم بیایی و در آنجا به یاد علی‌اصغر امام حسین (7) در صحرای سوزان کربلا اشک از

۱- انفال/ 39. در اصل وصیت «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و يكون دين كل اليه»

گونه‌های خود بر مزارم بریز. مادر می‌ترسم بعد از شهادتم با خراشیدن گونه‌هایت روح پرفتوحم را آزرده سازی. صبر زیباست ای مادر جز در فراغ دوست (خدا) شکیبایی زشت است، جز در دوری از خداوند سبحان. مادر جان از تو می‌خواهم وقتی که خبر شهادتم را برای شما آوردند شاد و خوشحال شو و خداوند را سپاس‌گذاری کن که فرزندت به آرزوی خویش رسیده است و باز هم از تو می‌خواهم که برای من زاری نکنی.

خداحافظتان ای مادر و ای پدر گرامی - با درود و سلام به خدمت برادران گرامیم صید محمد - دوست محمد، محمد، هادی - هوشنگ و سیامک. با درود و سلام فراوان از خداوند سبحان می‌خواهم که شما را در تمامی کارها موفق و مؤید بگرداند و شما را از بندگان مخلص درگاه خودش قرار دهد. باری برادران از شما حلالیت می‌طلبم و از شماها به عنوان برادر بزرگوار درخواست می‌نمایم اگر یک موقعی با شما حرف تندی زده و یا در برابر شماها صدایم را بلند کرده‌ام به بزرگواری خودتان مرا می‌بخشید و از درگاه خداوند برایم طلب مغفرت و آمرزش می‌نمایم. باری ای برادران من وظیفه انسانی و اسلامی خود می‌دانستم که باید برای دفاع از اسلام به جبهه‌ها روانه شوم و من هم در این نبرد اسلام و کفر سهیم باشم. برادران این راه که من رفته‌ام راهی است که علی‌اصغرها آن راه را انتخاب نمودند و الگوی تمامی مسلمین و مؤمنان برای مبارزه با کفار و منافقین² شدند.

باری برادران برای من ناراحت نباشید و مانند برادر مسلمان به دشمنان اسلام بفهمانید که این راه را که من رفته‌ام خیلی بالاتر و والاتر از چیزی است که آن‌ها فکر می‌کنند. باید شماها به آن‌ها بفهمانید که تا اسلام و جمهوری اسلامی ایران این چنین جوانانی دارند هرگز شکست نخواهد خورد.

با درود و سلام به خدمت خواهران عزیزم امیدوارم که زینب‌وار بعد از شهادت من در مقابل سختی‌ها و ناراحتی‌ها مقاومت کنید و شما به مادر و پدرم بگویید که ناراحت نشوند و شماها به آن‌ها روحیه بدهید و نگذارید که آن‌ها ناراحت شوند. خداوند به شما طاقتی

عنایت فرماید که بتوانید در مقابل تمامی حوادث زندگی مقاومت و بردباری کنید منظور از خواهران (سامیه - حمدیه - فریده - اشرف - الهام و منظر است).
«رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»³

خداحافظ

الحقیر مهدی موسی‌زاده اعزامی از ایلام ناحیه 3 کربلا

3- بخشی از آیه 250 سوره بقره است. ترجمه: «پروردگارا ما را صبر و استواری بخش و ما را ثابت‌قدم دار و ما را بر شکست کافران یاری فرما».

محمد صدیق مریکا زاده

«دوست نام»

بسم الله الرحمن الرحيم (خدایا خدایا انقلاب کن که محبوبان را برسان)

و ما تلوهیم حتی لا تكون قننه و کلون دین کل الیه

باکتر فتنه فتنه تا فتنه و کتب لزره دی که موز و فام دنیا با عدوت طمانند زلاله

مادم با سر و سلام به کوه ضعیف فرزندی را میروزی وادی و ما به این سن رسیده ما در

موانع نفسی و لزره خلافت و علمیم چون آنقدر که است سینه فرزندی بود به خدمت نکریم

ببرهان با فتنه نریختن سلام به خدمت تو امید داریم که ما بیختر و لذت و خادمانه فصل

برای من طلب غنود مغزت تا کی ببرد بر من بر من بر من تا احوال با تشبه جمل من راهی

را القوب کردیم اما امام حسین روح در دوزخ است این را را ببرد بر و دین نهادیم این چه

عشر است که با این جنابیت را به طرف خود جذب کند هیچ وقت این حالت

به من دست نداد است و دلم به فزاید خود ترا از این زبان تا می بروم و دلم به فزاید

از خادمانه قبول کند نظر من را امام در راهی خدایان و فتنه رسو و فزاید به در فتنان

اسلام بنه که کرم حسین جوانی را در خزان نسبت فزاید خرد و ما در من به این

بگیر فتنه بر من کردم و اینم اینم جاز به آرا به طرف خود کشید چه در این است ما در

قرب است و دلبر خودت باید بداند که من در فتنان و سلام بنه ای که در

منم چه بود است ما در من بر من بر من و از آن کس که با اینم که در فتنان و سلام بنه ای که در

ما در من بر من بر من در سال شکر ما در من بر من بر من این این ما در من بر من

منم نیستیم و به اسلام خدمت کنیم ما در من و فتنه که را به کردی و فتنه بر سر ما را به

در آنجا بنا علی افتر امام حسین روح در همان زمان که با اینم که در فتنان و سلام بنه ای که در

بر من به ما در منم بداند فتنه با فزاید فتنه که در فتنان و سلام بنه ای که در

6

«وصیت نامه»

ای مایه جوی طبع دوست و یار من ~~...~~ است جز در روزی که
 خدای تعالی بخواهد من از این عالم رفته خردم را بر آن نهادم تا در خشتل سوز
 خندان را بیاید از کعبه که فرزندت بر آن زنده خوش رسیده است و بی هم از زمین و خشم
 که بر این من را بر من خدای تعالی ای مادران بهر آن - در روز و سلام به خدمت برادران گرامی
 و همه که در دست من - همه - هر که در دست من است با در دستم بر آن از خدای تعالی
 من و تو هم بر شما در خان کاخ سوز و سوزید برانده و سوزید از زمین من خشم و سوز
 قرار دهم بر برادران از دست خلافت و علم و از شما سوزان برادر برادر در خدمت ای مایه
 از یک سوز من با دست حرف من زود و زود بر این شما همه ای مایه که در ام ، برادران
 فرزندان را به تقصیر و گناه خدای تعالی بر این طلب مغفرت و آمرزش نماید ای مایه
 برادران من در زمین است از دست خدای تعالی فرود داشته که به به سوز و دم از اسم به همه ما در دست
 رسم و من هم در این نیز اسلام و کفر همیم با شتم برادران این راه را من رفته ام
 راهی است که علی انبیا آن راه را آفتاب نماند و آفتاب عالم سلیم و مؤمنان
 بر این سوز که در دست من من زود بر این برادران من را دست با شتم رساننده
 برادران من در زمین اسلام بهمانند این راه را که من رفته ام فعلی با دست و در این راه
 چیزی است که اگر با فکر من کرده بود شما به آن نماند به آن اسلام و جمهوری اسلامی ایران
 این چنین بر آن زود که در دست من خدای تعالی - در روز و سلام به خدمت برادران عزیز
 امید ام از زینت و در بعد از آن دست من در دست من سوزید و با دست به خدمت کسب و شهادت و در دست
 بر شکر که با دست من در دست شما به آن روید به هدیه و گناهید که آن با دست من خدای تعالی
 خلافت عبادت فرموده بر آن در زمین هم حاد است زنده خدای تعالی و در دست من خدای تعالی (به همه)
 زود است (دست من) همه «و با از رخ عین صبر آ در دست اقدامات و افرات باقی هم آنگاه با تمام
 خدای تعالی = الحقر محمدی سرای لاله ایرانی از ایلام ناحیه ۳ کر بلا»

نام: علی
نام خانوادگی: مؤمنی
نام پدر: مرتضی
نام مادر: خدابس
تاریخ تولد: نهم اسفند 1349
محل تولد: روستای بیشه‌دراز از توابع شهرستان
دهلران
تحصیلات: تحصیلات حوزوی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوم خرداد 1365
محل شهادت: جزیرهٔ مجنون عراق
نحوهٔ شهادت: -
مزار: گلزار شهدای سیداکبر شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا شهادت در راه خدا زیباست.
- ا در این سرزمین این قدر با دشمن می‌جنگم تا پیروزی و موفقیت نصیبم گردد.
- ا راستی که مرگ در راه خدا چه خوب و خواستنی است.

علی مؤمنی

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين بارى الخلائق اجمعين والصلوة والسلام على عبدالله ورسوله وحببيه و صفيه و حافظ سرّه و مبلغ رسالاته سيدنا و نبينا مولانا ابى القاسم محمّد (6) و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين». اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»¹ وصیت‌نامه شهید: چقدر شهادت در راه خدا زیباست مانند گل خوشبو است. من در این سرزمین این قدر با دشمن می‌جنگم تا پیروزی و موفقیت نصیبم گردد یا به درجه رفیع شهادت نایل گردم. اگر لیاقت داشته باشم که در راه اسلام و قرآن شهید بشوم. به مادرم تبریک بگوئید، چون که من به مهمانی خدا رفته‌ام. راستی که مرگ در راه خدا چه خوب و خواستنی است.

«وَالسَّلَامُ»

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار

آمین

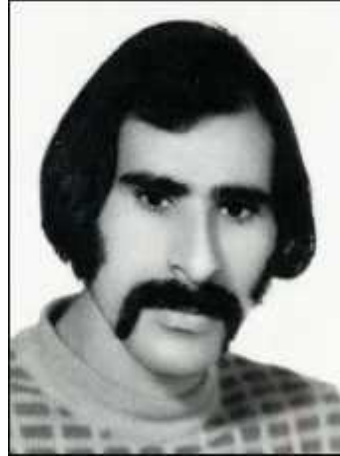
1- بخشی از آیه 100 سوره نساء، ترجمه: «و هرگاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول او بیرون آید و در سفر مرگ وی را فرا رسد اجر و ثواب چنین کسی برخداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان است».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، ما رأيت الفلأفق الا من والى الطوفان والالام على عهد اللانرسو
رسوله وحبيبه وصفية وما حفظ مسره و مبلغ رسالته وسيدنا وبيتنا مولانا ابيم القاسم
محمد (ص) وعلى اهل الطيبين الطاهرين المعصومين اعوذ بالله من الشيطان الرجيم
وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ يَتَفَرِّجُ بَيْنَ يَدَيْهِمَا فِرا الى الله ورسوله ثم يذكره السرور فقد وقع امره
على الله وكان الله عذرا له بها وصيت ناهي شهيد: چقدر شهادت در اجد
تاثير وعتد و موفقيت نصيم كدر يابه درجه رفيع شهادت نائل كرم. الرلياقت
داشتن باشم كه در راه اسلام وقرآن شهيد بشم. به مادرم تبريكه بگويد چون كه
سره و عهده امزه و باوقفت ام را بسى كه سره در راه شهادت خوب و خواستش است
والسلام. خدا را خدا با خدا اقبال بورد و شهيد را نگه دار كسى



نام: قیصر
نام خانوادگی: مؤمنی
نام پدر: صیدعلی
نام مادر: صنم‌پر
تاریخ تولد: یکم دی 1326
محل تولد: روستای میمه زرین‌آباد از توابع
شهرستان دهلران
تحصیلات: خواندن و نوشتن
ارگان اعزام‌کننده: -
تاریخ شهادت: چهارم شهریور 1368
محل شهادت: -
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای بخش صالح‌آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ توصیه اینجانب به دیگر جانبازان محترم انقلاب، چه خواهران و چه برادران این است که قدر این نظام جمهوری [را] بدانید.
- ۱ به خدا قسم بهتر از این نظام و حکومت، حکومتی دیگر بوج و بیهوده است.

قیصر مؤمنی

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت‌نامه اینجانب قیصر مؤمنی جانباز انقلاب اسلامی ایران.

رهبری جدید نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای¹ بر عموم مسلمین جهان مبارک باد و از خداوند منان خواستارم که این انقلاب به رهبری مقام معظم رهبر جدید تا انقلاب حضرت حجت (عج) پا برجا باقی بماند و توصیه اینجانب به دیگر جانبازان محترم انقلاب، چه خواهران و چه برادران این است که قدر این نظام جمهوری اسلامی ایران که با خون هزاران شهید آبیاری شده است [را] بدانید. به خدا قسم بهتر از این نظام و حکومت، حکومتی دیگر پوچ و بیهوده است و باید ارزش آن را حفظ نمایم. از خداوند بزرگ سلامتی رهبر جدید آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر مسئولین کشور [را] خواستارم.

«والسلام»

و اما موضوع اموال اینجانب و ساختمان و دارایی اینجانب قیصر مؤمنی به شرح زیر توضیح می‌دهم: بعد از خودم کلیه اموال و دارایی اینجانب متعلق به زن و تنها فرزندم می‌باشد و برادر و یا خواهر و یا مادر اینجانب هیچگونه حق دخالت در زندگی همسر و تنها فرزند اینجانب ندارند.

و هم‌چنین برادر یا خواهر یا فرزندان همسر اینجانب حق دخالت در زندگی زن و تنها فرزندم [را] ندارند. و ساختمان در دست تعمیر که نصف آن درست شده است، کسی حق فروش آن را ندارد و متعلق به فتومه و کبری می‌باشد و هیچ یک از افراد الماسی‌ها حق ندارند دختر اینجانب را برای کسی از خودشان به همسری انتخاب نمایند و حقوق

اینجانب قیصر مؤمنی [را] به رضایت خودم به جز به همسرم فتومه سربخش و دخترم کبری مؤمنی به کسی دیگر تحویل ندهید¹.

قیصر مؤمنی

1- بالای وصیت‌نامه شهید آمده است: «مورخه 136]8/4/15]». شهید مؤمنی قبل از رحلت حضرت امام در دوران انقلاب اسلامی، در سال 1357 مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و مجروح شده به عنوان جانباز انقلاب تا تاریخ چهارم شهریور 1368 در اثر عوارض ناشی از آن گلوله به درجه رفیع شهادت می‌رسد.

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت نامه امام لایق است به قدرش جابجا انقلاب است و برای

رعی جبه نظام جمهوری است اولاً به رهبری آیت الله خمینی فاضل

و عزم و عین و جانداران خدایه ما خدایم به این انقلاب

به رهبری امام عظیم و دیگران تا انقلاب حضرت عیسی (ع) با بر جابجا باغ

و توفیق امام لایق به دیگر جانانها و محرم انقلاب و خواهران و برادران

این است که قدر این نظام جمهوری است و این که ما عرض کردیم

و این است که بدانید بخدا قسم همه از این نظام و حکومت

حکومتی دیگر بوجود آمده است و باید از این که ما حفظ کنیم

که نظامی است که این رهبر عظیم است و فاضل و عزم و عین و جانداران

«در دم»

و اما موضوع امام لایق و سقا و این است که همه از این به جمع و توفیق امام

بعد از عزم و عین و جانداران این است که متعلق به زن و تنها فرزندان ما است

و برادر و خواهر و مادر این است که همه از این است و عزم و عین و جانداران

این است که از زن و عین و جانداران این است که همه از این است و عزم و عین و جانداران

در عزم و عین و جانداران این است که همه از این است و عزم و عین و جانداران

در عزم و عین و جانداران این است که همه از این است و عزم و عین و جانداران

و هیچ یک از افراد این هیئت حقوق ندارند دفتر این بنیاد را برای کسی
از خردشان به هر روی انتخاب، تأیید و حقوق این بنیاد محترم
به رسمیت خودم بجز به رسم بنوم سرکارش و دفترم بیکدیگر
به کسی دیگر تزیین ندهم

محمد زین

نام: جعفر
نام خانوادگی: میرزا کریمی
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: زیور
تاریخ تولد: یکم خرداد 1350
محل تولد: بخش بدره از توابع شهرستان
دره شهر
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم دی 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای آبچشمه زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ اگر من در جبهه اسلام شهید شدم هیچ برای من ناراحت نباشید.
- ۱ اگر شهید شدم راه امام حسین (7) را ادامه داده‌ام.
- ۱ اگر من در راه اسلام جانم را دادم به همه آنها بگو که مرا ببخشید.
- ۱ به امید پیروزی حق علیه باطل.

جعفر میرزا کرمی¹

بسم الله الرحمن الرحيم²

به نام خداوند بخشنده مهربان
سلام [و] درود به رهبر انقلاب و رزمندگان اسلام.
حضور محترم جناب آقای پدر گرامیم و مادر عزیزم با عرض سلام و سلامتی شماها را
به درگاه خداوند متعال³ خواستاریم آن هم خدا کند دید به دیدار عزیزتان به خیر خوبی
ملاقات کرده و همیشه در زیر سایه خداوند پرمتعال باشید و خدا کند که [نما]زهای خود
را به موقع و دعاهای خود را به موقع به پا داشته باشید.
پدر و مادر عزیز من در تیپ 21 امام رضا هستم می‌خواهند⁴ ما را [به جب]ه‌ه حق
علیه باطل ببرند و یا پدر و مادر عزیز، اگر من در جبهه اسلام [ش]هید شدم هیچ برای من
ناراحت نباشید⁵ و بقیه برادران راهم را [اد]امه بدهید و اگر دو فرزندت را در راه اسلام
جان‌نثار⁶ کنی باز هم هیچ برای من ناراحت نباشید و فکر نکنید، من این نامه را نوشتم
دیگر من شهید شده‌ام. من هنوز شهید هم نیستم؛ اگر شهید شدم راه امام حسین (7) را
ادامه داده‌ام.

«والسلام»⁷

هیچ نکرده‌ای و پدر و مادر عزیز، فقط و فقط اول امام و بعد رزمندگان و بعد خودتان
را دعا کنید تا این رزمندگان هر چه زودتر به پیروزی برسند و سلام مرا به تک‌تک برادرانم
تک‌تک دو خواهرانم همچنین و عموهایم و عموزاده‌هایم و خواهرزاده‌هایم و همسایه‌هایم

1- بالای وصیت نامه نوشته شده: «وسعت نامه برادر بسیج شهید».

2- در اصل وصیت‌نامه «الرحمان».

3- در اصل وصیت «خواهان خواستاریم».

4- در اصل وصیت «میخواهن».

5- در اصل وصیت «نباشیم».

6- در اصل وصیت «جان نثار».

7- در اصل وصیت «والسلام».

و به بقیه سلام برسانید و اگر من در راه اسلام جانم را دادم به همه آن‌ها بگو که مرا ببخشید و حلالم کنید و یا پدر و مادر گرامیم شما هر دو من را ببخشید و حلالم کنید و مأموریتی من به مدت 40 یا 50 روز است و بعد از آن که زنده بودم به مرخصی می‌آیم و من از این بیشتر عرضی ندارم.

به امید پیروزی حق علیه باطل و نامه برای من ننویسید.

تا دوباره نامه سلامتی خودم را برایتان می‌نویسم.

وصیت‌نامه برادر شهید

خداحافظ ایا مادر

من بمیرم این بماند یادگار

روز جمعه به خانه می‌رسیدم

دل من طاقت دوری نداره

خطی نوشتم برای یادگار

اگر پروانه بودم می‌پریدم

نمک در نمکدان شوری نداره

بسم الله الرحمن الرحيم
و وصیت نامه مولود میرزا
شهد

سلام درود به رهبران انقلاب و زوینندگان اسلام
عمو محترم جناب آقای دکتر کریمی و ایزد عزیزم با عرض سلام
اول سلامتی شما را بادرگاه خداوند متعال خواهم خواست
آن هم خدا کنی دین یادیدار عزیزانم به خیر خوبی ملاقات کرده
همینجا در زیر سایه خدایت نرسیده باشم خداوند
زهای نمودن رایه موقع و دعاها خود را به موقع به یاد داشته باشم
پدر و مادر عزیز من در تپ ۱۲ امام رضا هستم می خواهم مایه
بغ حق علیه باطل برون و یا پدر و مادر عزیز اگر من در جبهه اسلام
میدشدم هیچ برای من ناراحت نباشیم و بقیه برادران را هم را
اما بدید و اگر در فرزندت را در راه اسلام جان نثار کنی با هم

هیچ بران من ناراحت نباشید و غم نکنید من این نامه
را نوشتم دیگر من شهید شده ام من هنوز شهید شده ام نیست
اگر شهید شده ام راه امام حسین را ادامه داده ام
و سلام

میخنگ کرده ای دیدم و مادر عزیزم فقط اول امام و بعد -

زمنندگان و بعد خوردن نان را دعا کنین تا این زمینگان هر چه

زود تر با پیروزی برسین و سلام مرا با برادرانم تک تک و خواهانم ^{تک تک}

همچنین و عموهایم و عموزاده هایم و خواهرزاده هایم و همسایه هایم

در بقیه سلام برسانید و اگر من در راه اسلام جانم را دارم به

هفتاد سالگی که مرا ببخشید و حلالم کنین و یا پدر و مادر گرامیم

شما هر دو من را ببخشید و حلالم کنین عموهایم هم به

مدت بمیان روز است و بعد از آن که زنده بودم با

مرضی می آیم و من از این بیشتر عرضی ندارم

بر امید پیروزی حق علیه باطل و نامه برایی من ننویسید

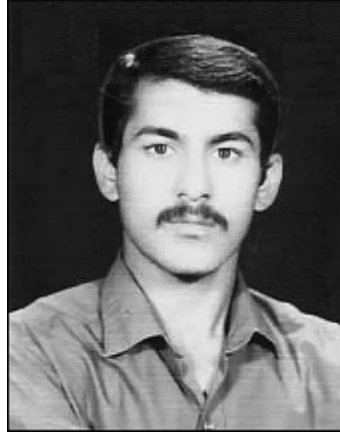
تا دوباره نامه سلامتی خودم را برایتان می نویسم
[وضعیت نامه بر برگر شهید] خدا حافظ ایما مادر

خطی نونم برای یادگار - من میروم این بیانه یادگار

اگر پروانه بزرگ می پرورم - روز جمعه با خانهای می رسیم

نفس در نوبکوان شوری نزارد - دل من طاقت دعوی ندارد

نام: جعفر
نام خانوادگی: میرزایی
نام پدر: احمد
نام مادر: زلیخا
تاریخ تولد: هفتم شهریور 1346
محل تولد: شهرستان دهلران
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهارم دی 1365
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای امامزاده
سیداکبر زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا درود بی‌پایان به امام امت، این اسطورهٔ مقاومت و جاودانه.
- ا خداوندا تو را به مقربین درگاهت قَسَمَت می‌دهم به خون ریخته شدهٔ حسین (7) از تو می‌خواهیم که این امت را به وطن خود باز گردان.
- ا راه کربلای حسینی را بر روی ایشان باز گردان.
- ا شعارتان فقط «ایمان - جهاد و شهادت» باشد؛ شما هم به این شعار عمل نمایید.
- ا از مادرم می‌خواهم که هیچ موقع از خود ناراحتی بروز ندهد.
- ا در موقع شهادت من از شما می‌خواهم هیچ موقع پیراهن سیاه نپوشید.

جعفر میرزایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ»¹

خداوند مؤمنانی را که در راه خدا مانند ستونی استوار و در مقابل کفار مقاومت می‌کنند دوست می‌دارد و از آن‌ها تقدیر و تعریف می‌کند.

با سلام و درود بی‌کران به یگانه منجی عالم بشریت امام زمان²(عج) و با سلام و درود به پیکارگران راه دین و با سلام بی‌پایان به پیکر پاک شهیدانی که جان خود را فدای آیین محمد (6) نمودند و درود بی‌پایان به امام امت، این اسطوره مقاومت³ و جاودانه و با سلام و درود به مردم قهرمان شهیدپرور دهلران و آبدانان.

نمی‌دانم که این بنده حقیر از کجا شروع کنم در زیر این آسمان آبی و در پشت [روی] این زمین که می‌چرخد مردمی بس مقاوم و استوار وجود دارد که رنج‌ها و زحمت‌ها کشیده‌اند و وطن خود را از دست داده‌اند. مردمی که شش سال جنگ را اداره نموده‌اند جوانانی را از دست داده‌اند و چشم براهند که وطن خود را دوباره باز یابند. خداوند تو را به مقربین درگاہت قَسَمَت می‌دهم به خون ریخته شده حسین (7) از تو می‌خواهیم که این امت را به وطن خود باز گردان و راه کربلای حسینی را بر روی ایشان باز گردان. مردم مسلمان و غیور دهلران و آبدانان از شما می‌خواهم تا انسان‌هایی که از یوغ بردگی نجات یافته‌اید⁴ شعارتان این باشد که فقط «ایمان - جهاد و شهادت» باشد شما هم به این شعار عمل نمایید.

خداوندا، ما را آنچنان استوار گردان که همانند کوه‌ها پا برجا باشیم و دل‌هایمان را آنچنان به سوی خودت⁵ متصل گردان که همانند دریا که بر کنارهای ساحل می‌زنند. ما

1- صف / 4.

2- در اصل وصیت «امام الزمان».

3- در اصل وصیت «استوره مقاوم».

4- در اصل وصیت «نیافته‌اند».

5- در اصل وصیت «به سوی تو».

همچون سیل خروشان بر سینه دشمن بکوبیم. بیش از این وقت گرانبهای شما را نمی‌گیرم و شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم.

از پدر عزیز و مادر گرامی و برادران غیورم می‌خواهم همیشه صبر را پیشه کنند و آن روح معنوی را چنان به خود پیوند دهند و همیشه به خانۀ شهدا بروند و به آن‌ها روحیه بدهند. از مادرم می‌خواهم که هیچ موقع از خود ناراحتی بروز ندهد. مرا ببخشید که بیش از اندازه شما را نگران کرده‌ام در موقع شهادت من از شما می‌خواهم هیچ موقع پیراهن سیاه¹ نپوشید مدتی جبهه بودم. در ماه رمضان فرماندهان اجازه ندادند که روزه بگیرم. لذا یک ماه قضای آن را باید بگیرم که نگرفته‌ام.

بساط خویش را چیدند و رفته
به خون خویش غلتیدند و رفتند
شراب عشق نوشیدند و رفتند

خوشا آنان‌که با عزت زگیتی
خوشا آنان‌که در راه خداوند
خوشا آنان‌که از سرچشمه عشق

65/10/3

اِنَّ الْمَدِيْنَةَ الَّتِي تَبَايَعْتُمْ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ صَفَا قَانُونًا
بِنَبِيٍّ مَّرْصُومٍ

خداوند شهنشاهی را که در راه خدا مانند ستون استوار در مقام حق کفایت و عدالت می کند
دوست می دارد و او را از مخالفین و دشمنان می گذرد
با سلام و درود می خواند به گناهی که نفس عالم شریعت امام از راه انج و با سلام و درود
به نیکوترین راه زمین و با سلام می پایدان به پیکر نبوت استبداد که همان خود را تو را
کشتن بخدا می نمودند و درود می پایدان به تمام ادب و تین استواره مخلوق و جاودان و با
سلام و درود به مردم خود را از انبیا و پیغمبر در حدیث و در حدیث
می دانند که این همه حقیقت است و گویا که نام مذکور این آسمان آبی و در شب این زمین
که می بر قدم صوفی پس تکلم و استوار وجود دارد که در حق او وقتها شده ماند و وطن خود را
ندست دارد اند مردمی که شش سال صفت و از راه نموده اند جوانانی را از دست داده اند
و چشمه ها کشیدند و وطن خود را دوباره باز یافتند خداوند توانور با مفسرین در نگاهت قسمت
می دهم به خون ریخته زنده حسین از تو می خواهیم که این است واجب و کفایت با در راه و راه
کریه حسرت را بر روی این راه تا گردانای مسلم و غیره و حدیث و آیه بر آن نرسید
ما فرام نماند این که در نوع بر روی نیات است و اندر راه که در حدیث است این است که
فقط ایام - ما او شهادت با شد شام هم به این شاعر محفل نما خیز
خداوند اما از اینان استوار شد و آن که می شنیدند که با برجا ایتم و در میان آن را
و نیاں بیرون تو متشنه گردان که هائند روانی بر سارخ کسا فل من زنده نام خود را
خودشان بر زمین روشن گویم بوجه آنکه در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
به خرافه مردم بسیار

از پدر عزیزم یادگار شریفی من و برادران محترمین می خواهم همیشه
 پیشه کنند و آن روح شریف را همان که بخود پیوسته دهد که همیشه باقی
 باشد برود. بزرگ و با آنهارو همیشه بدهند و تمام می خواهم که هیچ موقع از
 خود ناراضی نباشند و هر چه می بینند که بشود از آنرا که شمارا بگردان کرد
 در موقع ~~تو~~ از شما می خواهم هیچ موقع پیراهن سیاه نپوشند و مدتها پیش برون
 در راه سعادت فرمایند و آنرا که در راه سعادت بگذرانند تا آنکه تمام
 آن را یاد بگیریم که بگذرانیم.

خوشا آنکه با عزت زین
 تسلط طوفان را بدین درخت
 خوشا آنکه در راه سعادت
 به خون خویش غلظت زدند
 خوشا آنکه در پیروان عشق
 شراب عشق نوشیدند و رفتند

۲۰، ۱۰، ۷۵

نام: شاولی
نام خانوادگی: میرزایی
نام پدر: جعفر علی
نام مادر: قدمخیر
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1342
محل تولد: شهرستان دهلران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سوم تیر 1366
محل شهادت: ماووت عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده
سیداکبر زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا تا قطره خون در بدن داریم آن راه واقعی خودت و فرزند گرامی ات حسین (7) را ادامه می دهیم.
- ا ای حسین (7) جان امروز ما را هم جزء آن سربازان واقعی و باوفای خودت قرار دهید.
- ا ما هم تا لحظه های آخر و تا آخرین نفر و تا آخرین نفس و تا آخرین فشنگ با دشمنانت می جنگیم.
- ا شهادت صد برابر آن است که در بستر بمیرید.
- ا ای رزمندگان اسلام بکوشید و در راه حسین (7) به نبرد بپردازید.
- ا هدف اصلی آزاد کردن مسلمین و مستضعفین از بند مستکبرین می باشد.
- ا ای رزمندگان اسلام بکوشید تا در دنیای آخرت رستگار شوید.
- ا همین طوری که شعار می دهیم جنگ جنگ تا پیروزی باید به این شعارها هم عمل کنیم.
- ا مثل کوهی باشید که سالها بر آن برف می باد ولی کوه همان کوه است و پابرجا است.
- ا تقاضا می کنم که پشتیبان ولایت فقیه باشد.
- ا دعا به جان امام را فراموش نکنید.

شاولی میرزایی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب شاولی میرزایی فرزند جعفرعلی شماره شناسنامه‌ام 1954 تاریخ تولد 1342 صادره از دهلران - وصیت خود را با نام خدا شروع می‌کنم.

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»¹
 آنان که ایمان آورده‌اند و در راه خدا به پیکار می‌پردازند و آنان که کافرند و در راه طاغوب به پیکار می‌پردازند».

آری پس ای امیرالمؤمنین اگر چه در آن زمان نبودیم که در رکابت باشیم... اما امروزه نیز این سعادت نصیبمان² شد که در لشکری که به نام لشکری 11 امیرالمؤمنین³ که با⁴ نام تو تشکیل شده است حاضر شده‌ایم و با تو قول مردانگی می‌دهیم و پیمان مردمی می‌بندیم که تا قطره خون در بدن داریم آن راه واقعی خودت و فرزند گرامی‌ات⁵ حسین (7) را ادامه می‌دهیم. پس اینک ای حسین (7) جان امروز ما را هم جزء آن سربازان واقعی و باوفای خودت قرار دهید و بدان که ما هم تا لحظه‌های آخر و تا آخرین نفر و تا آخرین نفس و تا آخرین فشنگ با دشمنانت می‌جنگیم. و راحت⁶ را ادامه می‌دهیم. «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»⁷. با درود و سلام فراوان بر حضرت آقا امام زمان (عج) و نایب بر حقش امام امت و با درود و سلام بر روح همه شهیدان به خون غلطان دشت کربلای حسین (7) و همچنین امروز ایران و با درود و سلام بر آن دلیر مردانی که شب‌ها و روزها زندگیشان و هدفشان خدمت در راه خدا و اسلام و به پیروزی رساندن انقلاب خونین ایران عزیز

1- نساء/ 76.

2- در اصل وصیت «تسبیمان».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «کما».

5- در اصل وصیت «کرامیت».

6- در اصل وصیت «راحت».

7- صف/ 13.

می باشد. پس ای جوانانی که در خانه خوابیده‌اید آیا شما مرگی را که در بستر باشد با شهادت برابر می‌گیرید مگر نمی‌دانید که شهادت صد برابر آن است که در بستر بمیرید؟ پس چرا این نعمت بزرگ [را] که همانا شهادت است نصیب¹ خود نمی‌کنید. آری ای رزمندگان اسلام بکوشید و در راه حسین (7) به نبرد پردازید. چونکه ما هر چی داریم از امام حسین (7) است و هدف اصلی آزاد کردن مسلمین و مستضعفین از بند مستکبرین می باشد. آری ای رزمندگان اسلام بکوشید تا در دنیای آخرت رستگار شوید. اگر ما به آیه قرآن کریم توجه کنیم که می‌فرماید «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً»² «با آنان دشمنان خدا پیکار کنید تا فتنه از روی زمین برطرف شود». پس همین طوری که شعار می‌دهیم جنگ جنگ تا پیروزی باید به این شعارها هم عمل کنیم و همچنین طوری که می‌گوییم متجاوز باید مجازات شود باید به پای این شعارها بایستیم³ و باید متجاوز را مجازات کرد و باید کسانی که در داخل این مملکت هم خرابکاری می‌کنند و یا برخلاف اسلام و بر ضرر جمهوری اسلامی ایران که با خون⁴ هزاران شهید به دست آمده است. اگر بخواهند این چنین کاری را انجام دهند باید جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی که از قرآن گرفته شده است با آن‌ها رفتار کند و باید آن‌ها را به مجازات برساند امیدوارم که مسئولین بالا هم به دردهای⁵ مردم مظلوم برسند و نگذارند حق مستضعفین خورده شود انشاءالله.

ضمن عرض سلام وصیتم به پدر گرامیم و برادران و عموزادگان و خواهرزادگان محترم و عزیزم و خواهران با حجاب و مهربانم این است که اگر چنانچه خداوند شهادت را نصیب⁶ کرد گرچه لیاقت شهید شدن را ندارم ولی اگر به این آرزو رسیدم و شهادت نصیبان شد از همه شما خواهشم این است که هیچگونه برای من احساس ناراحتی نکنید و از خواهران می‌خواهم که هیچکدام حق ندارید به سر و موی خودتان چنگ بزنید. این

1- در اصل وصیت «نسییه» است.

2- فرازی از آیه 193 سوره بقره.

3- در اصل وصیت «به ایستیم».

4- در اصل وصیت «کبا خون».

5- در اصل وصیت «دردایها».

6- در اصل وصیت «نسییم».

کار علاوه بر اینکه در نظر اسلام بزرگترین گناه است و از سوی دیگر هم با این کاری که انجام می‌دهید، دارید دل دشمنان اسلام را هم شاد می‌کنید. امیدوارم که این کار را تکرار نکنید. سعی کنید در مقابل سختی‌ها صبر داشته باشید چونکه مسلمان باید هم در مقابل همه سختی‌ها صبر داشته باشد و باید دندان روی دندان قرار دهید و دندان‌ها را به هم فشار دهید و مثل کوهی باشید که سال‌ها بر آن برف می‌باد ولی کوه همان کوه است و پابرجا است و باری پدرجان گرچه بنده خدمتی نسبت به شما نکرده‌ام اما امیدوارم که مرا مورد بخشش خودت قرار دهید. آری پدرجان خداوند هر کسی را که دوست دارد آن را تحت آزمایشی قرار می‌دهد، تا ببیند¹ چقدر صبر دارد و تا چه حد به خدای خود علاقمند است و باری پدرجان خداوند مرا به عنوان امانتی به دست شما سپرده بود که شما آن امانت خدا را به جای² آورده‌اید و مرا به جهاد در راه خدا فرستادی که قال رسول‌الله (6) «أَنْ أَفْضَلَ عَمَلِ الْمُؤْمِنِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»³. «بهترین عمل مؤمن جهاد در راه خداست». بله بنده ناچیز از از خانواده خودم تقاضا می‌کنم که پشتیبان ولایت فقیه باشد و سعی کنید در بین خانواده‌های شهدا نمونه باشید. با این که به اسم خانواده شهید هستید، سوء استفاده نکنید و اینقدر هم به بنیاد شهید فشار نیاورید که بگویید ماشین می‌خواهیم، چه می‌خواهیم و می‌خواهیم فلان کار را انجام دهیم و اینها نباشند؟ باری برادر عزیزم آقای علی امید است بعد از نبودن من به پدرم و هم‌چنین خواهرم نجمیه و برادرزادگانم کورش و اعظم کمک نمایم که سرپرستی⁴ و نگهداری این‌ها بر عهده تو است. امیدوارم که این امانت برادر کوچک خودت را به جای آورید⁵ انشاءالله و در آخر از همه قومان، خویشان و از کسانی که بنده را دیده‌اند و می‌شناسند و از تک‌تک دوستان و هم‌زمان خواهش می‌کنم که اگر ناراحتی از من دیده‌اید مرا ببخشانید و حلال⁶ کنید و از کسانی که زحمت کشیده‌اند و در

1- در اصل وصیت «ببینم».

2- در اصل وصیت «بجاه».

3- حدیث نبوی است (نهج‌الفصاحه، ص 88، حدیث 602).

4- در اصل وصیت «سرپرستی».

5- در اصل وصیت «بجاه آورید».

6- در اصل وصیت «هلال کنید».

تشییع جنازه من شرکت کرده‌اند [...]»¹ از طرف خودم از آن‌ها کمال تشکر را دارم و معذرت می‌خواهم از اینکه مزاحم وقت شریفتان شده‌ام. امیدوارم که خداوند به همه شماها پاداشت خیر و اجر بدهد. انشاءالله و ناگفته نماند این چند کلمه شعر را هم بر روی قبرم بنویسید.

کشته شدم من اگر در جبهه ای همسنگرم
این پیام از من ببر نزد خمینی رهبرم
بگو ولی من تویی ای نایب صاحب زمان
امروز فرمان شما را من پذیرفتم زجان
و در پایان دعا به جان امام را فراموش نکنید. خداحافظ² همگی.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»³

میرزایی

66/2/2

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «خداحافظ».

3- در اصل وصیت «وسلام علیم و رحمت الله و برکاته».

①

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه

ایمان ب شایسته میزبان فرزندان جعفر علی

شماره شناسنامه امر ۱۹۵۴ تاریخ تولد ۳۰/۳/۱۳۰۴

از دهلران - وصیت خود را با نام خدا شروع می

کنم لادین آمویفا تلون فی سبیل الله والذین کفرو

یقا تلون فی سبیل الطاغوت اقران کریم،

آنانکه ایمان آورده اند و در راه خدا به یکدیگر بردارند و

آنانکه کفر و در راه طاغوت به یکدیگر بردارند -

آری پس اذکر الله الذین کفرو و الذین کفرو

در راه با حق است و آنچه در راه حق است را سبیل الله

سند که در لشکره که بنام لشکره لاله امیرالمؤمنین (ع)
کبا نام در تشکیل شده است حاضر شده ایم و با تقوای
مردانگی و دهیم و بیجان مردی می بندیم که تا قطره خون در بدن
مانیم آن را. واقعی خودت و فرزندت را صفت حسین (ع)
را کرده می دهیم پس ازین برای حسین جان امروز
ما را هم جزو آن سر بزرگ واقعی و با وفای خودت قلب
دهید و بدان که ما هم تا کوفه های آخر و تا آخرین نفوس
تا آخرین نفس و تا آخرین فلک با دشمنان خدای
جنگیم و راحت را در راه می دهیم! نفسی الله و
فتح قریب ~~و در سلام~~ ~~فلا اله الا الله~~ بر صورت آن

(۳)

امام زمان د حج و تائب بر حقش امام است
 و با درود سلام بر روح همه شهیدان به خون
 غلفای دست کربلای حسین (ع) در همچنین
 امروز لایزال و با درود سلام بر آن دلیر و مانندی که
 شبها و روزها ز نوگیشان و هدفشان خدمت
 در راه خدا و اسلام و به پیروان رسانند آن انقلاب
 خونین لایزال عزیزان باشد پس ای جوانانی که
 در خانه خوارید و آری شما مری را لگه بستر
 باشد با شهادت برابر میاید و مگر نمی دانید که
 شهادت همه در اول است که چه بستر بهرید؟

(۴)

پس، چرا این دخت بزرگ که زرم بروت است نسید خود
 می کنین آری ای رزمندگان اسلام بگوئید و در راه
 حسین دی، به نبود می دانید چونکه ما هر چه داریم از
 نام حسین است و هدف اصلی آزاد کردن مسلمین
 و مستضعفین از بند مستکبرین می باشد آری ای
 رزمندگان اسلام بگوئید تا در دنیا آخرت دستار
 شد و یوم الگرمایه آینه قرآن کریم توجه کنیم که می فرماید
 و ناملوهم حتی لا تلوک فتنه با آمان دشمنان خنایسکار
 کنید تا فتنه از روی زمین بر طرف شود پس حسین طهریکه
 شد فتنه دهیم بزرگ جنگ تا پیروز می باید به این شعارها

(۵)

همه عمل کنیم و همیشه ملوریکه می‌گذریم بنماوز باید مجازات
 شود باید به پنهانین شعارها به لایستیم و باید بنماوز را مجازات
 کرد و باید کسانی که در دزدانانین مملکت هم خرابکاره
 کنند و یا بر خلاف اسلام و بر نفس چهره به اسلام
 لاریان کبا خون هزاران شهید دست آمد است
 اگر بنماوزند این چنین ما بنماوز تمام دهند باید چهره
 اسلام طبق ~~مطابق~~ قانون اساسی که قرآن گرفته
 است با آنها رفتار کند و باید آنها را به مجازات
 برساند و باید هر که مسئولین بالاحم به در این مردم
 مظلوم برسند و نگذارند حق مستضعفین ~~بهر~~ شود انشاء الله

(6)

عهد مبین سلام و صلوات بر پسران عظیم و پسران دهر و دکان و خواهرزادگان
عشقم و عزیزم و خواهرزادگان با محبت و مهر و مودت این است که اگر چنانچه
ظواهر و شهادت در فیضیم کرد که چه ایات شریفه و شریفه
ظواهر و شریفه در سینه آورده رسیدیم و شهادت فیضیه شد
از هر آن خواهری اینست که چگونه بودی من از سانس ناراحتی
کنید و از خواهر اینم و خواهرم که عیالدارم حرف فطریه به
سود می شود و آن رنگ بر سینه این کار عیالداره بزرگوار
سلام بر تو که این گناه است و نسیه دیگر هم با این کار که
انجام می دهی و در بدو دل دشمنی است و هم تا می کشی
میدانم که این کار است و نسیه می کشی و در مقابل عیال

(۷)

همیشه داشته باشم چونکه مسلمان باید هم در مقابل همه
 منتهی ها همه داشته باشد و باید دندان روی دندان قرار دهید و
 دندانها را بجم نثار دهید و مثل کوهی باشید که سالها بر
 آبی بفرود می آید همان کوه است و پایداری است
 پایداری که بنده خودتی شنبه بشناختم اما امیدوارم که
 در مورد بخشش خودت قرار دهید. آره پایداری
 خدا و خدای کسی را که دوست دارد آن را تحت آزمایش
 قرار می دهد تا ببینم چه قدر پایداری و ناچهارم به خدا بخورد
 علاوه بر آن است؟ پایداری خداوند همراه به عزرائل رسانتی
 بدو می آید که هر چه بود که شما آن امانت خدا را بجا

(۸)

آورده اید و مراد بجهاد در راه خدا فرستاد که حال رسول الله
در آن آفتل عمل المؤمن الجهاد فی سبیل الله
بجترین عمل مؤمن جهاد در راه خداست بلم الله عاجزان
از خا نولده خردم تقاضای کم که پشیمانان و لایق و فقیه
باشد و سعی کنید در بیداری خا نولده های شهیدان نمونه باشد
با اینکه اسم خا نولده شهید هستید سوء استفاده نکنید
و اینکه هم به بناد شهید فشار نیاید و بگوئید
ما شین و خا نولده هم چه می خواهم و می خواهم فلان کار را
و چون دهم اینها نباشند ما را بیارند و بگوئید آه ای علی
لست است بکار نبودن من به دهم و هم چنین خواهیم

(9)

بغیبه و برادرزادگانم کوروش و اعظم ملک نما شیکه
 سپیدی و نگهداری اینها بر عهده تو است
 بعد از آن که بیه ایست بولور که چو خورت را
 بیاورد و بولور شاه الله و در آخر از همه بدمالان
 حزینان و لنگستانی که بنده را دیده اند و می
 بینند و از تک تک دوستان و همزبانان
 حواله هضم اینست که اگر ناراحتی از من دیده اند
 مرا ببخشایند و هلاک کنید و از کسان فی رحمت
 کشیده اند و در تشییع جنازه من شرکت
 کرده اند و بجز این روز خودم از آنها کمال تشکر

۱۵۰

یا دارم در معدنیت ای خواجهیم از آنیکه منم و وقت
 شریفتان شده ام را میدارم که خداوند بجز اینها
 یادگشت خیر و اجر موهبتش انوار و ناگفته باشد
 درین چند کلام شعر را هم بر روی قلم بنویسید
 کشته گشتم حق را در جبهه ای حسنی
 این پیام از من بفرستید رحیم
 بگذرد و نی من توئی ای نایب ما است زمان
 امروز فرمای که شما را من پذیرفتم ز جان
 مهربانان ما بجا که نام را در عین سبزه خداوند
 و سلام علیکم و بیعت و بیعت


 میرزایی
 ۲۲ اردیبهشت

نام: شیرزاد
نام خانوادگی: میری
نام پدر: جمعه
نام مادر: کوکب
تاریخ تولد: بیستم خرداد 1335
محل تولد: روستای چم آب شهرستان مهران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هشتم فروردین 1363
محل شهادت: شورشیرین ایلام
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد شهرستان
زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا به دنبال خط سرخ می روم تا کاروان شهدا که آرام، آرام به سوی تجلی گاه حق در حرکت است بیوندم.
- ا سفارش اول من این است که شما باید حافظ ولایت فقیه باشید.
- ا امام و رهبران را همچون نگین انگشتی در میان خود نگه دارید.
- ا خود را بسازیم تا فرد فرد این ملت یک مربی شوند.
- ا الان بهترین دانشگاه که از خون هزاران هزار شهید تهیه شده است، همان جبهه می باشد.
- ا نگذاریم خون این همه شهید بی اثر باشد.
- ا راه همان راه حسین (7) است هدف اسلام است و مقصد کربلا.
- ا سفارش من این است که دست در دست هم دهند و جبهه ها را خالی نگذارند.
- ا دخترم را زینب وار بار آورید.

شیرزاد میری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»¹

«برخی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که با عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند کاملاً وفا کردند سپس برخی بر آن عهد ایستادگی نمودند تا به راه خدا شهید شدند. برخی نیز با انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تعهد ندادند».

با درود و سلام به آن بزرگ مردانی که جهان را از خواب غفلت بیدار و دوباره زنده و جاوید کردند که همانا اهل بیت امام امت می‌باشد. هم‌اکنون در میعادگاه عشق و شهادت در حجله‌گاه خون عروس سرخ شهادت را در برمی‌گیریم و به دنبال خط سرخ که از لابه‌لای گونیهای سنگرم و عطر² بیابان‌های تفتیده³ و خونبار و شوره‌زار می‌روم تا کاروان شهدا که آرام، آرام به سوی تجلی‌گاه حق در حرکت است بییوندم.

سفارش اول من این است که شما باید حافظ ولایت فقیه باشید و امام و رهبران را همچون نگین انگشتی در میان خود نگه دارید. سفارش دوم من الان خود را بسازیم تا فرد فرد این ملت یک مربی شوند اول از خودمان شروع کنیم. الان بهترین دانشگاه که از خون هزاران هزار شهید تهیه شده است، همان جبهه می‌باشد و باید که حداکثر استفاده را از این دانشگاه ببریم، نگذاریم خون این همه شهید بی‌اثر باشد. سفارش بعدم این است که نگذاریم خون شهیدان ما بخشکد و باید هر چه سریعتر و با سرعت عمل بیشتر راهشان را ادامه دهید. راه همان راه حسین (7) است هدف اسلام است و مقصد کربلا و سپس

1- احزاب/23. ترجمه: «برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند، کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند». در اصل وصیت «... علیه فعتهم».

2- در اصل وصیت «تر».

3- در اصل وصیت «تفدیده».

قدس¹ عزیز است سفارشم به رزمندگان² و فرماندهان در جبهه این است که دست در دست هم دهند و جبهه‌ها را خالی نگذارند.

عموی³ عزیز و مادر گرامی، برادران و خواهران عزیزم از شما حلالیت می‌طلبم که برای من گریه و زاری نکنید و شما هم مانند دیگر خانواده‌های شهدا مقاوم و صبور باشید. از دایی عزیزم امین و مادر مهربانم می‌خواهم که مرا ببخشند و حلالم کنند و همسرم را تنها نگذارید و همچنین از دخترم مریم نگهداری کنید و دخترم را زینب‌وار بار آورید. از تمامی قومان و خویشان می‌خواهم که مرا ببخشید. حلالم کنند.

«والسَّلَام عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»

خداحافظ خانواده گرامی

شیرزاد میری

1362/11/14

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «رزمندگان».

3- در اصل وصیت «عمومی».

وصیت نامه شهید شیرزاد میری
من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فعتهم من قضي نحبه ومنهم من
ينتظرو ما بدلوا تبديلا

برخی از مومنان بزرگ مردانسی هستند که با عهده و پیمانی که با خدا بسته اند کاملاً وفا کردند سپس برخی بر آن عهد ایستادگی نمودند تا پناه خدا شهید شدند برخی نیز با انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تعهد ندادند. با درود و سلام به آن بزرگ مردانی که جهان را از خواب غفلت بیدار و دوباره زنده و جاوید کردند که همانا اهل بیت امام است میباشند هم اکنون در میعادگاه عشق و شهادت در حجله گاه خون عروس سرخ شهادت را در بر میگیریم و بدنیال خط سرخ که از لابه لای گونیهای سنگرم و اتریبانیهای تفدیده و خونبار و شورده زار میروم تا کاروان شهداکه آرام، آرام بسوی تجلی گاه حق در حرکت است پیوندم سفارش اول من اینست که شما باید حافظ ولایت فقیه باشید و امام و رهبران را همچون نگین انگشتری در میان خود نگه دارید. سفارش دوم من الان خود را بسازیم تا فردا، فردا این ملت یک مربی شوند اول از خودمان شروع کنیم الان بهترین دانشگاه که از خون هزاران هزار شهید تهیه شده است همان جبهه میباشد و باید که حداکثر استفاده را از این دانشگاه ببریم، نگذاریم خون این همه شهیدی اثر باشد سفارش بعدم اینست که نگذاریم خون شهیدان ما بشکند و باید هر چه سریعتر و با سرعت عمل بیشتر راهشان را ادامه دهید راه همان راه حسین (ع) است هدف اسلام است و مقصد کربلا و سپس قدس عزیز است سفارشم به زندگان و فرماندهان در جبهه اینست که دست در دست هم دهند و جبهه هارا خالی نگذارند

عمومی عزیز و مادر گرامی برادران و خواهران عزیزم از شما حلالیت می طلبم که برای من گریه و زاری نکنید و شما هم مانند دیگر خانواده های شهیدان مقاومت و صبور باشید از دایمی عزیزم امین و مادر مهربانم می خواهم که مرا ببخشند و حلالم کنند و همسرم را تنها نگذارید و همچنین از دخترم مریم نگهداری کنید و دخترم را زینب و ارباب آورید از تمامی فرمان و خویشان می خواهم که مرا ببخشند. حلالم کنند

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته
خدا حافظ خانواده گرامی

شیرزاد میری ۱۳۶۲/۱۱/۱۴

نام: محمد
نام خانوادگی: میری
نام پدر: عبد
نام مادر: فردوس
تاریخ تولد: یکم فروردین 1342
محل تولد: روستای سیاه‌خانی از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ | برادران عزیز از انقلاب اسلامی دفاع کنید.
- ۱ | ما آمدیم یا کربلا می‌آیم.
- ۱ | ای دوستان بزرگوaram، نگذارید جایم خالی بماند.

محمد میری

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران عزیز از انقلاب اسلامی دفاع کنید، انقلاب، انقلاب است. که تمام برادران عزیزمان [را] از دست دادیم. خدا نگهدارتان. یا رسول الله کمک کنید. وصیت¹ دارم ولی وصیت این است که خانم من از بچه‌ها² نگهداری کند و برای من بیش³ از 40 روز سیاه نبوشید⁴ چون سیاه خوب نیست. [...] در خانه دارم بدهید و در دفتر حرفها [...] نوشتم و آنها برای [...] زن و بچه‌ها⁸ است. اگر زن من خواست⁹ ازدواج کند بچه‌ها را به دست مادرم بدهید. به زن من سلام کنید. برای من ناراحت نباشید اگر من شهید شدم قبرم در کنار شهید سیدمهدی یا سیدمحمد کرمی در ایل صید قرار بدهید. خانه و زندگیم برای بچه‌هایم است. [...] پول و مال زندگیم همه برای 3 دختر¹¹ است. یا محمد رسول الله (6)، یا حسین (7)، یا حسین (7)، یا فاطمه (7) یا مهدی یا مهدی (عج) ما آمدیم یا کربلا می‌آیم فراموش نکنید مرا. [...]»¹².

خدا حافظ¹³

محمد میری

66/12/22


-
- 1- در اصل وصیت «وسیت».
 - 2- در اصل وصیت «بچه‌ها».
 - 3- در اصل وصیت «تا 40 روز».
 - 4- در اصل وصیت «سیا نیشید».
 - 5- در اصل وصیت حدود 2 سطر ناخواناست.
 - 6- در اصل وصیت ناخواناست.
 - 7- در اصل وصیت ناخواناست.
 - 8- در اصل وصیت «بچه‌ها».
 - 9- در اصل وصیت «خواست».
 - 10- در اصل وصیت ناخواناست.
 - 11- در اصل وصیت «3 دختر».
 - 12- در اصل وصیت ناخواناست.
 - 13- در اصل وصیت «خدا حافظ».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]


بسم الله الرحمن الرحيم

سلام گرم بر تو ای همسر مهربانم و ای فرزندان عزیز و نور چشمانم و ای بهترین کسان در زندگی همسر عزیز و مهربانم امیدوارم که این چند صباحی را که با هم زندگی خوشی داشتیم اگر ناراحتی بدی از من حقیر دیده‌اید به بزرگواری خودتان حلالم کنید و از تو می‌خواهم که به طور خوب از فرزندانمان، این امید زندگیمان مواظبت کنید و سلام گرم و فراوان به تو ای مادر مهربان و ای بهترین کس در زندگی‌ام¹ کسی که شبها و ماهها و سالها در زندگی با من زحمت کشیدی امیدوارم که شیرت را حلال کنید و سلام فراوان به کلیه فامیلهای و دوستان گرامی و از همگی آنها طلب مغفرت دارم و از همگی دوستان و فامیلهای انتظار دارم که راه شهیدان را ادامه دهید. ای دوستان بزرگواریم و نگذارید جایم خالی بماند. در آخر برای همگی شما آرزوی سلامتی، سعادت و خوشبختی دارم. یا محمد. در آخر آرزوی موفقیت برای همگی رزمندگان اسلام [دارم].


1- در اصل وصیت «زندگیم».


 ۵۶۱۱۳
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

برادران عزیز من! انقلاب اسلامی
 دفاع کشید انقلاب اسلامی
 تمام برادران عزیز من! دست
 داریم خاندانهای بزرگوار
 همیشه علم و دانش همیشه
 همه فاش می شود همیشه
 تا برادران همیشه


 ۵۶۱۱۳
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

در زمان دارم
 همیشه
 است اگر زنی
 "و این کلمه را بدست
 ما درم همیشه
 همیشه
 همیشه


 ۵۶۱۱۳
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

همیشه
 همیشه
 همیشه

یا همه
 یا همه
 یا همه

یا همه
 یا همه
 یا همه



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (بسم الله الرحمن الرحیم)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام گرم مرثوی حسرت مهرانم دای عزیزه ان عزیز و نور چشمم دای عزیز نسای
 روز نسیم حسرت عزیز و مهران امید دارم که این چند ساعتی را که با هم روزی خوشی
 داشتیم بگویم راهی که در این مسیر عقیده دیندارم و برادرای خودمان خدا هم نسیم
 و از تو می خواهم که به طور خوب از مرثویان این امید و نسیم مواظبت
 کنید و سلام گرم و فرادان به تو ای مادر مهران دای عزیز نسیم گرم در روز نسیم
 ای نسیم که شبا و ماهها و سالها در روزی با هم زحمت کشیدی امید دارم که سعادت
 راهی که نسیم و سلام فرزندان به همه فاطمه و دوستان گرامی و از نسیم آسنا
 طلب سعادت دارم و نسیم دوستی در راه میلیبا انتظار دارم که راه شهیدان را
 ادامه دهد ای درستان بزرگوایم و گذارید جامع خانی با نسیم در آخر برای من
 شما آخر روزی سعادت سعادت خود نسیم دارم **با محمد**
 در آخر روزی سعادت سعادت برای منی برسد حق است سلام

نام: جبار
نام خانوادگی: نادعلی پور
نام پدر: محمدعلی
نام مادر: فانوس
تاریخ تولد: یکم آبان 1322
محل تولد: روستای بیشه دراز از توابع
شهرستان دهلران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یکم اسفند 1362
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر
شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ا کشته شدن من و هزاران جوان مسلمان دیگر فقط به جرم اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت محمد بن عبدالله (6) می باشد.
- ا این کشته شدن ها یک نوع باختن نیست بلکه یک فوز عظیم است.
- ا در چنین کشته شدنی هیچگونه حزن و اندوهی و سوز و آهی روا نیست.
- ا هم اکنون که ریسمان محکم الهی را چنگ زده اید و آن ولایت امام بزرگوار خمینی بت شکن می باشد هرگز آن را رها نکنید.
- ا بیدار باشید تا بتوانید جسورانه مرگ را انتخاب کنید.
- ا مبادا بر کشته این [راه] از پویندگان راه خدا آه حسرت بکشید و افسوس بخورید و دل بسوزانید.
- ا معنی و مفهوم زندگی آن وقت معلوم گردد که انسان در جهت خدا حرکت کرده و خداگونه شده باشد.
- ا باید تقوای خدا را پیشه ساخت.
- ا در این راهی که قدم نهاده اید استوار، محکم و پابرجا باشید.

جبار نادعلی پور

بسم الله الرحمن الرحيم¹

قبل از هر چیز باید بگویم که کشته شدن² من و هزاران جوان مسلمان دیگر، فقط به جرم اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت محمد بن عبدالله (6) می‌باشد و بدانید که این کشته شدن‌ها یک نوع باختن نیست، بلکه یک فوز عظیم است که خدا هر کدام از بندگان را که شایسته این قدر بداند او را به این نعمت بزرگ مفتخر می‌سازد. بنابراین بدیهی است که در چنین کشته شدنی هیچگونه حزن و اندوهی و سوز و آهی روا نیست. از شما ملت حزب الله می‌خواهم هم‌اکنون که ریسمان محکم الهی را چنگ زده‌اید و آن ولایت امام بزرگوار خمینی بت شکن می‌باشد هرگز آن را رها نکنید³.

هان ای زندگان آگاه باشید که قافله مرگ هم‌چنان به [سوی] مقصد نیستی در حرکت است و شما نیز به زودی به آن ملحق می‌شوید. بیدار باشید تا بتوانید جسورانه مرگ را انتخاب کنید. قبل از آن‌که در چنگال مخفیش گرفتار شوید و بمیرید. قبل⁴ از آن‌که بمیرم⁵ این وصیتم بر همگان است. بر هر آن کس که پیامم را می‌شنود. مبادا برکشته این [راه] از پویندگان راه خدا آه حسرت بکشید و افسوس⁶ و دل بسوزانید و [به] مشیت حضرت حق خشم گیرید.

ای کاش صحنه مرگم چنان پرداخته شود که تکه تکه گوشت تنم همچون ذره ذره جانم در این معراج الهی حضور بیابد تا ذرات خاک شده‌ام سوار بر بادهای هجوم قیام، در پهنای گسترده زمین منتشر گردد. هر چند برادران پاسدار شما خود بهتر از من مسئله⁷ را درک

1- در اصل وصیت «الرحمان».

2- در اصل وصیت «شد».

3- در اصل وصیت «رها نگیر».

4- در اصل وصیت «قبله از آنکه».

5- در اصل وصیت «بمیرد».

6- در اصل وصیت «افسوسش».

7- در اصل وصیت «مسئل».

می‌کنید و می‌دانید که پیام امام و خون شهید چه را طلب می‌کند. اما از باب تذکر حقیر هم سخنی با شما می‌گویم:

برادرانم معنی و مفهوم زندگی آن وقت معلوم گردد که انسان در جهت خدا حرکت کرده و خداگونه شده باشد. پس باید تقوای خدا را پیشه ساخت و از هر گونه اعمال و مسائلی که انسان را از خدا دور می‌کند، دوری جست. پس در این راهی که قدم نهاده‌اید استوار و محکم، پابرجا باشید و قدر این لباس و نعمت را بدانید و طوری خود را بسازید که شایسته باشیم «امام دستانمان را ببوسد»¹. در خاتمه توجهی² جز ولایت پیروی از ولایت فقیه [ندارم] که به حمدالله پیرو که هستید و تا آخر هم باشید. یک تذکر در [باره] روحیه خانواده‌ام و خواهرانم و قوم و خویشانم³ این است که اگر من شهید شدم برای من گریه نکنید بلکه بجای آن فاتحه⁴ [و] قرآن بخوانید.⁵

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»⁶

62/3/30

1- اشاره دارد به این سخن امام خطاب به رزمندگان «پنجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم.» (صحیفه امام، ج 16، ص 143)

2- در اصل وصیت «توجه‌ای».

3- در اصل وصیت «خیشانم».

4- در اصل وصیت «فاتحه».

5- در ذیل یکی از صفحه‌های وصیت‌نامه آمده است: خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار و در بالای صفحه‌ای دیگر «تاریخ 62/4/30 وصیت‌نامه شهید جبار» نوشته شده است.

6- در اصل وصیت «وسلام علیکم و رحمت... و برکات».

بسم الله الرحمن الرحيم

آسمان جا و گاه من استه... حق جانه پناه من...
 جو سفر تا غمرو بیدر غمرو...
 اسی...
 تکر...
 سو آسون باشن و شتر...
 فر این آسمان...
 لونی...
 در این ره...
 ما دلیران...
 این...
 به...
 در...
 (مهر آتش...)

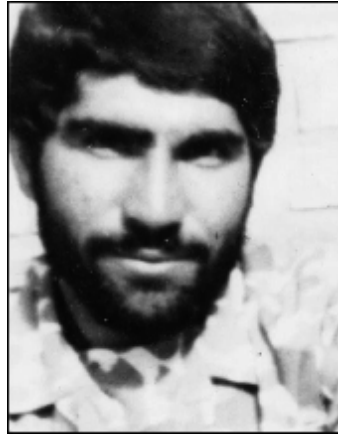
۶۰/۱۰۵۵

بسم الله الرحمن الرحيم
 مستن از وصیت نامه جبار نادعلی پور
 تسل از هر چیز باید بگذریم که کشف شد
 و هزاران جوان مسلمان و غیرت با این
 امتداد و وحدانیت خود رسالت صبرین
 میرا... ای که با خود و دیگران این حقیقت را ندانند
 بخت ندانند نیست بلکه همه نور مظلم استعد
 به خدا هر مسلم از بندگانش را که شایسته این ندرت باشد
 را به این نعمت بزرگ مخلص سازد بنا بر این معنی
 است که در پیش حقیقت خدای بی شکوه سزای داند
 خدا یا خدا یا تا انقلاب عدلی زمین را نشکند
 ۱۳۰۲ ۶۱۶

دوسر و این ولایت... از شما که سزای...
 میخوانم همه اکنون در میان حکم الهی و مکتب
 از دین آید و این ولایت است اما بزرگوار حسین است
 سخن من یا در هر سزای زرها نظیر هلال ای زنگار
 آگاه اندید که فایده سخن میمانم به مقصد نیستی در
 برکت استعد و شما نیز بی خودی جلوه مطلق بی خودی
 پیدا را با میرا تا جبرائیل هر چه را که از شما
 نمیدانید از آنکه در مشکل مخلص گرفتار شوید و
 بسیر بر قلبه از آنکه بسیر این وصیت همه ممکن است
 بر هر آنکس که پیام را در تنه و جبار برکت این

آنروز که آن را بخواند هر مسلم بشیر و اندر سزای
 سوزانید و نیست حضرت حق مسلم بگیرد...
 ای که شایسته هر مسلم میمانم پرورنده خود که
 گوشت تنم همچون ذره ذره باشد و این
 حواس الهی حقیق و باریک تا ذرات خاک
 شود سوار بر ابدان هبوط پیام در پس کس
 در زمین بیشتر مردم در هر سزای برادران یا سزای
 خود هر از من سخن در کتب من نیز در جبار
 و پیام الهی و خون شیرین و طلب حق من
 اطاعت طلب هر که حقیرم سخن با شما سخن
 برادران من و من در هر سزای آید و معلوم کرد
 انسان در هر سزای خود در هر سزای و اگر
 با در پس با خود سخن از خدا و پندار باشد
 ندرت ایام مسلمانان ای مسلمان از خدا و پس

تاریخ ۱۳۰۲ ۶۱۶
 در هر سزای زمین زمین که تمام نهاد آید
 استوار و حکم و بهای جبار آید و در این ایام
 و نیست در هر سزای بی خودی خود و سزای شایسته
 با تبه ایام در میان را به خود رخا شده
 خدا که جز هر که از ولایت نفعی که بهر آن آید
 که همه متعلق به هر مسلم باشد و بی شک و در هر سزای
 به خاکش را در هر سزای هر نام و در هر سزای
 اینست که اگر من شایسته شرم بر آن من
 که هر سزای بلکه بجای آن نماند و هر آن
 که هر سزای بلکه بجای آن نماند و هر آن
 ۱۳۰۲ ۶۱۶



نام: ابراهیم
نام خانوادگی: نادی
نام پدر: مراد
نام مادر: گل طلا
تاریخ تولد: یکم تیر 1340
محل تولد: شهرستان آبدانان
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ای مردم حزب الله باور کنید که این انقلاب ما حاصل خون هزاران هزار شهید است.
- مال و دنیا برای انسان هیچ کاری نمی کنند و در فکر آخرت باشید.
- امام عزیزمان را تنها نگذارید.
- همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید که هیچ آسیبی به شما نرسد.
- امت حزب الله از شما می خواهیم که نسبت به انقلاب بی تفاوت نباشید.
- امت حزب الله نسبت به مسائل جنگ بی تفاوت نباشید.
- همه باید از این دنیا برویم پس چه بهتر که با مرگ سرخ از این دنیا هجرت نماییم.
- از شما می خواهیم که نماز به جای آورید و در دعاهایتان مرا نیز دعا کنید.
- از خواهرانم می خواهم که مانند حضرت زینب (سلام الله علیه) که در روز عاشورا حسین (7) را از دست داد صبر را پیشه خود کنید.
- همواره حجاب اسلامی را رعایت کرده و بر دهان بی حجابان زمانه بزیند.

ابراهيم نادى

بسم الله الرحمن الرحيم

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ»¹
با درود فراوان بر فرزند پاک رسول خدا و یگانه منجی عالم بشریت امام زمان (عج) و با سلام به نایب برحق آن حضرت امام خمینی این قلب تپنده مستضعفان جهان و در هم کوبنده مستکبران و با سلام به روان پاک شهیدان که با خون خود نهال انقلاب اسلامی را که بارور نمودند و با سلام به رزمندگانی که با حضور خود در میادین نبرد و حومه را بر مزدوران شرق و غرب تنگ نموده‌اند. وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم تا شاید این مسئولیت را از گردنم بردارم.

سلام بر شما ای امت حزب‌الله و ای کسانی که همیشه در صحنه انقلاب حضور داشته و با حضور خود عرصه را بر منافقین و ضدانقلابیون و آن‌هایی که منتظر فرصت هستند تا به این انقلاب آسیب برسانند تنگ نموده‌اید. ای مردم حزب‌الله باور کنید که این انقلاب ما حاصل خون هزاران² هزار شهید است و به همین خاطر ما باید همه وقت به فکر این انقلاب باشیم و از آن پشتیبانی کنیم و زیاد به اموال مال و دنیا تکیه نکنیم، که مال و دنیا برای انسان هیچ کاری نمی‌کنند و در فکر آخرت باشید. امام عزیزمان را تنها نگذارید و همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید که هیچ آسیبی به شما نرسد و بدانید که این نعمت بزرگ را خداوند ارزانی به ملت ما عنایت فرموده است.

امت حزب‌الله از شما می‌خواهیم که نسبت به انقلاب بی‌تفاوت نباشید و نگذارید که ضدانقلابیون سوء استفاده نمایند. امت حزب‌الله نسبت به مسائل جنگ بی‌تفاوت نباشید. در صحنه‌های پیکار حضور فعال داشته باشید به جنگی که از طرف این ابر قدرت‌ها بر ملت ما تحمیل شد. اگر در برابر آن‌ها دفاع نکنیم برای ملت ما ننگ است و من نیز [...]»³ که

1- بخشی از آیه 20 سوره توبه. در اصل وصیت «امنو و هاجرو».

2- در اصل وصیت «هزاران».

3- در اصل وصیت ناخواناست.

وظیفه‌ای بر گردنم می‌دانم آمدم تا در این جهاد مقدس شرکت نمایم تا شاید بتوانم دین خود را به این انقلاب و اسلام ادا نموده باشم و در پایان زمزمه‌ای با خانواده‌ام می‌کنم. ای پدر عزیزم ای مادر عزیز و مهربانم که شب‌ها همچون شمعی در بالینم سوخته‌ای تا به من روشنایی بخشی و تو ای مادر عزیزی که رنج‌ها و زحمت‌ها کشیده‌ای و مرا بزرگ کرده‌ای، می‌دانم که داغ مرگم برایت مشکل است اما همه باید از این دنیا برویم پس چه بهتر که با مرگ سرخ از این دنیا هجرت نماییم. بنابراین از تو می‌خواهم که شیرت را بر من حلال کنی و اگر فرزند خوبی برایت نبودم مرا ببخشید.

ای همسر عزیزم از تو می‌خواهم که تنها فرزند عزیزمان را بزرگ کرده و او را با مسائل و احکام اسلامی آشنا نمایی و به او بگویند که پدرش چگونه و در چه راهی (پرپر) شده است و از تو می‌خواهم که اگر شوهر خوبی برایت نبوده‌ام مرا ببخشید و از فرزندم نگهداری کنید.

از برادرانم می‌خواهم که در غیاب من حتی‌المقدور به فکر خانواده‌ام باشند و آن‌ها را تنها نگذارند و نگذارید که آن‌ها احساس ناراحتی کنند و از شما می‌خواهم که نماز به جای آورید و در دعاهایتان مرا نیز دعا کنید تا خداوند از گناهانم بگذرد و ما در عزیزمان را دلداری دهید.

از خواهرانم می‌خواهم که مانند حضرت زینب (سلام الله علیه) که در روز عاشورا حسین (7) را از دست داد صبر را پیشه خود کنید. اگر برایم گریه کردید به یاد تمام شهیدان باشید به یاد مظلومیت آقا اباعبدالله الحسین (7) باشید و همواره حجاب اسلامی را رعایت کرده و بر دهان بی‌حجابان زمانه بزیند و در پایان از همگی شما خداحافظی می‌کنم. [...] ¹خطاهایم بگذرد.

«خدایا مرا عاقبت به خیر گردان»

ابراهیم نادی

66/12/17

بِسْمِ تَعَالَى!

الذین انوروا جہودہم وجاهدوا فی سبیل اللہ موالم ورائسہم

اعظم رزیمہ عبداللہ

بارود نزار ان بزرگوار رسول خدا و بمانہ منجی عالم بشریت اما ربنا
 باسودم بہ نایب برحق آن حضرت امام حسین این قلب قیوم
 متصرفان جهان بودیم و ہمدہ مستقیم ان مواسلام بہ روان یاد نمود
 کہ باخوت خود مجال انقلاب اسلامی را بارور نمود و ما سلام بہ رشتہ ای
 کہ با حضور خود در میان سفر موعودہ را بر نزار و استرق و غروب تکمیل
 نمودہ اند و وصیت نامہ خود را آغاز می نمائید تا شاید این مقبولیت
 را از زمین برداریم

سلام بر شما ای امت حزب الشہداء ای کسانی کہ همیشه در مینہ انقلاب
 حضور داشتند و با حضور خود موعودہ را بر ما نصیب نمودند انقلابیون را جان
 کہ منتظر مرگت هستید تا بہ این انقلاب آسیب برساند صرف خود را
 ای مردم حزب الشہداء و کفایت این انقلاب با ما سرخیزند و در ای
 هزار شہید است و بہ همین خاطر ما را تا بہ دہہ وقت بہ حق این انقلاب
 ما ہمہ راز آن پیشانی قسم زیادہ اسرار مال و دنیا قیامہ تقسیم نہ مال
 دنیا برای انسان چو طریقی نمی آید در عقول حضرت دا شہد امام نزار
 را تنها نزار بود و ہوا کہ بتسلیان ولعت عقبہ با سترکہ چو آسوی بہ شما
 فرمود معادین و ایمان نعمت بوزن را خود را در آن یافت ما

حمایت فرموده است
 اینت حزب که از شما هم خواهم که نسبت به انقلاب و تعاقب و تداوم
 و مقدر که در جهت انقلاب و سوسیالیسم و نهادهای حزب الله نسبت به
 مسایل مختلف و تعارضات با شیوه در این کشورها می آید از همه فعالان و دستگیر شدگان
 برمی آید که از کوشش این امر در جهت برسیست ما محصل بشود که در این راه
 دفاع بشود برای دولت ما فک است و بیرون می آید از این باره و وظیفه ای
 خود را بشود می دانم آنچه را که در اینها و مقدمات و مقدمات ما می آید تا شاید در وقت خود
 خود را در این معادله و اسلام لودا بشود ما بشود در میان این و در میان این با ما خواهد آمد
 می کنم

این سخن در مورد مردم ای ما در مورد مردمی است که نسبت به محبوبیت و تعاقب و تداوم
 در وقت های تا به وقت و در میان این سخن و در این مادر عزیز که در این راه
 کفایت ای و در این جهت کرده ای و در این راه که در این راه است
 اما همه باید از این و در این راه پس چه بهتر که با شرف و شرف از این دنیا
 هجرت نمایند تا این حرف از تو می خواهم که نسبت به این حرف و در این
 را از خود در صورتی برایت فرمودم مرا بخشنید

ای ما در این راه از تو می خواهم که نسبت به این حرف و در این راه
 و او را با سائلان و احطام اسلامی کشتن آنها و به او بگویند که در این راه
 و در این راه این حرف است و از تو می خواهم که نسبت به این حرف
 برایت فرموده ام مرا بخشنید و از مردم مرا بخشنید

از سر راهم می خواهم که در میان من و شما مقدری که میفرماید آمده است و
آنجا تنها بخاطر خود رفتار می کند که آنجا احساس من ناراحتی کند و از شما می خواهم
که در جای خود بماند و در میان ما نماند. این دعا کنید تا خداوند از شما
مقدر و سازد و در میان ما نماند.

از خواهران من خواهم که مانند حضرت سیمین (س) و در روز عاشورا
سین (ع) را از دست داد صورتی است که صورتی است که در آن روز
به یاد آن حضرتان تا سینه به یاد مطلوبیت جدا افتادند که الحسن و حسین
در صوره خواب است و بر آن است. هر دو در روز عاشورا در میان ما
است و در میان ما از همین است که خداوند از شما می خواهد که در آن روز
مطاهیم کند.

ن
(در اینجا مواظبت به خود فرمایید)

۴ ابراهیم نادی
۱۷ - ۱۲ - ۶۶

نام: صیدرستم
نام خانوادگی: نادى
نام پدر: حسينعلى
نام مادر: كنان
تاريخ تولد: سوم دى 1348
محل تولد: روستاى سرنى از توابع
شهرستان مهران
تحصيلات: پايان دوره كارشناسى
ارگان اعزام كننده: سپاه
تاريخ شهادت: يكم اسفند 1379
محل شهادت: ايلام
نحوه شهادت: -
مزار: بخش صالح آباد شهرستان
زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا در همه حال خدا را فراموش نکنید.
- ا به یاد فقرا باشید.
- ا همیشه و در همه حال ولایت فقیه زمان را تنها نگذارید.
- ا انقلاب اسلامی ایران هر چه دارد از برکت ولایت الله است.
- ا احترام خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران [را] بر خود فرض بدانید.
- ا حرف حق را بگویید هر چند به ضررتان باشد.
- ا از دروغ و تهمت و غیبت اجتناب ورزید.
- ا خواهران دلسوز عزیزم و همسر گرامیم حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنید.
- ا اگر لطف خدا شامل حال این بنده حقیر شد و به شهادت رسیدم، بسیار خوشحال باشید که به هدف خود رسیده‌ام.
- ا به معنویات بیشتر توجه داشته باشند تا مادیات.

صید رستم نادى

بسم الله الرحمن الرحيم

«پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به این مملکت نرسد».¹

وصیت نامه رستم نادى به برادران و خواهران و خانواده محترم این است:

در همه حال خدا را فراموش نکنید. به یاد فقرا باشید و همیشه و در همه حال ولایت فقیه زمان را تنها نگذارید که انقلاب اسلامی ایران هر چه دارد از برکت ولایت الله است. احترام خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران [را] بر خود فرض بدانید. «حرف حق را بگویند هر چند به ضررتان باشد». از دروغ و تهمت و غیبت اجتناب ورزید و هر شب به ویژه شب‌های جمعه برای شادى روح مادرم فاتحه نثار کنید و همیشه با مهربانى تمام با پدرم رفتار کنید و او را تنها نگذارید. وصیتم به خواهران دلسوز عزیزم و همسر گرامیم این است که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنید تا برای فرزندان خود و دیگران الگو باشید، هر چند الگوی زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می باشد. به برادران عزیز و باصفایم وصیت می کنم که همسر و فرزندانم را تنها نگذارند که غم یتیمی آن‌ها را کلافه کند و از ادامه زندگی مأیوس شوند. جای خالی پدر را برای آن‌ها باصفا، صمیمیت و شرکت مداوم پر کنید. خواهران و همسر را توأم سفارش می کنم که [در شهادت] من صورت خود را زخم نکنند و به پدر و برادران و خواهران و همسر هم وصیت می کنم که بعد از مرگ لباس سیاه² بر تن نکنند، که دشمنان شاد و دوستان غمگین نشوند. اگر لطف خدا شامل حال این بنده حقیر شد و به شهادت رسیدم، بسیار خوشحال باشید که به هدف خود رسیده‌ام زیرا با مرگ طبیعی دیار فانی را وداع گفتم. باز خدا را سپاس گویند که راه هم همین است. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»³ که «همه از اویم و بسوی او باز می گردیم» و فرزندان عزیزم و آن دو گل بوستان آقا سعید و فاخته کوچولو سفارش می کنم که از مادر

1- عبارت امام خمینی این است: «اطمینان می دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد» (صحیفه امام، جلد 10، ص 58).

2- ر.ک. تعلیقات.

3- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

عزیزتان حرف‌شنوی داشته باشند. و درس‌ها را خوب بخوانند و ادامه بدهند و همیشه به یاد خدا باشند و لحظه‌ای¹ خدا را فراموش نکنند و واجبات را دقیق و اول وقت به‌جا آورند و محرمات را ترک نمایند. و به معنویات بیشتر توجه داشته باشند تا مادیات. به همسر و وصیت می‌کنم که قرض‌ها و اقساط ماهیانه را سر وقت پرداخت نماید و از حد توان و به فقرا کمک کند و از تربیت فرزندانم دقت کامل و آن‌ها را تحت نظارت² دقیق داشته باشد تا خدای ناخواسته از صراط مستقیم منحرف نشوند. سایه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای³ تا ظهور حضرت مهدی (عج) مستدام باشد. انشاءالله خداوند قلم عفو بر [...] ⁴ و گناهانم بکشد.

«والسّلام»

بنده حقیر رستم نادی

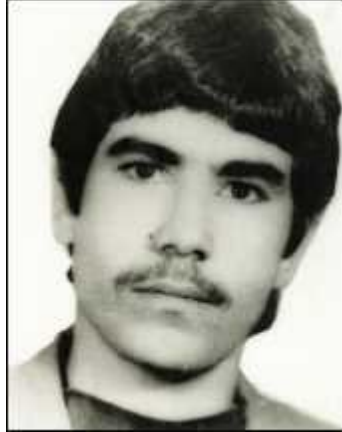
79/12/7

1- در اصل وصیت «لحظه».

2- در اصل وصیت «تضارت».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت ناخواناست.



نام: عظیم
نام خانوادگی: نارنجی
نام پدر: محمدحسین
نام مادر: رقیه
تاریخ تولد: چهارم مهر 1346
محل تولد: روستای حسن آباد از توابع شهرستان
شیروان و چرداول
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هفتم بهمن 1362
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده قاسم شهرستان زادگاهش

عبارت های کلیدی

- ۱ عظیم ترین و اساسی ترین درس مبارک انقلاب اسلامی این بود که حاکمیت طاغوت و نظام کفر و شرک و الحاد را سرنگون کرد.
- ۱ گوش به فرمان امام خمینی بت شکن داده و پشتیبان روحانیت مبارز باشید.
- ۱ گوش به شایعه دشمنان اسلام ندهید.
- ۱ امام امت گفت: هیچ ابرقدرتی نمی تواند به انقلاب شکستی بدهد مگر آن ملت «وحدت کلمه» را حفظ نکنند.
- ۱ در صف های نماز جمعه حاضر شوید.
- ۱ من به خانواده ام و برادران توصیه می کنم که امام را خوب بشناسند.
- ۱ خود شهید بالاترین جای بهشت [را] به او می دهند و بقیه خانواده اگر سعادت خوب و عمل صالح انجام دهند، بهشتی خواهند شد.
- ۱ خون من در برابر خون های ریخته شده بسیار ناقابل است.
- ۱ اگر سعادت داشتم و شهید شدم راه حسین (7) و راه بهشتی ها و رجایی و باهنر و دیگر امثال آن ها را رفتم.
- ۱ هر کس راه شرک و کفر را در پیش بگیرد آخرش جهنم است.

عظیم نارنجی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»²

«کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آن‌ها زنده‌های جاویدی هستند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

«لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»³

«محزون نباشید که خدا با ماست».

عظیم‌ترین و اساسی‌ترین ثمره و درس مبارک انقلاب اسلامی این بود که حاکمیت طاغوت و نظام کفر و شرک و الحاد را سرنگون کرده و حاکمیت الله و نظام توحید و اسلام را جانشین آن نمود. از ملت شهیدپرور می‌خواهم که گوش به فرمان امام خمینی بت‌شکن داده و پشتیبان روحانیت مبارز باشید⁴ و گوش به شایعه دشمنان اسلام ندهید و چنانچه امام امت گفت: هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند به انقلاب شکستی بدهد مگر آن ملت وحدت کلمه را حفظ نکنند و پشتیبان روحانیت نباشد آن وقت این انقلاب اسلامی که با خون هزاران شهید به پیروزی رسیده است شکست می‌خورد. اما به [...] خانواده‌ام توصیه می‌کنم که همیشه در صف‌های نماز جمعه حاضر شوید و مشت محکمی بر دهان ابرقدرت‌ها و دشمنان داخلی و خارجی بزنید. من به خانواده‌ام و برادران توصیه می‌کنم که امام را خوب بشناسند [...] و اگر من شهید شدم برای من ناراحت نباشید و به جای گریه و زاری لبخند پیروزی بزنید و خدایی را [...] که یک جوان مؤمن از دست داده‌اید. خداوند می‌فرماید: [...] خانواده‌ای که یک شهید بدهد اولاً خود شهید بالاترین جای بهشت [را] به او می‌دهند و بقیه خانواده اگر سعادت خوب و عمل صالح انجام دهند بهشتی خواهند شد و خون من

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه عظیم نارنجی اعزامی از ایلام سرایله».

2- آل عمران/ 169.

3- توبه/ 40. در اصل وصیت «لا تخوفوا ان الله معنا، نترسید که خدا با ماست».

4- در اصل وصیت «بوده».

5- در اصل وصیت ناخواناست.

در برابر خون‌های ریخته شده بسیار ناقابل است. اگر سعادت داشتیم و شهید شدم راه حسین (7) و راه بهشتی‌ها¹ و رجایی² و باهنر³ و دیگر امثال آن‌ها را رفتیم و برای من هیچ ناراحت نشوید و [...] کنید. به برادرانم و خواهرانم توصیه می‌کنم راه اسلام را گم نکنند و راه دیگری پیش نگیرند. راه اسلام از همه راه‌ها بهتر و سعادت‌مندانه‌تر است و هر کس راه شرک و کفر را در پیش بگیرد آخرش جهنم است. اما به مادرم و خواهرانم می‌گویم اگر شهید شدم مانند زینبان، حسین (7) باشند و حجابشان را کامل رعایت [کنند]. مانند زینب حسین (7) برای شهید شدن فرزندشان گریه و زاری نکنند و شجاعتمندانه لبخند پیروزی بزنند. انگار که اصلاً اصلاً شهید نداده‌اند. از برادر بزرگم می‌خواهم که به خوه‌ران کوچکم زیاد مهربانی کند و نگذارد که یکی از آن‌ها ناراحت شوند. به مادرم بسیار مهربانی بکند و به حرف‌های او گوش کنید چون مادر زحمت‌های زیاد برای ما کشیده و ما را به این حد آورده است.

یک خواهش برادری از شما برادر بزرگم می‌کنم که هیچ‌وقت [با] حرف تند جواب مادرم [را] ندهد، چون خداوند می‌فرماید که هر کس یک حرف تند جواب پدر و مادر [را] بدهد، عذاب خواهد شد، برادر جان اگر شهید شدم ادعای از اسلام نکنید، چون در راه خدا شهید می‌شوم، از این بیشتر مزاحم وقت شما نمی‌شوم چون شب حمله فرا رسیده است و نمی‌توانم زیاد بنویسم.

به امید پیروزی حق بر باطل. در ضمن امام را دعا کنید.

عظیم نارنجی

62/10/26

1- رجوع کنید به تعلیقات.

2- ر. ک. تعلیقات.

3- ر. ک. تعلیقات.

وصیت نامه آیت الله العظمی امام خمینی (ره) از ابوالقاسم سوادکوهی

①

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تاریخ: ۲۲ بهمن ۱۳۶۱

والله اعلم بالصواب، اللهم اني اطلب العفو والرحمة منك،

والله اعلم بالصواب، اللهم اني اطلب العفو والرحمة منك،

والله اعلم بالصواب، اللهم اني اطلب العفو والرحمة منك.

لا اله الا الله، محمد رسول الله

ترتیب

لا نعوموا ان الله تعالی

ترتیبی که خدا با ما است

عظیم تر است و ما می ترسیم او و ترسیده ایم از او

۱) اغلب اسلام این بود که حاکمیت نظام کفر و شرک و الطاغوت

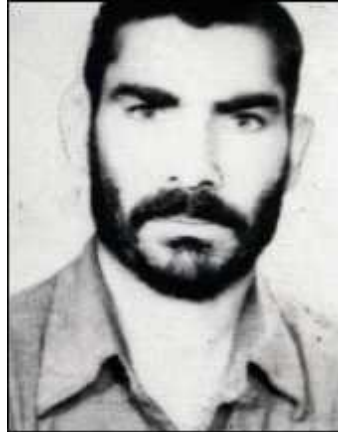
بر مبنای کفر و شرک حاکمیت الله و نظام توحید و اسلام را جانشین آن بود

از سلامت بنیاد پرور می‌خواهم که گوش به فرمان اوامر خمینی بنشیند
و بسیاری روحانیات مبارز چون لائوس به نمایندگی از اسلام ندید
و چنانچه اوامر است گفته هیچ ابر فردی نمی‌تواند با انقلاب شکستی بدهد
مگر آن ملت و حاکم که احقنا کلین و یستنبیان روحانیات بنشیند آرد و رفت
ایران انقلاب اسلامی مبارکون هزاران شهید پرور را آورد است شکست می‌دهد
اجا به نند. خانوادام توصیه می‌کنم که همیشه در صمیمی ناز می‌کنند
نور و مست مگر برده‌ها را ابد قدر نما و دشمنان داخلی و خارجی بزنند
مس دخا نواده ام و برادران ترصد می‌کنم که اوامر با خوب شناسند
و اگر می‌شود مردم برای سخن ناراحت
نمایند و بددای تریه و ارس له‌فند پرور بر نیند و خدای بر

به یک جوان مؤمن از دست خدا داده اند خداوند عظیم فرمود
 خدا نوازه ای نیت شهید بود اولاً خود شهید نالایم شایسته نیست
 به او می‌دهند و ^{بیت} خانواده اثر سعادت خوب و عمل صالح انجام دهند
 دانش خوانند و خونش در راه سعادت نهایی ریخته و بسیار راه دل را
 اثر سعادت داشتیم و شهید هم راه حق و راه سعادت به پیش ما رضای و توفیق
 و در میراث (اعمال و فرهنگ و برای در) هیچ ناراحت نشوید و شوی کنید
 در برادر امر و خواهران توصیه می‌کنم راه اسلام را گم نکنند و راه دگرگونی
 راه اسلام را در راه سعادت و بعد بهتر است و هر کس راه خرد و نیک
 را در پیش می‌گیرد آنچه می‌بیند اینست ای خدا درم و خدا چه می‌داند
 اگر شهید مردم ما را زینب است. حسین با نژاد و حمایای راه حق

پانته زینب حسین برای شهید شدن ~~فرزنده~~ فرزندان
برین دوزاری شدند و شجاعتمندان به خدا پیروی برزنده انکار که اصلاً
اصلاً شهید نداده اند از برادر بزرگم می خواهم که بدید خدای اهران
تو چو چو زیاد مهری کنی کنده نندارد که یکه از آسمان ناراحت شوند
ما درم بسیار صبر می کنند و به دروغی آخر کوشش کنند چون ما در
ز شیطانی زیاد می بریزند که ما به این حد آورده است
یک ذره اش برادری از ما برادر بزرگم می گنم که هیچ وقت حرف ندهد
من درم ندهد چون خداوند می فرماید هر کس یک حرف تند جوی
بدرود ~~بدرود~~ بخورد غذا به خدا دهد ~~بدرود~~ برادر اگر رهنه ندیم (عاری)
زین جعفری از اسلام نکلند چون در راه خدا شهید می شوم از او چه بیشتر مهم
هر وقت ما خودم چون شب جمعه فرایند به است و من تو ایم زیاد بنویسم
به امید پیروزی حق بر باطل د. ص. امام اردکانی ~~عظیم~~ *

نام: حسن
نام خانوادگی: ناصری
نام پدر: حسین
نام مادر: قدمخیر
تاریخ تولد: سوم تیر 1345
محل تولد: روستای ماهوته از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و هفتم فروردین 1364
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ برای دومین بار در دنیا هیبت و قدرت افسانه‌ای آمریکا را رسوا کرده و آنگاه پرچم توحید را در این سرزمین مقدس به اهتزاز در آورید.
- ۱ ملت مبارز برای شما همین جمله از امام کافی است که فرمودند: «در صدر اسلام هنوز چنین ملتی پیدا نشده و بس».
- ۱ سنگرتشینان، به شما توصیه می‌کنم که همواره گوش به ندای زاده زهرا (سلام الله علیها) باشید
- ۱ در صلاة و دعا جدی باشید.
- ۱ این گریه و زاری‌ها را در آن سنگر عبادت کم نکنید چون ثمره این ناله و زاری‌ها پیروزی مطلق می‌باشد.
- ۱ با کشته شدن هم پیروزیم و این پیروزی احتیاج به استقامت دارد.
- ۱ من مطمئن هستم یاران حسین (7) از هیچ چیز بیم و هراسی ندارند.
- ۱ بدانید شاگردان حسینیم و بر قلوبمان نوشتیم «هیئات منا الذلّه».
- ۱ همسر محترم در تربیت فرزندت کوشا باشی.

حسن ناصری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»¹

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم²
از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر، نمائی وطنم
من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم هر که آورد مرا باز برد در وطنم

در اسلام خوب است انسان بعد از خود وصیتی داشته باشد من هم وظیفه داشتم و وصایایم را به شرح ذیل توضیح می‌دهم:

بند اول: امت واحده ایران شما در مورد این مهم (یعنی حفظ انقلاب) از ما بهتر می‌دانید که چگونه این انقلاب به دست آمده زیرا آثار شکنجه‌ها و ظلم‌های مستبد ستم‌شاهی هنوز بر گرده و قلب شما لکه‌ای سیاه افکنده و این لکه سیاه ننگ آمریکا و در مرحله دوم ننگ شاه معدوم می‌باشد. لذا تذکر بنده آن است که همچون کوه در مقابل این ننگ قادسیه³ هم بایستید و روح کریه⁴ او را در عالم دنیا سیاه کنید و برای دومین بار در دنیا هیبت و قدرت افسانه‌ای آمریکا را رسوا کرده و آنگاه پرچم توحید را در این سرزمین مقدس به اهتزاز در آورید.

ملت مبارز برای شما همین جمله از امام کافی است که فرمودند: «در صدر اسلام هنوز چنین ملتی پیدا نشده و بس».⁵

1- احزاب/ 23.

2- غزلیات شمس. اثر مولانا.

3- تعبیر قادسیه را برای صدام به کار می‌برند و او را سردار قادسیه می‌نامند.

4- در اصل وصیت «کریح».

5- صحیفه امام، ج 17، ص 493.

بند دوّم: سنگر نشینان، به شما توصیه می‌کنم که همواره گوش به ندای زاده زهرا (سلام‌الله علیها) باشید و در صلاة و دعا جدی باشید این گریه و زاری‌ها را در آن سنگر عبادت کم نکنید چون ثمره این ناله و زاری‌ها پیروزی مطلق می‌باشد من به مظلومیت شماها سوگند می‌خورم که پیروزید زیرا خون شما می‌ریزد و آن لاله به وجود می‌آید و بوی لاله‌ها بر مشام مستضعفین دنیا عطر آگین می‌شود و آن‌ها هم به خون‌خواهی شما برمی‌خیزند. آنگاه نهضت را تا انقلاب مهدی (عج) امتداد خواهند داد. پس با کشته شدن هم پیروزیم و این پیروزی احتیاج به استقامت دارد و من مطمئن هستم یاران حسین (7) از هیچ چیز بیم و هراسی ندارند. «المؤمن کل الجبل الراسخ»¹ رزمندگان بدانید شاگردان حسینیم و بر قلوبمان نوشتیم «هیئات منا الذّله»².

بند سوم: مادر عزیزم این را بدانید که می‌دانی تمام کسانی که در سنگرهای اسلام دفاع می‌کردند چشمانشان از شدت اشکی که به عشق و خوف خدا ریخته بود صدمه دیده، شکم‌هایشان از روزه‌های فراوان لاغر و لب‌هایشان از دعا خشکیده و رخسارشان از بیداری‌های شبانه زرد گشت. اما به چهره‌های آنان همواره غبار پرتراوت نشسته بود. آری برادران من، این چنین کسانی بودند که رفتند. پس راستی سزاوار است که تشنه دیدارشان باشم. مادرم هر وقت به یاد من افتادی [یاد] آن مادران فرزند در آغوش را که به سوی لوله‌های مسلسل شتافتند بیاد آر... .

مادر عزیزم آرزو دارم آن زحمات شبانه‌روزی خود را که به صرف بزرگ کردن بنده کردید حلال کنید.

بند چهارم: همسر محترم در تربیت فرزندت کوشا باشی و او را به عنوان یادگار من بزرگ کن، به مدرسه بفرستش و برایش بگو یزیدیان زمان مغز پدرت را مورد خمپاره قرار دادند تا در همین کوچکی آن قلب پاکش از آمریکا ترک بردارد. همسر گرامی من از ابتدا شوهر خوبی برای تو نبودم، امیدوارم مرا عفو کنید.

1- تعبیر «مؤمن مانند کوهی استوار است» صفتی که برای علی (7) بیان شده است. «كنت علی الكافرین عذاباً و اصبأ و للمؤمنین كهفا و كنت كالجبل الراسخ، لا تحركك العواصف و لا تنزلك القواصف...» (المناقب، ج2، ص347). برخی از منابع این عبارت‌ها را از سخنان حضرت امیر (7) در توصیف پیامبر اکرم (6) دانسته‌اند.

در پایان دوستان، آشنایان، رفقا مرا ببخشید. من در قیامت همه را شفاعت خواهم کرد.
اگر این سعادت نصیبمان شد در حرم «سید صلاح‌الدین»¹ مرا دفن کنید.

این بود متن وصیت‌نامه الحقیق حسن ناصری



بسم الله الرحمن الرحيم

بکی از ارکان «پیروزی» حضور ملت در
صحنه ها خصوصاً صحنه جنگ است و الحق
این ملت نمونه در پیشگاه حق تعالی ارزش
عظیم دارد (امام خمینی)

مدینه

من المذنبین، تالی عمر قرآنا ما عهد الله علیی لخصم من تقوی عیبی و مضی من یستطرو ما یروا تسبیحا (خراسان)

جمع ما و ملتکم ایم از امام خاک
درود بی به نوری شمس ساخته اندازم
انگلا کلمه ایم کلمه من جرمی دور
به کمال مردم کلمه منضانی و ظم
من به خود نگام ایضا که به فردا بازوم
هر کم کار در سران تا نزد درو ظم
در اسلام خورشید است و ایضا فردا فردا عیبی و اشق
داشتم تا نزد من هم و ظم و اشق و روحانییم را به شیخ
دلیل تو خیم می دم

خداوند! ایستاده ای که در سرور این مکتب
دینت کلمه ای را که تار تکیه باشد کلمه های کسبه و کسب
این کلمه ای که در کتب و کتب و کتب و کتب
تا این کلمه ای که در کتب و کتب و کتب و کتب
و امام ای که در کتب و کتب و کتب و کتب
دینت کلمه ای که در کتب و کتب و کتب و کتب
دینت کلمه ای که در کتب و کتب و کتب و کتب
و امام ای که در کتب و کتب و کتب و کتب
دینت کلمه ای که در کتب و کتب و کتب و کتب



شعبه پژوهشگان اسلام، انجمن اسلامی منتظر العهدی مشکان کاشان

ریاضه شام برزیده در آن لایحه وجودش کایه بدی لایحه بر شام - مستمعین دنیا مطر کاینی شود
 که با هم بودند و تا بر سر بنید آنگاه حضرت را با افتخار صدای صبح استوار خواهند داد
 پس با کتبه تدوین میزدیم و این بر سر اشباح با استقامت دارد و من مطلق هستم و تا خنجر 2، از هم می
 میرد هر من در اردو - المشرق کنی الجبل المراسخ - در سده گان بدانید تا گران حسین بود بر کوه در کتبه... همچنین المذبح
 در کتبه: مسجد در نیریز این در راه کتبه در نیریز تا گران که در سده گان استقامت دفاع و کردند چشمان از شدت اشک
 که هم شش و عذرا قرار یافت بد صدم دید اشکهایشان از روزه ماه وادان لایحه و چشمان از شدت اشک و رخسارشان از
 میا و عینی شام زرد گشت امام محمد با کمال هواره مدار بر طراوت شش دیده اگر براداران من و این دینی گران بودند
 که رفتند پس را من سزاواردی که نشستم در ایستان شام - مادرم هر وقت با و من افتاده و در گان ماسدای فرزند را خوش
 را که هم بودی آدم های معلول شام شدند با او

مادر نیریزم که در نام آن نیریز شام بودی جدا که هم صرف نیریز گران بنده کردید هر حال شنید

مدر چهارم: مدرسه در نیریز قدرت آستانه بنی و اولاد معلمان و درگاه من نیریز گران به مدرسه نیریزش و پادشاهی
 بنگر نیریز شام مغرب قدرت را حدود نیریزه و در یاد نیریز تا در همین گران آن تعب و آنگاه از کارهای ترک بردارد
 مدرسه گران از ابراهیم شام و نیریز برای تو مردم اسیر و با هم معدود شنید

در نیریز در کتبه که کاشه نیریز و رفتار مرا همیشه ~~در نیریز~~ در نیریز است همه داشته است خواهی گران
 اگر از نیریز نصیبی همه در هم سیر صلیح الرین مرا در نیریز

این در نیریز و نیریز نام الحکیمه جزا ناصری

نام: جلال
نام خانوادگی: نجفی
نام پدر: چراغ
نام مادر: سیده خدیجه
تاریخ تولد: یکم دی 1348
محل تولد: شهرستان آبدانان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم دی 1365
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ امروز جنگ بین کفر و اسلام است.
- ۱ باید همه بر علیه کفر بسیج شوید.
- ۱ شهید با اولین قطره خونی که از او ریخته شود تمام گناهانش پاک می‌شود.

جلال نجفی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

به پیمانی که بستم با خدایم
جان خود قربان کنم سالم بماند رهبرم
بدان مقصود که خواستم من رسیدم
افتخارم شهادت در راه دین
امام حسین را تنها نگذارید
اهل بهشت حسین دست شما را
بجنگید با دشمنان حسین از دل و جان
دفاع از دین حق و حفظ قرآن
واجب است انجام آن‌ها بر هر مسلمان
پاسداری از قرآن و حفظ ایمان
نباشید مثل اهل کوفه² به باطل نگمارید
به دستور بنی صدر³ و شاپور⁴ [و] بختیار
این ملت مسلمان را گرفتند زیر رگبار
رحمت الله من قرأ الفاتحة بر ارواح

به بازماندگانم وصیت می نمایم
چون عشق حسین جای گرفته در سرم
گلی بودم که به باد شهادت من دمیدم
همان پیمان که من بستم با حسین
اگر مهر شهیدان در قلب دارید
بپیوندید به حسین رهبر دین و امت
گر شما دارید با حسین عهد و پیمان
بهترین ایشار هر مسلمان
نماز و روزه چون بود ستون دین و
حتماً واجب است بر تو ای مسلمان
با آن قطره خونی که در بدن دارید
مگر ندیدید اهل کفار
که در دانشگاه و مسجد حتی بازار
هر آن کس که دارد عشق دین و ایمان

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»⁵

به آگاهی پسندیدم جهت جاودانی را
ره عشق شهادت را از مولا یم علی (ع) گیرم

به راه میهن و دینم فدا کردم جوانی را
بگو به مادر پیرم شهید هرگز نمی میرد

1- شهید جلال نجفی از طبع شعر برخوردار بوده و وصیت‌نامه‌اش را در قالب شعرگونه سروده است. درصدد اصلاح و ویرایش وزنی و بلاغی نیستیم. مهم پیام عبارت شعرگونه شهید است، نه رعایت کامل قواعد شعری.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- آل عمران/ 169.

«شهادت مرتبه‌ای نیست که همه لایق آن باشند».

این وصیت‌نامه را هم از آن بابت می‌نگارم که احتمال شهادت برایم بسیار بعید می‌باشد ولی به هر حال آرزو بر جوانان عیب نیست.

آنچه به وحشتم می‌اندازد، روز قیامت و شدت گناهان دنیا و اینکه هر چه کنم امید به رهایی از آتش دوزخ نیست و تنها یک راه اجابت هست که می‌توان به آن امیدوار بود و آن شهادت است، چرا که شهید اولین قطره خونی که از او ریخته شود، تمام گناهانش پاک می‌شود. البته این را هم می‌دانم که شهید بایست مراحل مقدماتی در این دنیا طی کند، هیچ‌کس بدون طی مراحل لازم، به این افتخار بزرگ نائل نمی‌گردد و از این جهت وضع من بسیار ناراحت‌کننده است. به هر حال شاید برکت خون شهیدان و در فضای عطر این کربلا رحمت خداونی شامل حال من نیز شود.

آری! عزیزان بالاخره¹ باید رفت بالاخره مرگ خواهد آمد و هیچ‌کس در این دنیا ماندنی نیست... آیا این وضعیت طلایی را باید از دست داد، [...] از همه [...] دنیا سیراب کنند؟! پس در همین حال باید به یاد صحنه خونین اباعبدالله الحسین (7) بیافتیم که چگونه با لشکری 72 تن در مقابل آن همه لشکر چند هزار نفری راه مرگ را انتخاب می‌نماید ولی زیر بار ظلمت و ستم یزید و یزیدیان³ نرفت و با خون پاک خویش و علی‌اکبر (7) و علی‌اصغر (7) خویش درخت اسلام را آبیاری و آن را به ثمر نهایی رساندند که هنوز ثمر آن در روح ملت ما و تا قرن‌های آینده تازه و مؤثر خواهد ماند.

پس ای عزیزانی که بعد از من که وصیت‌نامه را می‌خوانید «امروز جنگ، جنگ بین کفر و اسلام است»⁴. جنگ، جنگ ایران و عراق نیست، جنگ جهانی است و باید همه شما که توانایی به جبهه رفتن را دارید بر علیه کفر بسیج شوید و ریشه کفر را از روی کره زمین بردارید. به امید خداوند تبارک و تعالی و ما باید این آیه مبارکه کلام‌الله را همیشه به خاطر داشته باشیم که می‌فرماید:

1- در اصل وصیت «بالاخره».

2- در اصل وصیت کلماتی از نوشته شهید ناخواناست.

3- در اصل وصیت «یزید و یزیدیان».

4- امام خمینی، تبیان، دفتر 24، جنگ و دفاع در اندیشه امام، ص 70.

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»¹

یعنی: «کافران هرگز نپندارند که اگر به آنها بهایی دادیم به سود آنان است، چرا که ما به آنها مهلت می‌دهیم تا بیشتر گناه کنند و از آن پس عذابی خوار کننده برایشان خواهد بود». وصیت من به مادر، پدر، برادر و تمام اقوام و خویشانم این است که در مصیبتم صبور و پایدار باشند و هیچ‌گونه ناراحتی نکنند، زیرا ناراحتی و گریه و زاری در عزای شهید باعث شادی و خوشحالی دشمنان اسلام و منافقین² می‌گردد. در عزای من نشینند و لباس سیاه³ نپوشند، زیرا دشمنانم خوشحال می‌شوند و باعث ناراحتی من می‌گردند. بعد از من برادرانم راهم را ادامه دهند و سلاح و صلاح مرا بر زمین نگذارند.

همه شاد و من بیچاره غمناکم	من هم روزی شوم خرم که لاله روید از خاکم
یاران همه سوی نور رفتند	بشتاب که تا ز ره نمائیم
ای خون حماسه در رگ ایمن	برخیز نماز خون بخوانیم

کجائید ای شهیدان خدایی	بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک روحان عاشق	پرنده تر ز مرغان هوایی
بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است	که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
نه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو	که این مرام حسین است و منطق دین

من همسفر باد سحر خواهم شد	خاک گذر، اهل نظر خواهم شد
در آتش عاشقی اسلام بسر خواهم شد	پولادم و آبدیده‌تر خواهم شد

1- آل عمران/ 178.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

با دیو سیاه و شب در آویخته‌ایم در جام فلق باده خون ریخته‌ایم

از باد سحر نشان ما را جویید [1...]

ستایش خدا کنید امام را دعا کنید
مهدی را صدا کنید لیبک یا خمینی لیبک یا خمینی

خدایا، پروردگارا تو را به مقرینت قسمت می‌دهم، تا ما را نیامرزی از این دنیا مبر. شهدای ما را با شهدای صدر اسلام محشور بگردان. طول عمر امام عزیز را تا انقلاب ولی عصر (عج) دراز بفرما. به خانواده‌های² شهدا، اسرا، مفقودین و مجروحین و معلولین صبر و استقامت عطا بفرما. «الهی آمین یا رب»

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه‌دار

نجفی

65/3/20

1- مصرع آخر شعر ناخواناست.

2- در اصل وصیت «خانواده‌های».

خاطرات

بهار

هواک بیان که در ستم حسین
 لغتی هم شاد است در کله دین
 در کوه مستعدان از قلب دارم
 راه چینی را تو نتوانی گذارم
 پیوسته به حسین هر روز دین است
 زهن بهشت حسین دست نه از سوزن است

خاطرات

بهار

باز ما نماندیم و صحبت مرغان
 به بیای که ستم با خدا
 چون عشق حسین با شکر تو ستم
 جان خود قربان کنم مایه اندر حسین
 طریقی هم که با داشته دین و دین
 دیوان معصوم که حواست ستم من ستم

۱۱

تو وای است بر تو که مسلمان
 به ستم از مرگان و حقت ایوان
 بالان قهر و خون که درون دارم
 تا شید من لعل کوفه با گل نثارم
 مغز زید لعل کفار
 به سوزن تا صدر و شاهپور و محبت

۱۲

تو سزا دارم به حسین عهد و پیمان
 بچند بادستان حسین که دل و جان
 سخن ستم از شاه هر مسلمان
 دفاع که دین حق و حقت قران
 نماز و روز جزا بود ستم ستم در ایوان
 وای است ستم از شاه هر مسلمان

که در دلش نشاند و مسجد حجت را
 از دست ملت مسلمان که ستم زید را
 هر کس که دارد عشق دین و ایمان
 حقت را بس ترا که لاف تمام بر او بواج
 شهیدان

۲۰۲۰-۲۰۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْ هُمْ أَمْواتٌ بَلْ أَمْواتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُحْيِيهِمْ»

بسمه تعالی و درینم و در آنم جوان را
بگریه مادر بیستم شهید شوگونی درود
و عشق شهادت را در علیهم السلام
و شهادت معتقدی ایست که همه لایق آن شانه

این وصیت نامه را هم از آن باب است در تمام که اعمال شهادت را هم با رعایت بنده

و در بعضی از آن و بر حیرانان عجب ایست . . .

آنچه به در حتم نماند در قیامت و شرف گناهان دنیا را بنگه هر چه کم امید به رحمت
از آتش روز فریبست و تمام راه سعادت است که همیشه با آن امیدوار بود
و آن شهادت است و هر که شهید الهی خلد خوف که از راه رنجته شود تمام
گناهش پاک میشود . البته این راه میانه که شهید یا ایست مراحل مترقی
در این دنیا می کند و هیچکس بدون هر مراحل لازم است . به این اکتفا و نیوک نائل نمی شود
در این حجت وضع من بسیار ناراحت گشته است . به حال شنایه سکونت خون شهیدان
و در فضای ملر این که بلا رحمت خداوندی شامل حال من نمی شود .
آری اغریزان بلا حشر باید رفت ، بلا خره مرگ خراشه آمد و هیچکس در این
دنیا ساد ف نیست . . . آری این در نهایت طلائی را باید از دست داد و
آنها را از خود به اندام مناسبت گنم ۱۵

۲

بین در همین حال باید به یاد حضرت زین ابی عبد الله العسکری علیها السلام که حکایتی
 با لشکری ۳۰۰ تن در مقابل آنکه لشکر چند هزار نفری راه سرب را انتخاب
 می‌نمودند زیرا با رگت رستم نبرد و یزدان فرستاد و با غول یا کوشی و
 عنبر اکبر در برابر فرستاد و حضرت اسلام را آبیاری و آنرا به تسبیح رساله که هنوز
 نترس آن در روح ملت ما و تاقدهای آینه‌نانه و بیشتر خواهد ماند.
 پس ای خطمیزان که در این زمین که در صبح نامی را عظیم‌القدر و در جنگ جنگ
 بی‌گناهان است. جنگ و جنگ ایران و عراق نیست، جنگ جهان است
 و ما به هر تمام توانایی و جبهه‌نشین گردیدیم و علیه کفر بی‌جهت نشوید و
 ریشه کفر را از روی کوه زمین برگیرید. به آمدن خداوند نارسد و تحلیف
 و ما مانده این آیه مبارکه **عَلَّمَ اللَّهُ رَحْمَةً بِهِمْ إِنَّهَا كَانَتْ تَعْلَمُونَ** که هر فرموده
 و لا یحسبن الذین کفرو انما نزلنا علیهم غیر لانفسهم و انما نزلنا علیهم لعلهم یحذرون
 انما لهم عذاب مهین یعنی: بگمانند آن که هرگز نپندارند که اگر چه آنها ایمان
 دادیم به سواد آنان است و چه آله ما به آنها مهلت در دهم تا پیشتر گناه کنند
 و از آن پس عذاب خواهد گشته بر ایشان خواهد بود.

و صیحت من به باره میزد بود و تا انعام و حریت نام است که در صیبتم مسرور و یا بیکر
 با شنید و هیچگونه ناراحتی نگفند زیرا ما را حق و توبه و زاری و عزای مسجد باعت
 مشاری و خوشحالی دشمنان اسلام و منافقین مگر در در عزای من گفتند لیکن
 سیاه نیوشند بر دشمنان خوشحال میگردند و باعت ناراحتی من میگردند .
 بعد از این برادرانم را هم آرام دهند و صلاح و صلاح من نیز من گذارند .
 به شاه و من بیایم تا من هم روزی مشق کنم که لاله سعید را حاکم .

پایان همه سوی نوز زنده نشنا بسککنا مسرور خطبیم

ای خوله حاسه در گدای بر خیر نفاز خون دغا نمیم

کجا کبرای خدیوان خدایک بلا جویان رشت کوی لایک

کجا کبرای اسک و جانماش پیونده تر ز میان خدایک

بزرگ نلغه تن شاهین این است که بر سر رخ بجار زرد و شلین است

به ظلم کن بجای نفا به ز بظلم برو که این ملاحین است و منطبقین

من همسریا و مهر خواهم شه خاک گذره آهن نظر خواهم شه

در آتش عاشق اسلام لبم خواهم شه بی لادم و آکبیده نو خواهم شه

با دیو سیاه نسیب در آرم بیستایم در جهان خلق و بدو بیخود بیستایم

از بیا و سعادتشان ما را جوید **بسم الله الرحمن الرحیم**

مدتی

ستابتی خدا کند

امام و دانشمند

محمد باقر محمدکلی

کیک یا غینی کیک یا غینی

خدا یا - بیرون کار خود را به مقربان تو نسبت من دهم تا ما را نیاموزی

از این دنیا بگریز - نشو ای کار ما که ای صمد ای صمد و غیره در آن -

طوبی ای مرا از زبانتی و ای محمد را در زبانتی

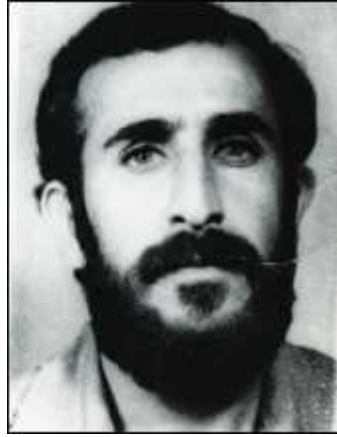
به خاندان محمد - اسرار - مقتدرین و عزیزین و علوین صبر و استقامت

عطا بفرما . اللهم آمین یا رب

خدا یا - خدا یا تا ان شاء الله که در حق غیب را نهد

محمد باقر
۱۳۰۲ - ۱۳۰۳

نام: نورالله
نام خانوادگی: نجفی
نام پدر: بیگ‌رضا
نام مادر: مروارید
تاریخ تولد: سوم فروردین 1335
محل تولد: روستای داراب‌آباد از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: -
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نهم تیر 1361
محل شهادت: شهرستان زادگاهش
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار امامزاده پیرمحمد
زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ برای نابودی دشمنان اسلام به جبهه نبرد با کفار می‌روم.
- ۱ اگر به سعادت رسیدم و شهید شدم این وصیتی است به شما که برای من ناراحت نشوید.
- ۱ این آرزوی من هست که در راه اسلام شهید بشوم.
- ۱ تا آنجا که می‌توانید از اسلام حمایت کنید.
- ۱ شما خانواده عزیزم دین خود را با خدای خود محکم کنید.

نورالله نجفی

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»¹

«هرگز کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده مپندارید بلکه آنان زنده هستند و نزد پروردگار خویش روزی می برند».

سلام بر رهبرکبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و سلام بر رزمندگان اسلام و شهدا و خانواده‌هایشان و سلام بر ملت حزب الله.

مادر گرامی من بنا به فرمان خداوند و بنا به مسئولیتی که خودم در مقابل اسلام و آب و خاکم دارم و برای نابودی دشمنان اسلام به جبهه نبرد با کفار می‌روم و اگر به سعادت رسیدم و شهید شدم این وصیتی است به شما که برای من ناراحت نشوید و گریه نکنید زیرا این آرزوی من هست که در راه اسلام شهید بشوم و جان خودم را فدای اسلام بکنم. شما خانواده عزیزم دین خود را با خدای خود محکم کنید و تا آنجا که می‌توانید² از اسلام حمایت کنید و همچنین پدر عزیزم اگر من شهید شدم از دو تا دخترم خوب نگهداری کنید و آن‌ها را خوب تربیت نمایید و بگذارید آن‌ها به مدرسه بروند تا شاید بتوانند در آینده فردی مفید برای جامعه خود باشند. و از پدرم می‌خواهم به افرادی که بدهکاری دارم آن‌ها را پرداخت نماید.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

به افراد زیر بدهکاری دارم:

- 1- عیسی فتحی: 1500 تومان؛ 2- میرعباس فتحی: 700 تومان؛ 3- محمد جعفرزاده: 700 تومان؛ 4- محمدعلی فتحی: 500 تومان.

نورالله نجفی

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «می‌توانی».

وَلَا تَسْبِقَنَّ الَّذِينَ قَدَّمُوا فِي سَبِيلِ الدِّينِ تَابِلِ لِحَيَاتِهِمْ مِنْكُمْ يُرِيدُونَ
 هرگز نشانه که در راه خدا کشته می شوند صدمه بیندارید بلکه آنان زنده هستند
 و نزد پروردگار هوشیارتری می برند.

سلام بر همه کسیر انقلاب اسلام ایران امام فقیه و سلام بر روزنه های
 اسلام و شهدا و خانواده های و سلام بر ملت عرب الله .

مادر گرامی من بنابه فرمای خداوند و بنابه صورتی که خردم در مقابل اسلام کتاب و
 خاکم دارم و براس نافروری دشمنان اسلام به جبهه نبرد با کفار و نظام و اگر
 سعادت رسیدم و شهید شدم این وصیتی است که برای من ناراحت نشود
 و گریه نکنید زیرا این اگر زود می هست که در راه اسلام شهید شوم و حال خود
 را فدای اسلام بکنم . شما خانواده عزیزم دین خود را با خدا می خود محکم کنید و
 تا آنجا که می توانی از اسلام حمایت کنید و همچنین پدرم عزیزم اگر من شهید شدم
 از دو تا دخترم حزب تکفاری کنید و آنها را حزب تربیت الهیه و بگذازید آنها به
 مدرسه بروند تا شاید بتوانند در آینده فرزندان صبیح برای جامعه خود باشند . و از پدر
 می خواهم به افرادی که به همکاری دارم آنها را پرداخت نماید بر و السلام علیکم و علی
 ۳ افراد زیر به همکاری دارم . ۱- حسین فتحی ۱۵۰۰ تومان لغزالم نجفی
 ۲- میرحسین ۷۰۰ " "
 ۳- محمدجعفرزاده ۷۰۰ " "
 ۴- محمدعلی نوری ۵۰۰ " "

نام: لطیف
نام خانوادگی: نصراللهی
نام پدر: سهراب
نام مادر: فرخ
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1349
محل تولد: روستای مهدی آباد از توابع
شهرستان ایلام
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نهم مرداد 1366
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ مجلس عزاداریم را به شادی تبدیل کنید، چون من عاشق بودم.
- ۱ من خودم این راه را انتخاب کردم و هیچ عاملی باعث انحراف من از این راه نمی‌شود.
- ۱ چقدر افتخار است برای من و شما راه حق را پیمودن.
- ۱ امیدواریم پاسدار واقعی خون من و دیگر برادران شهیدمان باشید.
- ۱ راهم را تا مرز شهادت ادامه دهید.
- ۱ از شما می‌خواهم مجالس عزاداریم را با قرآن‌خوانی و سینه‌زنی به یاد حسین (7) برگزار کنید.
- ۱ اگر چنانچه سعادت پیدا کردید و به جماران رفتید، دست و صورت امام را به جای من ببوسید.
- ۱ در عصر شهادت با مرگ طبیعی مردن ننگ است.
- ۱ ای کاش هفتادبار کشته می‌شدم و باز زنده می‌شدم و باز هم برای اسلام جانم را فدا می‌کردم.
- ۱ امیدوارم تا پرچم سبز «لااله الاالله» را بر تارک تاریخ نزنید از پای ننشینید.
- ۱ همیشه امام را دعا کنید چون یک لحظه عمر امام برابر با هزار سال عمر ماست.

لطیف نصراللهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ»¹

با سلام بر خمینی وصیت‌نامه‌ام را آغاز می‌نمایم، صلوات و رحمت الهی بر شهیدان همیشه زنده انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی که در خون خود غلطیده‌اند و به لقاء الله پیوستند.

پدر عزیزم می‌خواهم برای آخرین بار سلام را تقدیم حضورتان کنم، چون شما زحمات زیادی را برایم متحمل شده‌ای. امیدوارم مرا حلال کنید و از شما بسیار ممنونم که مرا تا این حد بزرگ کردی تا در راه حق و خون حسین (7) که این درس آزادی و آزادگی را به ما آموخت بجنگم و ندای مظلومیت آن‌ها را به گوش جهانیان با خون خود برسانم و عاشورای حسین دوباره تکرار شود.

پدر و مادرم از شما این خواهش را دارم که زیاد در مرگم گریه و زاری نکنید و مجلس عزاداریم را به شادی تبدیل کنید، چون من عاشق بودم و به سوی معشوق رفتم و آیا می‌شود عاشقی را از معشوق خود بترسانند، هرگز.

من خودم این راه را انتخاب کردم و هیچ عاملی باعث انحراف من از این راه نمی‌شود، همانگونه که حسن بن علی (7) جد رهبرم امام خمینی در این راه از دادن خون خود و فرزندانش دریغ ننمود و چقدر افتخار است برای من و شما راه حق را پیمودن.

و اما شما برادران عزیزم، هر چند راه حق را می‌دانید اما چند کلمه‌ای من باب یادآوری به شما می‌گویم، امیدواریم پاسدار واقعی خون من و دیگر برادران شهیدمان باشید و راهم را تا مرز شهادت ادامه دهید همانطور که ابوالفضل العباس (7)، یاور حسین (7) بود و از شما می‌خواهم مجالس عزاداریم را با قرآن خوانی و سینه‌زنی به یاد حسین (7) برگزار کنید و آن را تشریفاتی نکنید و برایم سیاه² نپوشید و از طرف من از تمام دوستان حلالیت بطلبید و کاری نکنید که پدر و مادرم را ناراحت کنید و در میان مردم میانه‌رو مثل کوه

1- توبه/11.

2- ر.ک. تعلیقات.

استوار باشید، همانطور که حضرت سجاد (7) با صبر و مقاومت در مقابل سختی‌ها و رنج‌ها ندای مظلومیت حسین (7) و شهدای کربلا را به گوش مردم رسانید که تاریخ آن را فراموش نکرده و نمی‌کند و «خداوند با صابران¹ است». ناگفته نماند اگر چنانچه سعادت پیدا کردید و به جماران² رفتید، دست و صورت امام را به جای من ببوسید، چون این آرزو را داشتیم ولی خداوند این توفیق را نصیب نموده که قبل از اینکه امام را زیارت کنم شهید شوم.

اما شما برادران همسنگرم: از شما می‌خواهم اسلحه تیربارم را بدست بگیرید و با آن سینه دشمنان اسلام و قرآن را بشکافید³ و تا مرز شهادت سنگرها را خالی نکنید. چرا؟ چون در عصر شهادت با مرگ طبیعی مردن ننگ است. همانطوری که امامان مرگ در بستر را انتخاب نکردند و شما وارثان خون حسین (7) و ما باشید. افسوس که انسان با یکبار مردن دیگر به حیات دنیوی بر نمی‌گردد. ای کاش هفتاد بار کشته می‌شدم و باز هم زنده می‌شدم و در راه اسلام باز هم جانم را فدا می‌کردم. امیدوارم که خون من راه‌گشای کربلای حسین (7) باشد که این هدف و آرزوی همه ما است، امیدوارم تا پرچم سبز «لااله الاالله» را بر تارک تاریخ نزنید از پای ننشینید.

همیشه امام را دعا کنید چون یک لحظه عمر امام برابر با هزار سال عمر ماست. پیام‌های هدایتگرانه او را با گوش و دل و جان پذیرا باشید زیرا نشانگر آن می‌باشد که از زمان رسول خدا (6) تا به حال وحی قطع نشده است.

وای بر آن روز که خمینی تنها بماند و نیاید چنین روزی که تاریخ امت ما را لکه دار کند. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار. «آمین یا رب العالمین»
خدا نگه‌دار همه شما باشد.

«اللهم الرزقنا توفیق الشهادة فی سبيله»

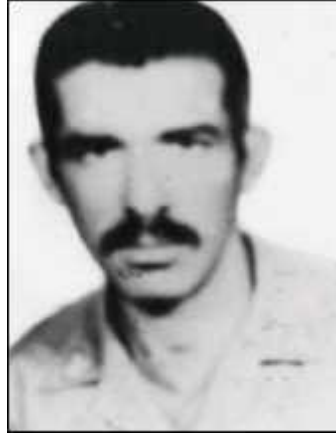
لطیف نصراللهی - 66/5/2

1- ترجمه قسمت پایانی آیه 153 از سوره بقره است «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «بشکافی».

نام: صید محمد
نام خانوادگی: نظریگی
نام پدر: علی محمد
نام مادر: آمنه
تاریخ تولد: 1340
محل تولد: شهرستان ایلام
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: هجده مرداد 1365
محل شهادت: قصر شیرین
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا انسان‌ها؛ هشدارتان باد که امروز روز خویشتن‌یابی است.
- ا امروز خورشید حقیقت خود را نمایان ساخته و تابیدن آغاز کرده است.
- ا وای بر من و تو اگر که خویش را در پشت جداره‌های ضخیم مادیات مخفی کنیم.
- ا از تو سؤال می‌کنند شما مقابل این خون‌ها چه کرده‌اید.
- ا قبولم کن ای رب رئوف.
- ا به عزت قسم تو را دوست می‌دارم و تنها در کنار تو آرام می‌گیرم.
- ا می‌خواهم تنها در آتش عشق تو بسوزم، می‌خواهم تنها با تو بسازم.
- ا برادران دیگرم را ادامه دهند.
- ا امام و رزمندگان را دعا کنید.

صیدمحمد نظریگی

بسم الله الرحمن الرحيم

روزگاری بر من گذشت و ایامی چند را به غفلت و جهالت گذراندم، گم بودم و به هر سو می‌دویدم، مطلوبی را طلب می‌کردم که از دریافتنش عاجز بودم. می‌دیدمش ولی از پشت هزاران پرده غبار آلود نامش را متجلی می‌کرد و من مدام خواندم و جودی را که برایم مجهول بود و مدام زمزمه کردم نامی را که نامعلوم بود. چه سخت است روزگار فراق لحظات جدایی. ای انسان‌ها؛ هشدارتان باد که امروز روز خویشتن‌یابی است. بیایید و این اصیل را که در پشت حجاب‌های فراوان فراموش شده دریابید. جاروب گردزدایی را به دست بگیرید و از این چهره حقیقی دوده‌های سیاه را بزدایید، که امروز خورشید حقیقت خود را نمایان ساخته و تابیدن آغاز کرده است وای بر من و تو اگر که خویش را در پشت جداره‌های ضخیم مادیات مخفی کنیم و چهره برافروخته خورشید حقیقت را نادیده بگیریم. با شمایم، با شمايي که جنازه‌های برادران شهیدم را بر دوش کشیدید و فریاد راهت ادامه دارد را سر دادید و اشک هجران بر آنان فرو ریختید، آیا در تحقق آن شعار می‌کردید¹ در خیابان‌ها فریاد کردید گامی برداشته‌اید؟ آیا از آن همه خلوص و طهارت قلبی و صفای روحی و انجام فرامین الهی و... که در آن شهید صدیق بوده و انسجام کاری به او می‌بخشید. و اکتساب ذره‌ای از آن همه را نموده‌اید؟ و یا نه، تنها فریاد کشیده‌اید و خود را علم نموده‌اید؟ پس بنشین تا فرا رسد، روزی که تو با قامتی خمیده حاضر شوی و تو را به واسطه کلامت که بر زبان رانده‌ای و به عمل نیاورده‌ای به [...] ² بنشینند. آن روز که دیگر زمان گذشته است و بازگشت ممکن نیست؛ از تو سؤال می‌کنند شما مقابل این خون‌ها چه کرده‌اید. خسته و دل‌مرده در گوشه‌ای منزوی می‌شوم. اشک زلال را بر گونه‌هایم [...] ³ می‌دهم و آن‌چنان از بودن و ماندن و سوختن و ساختن ابراز دلتنگی می‌کنم که مگو و مپرس. قبولم کن ای رب رئوف؛ به عزتت قسم تو را دوست می‌دارم و تنها در کنار تو آرام

1- در اصل وصیت «می‌کرد».

2- در اصل وصیت ناخواناست.

3- در اصل وصیت ناخواناست.

می‌گیرم. می‌خواهم با تو باشم، می‌خواهم عاشق تو باشم، می‌خواهم درد دل این دردمند را بشنوی، می‌خواهم غم‌هایم را به وصلت آرامش ببخشی، می‌خواهم دیدگانم را به تماشای جمالت روشن سازی، می‌خواهم تنها در آتش عشق تو بسوزم، می‌خواهم تنها با تو بسازم، تو را دوست می‌دارم در جستجوی تو بیابان‌ها را پشت سر گذاشتم، شهرها را گذراندم خانه و کاشانه‌ام را رها ساختم، به سوی تو آمدم، مرا بپذیر به این دل شکسته‌ام رحم کن. مادر و پدر عزیزم هنگامی که من به شهادت رسیدم هیچ‌وقت ناراحت نشوید و برادران دیگرم راهم را ادامه دهند و برای من ناراحت نباشید و امام و رزمندگان را دعا کنید.

«والسلام»

وصیت ملا شعیبه صیدمحمد نظریگی

خودم را بر من گذشت و زایای چند را به غفلت و جهالت گذراندم، کم بودم و در حرم صفا دیدم،
 ملحدان را طلب می‌کردم که از درافتن من عاجز بودم و در دیدن من از نیت مرطبان پره فبا کرد نامش
 تجلی یافت و من سد ام خاندان و جویا که برایم مجبور بودم و نام منزه کردم مای که ما علمم بر وجه
 محنت است و درگاه رفیق لطافت جویان، ای زینا خا، حقت لقا با که لغز زنده خویشم ای راست
 با میباید و این دلیل را که در نیت جانان مرطبان شده در ایام سید جابگ در درایان ابر
 دست بگیرد و در این عهد حقیقت داده جان سیده جانرا میباید که لغز زنده خویشم حقیقت خدا انان
 ساخته را این که فایده است و در این برین دگر که خویشم را در نیت جمله جان ختم مایه حقیقت
 کنیم و میرد را لغز زنده خویشم حقیقت را علمه بگیریم. باشایم، باشایم که حاره جان برادران شویم
 تا بر دوش کشیدید و فریاد رحمت الله در دله را سر لایه و رنگ هر آن که را تا فرود بیفتد آن بر حق
 آن طوطی که در حیا، نهان کرد که میگویی بگفته است که ای که آن همه خلدن و طهارت طلب و دنیا
 روی و لغام خزانین الهی در آن که آن سید صدیق سیده و انعام کاری دلورجه نویسد طاعت
 ذره ای که آن همه با نوره لیدر و با نده یک طرفه که کشید و لیدر و خود را علم نمود بیدر؟ پس نشین تا فراسید

خضی که تو با تاق عیسای حلقه زسوی و تو را به واسطه خلافت که بزبال کا نه ای و به عمل نادره ای، باز
 خستند پس در که دیگر زمانه گشته است و از گشت سخن نیست، از تو سوال می کنند
 نمایی این فرضا چه کرده ای. غصه در لونه در گشته ای منور می شوم. اشک زلال طبر که می خایم
 می دهم و آید آن لبه های و ماندن در محنت و ما خنق لبه های کاش می کنم که مگر می بینی قبول کن
 رب رتوب، به فرقت قسم تو را دست می دارم و تو در کنار تو ایام می گذریم می خواهم باز تو را
 می خواهم عاشق تو باشم می خواهم در دل این دوست را بسازی می خواهم بنمایم بار و طالت
 کماش بجستی می خواهم دیگرانم را به تماشای حالت و من ساری می خواهم ندره در آتش عشق تو بسوزانم
 می خواهم تنو با تنه سازم. تو که گشت در تمام در جسم جوی تو با با نا ایت می گردانم شوهر عالم
 گزافتم خانه و کاش تا نام بارها ساخته ام به سوی تو آمدم؛ بر این بند بر این دل شده ام رحمت کن
 حاضر بر فرزندم کاش که می به شهت رسیدیم هیچ وقت نخواست نشد بود بر لورا ای کبر و اعم راه
 ای که در هند و بر این نخواست تا نسید و تمام زود فدا بودا گشته. والسلام

نام: شیرزاد
نام خانوادگی: نظری زلانی
نام پدر: رضا
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: سوم اردیبهشت 1332
محل تولد: روستای زلان
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: روستای حاجی حاضر زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا هدفم خدا می‌باشد و می‌خواهم اگر لیاقتی داشته باشم خدمت بیشتری به اسلام بکنم.
- ا من که لیاقت شهادت را ندارم از خداوند منان خواستارم که شهادت را نصیبم بگرداند.
- ا یک لحظه امام را فراموش نکنند.
- ا ما باید خداوند را سپاس بگوییم که که چنین رهبری داریم.
- ا ما می‌رویم به جبهه امام زنده بماند.
- ا باید مثل مردم کوفه باشیم و امام را تنها نگذاریم.
- ا جبهه‌ها را همیشه محکم نگهدارید.
- ا ما باید به ابرقدرت‌ها بفهمانیم که صف مردم کرد از صف ضدانقلاب جدا است.
- ا در نماز جمعه‌ها و دعای کمیل‌ها و توسل‌ها شرکت کنند.
- ا می‌خواهم با خون خود درخت اسلام را آبیاری کنم و راه حسین (7) را پیمایم.
- ا امروز روزی است که خداوند تعالی از ما مردم مسلمان امتحان می‌گیرد.

شیرزاد نظری زلانی

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ»

«گمان مکن البته آن کسانی را که کشته شدند در راه خدا مردگانند بلکه آنان زنده‌اند نزد پروردگار خود».¹

به نام خداوند بخشنده مهربان. با سلام بر پیشگاه مقدس آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش، خمینی کبیر.

اینجانب شیرزاد نظری که ساکن شهرستان ایوان هستم. این مدت سه سال است برای حکومت جمهوری اسلامی دارم خدمت می‌کنم و چون که هدفم خدا می‌باشد و می‌خواهم اگر لیاقتی داشته باشم خدمت بیشتری به اسلام بکنم و این جان ناقابل خود را در راه اسلام و دین مقدس حضرت محمد (6) فدا کنم در این شب که شب یکشنبه مورخه 64/12/4 است دارم وصیت‌نامه‌ام را می‌نویسم. اولاً من که لیاقت شهادت را ندارم از خداوند منان خواستارم که شهادت را نصیبم² بگرداند. پیامم به امت شهیدپرور ایران بخصوص خانواده‌های معظم شهدا این است که همیشه پشتیبان انقلاب باشند و یک³ لحظه امام را فراموش نکنند. ما باید خداوند را سپاس بگوییم که که چنین رهبری داریم. همچون امام حسین قیام می‌کند. باید مثل مردم کوفه⁴ نباشیم و امام را تنها نگذاریم. باید بگوییم: ما اهل کوفه نیستیم که امام تنها بماند، ما می‌رویم به جبهه امام زنده بماند. فرزندان خود را به جبهه‌ها بفرستید. جبهه‌ها را همیشه محکم نگهدارید ما باید به ابرقدرت‌ها بفهمانیم که صف مردم کرد از صف ضدانقلاب جدا است و مردم جمهوری اسلامی را خواهان هستند. همیشه خدمتگزار این مردم باشید که بر ما حق بزرگی⁵ دارد و پیامم به خانواده‌ام این است

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «نسبیم».

3- در اصل وصیت «یا لحظه».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «حق بر ما بزرگی».

که همیشه برای سلامتی امام و پیروزی رزمندگان اسلام دعا کنند و در نماز جمعه‌ها و دعای کمیل‌ها و توسل‌ها شرکت کنند و خدایی نخواستہ با کشته من ناراحت نشوند و همچون فرزندان امام حسین (7) باشند و به دشمن بفهمانند: «ما چه بکشیم و چه کشته شویم پیروزیم»¹.

می‌خواهم با خون خود درخت اسلام را آبیاری کنم و راه حسین (7) را بپیمایم و پیام برای برادران سپاه و بسیج و برادران رزمنده این است که خیال نکنند دشمن شکست خورده، با کشته شدن هزاران جوان ایرانی می‌تواند کاری بکند، نه، به خدا قسم اگر هر خانواده‌ای یک فرزند خود را در راه اسلام قربانی کند، دشمنان اسلام نمی‌توانند تجاوز را ادامه دهند. تمام سعی و کوشش خود را در تداوم انقلاب اسلامیمان که میراث خون هزاران شهید است به‌کار بندید. شما لباسی را به تن دارید که امام حسین (7) این لباس را به تن داشت. امروز روزی است که خداوند تعالی از ما مردم مسلمان امتحان می‌گیرد. آری خوب است که از امتحان [...] ² باز هم تکرار می‌کنم امام را تنها نگذارید، همه برای سلامتی او دعا کنید.

خدایا خدایا ترا به جان زهرا (سلام الله علیها) تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار.
از امام جلوتر نروید که گمراه می‌شود و از [...] ³ می‌شوید.
[...] ⁴ شهادت تنها راه من است.

1- جمله از امام خمینی است (صحیفه امام، جلد 4، ص 492).

2- در اصل وصیت ناخواناست.

3- در اصل وصیت ناخواناست.

4- در اصل وصیت ناخواناست.



این فتوا فی جمل اشیا مواثیقه ایست که در وقت وفات این شهید بجهت برزخون (

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

خداوند مکن ایها آن کسای واکه گشته شدند در راه خدا سردگانه بلکه ما را زنده اند نزد پروردگار عزیز و سوره انفجران آیه ۲۹

پیشام خداوند بخشنده مهربان را ملا چه پیشگاه مقدس است اما چرا من (و من) و نانیچه بر حقن خاصی که بود

اینجا نبینم راه نثری که ما کن شهرستان اجوان هستیم این صد تفسیر سال است بدوای حکومت جمهوری اسلام من دارم خدمت می کنم و چونکه هدفم خدمت به خدا است و منی خواهم اگر ایها کسی دانسته باشد خدمت بیشتری به اسلام کنم و این جان نا قابل خود را در راه اسلام و دین مقدس من قربان می‌کنم (۱۴)

فدا کنم در این شب که شب بیست و نهمه ۶/۱۰/۶۷ است دارم و بیست و نهمه ۱۰/۱۰/۶۷ است و تمام ایلا

من که لیاقت عبادت ترا ندارم از خداوند بزرگوار خواستارم که شهدای عزیزان را ببینم بگرداند

تمام آنچه است که به پروردگاری بکنم و در انوار عبادت منقسم نباشم این است که هر صحنه

بشعبان انقلاب یاد کرد و با ایستادگی ابراهیم را فراموش نکنم ما باید خداوند را ستایم بکشیم و

و امام را شهادت کنیم باید یک پیغمبر ما اهل کوفه هستیم که امام تنها میماند ما بیرون

به حبشه امام زنده میماند فرزندان خود را سه حبشه با بیفرستید همه عدا را علیه

محاکم تکبیر کرد ما باید به ابر قدرتها بیاییم ما تیمم که عدا مردم کرد از صفا

بعد انقدر عدا است و مردم جمهوری اسلامی را با ایمان بخشید همیشه خدا شکر گزار

این مردم ما باید که عدا خود را بزرگی دارد و پیام به خدا داد امام این است که همیشه

برای سزای عدا و بیسوزی فرزندان اسلام دعا کند و در نماز جمعها و دعاها همیشه

و همیشه شکر کند و خدا فی دلمه است با اینکه تمام ما را احداث کنند و همه بوی فرزند و

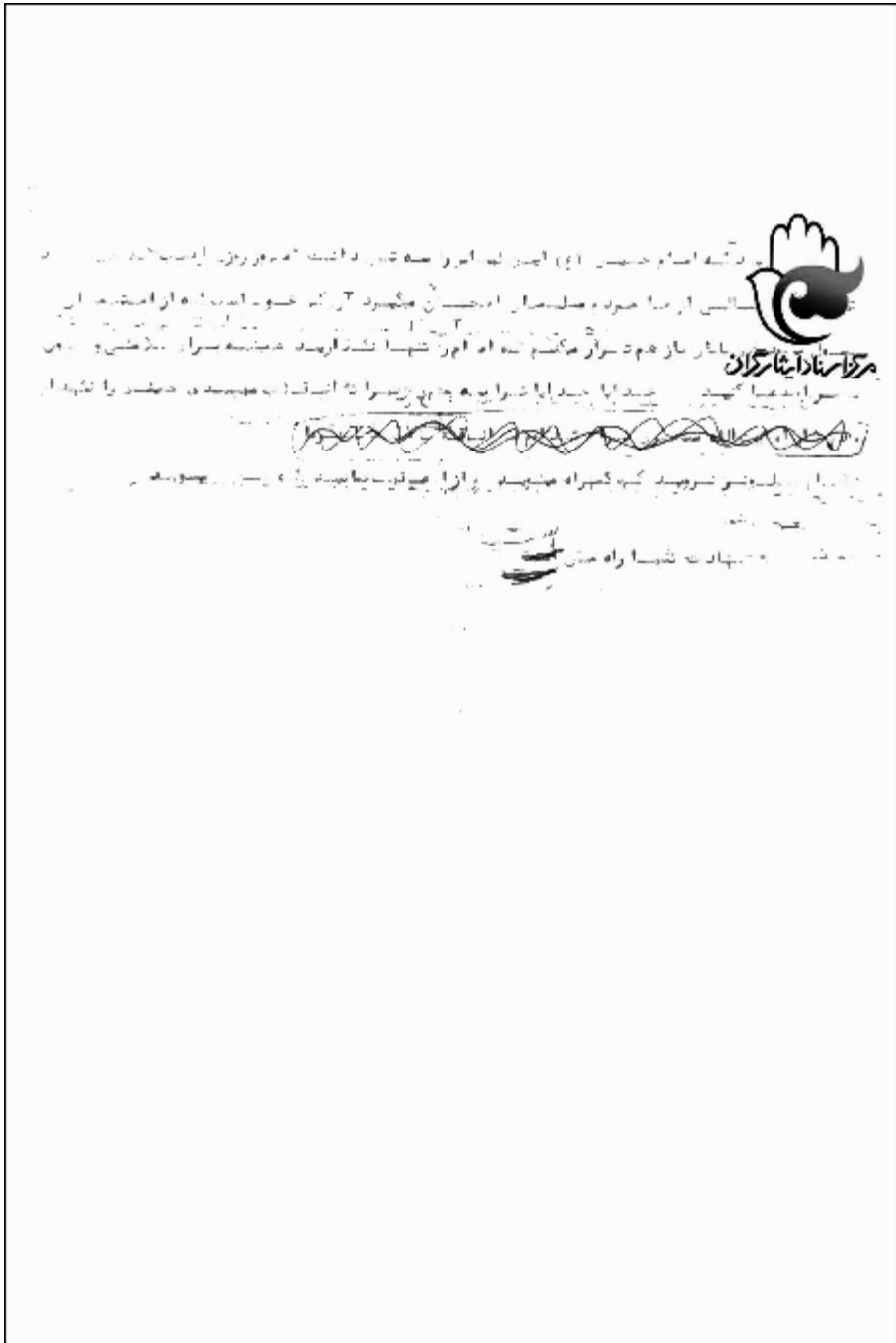
امام حسین باشند و به دشمن سفیدمانند ما عدا ما بکشیم و چه کنیم تا و بیسوزیم

من جوانم با خون خود در راه اسلام ایثار کردم و راه حسین (ع) را پیروی می‌کنم و پیام برای

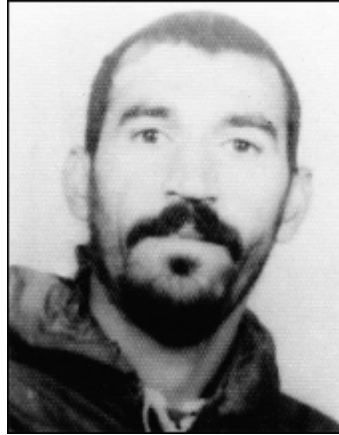
سران و آن سه و بی هیچ استر و آن روزند و خداوند دشمنی تمام خود را با کشته شدن هزاران

جوان ایرانی می‌تواند کردی بکنند تا به خدا قسم اگر همه خانواده‌های ما نترسند خود را

بر راه اسلام قربانی کند دشمنان مردم نمی‌توانند ایثار را ادا کنند تمام جسمی و کوشش خود را در راه امام اوفاد اسلامیان که ما را و آن هزاران شهید است و کار بیدار است تمام ایثار



نام: حسن
نام خانوادگی: نظری
نام پدر: صیدجعفر
نام مادر: فرصت
تاریخ تولد: یکم فروردین 1339
محل تولد: شهرستان آبدانان
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ خداوند نیکوکاران را دوست دارد.
- ۱ سعی کنید کسانی که فقیر و بیچاره هستند به آن‌ها کمک کنید و گذشت داشته باشید.
- ۱ این جنگ از طرف ابرقدرت‌های شرق و غرب به ما تحمیل شده و هدفی که آن‌ها داشته‌اند ضربه زدن به انقلاب اسلامی بود.
- ۱ این انقلاب اسلامی را حاصل خون هزاران شهید می‌دانیم.
- ۱ باید تا خون در رگ‌های ما جاری است از پیر تا جوان، از کوچک تا بزرگ به یاری انقلاب بشتابیم.
- ۱ ای امت امام، از شما می‌خواهیم که امام عزیزمان را تنها نگذارید.
- ۱ از همسر عزیزم می‌خواهم که برایم ناراحت نباشد و شهادت مرا یک افتخار برای خودش بداند.
- ۱ امام را دعا کنید.

حسن نظری

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ»¹

«کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید، بلکه آن‌ها زنده‌اند و در نزد خدای خویش روزی می‌خورند».

با درود فراوان به امام زمان (عج) و نایب برحق آن حضرت امام امت، خمینی بت‌شکن که با قیام خود سرزمین تاریک ایران را نورافشانی کرد و با سلام به روان پاک شهیدان گلگون‌کفن انقلاب اسلامی، شهیدانی که هر چه درباره آن‌ها بگویم کم و زبان در وصف رزم و پیکار آن‌ها عاجز می‌باشد و با درود فراوان بر رزمندگانی که هیچگاه خستگی احساس نکرده و همیشه در صحنه‌های پیکار و نبرد حضور داشته و عرصه را بر مزدوران بعثی تنگ نموده‌اید. عزیزانی که کشور [...] ² و امت ما به شما افتخار می‌کند و آخرین سلام به امت حزب‌الله و همیشه در صحنه آبدانان و حومه که در میدان آزمایش همیشه پیروز بوده‌اند. با حضور خود در صحنه‌های خاطره‌ساز انقلاب اسلامی امید دشمنان را به یأس تبدیل کرده‌اند. وصیت نامه خود را که مسئولیت بزرگی بر گردنم می‌دانم آغاز می‌کنیم. امت حزب‌الله از شما می‌خواهم که [...] ³ دارید در این دنیا کار نیک انجام داده و به [...] ⁴ که خداوند نیکوکاران را دوست دارد و در جهان آخرت به آن‌ها پاداش نیک می‌دهد که این وعد قرآن است و در زندگانی سعی کنید کسانی که فقیر و بیچاره هستند به آن‌ها کمک کنید و گذشت داشته باشید.

1- آل عمران/ 169

2- در اصل وصیت ناخواناست.

3- در اصل وصیت ناخواناست.

4- در اصل وصیت ناخواناست.

امت حزب‌الله همه شما می‌دانید که این جنگ از طرف ابرقدرت‌های شرق¹ و غرب² به ما تحمیل شده و هدفی که آن‌ها داشته‌اند ضربه زدن به انقلاب اسلامی بود و ما هم چون این انقلاب اسلامی را حاصل خون هزاران شهید می‌دانیم باید تا خون در رگ‌های ما جاری است از پیر تا جوان، از کوچک تا بزرگ به یاری انقلاب بشتابیم و هر کس بی تفاوت باشد، به این انقلاب و خون شهیدان خیانت کرده است. من هم بنابر وظیفه‌ای که خدا بر دوشم نهاده آمده‌ام تا شاید قسمت شرکت در این جهاد مقدس را داشته باشیم و امید است که خدا از من قبول کند.

ای امت امام، از شما می‌خواهیم که امام عزیزمان را تنها نگذارید و از ولایت فقیه پشتیبانی نمایید «با حمایت از ولایت فقیه به شما و مملکت شما آسیب نمی‌رسد»³ و از شما می‌خواهم که در میدان‌های نبرد [...] داشته و مستضعفان [را] تا حد امکان یاری کنید که یاری به آن عزیزان یاری خداوند است «و هر کس خدا را یاری کند، خدا نیز او را یاری خواهد کرد».

ای مردم، هر چند من از پدر و مادر محروم می‌باشم ولی از شما می‌خواهم که به جای پدرم و مادرم برایم اشک بریزید و خانواده‌ام را دلداری دهید.

از همسر عزیزم می‌خواهم که برایم ناراحت نباشد. و شهادت مرا یک افتخار برای خودش بداند و تنها فرزند عزیزم صدیقه را با قوانین اسلام با نماز و دعا آشنا گرداند⁵ و به او بگو که پدرت چگونه و در چه راهی پرپر شده است و اگر روزی از تو تقاضای پدر کرد به او بگو که پدرت به سفر کربلا رفته و هنوز هم باز نگشته.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- امام عبارتی قریب به این جمله شهید دارد: «ضمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد.» (صحیفه امام، ج 10، ص 58)

4- در اصل وصیت ناخواناست.

5- در اصل وصیت «گردان».

ای همسر عزیزم، نگذار که دخترم صدیقه احساس تنهایی کند و اگر برای تو هم همسر خوبی نبوده‌ام مرا ببخش¹ و شب‌های جمعه به همراه صدیقه بر سر قبرم بیا و برایم گریه کن. از خواهران می‌خواهم که همچون زینب (سلام‌الله علیها) تحمل داغ مرا بکنند و زیاد ناراحت نباشند و اگر برایم گریه کردند، به یاد اباعبدالله الحسین (7) باشد. از برادرانم می‌خواهم که مرا از یاد نبرند و برایم مراسم فاتحه‌خوانی بگیرند و برایم در نمازها دعا کنند تا خداوند مرا بیامرزد.

در ضمن به برادرانم سفارش می‌کنم که من به دامادهای خودم یک سیدحسین و دیگری محمد شفیعی که سیدحسن خان‌اش در دره شهر می‌باشد² هر کدام پانصد تومان بدهکارم که آن بدهی را برایم بپردازند. در پایان از همگی شما خداحافظی می‌کنم. امام را دعا کنید.

حسن نظری

66/12/10

1- در اصل وصیت «ببخشید».

2- در اصل وصیت «می‌باشد».

جمله دانات

ولا تصعبوا الذين قتلوا من سبيل الله انما تأملوا اميا و كعبه بهم من موتك
و انما كعبه در راه خدا گشته شده اند و در جوارش بگفته آنگاه نغمه اند
و در دستش خون جگر من ریخته می شود.

یا مدینه خاران به امام زمان اروایت برحق آن حضرت امام امت، خیمت من
و ایام خرد من درین تاریک ایران را روشن سازد و با اسلام به زبان اکت پیدا
نماید و کفر اعدا را از بین ببرد و در این راه که در راه آنجا بگویم کم و زیاد
نمردم و دیگرگان آنها را می بیند و ما در راه بر زمین می کشد که همیشه در جنگ
اساس نگردد و همیشه در مصیبت های بیگانه را در زمین و حضور راسته و ع... را
از دستش در روزان و روزی و شب هر که از او می آید و در راه که گذرد و از حق
امت ما به سزاوارتر می گوید و ما خردن اسلام به امت خداوند همیشه در مصیبت
آید آن در حوضه که در میدان آنجا این همیشه بهین و بوده اند و با حضرت خود
در مصیبت های خاطر ما از انقلاب اسلامی امید و سخنان راه ما این تبخیر کرده اند
در صیت نامه خود را که مسئولیت من زخم بر آنم من را سم آغا در مصیبت
امت حزب الله از ما میخواهم که ما می داریم در این دنیا کار نیک انجام داد
و به خداوند که خودم کند که خداوند بیک طرفت است و در هر جهان
آخرت به آنجا یا در این دنیا می بیند که این در سخن است است و در روز جزای
می کشد که آنرا که معیوب و بیچاره هستند به آنجا کمک کند و کند است و است
باید و

است حزب آئین، همه ناموسیندی که این رنگت از طرف اس قدرهای شریف و عیب
 به باطن رسیده و هفت که آنها و استیجاب، صریح درون به انقباض اسلامی بود
 تا هم چون این انقباض را می توانم حد، هر از دست شیبی می دانم با خود با خون
 در رنگهای ما چاره است از بیرون تا حلقه با رنگت تا سر رنگت ما از بیرون انقباض
 بقدر هم در خون و است با انقباض از انقباض و چون بهترین حالت بود که است
 می هم با به وظیفه ای که خدا به چشم برآورد آموختم تا شاید قسمت شرکت در این
 جوار قدری زیاد شد تا هم و امیر است که حد از می قبول کند

از امت ما هم و این است هم که امام عورتان است از آنها ننگوار بود و اولاد می خفید
 قیامی ما نبودند اما بیت اولاد است نتیجه به ما آمدت که ما آسین می رسد
 در میان ما هم که در میانهای نبرد عصر و سنل است و در میان ما هم
 تا خدا کلاه یاری گویی که از می به آن عزیزان یاری خداوند است و هر
 کس خدا (یاری) کند خدا نیز او را یاری خواهد کرد

میرایان جید جیده ای ما خدا خواهد ام صحبت تمام
 ای صدام، هر چند من این جید را بر سر من بود بر شوم ولی از ما میخواهم که
 بد جوی، پدرم و ما دیم بر ایم است که بنزدید و خدا خواهد ام براد او را خواهد
 از همی عزیزم، می خواهم که بر ایم طاعت با سید در نهایت از این استغفار
 برای خودی جز ند و تنها عزیز عزیزم صدیق ما با تعالین اسلام با کار و نما
 استا کردان و به او بگو که پدر من جنگیده مرد در چینه راهی بر می رسد است
 و اگر روزی از تو تقاضای پدر شود به او بگو که پدرت به من فرزند بودی

و هنوز هم باز نقشه ه

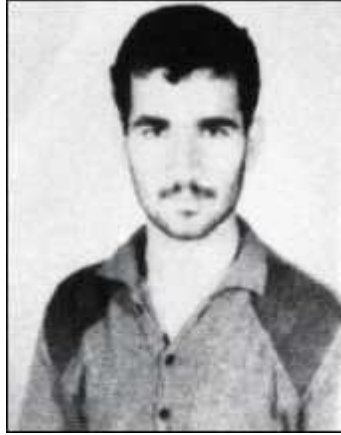
ای سر عزیزم ، بخدا رگه د خورم صدقه احسانها می کند و اگر برای تو
 هم همین خوب بوده ام ما بسخشد و شهرای عهد به همراه صدقه می
 می تویم با و بر لبم گریه کنی -
 از نمازها تم میخوانم که هر چه از نسیب نصیب داغ مرا بدست دور بیان
 ناراحت نباشند و اگر برایم گریه کردند نو به یاد ابوعبدالله العسکری باشند
 از نمازها تم میخوانم که هر چه از نسیب نصیب داغ مرا بدست دور بیان
 در تمام راهها دعا کنند تا خداوند مرا ایام برود
 در صورتی که بر دران نه رس می کنم که من به کارهای خود ام می رسید
 در گوی احمد شیبی که صد حسن ظافه این در در شهری باشد هر کدام -
 یا نه بدو مان بدستام که آن در می را بر لبم بیورارنده

درباران از همگی ما خدا طظری کنم

امام راد الحسن

۱۱ - ۱۱ - ۶۵
حسن ظظری

نام: قدرت
نام خانوادگی: نظری
نام پدر: عمران
نام مادر: گل اندام
تاریخ تولد: هفتم خرداد 1349
محل تولد: بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم.
- ۱ ای مادران نکند که از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید.
- ۱ خدایا مرا در این راه موفق بگردان و مقام عالی شهادت را نصیب من بگردان.
- ۱ پیام من به امت شهیدپرور ایران این است تا آخرین نفر و تا آخرین نفس در راه امام و انقلاب و اسلام کوتاهی نکنند.
- ۱ از رزمندگان اسلام می‌خواهم که مردانه شب و روز در جبهه‌ها به نبرد مردانه ادامه دهند.

قدرت نظری

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شهید قدرت نظری
آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم. ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید
زیرا که حسین (7) در میدان نبرد شهید شد.
ای مادران نکند که از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید.

بسمه تعالی

با سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی.
اکنون که عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل می‌باشم و چنانچه در این راه مقدس به درجه
رفیع شهادت که راه انتخاب کرده خود می‌باشد، شهید شدم و اگر این وصیت‌نامه به دست
شما افتاد آن را برای دوستان و بستگان بخوانید. از پدر و مادر و خواهران و برادران که به
من امید داشتند و نتوانستم به آن‌ها خدمت کنم و نتوانستم زحمات پدر و مادر را جبران
کنم، از آن‌ها عذر می‌خواهم. چنانچه شهادت نصیب شد در سوگ من ناله و فریاد صورت
خراشیدن کردن موی جداً خودداری کنید¹. من که راه شهادت را از سردار شهیدان
حسین (7) آموختم و خود را حامی ولایت فقیه می‌دانم در عزاداری من از کشتار
گوسفند و مراسم زاید و اضافی که خلاف شرع و قانون اسلام [است] جلوگیری کنند و
سلام مرا به هم‌کلاسان خود در دانشسرای ایوان و چدار که فرصت خداحافظی را نداشتم
و از تک‌تک آن‌ها می‌خواهم که امام و اسلام را فراموش نکنند و اگر جنازه من پودر شد و
حتی اثری از من باقی نماند، همین کافی است که در راه اسلام فدا شدم. اگر جنازه‌ام
به‌دست افتاد قبر ساده‌ای بدون تجملات بنا کنند و اگر هم جنازه‌ام در منطقه ماند و پیدا
نشد فقط از سنگی به‌نام من و عکس امام که تنها یادگار و عاشق دین خدا است در کنار آن
سنگ نصب کنید. از پدر و مادر و بقیه اقوام و بستگان خواهش می‌کنم که در نبودن من

1- در اصل وصیت «می‌کنند».

ناراحت [نباشید خیال]¹ نکنید که من مرده‌ام، شهید زنده است. همانطور که در قرآن کریم کلام خدا [...] ² و پوشیدن «لباس سیاه»³ به مدت طولانی خودداری کنند و اگر طاقت نداشتند، فقط به مدت چهل روز کافی است. بارخدایا من در راه تو قدم گذاشتم و این وصیت‌نامه را نوشتم. خدایا مرا در این راه موفق بگردان و مقام عالی شهادت را نصیب من بگردان.

پیام من به امت شهیدپرور ایران این است تا آخرین نفر و تا آخرین نفس در راه امام و انقلاب و اسلام کوتاهی نکنند و از رزمندگان اسلام می‌خواهم که مردانه شب و روز در جبهه‌ها به نبرد مردانه ادامه دهند و صدام و صدامیان⁴ را به خاک مذلت⁵ نشانند. از کسانی که این وصیت‌نامه را پیدا می‌کند خواهشمندم آن را در مجلس عزاداری من قرائت کند و به گوش عموم برساند.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»⁶

قدرت نظری

66/8/12

1- در اصل وصیت «نباشند خیا» ناخواناست.

2- در اصل وصیت ناخواناست.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «مزگت».

6- در اصل وصیت «السلام - و رحمة الله».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه سعید فریدت نظر
آنگونه که همیشه می روم و می جنگم ز معصومه سوم
کری جوانان ننگه در خونراب دولت
بمیرد بزرگوار حسین مع در میدان نبرد سعید
سه

کری در آن ننگه که از رفیق فرزندانشان
به جبهه جلو گیری کنید

بسم الله «قسمی که وصیت امام شهید نظری» تاریخ ۸/۱۲/۶۶

باصحابم - فیما بین انقلاب اسلامی ایران و شهدای گمنام کفن انقلاب اسلامی

آنکه ما خانم حمیدهای نبرد حق علیه باطل می‌باشیم و خونی برای راه مقدس به ریج شجارت
که راه انقلاب کرده خدیجه با سر شهید شدم و اگر این وصیتنامه به دست شما افتد آن را
برای روزی در بنگان بخوانید که پدر و مادر و فرزندان و برادران که به من امید داشتند و منتراستم
به آقا خدمت کنم و تراستم زهانت پدر و مادر را حیران کنم که آنرا غنیمتی فراهم خواهم نمود شجارت
نصیب شد در سنگ من نام و فریاد صورت خائیدن کنگه سوی جدا خود داری کنند

من که راه شجارت را از سر راه شهیدان حسین هم، اگر خسته ام و قدر را حلالی و کفایت فسیحی

در عذرهای من که گشتار که منند و ملازم راند و اضافی که خلاف شرع و مانع اسلام

جلوگیری کنند و سلام طلب همگامان خود در دانشمندی ایران که فرصت خدا حافظی را

نداشتم و از تک تک آنها می‌خواهم که امام را سلام را فراموش نکنند و اگر خباز من پدر

شد و حق اشتری کند من باقی مانند همین کافی است که در راه اسلام خدا شوم اگر خباز ام بود

انصار قبض ساده ای بدون تجلات بنا کنند و اگر هم خباز ام در منطقه ماند و پیدا نشده فقط

که شناسی بنام من و عکس امام که تنها یا گنا و عاشق وین خدا است که گناهان منند

نصیب کنید که پدر و مادر و بقیه اقوام بنگان خواهش می‌کنم که در نبودن من ناراحت

که شنیده که من مرده ام شهید زنده است همانطور که در قرآن کریم کلام خدا
 در روز قیامت بر ما نازل می شود پس سینه به دست طولانی خود داری کنده و اگر حاجت نه است فقط
 به مدت چهل روز کافی است با خدا من در راه تو قدم گذاشتم و این وصیت نامه را
 قدشتم خدایا مرا در این راه موفق بگردان و مقام عالی تجارت را نصیب من بگردان
 کدام من به امت شهید پرور ایران این است تا آخرین نفوس و تا آخرین نفس زنده
 امام و انقلاب و اسلام که می شنود و زنده زنده با اسلام می خواهم که مرده ام شب و روز
 هیچ جا به نبرد مرده ام ادا دهند و صدام مرده ام میانی را به خاک فرستد پستانند
 زندگی که این وصیت نامه را پیدا می کند خواهد نمود آن را در مجلس عزاداری
 قرائت کند و بگوش محمد برساند

اللهم وعلمکم درة المومنین
 قدرت الهی
 تقوی
 ۱۳۸۸/۱۱/۱۱

[Stamp/Signature]

نام: یوسف
نام خانوادگی: نظری
نام پدر: صادق
نام مادر: زینب
تاریخ تولد: 1340
محل تولد: شهرستان دهلران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: وزارت اطلاعات
تاریخ شهادت: پنجم دی 1385
محل شهادت: روستای کانی سخت
مهران
نحوه شهادت: انفجار مین
مزار: زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا زندگی همواره سختی و خوشی دارد.
- ا این دهر گردون در حال سپری شدن است. تا چشم به هم بزنی عمرت پایان گرفته است
- ا به سان مسافری هستی که هر لحظه ممکن است به منزلگاه برسی.
- ا در عملیات‌های مختلف شرکت می‌نمودم، اما این توفیق نصیب نشد که به خیل کاروان شهدا
بیوندم.
- ا ای خوشا به حال آنان که سبکبال از این دنیای فانی رفتند.

یوسف نظری¹

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شهید یوسف نظری

با سلام و درود بر اشرف مخلوقات، پیام‌آور و سرور همه انبیاء، یعنی محمد مصطفی (6) و سلام و صلوات خدا و فرشتگان بر آن مظلوم تاریخ در عین اوج عزت، علی ابن ابی طالب (7) و همسر وفادارش حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و درود خدا و پیامبرش بر یاده اولاد آنان، که نور آنها از ارض تا عرش همچنان تا برپا شدن قیامت تشعشع و تلالؤ می‌کند.

سلام و صلوات خدا و پیامبرش بر ابرمرد قرن بیستم یعنی خمینی کبیر (ره) که همچون ابراهیم خلیل [الله] (7) در آن دوران ظلم و فساد و تباهی، تیر را برداشت و بت 2500 ساله شاهنشاهی را از بیخ و بن برکند و هزاران دل عاشق را شیفته و مجذوب خود کرد و سلام و درود خدا بر جانشین بر حق آن حضرت، یعنی مقام عظمای ولایت، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای² که همچنان توفنده و بالنده این انقلاب را هدایت می‌کند و این حرکت انشاء... تا حضور مصلح جهان حضرت بقیه الله الاعظم، روحی لمقدمه الفداء، ادامه خواهد شد...

زندگی همواره سختی و خوشی دارد، گاهی انسان در تنگنا آنچه‌ان قرار می‌گیرد که از خود هم بیزار می‌شود و گاهی زندگی مطلوب و به نفع اوست، اما این شرایط همه احوال باقی نمی‌ماند. امیرالمؤمنین (7)، مولای متقیان، در این راستا فرموده‌اند: «زندگی همواره دو روز است، گاهی به نفع توست و یک روز هم به ضرر توست. آنجا که به ضرر توست صبور و مقاوم باش و آنجا که به نفع توست خدا را فراموش نکن که در هر حال خدا را فراموش نکردن مایه امید است.»³ به هر حال این دهر گردون در حال سپری شدن است.

1- اصل تصویر وصیت شهید موجود نبود و از فایل تایپی و مورد تأیید بنیاد شهید استفاده شده است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ترجمه این سخن علوی است: «لادهر یومان: یوم لک و یوم علیک فاذا کان لک فلا تبطرو اذا کان علیک فاصطبر». غرالحکم، ص 131، (الدنیا محفوف بالمکاره).

تا چشم به هم بزنی عمرت پایان گرفته است و از این رو به سان مسافری هستی که هر لحظه ممکن است به منزلگاه برسی...

چون همواره در منطقه عملیاتی بودم، هر وقت عملیاتی شروع می شد، بنده به عنوان یک سرباز پیاده با حضور در صف رزمندگان اسلام در عملیات های مختلف شرکت می نمودم، اما این توفیق نصیب نشد که به خیل کاروان شهدا بیوندم و همچنان چشم انتظار هستم. اگر نشد، امید است در روز قیامت، شهدای گرانقدر، ما را نزد پروردگار متعال و پیامبر اعظم و ائمه اطهار (7) شفاعت کنند. ای خوشا به حال آنان که سبکبال از این دنیای فانی رفتند.

«والسلام»

الحقیر یوسف نظری

1384/6/12، ساعت 10:30

مصادف با 28 رجب 1426 هـ.ق

بسم رب الشهداء و الصدیقین

وصیت‌نامه شهید یوسف نظری

با سلام و درود بر اشرف مخلوقات، پیام‌آور و سرور همه انبیاء، یعنی محمد مصطفی (ص) و سلام و صلوات خدا و فرشتگان بر آن مظلوم تاریخ در عین اوج عزت، علی ابن ابی طالب (ع) و همسر وفادارش حضرت فاطمه (س) و درود خدا و پیامبرش بر یازده اولاد آنان، که نور آنها از ارض تا عرش همچنان تا برپاشدن قیامت تشعشع و تلالؤ می‌کند.

سلام و صلوات خدا و پیامبرش بر ابرمرد قرن بیستم یعنی خمینی کبیر (ره) که همچون ابراهیم خلیل (ع) در آن دوران ظلم و فساد و تباهی، تبر را برداشت و بت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را از بیخ و بن برکند و هزاران دل عاشق را شیفته و مجذوب خود کرد و سلام و درود خدا بر جانشین برحق آن حضرت، یعنی مقام عظمای ولایت، حضرت آیت الله العظمی الامام خامنه‌ای که همچنان توفنده و بالنده این انقلاب را هدایت می‌کند و این حرکت انشاء... تا حضور مصلح جهان حضرت بقیه‌الله الاعظم، روحی لمقدمه الفدا، ادامه خواهد داشت...

زندگی همواره سختی و خوشی دارد، گاهی انسان در تنگنا انچنان قرار می‌گیرد که از خود هم بیزار می‌شود و گاهی زندگی مطلوب و به نفع اوست، اما این شرایط در

همهٔ احوال باقی نمی‌ماند. امیرالمؤمنین (ع)، مولای متقیان، در این راستا فرموده‌اند: «زندگی همواره دو روز است، گاهی به نفع توست و یک روز هم به ضرر توست. آنجا که به ضرر توست صبور و مقاوم باش و آنجا که به نفع توست خدا را فراموش نکن که در هر حال خدا را فراموش نکردن مایهٔ امید است.» به هر حال این دهر گردون در حال سپری شدن است. تا چشم به هم بزنی عمرت پایان گرفته است و از این رو بسان مسافری هستی که هر لحظه ممکن است به منزلگاه برسی...

چون همواره در منطقهٔ عملیاتی بودم، هر وقت عملیاتی شروع می‌شد، بنده به عنوان یک سرباز پیاده با حضور در صف رزمندگان اسلام در عملیات‌های مختلف شرکت می‌نمودم، اما این توفیق نصیب نشد که به خیل کاروان شهدا بییوندم و همچنان چشم‌انتظار هستم. اگر نشد، امید است در روز قیامت، شهدای گرانقدر، ما را نزد پروردگار متعال و پیامبر اعظم و ائمهٔ اطهار، علیهم‌السلام، شفاعت کنند. ای خوشا به حال آنان که سبکبال از این دنیای فانی رفتند.

والسلام، الحقیر یوسف نظری

۱۳۸۴/۶/۱۲، ساعت ۱۰:۳۰

مصادف با ۲۸ رجب ۱۴۲۶ هـ ق

نام: علی اشرف
نام خانوادگی: نعمتی
نام پدر: سهراب
نام مادر: عزت
تاریخ تولد: یکم شهریور 1345
محل تولد: شهرستان ایلام
تحصیلات: سوم متوسطه و تحصیلات حوزوی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم بهمن 1362
محل شهادت: چنگوله
نحوه شهادت: اصابت ترکش و گلوله
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ به دعا متوسل شوید.
- ۱ دعای کمیل را زنده نگهدارید و شرکت نمایید و با این کار خود در حقیقت روح خود را زنده نگه دارید.
- ۱ توصیه دیگری که برای برادران عزیز دارم، این است که در زندگی هدف داشته باشید.
- ۱ خود را به مسایل اخلاقی اسلام وفق دهید.

علی اشرف نعمتی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

به دعا متوسل شوید مخصوصاً دعای کمیل را زنده نگهدارید و شرکت نمایید و با این کار خود در حقیقت روح خود را زنده نگه دارید و [در پایان به برادران عزیز توصیه می‌نمایم که] توصیه دیگری که برای برادران عزیز دارم، این است که در زندگی هدف داشته باشید برنامه داشته باشید [و] و تمام ساعات خود را با مطالعه با فراگیری علوم اسلامی پر سازید و خود را به مسایل اخلاقی اسلام وفق دهید و در پایان از شما می‌خواهم که [به] این مسایل را در نظر بگیرید.

1- از سیاق کلام چنین بر می‌آید که وصیت‌نامه کامل نباشد.

به دعا متوسل شود ~~هم~~ مخصوصاً دعای کبیر رازنده نگهدارید و شکرگزار باشید با این کار
خود در حقیقت روح خود را زنده نگه دارید

در پایان ~~به برادران عزیز و همسایگان~~ عزیزان عزیز دارم این است که در زندگی هدف داشته
توسعه دیگری که برای برادران عزیز دارم این است که در زندگی هدف داشته
بایست برنامه داشته باشید ~~و با مطالعه~~ و تمام ساعات خود را با مطالعه
با فراگیری علوم اسلامی پر سازید و خود را به مسائل اخلاق اسلام و تفقه
دهید در پایان از شما می‌خواهم که به این مسائل را در نظر بگیرید

نام: حشمت‌الله
نام خانوادگی: نقی‌زاده
نام پدر: محمد
نام مادر: طلا
تاریخ تولد: ششم مرداد 1348
محل تولد: روستای شباب از توابع شهرستان
شیروان و چرداول
تحصیلات: سوم راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ودوم اسفند 1364
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت سهوی گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ شهادت هدیه‌ای است گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هر کس نمی‌شود.
- ۱ انسان باید در راهی سیر کند که سعادتش در آن خط باشد.
- ۱ به او سوگند من سعادت خویش را نمی‌یابم مگر در پیمودن خط خونین اباعبدالله الحسین (7).
- ۱ جهاد در راه خدا گذشتن از علایق نفسانی و حسین (7) وار شدن و حسینی گونه شدن است.
- ۱ از ملت ایران می‌خواهم که امام را تنها نگذارند.
- ۱ جبهه‌های جنگ [را] خالی نکنند، چون این خط خط اباعبدالله الحسین (7) می‌باشد.
- ۱ به سوی جبهه‌های جنگ بشتابید و دشمنان دین و دشمنان اسلام [و] قرآن را از بین ببرید.
- ۱ ما شهیدان از همین ملت می‌خواهیم تا انقلاب مهدی (عج) این نهضت را ادامه بدهید.
- ۱ دعا به جان امام یادتان نرود.
- ۱ مرگ بر آمریکا هم از یادتان نرود.

حشمت‌الله نقی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام او. به نام خدا که از اویم، برای اویم، هستیم برای اوست. رفتنم برای اوست و بازگشتنم بسوی اوست.

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»¹

«بعضی از آن‌ها بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدای خود بستند کاملاً وفا کردند. بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند و برخی با انتظار مقاومت کرده و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند.»

شهادت هدیه‌ای است گرانبها از جانب² خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هر کس نمی‌شود. انسان باید در راهی سیر کند که سعادتش در آن خط باشد. به او سوگند من سعادت خویش را نمی‌یابم مگر در پیمودن خط خونین اباعبدالله الحسین (7) که راه تمامی شهدا انقلاب اسلامی است. جهاد در راه خدا گذشتن از علائق³ نفسانی و حسین (7) وار شدن و حسینی گونه شدن است. بین کجایی و چکار می‌کنی؟ آنچه گذشت هیچ است و آنچه خواهد آمد پست گونه⁴ و چه می‌دانیم که چه خواهد آمد، پس من هستم و اکنون پس برخیز و به فکر خویش باش. «لیوم عمل بلا حساب و غداً حساب بلا عمل»⁵ امروز میدان کار و فردا بازار مزد است. امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل (این [را] هم از برادران خودم و برادران حسین دارابی وصیت دارم که قبر هر دو پهلوی هم باشیم. کوتاهی نکنید.)

1- احزاب/ 23.

2- در اصل وصیت «جناب».

3- در اصل وصیت «علاقی».

4- در اصل وصیت «پس کونه».

5- عبارت از حضرت علی (7) است (شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 318).

ای دوستان آنگاه که محیط را از همه انسان‌های خالص می‌بینید دمی و لحظه‌ای از همه جا قطع نظر کنید و به سوی الله بیایید. بنده حشمت‌الله نقی‌زاده از روستای حقیر «قوه‌بلا» که در تاریخ 61/10/20 به ندای امام امت خمینی کبیر که اعلام¹ کرد به سوی جبهه‌های جنگ بروید²، چون وظیفه شرعی خود دانستم با شور و شوق به بسیج آبدانان آمده و ثبت‌نام کردم. در تاریخ 62/10/20 به جبهه جنگ اعزام شدم و در این لحظه آخر از ملت ایران می‌خواهم که امام را تنها نگذارند. جبهه‌های جنگ [را] خالی نکنند، چون این خط خط اباعبدالله الحسین (7) می‌باشد. پس شما ای مردم شهیدپرور ایران به سوی جبهه‌های جنگ بشتابید و دشمنان دین و دشمنان اسلام [و] قرآن را از بین ببرید. ما شهیدان از همین ملت می‌خواهیم تا انقلاب مهدی (عج) این نهضت را ادامه بدهید. اگرچه [...]³ تمام شود، از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌خواهیم توجهی به خانواده شهیدان نکنند و نگذارند این مادران داغ دیده، رنجیده شوند از آن‌ها دل‌داری کنند. من از مادرم، خواهرم و تمام آن‌هایی که برای ما ناراحت می‌شوند می‌خواهم برای بنده گریه نکنند، چون این راه، راه حق می‌باشد. از برادران سپاه پاسداران می‌خواهم این وصیت‌نامه من بر سر قبرم خوانده شود این وصیت‌نامه من بر سر قبرم خوانده شود و قبرم در پهلوی پدرم یا اگر نشد در پهلوی شهدا بگذارند. از برادرانم می‌خواهم راه مرا ادامه دهند. ما را ببخشید. دعا به جان امام یادتان نرود و مرگ بر آمریکا هم از یادتان نرود. انشاءالله که پیروز هستید.

حشمت‌الله نقی‌زاده

1- در اصل وصیت «علام».

2- در اصل وصت ناخوانا است اما به سیاق جمله باید «بروید» باشد.

3- در اصل وصیت ناخواناست.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۲

بیت الم مشیت الم نوریه . بی بی سیده زینب کبری
 سلام اربابان خدایه از او چه برای او بی هیچ چشم جویا که درست است فتنه بر او است و باز گشتم سده ای است .
 من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قتلوا شهیداً و منهم من قتلوا شهیداً و منهم من قتلوا شهیداً
 بعضی از شما بزرگ مردانی هستند که بعد از ایمان که با خدای خود هستند کاملاً وفا کردند بعضی هم بر آن عهد ایستادند که در راه
 شهادت راه او شهید شدند و بعضی با انگار عقابست کرده اند هیچ وجه سبب خود را توضیح ندادند شهادت هر یک است
 چرا که شما از جناب خداوند بزرگتر و عالی تر از من استگان خالص خود که صیب هر کسی نمی شود انسان با یاد در راه حق شهید گشته
 سعادتش بدو که خطا یا نادر او در سنگند من سعادت خود را نمی یابم مگر در سید خود خونسین و با عبادت الهی
 (ع) که راه شهادت است و است اسلام است جهاد در راه خداوند است از علی موقوف نقد خون و سینه و سینه
 بی حسین گویند سزا است و بیسی که ای و بکار میکنند ! آنکه گشت هیچ است و آنکه خواندند کسی که گواهی
 دادیم که هیچ نخواهد آمد پس من هستم و القدر پس بر خیزید و با هر کسی که در راه حق ایستادند محبت و اخلاص
 بلا صلی الله علیه و آله که در راه خود ایستادند است امر و عمل است چون حساب و ذرا حساب است
 بدون حساب (این همه از برادران خود و برادران من است و بیست دارم که تیر خرد و پهلوی هم با من می توانستند
 کار)

ای دوستان عزیزان که من می بینم از همه شما خدایان می بینید و می گویم منی از هم جانم قطع نکرده ام
 من می بینم آنچه با من شده است به نیت از دوستی محروم بودم که در تاریخ ۱۲/۱۱/۶۱ در میان امام است حسین که
 که علیه کرده ام و بی چشمه ها و جنگ با او چو در طیف شریفی مفاد استم باشد طوفی می بیست که آن آلوده شیت نام بود
 در تاریخ ۱۲/۱۱/۶۱ من چشمه جنگ اعزام شده در این جنگ محاربه ای آخرت و ملت ایران می خواهم که امام را شهادت
 کنند و چشمه های جنگ را شایسته کنند چو در این جنگ محاربه ای که با من است و من با من است و من با من است
 نیز در این راه من چشمه های جنگ بی شهادت و دشمنان و جنگ و شهادت است که آنرا از من بشیر و ما شهیدان در
 شهادت منی که حسین است و من در این شهادت است و من در این شهادت است و من در این شهادت است
 القدر سلامی می خواهم که شهادت من شهادت است و من در این شهادت است و من در این شهادت است
 گفتن من از امامم می خواهم و من در این شهادت است و من در این شهادت است و من در این شهادت است
 چون از این راه سلامی می خواهم که شهادت من شهادت است و من در این شهادت است و من در این شهادت است
 در راه من شهادت می گیرم که در این شهادت است و من در این شهادت است و من در این شهادت است
 شهادت منی که حسین است و من در این شهادت است و من در این شهادت است و من در این شهادت است

نام: احمد
نام خانوادگی: نورالله‌زاده
نام پدر: علی
نام مادر: عزت
تاریخ تولد: دوازده آبان 1344
محل تولد: روستان بهارآب از توابع شهرستان دهلران
تحصیلات: -
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هفتم تیر 1366
محل شهادت: قلاویزان مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدصلاح‌الدین
شهرستان آبدانان



عبارت‌های کلیدی

- ا ای مردم که در روی زمین زندگی می‌کنید، بدانید که این دنیا فناشدنی است.
- ا بیایید در این دو روزه دنیا قدر یکدیگر را بدانید.
- ا تا می‌توانید کارهای نیک انجام دهید.
- ا ره‌توشهٔ آخرت همین کارهای خوب است.
- ا آن کس که حق است پاینده و هر آن کس که باطل است رفتنی خواهد بود.
- ا از شما می‌خواهم که بعد از ماها شما هم راهمان را ادامه داده.
- ا مشتهای آخر را بر دشمن بعثی وارد کنید.
- ا از مادرم می‌خواهم که همچون ام‌لیلا صابر باشد.
- ا اگر برایم گریه کردید به یاد امام حسین (7) و طفلان تشنه لبش بیفتید.
- ا حال که پرچم از دست من افتاده کسی دیگر آن را خواهد گرفت و به میدان رزم خواهد رفت.

احمد نورالله زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ»¹

با درود بر منجی عالم بشریت امام زمان (عج) و نایب بر حقش امام امت و با سلام بر روح² شهیدانی که با خون خود نهال انقلاب اسلامی را بارور نمودند و با درود بیکران بر مردان حقی که دلیرانه در مقابل دشمن متجاوز ایستادگی نمودند تا از ناموس و شرف و دین و میهن اسلامی حراست نمایند. اینجانب احمد نورالله زاده در تاریخ 65/12/18 در منطقه مهران وصیت خود را آغاز می‌نمایم و هم‌اکنون وصیت خود را با این شعر آغاز می‌کنم.

درخت غم به جانم کرده ریشه به درگاه خدا نالم همیشه
عزیزان قدر یکدیگر بدانید اجل سنگ است و آدم مثل شیشه

ای مردم که در روی زمین زندگی می‌کنید بدانید که این دنیا فناشدنی است و خیلی زود از این دنیای بی‌ارزش که محل امتحان تمام بندگان خداست خواهید رفت و از این دنیایی³ که هم‌اکنون غرق در آن می‌باشید برای همیشه نیست و [آن را] زود از دست خواهید داد. پس بیاید در این دو روزه دنیا قدر یکدیگر را بدانید و تا می‌توانید کارهای نیک انجام دهید، چون ره‌توشه آخرت همین کارهای خوب است و آن کس که حق است پاینده و هر آن کس که باطل است رفتنی خواهد بود. شما نگاه کنید جنگی بین امام حسین (7) و یزید شد ولی نام چه کسی تا حال زنده مانده حسین (7) یا یزید؟ پس هم‌اکنون که جنگی بر کشور ما تحمیل شده، باید در مقابلش ایستاد⁴ یا کشت یا کشته شد

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «روی»

3- در اصل وصیت «دنیوی».

4- صحیفه 6، ج 4، ص 492.

که در هر دو صورت پیروز هستیم»¹. و از شما می‌خواهم که بعد از ماها شما هم راهمان را ادامه داده و مشت‌های آخر را بر دشمن بعضی وارد کنید.

ای مردم در اینجا می‌خواهم پیامی به خانواده خود بدهم. البته اولین پیام چون پدر ندارم و زمانی که در گهواره به سر می‌بردم یتیم شدم. بنابراین به جای پدر از شما می‌خواهم که در زندگیتان بردبار و صبور باشید و همه شما می‌دانید من در خانواده‌ای جنگ‌زده و صبور که دیار و وطن خود را که بسیار ترکش مشکل بود، ترک گفته و از همان دوران که [...]² رنج‌ها و زحمت‌های مادر که هم به جای مادر و هم پدر بود بزرگ شده‌ام و از مادرم می‌خواهم که همچون ام‌لیلا³ صابر باشد و اگر برایم گریه کردید به یاد امام حسین (7) و طفلان تشنه لبش بیفتید و می‌خواهم که ای مادر شیرت را بر من حلال کنی.

ای برادر عزیزم از تو می‌خواهم که در غیاب من سرپرست خوبی برای خانواده ما باشی و ای خواهران مهربانم از شما هم می‌خواهم که در زندگی غمخوار مادر هم باشید و با حجاب اسلامی خود مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان شرق و غرب بکوبید. ای خانواده عزیز برایم ناراحت نباشید. شما بنگرید دوستان من هم مثل من که فقط یک ماه به خدمت سربازی‌اش مانده بود در راه حق پری‌شد. همان علی دشتی را می‌گویم و یا دایی مهربانم که اولین شهید دهلران بود که بر اثر بمباران هوایی به شهادت رسید و چون پرچم به دست اینها افتاد. من پرچم را گرفتم و به میدان رفتم و حال که پرچم از دست من افتاده کسی دیگر آن را خواهد گرفت و به میدان رزم خواهد رفت.

روزی که تو آمدی بدنیا عریان جمعی به تو خندان و تو بودی گریان
کاری بکن ای دوست که وقت مردن مردم همه گریان و تو باشی خندان

تاریخ 65/12/18

قل آویزان مهران

احمد نورالله‌زاده فرزند علی

1- این تعبیر از امام خمینی است که چه بکشیم و چه کشته شویم پیروزی با ماست (صحیفه امام، ج 4، ص 492).

2- در اصل وصیت ناخوانا است.

3- ر. ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحيم

والله اعلم بالصواب الذي قلناه في سبيل الله ايماناً بحدودهم بقرآن
وهدى وهدى بر بعض عالم بصیرت که در زمان (ع) منایب بر بعض کما کما است
باعتقاد من بر روی من است که بخدمت خود فعال افتد بعد از من با خود و خود
و بعد از بیکران بر مراد حق که در این در میان دشمن مقابله است و حق
خود و آن که در حق مشرف و در حق من است هر است غرض از این است که
فرمانش از دست نرود و در حق من است هر است غرض از این است که
و هم اکنون وصیت خود را باین صورت آغاز می کنم

در وقت غم چه کنم که در وقت غم چه کنم
غیر از آن چه در کتابی نوشته است اهل سنت است و قدم مثل کسی
ای مردم که در حق من زندگی می کنید بدانید که این دنیا مانند زنی است
و غنیمت خود را در این دنیا می آید که هر عمل استقامت نام است و خداوند
عزیز و رحیم است و بدانید در دنیا که هر کار و عملی که در دنیا است
نیت و در روز جزا خواهد داد پس بدانید در این دنیا و در دنیا
که نیت و طاعت و نماز و سایر کارهای نیک انجام دهید چون در دنیا
آخرت همین کارهای خوب است و آن کس که خیر است و نیت و طاعت
که باطل است و نیت و طاعت و نماز و سایر کارهای نیک انجام دهید
و نیت و در دنیا نام چه می تواند نیت و طاعت حسین یا زید
پس هر نفس و هر کاری که نیت و طاعت شده باشد در دنیا است
ایستاد یا کشت یا کشت و شد که در حق من است هر است غرض
و از شما می خواهم که بعد از ما شما هم بر این امر ادا می دارید

و مشورتی نفرین برداشتن از زمین و از خاکش
 اندر دم در اینجا میفرامدیم بیای به خاطر دارم هر دو بهم است
 او سخن بیایم چون بدین نذارم و به این که در محموله و نسیم بودم
 ستم کردم با او این جای پدید از شما میفرامدیم و درین وقت آن
 مردی و معنی با سید و هفت ساله و این من در خانواد. اعلا
 حنا زده که دیار و وطن خود را که بسیار تو کشتی مشکل بود
 عفت گشته و از همان دوران که در قیامت در چهار زخمه ای و مکه
 که هم به پای که هم پدید راه و نزدیک شود ام و آنرا مدرست
 میفرامدیم و هر چه چون ام ایلام مبارک باشد ما شوقی ام و به خودت
 بیاید امام حسین و طفله در نشانی بیاید میفرامدیم
 ای مادر شودت را بر من حلال کن
 ای مادر سر زخم ایتم میفرامدیم که در خیابان من سر پست خوب
 برای خانقاه با لبی و ای خواهران که بیایم از شما هم میفرامدیم
 که در زند تو غمناک ما در هم با سید و با ما حاضر است و خود
 ستم حکمی بر دهان و با ما که میاید خوف و من بگریه
 ای خانقاده بخون عالم با زلفت نامیدیم ما نگویید دستمان
 من هم تل من که فقط یک بار به خدمت می ناز می باشم با الله
 بعد در راه حق و بی شد میان علی و دشمنی را موافق و بیاد ای
 میفرانم که اولین شهید دهلوان بود که بر او شایسته ایان هوای
 به شهادت رسید و چون بیچم از دست اینها افتاد من بیچم
 بر او ستم و به حیوان ستم و حال همی بیچم از دست این افتاد و کوی

دیگر آنرا فرمود که من و بچه هایم را به شما می سپارم

روزگار بد آمدی بدینا عریان

جمعیت خندان و تو بودی گریان

کار این ایام نیست که وقت مردن

مردم همه گریان و تو باشی خندان

تاریخ ۱۳۱۸، ۲۵

تو آمینان مصداق

احمد مصفا شوره

فرزند علی

نام: بهمن
نام خانوادگی: نوروزی
نام پدر: مرتضی
نام مادر: کشور
تاریخ تولد: هفدهم شهریور 1345
محل تولد: روستای گنداب از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هفتم اردیبهشت 1366
محل شهادت: کردستان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- 1 ما بایستی از سالار و سرور شهیدان، حسین بن علی (7) که فرموده‌اند: مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است درس شهامت و شهادت بگیریم.
- 1 بدانید افرادی که از دین اسلام و مکتب قرآن و امامان (7) درس می‌گیرند اگر کشته شوند و یا اینکه بکشند در هر دو صورت پیروزند.
- 1 این راه را با شناخت کامل انتخاب نموده تا دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایم.
- 1 همیشه به یاد خداوند بوده و این پیرجماران را الگوی خود قرار داده و هرگز او را تنها نگذارید.
- 1 در نماز جمعه شرکت نموده که دشمن از همین جماعات بسیار وحشت دارد.
- 1 تنها چیزی که موجب شادی روح من می‌شود اجرای احکام الهی توسط شماها می‌باشد.
- 1 ما فرزندان شما امانت‌هایی هستیم که خداوند هر موقعی که بخواهد این امانت‌ها را می‌گیرد.
- 1 شما ای خواهران مهربانم حجابتان را رعایت کنید.
- 1 همچون زینب (سلام الله علیها) که حسینش را از دست داد، محکم و استوار باشید.
- 1 در انجام فریضه‌های الهی کوتاهی ننمایید.
- 1 شما بایستی شهادت مرا افتخاری بزرگ دانسته که خداوند آن را به شما عنایت فرموده.

بهمن نوروزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»¹

«آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جان جهاد کردند آن‌ها را نزد خدا انعام بلندی است و آنان رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند».

بهمن نوروزی 66/2/28

با درود و سلام به پیشگاه منجی عالم بشریت حضرت صاحب زمان مهدی موعود (عج) و نایب برحقش امام امت قلب تپنده مسلمانان و مستضعفان جهان و با درود به روان پاک شهیدان از صدر اسلام گرفته تا کربلای خونین ایران و با سلام به ملت مبارزه و همیشه در صحنه ایران وصیت‌نامه خود را آغاز نمایم: شکر و سپاس بیکران پروردگار یکتا را که ما را آفرید و به ما این توفیق را داد که مقطعی از زمان به جهاد در راه خدا در لباس مقدس سربازی پرداخته بلکه احکام اسلام به رهبری زعیم عالی قدر امام امت بر کشورمان حکمفرماست و اگر زمانی این احکام الهی توسط دشمنان اسلام به مخاطره بیفتد، یا اینکه مورد هجوم اجانب قرار گیرد، بر یکایک ما واجب است که طبق فرمان الهی به مبارزه با این دشمنان پرداخته و به وعده قرآن که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً»² قبل از اینکه فتنه‌ای بر روی زمین برپا نمایند آن‌ها را سرکوب نماییم. و حالا که دست ابرجنايتکاران از آستین صدام³ مزدور و عفلقی⁴ بیرون آمده و میهن اسلامی و انقلاب نوپای جمهوری اسلامی ایران مورد تهاجم و حشيانه این بی‌رحمان قرار گرفته، جان من در مقابل دینم و کشورم چه ارزشی دارد. ما بایستی از سالار و سرور شهیدان حسین بن علی (7) که فرموده‌اند: مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است درس شهامت و شهادت بگیریم و

1- توبه/20.

2- در اصل وصیت «لاتکونا» (بخشی از آیه 193سوره بقره).

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «فلقی».

تن به اسارت و بردگی ندهیم و بدانید افرادی که از دین اسلام و مکتب قرآن و امامان (7) درس می‌گیرند اگر کشته شوند و یا اینکه بکشند در هر دو صورت پیروزند و نام آنها تا ابد در صفحات تاریخ زنده می‌ماند.

لذا بنده وظیفه خود دانسته که این راه را با شناخت کامل انتخاب نموده تا دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایم. باشد که خداوند ما را مورد لطف و بخشش خود قرار دهد و شهادت در راه خودش را نصیب ما گرداند. از امت همیشه در صحنه ایران خصوصاً مردم شهیدپرور آبدانان و روستای کنداب می‌خواهم که واجبات را انجام داده و هیچگاه آنها را ترک ننمایند و همیشه به یاد خداوند بوده و این پیرجماران¹ را الگوی خود قرار داده و هرگز او را تنها نگذارید و در نماز جمعه شرکت نموده که دشمن از همین جماعات بسیار وحشت دارد و از شما می‌خواهم که وحدت خود را حفظ نموده و هیچگاه از هم متفرق نشوید.

حال سخنی با خانواده گرامیم، پدر بزرگووارم و مادر مهربان از زحماتی که برای² بنده کشیدید و مرا تا این حد رسانده و تحویل اجتماع دادید بسیار سپاسگزارم. امیدوارم که پدرم زحمات و رنج‌هایی که برای من کشیده و مادرم شیری را که به من داده بر من حلال نمایند. باری مرا ببخشید که نتوانستم حقی را که بر گردنم دارید ادا نمایم و از شما می‌خواهم که برایم گریه نکنید. بلکه تنها چیزی که موجب شادی روح من می‌شود اجرای احکام الهی توسط شماها می‌باشد. ما فرزندان شما امانت‌هایی هستیم که خداوند هر موقعی که بخواهد این امانت‌ها را می‌گیرد.

و اما تو ای برادر عزیزم امیدوارم که در سنگر مدرسه و در راه کسب علم و دانش کوشا بوده و برای آینده انقلاب فردی مفید و شایسته باشید. و از تو می‌خواهم که به پدر و مادرم احترام بگذاری و جای مرا در خانه پر کنی تا پدر و مادرم جای خالی مرا احساس نمایند. و شما ای خواهران مهربانم حجابتان را رعایت کنید و همچون زینب (سلام‌الله علیها) که حسینش را از دست داد، محکم و استوار باشید و در انجام فریضه‌های الهی کوتاهی ننمایید

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «با».

و شما بایستی شهادت مرا افتخاری بزرگ دانسته که خداوند آن را به شما عنایت فرموده در پایان از تمامی اقوام و خویشان طلب عفو و بخشش می‌کنم و امیدوارم که مرا ببخشید. التماس دعا.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

پانزدهم فروردین ماه شصت و شش

بهمن نوری

تا ابد در دنیا باقی بماند و در آنجا در جوار رحمت حق تعالی
 انجا که خود را از این عالم برساند و در آنجا که با من در جوار رحمت
 ما را مورد لطف و کرم خود قرار دهد و در آنجا که در جوار رحمت حق تعالی
 از امت همسایه در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 خداوند بوده و در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 تا رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 و در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 از دنیا که در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 که در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 روح من هرگز از این عالم نماند و در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 که در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 شرف خود و در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 و از تو می خواهم که بعد از این در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 احسانت بنما و در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 چشم مرا از دست و از تمام و در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 بهار است بر اعقابی که در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 و خوشبختی طلب خود بخیر و در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 خاندانم را در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی در جوار رحمت حق تعالی
 باز هم فرزندی با منت بساز

نام: پرویز
نام خانوادگی: نوروزی
نام پدر: شیخ عباس
نام مادر: زرین
تاریخ تولد: یکم فروردین 1337
محل تولد: روستای قلعه گل از توابع
شهرستان دره شهر
تحصیلات: پایان دوره کاردانی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهاردهم مهر 1359
محل شهادت: موسیان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای روستای ارمو شهرستان
زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا امت اسلام تسلیم خدا هستند و تسلیم زور و ابرقدرت‌ها نخواهند شد.
- ا پیروزی نهایی به یاری خدا با آنهاست.
- ا من مطمئنم اگر در صحنه نبرد بین حق و باطل با لشکر حق باشم و بمیرم به عالی‌ترین درجه انسانی رسیده‌ام.
- ا تنها وصیتم این [است] که از اسلام تا پای جان دفاع کنند.
- ا فقط اسلام دین جهانی برخاسته از فطرت ناس است.
- ا مکتب حیات‌بخش اسلام از انسان موجودی می‌سازد که دوست دارد حق را بگوید. حتی اگر گردنش را بزنند.
- ا خون من که بر زمین ریخته شده در راه اسلام بوده.
- ا جداً از برخوردهای قبیله‌ای خودداری نموده و حرف افراد آشوب‌طلب را گوش ننمایید.
- ا در راه خدا جان دادن خود عامل حرکت و تحرک زیاد می‌گردد.

پرویز نوروزی

بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر مسلمان هم‌اکنون مملکت اسلامی با احتیاج به استقامت و پایداری دارد تا دشمنان که در رأس آن‌ها آمریکای جهان‌خوار است بفهمد یک من آرد چند فطیر دارد و امت اسلام تسلیم خدا هستند و تسلیم زور و ابرقدرت‌ها نخواهند شد و پیروزی نهایی به یاری خدا با آن‌هاست.

برای من ناراحت نباشید. من مطمئنم اگر در صحنه نبرد بین حق و باطل با لشکر حق باشم و بمیرم به عالی‌ترین درجه انسانی رسیده‌ام و فکر نکنم پدر و مادری از این همه افتخار فرزندان ناراضی باشند. امید است همین‌طور باشد و اگر هم غیر از این باشد که باز افتخاری برای امت مسلمان و ملت بزرگ ایران است. پس سفارش می‌کنم که با مسایل با روی باز برخورد نمایید.

و تنها وصیت این‌که بعد از من برادرانم و همه اقوامی که این وصیت را بدست آن‌ها می‌دهید از اسلام تا پای جان دفاع کنند و غیر از آن دینی دیگر برنگزینند. فقط اسلام دین جهانی برخاسته از فطرت ناس است و باید آن را تقویت نمود و بس. به امید شهادت و رسیدن خبرش به گوش همه

پرویز نوروزی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

مکتب حیات‌بخش اسلام از انسان موجودی می‌سازد که دوست دارد حق را بگوید. حتی اگر گردنش را بزنند و چون ما افشاگری‌هایی¹ کرده‌ایم احتمال مرگ زیاد است وصیت من به پدر و مادر و اقوام این است که اگر من در راه اسلام کشته شوم بدانند که باید اسلام را تقویت کنند و جای خالی فرزند خود را پر نمایند و اکیداً سفارش می‌نمایم² که خون من که بر زمین ریخته شده در راه اسلام بوده و این اسلام و دولت اسلامی است که خونگیرش

1- در اصل وصیت «افشاگرهائی».

2- در اصل وصیت «می‌نمایم».

باید باشد. پس جداً از برخوردارهای قبیله‌ای خودداری نموده و حرف افراد آشوب‌طلب را گوش ننمایید. ضمناً به دوستان و برادران هم‌رزم سفرارش می‌کنم که به راه خود ادامه داده و تا نابودی تمام منافقان¹ از پای ننشینند زیرا در راه خدا جان دادن خود عامل حرکت و تحرک زیاد می‌گردد.

۵۹۱۶۴

بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر من هم اکنون سلامت اند این ما اوضاع به استقامت و پایداری وارد تا در سن کمده ایس
 آنجا که می چنانچه است بعهده من آورد چند قطره دارد و است اسام تسلیم خواهد شد
 و تسلیم نمودار تر نخواهند شد و پیروزی ناشی بیاری خدا با آن است
 مرا ایس مادامت باشید من مطمئن بگیرم منم نزد من حق و باطل بگذرد خوشامد بهرم
 به جای عزیزان هر چه آن هر رسیدم و در ندمم پدر و مادری از این هم افتخار فرزندشان نامد اخیری باشد
 امید است همیشه باشد و آرامم غیر از این باشد که باز آگاهی برای است سعادت و دست بردن ایران
 بر سر سفره ایس که با باقی با روی باز بر خورده باشد
 دختر و هستم اینک بعد از من برادرانم و هم اترا من اینها و دنیا بگردد تا تمامی تعبیه از اسام تا بگذرد
 دنیا کشته و غیر از آن از دنیا بگذرد و منم بگذرد و منم بگذرد و منم بگذرد از قدرت ناموس آن
 حقیقت را از قدرت نمودم

با امید دوست و در بر فرزند بهترینم

بجای و دوستی

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیتنامه

مکتب حیانتش اسلام از انسان موجودی می‌سازد که دوست‌دارد حذرناگردد
حتی اگر گردنش را بزنند. / و چون ما افتخارگرهای کوه‌هایم احتمال مرگه زیاد است
وصیت من به پدر و مادر و اقوام این است که اگر من در راه اسلام کشته شوم
بدانند که باید اسلام را تقویت کنند و جای خالی فرزند خود را پر نمایند و کینه
سفارش می‌نمایم که خون من که بر زمین ریخته شده در راه اسلام برده و این
اسلام و دولت اسلامی است که خونگیری نباید باشد پس جدا از بر خورده‌های قبله‌ای
خودداری نموده و حرف افراد آشوب طلب را گوش ننمایند. ضمناً بدوستان
برادران هم رزم سفارش می‌کنم که همراه خود ادامه داده و تا نابودی تمام منافقان
انزهای نشینند زیرا در راه خدا جان دادن خود عامل حرکت و تحرک زیاد می‌گردد

محمد باقر خرمی

نام: عبدالکریم
نام خانوادگی: نوروزی
نام پدر: محمد
نام مادر: جیران
تاریخ تولد: پنجم خرداد 1339
محل تولد: عراق
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و هفتم اسفند 1359
محل شهادت: گیلانغرب
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان
مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا من به جبهه می‌روم و برای اسلام می‌جنگم.
- ا به خون برادرزاده‌ام علی محمد قسم خوردم که راهش را ادامه دهم.
- ا انتقام خونش را از بعثیان مزدور بگیرم.
- ا امروز آن روز فرا رسیده و من باید به جبهه بروم و انشاءالله در این راه شهید می‌شوم.

عبدالکریم نوروزی

بسم الله الرحمن الرحيم

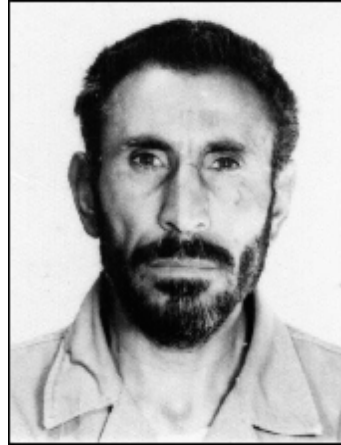
وصیت نامه

پدر و مادر: من به جبهه می روم و برای اسلام می جنگم و امیدوارم بعد از شهادتم ناراحت نباشید. همین حکومت کافر عراق بود که با چه وضع وخیمی ما را از کشور اخراج نمود و حتی به ما فرصت نداد که لباس هایمان را بپوشیم. مگر به خون برادرزاده ام علی محمد قسم نخوردم که راهش را ادامه دهم و انتقام خونش را از بعثیان مزدور بگیرم. امروز آن روز فرا رسیده و من باید به جبهه بروم و انشاءالله در این راه شهید می شوم. مادرم: از تو می خواهم برادر و خواهران را خوب تربیت کنید، تا ادامه دهنده راه من باشند.

«والسّلام»

کریم نوروزی

نام: احمد
نام خانوادگی: نوری
نام پدر: رحمت
نام مادر: خدایس
تاریخ تولد: بیست و یکم فروردین 1334
محل تولد: روستای ماهوته از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سوم مرداد 1364
محل شهادت: چنکوله
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ شهادت هدیه‌ای است گران‌بها که از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هر کس نمی‌شود.
- ۱ انسان باید در راهی سیر کند که سعادتش در آن خط خونین اباعبدالله الحسین (7) [باشد].
- ۱ جهاد در راه خدا، گذشتن از علایق نفسانی و حسین‌وار و حسین‌گونه شدن است.
- ۱ از ملت ایران می‌خواهم که امام را تنها نگذارند.
- ۱ ای مردم شهیدپرور ایران به سوی جبهه‌های جنگ بشتابید.
- ۱ دشمنان دین و دشمنان قرآن را از بین ببرید.
- ۱ از برادرانم می‌خواهم راه مرا ادامه بدهند.
- ۱ دعا به جان امام از یادتان نرود.
- ۱ مرگ بر آمریکا هم از یادتان نرود.

احمد نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

این وصیت‌نامه¹ انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند.²

به نام او به نام خدا که از او هستیم، برای اوست رفتنم برای اوست و بازگشتم بسوی اوست، «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»³. «بعضی از آنها (مومنان) بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدای خود بستند و کاملاً وفا کردند، بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند و برخی با انتظار مقاومت و به هیچ وجه عهد خود را تغییر⁴ ندادند». شهادت هدیه‌ای است گران‌بها که از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هر کس نمی‌شود. انسان باید در راهی سیر کند که سعادتش در آن خط و خونین⁵ اباعبدالله الحسین (7) [باشد] که راه تمامی شهدای انقلاب اسلامی است. جهاد در راه خدا گذشتن از علایق نفسانی و حسین‌وار و حسین‌گونه شدن است و ببین کجایی و چه کار می‌کنی. آنچه گذشت هیچ است و آنچه خواهد آمد. پس کو و چه می‌دانیم که چه خواهد آمد، پس من هستم اکنون باید برخیزم و به فکر خویش باشم «الیوم عمل بلا حساب و غداً حساب بلا عمل»⁶ امروز میدان کار و فردا بازار نبرد است.

امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل. ای دوستان عزیزم نگاه که محیط را از همه انسان‌ها خالی می‌بینید دمی و لحظه‌ای از همه جا قطع نظر کنید و به‌سوی الله بیایید. بنده احمد نوری از روستا [ی] ماهوت در تاریخ 61/10/15 به ندای امام امت خمینی کبیر که اعلام کردند به‌سوی جبهه‌های جنگ باید رفت چون وظیفه شرعی

1- در اصل دست نوشته «وصت‌نامه».

2- صحیفه امام، ج 16، ص 13.

3- احزاب/ 23.

4- در اصل وصیت «تغیر».

5- در اصل وصیت «خونین».

6- این عبارت از علی (7) است. (شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 318).

خود دانستم و با شوق به بسیج آبدانان آمدم، ثبت‌نام کردم در تاریخ 63/2/1 به جبهه اعزام شدم و در این لحظه‌های آخر از ملت ایران می‌خواهم که امام را تنها نگذارند و جبهه‌های جنگ را خالی نکنند چون این خط، خط اباعبدالله^۱ الحسین (7) می‌باشد. پس شما ای مردم شهیدپرور ایران به‌سوی جبهه‌های جنگ بشتابید و دشمنان دین و دشمنان قرآن را از بین ببرید. ما شهیدان از این ملت می‌خواهیم تا انقلاب مهدی (عج) این نعمت را ادامه بدهید اگر چه گران تمام شود. ما از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌خواهیم توجهی به خانواده‌های شهدا نکنند و نگذارند این بچه‌های یتیم، داغ‌دیده و رنج‌دیده^۲ و از آن‌ها دل‌داری کنند. من از مادر بچه‌هایم تقاضا دارم مهریه خود را به بنده حلال^۳ کند. من از خواهرانم و دختر عموهایم^۴ و زن برادرانم تقاضا می‌کنم که برایم گریه نکنند چون این راه حق می‌باشد. از برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌خواهم این وصیت‌نامه بر سر قبرم خوانده شود و قبرم [را] در پهلوی شهدا بگذارند. از برادرانم^۵ می‌خواهم راه مرا ادامه بدهند ما را ببخشید و دعا به جان امام از یادتان نرود و مرگ بر آمریکا هم از یادتان نرود. انشاءالله پیروز هستید.

برادر احمد نوری

1- در اصل وصیت «با عبدالحسین».

2- در اصل وصیت «رنجیده».

3- در اصل وصیت «هلال».

4- در اصل وصیت «عمویانم».

5- در اصل وصیت «بردرانم».

اسرار حسین
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این وصیت نامه انسان را من از اندوه بیدار می کند - - -
 نام او منبصر خدا که از او هستیم، برای او دست رفتیم برای او دست شو
 بارگشتم بوی او دست من المؤمنین رجال لهم قوادع الله و الله مید نمازم
 موت قضی شود و هم بنظر و جایزه تبدیله آن کریم بخش از
 آنها (مومنان) بزرگ و در آن صفت که بر عجز و بیگانه که با خدا می خود
 بشند و کاملاً وفا کردند بخش هم بکن عهد است آنگاه کردنتا
 در راه او شعله شد و بر نفس با انتظار مقاومت و بی چاره خود را تغییر
 ندادند شهادت صبر پس است گمان بها که از جانب خداوند
 شبار کف و فعالی برای شایگان خالص خود که نصیب هر کس نمی شود
 انسان باید در راه سیر کند که شهادتش در آن وقت خویش ابا عبد الله
 السین (ع) که راه تمام شد این انقباض اسلام است جهاد
 در راه خدا که نشان از عداقت و تقیسان و حسین و ابوعبید که نه نشدن
 است بر زمین کجایی و چه کار من کنی آنچه گندست پیچ است
 و آنچه خواهد آمد پس که چه می بینیم که چه خواهد آمد پس من
 هشتم اکنون باید بر خیزد و بفرودش باشم (العیوم عمل بلا عاونه) آ
 صاحب العمل مقتصد است امور میدان کار و فوط بازار مرد است

امروز عمل است برین حساب و فایده حساب است برین عمل
 ای دوستان در هر نگاه که کنید را از همه انسان ها خالص
 من بپندردم و لحظه ای از همه حیا قطع نگذارید و بی عرضی الله بپندرد
 منبه احمد شوریس از روستا عاصه منته در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۵۷
 امضا است ضمنی بنبر که امضا کرده بی عرضی جبهه های جنگ باید
 رفت چون وظیفه شرمش خود دارستم و شوق به بیخ آنکسان
 آنکه مرشدت نامم کرد در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۷ جبهه ای راه
 شده هر دو این لحظه های آغاز ملت ایران میخواهم که امضا داشته
 نگذارند و جبهه های جنگ را عالی نگذارند این لحظه ای باید که این
 پس شای مردم شپه پروردگار بی عرضی جبهه های جنگ بپندرد و دشمنان دین
 و دشمنان هر آن
 را از این بی عرضی ما شپه پروردگار این ملت میخواهم تا انقلاب محمدا
 (عج) این شصت را ادامه بدهید اگر چه گران تمام شود ما از سپاه پاسداران
 انقلاب اسلام میخواهم از جبهه به فرماندهی های شپه بکنند و نگذارند این بی عرضی
 کسیم و فایده و شپه پروردگار که از ما در بی عرضی ما شپه پروردگار
 هر چه خود را به ندهد که من از خود اینم و دختر محبت من و زن
 بردارم تقاضای هر که برایم کرده بکنند چون این راه حق میدانم از برادران
 سپاه پاسداران انقلاب اسلام من میخواهم این وصیت نامه بر سر قبر
 خوانده شود و قبر سردر پیشروی شپه بکنند از برادران شپه پروردگار و بی عرضی
 ما را بپندردید و ما بیجان امضا از یادگان شپه
 و دستگیر آن یکا هم از یادگان شپه است
 پیروز شپه برادران شپه

بیان حدیث و تفسیر نامه ۱ مجله نوری سنجیدار

نام او به نام خدا که از هوشیم و برای دوست رفتیم و با چشم بیرون است. در میان انبیا و اولاد است. رحمت و مروت او با ما در حدیث
الله علیه و آله و سلم است. در حدیث آمده است: «من سطره ما یقر الله به» (قرآن کریم) یعنی از آنجا که سطره است
بزرگمردی است که در حدیث آمده است: «ما خلق الله خیر من سطره» و گفته اند: «من سطره» یعنی چشم بزرگ که محمد ایشادگی کردند تا آنکه
راه او سنجیدار شود و در حدیث آمده است: «و سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

سید احمد هر یک از این است که در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

سطره را از حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

کتابی و در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

و سطره را از حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

است. در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

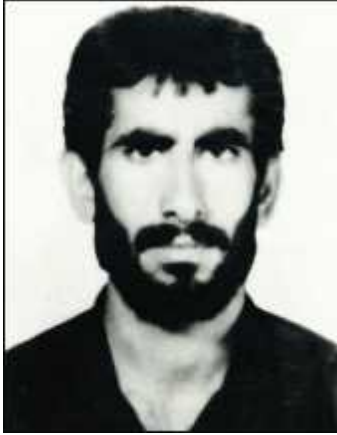
در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

در حدیث آمده است: «سطره» و سطره است یعنی سطره که در حدیث آمده است: «سطره»

نام: حبیب‌الله
نام خانوادگی: نوری
نام پدر: حسین
نام مادر: طیبه
تاریخ تولد: یکم بهمن 1336
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم دی 1359
محل شهادت: سرپل ذهاب
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای
زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ خوشحالم از اینکه به سهم خود در راه خدا مشغول انجام وظیفه می‌باشم.
- ۱ افتخاری بالاتر از شهادت برایم نیست.
- ۱ اگر در آن راه به شهادت برسم به آرزوی خویش رسیده‌ام.
- ۱ هیچگاه امام را تنها نگذارند.
- ۱ از انقلاب که ثمره خون هزاران شهید است دفاع نمایند.
- ۱ از خدا می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خدا و زیر پرچم اسلام قرار دهد.

حبیب‌اله نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

«اکرم الموت القتل»¹: گرامی‌ترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست.

با سلام به محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر بزرگ و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران و با سلام و درود به شهیدان صدر اسلام تاکنون و با سلام به خدمت کلیه هم‌زمانم در جبهه‌های حق علیه باطل در نبردهای خونین با دلی روشن شهادت را در آغوش کشیدند و سربلند از میدان جنگ و نبرد اسلام و کفر عاشقانه بسوی معبود خود پرواز کردند. اینجانب حبیب‌الله نوری که در حال حاضر در جبهه‌های نبرد خطه خونین کربلای ایران مشغول حفظ و پاسداری از انقلاب و اسلام میهن اسلامی می‌باشم. خوشحالم از اینکه به سهم خود در راه خدا مشغول انجام وظیفه می‌باشم و افتخاری بالاتر از شهادت برایم نیست. و اگر در آن راه به شهادت برسم به آرزوی خویش رسیده‌ام و امیدوارم کلیه جوانان در این امر مهم شرکت نمایند و هیچگاه امام را تنها نگذارند و از انقلاب که ثمره خون هزاران شهید است دفاع نمایند و از خدا می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خدا و زیر پرچم اسلام قرار دهد. و سلام به خدمت تو مادر جان که با زحمتهای فراوان مرا بزرگ کردی و در راه اسلام و کشور اسلامی فدا نمودی.

«والسلام»²

1- علی (7)، غررالحکم، ص333، (الفصل الثالث فی الجهاد و المجاهدین).

2- در اصل وصیت «وسلام»

بسم الله

فرزای از وصیتنامه شهید حبیب النوری .

« أَكْرَمُ النَّوْتِ الْقَتْلُ : گرامی ترین موکدا کشته شدن در راه خداست »

با سلام به محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر بزرگ و بنیانگذار

انقلاب اسلامی ایران .

و با سلام و درود به شهیدان صد اسلام ناکثون و با سلام به خدمت کمیته

هرز ماش در جبهه های حق علیه باطل در نبردهای حرمین ؛ دلی به شهنشاهت را در کوشش

کشوند و سرفراز بیان حب و نبرد اسلام و کفر عاقتان نسوی مسود خود پرده کردند .

اینجانب حبیب الله نوری که در حال حاضر در جبهه های نبرد حرمین کربلای امیر استغفر

مستغفر حفظه ؛ سوازی از انقلاب و اسلام و همین اسلام من با ششم جز شمام از لایحه

به سهم خود در راه خدا مستغفر انجام و طبیعت من با ششم و انتماری بالاسر از شهادت برام نیست .

و اگر در این راه به شهادت برسم به اگر روی حرمین رسیده ام و امیدوارم کمیته جوان در این امر هم

شکرت نمایند و هیچگاه اسلام را تنها نگذارم و از انقلاب که شرف حرمین جزا شهید است دفاع نمایند

و از خدا من خواهم که مرگم را شهادت در راه خدا و بر پرچم اسلام مزار دهد . و سلام به خدمت

نور و حاج که باز همینجای خرا و امرا بزرگ گردی و در راه اسلام دشمنان فدایمزدی

و سلام .

نام: عباس
نام خانوادگی: نوری
نام پدر: حسین
نام مادر: طیبه
تاریخ تولد: یکم بهمن 1336
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم دی 1359
محل شهادت: سرپل ذهاب
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای
زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا وصیتم این است که همسرم و فرزندم هیچ وقت فراموش نخواهم کرد.
- ا از من این توصیه که هرگز امام عزیز را رها نکنید.
- ا گوش بفرمان او باشند.
- ا یک لحظه امام را فراموش نکند.
- ا اگر من شهید شدم، هیچ نگران من نباشید.
- ا فقط با یاری شما از رهبر و جمهوری اسلامی است که با خون جوانان و کودکان ویران و شیران، ایران آبیاری شده است.

عباس نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده کریم خالق جهان الرحمن الرحيم
 با سلام و درون بیکران به تک‌تک رزمندگان اسلام که از جان خود مایه گذاشته و سلام و درود فراوان بر امام امت و امت شهیدپرور غیور ایران که شب [و] روز با ایثار و شجاعت و از خودگذشتگی از خود نشان داده و هر لحظه که امام دستور جهاد دهد آماده جان‌فشانی¹ هستند و همیشه پیشگام و پشتیبان رزمندگان اسلام هستند. اینجانب عباس نوری فرزند صفر نوری ساکن قریه حسن گاوداری در سال 1345 در خانواده‌ای فقیر و مستضعف متولد شدم و پدرم درآمدی ناچیز داشت و با رنج و مشقت امرار³ معاش می‌کردیم و روزگار و زمان با سختی سپری می‌گشت⁴ تا زمانی [که] پدرم و مادرم صاحب پنج فرزند شدند⁵ و زندگی⁶ سخت‌تر⁷ روز به روز اداره کردن خانواده⁸ که به عهده⁹ پدرم بود، مشکل‌تر می‌شد تا روزی¹⁰ فرا رسید [که] بنده حقیر به مدرسه روانه شدم و بعد از آن هم مشکل تأمین قلم و کاغذ و لباس مدرسه پدرم را [...] قرار می‌داد. باری خلاصه چیزی از سنم نگذشته بود که ناگهان با دیگر غم به سرای غمزده خانه ما سرازیر گشت. پدرم مریض شد آن‌هم مریضی خیلی خطرناک که ما هم دارایی نداشتیم که پدرمان معالجه

1- در اصل وصیت «جهاشانی».

2- در اصل وصیت «خانواده‌ی».

3- در اصل وصیت «امر».

4- در اصل وصیت «می‌کش».

5- در اصل وصیت «شد».

6- در اصل وصیت «زنگ».

7- در اصل وصیت «سختتر».

8- در اصل وصیت «خانوار».

9- در اصل وصیت «به عهده».

10- در اصل وصیت «روز».

11- در اصل وصیت ناخوانا.

بکنیم فقط 20 گوسفند و یک گاو داشتیم مجبور به فروش گاو و گوسفند برای معالجه پدرم شدم و بعد هم زحمت و کوشش و خرج بیخود تا روزی رسید خورشید ایشان غروب کرد و پدر [را] هم از دست دادم و چند ماهی هم گذشت من هم به تحصیل ادامه دادم تا زمانی مادرمان که نور امید و آرزوی خوشبختی ما بود آن هم شوهر کرد و از ما جدا شد. دیگر راهی برای نجات ما نمانده بود. من مجبور به ترک تحصیل شدم¹ و با دیگر برادران، خواهرم ساختیم [و] سوختیم تا انقلاب اسلامی پیروز شد و من به بسیج رفتم و به ندای رهبر پاسخ مثبت دادم و آن هم 2 سال تمام در بسیج خدمت نمودم. و بعد از آن هم برای اداره برادران خود - که خواهرم شوهر کرد - شدم و عموزاده خودم دخترش [را] به من داد و من با دخترعموی خودم به اسم گلی نوری ازدواج کردم و بعد از مدتی که سن من به حد خدمت سربازی رسید دیگر کار از کار گذشته بود و کسی را نداشتیم که برادرانم و همسرم را اداره کند خلاصه از این همه کار گذشتم و به خدمت مقدس سربازی رفتم و حال این چند ماه است از خدمت می‌گذرد و چند بار است به مرخصی می‌روم و یک فرزند به اسم علی برایم² متولد شده است و می‌دانم هر زمانی باشد سرنوشت علی هم مثل بنده حقیر است ولی امیدوارم حکومت اسلامی ایران به علی سخت نگیرد و جواب‌گوی بینوایان و یار بی‌کسان باشد و این بار می‌دانم که آخرین بار است که به مرخصی می‌آیم³ و بعد از این مرخصی به منطقه کردستان یعنی عملیات می‌خواهم بروم. وصیتم این است که همسرم و فرزندم هیچ‌وقت فراموش نخواهم کرد و از من این توصیه که هرگز امام عزیز را رها نکنید و گوش به فرمان او باشند و یک لحظه امام را فراموش نکنید و تنها وصیت و خواهش بنده حقیر از شما دوستان و قومان و بستگان من اگر من شهید شدم، هیچ نگران من نباشید و در ضمن فقط با یاری شما از رهبر و جمهوری اسلامی است که با خون جوانان و کودکان و پیران و شیران، ایران آبیاری شده است، از دست ندهند. خداحافظ وصیت‌نامه و قطره‌ای از زندگی عباس نوری.

1- در اصل وصیت «نموده».

2- در اصل وصیت «برای».

3- در اصل وصیت «می‌آید».

در پایان به برادرانم سیروس و قیطاس سفارش می‌کنم علی را فراموش نکنند و همیشه به راه راست او را هدایت کنند. این هم آخرین شب جدای از دوستان و یاران رهبر امت و خانواده¹ خودم خداحافظ خداوند امام عزیز را از جمیع بلیات محفوظ بدارد و امت اسلام و رزمندگان اسلام نصرت عطا فرماید.

شهید عباس نوری

تاریخ ۱۲۸۲ هجری قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه امیر کبیر علیه السلام

بیتا خداوند خستند و کرم خالق بجز او حقن الرحمن الرحیم

بسم و در بیان آن به تکلیف در دنیا که مسلم نه از باطن و نه از بیرون که است و مسلم در روز قیامت بر آن است
 و اهل تشهد بر سر منور افراشته که شب روز با شاد و شجاعت و از خوف که شکی از خوفت نه داده
 و حفظ که آنم از دستبرد حیرانده و در خوف آن هستند و علم بیست که از دستگیر از دستگیران اتمام
 هستند اینجاب عباس بعد از زنده عمر میرسد که قرین حسن نگادش سال ۱۲۴۵ هجری قمری بوده
 فقیر و مستضعف است و در شرم و بیم در آن سال نامبر داشت و در ایام و سلطنت امر معاش کار را می نمود
 روزگار و زمانه حسن سپردن است تا زمانی که بیم و هلاکت می رسد و صاحب حج فرزند مرده و زنگ مختصر روز
 در راه کرده باز کرده به خود می رسد و شکر حق را که آنرا در روز قرار می دهد و حقیر به عدت روزم شرم

و در آن روز هم مشکل نشود علم و کار خود را در میان مردم به نام که در کتب و آثار خود در خط و خطه اینها در دسترس است
 و در آن روز هم که در علم و کار خود را در میان مردم به نام که در کتب و آثار خود در خط و خطه اینها در دسترس است
 در تمام روزگار خاتم نبوت که در پیوسته و یکبارگی و در آن ستم که در روزگار است و در آن روزگار
 هر چه عالم به هم نشد و بعد از آن وقت و دانش و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار
 در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار
 با آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار
 بدان و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار
 و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار
 شوهر که در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار
 در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار است و در آن روزگار

نام: کیکاووس
نام خانوادگی: نوری
نام پدر: محمد
نام مادر: مریم
تاریخ تولد: نهم شهریور 1347
محل تولد: روستای دهنه از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سی و یکم خرداد 1366
محل شهادت: بانه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ای برادر دینی‌ام در صحنه باشید که امروز است [و] روز امتحان.
- امروز روزی است که باید به ندای حسین (7) پاسخ گفت.
- اگر توفیق حاصل کردم و سعادت نصیبم گشت و توانستم فائق و رستگار شوم، هیچ کس مسئول مرگ و شهادتم نیست.
- از شما امت حزب‌الله می‌خواهم امام امت را یاری فرمایید.
- در صحنه حاضر باشید.
- تمام ابرقدرت‌ها را با وحدت و ایمان خود از پا درآورید.
- این جهان همانند یک خانه موقت می‌باشد و باید به خانه اصلی و ابدی رسید.
- برای من هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید و سلاح به دست گیرید و سنگرم را خالی نکنید.
- سنگرم من اسلام است و حافظ آن قرآن.

کیکاووس نوری¹

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود فراوان بر مهدی موعود، این یگانه پاسدار حقیقی اسلام، و سلام بر تو ای امام امت که نهضتی در طول و انقلاب اسلامی و آن هم برای نجات انسان‌ها و مسلمانان جهان بپا نمودی.

و تو ای امام امت معرفت و سخنت از حسین (7) نشأت² گرفته و قیامت قیام حسین (7) و از شما می‌خواهم ای فرزندان اسلام قدر این نعمت را بدانید که خدا به شما عطا فرموده است و تو ای برادر دینی‌ام در صحنه باشید که امروز است [و] روز امتحان، امروز روزی است که باید به ندای حسین (7) پاسخ گفت. آیا زمانی که تاریخ و دیگران برای ما از عاشورای حسین (7) در صحنه گیتی بر روی قلم و کاغذ حرف‌ها و سخن‌ها می‌گفتند و می‌نوشتند تا در جواب آن روزها و آن رویدادها می‌گفتیم ای کاش صحنه حسین (7) امروز بود و ما هم در صحنه بودم و در رکاب وی می‌جنگیدیم و شهید می‌شدیم. حالا بفرمایید که فرزند حسین (7) همانند جدش عاشورایی است «هر زمان عاشورا است در سرزمین کربلا».

آری موقعی که در جبهه بودم روز به روز که از عمرم می‌گذشت، نشانی بیشتری به چشمم می‌خورد. لذا اگر توفیق حاصل کردم و سعادت نصیبم گشت و توانستم فائق و رستگار شوم، هیچ کس مسئول مرگ و شهادتم نیست، چرا که راهی را دل‌خواهانه و آگاهانه انتخاب کردم و می‌روم و می‌ایستم تا پایان قطرات خونم و از شما امت حزب‌الله می‌خواهم امام امت را یاری فرمایید و در صحنه حاضر باشید و تمام ابرقدرت‌ها را با وحدت و ایمان خود از پا درآورید و تو ای مادر عزیزم که راز زندگی را [...] به این حقیقت یافته باشید که [...] احکام و تکالیف الهی باشید و صبر داشته باشید. که این جهان همانند یک خانه موقت می‌باشد و باید به خانه اصلی و ابدی رسید. اما این خانه اصلی را

1- بالای وصیت نامه آمده است: «وصیت‌نامه برادر کیکاوس نوری از آبدانان».

2- در اصل وصیت «نشئت».

3- در اصل وصیت صورت ناخواناست.

از یاد نبرید که توشه و راه اصلی را که همان عمل نیک می‌باشد، همراه باید داشت. و اما تو ای پدر و برادران عزیز و خواهرنم از شما هم طلب بخشش می‌کنم و امیدوارم که صبر و پایداری پیشه کنید. برای من هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید و سلاح¹ به دست گیرید و سنگرم را خالی نکنید که سنگرم من اسلام است و حافظ آن قرآن که [...] می‌باشند.²

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار

«والسلام علیکم»³

کیکاووس نوری

65/1/5

1- در اصل وصیت «صلاح».

2- در اصل وصیت خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «و سلام علیکم»

وصیت نامه در ابرویها بر دلش
از ابدان
بسم الله الرحمن الرحیم
تقدیر
۵۰ / ۱۰ / ۶۵

بسم و در روز اول بر عهد خود ایستاده تا بعد از چهل روز، و بسم بر آن است که نصیحت در وطن
و افسردگی سر بردارم بر آن مادر و سدا از جهان بیایدی.

دو کلاه کلاهت مرگ و سخت از حسین زنت گشته و قامت قدیم حسین را که تا سحر و احرام او را
بسم در این غیبت را با این که در ضامنای عطا فرموده است و آن را در این روزهای چهل روزه که امروز است در این غیبت
در منور دور دست که اینها حسین با حق گشته و آنچه که به هیچ وجه در این روزها نشود حسین در غیبت
بر روی تم و کاف و در این روزها که در دست و پا است از روز که او از پدر و مادر گشتیم اما در این
عین بر روی و نام در حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
است و این است در این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است

در این مصیبت که در این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
نصیب گشته و با تمام دلت در این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
و آنگاه از آن که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
و این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
که در این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
و این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
و این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است
و این روزها که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است از حسین که در دست و پا است

نام: محمد
نام خانوادگی: نوری
نام پدر: کر معلی
نام مادر: عنبربانو
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1348
محل تولد: روستای هندمینی از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای روستای بدره از
توابع شهرستان دره شهر



عبارت های کلیدی

- ۱ راضی باشید به رضای خداوند.
- ۱ از دادن قربانی به درگاه خداوند دریغ نکنید.
- ۱ با مال خود و فرزندان در راه خدا جهاد کنید.
- ۱ در میدان آزمایش خداوند سستی نشان ندهید و پا برجا و محکم باشید.
- ۱ بدانید که ما در راه شهادت و این راه مقدس گام گذاشته ایم و این راهی است که امامان خمینی به ما نشان داد.
- ۱ در مرگم هرگز قطره ای اشک نریزی که هدیه دادن در راه خدا هیچگونه گریه و زاری ندارد.
- ۱ مادر عزیزم خواهش من این است که خوهران و برادرانم را به سوی اسلام و فراگیری قرآن هدایت کنی.
- ۱ مادر عزیزم نگذاری که از راه خدا و قرآن کناره گیری کنند.

محمد نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بر رسول اکرم (6) و ائمه طاهرين (7) و درود بر تمام شهدای اسلام از کربلای عراق تا کربلای ایران و تمام کربلاهای روی زمین و سلام بر رهبر کبير انقلاب اسلامی ایران امام خمینی. راضی باشید به رضای خداوند و از دادن قربانی به درگاه خداوند دریغ نکنید، با مال خود و فرزندان در راه خدا جهاد کنید و از قضا و قدر نهراسید در میدان آزمایش خداوند سستی نشان ندهید و پا برجا و محکم باشید و هیچگونه ترسی از دشمنان خدا نداشته باشید و باری پدر و مادر عزیزم و مهربانم بدانید که ما در راه شهادت و این راه مقدس گام گذاشته‌ایم و این راهی است که امامان خمینی به ما نشان داد. که در اصل راه خدا و قرآن است و ای پدر عزیز امیدوارم که بعد از شهادت من برای این همه گستاخی که در عمر کوتاه خود در مقابل شما مرتکب شده‌ام مرا ببخشید و هیچوقت برای از دست دادن من غصه یا افسوس نخورید که شهادت حد نهایی تکامل یک انسان است و باز سلام بر تو ای مادر مهربانم. ای کسیکه شب‌های تاریک مرا در دامن می‌گذاردی و نوازش می‌کردی، نکند که برای من گریه کنی، قامتت را بلند بگیر و ندای الله اکبر خمینی رهبر سر بده و زینب‌وار زندگی کن و در مرگم هرگز قطره‌ای اشک نریزی که هدیه دادن در راه خدا هیچگونه گریه و زاری ندارد و نمی‌دانم که چگونه بگویم که هیچوقت برایت فرزند خوبی که می‌خواستی نبودم، امیدوارم که بتوانم در آن دنیا در پیش خدا برایتان فرزند خوبی باشم و بتوانم جواب مهر و محبت‌های شما را بدهم و باری مادر عزیزم خواهش من این است که خوه‌ران و برادرانم را به سوی اسلام و فراگیری قرآن هدایت کنی و نگذاری که از راه خدا و قرآن کناره‌گیری کنند و در ضمن خواهش من این است که سلام مرا به تمام اقوام به خصوص دایی عزیزم برسانی که در طول زندگی برای او کاری انجام نداده‌ام. و از او بخواهید که بنده را ببخشاید.

خدا حافظ شما

محمد نوری

نام: یدالله
نام خانوادگی: نوری
نام پدر: علی
نام مادر: حسنه
تاریخ تولد: دهم فروردین 1342
محل تولد: روستای پهلّه از توابع شهرستان دهلران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: سی ام بهمن 1363
محل شهادت: سومار
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم شهرستان
زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ شما امت حزب الله را وصیت می کنم به فراموش نکردن امام و پیروی از تمام دستورات این رهبر عظیم الشان.
- ۱ من به شما ای امت حزب الله می گویم نگذارید اسلحه من بر روی زمین بماند و با شرکت خود در جبهه ها سنگرها را پر کنید.
- ۱ ای منافقان من از شما می خواهم به خود آید و به اسلام برگردید.
- ۱ نماز جمعه و جماعت را ترک نکنید.
- ۱ افتخار [کنید] که برادری در راه خدا دادید.

یدالله نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه¹ شهید یدالله نوری

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»²

«به کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده نگوئید بلکه زنده‌اند و در نزد پروردگار منان روزی می‌خورند».

سلام و درود بر امام زمان و نایب برحقش امام خمینی و درود بر شهیدان اسلام از سمیه تا تمامی شهیدان غرقه به خون در راه خدا، تا ظهور حضرت مهدی (عج) اینکه که این وصیت‌نامه³ را می‌نویسم، جهان را کفر فرا گرفته و ستمگران و مستکبران بر مستضعفان می‌تازند و وظیفه شما تک‌تک امت حزب‌الله است که برای آزادی مردم دربند [...] ⁴ کشیده شده جهان تلاش نمایید و آن‌ها را با اسلام آشنا ساخته و از هر بند و قیدی آزاد نمایید و فقط آن‌ها را در بند خدا سازید. این را بدانید که اگر چنین کردید خدا هم شما را دوست دارد. زیرا قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُيُوتًا مَرصُوصَةً»⁵. «خدا آن مؤمنانی که در صف جهاد با کافران مانند سد⁶ آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد».

شما را سفارش به تقوا می‌کنم چنانکه حضرت علی (7) در آخرین لحظات⁷ زندگی خود می‌گوید «اوصیکما بتقوی الله و نظم امرکم»⁸ سفارش می‌کنم شما را به تقوای⁹ خدا و

1- در دست نوشته آمده است «وصیعت نامه»؛ بالای وصیت‌نامه آمده است: «یادش گرامی».

2- آل عمران/ 169.

3- در اصل دست‌نوشته «وصیعت».

4- در اصل وصیت توسط خود شهید خط خوردگی و اصلاح دارد.

5- صف/ 4.

6- در اصل وصیت «صد».

7- در اصل وصیت «لحظات».

8- نهج البلاغه وصیت امام علی (7) به امام حسن (7)، نامه 47، ص 977 فیض الاسلام.

9- در اصل وصیت «تقوی».

نظم و انضباط¹ در کارهایتان، همچنین شما امت حزب‌الله² را وصیت³ می‌کنم به فراموش⁴ نکردن امام و پیروی از تمام دستورات این رهبر عظیم‌الشأن و دعا نمودن برای این رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بخصوص در دستور اخیر امام را که «آمدن به جبهه‌ها [کنید] را واجب کفایی کرده‌اند»⁵.

من به شما ای امت حزب‌الله می‌گویم نگذارید اسلحه من بر روی زمین بماند و با شرکت خود در جبهه‌ها سنگرها را پر کنید و به ندای امامتان لبیک⁶ گوئید. شما ای منافقان⁷ من از شما می‌خواهم به خود آید و به اسلام برگردید و خود را تابع امام نمایید تا سعادت دنیوی و آخرتی پیدا کنید.

و اما شما مردم از این منافقین واهمه نداشته باشید و اگر به اسلام برنگشتند همچنان با آن‌ها مبارزه کنید همیشه در صحنه انقلاب حضور داشته باشید. نماز جمعه و جماعت را ترک نکنید⁸. اما شما ای پدر و مادر عزیزم اگر من فرزند خوبی برای شما نبوده‌ام و نتوانسته دین خود را نسبت به شما ادا کنم، مرا ببخشید تا خدا هم مرا مورد عفو قرار دهد. والدین عزیزم اگر من فرزند خوبی برای شما نبوده‌ام و نتوانسته‌ام دین خود را نسبت⁹ به شما ادا کنم و خواهران مهربانم و برادرانم¹⁰ چون کوه مقاوم باشید و زینب‌وار در برابر¹¹ مشکلات صبر¹² و استقامت به خرج دهید و کار [ای] نکنید که باعث شادی دشمن

1- در اصل وصیت «انضبات».

2- در اصل وصیت «هذب الله».

3- در اصل وصیت «وصعت».

4- در اصل وصیت «فراوموش».

5- امام خمینی، تبیان، دفتر 24، جنگ و دفاع در اندیشه امام، ص 70.

6- در اصل وصیت «لبیک».

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «کنید».

9- در اصل وصیت «دین خود را دعا».

10- در اصل وصیت «برادرانم».

11- در اصل وصیت «برا».

12- در اصل وصیت «صبر».

شود. افتخار [کنید] که برادری در راه خدا دادید. در آخر وصیت¹ نامه‌ام یک دعا که مستجاب آرزوی قلبی من و امت حزب‌الله است از خدا می‌خواهم که «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار» انشاء‌الله.
«وصیت‌نامه² شهید»

شهیدم من شهیدم من	به کام خود رسیدم من
خداحافظ ایما مادر	نمی‌بینم ترا دیگر
چرا مادر زغم سوزی	گذشت از ما سه روزی
که شد هنگام پیروزی	علیه دشمنان یکدم
منم سرباز روح‌الله	که پیوستم به جنرال‌الله
به سوی ارتش الله	روان گشتم ایما مادر
شوم من گر بخون غلطان	مخور غم مادر نالان
گلستان می‌شود ایران	از این گلها شده پرپر
بین مادر کفن پوشم	تفنگم بر سر دوشم
بیا مادر در آغوشم	حلالم کن دم آخر

یدالله نوری

1- در اصل وصیت «وصیعت».

2- در اصل وصیت «وصیعت». این اشعار را معمولاً در دوران جنگ هم به عنوان سرودهای انقلابی می‌خواندند و هم نوحه. شهید آن را به عنوان وصیت‌نامه نوشته است.

بنامها
و صیحه و تاج شهید یدالله نوری یادش برای بالا

ولا یحسب الذین استمروا فی سبیل اللہ اموالنا بل اعیانهم بیز قوت
 بر کسان در راه خدا گشتند شده اند صدمه غلو نید بلکه زنده اند در نزد پروردگار و در نزد پروردگار
 میان روزی های فرود و سلام و درود بر امام زین العابدین (ع) بر حقیقت امام خمینی مدد و در بر شهیدان
 اسلام از سید تا امی شهیدان آن فرقه چون در احوال آنها و حضرت مهدی (ع) اینک که این
 و صیحه تا کار او در سمرقند را از فر فر گرفته و ستمگران و مستبغانی بر دست صفحان همانند
 و غلبه شما بلکه است حزب الله است که برای مردم در بندگی است ~~و ستمگران~~
 که از این ستم فقط آنرا بدیدند خاستند و این را بدیدند این را با اسلام آشناسند و از هر بنده و قیدی
 زیرا که آن فرستادگان ای صیبه الفین تی تکلون فی سبیل اللہ ما هم فنیان مرعولین

ص

خدا که موصی به کفر و فسق است با کفران ما میهد که من هر دست و پا را در دست
 دستم دارم. (شما) سفارش بر تقوی ~~نظام~~ که کم و بیش آن حضرت علی (ع) در آخرین
 لحظات زندگی خود فرموده بود او میگوید تقوی الله و نظام امرکم سفارش بر تقوی که کم
 و بیش حضرت علی (ع) در آخرین لحظات زندگی فرموده بود ~~تقوی~~ و خدا نظام انصابت
 در کارها بیان هم چنین است خدا را وصیت می کند به فرموده فرمودن اسلام و
 از تمام دستورات این رهبر و نظام الدین و کما یقول برای این رهبر کبریا انقلاب اسلامی
 بخصوص دستور اخیر اسلام را که اصول به جهت ~~سنگ~~ سنگین است را واجب کند ^{کردند}
 من بستی ای است حضرت الله می گویند نذارید اسلحه من بر روی زمین بی نیوی بماند
 خود در جهت ~~سنگ~~ سنگرها را ~~بگیر~~ بگذارید و برای امتان بلیک گویند ~~بسی~~ بیایم معافان که من از من
 می خردا هم خود را بدو و اسلام برگردید و خود را تابع ~~امام~~ امام کنید تا ~~انجا~~ انجا که دست ^{دین}
 در آخرین سلا کنید

نوع

و اسما بودم از این منافقین ~~بجای خود~~ و اهل نه ~~باید~~ با شیروالتر
 به اسلام برتافتند همچنان که آنرا بر زدنید هیس در صف از انقلاب صفوات است
 تا ز جسمی است که بر کسب اسما ای پیر ما در خرمیوم اگر من فرزند خوبی برای من
 نبوده ام و نتوانسته دینی خود را نسبت به شما ادا کنم مرا بجهت و تا خواهم مرا مورد کفر قرار دهد
 والدین من نیزم اگر من فرزند خوبی برای من نباشم و طعم کفر و استقامت دینی خود را ندیده ام نیز
 بر من ادا کند و خواهران من را با بجز در انظار فزون کوه معلوم با شیروالتر در برابر
 مشکلات صبره استقامت بجز در دیده و کار ننگید که بخت شد که دشمن موافقت
 در بردی در راه خواطری در آورده است ~~بنا~~ اللهم بک دعواتی استجاب اگر و در حق من و بعد
 عزت الله است از فراموشی خواهم بفرمان خداوند انقلاب ~~بک~~ عینی را نگاه دار است والدین

شهادت من شهادت من	شهادت من شهادت من
خدا حافظ ایام در	خدا حافظ ایام در
حرم اسرار ز غم سوزی در آرزو	خدا حافظ ایام در
آرزو من آرزو من	خدا حافظ ایام در
مهر سرای ز روح اله	خدا حافظ ایام در
به سوگواران سر اله	خدا حافظ ایام در
شوم من تر بعد از فلک	خدا حافظ ایام در
تلمسان شود ایام	خدا حافظ ایام در
ببین ما در نفس دین	خدا حافظ ایام در
بیا ما در در آرزو من	خدا حافظ ایام در

نام: فرج الله
نام خانوادگی: نوریان
نام پدر: اسکندر
نام مادر: سیما
تاریخ تولد: یکم شهریور 1339
محل تولد: روستای گرمه از توابع
شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و نهم تیر 1361
محل شهادت: آبادان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای روستای پیرحمزه
شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ اولاً به امید خدای متعال، حق پیروز است.
- ۱ چنانچه به خواست خدای منان بعداً شهید شدم اندیشه به خود راه ندهید.
- ۱ یگانه آرزویم این است از راه کربلا به نجف اشرف و کربلا و قدس عزیز مشرف و نائل شوم.
- ۱ عهدی که با خدا کرده‌ام در راه اسلام شهید شوم.
- ۱ انشاءالله اسلام پیروز است.
- ۱ همیشه دعا به‌جان امام خمینی را فراموش نکنید.

فرج‌الله نوریان¹

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

یا پدر گرام و مادر گرام اسکندر نوریان و سیما پروین فدوی سرباز وظیفه راننده ارتش اسلامی لشکر 77 خراسان فرج‌الله نوریان شمه‌ای از اوضاع خود و خدمت به وطن اسلامی عزیز عرضه می‌دارد. اولاً به امید خدای متعال حق پیروز است و من مدت یکسال و نیم است به‌عنوان رانندگی در ارتش جمهوری اسلامی شبانه روز خدمت می‌کنم و در تمام جبهه‌ها همیشه لشکر 77 پیروز و سربلند بوده است. چنانچه به خواست خدای منان بعداً شهید شدم اندیشه به خود راه ندهید و گریه و زاری نکنید فقط یگانه آرزویم این است از راه کربلا به نجف اشرف و کربلا و قدس² عزیز مشرف و نائل شوم و عهدی که با خدا کرده‌ام در راه اسلام شهید شوم انشاءالله تعالی به هدف خود می‌رسم و مرا حلال کنید. انشاءالله اسلام پیروز است و همیشه دعا به‌جان امام خمینی را فراموش نکنید.

«والسلام»³

تقدیمی فرج‌الله نوریان از جبهه دزفول هفت تپه⁴

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه سرباز امام خمینی، مشهدی فرج‌الله نوریان، راننده لشکر اسلامی 77 در

جنوب و خوزستان».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «وسلام».

4- ذیل وصیت‌نامه آمده است: «رونوشت برابر اصل است».

بسمه تعالی

ا برادر است

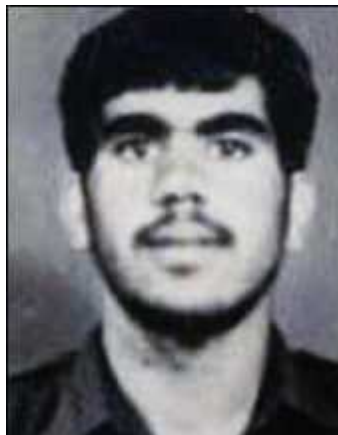
ادبسم رب الشهداء و الصده یعقوب

(در وصیت نامه)
سر بازار امام خمینی شهیدی فرج البدر لاری
راشش لشکر ۷۷ در حضرت روزگار

باید گرام و مانده گرام بگذرد نوربان و سینه برون صدور سر بازار و طیفه مانده ارتش الهی
لشکر ۷۷ خراسان فرج البدر لاری شهیدی از اوضاع خود و خدمت به وطن الهی
عزیز عرض می دارد - او لایحه امیده خدای تعالی مقبول پذیرفته است و من خدمت
کلیال و نیم است بعد از واقعه می در ارتش جمهوری اسلامی لبنان روز خدمت
سکیم در تمام جبهه ها چشم لشکر ۷۷ پیروز و سر بلند نموده است چنانچه بهما است
خدای تعالی صلوات بعداً شهید شدم اندیشه به عهد راه فدایی و گریه وزاری تکلیف فقط
تعیات آرزوم این از راه کر لایحه نجف اشرف و کمر لایحه قدس عزیز مشرف و نائل
شدم و عهدی که با خدا کرده ام در راه اسلام شهید شوم انشاء الله تعالی به حرف خود
می رسم در مراحل کنیزات را البدر اسلام پیروز است و حمد دعا مجال امام خمینی
را فراموش نکنید و سلام تقدیمی فرج البدر نوربان از هیئت زلف خدمت آید

روزگار برابر اصل است

نام: جواد
نام خانوادگی: نیکنام
نام پدر: بیگ شیر
نام مادر: کشور
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1344
محل تولد: روستای هاشم‌آباد از توابع
شهرستان دره‌شهر
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سی‌ام مهر 1363
محل شهادت: میمک
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا سلام بر مهدی، یاری بخش محرومان.
- ا سلام بر مردم همیشه در صحنه.
- ا جواب سلام‌های مرا بدهید نه با زبان بلکه با جهاد در راه خداوند و مبارزه با شیاطین.
- ا عروس من شهادت است.
- ا من راهم را انتخاب کرده بودم و آن را به پایان رساندم.
- ا وصیت من در آخرین لحظات است که اطاعت‌کننده از فرامین گوهر بار امام.
- ا با شرکت در نماز جمعه و نماز وحدت و مجالس اسلامی مشت محکمی بر دهان ابرقدرت‌های شرق و غرب بکویید.

جواد نیکنام

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»¹

وصیت نامه ام را با نام الله، یاور محرومان و درهم کوبنده ظالمان آغاز² می کنم: سلام بر مهدی، یاری بخش محرومان. سلام بر نماینده مهدی (عج)، امام امت، خمینی کبیر، دلسوز بیچارگان. سلام بر شهیدان، ادامه دهنده راه حسین (7)، سلام بر مردم همیشه در صحنه و [سلام] بر پدر و مادر مهربانم که عمری برایم زحمت کشیدند و مرا نیکو تربیت کردند. سلام بر شما عزیزان اما چه سلامی، سلامی از میان دود و آتش، سلامی گرم از میان غرش تانک و توپ، سلامی صمیمانه از میان ترکش های خمپاره، سلامی که بیانگر خون بهای هزاران شهید گلگون کفن است. ولی ای مردم شما باید جواب سلام های مرا بدهید نه با زبان بلکه با جهاد در راه خداوند و مبارزه با شیاطین. دوستان عزیز من، مادر، عروس من در جبهه است و عروس من شهادت است. صدای غرش گلوله های توپ و خمپاره عقد مرا خواهد خواند و با پوششی از خون گرم و سرخ خود برای معشوقم [و] «الله تعالی جل جلاله» آرایش خواهم کرد. هلهله مسلسل ها و بارش نقل سربی در حجله سنگر، عروس شهادت را به آغوش خواهم کشید و در مهمه تشییع کنندگان پیکرم، اتومبیل تابوتم، گل باران می شود و با مشت های گره کرده و با تکبیر آن را تا منزلگه عشق بدرقه خواهند کرد. عروسی من شهادت است. نام فرزندم آزادی و من فرزندم آزادی را به شما می سپارم. از آن حفاظت کنید دوستان و خواهران و برادران وقتی که با تفنگ ژ3، کلاش و دیگر سلاح دشمن قلبم را سوراخ کردند؛ وقتی ترکش خمپاره مغزم را متلاشی کرد؛ وقتی که قطعه قطعه گوشت بدنم را از زیر شنی تانک بیرون آورند و یا وقتی که اسیر شدم، برایم ناراحت نباشید، که من راهم را انتخاب کرده بودم و آن را به پایان رساندم، البته به خوبی.

1- آل عمران/ 169. در اصل وصیت «قتلو».

2- در اصل وصیت «ز».

و وصیت من در آخرین لحظات این است که اطاعت¹ کنید. از فرامین گوهر بار امام و آن را واجب شرعی [بدانید] و همچنین با شرکت در نماز جمعه و نماز وحدت و مجالس اسلامی مشت محکمی بر دهان ابرقدرت‌های شرق² و غرب³ بکوبید و انشاءالله خواهید کوبید.

به امید آزادی کربلا و قدس⁴ عزیز

جواد نیکنام مورخه 62/11/15

لاله الاالله محمد رسول الله

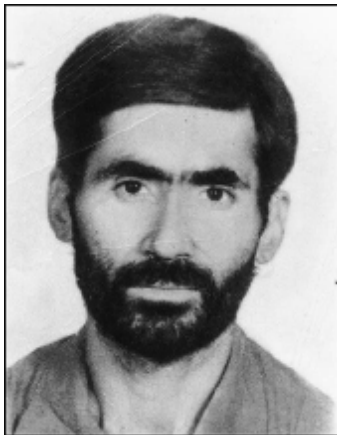
1- در نسخه تاپی مورد تأیید بنیاد شهید «اطات».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

نام: فرمان
نام خانوادگی: هاشمی پور
نام پدر: قاسم
نام مادر: نازار
تاریخ تولد: سال 1329
محل تولد: روستای شوهان از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوازدهم اسفند 1364
محل شهادت: مریوان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ من وظیفه شرعی خود دانستم که به جبهه بروم.
- ۱ شما باید افتخار کنید که برادری در راه اسلام فدا کرده‌اید.
- ۱ چه بهتر است که مرگ سرخ را انتخاب کنیم.
- ۱ شرافتمندانه از دنیا بروم و خون خود را هدیه به رهبر کرده باشم.
- ۱ با خون خود درخت تنومند اسلام را آبیاری نمایم.
- ۱ برادر عزیز امیدوارم که همیشه گوش به حرف امام باشید.
- ۱ همیشه در نماز-جمعه‌ها و کارهای خیریه شرکت نمایم.
- ۱ ترس و یأس به خود راه ندهید.
- ۱ وصیتم این است که برای طول عمر امام عزیز و پیروزی رزمندگان اسلام دعا نمایید.

فرمان هاشمی پور¹

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»²

«گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خداوند روزی می‌گیرند». با درود بر رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران این بت‌شکن زمان حضرت امام خمینی و با سلام بر خانواده‌های شهدا وصیتم را با نام ایزد منان شروع می‌کنم اولاً من هدف و مقصد خود را تشخیص داده‌ام و از آنجایی که جنگ کفر و اسلام است و میهن عزیزمان مورد تجاوز مزدوران بعثی قرار گرفته من وظیفه شرعی خود دانستم که به جبهه بروم و در راه خدا و خشنودی امام زمان با دشمنان خدا مبارزه کنم و دشمنان اسلام را از پای درآورم و سرانجام در این راه مقدس به فیض الهی نایل آیم و یا پیروزمندانه به ندای رهبر لیبیک گفته و در راه اسلام و جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده باشم.

اولاً وصیتم به برادرزاده‌ام قاسم خودی‌کا این است که در مرگ من اگر این توفیق نصیب بنده شد ناراحت نباشید و شما باید افتخار کنید که برادری در راه اسلام فدا کرده‌اید. زیرا برادر انسان روزی به دنیا می‌آید و روزی هم از دنیا خواهد رفت. پس چه بهتر است که مرگ سرخ را انتخاب کنیم و شرافتمندانه از دنیا بروم و خون خود را هدیه به رهبر کرده باشم و با خون خود درخت تنومند اسلام را آبیاری نمایم. برادر عزیز امیدوارم که همیشه گوش به حرف امام باشید و همیشه در نماز جمعه‌ها و کارهای خیریه شرکت نمایید و ترس و یأس به خود راه ندهید و هیچگونه امام را از یاد نبرید³ و

1- بالای برگه چاپی که در اختیار شهید قرار داده‌اند تا وصیت‌نامه بنویسد این جمله از امام خمینی آمده است: (این

وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان و بیدار می‌کند).

2- آل عمران/ 169. در اصل وصیت «قتلوا».

3- در اصل وصیت «به» به سیاق عبارت فصل افتاده است؛ باید «نبرید» باشد.

هیچگونه به حرف منافقین¹ و شایعه‌پراکنی‌ها گوش ندهید و وصیتم این است که برای طول عمر امام عزیز و پیروزی رزمندگان اسلام دعا نمایید.

باری برادرزاده عزیز امیدوارم که شما راه مرا بپیمایید و بنده مقداری نماز قرض پیشم می‌باشد. امیدوارم اگر توانستید مقداری از آن‌ها را ادا نمایید. تا شاید در آخرت روحم آسوده خاطر باشد و [مرا] اگر نتوانسته‌ام در حق شما خدمتی کرده باشم، مرا ببخشید.

فرمان هاشمی

بسمه تعالی
وصیت‌نامه

حاج العاقبگر

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکنند.
(امام خمینی)

این سند طبق توصیه‌های تکالیف الهیه و وصیت‌نامه خود برایتان صادر می‌گردد.

۱- هدف از آمدن به جبهه
۲- پیام

۳- رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار و طرف دیون، واجباتی که به‌کردن داشته از جمله نماز و روزه، نسا و...، خیرات و صدقات نسبت به $\frac{1}{3}$ مال و مطلق و...

بسم رب الشهداء و الصالحین

وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَوْ أَنَّهُمْ إِسْمَاعِيلَ بْنَ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ


آن سید پاک است که در راه خدا کشته می‌شوند و اگر خداوند بخواهد آن سید پاک را زنده کند و او نیز در راه خداوند شهید می‌شود.
با درود بزرگوارانه بر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران این است که من و شما
حضرت امام خمینی و باسرایم بر خاندان ولایت همگی شهیدان و وصیت‌نامه‌ها را با نام این شهیدان می‌کنیم
لولا من بحروف و مقصد خود را تخصیص داده‌ام و از آنجا که به حکم کفر و اسلام
ایست و همین عزیزان مورد تجاوز مزدوران بعثی قرار گرفته‌اند من و خاندانم در راه خود
در ایستگاه که به جبهه بروم و در راه خدا و خاندان خودی (اسم زمان ما در زمان خدا
سازمان کنیم و دشمنان را بکشیم یا لژیون در آکرم و سرانجام در این راه معذور
به فیض الهی نمانیم و با سرفروزیندان به ندای رهبر کبیر گفتیم
و در راه ایستادیم و جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده‌ایم



خراسان (منطقه) ۴
لشکر مستقل نمر

مذکر: لطفاً وصیت‌نامه را داخل پاکت گذاشته و تحویل روابط عمومی تیب دهید.

اولاً وصیتیم به برادرانم کاسم خودی کا این است که در وقت من اگر این توفیق
 نصیب بنوشد ناراحت نباشید و شما باید ایستادگی کنید که برادر من در راه اسلام
 نداری کرده اید زیرا برادران من خود را بر شما می آید و بعضی هم از دنیا خواهر رفت
 و بعضی هم به راهی که هر دو سعی را انتخاب کنیم و گرفتارمانه از دنیا برویم
 و چون خود را هدیه به رهبر کرده باشیم و با فزون خود رحمت ننوشد اسلام را آید از من نمانیم
 برادر عزیز امیر و امام که محبتش کوشش به حرف است ما باید همیشه در نماز جمعها و کما
 حضور شرکت نمائید و تلاش و ایمان خود را به نهدید و همیشه کوشش امام را از یاد خود رها
 و همچنین به حرف منافقین و بی ایمان کسی ها کوشش ندهید و وصیت من این است
 که برای طول عمر امام عزیز و پیروان در زندگان اسلام دعای نیکو باری برادر زاده عزیز
 سعید امام سه شماره مرا ببینید و بنویسند که از قرض می باشد امید و طمأنینه است
 مقداری که از آنجا نماند و قاضی بر دست آخرت روم اکنون خاطر من شد و مرا آید و استقامت
 در حق شما خدمت کرده باشم را ببینید


 زمان هاشمی

نام: محسن
نام خانوادگی: هاشمی
نام پدر: لطیف
نام مادر: قدمخیر
تاریخ تولد: چهارم آذر 1343
محل تولد: شهرستان پلدختر
تحصیلات: پنجم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوازدهم مهر 1359
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: -
مزار: جاویدالآثر



عبارت‌های کلیدی

- ا امیدوارم خداوند امت اسلام را از تمامی خطرات سالم برهاند.
- ا این بینش ماست که جهان «ماهیت از اوئی، به سوی اوئی دارد».
- ا از چه بترسیم از مرگ نسبی که باعث گسترش حیات است؟
- ا گریه بر من حرام است.
- ا بخندید که من از رسیدن به این افتخار، مسرورم.

محسن هاشمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَكَا تَقُولُوا¹ لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ²»

به نام آن خدایی که [به] دو رحمت عظیم³ کند، رحمت رحمانیه و اگر لایق باشیم رحمت رحیمیه. امیدوارم خداوند امت اسلام را از تمامی خطرات سالم برهاند. راستش اول ترس در دلم بود ولكن بعد از خواندن نماز، ترس را فراموش کردم و دیدم که این بینش ماست که جهان «ماهیت از اویی، به سوی اویی دارد» پس از چه بترسیم از مرگ نسبی که باعث گسترش حیات است؟

واخذ للكفار والمنافقين	واللهم انصر الاسلام والمسلمين
تا در آغوشش بگیرم ⁴ تنگ تنگ	مرگ اگر مرد است گو نزد من آی
او ز من دلقی ستاند رنگ رنگ	من از او جانی ⁵ ستانم جاودان

گریه بر من حرام است. بखندید که من از رسیدن به این افتخار مسرورم.

هاشمی

1- در اصل وصیت «تقولوا».

2- بخشی از آیه 154 بقره.

3- در اصل وصیت «عظام».

4- در اصل وصیت «در آغوش بگیرم».

5- در اصل وصیت «جان».

شهادتنامه

وصیت‌نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فَمَي سَبِيلَ اللَّهِ أَمْوَاتًا

به نام آن خدایی که به در رحمت عطا کند رحمت رحمانیه و اگر لایق باشیم رحمت رحیمیه امیدوارم خداوند امت اسلام را از تمامی خطرات سالم برباهد راستش اول توس در دلم بود و لکن بعد از خواندن نماز توس را فراموش کردم و دیدم که این بینش ماست که جهان "ماشیت از اونی" به سوی اوئی دارد "پس از چه بتوسیم از مرگ نسبی که باعث گسترش حیات است .

اللهم انصر اسلام و المسلمین واخذل الكفار و المنافقين
مرگ اگر مرد است گوئزد من آی تا در آغوشت گیم تنگ
من از او جان ستانم جاود ان او ز من دلقی ستانم رنگ رنگ
گویند یو من حرام است بخورن برک من از رسیدن به این
افتخار مسوزیم .

شاهنشاهی

نام: مهرداد
نام خانوادگی: هاشمی
نام پدر: روح‌الله
نام مادر: شاهزاده
تاریخ تولد: دوم خرداد 1345
محل تولد: شهرستان پلدختر
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سیزدهم فروردین 1362
محل شهادت: تپه دوقلو مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای شهرستان دره شهر



عبارت‌های کلیدی

- ۱ با میل خودم و آگاهی که از اسلام و سیرت پیامبر و امامان دارم به جبهه حق علیه باطل اعزام شده‌ام.
- ۱ بنا به دستور رهبر انقلاب اسلامی، بزرگ پرچمدار توحید، به مبارزه علیه استکبار جهانی آماده‌ایم.
- ۱ تا آخرین قطره خون خویش علیه مستکبرین نبرد خواهیم کرد.
- ۱ انشاءالله به پیروی از حکومت حق و عدل اسلامی پیروزی حتمی است.
- ۱ انقلاب اسلامی زمینه‌ساز حکومت عدل امام زمان حضرت بقیه‌الله مهدی (عج) می‌باشد.
- ۱ امیدوارم رهروان ره حق و اسلام عزیز باشید.
- ۱ امام را دعا کنید.

مهرداد هاشمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»¹

این جانب مهرداد هاشمی اعزامی از لرستان با میل خودم و آگاهی که از اسلام و سیرت پیامبر و امامان دارم به جبهه حق علیه باطل اعزام شده‌ام و به پیروی از رهبری امام بت شکن وقت هرگونه [...] را با مال و جان و جنگ دفع خواهم کرد و برای قطع کردن دست ظالم از سرزمین اسلام هرگونه اوامری را اطاعت کرده و بنا به دستور رهبر انقلاب اسلامی بزرگ پرچمدار توحید، به مبارزه علیه استکبار جهانی آماده‌ایم و هیچگونه هراسی از جنگ و جنگ‌های تبلیغاتی و اقتصادی نداریم و تا آخرین قطره خون خویش علیه مستکبرین نبرد خواهیم کرد. امیدوارم رهروان این قرآن کریم و عظیم و ولایت فقیه هر لحظه آماده شکست دشمن باشند. انشاءالله به پیروی از حکومت حق و عدل اسلامی پیروزی حتمی است و شکی در آن نیست و این انقلاب اسلامی زمینه‌ساز حکومت عدل امام زمان حضرت بقیه الله مهدی (عج) می‌باشد.

من وصیت می‌کنم خانواده‌ام را به پیروی و اطاعت از احکام قرآن و آن سیرت پیغمبر و دستورات ولایت امر و با عمل کردن به مکارم اخلاق اسلامی، دوستان و آشنایان مرا ببخشید اگر مزاحمتی برایتان ایجاد کرده‌ام اگر کسی از من بستانکار است به خانواده‌ام مراجعه نماید و وجه³ خود را طلب نماید.

امیدوارم رهروان ره حق و اسلام عزیز باشید.

امام را دعا کنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه دار.

1- آل عمران/ 169، در اصل وصیت «قتلوا».

2- در اصل وصیت ناخوانا است.

3- در اصل وصیت «وجهه».



بسم الله الرحمن الرحيم

مقام ایلام

که بر آن تعین الذی قتلوه فی سبیل الله - انما نأمل ان اجنا خضر بهم نیز قرن
 این جانب مهرداد هاشمی از نمایندگان استان ایلام خود را نگاه کن که از اسامی و سیرت
 یا هیر و ایامان دلم با جبهه حق علیه باطل اعظم شاه و پیران و پیران هیری
 امام مستکن وقت هرگز نتواند ای را با مال و جان و خست و نه خود را هم کرد و برای
 قطع کردن دست با هم که سز من از بدنام امر کن که ایامی را با ایست کرده و
 بنا به دستور رهبر انقلاب اسلامی در یک پرچم در ترحم به مبارزه علیه استکبار
 آماده ایم و هیئت که هر اس که خست و خست های تبلیغاتی و عقاید و دلاری و کما کفری
 مقرر خردن خویش علیه استکبارین نبرد خود را هم کرد امیدوارم و همدان این خرد که
 کریم و عظیم و ولایت حق علیه استکبارین آماده شکر و شکر باشند ان شاء الله به پیروی
 از حکمت حق و عدل استقامت پیروی حتی اسه و جنگ و هر که نیست طریقی است
 استقامت نه نیست است: حکمت عدل امام زمان حضرت بقیه الله معدی (عج) می باشد

مه و دست منم خاندان امام با به پیروی از اطاعت از احکام قرآن و سیرت پیغمبر و
دستورات ولایت امر و عمل کردن به مکرم اخلاق اسماصن و دوستی در آن نایب
مرا سبقت اگر مزاجی بر اقبال را می‌دکم کرده‌ام اگر کسی از من بستاند است
به جان خودم مرا حبه ناید و وجه خود را بلب ناید
از من دارم در هر آن صوفی و انعام مجزی نانشود
امام با دعا کند
خدا یا خدا یا تا انقیاد صاحب صدی
هنی لا نکلده

نام: رمضان
نام خانوادگی: همت علی
نام پدر: صیدعباس
نام مادر: قیمتی
تاریخ تولد: سال 1344
محل تولد: شهرستان مهران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یک تیر 1366
محل شهادت: کردستان
نحوه شهادت: -
مزار: جاویدالائثر



عبارت های کلیدی

- ۱ مادر مهربان من می روم تا راه حسین (7) را در برگیرم.
- ۱ هم چون حسین (7) می جنگم و تن به ذلت [و] خواری نمی دهم.
- ۱ حالا که من می روم و شربت شهادت را می نوشم برای من سیاه نپوشید.

رمضان همت‌علی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر امام امت و امت امام با سلام و درود بر تمامی خانواده‌های معظم شهدا وصیت می‌کنم ای مادر مهربان من می‌روم تا راه حسین (7) را در برگیرم و هم‌چون حسین (7) می‌جنگم و تن به ذلت [و] خواری نمی‌دهم. اما وصیت من این است مادر شما مانند اینکه من را نداشتند و حالا که من می‌روم و شربت شهادت را می‌نوشم برای من سیاه² نپوشید. زیرا شما اصلاً مرا نمی‌خواستید؛ شاید پدرم. ای مادر تو برای من خیلی دل‌سوز بودی. اما پدرم وقتی که من را می‌دید، مانند اینکه جبرئیل را می‌دید و به پدرم بگویند، اصلاً ناراحت نباشد. پسرش شهید نشده است شاید دشمن او شهید شده است. و من از شما زن می‌خواستم، حتی شما می‌گفتید چشم‌انتظار آن نباشید، حالا دیگر خیالتان راحت باشد من رفتم، رفتم و بر نمی‌گردم.

من الله التوفيق

مورخه 66/4/2

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

1- بالا وصیت‌نامه آمده است: «بسمه‌تعالی - وصیت‌نامه پاسدار رشید اسلام، رمضان همت‌علی، مورخه 66/4/6».

2- ر.ک. تعلیقات.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

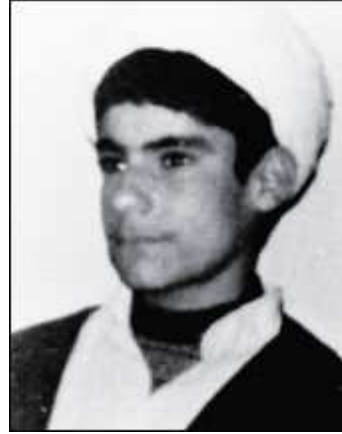
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام: عبدالله
نام خانوادگی: همتی
نام پدر: مصطفی
نام مادر: شوکت
تاریخ تولد: هشتم فروردین 1348
محل تولد: شهر چوار از توابع شهرستان ایلام
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم بهمن 1364
محل شهادت: اروندرود
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا از تو طلب چیزی می‌کنم که قاسم ابن الحسن (7) از تو طلبید.
- ا یارب بر من منت گذار و مرا از جمله شاهدین قرار بده.
- ا بعد از شهادتم مقاوم باشید و با صبرتان مشت محکمی به دهان منافقین و دشمنان داخلی و خارجی بزنید.
- ا به شهادتم افتخار کنید که انشاءالله من یک ذخیره در آخرت برای شما باشم.
- ا من به جبهه رفتم برای احیای دین خدا.
- ا چراغ قبر، نماز و روزه و راه خدا را پیشه کردن است.
- ا بیایید به خاطر خدا از دنیا بگذرید.
- ا از شما تقاضا می‌کنم که یک مسلمان واقعی بشوید.
- ا اصول دین و فروع دینتان را به خوبی انجام بدهید.
- ا من راهم را تشخیص دادم و برای خدا خودم را فدا کردم.
- ا هیچ مونس‌ی در شب اول قبر بهتر از قرآن نیست.
- ا دعای امام را فراموش نفرمایید (خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دارد).

عبادالله همتی

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللهم وفقنا لما تحبّ وترضى»

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و پاسبان آه یتیمان. به نام او که هستی را آفرید و انسان را اشرف مخلوقات خودش قرار داد. خدایا گرچه گنه‌کارم ولی چون خودت در رحمت الهی را باز توصیف کرده‌ای. من با دلی نالان و قلبی سیاه از تو می‌خواهم که باز نظر لطفت را به من کنی، ولی این بار حاجتم بس بزرگ و نهایت کار است. خدایا از تو طلب چیزی می‌کنم که قاسم¹ ابن الحسن (7) از تو طلبید. خدایا هنوز شیرینی شربت شهادت را نچشیده‌ام ولی طوری که دریافته‌ام از آن مقامی بالاتر نیست. پس یارب بر من منت گذار و مرا از جمله² شاهدین قرار بده و شهادت در راهت را نصیب این بنده حقیرت بگردان.

با سلام به اولیاءالله و فرستادگان الهی از آدم تا خاتم و با درود به 12 امام معصوم و مادر حسین (7) و با سلام به مهدی موعود (عج) این منجی عالم بشریت و با سلام، سلامی که از ته قلبم برمی‌خیزد به نایب الامام آیت‌الله العظمی امام خمینی این خدادوست خداجوی و محور توده‌های مردم قهرمان ایران، که با قیام حسین گونه‌اش ما مردم جاهل را به راه نور هدایت فرمود و با سلام به قائم مقام رهبری، آیت‌الله العظمی منتظری³ و با سلام به تمامی یاران امام و با سلام به مردم قهرمان و شهیدپرور ایران و با سلام به خانواده گرامی و عزیزم که من واقعاً شرمنده آن‌ها هستم که از بچگی⁴ باعث دردسر برای شما خانواده عزیزم بودم. امیدوارم که با شهادتم از من بگذرید و مرا حلال کنید از شما یک تقاضا دارم که بعد از شهادتم مقاوم باشید و با صبرتان مشت محکمی به دهان منافقین⁵ و

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «شامل».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «بچه‌گی».

5- ر.ک. تعلیقات.

دشمنان داخلی و خارجی بزیند. از شما می‌خواهم که به شهادتم افتخار کنید که انشاءالله من یک ذخیره در آخرت برای شما باشم و انشاءالله که صبر داشته باشید و از یک طرف از مادرم (عمه‌ام) می‌خواهم که مرا ببخشید و از سرِ تقصیرات من بگذرد. من به جبهه رفتم برای احیای دین خدا. امیدوارم شهادتم تحولی در منطقهٔ مورت¹ حتی در منافقین داشته باشد. یک پیام برای جوان‌های دوست و رفیقم. از شما تقاضا دارم که از کارهای قبلیتان دست بردارید و راه مرا ادامه دهید. برادران مگر دنیا چند روز است. به خدا هر لحظه احتمال مرگ دارد، پس چرا انسان در این دنیایی که محل امتحان است، گناه مرتکب بشود و برای تاریکی قبر یکی چراغی فراهم نکند. چراغ قبر نماز و روزه و راه خدا را پیشه کردن است. یک پیام برای مردم روستای مورت: مردم عزیز اولاً من خیلی کوچک و نالایق² هستم که برای شما پیام بدهم، ولی چون لازم دیدم چند مطلب متذکر می‌شوم. اول اینکه من از شما تقاضا دارم که فرزندان‌تان را خوب تربیت کنید که به گناه رو نیاورند، ثانیاً اینکه از شما تقاضا دارم راه ازدواج را برای جوان‌هایتان چه دختر و چه پسر ساده کنید. چرا این قدر سخت می‌گیرید. مگر مال دنیا چه هست که این قدر دخترهایتان را در خانه، نگه می‌دارید؟ شما اگر دخترتان را به یک پسر فقیر بدهید، هم خیر دنیا و هم آخرت است. شاید او نتواند برای شما تلویزیون رنگی بخرد، ولی آیا خدا را فراموش می‌کنید، بیایید به خاطر خدا از دنیا بگذرید و فرزندان‌تان را با هم الفت و از خیر دنیایی بگذرید.

ثالثاً اصول دین و فروع دینتان را به خوبی انجام بدهید و اگر مالی که خمس و زکاتش داده نشده باشد، خوردن آن حرام است. توبه کنید و از نو خودتان را خوب کنید و در راه خدا دینتان را تکمیل کنید. خلاصه از شما تقاضا می‌کنم که یک مسلمان واقعی بشوید. پیام به پدر گرامی و عزیزم:

پدرجان از شما معذرت می‌خواهم که نه تنها برای شما کار نکردم، بلکه همیشه یک سربار برای شما بودم. امیدوارم که ببخشید. از شما تقاضا دارم که خودتان را برای من

1- منطقه مورت از مناطق تابع شهرستان چوار است.

2- در اصل وصیت «بی‌لائیق».

ناراحت نکنید و از¹ شهادت این فرزند حقیرتان نه تنها ناراحت نباشید، بلکه افتخار کنید چنین فرزندی تحویل جامعه اسلامی داده‌اید. از شما خواهش می‌کنم که [در] ملاء عام خودتان را مفتخر بدانید و با صبرتان مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام بزنید. یک پیام به برادران عزیزم:

برادرجان، لطیف، من از بچگی باعث ناراحتی شما بودم و برای شما ناراحتی ایجاد کردم. شما خیلی برای من خیرخواهی می‌کردید، من گوش نمی‌کردم. امیدوارم که با بزرگواری خودتان مرا ببخشید، از شما تقاضا دارم که اول خود شما به حرف این برادر کوچکت جامعه عمل ببوشانید² که بعد از چهلم من مقدمات ازدواج را فراهم سازید. خداوند شما را در این کار موفق بدارد. برادرجان، من راهم را تشخیص دادم و برای خدا خودم را فدا کردم. امیدوارم که شما ناراحت نباشید و سربلند در جامعه باشید. برادرانم عزت‌الله، محمدمجتبی و روح‌الله درس بخوانید و راه برادران را ادامه بدهید که جامعه به شما احتیاج دارد. خواهرانم در غم، که غم نیست، ناراحت نباشید. از خدا برای شما صبر را خواهانم. مادرم تربت ربیعی امید دارم که در تربیت فرزندان کوشا باشید و مرا ببخشید که خیلی شما را ناراحت کرده‌ام. از تمام مردم مورت معذرت می‌خواهم که نتوانستم به شما خدمتی کرده باشم. انشاءالله در آخرت جبران کنم. از شما مردم می‌خواهم که سنت‌های قبلی را برای من پیاده نکنید. از زنها می‌خواهم که کارهایی مثل خونی کردن صورت، کندن موی سر نکنند. اگر می‌خواهید روح من شاد بشود و در مسجد برای من ختم بگیرید و قرآن بخوانید. که هیچ مونس‌ی در شب اول قبر بهتر از قرآن نیست. شب‌های جمعه فاتحه و قرآن برای من بخوانید. اگر مزاحم نباشم، دیگر مزاحم شماها نمی‌شوم. دعای امام را فراموش نفرمایید (خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دارد).

64/10/1 یکشنبه محل مدرسه علمیه امام خمینی

عبادالله همتی

1- در اصل وصیت «بر شهادت».

2- در اصل وصیت «ببوشاید».

پول‌هایی که قرض داده‌ام:

- 1- آقای ابراهیم عباسی حدود 5000 پنج هزار تومان. این پول خمس دارد.
 - 2- آقایان مسلم حیدری و علی دانش نوفانی، هر کدام 600 تومان
 - 3- آقای محمود نوراللهی 300 تومان
 - 4- آقای عین‌الله یگانه 250 تومان
- دیگر یادم نیست.

کسانی که به من قرض داده‌اند:

- 1- محمد بی‌طرفان پاسدار قم 500 تومان
- 2- حشمت‌الله شنبه‌ای، ایلام، طلبه 300 تومان
- 3- برادران رضا غیبی و حاج عباس قاسمی، قم بسیجی، هر کدام 250 تومان
- 4- یوسف همتی مقدار 400 تومان
- 5- احمد زیدی حدود 100 تومان
- 6- آقای موسی رحمتیان به گفته خود ایشان 1100 تومان.

از شما دوستان و آشنایان هر کس پولی با چیزی از من می‌خواهد آنرا بگیرد. قرض‌هایی که دارم به بدهکاری‌هایم بدهید و بقیه را به پدرم بدهید که خرج فرزندانش کند. حدود 50 روز روزه قرضی که در جبهه بوده‌ام، قرض دارم، دوستان برایم بگیرند. نماز قضا حدود یک ماه شبانه روزی برایم بخوانید

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند سعادت شهادت را به من عنایت فرمود. [از طرف] من از تمام اهالی دهکده خودمان طلب عفو کنید و اگر کسی پولی پهلویم یا احیاناً چیزی، بالاخره هر چه باشد آن را بپردازید و اگر پهلوی کسی پول داشتم، بگیرید اگر لازم بود برای¹ خودتان بگذارید² و اگر لازم نبود برای جبهه بفرستید. از آقای عزیز بگ قاسمی رضایت بخواهید، چونکه از

1- در اصل وصیت «بر».

2- در اصل وصیت «بگذار».

باغ ایشان میوه‌ای یا چیزی خورده‌ام. از محمد خاتونزاده هم هم‌چنین و راضی باشید، چونکه من یک ذخیره برای شما در قیامت می‌باشم. چونکه شهید می‌تواند خیلی آدم را شفاعت کند و به بهشت ببرد و شما هم مرا ببخشید که اگر کاری کرده‌ام که موجب ناراحتی شماها باشد. هیچ‌کار به آقای تفویضی نداشته [باشید]، چون من به ایشان تلفن کردم و گفتم که نرو ولی من رفتم.

التماس دعا

63/3/27

۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(اللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا لِمَا حَبَّبْتَ وَكُرِّفْنَا)

بِسْمِ اللّٰهِ يَا بَدْر صِدْقِ شَهِيدِ زِيَادِ بَيْتِ عَمْرِو بْنِ الْعَدَسِيِّ وَكَافِرِ
وَأَمْسَانِ رَافِعِ شَرَفِ عُلُوْمَاتِ خَوْشِ قَرَارِ دَعْوَايَا كَرِيمِ لَمْ يَكُنْ وَرَى حُجْرَتِ
مَجْدِ دَرْدِ رَحْمَتِ الرَّحْمٰنِ يَا زَوْجِ سَيْفِ دَرْدِ اِيْمَانِ بَادِي نَالَانِ وَقَلْبِي سِيَاهِ
از تو می خواهم که باز نظر لغت را به من بوی این بار حاجتم بس بزرگ و نهایت
کار است خدا یا از تو طلب چیزی می کنم که قاسم ابن ایمی از تو طلب خدا یا
عنوز شیرینِ سِرِّ سَعَادَتِ رَافِعِ سِدْرَةِ اَمْرِ بِلِي طَوْبِ كَرَمِ دَرِيَا فَنْتِ اَمِ از آن
مقامی بالا تر نیست پس یا رب بدر هفت کذا و هرا شاهدی شاهدی هر اید

⑤

وشهادت در راهت با نصیب این نیکو عقیدت بگردان -

با سلام به اولیاد اسم و ذرات و تاریخ الزام تا قائم و دارو در به ۱۴ امام
 معصوم و عا در حنیف و با سلام به پدر شوهر این حنیفی عالم شریک و با سلام به
 سون که از تبه قلبم بر سر شیزد به نایب الاسام آیت الله العظمی امام خمینی اینج
 خدا دوست خدا جوی و حضور توده ها مردم قهرمان امیران که با قیام هیچ نوبت -
 اش ما مردم جاهل را به راه نور هدایت فرمود - و با سلام به قائم تمام
 رهبری آیت الله... النظر منتظر و با سلام به تمامی یاران امام و با سلام به
 مردم قهرمان و شهید پرور اسیران و با سلام به خانواده گرامی و عزیزم که منج واقعا
 شرف خدا آنها هستم که از چشم کسی باعث درد سردی در شما خانواده عزیزم بودم
 امیدوارم که با شما دتم از من بگذرید و جدا جدا کسیر از شما یک تقاضا دارم

⑤

که بعد از شهادت من ختامی باشد و با عنایت خست محکم بی دهان جنا فقیح و
 دستناخ داخلی و خارجی برسد از شهادت من خوامم که بی شهادت من اعتبار کنند که
 اوست من یک ذخیره در کفرت بر شما با منم و ان شاء الله که میر دانسته باشد
 و از نظرف از حادرم (عنه) می خوامم که مرا بیفشد و از سبب حقیرات منع ننهد
 منع بی جیم زخم بر او ایستد و در شهادت من قوی در شفقت سعادت حقیر
 منافقین دانسته است یک پیام بر او ایستد و در شفقت از شما تقاضا دارم که از کارها
 قبلت با دست بردارید و راه مرا از دست دهید بر این مگر دنیا هیند و روز است خدا هر نفس
 احتمال هرگز دارد پس چرا انسان در این دنیا کسم انجان است گناه هر کس
 بود و چرا قاری که قبر من خیر می فراموش کند خیر اع قبری نماز بعد از راه خدا را
 پس که روز است یک پیام بر مردم در دست سعادت - مردم عزیز اولاد من خیر بود

④

و به لائق حجت که بر سر سپاهم برجم و ای جبرئیل لازم دیدم و هند و طب هند فرمودم
اول انبیه من از سما تقاضا دارم که فرزندان را از ضرب تربیت کنی که به گناه روی آورند
تا با انبیه از سما تقاضا دارم راه از دواج را بر این جوانان تا چشم و خرد و جسم پیر شده کنید
چرا اینقدر سخت می نریزید قدر حال دنیا چه هست که انقدر دخترها بیایان را در دنیا
نگه می دارید شما اندر دخترتان را به یک پسر فقیر بدهید هم غیر دنیا و هم آخرت است
تا به او نتواند بر سر شما تلویزیون زنی بگذرد و آیا خدا را خرابی می کنید یا سیر
بخاطر خدا از دنیا بگذرید و فرزندان را با هم استخوان از خیر دنیا بپندیرید
ثالثاً اصول دین و فروع دینتان را بخوبی انجام بدهید که اگر جاهل که فهم و نگاشتن
داده اند، به ضرورت آن حرام است گویم کنید و زنی خودتان را خوب کنید و در راه
خدا دینتان را تکمیل کنید خدا همه از سما تقاضا می کند که یک حسنه از او ببرد.

۱

پیام به پدر فراهی و عزیزم

پدر جان از همه محضرت من خواهم که نه تنها بر اسباب کار پدرم مبلغ هر چه میسر شود
 برای همه جویم امیدوارم که بیغشیه از شما تقاضا دارم که خودت باخ را جدایی من
 بنا داشتی خنیر و همسایه از این فرزند حقیرت باخ نه تنها ناراحت نباشی بلکه اعتقاد
 کنی که چنین فرزند تو بی تو بی جامعه اسلامی راه او را از شما خواهی هم نمی که ملازم
 خودت باخ را منتظر جلانی و با جبر باخ هست که هر چه بدی باخ دشمنان اسلام

فرزند **محمد** (یک پیام به دوامان عزیزم)

پدر جان لطیف من از بچه باغ ناراحتی من بودم و بد است تا راهی ایجاد
 کردم شما صبح بر این فرزند فراهی خودم فرزند من خوش بتردم امیدوارم که با بزرگواری
 فرزند مرا بیغشیه از شما تقاضا دارم که اهل خودت باخ حرف از این برادر کوچکت

②

حاج عمل بیرون نبر که بعد از چهل حج مقدمات از بلوچ با فراهم سازی بر طرفه با ایدان
 کار موفق بدار برسد حاج فتح و احم را تسبیحی دارم و بدار خدا خودم را فدای کار
 امید دارم که شما ناراحت نباشید و سر بلند فرجایه بشاید برادر انم عزت الله و حق تعالی و روح
 حسن بخوانید و راه براندازم و اللهم به هدیه که تمام به شما احتیاج دارم - قول خدا نمیدانم
 که نمیشد ناراحت باشی از خدا بوسه میدارم و احوال خودم تریب ربیع بعدی دارم که در
 تربیت فرزندان کوسا باشی و در اینجند که صدی شما را از دست کرده اقم از تمام مردم
 حدت معذرت میفرمایم که نتوانستم به شما خدمت کرده باشم ان شاء الله و احوال خوبت حیران
 کنم - از حساسه درام می خواهم که دستهای قبلی را بر این بیان
 نکنند از زنها می خواهم که کارهای مثل خون مردون صورت کنند و کاسه
 نهند اگر می خواهم روح من و برادر و محراب من حق بکنید و قرآن بخوانید

④
که هیچ مونس در شب اول قبر بهتر از قرآن نیست سبحان جمع تا تم و قرآن برا
من بخواند امر منزلعم بنامم کبر خدا هم سما هانم سوم و امام
فرمودن نفرانید رجاء اخوان انقلب من عند الله طلع
- از ۱۳۷۱ کتبه محل مدرسه عمیم امام حسین -

عادل محمد

چو کهایه قرض دادام (4)

- ۱- آقا ابراهیم عباسی هرود ... ۵ پنج هزار تومان اربعه پول خمس دارد -
- ۲- آقا مایین مسلم شیرازی ماسنه مخمر کرام ۶۰۰ تومانی
- ۳- آقا محمد نوزاد اسم ۳۰۰ تومانی
- ۴- آقا علی اسمعیل ۲۵۰ تومانی

و نیز رعایت کسبانی ۲۰۰۰ تومانی قرض داده اند

- ۱- محمد لطفان پادشاه ۵۰۰ تومانی
 - ۲- حضرت آقام کسبانی دیدام ۳۰۰ تومانی
 - ۳- برادران رضایی و صاحب ماسنه اسمعیل هر کدوم ۲۰۰ تومانی
 - ۴- یوسف هدیه خندار ۳۰۰ تومانی
 - ۵- احمد زید صدور ۱۰۰ تومانی
 - ۶- آقا موسی رحمانی ۱۰۰ تومانی - از تمام نوشته ها و اسنادی هر کس برده چیز از منبر خواهد انرا ببرد - قضا که درم مدحکار با هم به هدیه و بقیه
- لابه پدرم به حدی که خرج فرزندانش کنند - حدود ۵ روز روزه قرض ۳۰۰ در جمع بوده ام
 حرفی دارم نوشتن برای نذر نماز قضا حدود کتبا و کتابه نذر برای خود بنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بداوند سزاوارست که دست را به من عنایت فرماید و از تمام احوالی دهکده

زمان طلب عفو کنید و اگر کسی بیگانه یا محلیم یا احیاناً چیزی را از من

مرحبانه آرزایید در من و اگر چه محلی کسی بودم یا کسی را از من بود

را خودتان را عیب دارد و اگر لازم نبود بر این جمع بفرستید - از آثار عزیز ملک ماسی

ضمانت می خواهم چونم از باغ امین منید ای یا عزیز خرد دلم از همه فرزندانم

همچنین - و راضی باشم چونم من که در خیر برای که در قیامت چه باشم چونم شما

می توانم خطی تا دم راست کند و بجهت یزد و گاه مرا ببیند که اگر کار

که بدلم که مرحبانه راهی نگاه باشم - هیچ کار به آنرا نفع نعل ندانم

چون من با آنرا - منم که در وقت که بودم در من راضی است
۱۳۲۲

نام: اردشیر
نام خانوادگی: هنجاری
نام پدر: احمد
نام مادر: فلک‌ناز
تاریخ تولد: یکم فروردین 1349
محل تولد: روستای شیخ‌مکان از توابع
شهرستان دره‌شهر
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یکم مرداد 1367
محل شهادت: میمک
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ خیال نکنید که شهدا می‌میرند بلکه زنده‌اند.
- ۱ آفرین بر شما پدر و مادر مهربانی که چنین فرزندی را برای اسلام و میهن اسلامی ایران پرورش دادید.

اردشیر هنجاری

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدایی¹ که ما را آفرید و ما را دوباره بازمی‌گرداند. من امشب وارد یک نبرد پرعشق و شور [شدم] و نبردی که می‌خواهم با برادران دیگرم به دشمن پلید² حمله ببرد³ و از میهن خویش دفاع خواهد کرد و آفرین بر شما پدر و مادر مهربانی که چنین فرزندی را برای اسلام و میهن اسلامی ایران پرورش دادی تا از ناموس و مملکت اسلامی دفاع نماید⁴ و وصیت من این است که برای من ناراحتی نکنید و به جای ناراحتی شیرینی بخرید⁵ و به مردم بدهید. همیشه شادمان باشید و خیال نکنید که شهدا می‌میرند بلکه زنده‌اند. و چشم انتظار دیگر برادران خود هستند. و من 1500 تومان به⁶ فتح‌الله پایدار و 1000 تومان به⁷ صبیری پدر [...] بدهکارم و از شما می‌خواهم که برای شادی روح من آن‌ها را بدهید.

این وصیت⁹ من است. مادر به تو کردم. اگر [مرا] نمی‌شناسی، اردشیرم، فرزندان¹⁰ به یادم¹¹ بیاور. من چندین سال با شما زندگی کردم. من رفتم خداحافظ مادر. پدر، برادرانم علی‌شیر، علی میر، روح‌الله، رسول، مهدی، خواهرانم اکرم ناراحت نباشید¹² برایم، من

-
- 1- در اصل وصیت «خدای».
 - 2- در اصل وصیت «پلید».
 - 3- در اصل وصیت «برود».
 - 4- در اصل وصیت «نمایم».
 - 5- در اصل وصیت «خرید».
 - 6- در اصل وصیت «از».
 - 7- در اصل وصیت «از».
 - 8- در اصل وصیت ناخوانا.
 - 9- در اصل وصیت «وصت».
 - 10- در اصل وصیت «فرزندان».
 - 11- در اصل وصیت «بیادام».
 - 12- در اصل وصیت «نباشی».

می‌روم و دیگر تو مرا نخواهی دید. مرا ببخشد اگر حرف تندی به شما زدم. خواهرم زینب، زینب بیا بیا من دارم می‌روم. سفری¹ دور و دراز و تو چشم انتظار می‌مانی یا نه؟ راستش کاش انجام بودم و یک بار تو را می‌بوسیدم. سخنی با مادرم: مادر جون به جای من زینب را و برادرانم² و همچنین اکرم، خواهر بزرگم را ببوسید. خدا حافظ مادر خدا حافظ پدر.

اردشیر³

67/4/25

1- در اصل وصیت «صفری».

2- در اصل وصیت «برادرانم».

3- در زیر وصیت این نشانی آمده است: «آدرس: درّه شهر - کوی مدرس، منزل شخصی احمد هنجاری».

بسم الله الرحمن الرحیم
و جنابہ اقدسہ مبارک
۶۷/۴/۲۵

من اشب داریک نبو پر عشق و شور و نغمہ سے من خواہم

با برادران دیگم بہ دامن پدیم جملہ پرود و ازہین خوبتر

دعای خواہم کہ در آفرین بر شما پرودمانہ ستم نایم کہ چنین فرزندان

را برابر اسلام و عین اسدای ایران پرورش دایم تا اناموس

و مکتب اسدای دفاع نیام و وصیت من این است کہ براس

من ناراحتی نکلید و بہ جا نزاراحتی سیرینی خرید و بہ مردم

بہ دیدہ ہمیشہ شادمان باشیہ و خیال نکلید کہ شرمای میرند

بدلہ زندانہ و چشم انتظار دیدہ برادران خود دستند

و من ۱۵۰۰ تومان از فتح اوردہ یا بیار و ۱۰۰۰۰ تومان از مسیری
بدریگو

بمکارم و از شما می خواہم کہ بڑی شای روح من آغا را ببندید

ایع و صیت من است مادر به تکه کدوم آمدنی شناسی
 اردشیرم فرزندان بیادام بیاد و رمن حیدر شال با نمازنی
 کدوم من رقتم خدا حافظ مادر پدر - برادرانم علی سید
 علی سید - روح او - رسول رسد خواهرانم آرام ماراحت
 نشی بر ایم من م روم و دیگه ترا خواص دیدم مرا بیخنده آمد خدا
 تندرستیم از دم خواهرم زینب زینب بی بی من دارم
 من روم صفر دور و دراز و تو چشم انتظار من مانی بیانه
 راستش کاش افر بودم و سب یا از تو من یوسیه من مننی با مادام
 مادر جون به جای زینب و برادر من و بعلین آرام خواهر من
 زایوسیه خدا حافظ مادر خدا حافظ پدر کدوم من
 آدرس در شهر - کدوم من سوله مننی
 احمد هنجاری

نام: علی
نام خانوادگی: والایی
نام پدر: احمد
نام مادر: فوزیه
تاریخ تولد: سوم بهمن 1344
محل تولد: روستای علی آباد علیا از توابع
شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: پایان دوره متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: سی ام اسفند 1366
محل شهادت: قصر شیرین
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ راه خود را که راه مبارزه با کفر و شرک و بت پرستی است تا قطع فتنه در عالم ادامه خواهیم داد.
- ۱ شجاعت و مردانگی و عصمت و طهارت یکی از اصول اصلی صفات امام معصوم و پیامبران است.
- ۱ ای پدرم اگر خدا به حال من محبت کرد و شهید شدم مبدا گریه کنید.
- ۱ فردای محشر و روز واپسین شهید از همه افراد افضل تر است.
- ۱ امیدوارم که این جنگ به نفع اسلام و اسیران مظلوم هرچه زودتر خاتمه یابد.

علی والایی

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»¹

«قسمتی از وصیت‌نامه شهید دیپلم و وظیفه گروهبان سوم تکاور علی والایی جزء لشکر 81»
«آن‌انکه در راه خدا کشته می‌شوند مرده نپندارید بلکه آنان زنده هستند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند.»

با سلام خدمت پیرجماران²، بت‌شکن زمان، صحابه ابراهیم (7)، امام امت و با سلام خدمت تمامی شهدای گلگون کفن اسلام، بخصوص شهدای عزیز و گرانقدر انقلاب اسلامی که خون آن‌ها تداوم حرکت انبیاء و راه آن‌ها راه مبارزه با دشمنان دین اسلام است و با سلام خدمت خانواده‌های صبور و غیور آن‌ها و با سلام خدمت یکایک رزمندگان اسلام و با سلام فراوان خدمت ملت مظلوم و سلحشور ایران.

مادر و پدر گرامیم: مبادا که گریه کنید، مبادا که گریه کنید چون فرزند دل‌بند و جگر گوشه تو با اتکاء به خداوند منان عزم راسخ خود را تا دفع تجاوز بعثیان کافر و ابرقدرت‌های شیطان صفت و تا لحظه آخر یعنی یا شهادت و یا زیارت به‌کار خواهد گرفت. راه خود را که راه مبارزه با کفر و شرک و بت‌پرستی است تا قطع فتنه در عالم ادامه خواهیم داد. و حکومت بعث³ و کثیف بغداد و حکومت‌های مزدور حامی او باید بدانند که نه تنها ما سربازان امام زمان، بلکه زن و مرد و پیر و جوان و کودک و خردسال همگی ندای جنگ جنگ تا رفع فتنه در، عالم و جنگ جنگ تا پیروزی نهایی را سر می‌دهند. تا بدست آوردن این هدف بزرگ از پای نخواهند نشست. آری، شجاعت و مردانگی و عصمت و طهارت یکی از اصول اصلی صفات امام معصوم و پیامبران است و ما هم ادامه

1- آل عمران/ 169.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

دهنده مبارزه جدی و خستگی‌ناپذیر و شهادت‌طلبانه آن‌ها هستیم و تا لحظه شهادت و یا زیارت این معصومان و بزرگمردان از پای نخواهیم نشست.¹

آری «شهید قلب تاریخ است»² و از همه افراد هم افضل‌تر است و با توجه به درک سیاسی و مفهوم اصیل و اصلی و انسان‌ساز مکتب رهابخش اسلام جان و مال و آرزوی خود را تا لحظه آخر ندای اسلام، امام و دفاع از میهن اسلامی و اهداف بلند مرتبه آن می‌کند. من هم پدر و مادر: همانند هزاران گل پر پر از گلستان ایران پیوند ناگسستنی خود را که پیوند «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»³ است با امام و مردم و با شهدای کربلا تحکیم بخشیده‌ام و برای دفاع از وطن اسلامی و آب و خاک آ و برای ستاندن حق شهرهای به‌غارت رفته مهران⁴، سرپل ذهاب⁵، قصرشیرین⁶ و دهلران⁷ تا لحظه شهادت و پرواز به ملکوت اعلاء از پای نخواهم نشست⁸، پس ای پدرم اگر خدا به حال من محبت کرد و شهید شدم، مبدا گریه کنید. چون فردای محشر و روز واپسین شهید از همه افراد افضل‌تر است. پدرم امیدوارم که در این نبرد که جنگ «بین کفر در مقابل اسلام است»⁹ بتوانم به سهم خود به ندای بلند «هل من ناصر ینصرنی» حسین (7) و فتوای امام لیبیک گفته باشم و امیدوارم که این جنگ به نفع اسلام و اسیران مظلوم هرچه زودتر خاتمه یابد.

با آرزوی طول عمر برای رهبر کبیر انقلاب و به امید پیروزی رزمندگان اسلام و آزادی اسرا.

علی والابی

1- در اصل وصیت «نشت».

2- این تعبیر از دکتر علی شریعتی است.

3- آل عمران/ 103.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «نشت».

9- امام خمینی معتقد بود جنگ ایران و عراق، جنگ اسلام و کفر است (صحیفه امام، ج 18، ص 56).

«رِسْمِ رَسْمِ شَهَادَةِ وَالْحَبْلِ الْقَبِيْلِ»

«وَلَا تَجِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيَ بَنُوهَا مِنْكُمْ يَتِيمُونَ»

«تستی از وصیت نامه قصید دیبلم وظیفه سر و هبنا نسوم نقا در علی و الی جزه شکره ۸۱»

شهری راقی - ۲۰۵۸۶، ۶۲ -

آنانکه در راه خدا کشته می شوند سرورده نپذیرد بر عهده آنان زنده هستند و در نزد خدا که خود روزگاری خودخوانده

با اسلام خودت پیرو جباران ، بت شکن زمان ، میانه ابراهیم ، امام است و با اسلام خلافت ساسی

شهادت کفر لغو است ، مخصوص شهادت میز و دیگران در انقلاب اسلامی که خون آنها نوا دم حرکت

انبیاء و راه آنها راه مبارزه با دشمنان دین اسلام است و با اسلام خودت خانه نوازه های مبرور و غیر آینه

و با اسلام خدمت یکایک روزگار است و با اسلام نزاران خدمت مفت مظلوم و سلسله اسیران

مادر و پدر را میم : مبارزه کرده کنید ، مبارزه کرده کنید چونکه عزیزند دلبسته و جگرگوشه تو با آنها ، به خود روز

مناق عنم و اسخ خود را تا دفع تجاوز بهشیا که ما ضرر و بر قدرتهای شیطان صفت و القلم آخر صفتی یا شاد است

و یازارت بکار خود خواهد گرفت ، و راه خود را که راه مبارزه با کفر و شرک است ، پرستی است ، تا قطع

نشته در محام ادا هم خواهد داد و حکومت عدت و کشف بجزاد و حکمهای مزدور های او با یزدان نند

که نه تنها ما سر بر زان امان برماند بلکه زن و مرد و پسر و جوان و کودک و خود سال هفتای ندای جنگ نند

سازم نشته در محام و جنگ جنگ تا پیر و زنی نهایی را سر بری دهند و تا بدست آوردن این هدف بزرگ

از پای نخواهند نشست ، آری ، شجاعت و مردانگی و محصمت و طهارت یکی از اصول اصلی صفات

ایمان محصوم پر یا سیران است و ما هم ادرام دهنده مبارزه جدی و خستگی ناپذیر و شجاعت طلبانه

آنجا هستیم و ما حفظ شهادت و ایثار است این معلمان و بزرگسواران از پای نخواهیم نشست .
 آرزوی شهید قلب تاریخ است و از همه افراد هم افضل تر است . و با توجه به بدست سیاسی و منحرف
 اصیل و اصلی و انا ساز مکتب در بخش اسلام دین و سال و آرزوی خود را تا حفظ آخوندی اسلام ، امام
 و رفیق لرزیمن اسلامی و اهداف بلند مرتبه آن می‌گفتم منم پیرو ما درم : همانند حضرت ابراهیم علیه السلام
 گفتند ایران پیوندنا نشستی خوراک که پیوندنا و اعصارا جمیل الله جمیعاً و لا نقر کریمت ۱۱ با ۱۱ م و سرور و
 به شهادت ایثارگر تعلیم خسته ده ۱۱ برای دفاع از وطن اسلامی و آب و خاک آن و برای ستادن حق
 دشمنهای بغارت رفته مسلمان ، سر بل ذهاب و دهر شیرین و دهلران تا لفظ شهادت و پیروز
 به مکتوبات اعلام از پی نخواهم نشد . پس ای پدرم اگر خدا بداد من بیعت کرد و شهید شدم
 مبارک گویید چون غمناک مشهور و زنده و پسین شهید از همه افراد افضل تر است . پدرم
 امیدوارم که زبان نبوک ، جنگ بین کفر در مقابل اسلام است بتوانم به جسم خود به ندرای بلند
 هل من نامسرا اینصرتی حسین و فتوای آدم لیک گفته باشم و امیدوارم که این جنگ به نفع اسلام
 و ایران نطفم صریح زودتر خاتمه یابد .

با آرزوی طول عمر برای رهبر کبیر انقلاب و امید پیروزی زنده گان اسلام و آزادی اسرا .

علی دلائی

نام: عبدالرسول
نام خانوادگی: وحیدنیا
نام پدر: صالح
نام مادر: نارنج
تاریخ تولد: هجدهم تیر 1340
محل تولد: عراق
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و سوم تیر 1361
محل شهادت: کوشک
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: بخش صالح آباد از توابع
شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا به جبهه حق علیه باطل عازم شدم تا شاید با اهداء خون بتوانم خدمت ناچیزی در راه اسلام بنمایم.
- ا از خداوند می‌خواهم که اسلام را پیروز گرداند و به امام ما عمر طولانی عطا فرماید.
- ا از برادرانم می‌خواهم که هرگز بر جای نشینید.
- ا ما به دفاع از اسلام راهی جبهه حق علیه باطل شدیم.
- ا این انقلاب خونبهای شهیدان عزیزمان [است] که با خون خود این راه را به پیروزی رسانیده‌اند.
- ا برادرانم رهبر ما، این امید مستضعفین را پشتیبانی نمایید.
- ا نگذارید امام تنها بماند.
- ا مادرم نگران نباش، خمس پسرانم را باید بدهی، شاید من به عنوان خمس پسرانم انتخاب شده‌ام.
- ا برادرانم از مبارزه در راه حق یک لحظه غفلت نکنید.
- ا خواهرانم با حفظ حجاب مشت محکمی بر دهان شیاطین زمان بزنند.

عبدالرسول وحیدنیا

بسم الله الرحمن الرحيم

در تاریخ 61/1/11 به جبهه حق علیه باطل عازم شدم تا شاید با اهداء خون بتوانم خدمت ناچیزی در راه اسلام بنمایم و از همه حیثیت ایران دفاع بنمایم. شما با وحدت کامل و با پشتیبانی کامل از اسلام به رهبری امام امت این انقلاب باشکوه را به ثمر برسانند. و از خداوند می‌خواهم که اسلام را پیروز گرداند و به امام ما عمر طولانی عطا فرماید. و چند کلمه‌ای با مادرم دارم مادر از شما می‌خواهم که هرگز در سوگ من ناراحت نباشید، چون این راه، راه همه افراد مسلمان باید باشد. و از برادرانم می‌خواهم که هرگز بر جای ننشینید.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

عبدالرسول وحیدنیا

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

متن وصیت‌نامه شهید حاج عبدالرسول وحیدنیا
«بکشید سردمداران کفر را»¹

اینک انقلاب ما به پیروزی رسید. دشمنان اسلام از هر به سو به این انقلاب حمله می‌کنند. از جمله حمله عراق به تحریک آمریکا «شیطان بزرگ»²، پس وظیفه هر فرد مسلمانی است به دفاع از اسلام و کشور اسلامی خود پردازد. همان‌طوریکه امام عزیزمان می‌گوید «که جوانان خودشان باید بروند و به جنگ خاتمه بدهند»³ و ما به دفاع از اسلام راهی جبهه

1- «فَقَاتِلُوا أئِمَّةَ الْكُفْرِ»، سوره توبه، بخشی از آیه 12.

2- «تعبیر شیطان بزرگ» نخستین بار توسط امام خطاب به آمریکا بیان شد.

3- جمله امام این است: «این جوان‌های ما هستند که باید این سرنوشت را به آخر برسانند» (صحیفه امام، ج 18، ص 43).

حق علیه باطل شدیم، تا بلکه بتوانیم دین خود را ادا کنیم و اگر در این راه سعادت پیدا کنم و شهید شوم چندین کلمه وصیت می‌کنم: برادرانم، این انقلاب خونبهای شهیدان عزیزمان [است] که با خون خود این راه را به پیروزی رسانیده‌اند. پس در حفظ و نگهداری آن کوشا باشید و از آن پاسداری نمایید، حتی اگر چندین برابر روزهای اول شهید بدهید. برادرانم رهبر ما این امید مستضعفین را پشتیبانی نمایید و نگذارید امام تنها بماند. در پایان چندین کلمه با خانواده‌ام می‌گویم اول مادرم:

مادرم نگران نباش، خمس پسرانت را باید بدهی، شاید من به عنوان خمس پسرانت انتخاب شده‌ام، پس شیون مکن مادر، این امانتی است که خداوند به شما داده حالا، پس می‌گیرد. چه خداوند بخواهد¹ همه آن‌ها را با هم بگیرد و چه یکی یکی. بالاخره کاری نکن که دشمن از ناراحتی تو خوشحال بشود. برادرانم از مبارزه در راه حق یک لحظه غفلت نکنید و همیشه در فکر انقلاب باشید و خواهرانم با حفظ حجاب مشیت محکمی بر دهان شیاطین زمان بزنند و در آخر با همه شما خداحافظی می‌کنم و شما را به خدا می‌سپارم.

به امید پیروزی اسلام بر کفر

تاریخ 61/4/11- عبدالرسول وحیدنیا

عقل فرزند
و حیدر علی
در این ایام فراخ و مکرر در پیش
فراقت حاصل شد چون این را
در حد الرادستان
و از رادانی فراخ و مکرر
~~.....~~
در این ایام فراخ و مکرر
.....
ایرین و حیدر



شهید حاج عبدالسور و وحیدیا

بسم تعالی

متن وصیت‌نامه شهید حاج عبدالرسول وحیدیا

***** بکشید سر دمداران کفر را *****

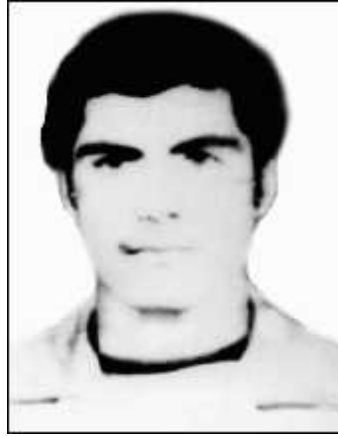
اینگ انقلاب ما به پیروزی رسید دلستانا اسلام از هر به سو به این انقلاب حمله میگردان جمله حمله عراق به تحریک آمریکا شیطان بزرگ پس وظیفه هر فرد مسلمانی است به دفاع از اسلام و کشور اسلامی خود بپردازد همان طوری که امام عزیزمان میگوید که جوانان خودشان باید بروند و به جنگ خانم ننهند و ما به دفاع از اسلام راهی جبهه حق علیه باطل شدیم تا بلکه بتوانیم دین خود را ادا کنیم و اگر در این راه سعادت پیدا کنیم و شهید شوم چندین کلمه وصیت میکنم: برادرانم - این انقلاب خونهای شهیدان عزیزمان که با خون خود این راه را به پیروزی رسانیده اند پس در حفظ و نگهداری آن کوشا باشید و از آن پاسداری نمائید حتی اگر چندین برابر روزهای اول شهید بدهید برادرانم رهبر ما این امید مستضعفین را پشتیبانی نمائید و نگذارید امام تنها بماند در پایان چندین کلمه با خانواده ام میگویم اول مادرم:

مادرم نگران نباش حسن برسرالت را ندیدم شاید من بعنوان حسن برسرالت انتخاب شده ام پس شوی منم مادر، این امانتی است که خداوند به شما داده حالا پس میگیرد چه خداوند نخواهد همه آنها با هم بگیرد و چه یکی یکی بالاخره کاری نکن که دشمن از ناراحتی تو خوشحال بشود برادرانم از ساززه در راه حق بک لحظه غفلت نکنید و همیشه در فکر انقلاب باشید و حواهرانم یا حفظ حجاب مشیت محکم بر دهان شیاطین زمان بزنند و در آخر با همه شما حذاحفاظی میکنم و شما را به خدا می سپارم .

به امید پیروزی اسلام بر کفر

تاریخ ۱۱/۴/۹۱ - عبدالرسول وحیدیا

نام: پرویز
نام خانوادگی: ولی بیگی
نام پدر: یارقدم
نام مادر: بدری
تاریخ تولد: یکم آذر 1339
محل تولد: روستای بلاوه تره از توابع
شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری
تاریخ شهادت: هشتم فروردین 1359
محل شهادت: قصر شیرین
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای امامزاده محمد
شهرستان کوهدهشت



عبارت‌های کلیدی

- ۱ من در راه الله و احکام اسلامی و به پشتیبانی امام امت و مردم محروم برخاسته‌ام و تنها هدفم فقط الله است.
- ۱ از مرگ و شهادت بیمی ندارم.
- ۱ هرگز این فرایض الهی را فراموش نمی‌کردم.
- ۱ باید از آب و خاک و امام عزیز و مردم شهیدپرور و محروم ایران دفاع نمایم.
- ۱ تنها آرزوی من شهید شدن در راه اسلام عزیز و امام بزرگوار و امت شهیدپرور است.
- ۱ سلام و درون فراوان به رزمندگان اسلام و شهیدان به خون خفته اسلام می‌کنم.
- ۱ اگر در جنگ با کفار شهید شوم در روز قیامت زنده هستم.

پرویز ولی بیگی¹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»²

من که در راه الله و احکام اسلامی و به پشتیبانی امام امت و مردم محروم برخاسته‌ام و تنها هدفم فقط الله است و از مرگ و شهادت بیمی ندارم. من جوانی هستم که در کوچکی به درس خواندن و یاد گرفتن مطالب قرآنی علاقه بسیاری داشته‌ام و با تقلید از پدر و مادرم نماز خواندن را یاد گرفتم و هرگز این فریضه الهی را فراموش نمی‌کردم. به پدر و مادرم خیلی علاقه دارم چون برایم زحمتهای بسیار و شب‌نخوابی‌ها کرده‌اند و من خود را مدیون زحمتهای آن‌ها می‌دانم. حال تا اینکه به خدمت مقدس سربازی جمهوری اسلامی ایران آمده‌ام و فکر می‌کنم باید از آب و خاک و امام عزیز و مردم شهیدپرور و محروم ایران دفاع نمایم و تنها آرزوی من شهید شدن در راه اسلام عزیز و امام بزرگوار و امت شهیدپرور است. اکنون که دارم این نامه را می‌نویسم در سنگر حق علیه باطل در منطق تنک آب قصر شیرین هستم و با کفار بعثی³ صدامی جنگ می‌کنم، با اینکه در سنگر هستم و [ولی]⁴ نمی‌توانم بیشتر از این مزاحم شما شوم.

سلام بی پایان [را] که از قلبی پاک و بسیار کوچک و در میان سنگرهای حق علیه باطل برمی‌خیزد، نثار امام عزیز و مردم شهیدپرور اسلام می‌نماید. سلام و درون فراوان به رزمندگان اسلام و شهیدان به خون خفته اسلام می‌کنم.

سلام به پدر و مادر عزیزم که امیدوارم وقتی این نامه را به دست شما می‌دهند و آن را می‌خوانید، برایم ناراحت نشوید، چون من اگر در جنگ با کفار شهید شوم در روز قیامت

1- بالای وصیت نوشته شده: «بسمه‌تعالی - وصیت‌نامه برادر شهید پرویز ولی بیگی».

2- طه/55. ترجمه: «ها شما را از همین خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی‌گردانیم و هم بار دیگر از این خاک بیرون می‌آوریم».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «و» آمده است.

زنده هستیم. همان طوری که می گویند شهیدان زنده اند، الله اکبر، تمامی شما عزیزان را به
خدای بزرگ می سپارم.

سرباز شهید پرویز ولی بیگی

بسم الله تعالی

مخیر الله بن محمد شمسیر پسر زید و علی

منها خلقا هم وضا لعمیرک وضا تخیرکم تارة اخرى .

بسم الله الرحمن الرحیم و انما اعطاکم الله و انما استقامت و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

ایم است و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

کتاب و کتاب و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم

و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم و سرزمینم



نام: یدالله
نام خانوادگی: ولی نژاد
نام پدر: میرولی
نام مادر: کوکب
تاریخ تولد: چهارم تیر 1346
محل تولد: روستای سلطانقلی سفلا از توابع
شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای پیرحمزه شهرستان زادگاهش

عبارت‌های کلیدی

- ۱ وصیت من این است که خانواده‌ام از جمله پدر و مادر و برادران و خواهرانم تحت الامر امام خمینی و مدافع میهن و وطن خویش باشند.
- ۱ من در جهت دفاع از میهنم در خط مقدم جبهه، با سلاح گرم ایمان با دشمنان اسلام و ایران مبارزه می‌کنم.
- ۱ اگر چنانچه سعادت یافتم و شهید شدم شما حافظ خون من و شهدا و امام شهدا و اسلام و ایرانم باشید.

یدالله ولی‌نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بی‌کران به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و شهیدان در خاک و خون خفته ایران. وصیت¹ من این است که خانواده‌ام از جمله پدر و مادر و برادران خواهرانم تحت الامر امام خمینی و مدافع میهن² و وطن خویش باشند. و جهت دفاع از اسلام و خون شهیدان لحظه‌ای³ دریغ نورزند و از جان گذشته باشند. و همچنین وصیت من به برادرانم این است که من در جهت دفاع از میهنم در خط مقدم جبهه، با سلاح گرم ایمان با دشمنان اسلام و ایران مبارزه می‌کنم و شما در پشت جبهه از طریق علم و فرهنگ و ادب درس‌هایتان را ادامه دهید و در پایان اگر چنانچه سعادت یافتم و شهید شدم، شما حافظ خون من و شهدا و امام شهدا و اسلام و ایرانم باشید.

شهید یدالله ولی‌نژاد

1- در اصل وصیت «وصت».

2- در اصل وصیت «میهن».

3- در اصل وصیت «لحظه».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و درودی که برای برهبر کبیر تقدیر امام خمینی و شهیدان در خاک و خون
خفته ایران. وصیت من این است که خانواده ام از جمله پدر و مادر و برادران
ظواهر ام تحت الاسرا امام خمینی و مدافع حسین و وطن خویش باشند
و جهت دفاع از اسلام و خون شهیدان لحظه در هیچ نوزند و از جان
گذشته باشند. همچنین وصیت من به برادرانم این است که
من در جهت دفاع از میهنم در خط مقدم جبهه، سلاح کرم ایمان با دشمنان
اسلام و ایران مبارزه می کنم و شما در پشت جبهه از طریق علم و فرهنگ
و ادب در سبقتان را ادامه دهید. و در بیان کفر جن نیم معارت
یا فتح و شهید شدم عسا حافظ خون من و شهدا و امام شهیدان
و اسلام و ایرانم باشید.

پاره ای از وصیت نامه

شهید برادر علی شریلی

نام: صیدنبی
نام خانوادگی: ولی زاده
نام پدر: علی زمان
نام مادر: نشمیه
تاریخ تولد: ششم مهر 1348
محل تولد: روستای حسن گاوآبادی از
توابع شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نهم مرداد 1362
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان
مهران



عبارت های کلیدی

- ا اگر کشته شوم پیروزم و اگر بکشم هم پیروزم.
- ا مادر جان تو فرزندی داری که خون حسین (7) در رگهایش جوش می خورد.
- ا اگر شهید شدم راه مرا ادامه دهید.
- ا پدر جان ما چرا در خانه بنشینیم و این کافرهای عراقی به خاک ما حمله کنند.
- ا پدر جان، می خواهم با کشته شدن من خروش بیشتر در دل شما بر پا شود.
- ا مادر جان، شما باید به وجود من که 15 سال دارم افتخار کنید که می روم می جنگم.
- ا اگر ایمان داشتید پیروزید و اگر ایمان نداشتید خود [بخود] دیر یا زود شکست خواهی خورد.
- ا مادر برایم دعا کن که تا می شود، بتوانم بعضی ها را از بین ببرم.

صیدنبی ولی زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه برادر شهید صیدنبی ولی زاده¹

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»²

الآن درست ساعت 10 شب است و می خواهم فردا عازم جبهه شوم. چند حرف دارم که به پدر و مادرم [بگویم] من به جبهه می روم. «اگر کشته شوم پیروزم و اگر بکشم هم پیروزم»³. مادر جان تو فرزندی داری که خون حسین (7) در رگهایش جوش می خورد و می خواهد این خون را زنده نگهدارد. مادر و پدر مهربانم اگر شهید [شدم] ناراحت نباشید. فقط یک چیز از شما می خواهم که اگر شهید شدم راه مرا ادامه دهید، که خدای نخواستہ ضدانقلابها خدشه ای به اسلام وارد نکنند. پدر جان ما چرا در خانه بنشینیم و این کافرهای عراقی به خاک ما حمله کنند و آبرو و حیثیت ما را از بین ببرند. می خواهم با کشته شدن من خروش بیشتر در دل شما بر پا شود.

مادر فرزند بزرگ کردن مشکل است و شب زنده داریها که برای من کرده اید، مشکل است و داغ فرزند [دیدن] مشکل، اما این مشکلات خود به خود حل می شود. آن هم گر فرزندان در راه خدا کشته شود. در راه دین [کشته] شود. شما باید به وجود من که 15 سال دارم افتخار کنید که می روم می جنگم. مادر و پدر مهربان، [جنگ] که بزرگی و کوچکی ندارد. جنگیدن باایمان است. اگر ایمان داشتید پیروزید و اگر ایمان نداشتن خود [بخود] دیر یا زود شکست خواهی خورد. مادر برایم دعا کن که تا می شود بتوانم بعضیها را از بین ببرم و تا آنها را از بین ببرم به پیش شما بر نمی گردم و این شعار برای همیشه در دل من جا کرده است:

1- برخی از کلمهها از وصایای شهید هنگام کپی کردن در حاشیه قرار گرفته و ناخواناست، یا کپی نشده است. به سیاق عبارت و کلام شهید کامل شده است.

2- آل عمران/ 169. در اصل وصیت «قتلو».

3- عبارت چه بکشیم چه کشته شویم تحت تأثیر سخنان امام خمینی است: «الشکر اسلام هیچ وقت شکست نمی خورد، اگر بماند پیروز است و اگر شهید شود باز هم پیروز است» (صحیفه امام، ج 13، ص 187).

صیدنبی نام باشد این شعارم
به عشق رهبرم از جان می‌گذرم
من می‌دانم شهادت در کمین است

به راه این شهادت افتخارم
که پیروزی دین با خون می‌نویسم
شتابان پیش می‌روم و حق همین است

62/5/6

بسمه تعالی

* وصیت نامه سردار شهید مهد نبسی ولی زاده *

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللہ اموالاً بل احوالاً عند ربهم یرزقون *

الآن درست ساعت ۱۰ شب است و من خواهم فردا نازم جبهه شوم چند حوت دارم که به پدر و مادر بگو
من به جبهه میروم اگر کشته شوم پیروزم و اگر بگشتم هم پیروزم * مادر جان تو فرزندی داری که خون حس
آنها در رگهایش جوش می خورد و من خواهد این خون را زنده نگه دارد * مادر و پدر مهربانم اگر شهید ش
نا راحت نباشید ، فقط یک چیز از شما می خواهم که اگر شهید شدم راه مرا ادامه دهید که در دل بخواب
خدا اهلش خدشه ای به اسلام وارد نکند * پدر جان ما چرا در خانه بدینیم و این کافرهای سراف
به خانه ما حمله کنند و آبرو و حیثیت ما را از بین ببرند من خواهم با کشته شدن من خروتن بیشتر
در دل شما برپا شود *

مادر فرزند بزرگ کردن مشکل است و شب زنده داریها که برای من کرده اند مشکل است و داغ فرزند د
مشکل ، اما این مشکلات خود بخود حل می شود آنهم اگر فرزندت در راه خدا کشته شود در راه دین کش
شود * شما باید بپوید من که ۱۵ سال دارم افتخار کنید که پیروز می جنگم * مادر و پدر مهربان من
که بزرگی و کوچکی ندارد جنگدن با ایمان است اگر ایمان داشته باشید پیروزید و اگر ایمان نداشته باشید
دیریا زود شکست خواهید خورد * مادر بگرام دعا کن که بتوانم بعضی ها را از بین ببرم و با آنها
را از بین ببرم بسمه پیش شما بر نمی گزدم و این شعار برای همیشه در دل من جا کرده است:

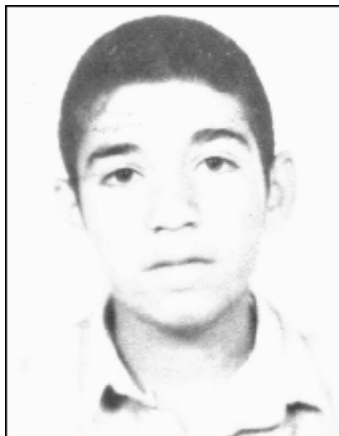
مهد نبسی نام باشد این شعاری	به راه این شهادت افتخارم
به عشق مهربم از جان میگذرم	که پیروزی دین با خون من بودم
من می دانم شهادت در کعبه است	شهادت پیغمبرم و حق همین است

* روحش شاد و یادش گرامی *

۶۲/۵/۶

××××××××××××××××

نام: عباسعلی
نام خانوادگی: ولی زاده
نام پدر: عبدالعلی
نام مادر: جمیله
تاریخ تولد: یکم فروردین 1349
محل تولد: روستای کچ کوبان از توابع
شهرستان دره شهر
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم آبان 1366
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ خداوندا چنانچه من لایق شهادت هستم و با خون من نخل اسلام بارور می شود حاضرم، به جان [و] دل می پذیرم.
- ۱ یک آرزو دارم آن هم دیدن امام عزیز است.
- ۱ بارخدایا مرگ سرخ [را] که بهترین سرنوشت انسان و انسانیت است نصیبم کن.
- ۱ ای کسانی که زندگی روزمره را موفقیتی برای عبور خود می دانید یک کم به خود آیید.
- ۱ جدم حسین (7) عرض می کنم اگر آنوقت نبودم یاریت کنم اکنون آماده جان دادن در راهت هستم.
- ۱ مادر چنانچه من شهید شدم افتخار کن.
- ۱ سنگر من را خالی نگذارید.
- ۱ گوش به فرمان امام عزیزتان باشید.

عباسعلی ولی‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»¹

این جانب عباسعلی ولی‌زاده فرزند عبدالعلی ساکن روستای گچ‌کوبان بخش براه در منطقه مهران و در مقابل دشمن بعثی، وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم. با دعا به جان امام امت و به امید ظهور امام زمان (عج) و به امید پیروزی رزمندگان کفرستیز اسلام.

خداوندا چنانچه من لایق شهادت هستم و با خون من نخل اسلام بارور می‌شود حاضرم به جان [و] دل می‌پذیرم و یک آرزو دارم آن هم دیدن امام عزیز است. بارخدایا مرگ سرخ [را] که بهترین سرنوشت انسان و انسانیت است نصیب کن که از برکت اسلام به رهبری امام امت از رهبرم و اتم شرمنده نشنوم و سرافراز، خوشقدم به جایگاه ابدی خویش بروم. و ای کسانی که زندگی روزمره را موفقیتی برای عبور خود می‌دانید یک کم به خود آید و فکر کنید که شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار از کجا آمده، به حریم شما تجاوز کرده و سخنان گهربار سید و امام جمعه تهران رئیس جمهور عزیز شما و رئیس مجلس شما برادر حجت‌الاسلام رفسنجانی² چه می‌فرماید و تکلیف چیست و من همیشه به انتظار روز جمعه می‌نشینم و این فرمایشات را گوش می‌کنم و آن‌ها را الگوی زندگی خود می‌دانم و روز جمعه‌ای نیست که دل محرومان شاد نشود و کاخ ستمگران به لرزه در نیاید و من تکلیف می‌دانم که به ندای رهبر و مسئولین لبیک گویم و مرگ سرخ بهترین راه مستقیم است و آن را به جان دل می‌پذیرم و برای بار سوم رو به جبهه جنگ می‌نمایم و شعار همیشگی را که اتم می‌گویند من هم تکرار می‌کنم. «جنگ جنگ تا رفع فتنه در

1- بقره/193. ترجمه: «و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آیین دین خدا

باشد.»

2- ر.ک. تعلیقات.

جهان»¹ و در این امر تا پای جان یک لحظه آرام نمی‌نشینم و با ندای «هیئات منا الذّله»² به جدم حسین (7) عرض می‌کنم اگر آنوقت نبودم یاریت کنم اکنون آماده جان دادن در راهت هستم. ولی تو پدر مهربان و عزیزم چه زحمت‌ها برای من کشیدی و من را به این حد رساندی و اکنون چون دنیا وفایی ندارد و از مرگ خود بی‌خبریم. چنانچه شهادت نصیبم شد مرا حلال کن، وظیفه پسر به پدر را نتوانستم برایت انجام دهم. دیدم مشاهده کردم و چهره غم‌آلود تو را از رفتنم به جبهه دیدم و اشک چشمانت را به جان دل پذیرفتم ولی پدرجان به بزرگواری خودت من را ببخشید. اما تو مادر مهربانم، مادر زحمت‌کشم، مادر نه ماه نه روز نه ساعت من را در شکم خودت پروریدی و شبها بر سر گهوارهام بی‌خوابی کشیدی می‌دانم مادرم [در] رفتن من چه حالی داشتی و از آمدنم چه قدر خوشحال می‌شدی. اما مادر چنانچه من شهید شدم افتخار کن که در لیست پدر و مادر شهید قرار می‌گیری و با سلام به تو مادرم از شما می‌خواهم مرا حلال کنی و از شما معلمین عزیز که در راه تربیت [و] تعلیم ما کوشیدید و با بینشی روشن هدایت نمودید تشکر می‌کنم. و از شما می‌خواهم که هرچه بیشتر در این راه کوشا باشید و از شما همکلاسان عزیز می‌خواهم که سنگر من را خالی نگذارید و گوش به فرمان امام عزیزتان باشید. از عمویان بزرگوaram از برادران و خواهرانم و از تمام بستگانم می‌خواهم که در این مدت چنانچه غفلتی از من سر زده، من را ببخشند و برای ناکامی من صبر را بهترین راه خود بدانید و گوش به فرمان نایب برحق امام زمان(عج) [دعاگوی خمینی]³ بت‌شکن باشید.

«والسلام»

عباسعلی ولی‌زاده

1- عبارت قرآنی است که در آیه آغازین وصیت آمده است. حضرت امام خمینی هم در رهنمودهای خود تأکید داشتند که شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» باید به «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم» تغییر یابد. زیرا شعار اخیر

مبنای قرآنی دارد. (صحیفه امام، ج 19، ص 113)

2- در اصل وصیت «هی هات من الذّله».

3- عبارت داخل [] در اصل وصیت افتاده و ناخواناست. اما به سیاق عبارت شهید و با رعایت امانت جایگزین شد.

نام: عبدالحسین
نام خانوادگی: ولی زاده
نام پدر: خلف
نام مادر: خاور
تاریخ تولد: یکم شهریور 1338
محل تولد: روستای هرمزآباد از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366
محل شهادت: شاخ شمیران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد
شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا تو خود شاهد باش که از تمامی مظاهر دنیا بریدم تا بیشتر به تو نزدیک شوم.
- ا خدایا شاهد باش به عشق تو در مسیر تو حرکت کردم.
- ا خدایا من خواهان شهادتم.
- ا می‌خواهم شهید شوم تا خونم به سرور شهیدان حسین (7) گواهی دهد که من مانند مردم کوفه نیستم.
- ا امت اسلام در این برهه از زمان هشیار باشید همانطور که چشم ملت‌های مظلوم به شماست.
- ا از اسلام دفاع کنید و همیشه گوش به فرمان امام امت خمینی کبیر باشید.
- ا تمام دشمنان اسلام از همین وحدت شما در هراسند.
- ا وحدت را در بین خود حفظ کنید.
- ا دعا برای امام عزیز را فراموش نکنید.

عبدالحسین ولی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»¹

با سلام و درود فراوان بر حضرت مهدی (عج) و نایب بر حق او حضرت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و با درود بیکران به ارواح پاک شهدای اسلام، به خصوص شهدای جنگ تحمیلی، حمد و سپاس آفریدگاری را که مرا آفرید همانطور که اراده نموده هدایتم کرد. خدایا تو خود شاهد باش که از تمامی مظاهر دنیا بریدم تا بیشتر به تو نزدیک شوم و به تو پیوندم. خدایا شاهد باش به عشق تو در مسیر تو حرکت کردم. خدایا من خواهان شهادتم نه به این معنی که از زندگی کردن در این دنیا خسته شده‌ام و یا خواسته باشم خود را از دست این سختی‌ها و نابسامانی‌ها [ی] دنیوی خلاص سازم بلکه می‌خواهم گناهانم بوسیله رنج کشیدن در راه تو و دادن چند قطره خون ناقابل به خاطر تو پاک گردد. می‌خواهم شهید شوم تا خونم به سرور شهیدان حسین (7) گواهی دهد که من مانند مردم کوفه نیستم² و رهرو راهش بوده‌ام. بارالها خودت این سختی‌ها را از دوش من بردار.

امت اسلام در این برهه از زمان هشیار باشید همانطور که چشم ملت‌های مظلوم به شماست. از اسلام دفاع کنید و همیشه گوش به فرمان امام امت خمینی کبیر باشید و وحدت را در بین خود حفظ کنید که تمام دشمنان اسلام از همین وحدت شما در هراسند. وصیتی که با خانواده‌ام دارم این است که از شهادت فرزندان ناراحت نباشید. خداوند متعال به شما صبر عنایت فرماید.

برادرانم هر کس می‌تواند به جبهه حق علیه باطل بیاید و هر کس توان ندارد در پشت جبهه خدمت کند. از تمامی خانواده‌ام - اقوام - دوستان می‌خواهم در صورت شهادت بنده حقیر را حلال نمایند. در پایان همه عزیزان را به خدا می‌سپارم. دعا برای امام عزیز را فراموش نکنید.

1- آل عمران/ 169.

2- ر.ک. تعلیقات.

بگو به پدر پیرم شهید هرگز نمی‌میرد ره عشق و شهادت را زمولایش علی (7)

الحقیر: عبدالحسین ولی‌زاده

65/10/3

نام: محمدعلی
نام خانوادگی: ولی زاده
نام پدر: صیدرحیم
نام مادر: طاوس
تاریخ تولد: هجدهم مرداد 1332
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع شهرستان
مهران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: -
تاریخ شهادت: هفدهم خرداد 1364
محل شهادت: روستای ورکبود
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ پروردگارا به ما درس تقوی و پرهیزکاری بیاموز.
- ۱ عبادتman را از فساد و ریا و غرور به دور بدار.
- ۱ بگذار که جز به خاطر تو ننشینم و برنخیزم.
- ۱ من جز قطره خون ناقابلm چیز دیگری که در راه تو بدهم ندارم، این قطره ناقابل را از من بپذیر.
- ۱ حلالیت شما والدین بعد از رضای خدا برگه عبور من از پل صراط می باشد.
- ۱ عاشق و معشوق شدن و به لقاء خدا پیوستن ارزشی بس بالاتر و والاتر دارد.
- ۱ از من دلگیر و نگران نشوید و ادامه دهنده راهم باشید.
- ۱ فرزندان خود را طبق اصول اسلامی تربیت کنید.

محمدعلی ولی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

«قبل از هر چیز از شما خواستارم که دست از دامان اسلام و امام امت برندارید. بر سرمان آن خواهد آمد که بر سر کوفیان¹ آمد.»

با درود و سلام به پیشگاه امام زمان (عج) و با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی کبیر روحی فدا و با درود به ارواح پاک و طیبه تابناک شهدا از صدر اسلام تاکنون و با افتخار بر پدران و مادران و همسران و فرزندان که تحمل همه مصائب زندگی را کرده ولی فرزندان‌شان و شوهرانشان در راه خدا مشغول به خدمت می‌باشند تا پرچم پرافتخار و آرمان‌های اسلام بار دیگر برافراشته و زنده نگه داشته شود. بار پروردگارا به ما درس تقوی و پرهیزکاری بیاموز و ما را متین و عبادت‌مان را از فساد و ریا و غرور به دور بدار و بگذار که جز به خاطر تو ننشینم و برنخیزم.

یار ستارالعیوب، ای معبود من، با حرکت در راه تو و به دست گرفتن اهرم اسلام، اهرمی که خون سیدالشهداء (7) برایش ریخته شد، ترا به حق حسین بن علی (7) سرور و سالار شهیدان زمینه شهادت و رسیدن به کمال را برایم فراهم ساز. من جز قطره خون ناقابل چیز دیگری که در راه تو بدهم ندارم، این قطره ناقابل را از من بپذیر.

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»² پدرجان درود بر شما که رنج‌ها و مشقت‌های زیادی متحمل شدی تا مرا پرورش دهی گرچه من با زبان الکن خویش نمی‌توانم جبران حقی را که بر گردن من دارید بکنم، لذا از شما پوزش و حلالیت می‌طلبم. حلالیت شما والدین بعد از رضای خدا برگه عبور من از پل صراط می‌باشد.

مادر جان چه زحمت‌ها و دردها و سختی‌ها که برایم نکشیدی و متحمل نشدی و چقدر من قدرشناس بودم. اگر عبادات من در راه خدا قبول شده باشد، حتی باز هم ارزش یک

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ترجمه سوره فجر، آیه 27 تا 30: «امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود و او راضی از توست. باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو.»

شب بی‌خوابی شما را ندارد. ترا به جان مهدی (عج) از من رضایت داشته باشید و برای من گریه مکن، بلکه به یاد قهرمان کربلا حسین (7) گریه کن و این را نیز بدان هر چند جوان بودم ولی جوانتر از قاسم بن الحسن (7)¹ نبودم.
خطاب به همسر:

بردربار و صبور باشید و زینب‌گونه با مسائل برخورد کنید. اگرچه رفتار خوشایندی را که اسلام توصیه کرده است نسبت به تو نداشتم و یا با تو کج خلقی و یا برخورد تندی داشتم بر من ببخش و بدان که دنیا و زندگی و همسر و فرزند ارزش مخصوص را داراست ولی عاشق و معشوق شدن و به لقاء خدا پیوستن، ارزشی بس بالاتر و والاتر دارد، لذا از من دلگیر و نگران نشوید و ادامه دهنده راهم باشید و ضمناً فرزندان خود را طبق اصول اسلامی تربیت کنید و آنگاه تحویل جامعه بدهید.

محمدعلی ولیزاده

نام: منیره
نام خانوادگی: ولی زاده
نام پدر: عبدالحسن
نام مادر: ملکه
تاریخ تولد: یکم مرداد 1360
محل تولد: شهرستان مهران
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: -
تاریخ شهادت: یازدهم تیر 1377
محل شهادت: ایلام
نحوه شهادت: عوارض ناشی از قطع نخاع
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از
توابع زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ وقتی مرا در تابوت قرار می دهید، دستانم را باز بگذارید تا مردم بدانند از این دنیا هیچ چیزی با خود نبرده ام.
- ۱ تکه یخی بر مزارم بگذارید تا آب شود و به جای پدرم برایم گریه کند.

منیره ولی‌زاده¹

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»²

«بعد از هر سختی آسانی هم هست».

ای کسانی که مأمور دفن من خواهی بود مرا در تابوت سیاهی قرار دهید تا مردم بدانند روسیاه بوده‌ام. دستانم را باز بگذارید تا مردم بدانند از این دنیا هیچ چیزی با خود نبرده‌ام. پاهایم را باز بگذارید تا مردم بدانند با این پاها کاری نکرده‌ام. چشمانم را باز بگذارید تا مردم بدانند چشم‌انتظار بوده‌ام. تکه یخی بر مزارم بگذارید تا با اولین طلوع خورشید آب شود و به جای پدرم برایم گریه کند.

خواهر جانباز منیره ولی‌زاده

سه‌شنبه 76/9/18 - ساعت 30 : 8 شب

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «وصت‌نامه».

2- انشراح / آیه 6.

« وصیت نامه »

أدب العریض

بدر زهر سنتی اکباتر نامه است

ای کسان که ما سر رفتن من خواهی بود در ارتقا بوسه میاھی قناریه

تاسروم بدانند و میاها بوده ام دستا هم را با از بجزاریه تاسروم

بدانند از این دنیا هیچ چیزی با خود نبرده ام یاها میاها از بجزاریه

تاسروم بدانند یا اینها ما کاری نکرده ام چنانم را با از بجزاریه تاسروم بدانند

ممنون انتظار در بر نام که یخا بر سر زرم بجزاریه تاسروم بدانند

طلوع خورشید کب شوی به جای سواد بر این سیه کند

خفا هم مانبا از سیره و سیزان

معینه با ۲۹۸

بناست ۸۰۳۰ باب

تأیید کننده:

درصت خط معینه: محمدی و دیگران



نام: فارس
نام خانوادگی: یاران
نام پدر: یارگه
نام مادر: کوکب
تاریخ تولد: ششم خرداد 1336
محل تولد: روستای کلی کلی از توابع
شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهاردهم مرداد 1363
محل شهادت: چنگوله مهران
نحوه شهادت: انفجار مین
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- ۱ درود به رهبر انقلاب امام خمینی و سلام به روح شهدای گلگون کفن.
- ۱ شهادت در راه اسلام و هدف قرآن مایه افتخاری است.
- ۱ نگذارید کسی برای من لباس سیاه بپوشد.

فارس یاران

بسم الله الرحمن الرحيم

درود به رهبر انقلاب امام خمینی و سلام به روح شهدای گلگون¹ کفن [از] صدر اسلام شهادت در راه اسلام و هدف قرآن مایه افتخاری است. وصیت² من این است نگذارید کسی برای من لباس سیاه³ بپوشد. اگر همسرم پوشید تا 40 روز بیشتر نپوشد و بعد 40 روز به خانه پدرش برود. به اندازه‌ای از وسایل خانه به او بدهید که راضی شود تا گردن⁴ من حقی نداشته باشد⁵. یک دست⁶ همه لباس خوب برایش بخرید و به مادرم هم⁷ بگویید که شیرش را⁸ حلال من بکند.

فارس یاران

-
- 1- در اصل وصیت «کلکون».
 - 2- در اصل وصیت «وصیحت».
 - 3- ر.ک. تعلیقات.
 - 4- در اصل وصیت «کردن».
 - 5- در اصل وصیت «تا کردن من حلال کند».
 - 6- در اصل وصیت «دسته».
 - 7- در اصل وصیت «همه».
 - 8- در اصل وصیت «که شیر حلال من بکند».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
در دهبه رهبر انقلاب امام خمینی و مقام به روح شهید ای که حکم کنونی لغنی
صدر اسلام شهادت در راه اسلام و حذف قرآنی سابقه اقتتاری
است و صمیمت سنی این است نذر آریه کسی برای سنی با مسی سیاه پیوسته
از هر کس که چو شید تا هم روز بیشتر نبوشد و جسد هم روز به خانقا بیدریش برود
به اندازه ای از وسیله خانقا به او بدینچه که واضح شده تا نردن سنی حلال کند -
با دست ۲۵۵ با مسی خوب بارشش نمید در به مقام علامه بموید اشر حلال سنی بماند

۲
۲

نام: احمد
نام خانوادگی: یارمحمدی
نام پدر: شیرمحمد
نام مادر: سحر
تاریخ تولد: هشتم آبان 1333
محل تولد: روستای قلعه‌دره از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم اردیبهشت 1360
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ با رضایت خودم در جبهه حق علیه باطل حاضرم.
- ۱ حاضرم تا آخرین قطره خون که در بدن دارم از وطن ایران دفاع نمایم.
- ۱ اگر من در جبهه شهید شدم برایم هیچگونه نگران و ناراحت نشوند.
- ۱ بر ما واجب است دستور رهبر بزرگ امام خمینی را اطاعت نماییم.

احمد یارمحمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب احمد، شهرت یارمحمدی فرزند شیرمحمد و بانوسحر ساکن [...] ¹ملک. چون رهبر انقلاب حضرت آیت الله امام خمینی دستور فرمودند که هر [کس] ²باید از وطن عزیز ایران دفاع نماید، این جانب یک نفر ایرانی و شیعه و [مقلد] ³امام هستم، حاضریم تا آخرین قطره خون که در بدن دارم از وطن ایران دفاع نمایم و هر گونه حرکات دشمن خارجی و داخلی [را] سرکوب بنمایم ⁴. و چون دارای پدر، پسر و مادر و همسر و بچه هستم اینجانب با رضایت خودم در ⁵جبهه حق علیه باطل حاضریم و رفته‌ام. وصیت خود [...] ⁶این است اگر من در جبهه شهید شدم برایم هیچ گونه نگران و ناراحت نشوند. شهیدان زنده‌اند و در بهشت جای خوبی دارند. بر ماها واجب است دستور رهبر بزرگ امام خمینی [را] اطاعت ⁷نماییم. اینجانب مورخه 59/7/77 اسلحه گرفته و برای جبهه حاضر بودم. خدایا اسلام را پیروز فرمایید.

1- در اصل وصیت ناخوانا است.

2- واژه «کس» از حاشیه وصیت افتاده است.

3- واژه «مقلد» از حاشیه وصیت افتاده است.

4- در اصل وصیت «بنمایم».

5- در اصل وصیت «برای».

6- در اصل وصیت ناخواناست.

7- در اصل وصیت «عطاعت».

نام: سعید
نام خانوادگی: یارمحمدی
نام پدر: یارمحمد
نام مادر: قیمتی
تاریخ تولد: سال 1333
محل تولد: روستای شوهان از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد
شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ در دعا‌های کمیل و نماز جمعه و جماعت و مراسم شهدا شرکت فعالانه داشته باشید و هیچ وقت گوش به حرف منافقان از خدا بی خبر ندهید.
- ۱ برای شهید شدن من نگران نباشید.
- ۱ نکند خدایی نکرده ضدانقلاب [ها] از گریه و زاری شما سوء استفاده نماید.
- ۱ همسر مهربانم، بچه‌هایم را ناراحت نکن و آن‌ها را طوری نگهداری کن که بتوانند به اجتماع کمک کنند.

سعید یارمحمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

«شهید نظر می‌کند به وجه الله»¹

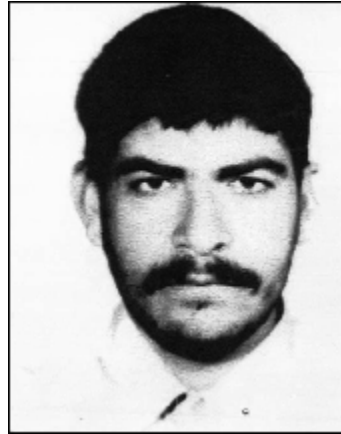
خدمت پدر و مادر مهربان و فرزندان و برادران و خواهران مهربانم سلام می‌رسانم. پدرجان تنها انتظاری که از شما دارم این است که اولاً همیشه دعاگوی امام و رزمندگان باشید. و در دعاهای کمیل و نماز جمعه و جماعت و مراسم شهدا شرکت فعالانه داشته باشید و هیچ‌وقت گوش به حرف منافقان² از خدا بی‌خبر ندهید. و اما تو مادر عزیزم که مرا بزرگ کردی و مرا به عنوان یک مرد تحویل اجتماع دادی و سرانجام به من اجازه دادی تا در مصاف با مزدوران بعث³ صهیونیستی شرکت نمایم و تنها درخواستی که از شما دارم اولاً اصلاً برای شهید شدن من نگران نباشید، که نکند خدایی نکرده ضدانقلاب [ها] از گریه و زاری شما سوء استفاده نماید و شاد شود و ثانیاً شیرت را حلام کن و همسر مهربانم، شما هم اصلاً برای من نگران نباش و تنها تقاضایی که دارم بچه‌هایم را ناراحت نکن و آن‌ها را طوری نگهداری کن که بتوانند به اجتماع کمک کنند.

1- این جمله از امام خمینی است (صحیفه امام، ج 13، ص 513).

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

نام: فرمان
نام خانوادگی: یاری نژاد
نام پدر: رحمان
نام مادر: جیران
تاریخ تولد: بیستم شهریور 1345
محل تولد: روستای بان زیارت از توابع
شهرستان ایلام
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و دوم شهریور 1366
محل شهادت: قلاویزان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



عبارت های کلیدی

- ۱ ای امت حزب الله و قهرمان ایران، این را بدانید که حق با ماست.
- ۱ پیروزی از آن مسلمین است.
- ۱ راه ما را ادامه بدهید.
- ۱ حرف های امام عزیزمان را گوش کنید و فرمان های او را انجام دهید.
- ۱ من در نزد آقایم حسین (7) هستم و از شما می خواهم که مرا ببخشید.
- ۱ از شما خواستارم که تا زنده اید از انقلاب و امام حمایت کنید و این حمایت امری واجب و ضروری می باشد.
- ۱ از شما می خواهم که با کشته شدن من مأیوس نباشید.

فرمان یاری‌نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بیکران به آقا امام زمان و نایب برحقش ابراهیم زمان خمینی بت شکن و با سلام به ارواح پاک [و] طیبه شهدا علی‌الخصوص¹ شهدای گرانقدر ایران زمین. متن وصیت‌نامه را آغاز می‌کنم:

اوّل پیامم به مردم عزیز و شهیدپرور ایران. ای امت حزب‌الله و قهرمان ایران این را بدانید که حق با ماست و پیروزی از آن مسلمین است. «ما چه کشته شویم و چه بکشیم پیروزیم»² و این را بدانید و برای ما ناراحت نباشید که ما خود این راه را انتخاب و سوی آن روان گشته‌ایم و به این راه خود افتخار می‌کنیم. پیامم به شما این است که راه ما را ادامه بدهید. نگذارید خونمان پایمال شود. حرف‌های امام عزیزمان را گوش کنید و فرمان‌های او را انجام دهید.

پیامی به دوستان و آشنایان: دوستان من راهم را رفته‌ام، جایم در بین شما خالی مانده است. اما من در نزد آقایم حسین (7) هستم و از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و برای من و امثال من طلب آموزش کنید. وقتی مرا در قبر می‌گذارید، بر بالینم بیایید و خود را بر من معرفی کنید. وقت رفتن تکه یخی بر سر مزارم بگذارید تا با طلوع آفتاب بر سرم اشک بریزد، چون من مادر ندارم که برایم اشک بریزد. از شما خواستارم که تا زنده‌اید از انقلاب و امام حمایت کنید و این حمایت امری واجب و ضروری می‌باشد.

پیامی به فرزندان عزیزم، سجاد و عمار - عزیزانم امیدوارم که برای من ناراحت نباشید و بعد از من شما خود سرپرست خانواده باشید و افتخار کنید که پدرتان را در راه حق و حقیقت داده‌اید. از شما می‌خواهم که با کشته شدن من مأیوس نباشید. بلکه پایدار و با صبر و مقاوم باشید و راهم را به‌خوبی انجام دهید.

1- در اصل وصیت «الخصوص».

2- این عبارت عین سخنان امام خمینی است (صحیفه نور، ج 4، ص 492).

و در آخر پیامی به همسر محترمم - همسر من راهم را رفتم و بر این را هم بوسه می‌زنم، اما از تو طلب حلالیت و آمرزش دارم و از تو می‌خواهم که همسری الگو در جامعه اسلامی باشید و سرپرستی فرزندانم را به عهده بگیرید و در تربیت آنان کوشا باشید.

خداحافظ

فرمان یاری نژاد

66/6/20

بیتنا

وصیت نامه شهید جوان یارکی شترار

باسم رب فرود میزبان آقا امام زمان و ما یب برکتش ابراهیم رحمان همیشه مستکن و ما مردم

و اندام پاک طیب استعدای الهی شهادت کرده اند و ایثار و دین

شهرت نام و آثارش است

قول پیام به مردم عزیز رسید بود ایمان ای است خدایا در هر حال این راه را بروید

حق و انصاف و پیوستگی که آن مسیبن است ما چه کنیم که شما هم در جبهه مقدس پیوستیم

و این را بپذیرد و برای ما نماند تا شکی که با خود این راه را اعیان و سرای آن

روان کنیم و بر این راه خود افتخار کنیم یا هم شما این است که راه ما را ادامه

بدهید و گذارید هرمان یا میماند خود خدای امام عزیزان را که شکر کنید و ضمای

اوست که با انعام دین

بیا که در استان و کشایا در استان من با ختم را رستم و ما هم در بین شما عالی ماضی

آما من در نزد آقا قائم همین روز هستیم و از شما و خود جسم و روح خود را برای من و انعام

شک آمان کنید و قه قه در قدر و قدر در بالیم بیا کنید و خود را بر من بگذرانید

وقت رفتن که میسر از مردم نگار در تا نا طبع آقا صاحب بر سرم است بریز چون

من مانند دلگرم که تا میسر بریزد و گشته هوا تمام که نماند که در انوار و انعام

حالیست که در این حالت است و ما یب در شتراری می ماند

بیا که فرودان عزیزم بگذرد و من بر اعم ایستادم که برای من نماند بماند و بود

و من شکر خود سر برکت ناما و بماند و افتخار کنید که پدرتان را در راه حق و حقیقت

ماہ ایچ از تنہا کی سزا ہم کہ ہا کتہ شدن منی ما یزیرہ ناسیدہ بلکم بالہ۔ و با صمد و مقدم
یا سید و را ہم را مجریہ انعام دھد۔

و در آفرینا من بہ صبر قیوم - محمد بن را ہم را قتم و بر ایہ را ہم برسم من زتم
اما کہ بر طلب ملائیت و آفرینش دارم و لہ تو سزا ہم کہ جبری ابقہ در ہا علم ابقہ
باشید و سرپرستہ قریب انہم را بجدہ اقبہ و در شہریت آکان کوتا باشید۔

خواہا فقط شدہ
فرمان یاری نژاد
۱۱۹۶/۲۰

نام: جهانشاه
نام خانوادگی: یاری
نام پدر: علیمراد
نام مادر: شوکت
تاریخ تولد: یکم مرداد 1347
محل تولد: روستای شورابه از توابع
شهرستان شیروان و چرداول
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هشتم مرداد 1366
محل شهادت: قلاویزان مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده حسن شهرستان
اسلام آباد غرب



عبارت های کلیدی

- ۱ شهادت تنها آرزوی من است.
- ۱ اگر من شهید شدم بدانید در راه حسین مظلوم (7) شهیدم.
- ۱ امام عزیزم را تنها نگذارید.
- ۱ بعد از نمازهایتان برایش (امام) دعا کنید.
- ۱ آنانکه زودتر به فیض شهادت نائل آمدند، زودتر به دیدار فرزند مظلوم زهرا (سلام الله علیها) مولای شهیدان رسیدند.

جهانشاه یاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»¹

«به ریسمان خدایی چنگ بزنیید و متفرق نشوید».

با سلام و درود بر امام امت خمینی بت شکن یاور مظلومان و محرومان جهان و با سلام و درود به روح پاک شهدای راه حق و حقیقت در جبهه‌های² حق علیه باطل. سلام و درود بر رزمندگان اسلام. اینجانب جهانشاه یاری که خود را در برابر دین مبین اسلام ناب محمدی (6) مدیون می‌دانم و این دین بزرگ را فقط در جبهه در کنار رزمندگان اسلام می‌توانم ادا نمایم. پدر، مادرم، برادرانم، خواهرانم بدانید که پرچم اسلام با قیام ایثارگرانه امام امت خمینی بت شکن بعد از قیام کربلای حسینی زنده و رونق دیگر پیدا کرده است. این قیام بزرگ در جهان اسلام طنین افکنده است و ملت مسلمان را بیدار نموده تا در برابر ظلم و کفر ایستادگی کنند و حق مظلومان که توسط ظالمان جبار ضایع شده روشن و انتقام خون پاک شهیدان را بستانند. با این وجود مدتی است من هم در کنار رزمندگان اسلام هستم. اگر من شهید شدم بدانید در راه حسین مظلوم (7) شهیدم. بدانید در راه پیرجماران³ که می‌فرماید: «من دست رزمندگان را می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم»⁴. شهیدم، رهبرم، امام عزیزم را تنها نگذارید و بعد از نمازهایتان برایش دعا کنید. مادرم مرا حلال کن چون بیداری شبه‌ایت و رنجی [را] که برایم کشیدی هرگز فراموش نمی‌کنم و به جای گریه کنار آرامگاه شهدای اسلام برو و فاتحه بخوان چون آنانکه زودتر به فیض شهادت نائل آمدند زودتر به دیدار فرزند مظلوم زهرا (سلام الله علیها) مولای شهیدان

1- آل عمران/ 103.

2- در اصل وصیت «جبهه‌های».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- صحیفه امام، ج 16، ص 143.

رسیدند و این تنها آرزوی من است. در پایان همگی خانواده و به دوستانم بگویید مرا حلال کنند برای رزمندگان دعا کنید.¹

وصیت‌نامه جهان‌شاه یاری

(نگهبانی منطقه قلاویزان² - مهران³)

1- در اصل وصیت «دعا کند».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحيم
 درود بر امام است همین بت سن یاد و نظرها در محرابها
 درود بر روح پاک شه‌ای راه حق و حقیقت در جمیع جاه
 علیه باطل سلام و درود بر رزندگان اسلام ایست جهان یاری
 که خود را در برابر دین بین اسلام ناب محمدی و دین، مدیون میدانم
 و این دین بزرگ را فقط در جمیع درکنار رزندگان اسلام می‌توانم
 ادا انجام بدم - مادرم - برادرانم - خواهرانم بدانید که پریم اسلام
 باقیام اثناقرانه امام است همین بت سنی بعد از قیام که برای حسین
 زنده و رونق دیگر پیدا کرده است این قیام بزرگ در جهان
 اسلام طنین افکنده است دولت مملکت را بیدار کند، تادار
 برابر ظلم و کفر ایستادگی کند و حق مظلومان که توسط ظالمان
 جبار ضایع شده روشن و انتقام خون پاک شه‌دان را ستاند
 و این وجود مدتی لغت من هم درکنار رزندگان اسلام هستم
 اگر من شه‌شدم بدانید در راه حسین مظلوم شه‌م بدانید
 در راه پیر مبارکان که می‌فرمایید من دست رزندگان برای کوسم
 و بر این برسم افتخار ستم شه‌م رهبرم امام عزیزم را نتوانم ندانم
 و بعد از نمازهایتان برایش دعا کنید مادرم مرا احلال کن چون
 بهاری شهادت و درختی که برآمده کشیده‌ی حرکت بر آسایش نمی‌کنم
 بجای گرم کناره آرامگاه شه‌ای اسلام برو و فداخته بخوان
 چون آمانت بودم فیض شهادت نائل آیدند زودتر بیدار
 فرزند مظلوم زهرامولای شه‌دان رسیدند و این تنها آرزوی من



درود بر امام است همین بت سن یاد و نظرها در محرابها
 درود بر روح پاک شه‌ای راه حق و حقیقت در جمیع جاه
 علیه باطل سلام و درود بر رزندگان اسلام ایست جهان یاری
 که خود را در برابر دین بین اسلام ناب محمدی و دین، مدیون میدانم
 و این دین بزرگ را فقط در جمیع درکنار رزندگان اسلام می‌توانم
 ادا انجام بدم - مادرم - برادرانم - خواهرانم بدانید که پریم اسلام
 باقیام اثناقرانه امام است همین بت سنی بعد از قیام که برای حسین
 زنده و رونق دیگر پیدا کرده است این قیام بزرگ در جهان
 اسلام طنین افکنده است دولت مملکت را بیدار کند، تادار
 برابر ظلم و کفر ایستادگی کند و حق مظلومان که توسط ظالمان
 جبار ضایع شده روشن و انتقام خون پاک شه‌دان را ستاند
 و این وجود مدتی لغت من هم درکنار رزندگان اسلام هستم
 اگر من شه‌شدم بدانید در راه حسین مظلوم شه‌م بدانید
 در راه پیر مبارکان که می‌فرمایید من دست رزندگان برای کوسم
 و بر این برسم افتخار ستم شه‌م رهبرم امام عزیزم را نتوانم ندانم
 و بعد از نمازهایتان برایش دعا کنید مادرم مرا احلال کن چون
 بهاری شهادت و درختی که برآمده کشیده‌ی حرکت بر آسایش نمی‌کنم
 بجای گرم کناره آرامگاه شه‌ای اسلام برو و فداخته بخوان
 چون آمانت بودم فیض شهادت نائل آیدند زودتر بیدار
 فرزند مظلوم زهرامولای شه‌دان رسیدند و این تنها آرزوی من

نام: حمداالله
نام خانوادگی: یاری
نام پدر: فتح‌الله
نام مادر: کیفیه
تاریخ تولد: یکم فروردین 1343
محل تولد: روستان هفت چشمه از توابع
شهرستان آبدانان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سوم مرداد 1367
محل شهادت: میمک مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: بخش صالح‌آباد از توابع شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا اگر در هر جبهه 20 نفر مثل بنده باشند، خاک اسلام در دست دشمن نمی‌افتد.
- ا بجنگم در راه دین خودمان تا اسلام برقرار شود.
- ا بدانید مثل علی اکبر (7) خونم در راه اسلام مثل باران بیبارد.
- ا من به سلامتی امام خمینی باید بجنگم.
- ا من خیلی از امام بزرگوaram تشکر می‌کنم.

حمدالله یاری¹

بسم الله الرحمن الرحيم

من اگر در راه دین اسلام شهید شدم و درباره بنده حمدالله یاری از 7² سالگی³ من اسلام را می‌خواستیم و [اگر] الان در این راه شهید بشوم⁴ امامان را در جنت ببینم. آن روز که مکه می‌شود باز من با کافر قمه علی اکبر کردم باز اگر در هر جبهه 20 نفر مثل بنده باشد، خاک اسلام در دست دشمن نمی‌افتد. همه دوست‌ها چرا ناراحت هستید مثل اینکه در همان بیمارستان⁵ بستری بودیم. بجنگم در راه دین خودمان تا دین اسلام برقرار شود. من رنج پدرم نمی‌افتد به یادم، این دو سال تمام جنگیده بودم در جبهه اسلام. من برای این دین خیلی خوشحال هستم. رابطه [ما با] قرآن دین اسلام است. من برای این دین خیلی خوشحال هستم خواهر، برادر، مادر همه یک حال است. شهید راه حق، نبرد، بدانید مثل علی اکبر (7) خونم در راه اسلام مثل باران در راه مبارد. من اگر شهید شدم در راه اسلام، مادر برایم نکن گریه. بنده خودم تا الان خواهر و برادر تا همین روز آن‌ها را پرورش کردم. الان در [راه] این دین که من می‌جنگم⁶ آنها را به دست امام خمینی می‌سپارم.⁷

من گل نوبهار پدرم بودم. الان [در راه] این دین اسلام به خاک سپردند. من کوه‌های بزرگ را همه به پا گردیدم. این دو سال تمام، راحتی در این خدمت ندیدم. دیگر این جنگ آخر میمک⁸ حق بنده نبود. چون که من به دین اسلام پرورده بودم. من برای این دین بیشتر جنگیدم و کافران را از دین و خاک خود بیرون برانم. من برای این

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «وسیت از برادر حمدالله یاری».

2- در اصل وصیت «در».

3- در اصل وصیت «سالگری».

4- در اصل وصیت «ببینم».

5- در اصل وصیت «بیمارستان».

6- در اصل وصیت «جنگیدم».

7- در اصل وصیت «پروردم».

8- از مناطق بسیار مهم و استراتژیک در جنگ. میمک جزء مناطق عملیاتی غرب کشور در ایلام است.

جنگ میمک می‌روم حق ندارم. مگر من تیپ کردستان بوده است. من شخص مؤمن و خداپرستم. من برای دین امام خمینی خیلی [من] با دشمن جنگیدم. اگر من شهید شدم در راه دین اسلام به پدر و مادرم باید کمک کنید. به سلامتی امام خمینی باید بجنگم. در تیپ میمک باید بجنگم.

«والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

و من خیلی از امام بزرگواریم تشکر می‌کنم که من در راه دین اسلام شهید شدم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ~~و~~ وسیت از زاد جلاله یارم
راه آنور راه دیم اسلام شهید شوم و در بارک بنده حمدالله
یارم در ۷ سالگی من به اسلام راه خواستم والان در این
راه شهید بینم با امامان بنده بینم
آن روز که مکه ماند باز من با کافر صه علی اکبر کردم باز ~~چ~~
اگر در هر جبهه یانفر مثل بنده باشم خاکه اسلام در دست
دشمن نهانند هم در ستون مرا ناراحت هستی مثل اینکه ~~چ~~ یارم
بیمار مثل بسترش بودیم — بچکم از دیم خودمان تادیم
اسلام برقرار شود — من رنجیدم نه اشک به یادم
دیم دو سال تمام ~~چ~~ بودم در جبهه اسلام

من برای امیه دینیه خلی خد شحال مستم رابطه قرآنی دینیه اسلام
است من برای امیه دینیه خلی خوشحال مستم خواهر
برادر مادریه یکه حال است - شهید راه شق بنبرد برانید -
مثل علی اکبر خد من در راه اسلام مثل باران در راه بیاید
من اگر شهید شدم در راه اسلام مادر برای من تن گریه
بنده خودم تا الان خواهر و برادر تا همیشه روزی شما را برورستی کردم
الان در امیه دینیه که من بنگیدم 32 نهایی دست امام خمینی
در وردم من کله تو بهار بدردم بودم الان امیه دینیه
اسلام به خاک سپردن

من کوه های بزرگ همه به پاگردیدم این دو سال تمام
راستی در این ~~کوه~~ ندیدم دیگر این جنگ آخر است
حق بنده نبود چون که من بدین اسلام سرورده بودم
من برای این دین بیتر جنگیدم و کاروان را از دین و خاک خود
بیرون برانم من برای این جنگ بیگم با مردم حق هر دو
تقریباً کرده است ~~بوده است~~ من شرفی مؤمن
تو ایستادم ~~چون~~ ^{من} امام خمینی خلیف من ~~بودم~~ بارش جنگیدم
آنرا من تمسید نمودم در راه دین اسلام به یورو و مادرم باید کتک کنید
به سلامتی امام خمینی باید بجنگم در تبعیت بیگم باید بجنگم

من کوه های بزرگ همه به یادگرم این دو سال تمام
 راهی در راهی ~~بودم~~ ندیدم دیگر ایوه جنگ آخر جنگ
 حق بنوه نبود چون که من بدین اسلام برورده بودم
 من برابر ایوه دیوه بیتر جنگیم و کافرانه را از دیوه و خاک نمود
 بیرون برانم من برای ایوه جنگ میگویم تا روز حق هر دوام
 هر چه میباید کرد تا ~~بوده است~~ من شرفی مؤمن
 تو ایستادم ~~بودم~~ امام خمینی خلیفه من ~~بودم~~ بارش را جنگیم
 بگرم تمیید نمودم در راه دیوه اسلام به یاد و یادیم باید که کند
 به سلامتی امام خمینی باید جنگیم در سبب میباید باید جنگیم
 و سلام جنگ و رحمته الله و برکات و همه جنگی از امام برتر تمام
 نقل میکنم که من در راه دیوه اسلام تمیید نمودم

نام: سهراب
نام خانوادگی: یاری
نام پدر: سبزه‌خدا
نام مادر: قرص‌الدوله
تاریخ تولد: سوم شهریور 1344
محل تولد: روستای دلفان‌آباد از توابع
شهرستان دره‌شهر
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست‌ودوم تیر 1364
محل شهادت: اشویه
نحوه شهادت: -
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا ما از مردن نمی‌هراسیم اما می‌ترسم بعد از ما ایمان را سر ببرند.
- ا من با امام خمینی میثاق بسته‌ام به او وفادارم زیرا که او به اسلام و قرآن وفادار است.
- ا اگر چندین بار مرا بکشند و زنده‌ام کنند دست از او نخواهم کشید.
- ا مهدی‌جان جهان در انتظار توست، جوانان ما به عشق تو در جبهه‌ها جان می‌سپارند.
- ا مادر عزیز شهادت بالاترین آرزوی هر مؤمن است من امانتی بیش نزد شما نبودم.
- ا هر فرد مسلمان یک روزی توشه بردارد و از این دنیای فانی رخت بربندد.
- ا دعا به جان امام را فراموش نکنند.
- ا نگذارید که منافقین پلید در داخل کشور توطئه کنند.
- ا خدایا ما با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.

سهراب یاری¹

بسم الله الرحمن الرحيم

مبارک باد بر بقیة الله ارواحنا له الفداء وجود چنین² رزمندگان ارزشمند و مجاهدان فی سبیل الله که آبروی اسلام را حفظ و ملت ایران را روسپید و مجاهدان راه خدا سرافراز نمود بر ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام به شما سلحشوران افتخار می‌کند.³

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»⁴.

«خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که در برابری بهشت برای آنان در راه خدا می‌کشند و کشته می‌شوند».

«خدایا مرا از دوستان خویش قرار بده همانا حزب تو رستگارانند. خدایا مرد در سپاه خویش قرار بده، همانا سپاه تو پیروزند»⁵.

خدایا می‌دانی که چه می‌کشم، پنداری که چون شمع ذوب می‌شویم ما از مردن نمی‌هراسیم اما می‌ترسم بعد از ما ایمان را سر ببرند و اگر [...] ⁶هم که روشنایی می‌رود و جای خود را دوباره به شب می‌سپارد. پس چه باید کرد. از یک سو باید بمانیم تا شهید آینده شویم و از دیگر سو باید شهید شویم تا فردا بماند و هم باید بمانیم تا فردا شهید نشود. عجب دردی چه می‌شد امروز شهید می‌شدیم و فردا زنده می‌شدیم، تا دوباره شهید شویم. آری همه یاران سوی مرگ رفتند در حالی که نگران فردا بودند. من با امام خمینی

1 - بالای وصیت نامه آمده است: «وصیت نامه سردار رشید اسلام پاسدار شهید سهراب یاری».

2 - در اصل وصیت «وجود چنین» از آغاز سخن امام ناخواناست.

3 - امام خمینی، صحیفه امام، ج 160، ص 142.

4 - توبه/ 111.

5 - ترجمه فرازی از دعای روز سه‌شنبه «اللهم اجعلنی من اولیائک فان اولیائک لاخوف علیهم و لاهم یحزنون. اللهم

اجعلنی من جندک فان جندک هم الغالبون».

6 - خوانا نیست.

میثاق بسته‌ام به او وفادارم. زیرا که او به اسلام و قرآن وفادار است و اگر چندین بار مرا بکشند و زنده‌ام کنند دست از او نخواهم کشید.

سلام و درود فراوان به حضور امام زمان (عج) منجی عالم بشریت که ظهورش برقرار کننده قسط و عدل در سراسر جهان می‌باشد.

مهدی‌جان جهان در انتظار توست، جوانان ما به عشق تو در جبهه‌ها جان می‌سپارند و سلام و درود بیکران به نایب برحقش آن رهبر گرامی و ارجمند و بالامرته بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران قلب تپنده مستضعفان جهان که با رهبری قاطع خود بعد از 1400 سال محو اسلام، در سرزمین ایران دوبار زنده شد و سلام و درود بیکران به ارواح طیبه شهدای اسلام از شهدای صدر اسلام گرفته تا شهدای کربلای ایران و بالخصوص شهدای مظلوم کردستان عزیز با نثار خون [...] خویش درس آزادی و مردانگی به ما آموختند و در خون خود غلتیدند و سلام و درود فراوان بر تمامی سنگر نشینان راه حق و عدالت و آزادی و سلام و درود فراوان به حضور امت شهیدپرور و قهرمان ایران که همچنان مثل شیر در صحنه ایستادند و سلام و درود خالصانه به حضور پدر و مادر گرامی و عزیزم.

پدر و مادر گرامی و ارجمند برای آخرین بار می‌خواهم چند کلمه‌ای با شما صحبت نمایم. مادر عزیز و پدر عزیز شما زحمات زیاد و بیکرانی¹ برای من کشیدید که زبانم [قابل] گویا و دستم قابل نوشتن نیست. مادر جان من فرزند خوبی برای شما نبودم، آن‌طوری که شما می‌خواستید. مادر عزیز شهادت بالاترین آرزوی هر مؤمن است من امانتی بیش نزد شما نبودم که دیر یا زود بایستی به صاحب اصلی‌اش تحویل بدهی. مادر مهربان و خوبم انسان برای همیشه زنده و پایدار نیست اگر دنیا جای ماندن بود، پیغمبر و علی (7) و فاطمه (سلام‌الله علیها) و سایر ائمه و پیامبران می‌ماندند. خلاصه باید هر فرد مسلمان، یک روزی توشه بردارد و از این دنیای فانی رخت بربندد. چه خوب است مرگ برای رضای خدا و در راه خدا و به خاطر خدا باشد. مادر جانم بعد از مرگم برایم گریه مکن، که باعث شادی دشمنان اسلام و قرآن می‌شود و باید به آن خانواده‌ام بنگری که چند تا شهید داده‌اند و تمامی فامیلان و آشنایان و اهل محل می‌خواهم که هر چند فرد خوب و لایقی برایشان

1- در اصل وصیت «زیادی و بیکران».

نبودم و اگر در کارهایم بدی از من دیده‌اند، اشتباه مرا به حساب مکتبم نگذارید. و باید مرا عفو کنید و از برادران و تمامی دوستان و رفیق‌هایم می‌خواهم که راه مرا راه اسلام و حسین را ادامه بدهند. از ملت غیور و شهیدپرور تقاضا می‌کنم که تا حالا در صحنه انقلاب بوده‌اند از این به بعد باشند و یاور امام عزیز باشند و همیشه دعا به جان امام را فراموش نکنند و نگذارید که منافقین پلید در داخل کشور توطئه کنند و بخواهند به اسلام عزیز ضربه بزنند. اگر قرار است جان خود را در راه جلوگیری از انحراف در اسلام از دست بدهم بگذارید چنین باشد، که این بهترین شیوه مردان است. خط سرخ شهادت خط آل محمد و علی است.

خدایا مرا ببخش از گناهان من درگذرد و کریم و رحیم هستی.

خدایا ما با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.

خدایا های و هوی بهشت را می‌بینم، چه غوغایی، حسین به پیشواز یارانش آمده. خدایا به محمد (6) بگو که پیروانش حماسه آفریدند و به علی (7) بگو که شیعیانش قیامت به پا کردند و به حسین (7) بگو خونس در رگ‌ها همچنان می‌جوشد. دعا به جان امام فراموش نشود.

«والسلام»

سهراب یاری

1363/12/15

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه سردار رشید پاسدار سهراب یاری

دروود فراوان بر تمامی سنگر نشینان راه حق عدالت آزادی اسلام. به حضور امت شهیدپرور و قهرمان همیشه در صحنه ایستاده و سلام خالصانه به حضور پدر- مادر گرامی، ارجمند. برای آخرین بار است می‌خواهم چند کلمه‌ای با شما صحبت نمایم. شما زحمت زیاد

بیکران برای من کشیدید، زبانم قابل گویا، دستم قابل نوشتن¹ نیست. مادر جان من فرزند خوبی بودم، شهادت بالاترین آرزو برای مؤمنین² است. من امانتی پیش شما هستم دیر یا زود بایستی به صاحب اصلی تحویل دهید. مادر دنیا ماندنی نیست اگر دنیا جایی ماندنی بود پیغمبر، علی (7)، فاطمه (س) و سایر ائمه پیامبران می ماندند³ باید هر فرد مسلمان توشه بردارد و از این دنیای فانی⁴ چشم بندد. چه خوب است هرگز برای رضای خدا در راه خدا باشد. بعد از مرگم برایم گریه مکن. باعث شادی دشمنان اسلام و قرآن می شود. پدر و مادر هر بدی اشتباهی از من دیده اید اشتباه⁵ مرا بحساب مکتبم نگذارید باید مرا عفو کنید. از برادرانم می خواهم راه مرا، راه اسلام، [راه امام] حسین (7) ادامه بدهید.

سهراب یاری

1- در اصل وصیت «نوشتند».

2- در اصل وصیت «مؤمنن».

3- در اصل وصیت «پیام بران می ماندن».

4- در اصل وصیت «دنیاء فانی».

5- در اصل وصیت «اشتباء».

{ بعد رب العجا* والحمدین }

{ وصیت‌نامه خیران رند اعلام یا خیران نبیست - خیران یا خیران }

مبارک باد بر پیغمبر... و اولاد طاهره الهی*

این وصیت‌نامه را در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر اهواز در حضور آقایان...
ایران شود بر طبق این وصیت‌نامه و این وصیت‌نامه را در حضور آقایان...
{ اعلام میفهمد }

این وصیت‌نامه را در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر اهواز در حضور آقایان...
ایران شود بر طبق این وصیت‌نامه و این وصیت‌نامه را در حضور آقایان...
{ اعلام میفهمد }

این وصیت‌نامه را در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر اهواز در حضور آقایان...
ایران شود بر طبق این وصیت‌نامه و این وصیت‌نامه را در حضور آقایان...
{ اعلام میفهمد }

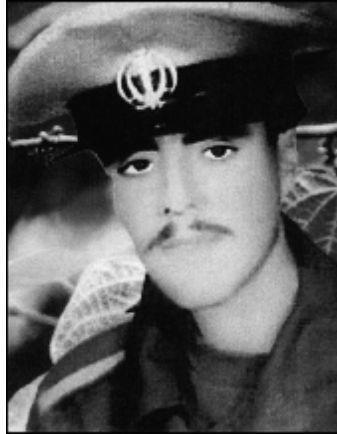
این وصیت‌نامه را در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر اهواز در حضور آقایان...
ایران شود بر طبق این وصیت‌نامه و این وصیت‌نامه را در حضور آقایان...
{ اعلام میفهمد }

این وصیت‌نامه را در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر اهواز در حضور آقایان...
ایران شود بر طبق این وصیت‌نامه و این وصیت‌نامه را در حضور آقایان...
{ اعلام میفهمد }

این وصیت‌نامه را در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر اهواز در حضور آقایان...
ایران شود بر طبق این وصیت‌نامه و این وصیت‌نامه را در حضور آقایان...
{ اعلام میفهمد }

دستخط نام سرور استبداد سهراب ایلام
 در روز شنبه ۱۳۹۴
 از زبان برتسای سید شمس الدین راه حق عدالت آمارها
 اسلام - بجزند است سرور پروردگارمان از همه ایستادند
 سلام حاله آن بجزند پروردگارمان از چند برای آخرین بار
 اینست منوچهر چند کلمه ای به شما صحبت نمایم شما رحمت
 زیاد بیکران برای من کشیدید زبانم قابل گویا رستم
 قابل نوشتند نیت مادر جان من فرزندان خوبی بوم شماره
 بالانویس آرزو برای مؤمنین است من امانتی پیش شما هستم
 در بریا و در بایستی به صاحب اصلی تحویل دهید مادر دنیا
 مانند نیت آگروین : جایی مانند بی بود پیغمبر علی خاطر سایر دانش
 پیام برانی می مانند باید هر فرد مسلمان نوشته برورد از این دنیا فانی
 چشم بنزد چه حزب است مرکز برای رضای خدا در راه خدا باشد
 بعد از منم برایم گریه منی باعث شادمانی دشمنان اسلام قرآن میشود
 پروردگار هر دوی استغاثی در می دیده اند اشتباه مرا بحساب میکنم
 خداوند دیده مرا عفو کند از در امانم بر امانم از اسلام همین امانم در عفو

نام: محمدرضا
نام خانوادگی: یاری
نام پدر: جهانبخش
نام مادر: بیتوکه
تاریخ تولد: سال 1343
محل تولد: شهرستان ایلام
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: چهارم شهریور 1364
محل شهادت: چنانه دهلران
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: شهرستان دهلران



عبارت‌های کلیدی

- ا انسان‌هایی که بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند، بیشتر ایثارگری دارند.
- ا آری معصومین و بالخصوص حسین بن علی (7) مکتب سرخ شهادت را آوردند.
- ا جهان همیشه عرصه پیکار حق با باطل بوده است.
- ا امروز هم شاهد درگیری جبهه حق یعنی ایران اسلامی بپا خاسته به رهبری امام خمینی [است].
- ا به‌درستی که رمز پیروزی و سعادت انسان، جهاد است.
- ا چقدر زیباست، شهادت در راه خدا.
- ا این راه را شناختم و انتخاب کردم و منتهای آرزوی من رسیدن به لقاء الله است.
- ا من از خدای بزرگ طلب کردم تا زمانی که لیاقت شهادت را ندارم، از این دنیا نروم.
- ا خوشحالم که جانم را نثار اسلام و مکتب محمد (6) و علی (7) می‌کنم.
- ا باشد تا ریخته شدن خون‌های ما زمینه‌ای باشد برای ظهور امام مهدی (عج).
- ا خداوند انشاءالله از عمر ما بکاهد و بر عمر امام عزیز بیفزاید.
- ا هر وقت خواستید برای من گریه کنید برای صدها شهید بی‌کفن گریه کنید.
- ا برای طول عمر و سلامتی امام دعا کنید.
- ا آنچه بیشتر روح مرا شاد خواهد کرد همراهی و همکاری عملی و قلبی با انقلاب اسلامی و کمک به تداوم آن است.

محمدرضا یاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ [القاصم] الجبارین

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»¹

با سلام و ستایش خداوند تبارک و تعالی که هر چه داریم از اوست و به سوی او و با یاد شهدای نینوا و کربلای ایران و مهدی موعود (عج) سخن را آغاز می‌کنم. انسان براساس موجودیتی که دارد خویش را مسئول² دانسته و مسئولیت خویش را به خوبی ادا نموده است و لکن در عده‌ای حتی مسئولیت بیشتر بروز یافته و در عده‌ای دیگر تاحد خانواده خویش و اما انسانهایی که بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند بیشتر ایثارگری دارند و [از خود] گذشتگی نشان داده‌اند و بدان سبب است که چنین انسان‌هایی هدف زندگی را درک کرده‌اند و به مکتب اسلام اصالت بخشیده‌اند و مکتب را با همه محتوای قوانین و احکام درک نموده و در اعمال و اخلاق و عقاید و افعالشان جاری دانسته‌اند و [...] نمونه مکتب ناطق و مذهب ناطق شده‌اند. محمد (6) آن الگو و نمونه انسانی که تا به حال بشریت و تاریخ انسانیت به خود چون او ندیده و نخواهد دید. چه رنجها و مصیبت‌ها که نکشید و چه عذاب‌ها و شکنجه‌های روحی و جسمی را که متحمل نشد و آن قرآن ناطقی که مظلومترین انسان تاریخ شد، سالها خانه‌نشینی و سکوت و جنگ بخاطر تحقق بخشیدن به سه کلمه پرمحتوای عدالت، مکتب و وحدت آن [خون] سرخ و پر ارجی که پیوسته از صحرای کربلا جاری است و به حیاتها و به زندگی‌های جوامع انسانها حیات می‌دهد. مرهون خداگونگی و تعهد و ایثار و از خودگذشتگی سالار شهیدان تاریخ است و آن خون سرخی که پیوسته و جاودان در کارهای حق و باطل هنوز قضاوت نموده و از قطره قطره خونها پیامهایی به وجود آمده که کازخانه‌ای است برای صاحبان عقل و خرد و همین حیاتهای پر ارج عظیم معصومین (7) که هر یک به نوبه خود مکتب ناطق

1- احقاق/13.

2- در اصل وصیت «مسئول».

3- در اصل وصیت ناخوانا است.

اسلام باشد و مذهبی ناطق و عاقل که تشیع باشد [...] آری معصومین و بالخصوص حسین بن علی (7) مکتب سرخ شهادت را آوردند و مرگ خونین و سرخ را انتخاب کرده‌اند تا عاشقانشان را از مرگ سیاه و [...] در بستر ارزیابی دهند. [...] با جاری کردن (هل من ناصر ینصرنی)⁴. در زمان ندا دهید کربلا جواب مثبت دادند از جان عزیزشان گذشته و اما ما کسانی که هنوز در بستر مرگ طبیعی سیاه [...] ⁵.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

جهان همیشه عرصهٔ پیکار حق با باطل بوده است و هر یک از این جبهه‌ها پیروانی داشته. زمانی هابیل⁶ در مقابل قابیل⁷ و زمانی حسین (7) و حسینیان در مقابل یزید و یزیدیان و امروز هم شاهد درگیری جبهه حق یعنی ایران اسلامی بپا خاسته⁸ به رهبری امام خمینی و جبهه باطل یعنی دنیای کفر رهبری ابرجنایتکاران چون آمریکا و شوروی⁹ و انگلیس و... است وظیفهٔ هر کسی است که موضع خویش را در برابر ایران جبهه ما مخفی کند و با عمل خویش ادعای خویش را به اثبات برساند. اگر کسی ادعا کند که پیرو جبهه حق است و رهبری حسین زمان خمینی بت شکن است. به درستی که رمز پیروزی و سعادت انسان و جهاد است چنانچه علی (7) مولای متقیان می فرماید:

«الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه»¹⁰

جهاد دری است که از درهای بهشت که خداوند آن را برای دوستان خاصی می‌گشاید و چه بهتر شهادت در این راه که شهادت انسان را به درجهٔ اعلائی ملکوتی می‌رساند و

1- در اصل وصیت ناخوانا است.

2- در اصل وصیت ناخوانا است.

3- در اصل وصیت ناخوانا است.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت ناخوانا است.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «بپا خواسته».

9- ر.ک. تعلیقات.

10- خطبه 27 نهج البلاغه، ص 27. ترجمه سیدجعفر شهیدی.

چقدر زیباست، شهادت در راه خدا که همانند گل محمدی است که وارثان خون پاک شهید از آن می‌بویند. خداوند [1] شهادتم را که خاری در چشم دشمنان اسلام است، بپذیر. خدایا من از زندگی و خانواده‌ام سیر شده‌ام و بدون هدف خودم را به کشتن نمی‌دهم، بلکه این راه را شناختم و انتخاب کردم و منتهای آرزوی من رسیدن به لقاء الله است. و این برداشت کلی من است که شهادت شربتی است که هر کسی توان آن را ندارد که [...] ¹ اینک خود را از تمام قید و بندهای ظاهری اعم از مال و جان خود گذشته و در راه حق علیه باطل فدا کند و من از خدای بزرگ طلب کردم تا زمانی که لیاقت شهادت را ندارم. از این دنیا بروم و این را می‌دانم که آخرین لحظه خونم در این دنیا همان لحظات آخر من است که چشمانم بسته می‌شود. دیگر اینکه خوشحالم که جانم را نثار اسلام و مکتب محمد (6) و علی (7) می‌کنم و این را بدانید که ای مسلمانان جهان و به خصوص مردم ایران که اسلام همیشه در حال جنگ با کفار است. ای کسانی که ندای ما را می‌شنوید تا زمانی که دشمن نابود و مستضعفان از زیر سلطه ابرقدرت‌های جهانخوار بیرون نیامده و کربلا را بعثیان ² کافر رها نکرده‌اند و مکه معظمه «آن خانه خدا و جای عبادت و سیاست آزاد نشد همه دلیل هستیم و تنها رمز رسیدن به این هدف پشتیبانی از ولی فقیه می‌باشد.»

پدر بزرگووارم و مادر عزیزم: درست است که باید عصای پیری شما می‌شدم، اما چه می‌شود کرد. وقتی می‌بینم که صدام ³ خونخوار آن نوکر شرق ⁴ و غرب ⁵ چنین بی‌رحمانه به اسلام عزیز و میهن اسلامی ما حمله می‌کند، نمی‌توان ساکت نشست و نگاه کرد که به جنایات خود ادامه دهد باید پوزۀ این جانی قرن را به خاک مالید تا دیگر جنایتکاران نتوانند چنین خیالی را در سر پیوراندند. و تنها خواهش من این است که گریه و شیون نکنید چون خدای بزرگ اجر شما را خواهد داد.

1- در اصل وصیت ناخواناست.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

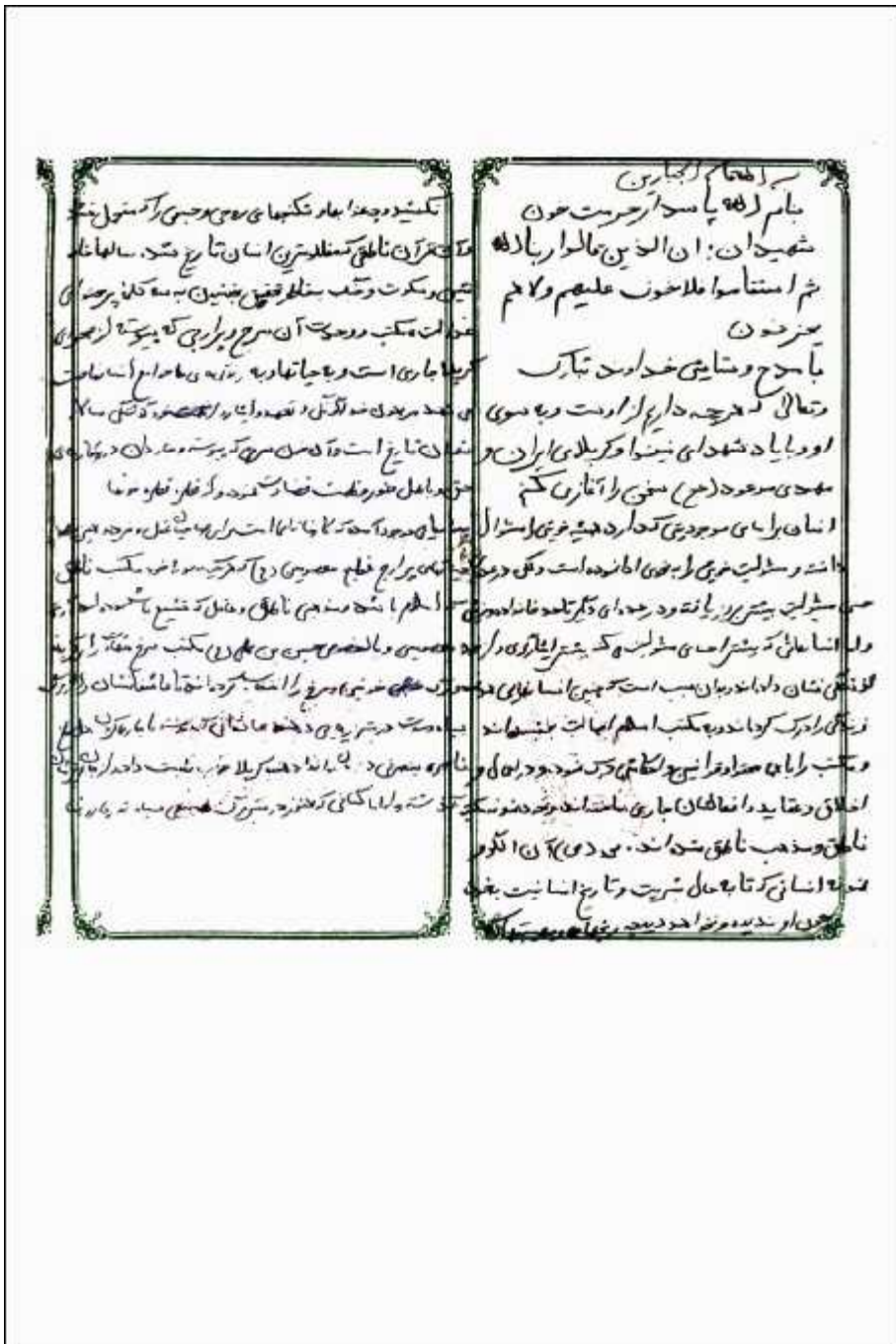
امیدوارم که هر وقت خواستید برای من گریه کنید برای امام حسین گریه کنید و حضرت عباس (7) و حضرت زینب (سلام الله علیها) و قاسم¹ (7) و علی اکبر² (7) و علی اصغر³ (7) 6 ماهه، هنوز جوی خون سرخشان از صحرای کربلا به مشام می‌رسد و هر مسلمانی را سرمست می‌کند و هنوز طنین فریادشان شما را به یاری می‌طلبند در گوش‌های هر انسان آزاده طنین افکن است؛ باشد تا ریخته شدن خون‌های ما زمینه‌ای باشد برای ظهور امام مهدی (عج) که خوانخواه واقعی امام حسین (7) او و یارانش می‌باشد و خداوند انشاءالله از عمر ما بکاهد بر عمر امام عزیز بیفزاید تا این امید مستضعفان تا ظهور مهدی (عج) زنده بماند و پرچم انقلاب اسلامی را به دست امام (عج) بسپارد. هر وقت خواستید برای من گریه کنید برای صدها شهید بی‌کفن گریه کنید که صهیونیست‌های غاصب خون پاکشان را در بیروت بر زمین ریختند و برای خواهرانی گریه کنید که جنایت صهیونیست‌ها بر آن‌ها مو را بر اندام انسان راست می‌کند. برای صدها جوانی گریه کنید که مادرشان آرزوی دامادیشان را داشتند و یا عروسانشان در انتظارشان چهره به درها دوخته بودند. برای فرزندان و خانواده شهیدان انقلاب گریه کنید و آن‌ها را یاد کنید. امیدوارم اگر کسی برای فاتحه بر سر قبرم می‌آید، ابتدا برای طول عمر و سلامتی امام دعا کنید و برای ظهور امام زمان و پیروزی نهایی انقلاب اسلامی و سپس مرا نیز از دعای خیر و فاتحه بی‌نصیب نگذارید که آنچه بیشتر روح مرا شاد خواهد کرد همراهی و همکاری عملی و قلبی با انقلاب اسلامی و کمک به تداوم آن است.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.



خداوند ما شدیم که ناری در صیحه پنهانی اسلام است بیغیر خود ایامی از زنده و خطا نوا حرام
 غیر مستخدم و بدون هدف خود را بکنیم نمی دم بلکه این راه را شناختیم و شناختناست

تکریم و ستای آمیز می رسیم به شاه است است و این برایت کلی می است که

شرعی است که هر کسی بداند از ادراک که بنویسند از یک طرفه در ازیم قیده سب و ظاهری از این و آن و

کدام است و در راه می علیه باطل خطا کند و بی رضای از یک طلب بگرم تاز می که نجات نهاد از اقدام از این

دنیای فرم و این را می دانیم که آنچه از این دنیای الحظ آخرت است که حیثاً به هیچ

دکتر استبداد حکام که جام را نثار اسلام و کتب معصوم (وی و اول می) و کتب دیگر را با یکدیگر میسازند

چون در خصوص مردم ایران که اسلام همه در حال استبداد با کفار است... این کاری که نماند برای

می شده بد تا را بکنید که هم تا نبود در مستحقان که از هر یک جمله از قید تقاضای جانخواه بیرون

نیامده و کربلا را بغضیان کافر را نکرده اند و که سفید لایح خان خاندان می بکند در سینه آزاد

خشمه ذلیل هستیم و تمام میز را باین هدف پیشانی از دل خشمه و با ستم...

بعد از این گوارم و ساجد شریف: درست است که باید بعضی بسوی منم اما چه می شود کرد
 وقتی می بینم که کدام خودخواه آن شکرترین و غریب جویی بی رحمانه اسلام عزیز زمین
 د اسلام را جوی کند، می خوانم که آن سنگ نشت و تکان آسوده به جیب خود اطمینان دهد. باید
 حیدره ای همان فرزند با خاک، باید تا تکلیف جانشینان خود استجریس خیالی را جز بر سر خود نشاند
 و خدا خدای منم می باشد که اگر به دشمنان تکلیف چون خدای بزرگ اجر می دهد خواهد داد.
 امیدم آنکه هر وقت فراموشی برآید من تکریم کنید برای امام حسین که گشته و حضرت
 عباسی در حضرت زینب و حضرت فاطمه علی اکبر علی امیر را با همه دشمنان جدی خود
 در پیشان از جوی آن سلا... مسلمین از جوی آن سلا... مسلمین از جوی آن سلا... مسلمین از جوی آن سلا...
 و هر مسلمانی را سر برده می کنند و دشمنان طمس فریاد می زنند که از این طایفه در کوفه های
 هرات و آرزاده طمس آنکس است که با من تاریخچه سکون خدای ما زمینهای
 با من برای ظهور امام مهدی (عج) که خودخواه واقعی امام حسین (ع) است و از این نوعی باشد و او را

انقلابی و انقلابی که در عمر امام عزیز بسوزاید تا این امید استعجاب است (مطهری)

(شرح) زنده بودیم چه انقلاب اسلام را به نام روح بسیار، عمر و وقت خاسته بودیم

منه که می‌کنید سرای همه ما حقیقی کل می‌کنید همه منتهی و همه بخون

پاکتان و در سرب بر می رستند بین خدایان آنرا که می‌کنید جان و همه منتهی

آنها هم از نام انقلاب می‌گویند ما جوانی که می‌کنید سواران آرزوی دلتان

آنها هم از نام انقلاب می‌گویند ما جوانی که می‌کنید سواران آرزوی دلتان

فرزندان ما شاهد میدان انقلاب می‌کنید آنها را یاد کنید (سورتم آخر می‌کنید)

ما همه بر سر قیوم می‌آید اعتبار بر اصول و سلسله امام که می‌کنید منظر امام زمان و

بیرنگی انقلاب اسلام در سرب همه از دهی حیرت و قاصدی به سبب سزاوار

آنچه بهتر بود مرا نگاه خدا در که اراغی و همگی بهی دقتی با انقلاب اسلام در گریه

تداوم آن است و حلال علیج و رهت از سر کار است

نام: نورعلی
نام خانوادگی: یاری
نام پدر: صحراپگ
نام مادر: ظریفه
تاریخ تولد: سال 1309
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: ششم مرداد 1361
محل شهادت: شهرستان مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان مهران



عبارت‌های کلیدی

- ۱ صلوات و سلام بر یاران صدیقش که چون پروانه به دور شمع گرد حسین (7) جمع شدند و عاشقانه سوختند.
- ۱ اگر روحانیون نبودند تا چندین سال دیگر آمریکا و ابرقدرت‌ها بر گرده ما سوار می شدند.
- ۱ قدر روحانیون را بدانید و از آن‌ها پشتیبانی کنید.
- ۱ تا می‌توانید از ارگان‌های انقلابی پشتیبانی کنید.
- ۱ ضدانقلابیون می‌خواهند در بین اسلام تفرقه بیندازند و ماها را از هم جدا سازند.
- ۱ تنها چیزی که شما را به پیروزی می‌رساند حفظ وحدت بوده و هست.
- ۱ دست از تفرقه و جدایی بردارید.
- ۱ خداوند ما را آزمایش می‌کند.
- ۱ تنگم را بیاورید تا قلب دشمن را متلاشی کنم. تا دیگر به خاک عزیز ما حمله نکند.

نورعلی یاری

بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات و سلام بر یاران صدیقش که چون پروانه به دور شمع گرد حسین (7) جمع شدند و عاشقانه سوختند. و با درود به رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، و با درود بر تمام شهیدان راه حق و آزادی. چند کلمه به عنوان وصیت نامه می نویسم، اول از هر چیز باید بگویم که اگر روحانیون نبودند تا چندین سال دیگر آمریکا و ابرقدرت های بر گرده ما سوار می شدند و از ما به عنوان برده استفاده می کردند پس قدر روحانیون بدانید و از آن ها پشتیبانی کنید. تا می توانید از ارگان های انقلابی پشتیبانی کنید چون ضدانقلابیون می خواهند در بین اسلام تفرقه بیندازند و ماها را از هم جدا سازند و انشاء الله تنها چیزی که شما را به پیروزی می رساند حفظ وحدت بوده و هست و دست از تفرقه و جدایی بردارید. این زمان زمان جنگ است و اگر کمبودهایی است ناراحت نشوید. چون خداوند ما را آزمایش می کند. پس مادر و فرزندان عزیزم ناراحت نشوید من در طول عمرم مادرم را زیاد ناراحت کرده ام و اکنون عازم جبهه جنگ هستم. مادر و فرزندانم وقتی با تفنگ قلبم را سوراخ کردند، وقتی ترکش خمپاره مغزم را متلاشی کرد، وقتی قطعه قطعه گوشت بدنم را از زیر شنی تانک بیرون آوردند و یا وقتی اسیر شدم اصلاً ناراحت نباشید. زیرا من راهم را انتخاب کرده ام و آنرا به پایان می رسانم. تفنگم را بیاورید تا قلب دشمن را متلاشی کنم تا دیگر به خاک عزیز ما حمله نکند. کفنم بیاورید، تا آنرا با خونم گلگون کنم.

«والسلام¹ علیکم»

نام: یحیی
نام خانوادگی: یاری
نام پدر: علیمراد
نام مادر: شوکت
تاریخ تولد: یازدهم تیر 1344
محل تولد: روستای شورابه از توابع
شهرستان شیروان وچرداول
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: چهارم مهر 1366
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای امامزاده حسن
شهرستان اسلام آباد غرب



عبارت های کلیدی

- ۱ شما جوانان نیرومند فردای انقلاب نهضت امام خمینی هستید. پس هیچ وقت از امام و انقلاب او دست برندارید.
- ۱ اگر مثل شهید جهانشاه رفتم اسلحه مرا بر دوش بگیرید.
- ۱ در راه حق جان دادن نگرانی ندارد.
- ۱ نگرانی و خواری آنجاست که دشمن در خاک پاک انقلاب امام باشد.
- ۱ به خاطر احترام به خون شهیدان، حجابتان را رعایت کنید.
- ۱ به دختر من که مادر آینده انقلاب است، راه و رسم عبادات و دین و دیانت بیاموزید.
- ۱ اگر با پیروزی به خانه برگشتم چه بهتر.
- ۱ اگر به هدف برادرم که همان راه شهادت است رسیدم چه خوب.

یحیی یاری

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بزرگ

خدایا از تمام گناهان بندگان خودت بگذر و آنان را در جهان آخرت پیش معشوقان خودت همراه گردان و این بنده گناهکار را نیز در این آخرهای زندگی اگر لیاقت دارم بپذیر تا شاید من به همراه کاروان عشق راهی منزل ابدیت گردم.

وصیت من به پدر پیرم و مادر مهربان:

پدر مرا ببخشید. اگر گاهی شما را اذیت کرده‌ام و مادر شما نیز گذشت کنید آن همه زحمت و تحمل رنج و مشقت فرزندت. اگر شما گذشت و مرا حلال کنید شاید در جهان آخرت پیش قاضی عدل الهی سرفراز باشم.

برادران عزیزم: امیدوارم همانطوریکه برای شهید شدن جهان‌شاه ناراحت و گریه و زاری نکردید، برای من همانطور باشید. انشاءالله.

برادران شما جوانان نیرومند فردای انقلاب نهضت امام خمینی هستید. پس هیچ‌وقت از امام و انقلاب او دست برندارید و من هم اگر مثل شهید جهان‌شاه رفته‌ام اسلحه مرا بر دوش بگیرید و هدف من و امثال و تمام حزب‌الله‌ها را نشان فرزندانم بدهید و نگذارید عیال حقیر، خوار¹ و نگران باشند که دشمنان خوشحال شوند² و وصیت من به خواهرانم این است که برای ماها شیون و زاری نکنند. چونکه در راه حق جان دادن نگرانی ندارد. نگرانی و خواری³ آنجاست که دشمن در خاک پاک انقلاب امام باشد و ما در خانه بنشینیم. پس به‌خاطر احترام به خون شهیدان، حجاب‌تان را رعایت کنید. و به دختر من که مادر آینده انقلاب است، راه و رسم عبادات و دین و دیانت بیاموزید. حتماً.

وصیت دیگری که به پدرم به جا می‌آورم. این است که فرزندانم را خوب تربیت و هدف‌جانبازی رزمندگان و مردان کارزار را به آنان بیاموزید. حقیر برای انقلاب کاری

1- در اصل وصیت «خار».

2- در اصل وصیت «شوید».

3- در اصل وصیت «خاری».

نکردم. امیدوارم، این چند روز سربازی را از من بپذیرد و مرا جزء سربازان خمینی قرار دهند. پدرجان از اینکه تنها دلخوش و کمک کار تو من بودم و داغ برادرم شما را مصیبت دار کرده بود. من آن همه نگرانی بار مصیبت تو را جا گذاشتم. چونکه طاقت نداشتم حتی یک روز از خدمت سربازیم غیبت کنم و اسلحه و سنگر برادر شهیدم را خالی بگذارم. اگر با پیروزی به خانه برگشتم چه بهتر و اگر به هدف برادرم که همان راه شهادت است رسیدم چه خوب.

پدر، مادر، برادر خواهر از من وصیت به تمام دوستان و قومان و خویشان هر کس از من طلب و یا نگرانی دارد، طلب او را پس و نگرانی او را جبران کنید که شاید در بارگاه ایزد منان آمرزیده¹ شوم.

همه شماها را به خدا می سپارم، اگر قسمت باشد شهادت همانطوریکه خود از ته دل مثل برادر شهیدم خواهان آن هستم نصیبم گردد. انشاءالله

به یاد امام، خداحافظ

سرباز وظیفه یحیی یاری

محل خدمت لشکری 92

جبهه شلمچه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بزرگ

خدایا از تمام گناهان بندگان خودت بگذر و آنان را در جهان
آخرت پیش معشوقان خودت همراه گردان، و این سده گناهکار
را عزیز در این آخرهای زندگی آبریاقت دارم پدرم تا شاید من
نبر همراه کاروان عشق راهی منزل ابدیت گردم

وصیت من به پدرم و مادر و فرزندان
پدرم را بیخیزد هر گاهی شما را اذیت کردم
و مادر فلان نیز گذشت کسی که آن همه زحمت و تحمل زنج و شفت
فرزند شد. اگر شما گذشت و مرا حلال کنید تا ابد در جهنم
آخرت پیش قاضی عدل الهی سرفراز باشم

برادران عزیزم امیدوارم همانطوریکه برای شهید شدن ^{شهادت} حقا
نا راحت و گریه زاری کرده‌اید. برای من همانطور باشید. انشاء الله

(۳)

برادران شایه جوانان برسند فردای انقلاب بهت امام خمینی
 هستند. پس هیچوقت از امام و انقلاب او دست سرداری
 و من هم اگر مثل شهید جهانشاه رفتم. اسلحه مرا بردوش کنید
 و هدف من و امثال و تمام حزب الله ها را نشان فرزند نام
 ندهید. و گذارید علیالشفیق خا و گران باشند که دشمنان
 هو تجالی نشود و وصیت من به خواهرانم این است که یاد
 ماها شیون و دراری نکنند. چونکه در راه حق جان دادن نگرانی ندارد
 نگرانی و جاری آنجا است که دشمن در خاک پاک انقلاب امام باشد
 و مادر خایه بشنیم. پس بغض احترام به خون شهید حاجات
 رعایت کنید. و به دختر من که مادر آینده انقلاب است. راه و رسم

عبادات ردین و دیانت بیاموزید. حتی: (۳)

دست دیگری که بگویم به جا ~~نمیگردد~~ این است که فرزندانم
 را خوب تربیت و هدف جابجاری در صدگان و مردان کارزارها
 به آنان بیاموزید. حتی برای انقلاب کاری نکردم. امیدوارم. این
 چند روز سر بازی را از من بپذیرد. مرا جز به سر باران خمینی
 قرار دهند. پدر جان از اینکه تنها دلخوش و کمک کار تو من بودم
 و داغ بر دارم؛ نشمار امصیت را کرده بود. من آن همه نگرانی بار
 مصیبت تو را جا گذاشتم. چونکه طاقت نداشتم حتی یک روز -
 این خدمت سر بازی من غیبت کنم. اسلحه و سنگر برادر شهیدم را حالی
 نگذارم. اگر با پیروزی به خانه برگشتم چه بهتر و اگر به هدف

(۳)

برادرم که همان راه شهادت است ایستادم، چه خوب

بدر. مادر برادر خواهر ارم و صیت به تمام درستان رفوستان و
خوششان هر کس از من طلب و یا نگرانی دارید طلب لبر پس
و همگانی او را هر آن کنید که شاید در بیارگاه ابردمان آورده شوم
همه تنهاها را به خدای سپارم و اگر هست ما شدو شهادت
ها فریاد خود از آن که دل مثل برادر شهیدم جواهران آن صنم

تسلیم گردد استغفرالله

شاید ایلام خدای عظم

سر باز وظیفه اجمل باری

محل خدمت لشکر ۹۲
جهت تسلیح

نام: جاسم
نام خانوادگی: یاسمی
نام پدر: قاسم
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: یکم مهر 1340
محل تولد: روستای شاله‌شوری از توابع
شهرستان ایوان
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست‌ونهم اسفند 1363
محل شهادت: سرپل ذهاب
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: روستای حاجی‌حاضر شهرستان
زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا آنان که شهید شدند، سوختند و پرتو افکندند و جهان را به نور خود منور نمودند.
- ا ای امام من در دامن تو تربیت شده‌ام و راه مبارزه را آموختم.
- ا تا آخر عمر و تا آخرین لحظه زندگی در خط شما که همان خط الله است جانفشانی می‌کنم.
- ا آنچه را در این انقلاب آموختم اخلاص عمل و ایثار بود.
- ا خداوندا مرا به درجه رفیع شهادت نایل گردان.
- ا شهادت شهرت ما است.
- ا باید در راه خدا کوشید.
- ا عاشق شهادت شدم چون همیشه عشقم پی شهادت بوده و هست.
- ا ای پدر و ای مادر عزیز ناراحت نباشید که فرزندان به لقاء الله پیوسته.

جاسم یاسمی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

آنان که شهید شدند، سوختند و پرتو افکندند و جهان را به نور خود منور نمودند و با پیکرشان [...] ²بخشیدند. حق پویان ما همان خط سرخ حسین (7) را دنبال نمودند. آنان در جبهه‌های حق علیه باطل و نور علیه ظلمت، رزمیدند تا ما اینجا در جبهه‌های گوناگون جنگ (فرهنگ - اقتصاد و مذهب) به تلاش بپردازیم و رسالتشان را با کوله بارمان در جاده زندگی حمل کنیم و به گوش جهانیان برسانیم. پیامشان را همیشه آویزه گوشمان نماییم و به کار گیریم.

ای امام من در دامن تو تربیت شده‌ام و راه مبارزه را آموختم بدان که تا آخر عمر و تا آخرین لحظه زندگی‌م در ³خط شما که همان خط الله است جانفشانی می‌کنم چرا که آنچه را در این انقلاب آموختم اخلاص عمل و ایثار بود.

خداوندا مرا به درجه رفیع شهادت نایل گردان. چون چشم و جانم و روح و روانم خمینی بت شکن می‌فرمایند «درجه شهید از همه افراد افضل است»⁴ پس ای خدای هستی مرا در رسیدن به این فیض یاری ده خدایا توفیق شهادت در راه خودت را به من عنایت فرما. در این دنیای فانی جایی که پدران و مادران ما امتحان داده‌اند و ما اینجا امتحان می‌دهیم و خواهیم داد. من به آنانکه نسبت به انقلاب و اسلام بی تفاوت بوده‌اند، توصیه می‌کنم که امروز حق از باطل درست مثل روز روشن است و از آن‌ها تقاضا می‌کنم که دیگر بیش از این غفلت نکنند و از خواب دنیوی و از غرق شدن در لذت‌های کوتاه دین

1- بالای وصیت‌نامه به خط شهید آمده است «قسمتی از وصیت‌نامه جاسم یاسمی».

2- در اصل وصیت خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «از».

4- عبارت امام این است: «شهید از همه افراد افضل است» در اصل وصیت «افضالتر»، (صحیفه امام، ج 13، ص 171).

خود را نجات دهند که دیگر حجت بر همه ما تمام شده. انشاءالله به صف جندالله¹ بیوندند.²

ای پدر، ای مادر، ای برادر، ای خواهر گرامی و ای خویشان و ای دوستان من می‌روم جبهه تا شهادت نصیب من بشود و چون شهادت شهرت ما است باید در راه خدا کوشید و حرف امام عزیزمان را پاک نکنیم و به جبهه‌های حق علیه باطل حمله‌ور شد تا دشمن بداند که امام این بازماندگان و این دلاوران را دارد که محافظ جان او هستند. من از خانه³ که رفتم خیال برگشتن را به خود راه ندادم و عاشق⁴ شهادت شدم چون همیشه عشقم پی شهادت بوده و هست.

ای پدر و ای مادر عزیز ناراحت نباشید که فرزندان به لقاء الله⁵ پیوسته و در بهشت برین غرق شده. یک وصیت خیلی ضروری دارم این است که خیال شهید شدن من را به دل نیارید چون من زنده‌ام⁶.

1- در اصل وصیت «جندالله».

2- در اصل وصیت «بیوندند».

3- در اصل وصیت «خانی».

4- در اصل وصیت «عاشقی».

5- در اصل وصیت «اله».

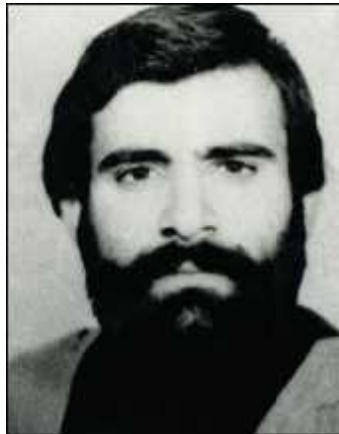
6- حسب آخرین عبارت وصیت‌نامه ناتمام است.

سیدنا امیر از ولایت نایب اجازت
 آنان سنجیده نشدند و هر تو افندند و جهان
 راه نور خاد سوز نمودند و با بیکسرتان بیکم بخشیدند
 حق پویان ماهان خطا سرف حسین (ع) را در نبال
 نمودند آنان در هر چه با حق علیه باطل و نور علیه
 ظلمت روئید ز تا ما اینها در همه عالم نون
 حبیب (فرهنگ) - افتخار و مذکوب به تلاش سرداران
 و زبانتان را با کوه لبار ما در جاده زندگانی
 کنیم و بر گوش جگر نیان برانیم بیامش در راه
 آویزه گوشه کسالت در بار کسرت
 ای امام من در دامن تو تربیت شده ام در راه من
 تا اگر غم نه از آن تا آخر عمر و تا آخر عمر خطه زنده
 از خطه شما همان خطه است جانفشانی من
 چراغ آینه را در این انداز اگر غم افلاک عمل و این
 بود.

خدایا درجه درجه رفیع تر است تا آنکه
 چون چشم و جانم در روح دروادم غنیمت قسم خون من
 درجه سنجیده از همه افراد افضل تر است سراسر فدای
 هستی سزا در رسیدن به این صفت یا برده فدای
 توفیق شهادت در راه خودت راه من عساکر
 در این دنیا رفاه بجای که پیران و مادران ما
 اطفال داده اند ما این اطفال من دهم خواهم داد
 من با آنانند سنت بر اندر اسلام من فدای
 بوده اند تو صبی من شمر که امروز حق از ما بلبل کرد
 من روز روشن است و در آن تقاضای کنه دیگر
 پیش از این غفلت فلان و از خواب دنیوی و از
 غرق شدن در لذتها سرگشته دنیا خود را بجا
 دهند که دگر هجت بر همه ما آرزو
 اشکال به بهف غنایم برینده

ای پیروان عابدان درگاه خداوند
 و ارفیقان در دوستی من در هر جمعه
 تا محارت لیب من بشود چون محارت
 محارت عادت با پیرو راه خدا کوشیده
 و حرف امام عزیز خانه پاک بنشیند بر جبهه
 حق علیه باطل همه دیده نشدند دستش به آنه امام
 این بازمانده گان دانه دلدار را که دارد که می حفظ
 جان او هسته
 می از خانه که رفتیم خیال بر گشته ایم او خود راه
 نه آدم و عاشق محارت شدیم چون همه عشق
 پس محارت برده رفت
 ای پیرو این عابد عزیز ناراحت نباشید که فرزند
 ای لقا که الله بفرستد و در محبت بر من غرق شده
 کبیر و صیت قلی منور در این ایستگاه خیال
 محبت من در راه دل پیارید چون من زنده ام

نام: صادق
نام خانوادگی: یاسین ممتاز
نام پدر: جاسم
نام مادر: ربابه
تاریخ تولد: سال 1335
محل تولد: روستای باولگ از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم مهر 1362
محل شهادت: قلاویزان مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- | افتخارم شهادت است.
- | راه برادران را در دشت های مبارک خوزستان ادامه می دهیم.
- | افتخار بس عظیم شهادت که مرا به سوی خویش جذب کرده.
- | فریادم مرگ بر آمریکا و نابودی صدام و صدامیان است.
- | من رفتم خداحافظ، ایمانم به من اجازه برگشتن را نمی دهد.

صادق یاسین ممتاز¹

بسم الله الرحمن الرحيم

[...] ² رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی
[...] ³ تو وصیت این برادر را می خوانید و در مجله و روزنامه پخش می کنید و افتخارم
شهادت است. راه برادران را در دشت های مبارک خوزستان ادامه می دهم. ⁴ بر تو ای زن و
ای برادر و ای خواهر سلام گویم که همگی انتظار این برادر را می کشید. چه کنم که عشق
الله مرا چنان سرسام کرده که دیگر عازم خانه شوم کعبه عازم برای کوبیدن و رزمیدن و
من جان بر کف چه افتخار بس عظیم شهادت که مرا به سوی خویش جذب کرده. مرا
یکدم و یک لحظه از طاقت و قرارم [...] ⁵ باد اسلام فراموش نمی پذیرد. سلام بر تو ای
برادر و بر تو ای خواهر، حلالم کنید که من رفتم دیگر جای برگشتن ندارم.
خواهان و خواستارم که چنان بر پیکر زبون صدام ⁶ لرزه افکنیم که دیگر نامی از این
جنایت صفت و این طلحه ⁷ را بر جهان باقی نگذارید. من رفتم خداحافظ، ایمانم به من
اجازه برگشتن را نمی دهد. همانا فریادم مرگ بر آمریکا و نابودی صدام و صدامیان است
دیگر چطور می بخود اجازه دهم در خانه باشم.

خداحافظ ای برادر جنده الله [...] ⁸ بایستند از رهبر روح الله

(خداحافظ همگی)

صادق یاسین ممتاز 60/12/29

1- بالای وصیت نامه آمده است: «وصیت نامه برادر صادق ممتاز اهل بولگ ساکن بخشی از کواز ملک شاهی، عضو بسیج
سیاه پاسداران انقلاب اسلامی».

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «راه برادرانی که در دشت های خوزستان کربلای مبارک ادامه می دهم».

5- خوانا نیست.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- خوانا نیست.



درست باشد بجز صادق مقادری با اولاد سائست و شادان باشد

عصوب سیاه یا سطله افندت است

سیرتیر انقبول است

هر که از این دنیا بگذرد که در موت اینسر برادران جوانی و در جمله روزنامه نفس و کلمه در
انتقام شهادت است و راه بطور اف که در وقت کمر خیزستان در بعد سائست کرده و هم
بجای زن و ای برادر و ای خود کمر ستم گیریم که حقیقت نظر اینسر برادر را و ستم ده کنم
که عشق افکار ضریحان بر سر هم کرده که دیگر ما هم خانه ستم کعبه ما هم بر سر کعبه
و در عهدی که در مشرفان برکت به انتشار پس مفیم شهادت در مریه بعدی
خوبی عزیز که در

صراحتیم و سب افکار از فاقه و قزاقم لوب بار است و کلمه شریفیندیو ستم بر قزاقی
بجای خود بوقتی خود کمر همه کم کنی که منس نفتم و سیرتیر ستم بر نام
خود اینسر خود است و نام در حینک بر سیرتیر زبون ستم مردم کرده افکنیم که دیگر نام از اینسر
جانب صفت و اینسر لوب بار باقی ستم را بر ستم
نما حافظ ایما هم بلغم اعانه بگشتن را از واحد

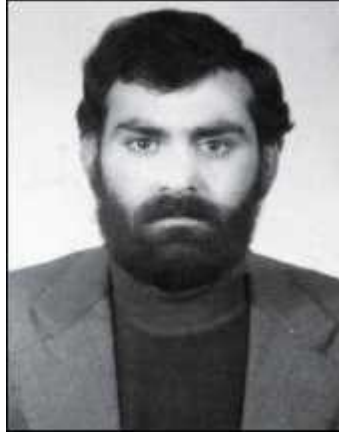
جان عزیزم سرت و آسیرتیرا و فایده در مردم و مراد ما است که کلمه خلیف بر خود
کعبه و در در خانه با کلمه

نما حافظ لوب بار حیندیو الله نوز نام با استمکه بر روح الله

نما حافظ ستم

صادق ممتاز ۲۹/۴/۶۰

نام: سیدباقر
نام خانوادگی: یزدانی‌نیا
نام پدر: ذوالفقار
نام مادر: کشور
تاریخ تولد: سال 1331
محل تولد: شهرستان مشهد
تحصیلات: -
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست‌وسوم بهمن 1360
محل شهادت: گیلانغرب
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش
مزار: بخش صالح‌آباد از توابع شهرستان
مهران



عبارت‌های کلیدی

- ا اگر شهید شدم، پدر، خواهر و برادر و خانواده‌ام سیاه نپوشید.
- ا شاید این سعادت را داشته باشم که شهید شوم.
- ا شهادت راه حق است.
- ا باید شما افتخار کنید. اگر من شهید شدم زیرا باعث افتخار است.
- ا من در راه وطن و دفاع از جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام امت خمینی کبیر می‌جنگم.
- ا من خودم میدانم که به تازگی به شهادت می‌رسم.
- ا فقط به یاد خدا باشید.

سیدباقر یزدانی نیا

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب تکاور سیدباقر یزدانیان که در تاریخ 60/1/30 از کرمانشاه به سوی بعضی‌های عراقی [...] علیه باطل شرکت کردم. اگر شهید شدم، پدر، خواهر و برادر و خانواده‌ام سیاه¹ نپوشید و اگر می‌خواهی روحم شاد باشد و شما حق هیچگونه دخالتی در زندگی و اموال و همسر و فرزندم [را] نداشته باشید و تمام زندگی و اموال من متعلق به زن بنده و فرزندم شکرالله می‌باشد. شاید این سعادت را داشته باشم² که شهید شوم زیرا شهادت راه حق است و باید شما افتخار کنید اگر من شهید شدم. زیرا باعث افتخار است و من در راه وطن و دفاع از جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام امت خمینی کبیر می‌جنگم، اگر شهید شدم افتخار کنید و قبر مرا در صالح‌آباد ایلام در [...] ³ دفن کنید و با آرزوی شهادت.

سیدباقر یزدانی نیا

تاریخ 60/2/11

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شهید سیدباقر یزدانی نیا 60/8/15

به‌نام خداوند یکتا و جهان‌آفرین ضمن سلام به خانواده گرامیم و خصوصاً مادرم. من خودم می‌دانم که به تازگی به شهادت می‌رسم و امیدوارم که خداوند به من کمک نماید تا این مسئولیت بزرگ را به پایان برسانم و خداوند کمک نماید که شهید بشوم و اگر مادر و همسر و فرزندم شهید شدم هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید و برایم عزاداری نکنید و فقط به یاد خدا باشید⁴ و از فرزندم شکرالله خوب مواظبت کنید⁵. مادر جان هر چند که تو واقعاً

1- ر. ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «باشیم».

3- در اصل وصیت ناخواناست.

4- در اصل وصیت «باشی».

5- در اصل وصیت «کنی».

مادریّت را به من ثابت کردی مواظب فرزندم هم باشی و مثل خودم از آن مواظبت کن.
دیگر عرضی ندارم.

سیدباقر یزدانی‌نیا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اینهاست که در روز سید یاقین زیدانی در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در کربلا عتبات عالیات

شاهین شهر کربلا در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در کربلا عتبات عالیات

سید یاقین زیدانی در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در کربلا عتبات عالیات

و بعد از آن در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در کربلا عتبات عالیات

در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در کربلا عتبات عالیات

در راه هو است و باید شما انتقام کنید از من سید یاقین زیدانی

است و من در راه وطن و دفاع از جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام است

کبریا و بگویم که در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ در کربلا عتبات عالیات

دین من گنبد یا از روزگاری شهداست

سید یاقین زیدانی (مستطیل) تاریخ اردیبهشت ۶۰

سید یاقین زیدانی

وصیت نامه شهید سیدباقر یزدانی نیا ۸/۱۴۵ / ۵۰

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوندی که او را هیچ کس ازین صفت سلام به خانواده تراست و حضرتها

خادم من محروم می دانم که به تازگی به شهادت می رسد و در راه رسیدنم

که خداوند به من کمک کند بر تا این مشرب بزرگوارم و بایده بر تمام در

خداوندتک نماند که بعد از من زنده باد و همه فرزندانم (عظیم شرم

چیزی گونه ناراضح خداست با همه و برای عزاداری کنید و فقط با خدا

باشی و از فرزندانم شکر کند خوب مواظبت کنی و سعادت هر چه که تو

واقعا حادث است را به من شهادت کردی مواظب فرزندانم هم باش و شکر

خودم از آن مواظبت کن
سیدباقر یزدانی نیا

نام: همت
نام خانوادگی: یکسان
نام پدر: حیدر
نام مادر: شاصنم
تاریخ تولد: بیستم شهریور 1341
محل تولد: روستای چگاه از توابع
شهرستان ایلام
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: نهم بهمن 1365
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای روستای حاج بختیار
شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ا به نام و یاد خدا در راهی گام نهادم و لباس رزم را به تن کردم.
- ا همواره جبهه اسلام در مقابل فاسدان و ملحدان و از خدا بی‌خبران اندک بوده.
- ا آنها از ایمان و عرفان و عشق به مبدأ بی‌خبرند و چند روزه عمر واهی و پوچ را به بطالت و در خویی می‌گذرانند.
- ا من در راهی گام نهادم که رهبرم این وارث خون شهیدان و فرزند پاک حسین (7) و اسوه صبر و مقاومت امامت در راه تحقق آن رنج می‌کشد.
- ا دور از غیرت و شجاعت است. هم‌چون کوفیان او را تنها و بی‌یاور گذاشت.
- ا سلام مرا به رهبرم برسانید. اگر در این راه لیاقت شهادت را پیدا نمودم.
- ا اگر شما ناراحت شوید دشمنان اسلام شاد خواهند شد.
- ا اگر شهید شدم به ملاقات معبودم خواهم رفت.

همت یکسان¹

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصّديقين

به نام و یاد خدا در راهی گام نهادم و لباس رزمش را به تن کردم که الگوهای تاریخی اسلام و مذهب سرخ تشیع همچون حسین بن علی (7) و ابوالفضل عباس (سلام الله علیها)² و دیگر بزرگان و عارفان با منشی وسیع و عارفانه در جهت تحقق آن با صلابت و استوار پیش رفتند و تا آخرین قطره خون را در این راه نثار کردند تا شاید درخت نونهال اسلام تنومند گردد و ریشه ظلم و فساد در پهنه گیتی محو شود و چنان پر از عدل و داد گردد تا شاید انسان‌های رستگار شوند. چه بسا همواره جبهه اسلام در مقابل فاسدان و ملحدان و از خدا بی‌خبران اندک بوده. اما اگر عده‌ای که از خط سرخ تشیع دفاع نموده‌اند، با عشق به معبود و به دور از هر گونه ریایی در این معرکه گام نهاده‌اند و تا مرز افتخار و رستگاری رسیده و حتی شربت شیرین شهادت را نوشیده‌اند که در دو حال پیروزند و اکنون در مقطع زمانی قرار داریم که تمامی ایادی شوم و پلید زمانه در یک جبهه متحد با تجهیزاتی کامل و ارتش‌های منسجم در صدد براندازی و خشکانیدن ریشه‌های اسلام هستند. اما زهی خیال باطل چون آن‌ها از ایمان و عرفان و عشق به مبدأ بی‌خبرند و چند روزه عمر واهی و پوچ را به بطالت و در خویی می‌گذرانند و در این امور آگاهی ندارند. من در راهی گام نهادم که رهبرم این وارث خون شهیدان و فرزند پاک حسین (7) و اسوه صبر و مقاومت امامت در راه تحقق آن رنج می‌کشد و دور از غیرت و شجاعت است. هم‌چون کوفیان³ او را تنها و بی‌یاور گذاشت که به حق ایرانیان چنین مردمانی نیستند. پیام مرا به رهبرم برسانید که تا وقتی جوانان این مرز و بوم زنده‌اند او تنها نخواهد ماند و راهش پر پیرو خواهد بود و انشاءالله دنباله نهضت با نهضت حضرت مهدی (عج) پیوند

1- بالای وصیت‌نامه نوشته شده: «وصیت‌نامه پاسدار وظیفه همت یکسان، فرزند صدر».

2- در اصل وصیت (سلام‌علیه). ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

داده خواهد شد و سراسر زمین پر از نور عدالت خواهد شد. امید است رهروان این نهضت [...] با ایمان خود بوده و لحظه‌ای در این راه به خود تزلزل راه ندهند. سلام مرا به رهبرم برسانید. اگر در این راه لیاقت شهادت را پیدا نمودم انشاءالله در قیامت مرا نزد جدش اباعبدالله‌الحسین (7) شفاعت کند. به مادرم بگویید در مرگ من ناراحت نشود و شیون و زاری نکند از او تشکر می‌کنم به خاطر زحماتی که برای من و در بزرگ کردن من متحمل شدند. از خدا می‌خواهم گرچه نتوانستم زحمات او را جبران کنم، روز قیامت هم‌چون زنان صدر اسلام رستگار و با آنان محشور شود. مادرم برایم گریه نکن و لباس سیاه² نپوش چون اگر شما ناراحت شوید دشمنان اسلام شاد خواهند شد. اگر شهید شدم به ملاقات معبودم خواهم رفت و چه فوزی از این بالاتر و جای شهیدان در رضوان ابدی است و این وعده به حق قرآن کریم کتاب آسمانی‌مان است. در پایان ضمن خداحافظی خواهش دارم که کاری نکنید خدای³ نخواستہ رهبرمان لحظه‌ای خاطرش کدر شود.

به امید دیدار

«والسلام»

مخلص شماها. همت یکسان

1- خوانا نیست.

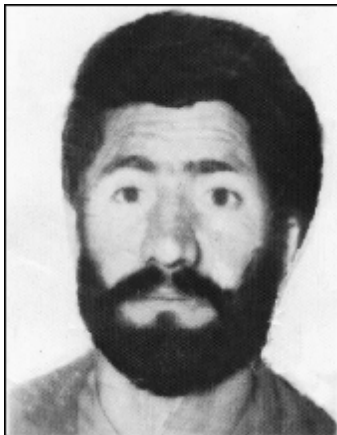
2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «خدایی».

تجربیه کامل و ارشادهای منجم در مورد برادرانی و خسته شدن در راهی مردم است
 تا زحمات حاصل بماند چون آنجا که در آن وقت هم مبادا که شراره خیزد و من
 با همه مردمی که با من است و در خون من می آید و این امر آهسته آهسته من در
 راه هم تمام شد که هرگز این وارست فرزند شهید و فرزند پاک من (۴) و این
 در وقت است تا آنکه در راه کف آن می کشد و در روز عقیقت و شجاعت
 است هرگز که در راه کف آن می کشد و در روز عقیقت و شجاعت
 به هر چه من می بینم که تا آنجا که این مردیم زنده اند آرزوی من است که در راه
 پیر و فرزندان در راه کف آن می کشد و در روز عقیقت و شجاعت (۴) میرند
 داده می شود و در راه کف آن می کشد و در روز عقیقت و شجاعت
 با ای دل خرد برده و کلمه ای در این راه می خورد تا آنکه در راه کف آن می کشد و در روز عقیقت و شجاعت

هم از همه آرزو این بود که دست خدایت را بر مردم این دیار در میان
 برافشود و هر چه از کلام الهی (ع) نماند که در دل ما دردم برسد در میان ما
 نماند و هر که در این دنیا از یاد تو گم شده که با ما در میان در میان
 ما ستمگر و ظالم از خدا میترسم که تو را در میان ما در میان در میان
 زینک صمدی ایلام است و در میان ما در میان ما در میان ما در میان
 نویسنده چون که از میان ما در میان ما در میان ما در میان ما در میان
 مسردم میترسم و در میان ما در میان ما در میان ما در میان ما در میان
 و این دیار است که در میان ما در میان ما در میان ما در میان ما در میان
 مواضع دلم که در میان ما در میان ما در میان ما در میان ما در میان
 و اندام این مملکت است که همت این

نام: محمدنقی
نام خانوادگی: یونسی
نام پدر: بساط
نام مادر: ماهی طلا
تاریخ تولد: سال 1320
محل تولد: روستای قلعه جوش از توابع
شهرستان مهران
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم بهمن 1361
محل شهادت: ایلام
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

- ۱ فقط کسانی می‌تواند جان خود را ایثار کنند که عقیده و ایمان کاملی به ذات پروردگار و دین و مذهب خود داشته باشند.
- ۱ چنین کسانی (ایثارگران) در نزد خدای خود دارای اجر عظیم هستند.
- ۱ وصیت می‌کنم که از اسلام و قرآن و امام عزیز محافظت کنید.

محمدنقی یونسی

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

«کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند زنده‌اند و نزد خدای خودشان روزی به آن‌ها می‌رسد.»¹

یک انسان هر قدر دارای احساسات انسان باشد، می‌تواند از مال خود بگذرد، تحمل رنج را به خاطر دیگران [و] پدرش بکشد و شب‌ها در سرمای زمستان و گرمای تابستان سرما بخورد و عرق بریزد، ولی نمی‌تواند از جان بگذرد و حیات خود را فدا نماید. فقط کسانی می‌تواند جان خود را ایثار کنند که عقیده و ایمان کاملی به ذات پروردگار و دین و مذهب خود داشته باشند و برای رضای خدا فداکاری بکنند. معلوم است چنین کسانی در نزد خدای خود دارای اجر عظیم هستند و چون در نزد خدا دارای مقام و منزلت هستند در نزد بندگان راستین خدا نیز دارای منزلت هستند و از مقام بزرگ تجلیل می‌شود. من وصیت می‌کنم که از اسلام و قرآن و امام عزیز محافظت کنید.

بسیجی محمدنقی یونسی

1- ترجمه آیه 169 از سوره بقره است: «...الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون».

وصیت‌نامه شهید محمد تقی پیونسی

خداوند > خدایان بیدار می‌فرمایید؟

کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند زنده اند و دوزخ

خدای خودشان روزی به آن‌ها می‌رسد.

یک انسان هر قدر دارای احساسات انسان باشد می‌تواند

از مال خود بگذرد، تحمل رنج را بخاطر دیگران پذیرد

بکشد و شبها در سرمای زمستان و گرمای تابستان سرما

بفورد و عرق جریزند ولی نمی‌تواند از جان بگذرد و حیات

خود را فدا نماید فقط کسانی میتوانند جان خود را ایثار
کنند که عقیده و ایمان کاملی به ذات پروردگار و
دین و مذهب خود داشته باشند و برای رضای خدا
فداکاری بکنند. معلوم است چنین کسانی در نزد
خدا دارای اجر عظیم هستند و چون در نزد
خدا دارای مقام و منزلت هستند در نزد جن-
گان راستین خدا نیز دارای منزلت هستند و از مقام
بزرگ تجلیل میشود، من نصیبی کمی که از اسلام و قرآن
و امام عزیز ما حفظ کنید؛ بی‌عمر عمرتون

تعليقات

- **آبادانان:** شهرستان آبادانان از شهرستانهای تابع استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 49153 نفر. دارای 3 بخش و 6 دهستان تابعه است. این شهرستان در 170 کیلومتری جنوب شرقی ایلام در میان ارتفاعات دینارکوه، کبیرکوه و سیاهکوه واقع شده است.
- **ابن ملجم:** عبدالرحمن بن ملجم مرادی حمیری از خوارج و در طریقه خود متعصب بود او و برک بن عبدالله تمیمی و عمر بن بکر سعدی در خانه کعبه سوگند یاد کردند که روزی معین علی بن ابی طالب (7)، معاویه ابن ابی سفیان و عمر بن عاص را به قتل برسانند و چنین می پنداشتند که بدین وسیله رفع اختلاف مسلمانان خواهد شد. ابن ملجم در 19 رمضان سال 40 هـ.ق هنگام نماز صبح به مقصود خود نائل شد و علی (7) را هنگامی که به نماز ایستاده بود با ضربت شمشیر به شهادت رساند. پس از همان ضربه ابن ملجم بود که حضرت علی (7) فرمود: «فزت برّب الكعبه» به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم.
- **ابوذر غفاری:** از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را زدند و او کوچکترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربه. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول الله

نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزهت چون عیسی بن مریم است علیه السلام. عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد. (دهخدا)

- **ابوسفیان:** صخر بن حرب بن امیر بن عبد شمس از قبیله قریش بود. پدر معاویه و یزید و عتبه و برادران دیگر داشت. در ده سال پیش از عام الفیل متولد شد. از اشراف قریش در جاهلیت بود. در جریان فتح مکه مسلمانی پذیرفت. نقل است که ابوسفیان در زیر لوای پسر خود یزید جنگ می‌کرد. برخی گویند او به زمان جاهلیت مانوی و پس از قبول مسلمانی ملجأ و کھف همه منافقین بود. ابوسفیان مردی جاه طلب بود. ابوسفیان در دوران خلافت عثمان در سال 33 هجری درگذشت. گویند سبب اصلی جنگ اُحُد و غزوه احزاب ابوسفیان بوده است. (دهخدا).

- **ابوموسی اشعری:** عبدالله بن قیس بن سلیم صحابی است از مردم قریه رمع یکی از قرای یمن و از قبیله اشعر یمن است. پیش از هجرت از یمن به مکه شد و اسلام آورد. پس از فتح خیبر به یمن برگشت. سال دهم هجرت به امر رسول (6) والی قسمتی از یمن گردید. در خلافت عمر سال 17 ه.ق والی بصره و سال 22 ه.ق حکمران کوفه شد. در خلافت علی (7) حکم گردید و عمرو بن عاص او را فریب داد. پس از آن به مکه گریخت و پس به کوفه برگشت و در همانجا درگذشت. «دهخدا»

- **اسلام فقهاتی:** تعبیر اسلام فقهاتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی - اقتصادی و... به نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه دراز مدت از مبانی اصلی دوری شدند و به نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقهاتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقهاتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقهاتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام تمام حرف‌ها

و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید (صحیفه امام، دوره 22 جلدی).

- **اسماعیل (ذبیح‌الله):** اسماعیل فرزند بزرگ حضرت ابراهیم از هاجر بود سال تولدش را 2085 قبل از میلاد نوشته‌اند. شاخص‌ترین نکته در زندگی حضرت اسماعیل این است که وقتی خداوند حضرت ابراهیم را مبنی بر میزان اطاعت و فرمانبری او از خود امتحان کرد از ابراهیم خواست که فرزندش را قربانی کند. حضرت ابراهیم بدون کوچکترین درنگ کارد بر گلوی فرزند نهاد. اما خداوند چون اخلاص ابراهیم را دید، به جای قربانی اسماعیل پذیرفت که گوسفندی قربان کند. سنت قربانی در اعمال حج تمتع به همان موضوع برمی‌گردد. حضرت اسماعیل در تجدید بنای کعبه به پدر کمک می‌کرد.

- **اتیوپی:** از کشورهای آفریقای شرقی بین سودان، کنیا، اریتره و سومالی است. پایتخت آن آدیس‌آبابا، دارای حکومت جمهوری فدرال با جمعیت هفتادوسه میلیون و پانصد هزار نفر است. سال‌ها مستعمره ایتالیا بود. در سال 1941م پس از شکست ایتالیا در جنگ دوم جهانی از مستعمره ایتالیا آزاد شد. فقر و عقب‌ماندگی میراث سال‌ها استعمار این کشور است.

- **اصطلاح چپ و راست:** این تعبیر بعد از انقلاب فرانسه رواج یافت. در مجمع ملی نمایندگان فرانسه به نمایندگان تندرو که در طرف چپ پارلمان مستقر بودند «چپ» و به نمایندگانی که در طرف راست پارلمان بودند و با تندروها مخالف بودند «راست» می‌گفتند. بعدها به گروهی که خواهان حرکت‌های تند و انقلابی بودند جناح یا جریان چپ گفتند و به گروه مقابل و مخالف این سیاست‌ها جناح یا جریان راست گفتند. این اصطلاح در سایر کشورها هم به نوعی جای خود را باز کرد و خود مصادیقی یافت. البته هر دو جریان سیاسی در ایران تعاریف خاص بومی داشتند چپ‌ها و چپگرایان و راست‌ها و راستگرایان ایران، مانند فرانسه و سایر کشورها نبودند. ادبیات سیاسی روی کار آمده و نوع تعامل این دو جناح، با

دولت‌ها و موضعگیری‌های آنان در ایران با سایر کشورها اگر نگوئیم مغایر است، حداقل باید بپذیریم که متفاوت است. «مصحح»

- **الیاس:** نام پیغمبری است مشهور و او پسر زادهٔ سام بن نوح و عمه خضر است. همراه او آب حیات خورده از این رو همیشه زنده است. الیاس از پیامبران بنی‌اسرائیل است پانزده سال دورهٔ نبوتش را نوشته‌اند. الیاس صاحب کتاب نبود. پیامبری شجاع، امین، غیور و متعصب بود. از اهالی بعلبک بود 9 قرن قبل از میلاد می‌زیست. بنی‌اسرائیل را به ترک بت‌پرستی دعوت می‌کرد ولی قوم دعوت او را اجابت نمی‌کردند و او را آزار می‌رساندند تمام خوارق عادت و معجزاتش را انکار می‌کردند. در قرآن از او چنین یاد شده است و «ان الیاسَ کمن المرسلین». (دهخدا).
- **امامزاده سیداکبر (7):** بقعه زیارتی امامزاده سیداکبر (7) در نزدیک دهلران و در مسیر دهلران به اندیمشک قرار گرفته است. امامزاده سیداکبر را پسر امام موسی کاظم (7) می‌دانند که همراه حضرت معصومه (3) به منظور دیدار از حضرت امام رضا (7) از عراق به ایران آمده است، در دهلران بر اثر بیماری فوت کرده و در آنجا دفن شده است.

- **امامزاده علی صالح (7):** این امامزاده به خاص علی نیز معروف است در 35 کیلومتری جنوب شهر ایلام واقع است. ساختمان آن قبل از دوران قاجاریه بنا گردیده. زیارتگاه هزاران نفر از اهالی استان و دیگر استان‌های هم‌جوار است. امامزاده علی صالح فرزند عبیدالله الاعرج فرزند حسین الاصفهر فرزند امام زین‌العابدین (7) امام چهارم شیعیان است و در عصر امامت امام رضا (7) می‌زیسته لقب او صالح و کنیه‌اش ابوالحسن بوده است. مزار شهدای جنگ تحمیلی در جوار این بقعه است و همین امر اهمیت آن را بیش از پیش کرده است.

- **امام موسی صدر:** پس از سفر به لیبی به دست عوامل اطلاعاتی این کشور ربوده شد. امام موسی صدر در قم به دنیا آمد و بعد از تکمیل تحصیلات خود در دانشگاه تهران به دعوت حجت‌الاسلام «سید عبدالحسین شرف‌الدین» رهبر مذهبی و انقلابی شیعیان در شهر صور راهی جنوب لبنان شد. شیعیان لبنان در آن زمان در وضعیت نامناسب سیاسی - اجتماعی و فرهنگی بسر می‌بردند از این رو امام موسی صدر در

مقام رهبری شیعیان لبنان اقدامات اساسی و مهمی در این زمینه‌ها انجام داد. او موفق شد که قانون تشکیلات مربوط به امور اسلامی شیعیان را در مجلس لبنان به تصویب برساند و سپس با رای مردم به ریاست تشکیلات امور مسلمانان انتخاب شد. اما سرانجام مرتجعان عرب که از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان وحشت داشتند، نقشه ربودن امام موسی صدر را طراحی کردند تا از فعالیت شیعیان در خاورمیانه جلوگیری کنند، چرا که مبارزات و موفقیت‌های امام موسی را مانع از توسعه اهداف خود می‌دانستند.

- **ام لیلی (لیلا):** لیلی دختر ابومره ثقفی، همسر امام حسین (7) و مادر حضرت علی اکبر (7) از زنان فاضل عصر خویش بوده است. برخلاف آنچه مشهود است در کتاب‌های معتبر و مقتل‌ها نامی از ایشان در جریان کربلا و کوفه و شام نیست. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- **ام وهب:** همسر عبدالله بن حباب کلبی، یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند. پس از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج 17، ص 17).

- **ام البنین:** همسر علی بن ابی طالب است. دختر عامریه از خاندان آل وعید که در روز عاشورا چهار فرزند ایشان به نام‌های (عبدالله، جعفر، عثمان و عباس) یکی پس از دیگری در رکاب امام حسین (7) شجاعانه جنگیدند تا شهید شدند.

- **ام کلثوم:** دختر علی بن ابیطالب (7) از حضرت فاطمه (3) است. بنا به مشهور به همسری عمر خلیفه دوم درآمد. در تنقیح‌المقال آمده است که ام کلثوم کنیه حضرت زینب کبری (3) دختر حضرت علی (7) است که در کربلا با برادرش امام حسین (7) همراه بود. سپس به شام و مدینه رفت. برخی گویند حضرت علی (7) دو دختر داشت که کنیه هر دو ام کلثوم بود.

• **امینی، عبدالحسین:** علامه عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی صاحب الغدیر در سال 1320 هجری قمری در روستای سروها از توابع شهرستان سراب به دنیا آمد. خاندانش اهل علم و فضل بود. مقدمات علوم را در تبریز خواند و عاقبت از تبریز راهی نجف شد. از مراجع بزرگی چون سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی بهره علمی برد. علاوه بر دهها اثر عمیق، دقیق و ارزشمند علمی، از جمله: کامل الزیارات، سیرتنا، سیره نبینا، شهدای راه فضیلت، مدت چهل سال عمرش را به تألیف کتاب بی مانند الغدیر در 20 مجلد صرف کرد. برای اثبات حقانیت علی (7) و خاندان عصمت و طهارت و دفاع علمی از جایگاه علمی و ولایی آنان به دهها کشور و شهر در شرایط سخت سفر کرد. در نهایت امساک و ورع و زهد بسر می برد و شبانه روز حدود 20 ساعت به تحقیق و تفحص و پژوهش می پرداخت. سرانجام در 12 تیرماه 1349 در آستانه 70 سالگی دارفانی را وداع گفت و در محل کتابخانه عمومی خود به خاک سپرده شد.

• **ان کان دین محمد:** تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سوف و خذینی» را به صراحت به حضرت امام حسین (7) بدانند. در موسوعه کلمات الامام الحسین (7) و در کتاب دایرة المعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (1335-1305ق) فرزند حاج محمد حونری حائری آل ابی الحب، از اعظام خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شعری به نام الحائریات است. قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین (7) دارد که چنین است:

اعطیت ربی موثقاً لایتهی الا بقتلی فاصعدی و ذریتی
ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یاسیوف خذینی

• **انسان سازی:** تعبیر «انسان سازی» را حضرت امام خمینی برای قرآن و اسلام بارها و به مناسبت های گوناگون به کار برده است از آن جمله اند: «سلام مکتب انسانی سازی است» (صحیفه امام، ج 3، ص 237). اسلام یک مکتبی است که برای انسان سازی

آمده. (صحیفه امام، ج 4، ص 8) قرآن کتاب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ج 5، ص 326). ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند. از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. (صحیفه امام، ج 6، ص 278) رزمندگان تحت تأثیر سخنان امام این تعابیر را قلمی کرده‌اند که «جبهه‌ها کارخانه انسان‌سازی است».

- **اهل کوفه:** از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.

- **ایوان:** از جمله شهرستان‌های استان ایلام است. دارای 49763 متر جمعیت و در شمال شهر ایلام قرار دارد.

- **بازرگان، مهدی:** (1286 تهران - 30 دی 1373 زنو) معروف به مهندس بازرگان، سیاستمدار، استاد دانشگاه و پژوهشگر مذهبی بود. او نخستین نخست‌وزیر ایران پس از پیروزی انقلاب 1357ش (رئیس دولت موقت) و نخستین دانشیار دانشگاه تهران بود. بازرگان، در کنار آیت‌الله شهید محمود طالقانی و یدالله سبحانی، یکی از بنیادگذاران نهضت آزادی ایران و هم‌چنین از فعالان در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سلطانیه تهران و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رساند و سپس در سال 1306 در میان نخستین گروه محصلان ممتاز اعزامی دولت پهلوی قرار گرفت و به کشور فرانسه رفت. او در مدرسه حرفه‌وفن شهر پاریس در رشته ترمودینامیک و نساجی تحصیل کرد و پس از هفت سال در سال 1313 به ایران بازگشت. بازرگان در دادگاه نظامی حکومت طاغوت به ده سال زندان محکوم شد. در پانزدهم بهمن 1357 با حکم حضرت امام خمینی به سمت وزیری منصوب شد.

• **باهنر، محمدجواد:** (1312-1360ش) در سال 1312 در کرمان متولد شد و در سال 1342 در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشته الهیات نیز حائز درجه دکترا شود. شهید باهنر در سال 1327 به علت سخنرانی علیه رژیم اسرائیل دستگیر شد و از سال 1341 فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید رجایی به شهادت رسید.

• **بختیار، شاهپور:** در سال 1293. ه. ش در شهرکرد متولد و در سال 1370 در پاریس درگذشت. از جمله بنیان‌گذاران نهضت مقاومت ملی بود. در 16 دی‌ماه 1357 با محمدرضا شاه بر سر پست نخست‌وزیری به توافق رسید. با پذیرش نخست‌وزیری از ورود هواپیمای حضرت امام به ایران ممانعت کرد. بختیار با هماهنگی آمریکا و شاه موقتاً در آن سمت قرار گرفت تا آمریکا و عوامل داخلی و سران رژیم پهلوی بتوانند از آتش خشم ملت مسلمان و انقلابی ایران بکاهند و با تسلط مجدد شاه ایشان را مجدداً به خارج از کشور بفرستند. به اصول مذهب و اعتقادات خاصی پای‌بند نبود. بختیار در دوران کوتاه مسولیت مذکور از عهده کار برنیامد و در برابر امام و طوفان خشم مردم انقلابی نتوانست دوام بیاورد. پس از 6 ماه زندگی مخفیانه در تیر 1358 به پاریس گریخت و به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. در سال 1370 در پاریس درگذشت. بی‌تردید بختیار از مهره‌هایی بود که سال‌ها در آب نمک خوابیده بود تا در فرازی به‌عنوان یک مهره به درد آمریکا و شاه بخورد اما در بهمن‌ماه 1357 با اعلام بی‌طرفی ارتش شاه، عملاً دولت او سقوط کرد و از قدرت برکنار شد.

• **بلال حبشی:** بلال ابن ریاح حبشی مکنی به ابو عبدالله بود. مادر وی حماته نام داشت. مؤذن و خزانه‌دار بیت‌المال رسول خداوند (ﷺ) بود. از سابقان و پیشی‌گیرندگان

در اسلام بود. رنگ پوست او به شدت گندم‌گون بود. در غزوه‌های مختلف از قبیل بدر، احد و خندق از همراهان پیامبر اکرم (6) بود. آخرین بار هنگام رحلت پیامبر (6) اذان گفت. از آن پس برای احدی اذان نگفت. در سال 20 قمری در سن 60 سالگی در دمشق و مرض طاعون درگذشت. مجموعاً از وی چهل و چهار حدیث نقل شده است. «دهخدا»

- **بنی صدر، ابوالحسن:** متولد 1312 همدان. در بهمن سال 1358 به عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی انتخاب شد. خیلی سریع به علت مواضع مخالف با نظام و خروج از مسیر حرکت انقلاب، هم‌صدا با منافقین و برخی مخالفان نظام به نوعی مقاومت مسلحانه علیه نظام روی آورد. عدم کفایت سیاسی او از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. با تأیید حکم مجلس، از سوی حضرت امام و اجرای حکم، خلع مسئولیت شد. از کشور گریخت و با سایر مزدوران و معاندان و مخالفان ضدانقلاب همسو شد.

- **بیت المقدس:** «قدس»، نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم (6) از آنجا آغاز شده است و به عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال 445 قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.

- **پادگان دوکوهه:** در حدود بیست کیلومتری شهر اندیمشک واقع شده است. این پادگان در اصل خانه‌های سازمانی پادگانی از ارتش به همین نام بود که در شمال این ساختمان‌ها قرار دارد و مرکز پشتیبانی نیروی زمینی ارتش است و در دوران دفاع مقدس به طور موقتی در اختیار تیپ 27 محمد رسول‌الله قرار گرفت که بعدها به لشکر ارتقا یافت و تا پایان جنگ در همین مکان و ساختمان‌ها مستقر بودند و اکنون نیز در اختیار همان لشکر است.

- **پاریس:** پایتخت و شهر معروف فرانسه واقع بر ساحل رود سن و فاصله کمی از ملتقای دو رود «سن و مارن» مرکز حکومت فرانسه و اسقف‌نشین آن. یکی از قدیمی‌ترین و زیباترین شهرهای اروپایی غربی و دارای موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مؤسسات علمی، ادبی و هنری است. پاریس مهم‌ترین بندر داخل فرانسه است و یکی از بزرگ‌ترین مراکز جواهرسازی جهان است.
- **پایگاه:** منظور پایگاه‌های بسیج و مقاومتی بود که از دوران دفاع مقدس به‌عنوان مراکز پشتیبانی و جذب نیرو تحت مدیریت و فرماندهی بسیج تشکیل شده است. بی‌تردید مردمی‌ترین مراکز نظامی و انتظامی در روزگار ماست که با ابتکار حضرت امام خمینی به‌عنوان فرمانده کل قوا تشکیل شد.
- **تنگه چزابه:** نام منطقه‌ای است در استان خوزستان. این تنگه در شمال غربی بستان و در راه جاده‌ای است که از مرز به بستان کشیده شده است. در دو سوی این تنگه تپه‌های شنی و هورهوریزه جای گرفته‌اند. جاده‌ای در خاک ایران، چزابه را به فکه و جاده‌ای دیگر این منطقه را به العماره در عراق می‌پیوندد. دهانه این تنگه نیز نزدیک به یک‌ونیم کیلومتر می‌باشد. از نقطه‌ای دید رزمی بسیار استراتژیک می‌باشد. در روند جنگ ایران و عراق تنگه چزابه یکی از پنج محور تازش عراق به ایران بود. عراق این منطقه را در دست داشت تا اینکه در عملیات طریق‌القدس در آذر 1361 ایرانیان این نقطه را بازپس گرفتند.
- **جالوت:** جباری در فلسطین، چون طالوت به پادشاهی بنی‌اسرائیل رسید آنان با جالوت و قوم او جنگیدند. اشموئیل نبی با طالوت موافق بود. جالوت در جنگ کشته شد و قوم او هزیمت کردند.
- **جبهه ملی:** از احزاب سیاسی ایران بود که نطفه اولیه آن از دوران فعالیت‌های دکتر محمد مصدق بسته شد. این سازمان تاکنون به علت نوسانات مختلف بیش از پنج بار تجدید حیات کرده است. فعالیت‌های این جبهه به علت تعارض و مواضع مخالف با نظام جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است. در سال‌های دفاع مقدس نهضت آزادی و سایر تشکل‌های سیاسی جزو مخالفان جدی جنگ بودند.

وابستگی شدید آنان به جریان‌های سیاسی - حقوقی غرب، مواضعشان را از نظام جمهوری اسلامی بسیار دور کرده است. (مصحح)

- **جزیرهٔ مجنون:** منطقه‌ای است در استان بصره عراق که در نزدیکی میدان نفتی مجنون و شهر قرنه قرار دارد. دو رود دجله و فرات در این منطقه به هم می‌پیوندند و سرچشمه اروندرود را پدید می‌آورند. این منطقه از آن‌رو مجنون (دیوانه) نامیده شده است که به گونه‌ای دیوانه‌وار حجم عظیمی از منابع نفتی را در یک منطقه محدود جغرافیایی جای داده است. از سال 2009 کنسرسیومی از وزارت نفت عراق، رویال داچ شل و پتروناس استخراج آن را برعهده گرفته‌اند. در جریان جنگ ایران و عراق در سال 1362 این منطقه در پی عملیات خیبر به دست نیروهای ایرانی افتاد و ایران بر اتوبان العماره مسلط شد ولی یک‌سال بعد نیروهای عراقی آن را بازپس گرفتند.

- **جهاد اصغر:** اشاره دارد به حدیث مشهوری از پیامبر نقل شده است: «قال امیرالمومنین علیه‌السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سربیه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر قیل: یا رسول الله و ما الجهاد الاکبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلی الله علیه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنیه (الامالی ص 553)، ترجمه: گفت امیرالمومنین (7) که رسول خدا (6) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند.

- **جوانرود:** نام قدیم منطقه‌ای است متشکل از شهرستان‌های جوانرود (قلعه جوانرود)، پاره، روانسر و ثلاث باباجانی در استان کرمانشاه است. مرکزیت این منطقه در طول تاریخ آن اکثراً قلعه جوانرود بوده است اما با اضافه شدن بخش‌هایی از اورامان لهون به مرکزیت شهر نوسود از اواخر دهه سی شمسی اورامانات خوانده شد. جوانرود از شمال به اورامان لهون و پل دو آب، از جنوب به سرپل ذهاب، از شرق به کرمانشاه و از غرب به خاک عراق متصل است. زبان مردم این منطقه کُردی (سورانی با

گویش جافی و اورامی) است. در آغاز انقلاب متأسفانه این منطقه جولانگاه گروهک‌های ضد انقلاب بود و بسیاری از پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه جانورود توسط عوامل شرق و غرب به شهادت رسیدند.

• **چریک‌های فدایی خلق:** سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در سال 1350 برای مبارزه با رژیم پهلوی فعالیت خود را شروع کرد. از آغاز از جهت خط‌مشی وابسته به شرق بود. اندیشه مارکسیسم دانست به علت خیانت‌های متعدد و اعلام جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران غیرقانونی و منحل شناخته می‌شود. با سقوط ابرقدرت شرق (شوروی سابق) پایگاه اصلی خود را از دست داد. وابستگی شدید این تشکیلات به شرق آن روز و اندیشه مارکسیستی و عدم شناخت از ایران و مردم اسلام، آنها را به انزوا و نابودی کشید. «مصحح»

• **چریک‌های فدایی خلق، گروه پیکار:** این گروه کوچک از دل سازمان مجاهدین خلق (سازمان منافقین هکی) زاییده شد. ایدئولوژی اسلام را به مارکسیسم نینسیم تغییر داد. تحت تأثیر شدید کشورهای کمونیستی و بلوک شرق در سال 1351 در انشعابی ایدئولوژیک عملاً مارکسیست شدند. سازمان پیکار برخلاف برخی از احزاب و جریان‌های چپ مارکسیستی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف گرفت. برنامه‌ای در زمان دولت موقت مشابه برنامه جمهوری دموکراتیک خلق چین ارائه دادند. نشریه‌ای به نام پیکار چاپ می‌کردند. حتی اشغال لانه جاسوسی آمریکا را که امام آن را انقلاب دوم می‌دانست تأیید نکردند. انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کردند. در برابر انقلاب اسلامی مشی مسلحانه را پیش گرفتند. این سازمان به گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. شدیداً از سوی امت مسلمان و انقلابی مورد تنفر بودند و به‌علت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی از صحنه سیاسی ایران حذف شدند. برخی از افراد آن نیز به کشورهای بیگانه پناهنده شدند. (مصحح)

• **چمران، مصطفی:** در سال 1311 در خیابان 15 خرداد تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه پامنار آغاز کرد و در مدارس دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. وی در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال 1336 در رشته الکترونیک فارغ‌التحصیل شد. در سال 1337 با استفاده از بورس تحصیلی

شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و با درجه ممتاز علمی از دانشگاه برکلی مدرک دکترای خود را در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما اخذ نمود. وی در زمان اقامت در آمریکا، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را تأسیس کرد که این اقدامات منجر به قطع بورسیه وی توسط رژیم شاه شد. شهید چمران از ابتدای نوجوانی از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری استفاده کرد. با آنکه او در آمریکا یکی از دانشمندان مطرح محسوب می‌شد، اما بدون توجه به این درجه علمی از آمریکا به مصر رفت و دوره آموزش نظامی را در آنجا تعلیم دید و از آنجا رهسپار لبنان شد و با کمک امام موسی صدر، سازمان امل را براساس اصول و مبانی اسلام پی‌ریزی کرد. این شهید بزرگوار از قلب بیروت تا قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌های بسیاری به یادگار گذاشته است. با پیروزی انقلاب پس از 21 سال دوری از وطن به ایران بازگشت و تمام تجربیات خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد. پس از حضور وی و خاتمه دادن غائله کردستان، از سوی حضرت امام (؛) به وزارت دفاع منصوب شد. او پس از چندی به نمایندگی حضرت امام خمینی (؛) در شورای عالی دفاع منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی با تشکیل گروه‌های داوطلب و استفاده از رزمندگان مخلص به جنگ‌های نامنظم و چریکی با ارتش بعثی در مناطق جنوب پرداخت و موفقیت‌های بسیاری را نیز کسب کرد. این شهید بزرگوار سرانجام در 31 خرداد 1360 بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه دهلاویه به فیض شهادت نائل آمد. شهید چمران نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی نیز بود.

• **چنگوله:** از جمله مناطق مهم از استان ایلام است که عراق در پنج روز اول جنگ، بعد از شهریور 1359، در حمله سراسری خود آنرا به اشغال خود درآورد این منطقه هم سال‌ها در اختیار نیروهای عراقی بود. در عملیات والفجر 5 سپاه پاسداران عملیاتی با رمز یا زهرا (3) را در تاریخ 1362/11/27 اجرا کرد. در این نبرد چند روزه اهداف پیش‌بینی شده تحقق یافت و مناطق مهمی نظیر بندپیرعلی، تنگه و بلندی‌های چنگوله و جفاعسگر و... آزاد شدند.

- **چوار:** از جمله بخش‌های تابع شهرستان ایلام است دارای تفرجگاه زمستانی، قنات و نیز قبور باستانی موسوم به لاشکن است.
- **حبیب بن مظاهر:** از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی (7) بود و در جنگ جمل و صفین و نهران کنار امام علی (7) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین (7) نامه نوشت و هنگامی که مسلم بن عقیل، نماینده امام، به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم بن عوسجه در کوفه برای امام حسین (7) بیعت می‌گرفت و در واقعه عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید. (دهخدا)
- **حرین یزید ریاحی:** سردار طلیعه سپاه عبیدالله بن زیاد بود. روز عاشورا به ناگهان به سپاه اباعبدالله حسین بن علی (7) پیوست، در رکاب او به یوم الطف شهادت یافت. او را اول قتیل روز عاشورا به کربلا می‌دانند. بعدها حُر به عنوان نماد آزادگی مشهور شد. یقیناً وجود فطرت پاک حُر در تغییر موضع او و خروج از صف باطل و پیوستن به صف حق بسیار مهم بوده است. (دهخدا).
- **حزب بعث عراق:** (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال 1347 (1968م) که منجر به حکومت درازمدت حزب بعث شد بر سر قدرت آمد. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجسته حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل دست آمریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرت‌ها به قصد تجربه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو کشور جای پای آمریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد. و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام سیلی خورد که هرگز از جایش برنخاست. این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است از هر دو جریان شاخص شرق و غرب. «مصحح».
- **حزب توده:** این حزب در مهرماه 1320 تأسیس شد. در ابتدا به جهتی که چندین نفر از افسران ارتش شاه به عضویت این حزب درآمده بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند و

به مجازات‌های حتی اعدام رسیدند. در طول حیات دچار انشعاب‌هایی شد. از قوی‌ترین تشکیلات سیاسی ایران بود که متکی بر خط و مشی سیاسی - سوسیالیستی بود. شدیداً وابسته به مشی سیاسی حزب کمونیست شوروی بودند و به تصورشان رسیدن به جامعه‌ای مانند شوروی سوسیالیستی تنها راه نجات ایران بود. با وجودی که به ظاهر خودشان را با نظام جمهوری اسلامی همراه می‌دانستند، اما هرگز نمی‌توانستند به لحاظ مشی سیاسی - عقیدتی با حکومتی که متکی بر اسلام و توحید بود همراه باشند. برخی از سران تئوریسین این حزب به جهت مخالفت با نظام اسلامی دستگیر و پس از تبیین جایگاه نظام، نسبت به عملکرد خود احساس شرمساری و حتی ندامت کردند، تا آنجا که احسان طبری به‌عنوان مغز متفکر تئوریسین شاخص این حزب از راه‌های رفته این حزب در طول تاریخ ایران به «کج‌راهه» یاد کرد. به علت موضع‌گیری‌های مخالف اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شده است. (مصحح)

• **حزب جمهوری اسلامی:** مهم‌ترین تشکل مسلمانان انقلابی، با محوریت روحانیت محسوب می‌شد. در 29 اسفند 1357 اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گذاران آن روحانیونی چون آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و دکتر محمدجواد باهنر بودند. علاوه بر هیأت مؤسس، آقایان شهید حسن آیت، اسدالله بادامچیان، دکتر عبدالله جاسبی، مهندس میرحسین موسوی، آقای مهدی کروی، حبیب‌الله عسگرآولادی، دکتر سید محمود کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی حزب بودند. با انفجار دفتر مرکزی حزب در 7 تیر 1360، تعدادی از اعضای اصلی حزب شهید شدند. پس از آن فاجعه، در 8 شهریور هم دکتر باهنر شهید شد. از آن زمان بود که عملاً حزب تعطیل شد. دبیر کل حزب پس از شهید بهشتی و شهید باهنر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. این حزب در دوران کوتاه حیات و فعالیت خود در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب نقش شایان توجهی را ایفا می‌کرد و در اکثر استان‌ها دارای دفتر نمایندگی بود. تشکل‌های سیاسی چپ و ملی‌گرا حزب

جمهوری اسلامی را به عنوان اصلی ترین رقیب سیاسی خود تا قبل از تعطیلی محسوب می کردند.

• **حسینی بهشتی، سید محمد:** (1360-1307ش) در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد و

تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشته الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از فعالیت های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

• **حسینیه جماران:** این حسینیه توسط سید ابراهیم جمارانی در دهکده ای به نام جماران

وقف شده است. در سال 1355 توسط اهالی دهکده بازسازی شد. تولید این حسینیه با حجة الاسلام امام جمارانی بود. از سال 1358 در اختیار حضرت امام خمینی قرار گرفت. این حسینیه محل دیدارها، ملاقات ها، سخنرانی ها و تمام مراسمی بود که مردم با امام داشتند. پس از استقرار امام در این حسینیه بود که وجهه و شهرت جهانی یافت. حتی برخی از شعرا به تناسب سکونت امام از امام به «پیر جماران» یاد می کردند.

• **حضرت علی اصغر:** فرزند شیرخوار امام حسین (7) بود که روز عاشورا از شدت

تشنگی بی تاب شده بود. امام حسین (7) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمه تیری به سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی اصغر (7) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی اصغر را باب الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

- **حضرت علی اکبر:** فرزند ابی‌عبدالله الحسین (7) بود و در سال 43 قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق‌وخوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم (6) بود. علی اکبر (7) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین (7) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمر بن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مرتبه بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی 19 سال و برخی 25 سال نوشته‌اند.
- **حضرت قاسم:** قاسم (7) فرزند امام حسن (7) در واقعه عاشورا از امام حسین (7) اذن میدان گرفت. به قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمر بن نفیل اسدی به شهادت رسید.
- **حمزه:** عموی پیامبر مکرم اسلام (6) که به اسدالله و سیدالشهدا معروف است. او از اهالی محترم در بین قبیله قریش بود و به قدرت شکار شیر مشهور بود. (مربوط به بخش پنجم حمزه ص 576)
- **خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی:** از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسی - مبارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به‌عنوان یکی از مبارزان شاخص خطه خراسان فعالیت‌های چشمگیری داشت. بارها از سوی رژیم پهلوی بازداشت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. مسئولیت‌های مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعالانه در جبهه‌های جنگ، ترور توسط منافقین در 1360، رئیس جمهوری اسلامی پس از شهادت شهید رجایی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشت. سرانجام در 14 خرداد 1368، پس از رحلت حضرت امام خمینی، توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری

اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مسلمان ایران را عهده دار شد. (مصحح)

• **خلقی‌ها:** پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران گروه‌های متعدد متکثری که اکثراً وابسته به کشورها و قدرت‌های دیگر بودند با شعار دفاع از حقوق خلق ایران مانند قارچ قد کشیدند. به هر بهانه‌ای برای مسئولین نظام جمهوری اسلامی مانع تراشی می‌کردند. هریک با پسوند مُضائی از جمله خلق مسلمان، خلق کرد، خلق عرب، خلق ترکمن، خلق قهرمان، خلق زحمتکش، خلق مستضعف، خلق انقلابی به فریب برخی از افراد پرداخته حتی در مقابل نظام جمهوری اسلامی با بهانه‌های واهی قد علم کردند. به‌خصوص با اشغال لانه جاسوسی آمریکا مشخص شد بسیاری از آنها مزدور بیگانگان بوده و در جهت اهداف دشمنان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند. یکی از این گروهک‌ها هم سازمان مجاهدین خلق بود که از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با پیگیری خط نفاق به مواضع معاندانه با نظام پرداختند و سرانجام در درون جنگ و پس از آن به‌عنوان سرسپردگان مزدور آمریکا کاملاً در خدمت اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها به دشمنی آشکار و مسلحانه در مقابل نظام جمهوری اسلامی پرداختند. اشاره شهیدان به این گروهک‌های به اصطلاح «خلقی» است. (مصحح)

• **خمینی، آیت‌الله حاج سیدمصطفی:** در آذرماه 1309ش در قم به دنیا آمد و پس از گذراندن دوران ابتدایی، در 16 سالگی به تحصیل علوم اسلامی روی آورد. وی از سال 1330 در درس خارج پدر فرزانه خویش و آیت‌الله بروجردی حاضر شد و از محضر آیات عظام علامه طباطبایی، سیدمحمد محقق داماد، شیخ مرتضی حائری و سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی بهره برد. ایشان از سال 1341 همراه با امام به مبارزه با رژیم پرداخت. پس از تبعید امام به ترکیه ایشان نیز به آنجا و سپس راهی عراق شدند و به تحصیلات حوزوی ادامه دادند، ایشان از همان‌جا نیز شیوه‌های نوین مبارزه با شاه را دنبال می‌کرد و مشاوری برجسته و متعهد برای امام بود. در نجف، مدتی به دلیل کوشش‌هایی که علیه رژیم ضد اسلامی عراق انجام داد دستگیر شد و او را به شدت از فعالیت‌های سیاسی منع کردند. سرانجام آیت‌الله مصطفی

خمینی در اول آبان 1356ش برابر با 9 ذی القعدة 1397 ق در 47 سالگی به شکل مرموزانه‌ای به شهادت رسید. برخی از آثار به جای مانده شهید گرانقدر عبارتند از: مکاسب محرمة در 2 جلد، مبحث اجاره تفسیر قرآن کریم در 3 مجلد، تحریرات فی الاصول و چند اثر دیگر.

• **خوارج (مارقین):** نام فرقه‌ای است از مسلمانان که بعد از جنگ صفین و مسئله حکمیت به مخالفت خلیفه وقت برخاستند. به علی (7) اعتراض کردند که چرا به حکمیت گردن نهاده‌ای و فرقه‌ای شدند و به مخالفت علی (7) پرداختند. روزبه‌روز به شمار آنان افزوده شد. یک‌بار در حزورا گرد آمدند، با علی (7) جنگ‌بند و شکست سختی از حضرت علی (7) خوردند. در دوره بنی‌امیه قدرت بسیار به دست آوردند. به دو قسمت شدند قسمتی در عراق و فارس و کرمان تسلط پیدا کردند و دسته‌ای در جزیره‌العرب. این فرقه در عهد امویان یکی از مشکلات بزرگ دولت اسلامی بودند. در نهروان هم بین آنها و حضرت علی (7) جنگ افتاد و سرانجام شکست خوردند. در آخر یکی از خوارج نهروان به‌نام عبدالرحمن ابن ملجم، علی (7) را در مسجد کوفه در حین نماز به شهادت رساند. (دهخدا، با تلخیص).

• **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:** پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل داخلی استکبار جهانی به‌خصوص امریکا به کارهای ایدایی، توطئه، آشوب و تفرقه، ترور و حتی طرح کودتا و تخریب شخصیت‌های انقلاب و شایعه‌پراکنی متعدد می‌پرداخت. به تحریک قومیت‌ها و ناامنی در برخی مناطق از جمله کردستان و گنبد و مناطق مرزی و غیره می‌پرداخت. دانشجویان متعهد و انقلابی با تیزهوشی متوجه شدند این جریان‌ها باید یک مرکز فرماندهی و اطاق فکر داشته باشد پس از بررسی دریافتند که سرخ همه این مخالفت‌ها و دشمنی و تحرکات ضد انقلابیون در سفارت امریکا است. عده‌ای از دانشجویان متعهد، جان برکف و انقلابی و شجاع را که برای خنثی کردن شیطنت‌های امریکا حاضر بودند شهادت را به جان بخرند به‌عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» هم پیمان شدند و با نوشتن وصیت‌نامه با شور انقلابی به سفارت امریکا حمله کردند. سفارت امریکا را اشغال، و اسناد و مدارک

بسیار مهم و ارزشمندی از به اصطلاح سفارت امریکا به دست آمد. با وجودی که اسناد مهمی را در داخل سفارت خُرد کردند اما بعدها با حوصله و شکیبایی خارق العاده مدارک رشته رشته شده را کنار هم گذاشتند کوس رسوایی امریکا و بسیاری از عوامل داخلی و خارجی آن زده شد. از آن تاریخ به بعد به سفارت آمریکا «لانه جاسوسی» می گویند. ضمناً امام خمینی با وجود مخالفت آقای مهدی بازرگان به عنوان نخست وزیر، حرکت انقلابی دانشجویان را انقلاب دوم نامید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آن برهه خدمت بزرگی به انقلاب اسلامی کردند. (مصحح)

- **داود:** از انبیاء بنی اسرائیل بود که سلطنت را هم در خور جمع ساخت. در سال 1071 یا 1086 قبل از حضرت مسیح در بیت لحم متولد شد. ابتدا شبانی گوسفندان ایشا می کرد. در 15 سالگی دختر طالوت را نامزد کرد. بسیار خوش صدا بود. چون زبور خواندی، از خوش آوازی او مرغان هوا فرود می آمدند. در سال دوازدهم سلطنت او خداوند لقمان را حکمت داد و لقمان سی سال در خدمت داود نبی بود. داود استعداد فطری عالی داشت. با سخاوت و عدالت و تقوی و شجاعت و دلیری و ثبات حلم رفتار می کرد. زره را نیک می ساخت. (دهخدا)
- **در مسلخ عشق جز نکو را نکشند:** این شعر را پس از انقلاب به افراد متعدد نسبت دادند. از زندان سیاسی مخصوص افرادی که از سوی رژیم طاغوت اعدام می شدند تا برخی از شاعران. اما تاکنون مشخص نشده است شاعر و سراینده واقعی این شعر حماسی و مقاومت در ساحت مبارزات سیاسی کیست.
- **درّه شهر:** از شهرستانهای تابع استان ایلام است با 58961 نفر جمعیت. دارای 3 بخش و 3 روستای تابع است. این شهر در جنوب شرقی ایلام در منتهی الیه دامنه شمالی کبیرکوه در فاصله حدود 4 کیلومتری جنوب رودخانه سیمره، در فاصله 125 کیلومتری از ایلام واقع است.
- **دستغیب، عبدالحسین:** (1292-1360ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب، در خانواده اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن 12 سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فرا گرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامه نماز

جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلائی وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال 1321، دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال 1342، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال 1356 مدتی در خانه خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعه شیراز و ریاست حوزه علمیه فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه 1360 به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوءقصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.

- **دمکرات:** این تشکیلات تحت عنوان «حزب دمکرات کردستان ایران» فعالیت داشته است. مأموریت اصلی این حزب از آغاز تأسیس، فعالیت خودمختاری برای کردستان بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جریان‌هایی بود که آرامش را از کردستان سلب می‌کرد. وابستگی‌های شدید آن به سایر قدرت‌ها موجب شد که با نظام جمهوری اسلامی ایران به تقابل پردازد. حضور قدرتمند و با تدبیر و کارایی خاص نظام در کردستان فلسفه وجودی حزب را از بین برد و نبود پایگاه مردمی آن را به انحلال کشید. بارها با نیروهای مردمی و مسلح درگیر شد. اینک در ایران فاقد پایگاه است و بیشتر در عراق مستقر است.

- **دهلران (شهرستان):** از شهرستان‌های تابع استان ایلام است. جمعیت آن بالغ بر 64600 نفر می‌باشد. این شهرستان دارای 4 شهر و 3 بخش و 6 دهستان است. دهلران در دامنه جنوبی و جنوب غربی دینارکوه در فاصله 288 کیلومتری ایلام واقع است. از جمله بخش‌های آن که از مناطق مهم جنگی هم بوده‌اند: موسیان، میمه، دشت عباس، فکه و عین‌خوش را می‌توان نام برد.

- **رُبَاب:** رباب دختر امروالقیس عدی، همسر سیدالشهدا (7) مادر سکینه و علی اصغر (7) بود. او در سفر کربلا حضور داشت و همراه اسیران به شام رفت. سپس به مدینه بازگشت و مدت یکسال برای سیدالشهدا (7) عزاداری کرد. مرثیه‌هایی هم در سوگ آن حضرت سرود. خواستگارانی از اشراف و بزرگان قریش را رد کرد و حاضر نشد با کسی ازدواج کند. در سوگ ابا عبدالله (7) پیوسته گریان بود و زیر سایه نمی‌رفت، از فرط گریه و اندوه بر شهادت امام حسین (7) یکسال بعد (در سال 62 هجری) جان باخت. امام حسین (7) نیز حضرت سکینه و مادرش رُبَاب را بسیار دوست می‌داشت. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)
- **رجایی، محمدعلی:** (1312-1360ش) در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامه ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال 1338 وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشته ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول به کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال 1359 نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست منافقین کوردل به شهادت رسید.
- **رجوی، مسعود:** در سال 1327 در طبرس به دنیا آمد. به عضویت سازمان منافقین درآمد. پس از دستگیری به جهت همکاری صمیمانه با عوامل رژیم طاغوت به خصوص در معرفی شبکه سازمان با تخفیف به حبس ابد محکوم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ابتدا به موضعگیری علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. پس از آن که رهبری سازمان منافقین را به‌عهده گرفت، سعی کرد هواداران سازمان را علیه جمهوری اسلامی به صحنه عمومی کشور بکشانند. با عزل قانونی بنی‌صدر همراه او به پاریس گریخت و به فعالیت‌های سازمانی علیه ایران ادامه داد. دولت فرانسه فعالیتشان را غیرقانونی اعلام کرد. با هماهنگی و همکاری آمریکا برای مقابله با

ایران به عراق کوچ کرد و در حواشی بغداد برایشان اردوگاهی موسوم به اشرف از سوی صدام حسین ساخته و در آنجا مستقر شدند. با دریافت کمک از سوی عراق و آمریکا عوام‌لشان را در جبهه‌های جنگ به جمع‌آوری اخبار بسیج کرد. عملیاتی را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص رزمندگان دلاور اسلام طراحی و اجرا کردند، در این عملیات متحمل شکست بسیار سنگینی شدند. با سازمان‌دهی مجدد از آن تاریخ تاکنون در خدمت منویات آمریکا و عوامل مزدور حزب بعث عراق به مزدوری مشغولند. در جریان ترورهای کور خیابانی و سازمانی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست‌وزیری شخصیت‌هایی چون شهید بهشتی، شهید باهنر و شهید رجائی را ترور کردند. علاوه بر این ائمه جمعه بسیاری و نیز پاسداران و نیروهای انقلابی و متعهد دیگری را از نظام جمهوری اسلامی ایران ترور کردند. اینک با رایزنی آمریکا و سایر کشورهای اروپائی درصدد انتقال از عراق به کشور دیگر هستند. (مصحح)

- **رقیه:** دختر امام حسین (7) بود. وی همان است که در خرابه شام پس از شهادت پدر، امام حسین را خواب دید. هنگامی که بیدار شد از حضرت زینب (3) پدرش را خواست. همه اسرا در خرابه شام به شیون و گریه آمدند. ناله و شیون طفلان را یزید شنید و دستور داد سر امام حسین (7) را در خرابه شام به اسرا مخصوصاً اطفال نشان دادند. وقتی حضرت رقیه (3) سر پدر را دید، به قدری منقلب و مضطرب گشت که از شدت گریه و اضطراب روح از تنش جدا شد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

- **روز 13 آبان:** 13 آبان‌ماه از روزهای فراموش‌نشدنی در تاریخ معاصر ایران است. پیوند رویدادهای این روز به‌گونه‌ای است که به خوبی می‌توان از خلال آن تولدی دیگر را یافت. ریختن به بیت حضرت امام خمینی در قم و تبعید ایشان از ایران، حمله به تظاهرات دانشجویان و به خاک و خون کشیدن آنها و بالاخره در نهایت نیز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در این روز روی داد تا برگ دیگری از تاریخ ایران رقم بخورد. آنچه که از خلال این رویدادها به چشم می‌خورد کهنه‌نشدن آن است

و زندگی ای که دوباره از کنار این نعمت همیشگی نصیب مردم ایران شد. 13 آبان نشان داد که هنوز دانشجویان و دانش‌آموزان در تمام امور پیشقدم هستند. (مصحح)

• روز 15 خرداد 1342: کفن‌پوشان ورامین در لیبک به ندای انقلاب حضرت امام به سوی تهران حرکت کردند و نیروهای امنیتی و مسلح شاه بسیاری از آنان را شهید کردند. پانزده سال بعد از آن، خون شهیدان به ثمر نشست و امام با افتخار از تبعید بازگشت و در 22 بهمن 1357 انقلاب به پیروزی رسید. (مصحح)

• روز 17 شهریور: در 17 شهریور 1357 جمعیت عظیمی از مردم مومن و انقلابی تهران حکومت نظامی ران نادیده گرفتند و با از جان گذشتگی در میدان ژاله (شهدا) تجمع کرده و مزدوران رژیم شاه آنها را به گلوله بستند و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را به خاک و خون کشیدند. بدین ترتیب این روز به نام جمعه خونین یا جمعه سیاه در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد براساس شواهد و قراین تاریخی در آن روز رژیم سفاک پهلوی از مزدوران رژیم صهیونیستی جهت کشتار مردم مومن استفاده کردند. (مصحح)

• روز 22 بهمن: پس از اعلان حکومت نظامی، حضرت امام خمینی (ره) اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز دولتی و نظامی و انتظامی ادامه دادند و تقریباً تمام این مراکز با اندک درگیری و مقاومت، تسخیر شد و به دست مردم افتاد. این درگیری‌ها در روز بعد نیز به شدت ادامه یافت و در این روز هزاران زن و مرد و پیر و جوان، هر یک به اندازه توان خود برای سرنگونی نهایی رژیم ظلم و جور، کوشش کردند. آنها با سنگربندی در خیابان‌ها، سینه سپر کردن در برابر تانک‌ها و با فداکاری و جانفشانی، انقلاب را به پیروزی رساندند. نه فقط در تهران، بلکه در تمامی شهرهای ایران، درگیری مردم با بقایای رژیم شاه جریان داشت. هنگامی که خبر حرکت نیروهای نظامی از شهرهای مختلف ایران به سمت تهران برای سرکوب قیام مردم پخش شد، مردم شهرهای مسیر به درگیری با نیروهای نظامی پرداختند و با بستن راه، مانع حرکت آنها به سمت تهران شدند. برخی از فرماندهان رده بالای ارتش در این درگیری‌ها به دست مردم کشته شدند تا سرانجام، ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. سرانجام روز

سرنوشت فرا رسید و در 22 بهمن 1357، نظام پوسیده ستمشاهی فرو ریخت و ریشه‌های فاسد دودمان سپاه پهلوی از این کشور اسلامی، کنده شده. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام 2500 ساله شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.

• **ریگان، رونالد:** (1911-2004) چهلمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در دهه 80

میلادی بود. ریگان با اتکا به اوج‌گیری احساسات راست‌گرایانه در آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا سال 1980 به پیروزی رسید. وی در سال 1989 در حالی کاخ سفید را ترک کرد که دوسوم مردم آمریکا عملکرد وی را در دوران زمامداریش مورد تأیید قرار دادند. این بالاترین نرخ رضایت افکار عمومی آمریکا از یک رئیس‌جمهور بازنشسته در دوران پس از جنگ جهانی دوم بود. ریگان تا سال 1975 فرماندار ایالت کالیفرنیا بود. وی در رقابت‌های انتخاباتی‌اش در مقابل جیمی کارتر شعارهای میانه‌رو داد و توانست از نارضایتی دموکرات‌ها علیه اقدامات کارتر بهره‌مند شود. وی در سال 1994 دچار بیماری آلزایمر شد و ده سال بعد بر اثر همین بیماری درگذشت.

• **ژیبر:** زبیر بن عوام قریشی، از خویشاوندان و از صحابه رسول اکرم (6) بود.

مادرش صفیه دختر عبدالمطلب عمه پیامبر بود. او یکی از شش تن اصحاب شوری است که عمر خلافت را بر یکی از آنان روا داشت. وی به حبشه مهاجرت کرد و در جنگ بدر، یرموک و فتح مصر شرکت داشت. سرانجام در جنگ جمل در سال 36 ه.ق به شهادت رسید.

• **زین‌الدین، مهدی:** در سال 1338 در تهران در خانواده‌ای مقید و مذهبی دیده به جهان

گشود. در دوران کودکی با قرآن آشنا و مأنوس بود. در سال 1356 موفق به ورود به دانشگاه شیراز شد اما چون پدرش کتاب فروش بسیار فعالی بود او را به خرم‌آباد و سقز و پس از آن به اقلید تبعید کردند. مهدی به تبع خانواده مجبور شد از ادامه تحصیل در دانشگاه شیراز منصرف شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زین‌الدین به عضویت واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در این رسته سازمانی تا عالی‌ترین درجه یعنی مسئولیت فرماندهی اطلاعات عملیات

در منطقه دزفول و سوسنگرد و پس از آن به فرماندهی تیپ علی ابن ابی طالب دست یافت. زین الدین فرماندهی خود ساخته، متخلق، مقاوم، خودساخته، باتقوا و صبور بود. همین ویژگی های والای اخلاقی او موجب شده بود که بسیاری از اطرافیانش نیز از او و سیره اخلاقی او تبعیت کنند. در آبان ماه سال 1363 مهدی زین الدین به همراه برادرش در منطقه سردشت کرمانشاه با گروه های مسلح مخالف جمهوری اسلامی ایران درگیر شود و هر دو به فیض شهادت نایل آیند.

- **سامری:** موسی بن زعفر، قریب مهتر حضرت موسی (7) بود. او گوساله ای زرین و مرصع از جواهر ساخته بود. خاک نعل براق جبرئیل (7) که در روز غرق فرعون به دست آورده بودند در اندرون آن دردمیده هر بانگی که ملایم گاو است از او برآمده با همین حيله، گروهی از قوم یهود گوساله پرست شدند. داستان سامری و گوساله او در قرآن ذیل داستان حضرت موسی (7) آمده است. در این داستان، سست اعتقادی قوم یهود نسبت به حضرت موسی مشهود است. «دهخدا»

- **ستون پنجم:** به نیروها، جریان ها و تشکل های رسمی یا غیررسمی می گویند که پس از انقلاب ها از سوی شکست خوردگان انقلاب سازماندهی، مدیریت، هدایت و حمایت می شوند تا به مقابله با جریان های پیروز پردازند. این ستون پنجم می تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فکری باشد. نگاه منفی و تند و انتقادآمیز به هر حرکت، تصمیم و پیشرفت، سیاست و جریان حاکم را در دستور کار خود دارند. همیشه از سوی بیگانگان خارجی و حتی داخلی حمایت خاص می شوند تلاش می کنند که اطلاعات و اخبار و آمار داخلی را در جهت اهداف مخالفان و دشمنان تنظیم و نگارش کنند. بسیاری از کودتاها در کشورهای انقلاب کرده از سوی این افراد و نیروها سازماندهی می شود. (مصحح)

- **سعیدی، سیدمحمدرضا:** در سال 1308 شمسی به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در مشهد و قم به پایان رسانید. او از محضر آیت الله بروجردی و حضرت امام خمینی بهره برد و پس از وقایع 15 خرداد 1342 بر دامنه فعالیت های خود علیه شاه افزود. از این رو از جانب ساواک ممنوع المنبر گردید. مسجد او در خیابان غیاثی تهران کانونی برای مبارزه علیه رژیم پهلوی بود. آیت الله سعیدی در سال 1345

شمسی در پی سخنرانی علیه رژیم اشغالگر قدس مدت 61 روز در زندان‌های ساواک به سر می‌برد اما پس از آزادی فعالیت‌های خود را از سرگرفت و این بار به دلیل مخالفت با سیاست‌های استعمار رژیم پهلوی و آمریکای جنایتکار، دستگیر و به سبب شکنجه‌های شدید به شهادت رسید. از آثار این شهید مبارز می‌توان به «اتحاد اسلام»، «آزادی زن»، «کار در اسلام» و «چاپ و نشر جزوات آموزشی» اشاره کرد.

- **سفینه نوح:** نام یک کشتی در داستان‌های کتب مقدس در دین‌های ابراهیمی است. بنا بر این داستان‌ها، نوح پیامبر به فرمان خدا این کشتی را ساخت تا خود، خانواده خود، کسانی که بوی ایمان آورده بودند و نمونه‌ای از هر حیوان را از پیامدهای طوفان نوح نجات دهد. براساس تورات و قرآن، نوح پیامبر دستور ساخت کشتی بزرگی را از سوی یهوه (الله در قرآن) دریافت کرد که ساخت آن سالها طول کشید، کشتی می‌بایست آنقدر بزرگ می‌بود که علاوه بر آدمیان (خویشان و پیروان نوح) از همه گونه جاندار، جفتی نیز در کشتی جای بگیرد تا بعد از پایان سیل بزرگ ادامه حیات بر روی زمین ممکن باشد. کشتی بعدها بر روی قله کوه آرات نشست. هنوز برخی از باستان‌شناسان به جستجو برای یافتن بقایایی از این کشتی ادامه می‌دهند. در بین تمدنهای میانرودان نیز داستانی مشابه وجود داشته است. این داستان در بخش‌های 6 تا 9 کتاب پیدایش، اولین کتاب از تورات یهودیان، کتاب مقدس مسیحیان و قرآن (سوره‌های 11 و 71) آمده و نسخه‌ای دیگری از آن نیز دیگر منابع دیده می‌شود. داستان مذکور منجر شده تا تحقیقات بسیاری از سوی پیروان ادیان ابراهیمی برای یافتن بقایای کشتی نوح، به‌خصوص در منطقه آرات انجام شود. و در سال 2007 کشتی در ارتفاعات قله آرات در ترکیه پیدا شد که همه باستان‌شناسان می‌پندارن که این کشتی همان کشتی حضرت نوح است. (دهخدا)

- **سکینه:** دختر بزرگوار سیدالشهدا (7) بود. نام اصلی او را آمنه، امینه، امیمه یا امامه هم نوشته‌اند. لقب سکینه یا (سُکینه) از طرف مادرش رباب به او داده شد. او که خواهر علی‌اصغر (7) بود در کربلا حضور داشت. در عاشورا سن او را حدوداً ده تا

سیزده سال نوشته‌اند. امام حسین (7) روز عاشورا به او لقب «خیرة النسوان» داده است. همراه کاروان اسرای کربلا به کوفه و شام رفت و پس از شهادت سیدالشهدا (7) تحت کفالت امام سجاد (7) قرار گرفت. وی محضر سه امام (امام حسین، امام سجاد و امام باقر) را درک کرد. سکنینه در پنجم ربیع الاول سال 117 هجری در زمان هشام بن عبدالملک در سن هفتاد سالگی در مدینه درگذشت و قبرش در مدینه است. (فرهنگ عاشورا).

- **سلطنت طلب:** به کسی اطلاق می‌شود که از پادشاهی خاص یا سلسله پادشاهی وی، به‌عنوان حاکم یک کشور مشخص، حمایت کند. سلطنت‌طلبی با واژه سلطنت‌خواهی که به معنی هواداری از نظام پادشاهی به‌عنوان دولت حاکم بر یک کشور است، تفاوت دارد. عموماً سلطنت‌طلب به حامی پادشاه حاکم کنونی یا پادشاهی که توسط یک دولت جمهوری خواه برکنار شده است، گفته می‌شود. سلطنت‌طلب‌ها در خارج از کشور به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی مشغول هستند بی‌تردید از سوی ابرقدرت‌ها و سایر اقمارشان، مورد حمایت مالی - اقتصادی قرار می‌گیرند. (مصحح)

- **سمیه:** از جمله نخستین زنانی است که به اسلام ایمان آوردند. سمیه جزء مشهورترین مؤمنانی است که از سوی اشراف مکه شدیداً شکنجه شدند. سمیه همسر یاسر، نخستین شهید زن و اولین شهید در تاریخ اسلام است. (غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، چاپ اول، 1378).

- **سوسنگرد:** شهر سوسنگرد مرکز شهرستان دشت آزادگان و مهم‌ترین شهر آن است فاصله آن تا شهر اهواز 55 کیلومتر و تا شهر بستان 28 کیلومتر است. رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و شعبه‌ای از آن نیز از داخل شهر می‌گذرد. نام این شهر در ابتدا خفاجیه بوده که در دوران قبل از انقلاب اسلامی به سوسنگرد تغییر نام یافت. مردم این شهر شعبه‌نشین و اغلب عرب زبان هستند. از طوایف ساکن این شهر می‌توان به طوایف آلبوجلل، زبیدات، بنی‌طرف و سادات اشاره کرد. با آغاز جنگ تیپ 3 لشکر 93 زرهی خوزستان در حواشی شهر مستقر شد اما با حمله گسترده و سراسری دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. لشکر 9 مکانیزه ارتش عراق

کم‌کم به محور سویله، تنگه چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر رسید و روی رودخانه کرخه و رمیم پل شناور نصب کرد. دشمن از شمال و غرب وارد شهر شد و با پیشروی در محور بستان - سوسنگرد شهر سوسنگرد را از غرب مورد تهدید قرار داد. با حمله شجاعانه و مقاومت وصف‌ناپذیر نیروهای سپاه اهواز به دشمن شیبخون زده شد و در تاریخ 1359/7/10 دشمن بعضی سوسنگرد را تخلیه کرد. بارها شهر و اطراف آن از سوی دشمن متجاوز مورد تهدید و تهاجم و حتی محاصره قرار داد اما با مقاومت مدافعان نیروهای دلاور عقب رانده می‌شد. مسجد جامع سوسنگرد در دوران جنگ پایگاه اصلی و مهم اعزام نیرو و مداوای مجروحین و مرکز هماهنگی و هدایت عملیات مدافعان سوسنگرد بود.

- **شرق:** وقتی دنیا از جهت سیاسی به دو قطب غرب و شرق تقسیم شده بود و هریک از این قدرت‌ها برای سلطه بر کشورها و مناطق بیشتری در جغرافیای جهان تلاش می‌کردند جنگ‌های متعددی را راه می‌انداختند تا با روشن شدن ماشین جنگی آنها سلاح‌های بیشتری را به کشورهای وابسته و اقماری خود بفروشنند. به قدرتی که زیر سلطه شوروی سابق بودند بلوک شرق می‌گفتند.

- **شریف‌امامی، جعفر:** فرزند محمدحسین موسوم به نظام‌العلماء در سال 1298 ش. در تهران به دنیا آمد. پس از شروع تحصیلات در ایران در مدرسه ایران و آلمان ادامه تحصیل داد. به همراه محصلین اعزامی به آلمان رفت و در رشته راه‌آهن تحصیل کرد. مدت‌ها رئیس بنیاد پهلوی را در رژیم طاغوت عهده‌دار بود. در بنیاد مذکور به صورت یک شبکه ماسونی و مخفی کمک‌های مالی آمریکا را به همراه وام‌های دولتهای خارجی به حساب دربار می‌ریخت. خود از چهره‌های شاخص فراماسونی در ایران بود. پس از برکناری منوچهر اقبال از سمت نخست‌وزیری، شریف‌امامی به نخست‌وزیری رسید. پس از برکناری از نخست‌وزیری سال‌ها رئیس مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود. در روزهای شور و حماسه ملت ایران در سال 1357 شاه مجدداً او را به نخست‌وزیری منصوب کرد. با ترفندهای سیاسی درصدد انحراف جریان نهضت اسلامی بود و شریف‌امامی همیشه با تشکیلات مخفیانه از جمله تحت پوشش باشگاه سوار کاری به ثروت‌اندوزی برای خود و دربار می‌پرداخت.

در 13 آبان ماه 57 شریف امامی ناتوانی خود را از سمت نخست‌وزیری اعلام کرد، بلافاصله از ایران فرار کرد و در 26 خرداد 1377 در نیویورک درگذشت.

- **شلمچه:** روستا و منطقه‌ای مرزی در باختر خرمشهر و مرز میان عراق و ایران و نزدیک‌ترین نقطه مرزی به شهر عراق است. میان خرمشهر و شلمچه شهر تازه‌ای به نام مقاومت و روستایی به نام پل‌نو قرار گرفته است. شلمچه یکی از چند محور تاختن ارتش عراق به ایران بود.

- **شهدای محراب:** حضرت علی (7) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی (7) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربه مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی (7) فرمود: «فُت و رب الکعبه» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی (7) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.

- **شیروان و چرداول:** از شهرستانهای تابع استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 76758 نفر. این شهرستان در شمال شرقی ایلام واقع است و مرکز آن شهر سرابله است.

- **صانعی، آیت‌الله شیخ یوسف:** از مراجع تقلید متولد 1316ش در خانواده‌ای روحانی در روستای نیک‌آباد اصفهان است. پدرشان آقای شیخ محمدعلی صانعی عالمی وارسته و پرهیزکار بود. آیت‌الله صانعی در سال 1325ش وارد حوزه علمیه اصفهان شد و در سال 1330 برای ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم و با جدیت و علاقه وافر دروس حوزه را تا سطح عالی با رتبه اول خواندند. از همان سال وارد درس خارج حضرت امام خمینی شدند و با جدیت تا سال 1342 مستمراً در دروس اصول و فقه و مبانی متقن حضرت امام حاضر بودند. محضر درس آیات عظام بروجردی، محقق

- داماد و اراکی را درک کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب از سوی امام خمینی به سمت دادستان کل کشور و شورای نگهبان و شوراییعالی قضایی منصوب شدند. (مصحح)
- **صدام حسین:** رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می‌کرد ایران پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.
 - **صدوقی، شیخ محمد:** در سال 1327 قمری برابر با 1287 شمسی در یزد متولد شد. حدود سی سال در حوزه علمیه اصفهان و قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت، شهید صدوقی در مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) حضور فعالی داشت و در مبارزات مردم یزد همواره به‌عنوان اولین نفر پیشگام بود، در 31 مرداد سال 1358 از سوی امام خمینی به‌عنوان امام جمعه یزد و نماینده ولی فقیه منصوب شد. از تألیفات ایشان می‌توان به شرحی بر «مختصر النافع» محقق اول و «حاشیه بر مدارک» اشاره کرد. در آخرین نماز جمعه‌ای که اقامه کرد در 11 تیر 1361 بعد از اقامه نماز جمعه فرد منافقی با در آغوش کشیدن ایشان و رها کردن ضامن نارنجک وی را به شهادت رساند.
 - **صهیونیسم (صهیونیزم):** این جریان سیاسی و ملی‌گرا در اواخر قرن 19 میلادی تشکیل شد. عمده‌ترین هدف آن تشکیل یک کشور یهودی است. بر منابع تاریخی و مذهبی یهود تهیه دارد. این جریان به اشغال سرزمین فلسطین و مناطقی از لبنان پرداخته و سعی دارد یهودیان افراطی دنیا را در سرزمین واقعی فلسطین البته با عنوان اسرائیل گرد آورد. این جریان حتی از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان تشکیلی نژادپرستانه معرفی شده است. واژه صهیونیسم برگرفته از صهیون نام تپه‌ای است در اورشلیم که در تورات بدان اشاره شده است. این جریان در واقع جریانی سکولار است و برای رسیدن به اهداف شوم خود به هر کاری دست می‌زند. از سوی ثروتمندان و قدرتمندان آمریکا و انگلیس و سایر کشورهای اروپایی و حتی روسیه مورد حمایت

قرار می‌گیرد. با بهانه واهی و بی‌اساس رسیدن به «ارض موعود» یهودیان افراطی را به مناطق اشغال شده فلسطین فرا می‌خوانند و هر روز در همان مناطق اشغالی به شهرک‌سازی پرداخته و به تخریب خانه‌ها و اشغال زمین‌های مردم در فلسطین و لبنان می‌پردازند. پیروزی انقلاب اسلامی و مواضع قاطعانه و حق‌طلبانه حضرت امام خمینی همواره صهیونیست‌ها را به خوف واداشته و جریان بیداری اسلامی که در واقع استمرار و صدور انقلاب اسلامی در منطقه است هر لحظه حیات اشغالگران را به خطر انداخته است. همکاری و وابستگی برخی از سران کشورهای عربی منطقه با دولت غیرقانونی اسرائیل موجب تقویت صهیونیست‌ها شده است.

- **طالقانی، سید محمود:** در سال 1289 ش در روستای گلیرد طالقان دیده به جهان گشود. موفق به کسب اجازه‌نامه اجتهاد از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. ایشان در کنگره جهانی شعوب‌المسلمین که در کراچی تشکیل می‌شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یک‌بار برگزار می‌شد، دوبار در مقام ریاست هیأت نمایندگی ایران به بیت‌المقدس سفر کرد. پس از تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» که در نزدیکی تشیع و تسنن سهمی به سزا داشته، آیت‌الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت به آن دیار سفر کرد. به پیروی از امام به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیت‌های زیاد در همان سال به زندان افتاد. در زندان با نوشتن تفسیر «پرتوی از قرآن» سعی در آشنا کردن افراد به عظمت قرآن کرد. آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب کرد. وی در انتخابات مجلس خبرگان قانونگذاری از سوی مردم تهران به‌عنوان نماینده انتخاب شد. اولین نماز جمعه در پنجم مرداد 1358 به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد. سرانجام در نوزدهم شهریور 1358 مرحوم طالقانی پس از سال‌ها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم ستم‌شاهی و عمری تلاش خستگی‌ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلامی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

- **طالوت:** (مشاعول) ابن قیس از بسط بن یامین طالوت اولین پادشاه از بنی اسرائیل که در نیمه دوم قرن 11 ق.م حکومت داشت و قلمرو خود را بسط داد و بارها با فلسطینیان جنگید و پس از او داود جانشین شد.
- **طباطبایی، سیدمحمدحسین:** در سال 1281 ه.ش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در 23 سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست و چهار آبان سال 1360 درگذشت.
- **طفلان مسلم:** محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ مدت یک سال در زندان بودند با کمک «مشکور» زندانیان که هوادار اهل بیت بود، شبانه از زندان گریختند. به خانه زنی پناه بردند که شوهرش در سپاه ابن زیاد بود وقتی شوهرش حادث فهمید که آن دو را کنار رود فرات برد و بی رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات افکند. سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن زیاد برد، گویند قبر محمد و ابراهیم پسران مسلم بن عقیل در چهار فرسنگی کربلا در شهر مسیب است. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- **طلحه:** طلحه ابن عبیدالله بن عثمان بن عمرو بن کعب معروف به طلحه الجواد و طلحة الجواد. مکنی به به ابومجد. از کبار اصحاب رسول الله (6) بود. وی یکی از معدود افراد قریش بود که قبل از هجرت به نوشتن آشنایی داشت. در برخی از غزوات پیامبر (6) مانند احد و تبوک شرکت داشت. از اصحاب شش گانه شوری است در جریان تعویض و تفسیر خلفا نقش مهم داشت. پس از عزل و کشته شدن عثمان با ترفندهایی از بیعت با علی (7) خودداری کرد با وجودی که در آغاز با علی (7) بیعت کرد اما پس از آن به همراهی زبیر غالباً راه مخالفت با علی (7) را پیش گرفت حتی در راه مقابله با حضرت علی (7) به عایشه پیوست در مسجد بصره خواستند حضرت علی (7) را خلع کنند و طلحه را به

خلافت به جانشینی علی (7) اقدام کنند. طلحه به همراه زبیر و عایشه در جنگ جمل شرکت کرد و در این جنگ کشته شد. طلحه اموال فراوان اندوخته بود.

• **عباس بن علی بن ابیطالب (7):** فرزند حضرت علی (7) از ام البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر، عبدالله و عثمان نوبت به حماسه آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه اش از امام حسین (7) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی که با حضرت امام حسین (7) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن که قطره‌ای آب بنوشد. به سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی هاشم» شهرت داشت. «حسین بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»

• **عبدالله بن جعفر:** همسر زینب کبری و داماد علی (7) و پسر جعفر طیار. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایامی که پدرش جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیار در جنگ موته، به همسری ابوبکر، سپس علی بن ابی‌طالب (7) درآمد. عبدالله بن جعفر، مورد عنایت خاص پیامبر اکرم (6) بود، به‌ویژه که پدرش سردار بزرگ شهید جبهه اسلام به‌شمار می‌آمد. عبدالله جعفر، از جمله کسانی بود که به سیدالشهدا نامه نوشت و از او خواست که از سفر به عراق منصرف شود. گرچه خود در کربلا حضور نداشت، اما دو پسرش عون و محمد را همراه مادرشان حضرت زینب (8) به کربلا فرستاد و این دو فرزند، در رکاب سالار شهیدان روز عاشورا به شهادت رسیدند. او از اینکه نتوانسته بود در واقعه کربلا شرکت کند تأسف می‌خورد. پس از حادثه عاشورا و شهادت حسین بن علی (7) وی در مدینه به سوگ نشست و مردم برای تسلیت‌گویی نزد او

می‌آمدند. وی در سن 90 سالگی، در سال 80 هجری در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. برخی هم درگذشت او را در شام و قبر وی را در «باب الصغیر» دمشق، کنار قبر بلال می‌دانند.

• **عبیدالله بن زیاد:** والی کوفه در زمان حادثه عاشورا، که شهادت امام حسین (7) و یارانش به دستور او انجام گرفت. ابن زیاد را «ابن مرجانه» هم می‌گویند، زیرا نام مادرش کنیزی زناکار و مجوسی به نام «مرجانه» بود. در کوفه پس از عاشورا که اسرای اهل بیت را وارد دارالاماره کردند، حضرت زینب (8) در خطاب به ابن زیاد، او را «یابن مرجانه» خواند و این اشاره به نسبت ناپاک او بود و رسواگر حاکم مغرور کوفه. او از سرداران مشهور اموی بود که در سال 54 هجری از طرف معاویه به حکومت خراسان منصوب شد. در سال 56 از آنجا معزول و به حکمرانی بصره منصوب گشت. پس از مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، وقتی نهضت مسلم بن عقیل در کوفه آغاز شد، با حفظ سمت، والی کوفه نیز شد و اوضاع را تحت کنترل درآورد و مسلم بن عقیل را به شهادت رساند. پس از حرکت امام حسین (7) از مکه به سوی عراق، وی عمر سعد را با لشکری گسیل داشت تا با آن حضرت بجنگد یا او را به بیعت با یزید وا دارد. فرمان کشتن سیدالشهدا و یارانش و اسیر گرفتن اهل بیت او را به عمر سعد (که فرمانده سپاه کوفه در کربلا بود) داد. در یکی از درگیری‌ها با سپاه مختار، در سال 76 هجری خودش و جمعی از همراهانش کشته شدند. وی از کسانی است که در زیارت عاشورا، مورد لعن قرار گرفته است: «لعن الله ابن مرجانه» و «والعن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه». «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی».

• **عمار بن یاسر:** از قبیله ثعلبه بود، پدرش از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید و در راه نشر دین خداوند رنج و عذاب فراوانی متحمل شدند. در مهاجرت پیامبر اکرم (6) از مکه به مدینه همراه رسول الله بود. در جنگ صفین و جمل همراه علی (7) بود. در سال 37 هجری در سن 93 سالگی در جنگ صفین به شهادت رسید. عمار به سبب زهد و تقوای بسیار در ادب فارسی نماد تعبد و پرهیزکاری است.

- **عمرو عاص:** عمر ابن عاص واثل سهمی قریشی، مکنی به ابو عبدالله از دُهات عرب. وی ابتدا از دشمنان سرسخت اسلام بود، سپس اسلام آورد و از جانب پیغمبر (6) به فرماندهی در چند غزوه فرستاده شد. از طرف خلیفهٔ دوم والی فلسطین و پس از فتح مصر والی مصر گشت. خلیفهٔ سوم وی را برکنار کرد. در جنگ صفین بین حضرت علی (7) و معاویه از سوی معاویه برای حکمیت معرفی شد. به علت تیزهوشی، ابوموسی اشعری نمایندهٔ حضرت علی (7) را فریب داد. در سال 38 (هـ. ق) از جانب معاویه والی مصر گشت و سال 43 (هـ. ق) درگذشت. «دهخدا»
- **عملیات بدر:** نام عملیاتی است که با رمز یا فاطمه الزهرا (3) در تاریخ 63/12/19 در شرق رودخانه دجله (حد فاصل بین قلعه صالح - الفزنه) انجام شد. این عملیات به آزادی بسیاری از مناطق مهم و نفت خیز هور الهویزه و ده روستا و تصرف جاده معروف به خندق شد.
- **عملیات بستان:** عملیات طریق القدس (بستان)، این عملیات در تاریخ هشتم آذرماه 1360 با رمز «یا حسین فرماندهی» در منطقه عمومی غرب شهرستان سوسنگرد و منطقه عمومی بستان انجام گرفت. آزادسازی شهر بستان و تأمین نوار مرزی و دسترسی به هورالهویزه از اهداف شاخص این عملیات بود. علاوه بر آزادسازی بستان و 70 روستای منطقه و 5 پاسگاه مرزی تنگه بسیار مهم چزابه نیز آزاد شد و حدود 800 کیلومتر مربع از خاک کشور از لوٹ وجود دشمن پاکسازی شد. مدت عملیات چهارده روز بود. بین نیروهای دشمن در شمال غرب و جنوب غربی خوزستان (جاده فکه، جفیر) نیز قطع ارتباط شد. در این عملیات تعدادی از نیروهای اسلام هم به شهادت رسیدند.
- **عملیات بیت المقدس:** در دوران دفاع مقدس سلسله عملیاتی که به این نام موسوم بود 6 عملیات بود. رمز این عملیات یا علی بن ابیطالب (7) بود. تاریخ عملیات از 1361/2/10 الی 61/3/3 بود. محور عملیات: غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر. علاوه بر آزادسازی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمیدیه، جاده مهم و تدارکاتی اهواز - خرمشهر، کرخه خور، جاده سوسنگرد -

هویزه، آزاد ساختن بخش وسیعی از مناطق جنوب میهن اسلامی در زیر آتش دشمن و تصرف و تأمین 8 پاسگاه مرزی نیز فراهم شد.

• **عملیات خبیر:** این عملیات در تاریخ 1362/12/3 ساعت 20/30 دقیقه با رمز عملیات یا رسول‌الله (ﷺ) (6) در محور عملیاتی هورالهوریه و جزایر مجنون آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: جزایر مجنون به وسعت 160 کیلومترمربع که دارای 50 حلقه چاه نفت بود و چندین روستای منطقه نقش بسیار مفید و کارآمد واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات شایان توجه است به خصوص در احداث صدها کیلومتر خاکریز، احداث جاده، احداث 1322 مورد انواع سنگرهای انفرادی و جمعی. و سکوهای متعدد توپ و ضدهوایی، احداث قرارگاه کربلا و ترسیم اسکله‌های شماره 1 و 2 در جزایر مجنون را می‌توان یادآور شد.

• **عملیات رمضان:** این عملیات با رمز یا صاحب‌الزمان (عج) ادرکنی، در تاریخ 1361/4/23 در محور شرق بصره انجام گرفت. از جمله مناطق آزاد شده پس از این عملیات پاسگاه زید عراق و محورهای شمالی و شمال غرب این پاسگاه است. در این عملیات 1315 نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند، تعداد زخمی و کشته‌شدگان بیش از 7 هزار و 400 نفر بودند.

• **عملیات فتح‌المبین:** این عملیات با رمز یا زهرا (3) در تاریخ دوم فروردین 1361 با هدف تصرف ارتفاعات منطقه عملیاتی به منظور آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی میهن اسلامی از دست نیروهای بعثی انجام گرفت. وسعت منطقه عملیات حدود 2 هزار و پانصد کیلومتر مربع بود. مناطقی چون جاده دهلران، دشت عباس، و مناطق دشت چنانه و زمین‌های سرخه و ارتفاعات شمال غربی خوزستان آزاد شدند. مناطقی چون شهرستان دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم شکاری دزفول، جاده سراسری اندیمشک - اهواز و صدها روستا از زیر آتش سنگین دشمن بعثی خارج شدند. به چاه‌های نفتی ابوغریب در ارتفاعات تینه دستیابی شد. در این عملیات بسیار مهم و سرنوشت ساز بیش از 25 هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. تعداد اسرای این عملیات را پانزده هزار نفر ثبت کرده‌اند.

• **عملیات کربلای 1:** این عملیات در تاریخ 55/4/10 ساعت 22/30 دقیقه با رمز عملیاتی یا ابوالفضل العباس (7) ادرکنی در منطقه مهران آغاز شد. مناطق آزاد شده از اشغال دشمن بعضی عبارتند از: شهر مهران، جاده‌های دهلران مهران و مهران ایلام، چندین روستا و شهرک نیز در اثر همین عملیات آزاد شدند. پاسگاه‌های فرخ‌آباد و پاسگاه‌های تعاون و محمدقاسم و دراجی نیز در اختیار نیروهای ایران قرار گرفت. ده‌ها کیلومتر جاده و خاکریز و احداث جاده‌های متعدد و بکارگیری انواع ماشین‌آلات و سکوی تانک‌های زرهی و فعالیت گروه نیروهای امدادی و پشتیبانی را از سوی واحد رزمی جنگ جهاد سازندگی نباید در توفیق عملیات نادیده گرفت.

• **عملیات کربلای 5:** این عملیات در تاریخ 65/10/19 با رمز یا زهرا (8) در محور شلمچه و شرق بصره آغاز شد. از عملکرد پشتیبانی و مهندسی رزمی بسیار عظیم گسترده‌ای برخوردار بود. مناطق مهم آزاد شده در نتیجه این عملیات عبارتند از: جزایر بوارین، فیاض، ام‌الطویل، ده‌ها روستا و تصرف دریاچه بویان و بخشی از کانال ماهیگیری 14 کیلومتر پیشروی به طرف بصره و آزادسازی 150 کیلومترمربع از مناطق اشغالی، آزادسازی پاسگاه‌های بویان شلمچه، کوت‌سواد و خین.

• **عملیات والفجر 1:** این عملیات در تاریخ 62/1/20 ساعت 23/10 دقیقه با رمز یاالله یاالله یاالله در منطقه عملیاتی شمال غرب فکه شروع شد. هدف عملیات انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی بخشی از اراضی نوار مرزی بود. ارتفاعات متعدد و چندین روستا در حاشیه رودخانه دویریج و پاسگاه پیچ‌انگیزه آزاد شد. در این عملیات 25 نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و هزاران نفر مجروح و زخمی و کشته شدند. فعالیت واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی و به‌کارگیری نیروها و ادوات جنگی، رزمی، پشتیبانی و امدادی در پیروزی نیروهای اسلام نقش شایان توجهی داشت.

• **عملیات والفجر 3:** این عملیات با رمز یا فاطمة الزهرا در تاریخ 1362/5/7 ساعت 23/15 دقیقه در منطقه عملیاتی مهران آغاز شد. هدف عملیات تصرف و تأمین ارتفاعات «الوآب» 343 و نمه کلان بوی کوچک و بزرگ بود. علاوه بر مناطق

مورد نظر پاسگاه‌های ایران فرح‌آباد، رضاآباد، پاسگاه‌های عراقی زال‌آب و دراجی و سد رودخانه کنجانجم و آزادسازی چندین روستای منطقه و خارج نمودن بخش وسیعی از جاده مهران، دهلران از کنترل دشمن انجام شد. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات نقش مهمی داشت.

• **عملیات والفجر 5:** این عملیات در تاریخ 62/11/27 در ساعت 24 با رمز یا زهرا (3) در منطقه عملیاتی چنگوله (حد فاصل مهران - دهلران) انجام شد. ارتفاعات مختلفی و پاسگاه‌های متعددی در اثر این عملیات در اختیار نیروهای ایرانی قرار گرفت. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی با احداث پل، کانال و بازسازی جاده‌های منطقه در پیروزی این عملیات نقش بسیار مهمی ایفا کرد.

• **عملیات والفجر 8:** این عملیات در تاریخ 1366/11/20 در ساعت 22 در منطقه عملیاتی فاو با رمز یا زهرا (3) آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: شهر بندری فاو، اسکله‌ها و تأسیسات نفتی شمال و غرب شهر فاو، اسکله‌های قشله و رأس‌البیشه و کارخانه تصفیه نمک عراق و پاسگاه‌های نیروهای دریای دشمن در 3 سکوی پرتاب موشک سطح به دریا. در این عملیات حدود 2 هزار نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و کشته‌ها و زخمی‌ها بیش از 50 هزار نفر می‌شد. صدها کیلومتر جاده خاکی و برپایی ده‌ها اسکله و سد خاکی و پل و برپایی ده‌ها دکل دیده‌بانی از سوی واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی را باید یادآور شد.

• **عون بن جعفر:** از شهدای کربلاست. پسر جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار)، مادرش اسماء بنت عُمَیس بود. در حبشه متولد شد. در جنگ خیبر به حضور رسول (6) معرفی شد. در جنگ «موتة» پیامبر فرزندان او را فراخواند، عبدالله، عون و محمد را حاضر کردند. پیامبر دربارهٔ عون فرمود: در خلقت و اخلاق شبیه من است. در دوران حکومت علی (7) به آن حضرت پیوست. علی (7) دخترش ام‌کلثوم را به همسری او درآورد. عون در زمان امام حسن مجتبی (7) و امام حسین (7) از یاران آن دو امام بود. همراه همسرش در کربلا حضور داشت.

روز عاشورا به میدان رفت و در نبردی دلاورانه به شهادت رسید. هنگام شهادت 56 ساله بود. «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی»

• **غرب:** در ادبیات سیاسی جهان در سال‌هایی که جهان از نظر سیاسی به دو بلوک و قدرت غرب و شرق تقسیم شده بود، به آمریکا و کشورهای وابسته به آن از جهت سیاست‌های اقتصادی و نظامی بلوک غرب می‌گفتند. بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان و... به قطب غرب وابسته و گرایش داشتند. در مقابل این بلوک و جناح، کشورهایی هم بودند که به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق (روسیه فعلی و کشورهای تازه استقلال یافته) وابسته بودند. مثل لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و حتی برخی از کشورها بر سر این تقسیم به جهان دوقطبی تفکیک شدند به دو کشور. از آنجمله آلمان شرقی و آلمان غربی، کره جنوبی و کره شمالی. این کشورها در موضعگیری و روابط دیپلماتیک و نظامی و فرهنگی و اقتصادی تابع قدرت برتری بودند که بدان وابستگی و تعلق داشتند. صنایع و تجهیزات نظامی کشورهای وابسته را نیز همان قدرت برتر تأمین و پشتیبانی می‌کرد. در خاورمیانه و آسیا هم کشورها از سیاست مذکور تبعیت می‌کردند. یکی از چالش‌های اساسی و اصلی دو قدرت مذکور در واقع وابسته کردن کشورهای دیگر به خود بود، حتی برخی در همین اوان به فکر این افتادند که خود را مستقل اعلام کنند که و از آنها به کشورهای عدم تعهد یاد می‌شد. ایران و عربستان، قطر و کویت و اردن و حتی مصر هم در جناح بلوک غرب آمریکا قرار می‌گرفتند. عراق و سوریه و لیبی و یمن خود را از جهت سیاسی و نظامی به شوروی مرتبط کرده بودند. در تحولات سیاسی و کشاکش روزگار حتی برخی از این کشورها تغییر وابستگی می‌دادند مثلاً پس از فروپاشی شوروی سابق برخی از کشورها از زیر سلطه و حکم شوروی (روسیه) فعلی خارج و به آمریکا وابستگی نشان دادند. ایران از جمله استثناء کشورهایی بود که پس از پیروزی انقلاب استقلال خود را حفظ و به هیچ قدرتی از دو بلوک سابق و یا قدرت‌های فعلی جهان وابستگی ندارد.

- **غزوهٔ احد:** یکی از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام (6) بود که در دامنه کوه احد در 4 کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری بین مشرکان قریش و سپاه اسلام رخ داد. در این جنگ دندان رسول خدا شکست، 74 تن از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مجروح شدند. این جنگ به دلیل غفلت محافظان تنگه احد با شکست مسلمانان مواجه شد. (دهخدا)
- **غزوهٔ بدر:** به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم (6) اشاره دارد که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با 313 تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی (7) بر دوش داشت. از سوی دیگر، وقتی سپاه ابوسفیان از حرکت مسلمانان آگاه شد، با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی 950 نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند. ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی (7) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت، به طوری که گفته می‌شود 36 تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ 14 تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد 1، سیره ابن هشام، معجم البلدان، ج 1، تاریخ طبری، ج 2).
- **غزوهٔ حنین:** حنین محلی است بین طائف و مکه مکرمه که یکی از غزوات رسول خدا (6) بدان مکان بود. در این غزوه بزرگ جمعی کثیر از صحابه به شهادت رسیدند. در همین محل بار دیگر لشکریان اسلام با تدبیر خاص و مقاومت وصف‌ناپذیر رسول خدا توانستند شکست سختی به کفار بدهند و غنائم و اسیران فراوان گرفتند. گروهی از فرماندهان لشکر کفار به طائف گریختند. حضرت رسول (6) آنها را تا طائف تعقیب کرد. (دهخدا)
- **غزوهٔ خندق:** غزوهٔ احزاب همان غزوهٔ خندق است. این غزوه در سال پنجم از هجرت اتفاق افتاد. در آن غزوه عمرو بن عبدود به دست امیرالمؤمنین علی (7) کشته

گشت. وقتی یهود بنی‌نصیر و ابوسفیان و مشرکین به مخالفت با حضرت رسالت (6) عهد بستند و قبایل بسیاری را با خویش همراه ساختند از مکه به سوی مدینه حرکت کردند. در حالی که ابوسفیان چهارهزار کس با هزار و پانصد نفر شتر و سیصد رأس اسب به طرف مدینه حرکت کردند حضرت رسول (6) با مشورت سلمان فارسی حکم به کندن خندق کردند و با سه هزار نفر از مهاجرین و انصار در دامن کوه سلع که به مدینه متصل بود خندقی حفر کردند. علی (7) در نهایت رشادت و شجاعت عمر بن عبدود را کشت و پیامبر اکرم (6) در تحسین علی (7) فرمود: «لمبارزة علی بین ابیطالب یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامة». نکته دیگر اینکه در همین غزوه بود که مردی از غطفان نام او نعیم بن مسعود بود از مهتران عرب بود، خدای او را مسلمانی اندر دل افکند به خدمت رسول الله (6) رفت و مسلمان شد و نیروهای مخالف و مشرکین را به ترک جنگ با رسول الله (6) تشویق کرد. در جریان همین غزوه نیز آیاتی نازل شد که پیامبر (6) فرمود دیگر قریش به حرب ما نیایند. «دهخدا با تلخیص»

- **غزوه صفین:** از مهم‌ترین نبردهای زمان خلافت امام علی (7) بود که در سال 37 هجری بین ایشان و معاویه بن ابی‌سفیان در سرزمین صفین - که در ناحیه غربی عراق بین رقه و بلس قرار دارد - رخ داد و به جنگ صفین شهرت یافت. این جنگ به سبب نقشه شوم عمرو بن عاص و توسل او به قرآن بر سر نیزه کردن و ماجرای حکمیت با شکست سپاه امام علی (7) به پایان رسید.
- **فرعون:** لقبی است که در دوره متأخر برای نام بردن از فرمانروایان سلسله‌های مصر باستان به کار می‌رود. هرچند، از نظر تاریخی، فرعون فقط در طی پادشاهی نوین مصر، به‌ویژه در میانه دودمان هجدهم مصر، پس از سلطنت حتچیسوت به عنوان یک لقب برای پادشاهان مورد استفاده قرار گرفت. فرعون مدیر ارشد، رئیس ارتش، و فرمانروای کل مصر تلقی می‌شده است و از نظر بسیاری از مردم به‌عنوان نماد دیکتاتوری، ظلم، ستم و جور معروف است.
- **فکه:** منطقه‌ای است بیابانی در شمال غربی خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام. منطقه فکه، از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به میشداخ و رقایبه، از شمال غرب

به عین‌خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به چنانه، برغازه و سپس به شهر شوش و از غرب به استان العماره عراق منتهی می‌گردد. طول و عرض جغرافیایی منطقه عمومی فکه از 31 درجه و 54 دقیقه شمالی تا 32 درجه و 15 دقیقه شمالی و 47 درجه و 25 دقیقه شرقی تا 47 درجه و 55 دقیقه شرقی امتداد دارد. ارتفاع آن از 0 تا 140 متر از جنوب به شمال، گسترده است. فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. بخش جنوبی آن جزء استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود، بخش شمالی آن جزء استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران می‌باشد.

- **فهمیده، محمدحسین:** نوجوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهای اولیه برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه 1359 اتفاق افتاد به‌عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجیه قم می‌باشند در زمان جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشتند که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.
- **قابیل:** فرزند آدم و حوا و برادر هابیل است. قابیل و اقلیما از حوا متولد شدند. بار دیگر که حوا باردار شد هابیل و لبودا را به دنیا آورد. حکم خدا این بود که هریک با دختری که از بطن دیگر متولد شده ازدواج کنند، یعنی هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا. چون قابیل این حکم را نپذیرفت و خواهان ازدواج با خواهر بطنی خود بود. خدا گفت قربانی کنند، قربانی هرکس مقبول افتاد حق با اوست. قربانی قابیل پذیرفته نشد و خشمگین شد و برادرش هابیل را به مرگ تهدید کرد. سرانجام با

ضربه سنگی هایبل را کشت و او را دفن کرد. خداوند به سزای عمل زشت و گناه برادرکشی او را از درگاه لطف و مرحمت خود و از وطن و خانواده‌اش راند. (دهخدا)

• **قاسطین:** لقب آن دسته از اهل صفین که در صف معاویه بودند. امیرالمؤمنین علی (7) می‌فرماید: «امرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین». و این لقبی است که گویند رسول خدا به آنان داده است. در یکی از روایات است که پیغمبر (6) علی (7) را فرمود: تو پس از من با قاسطین و ناکثین و مارقین جنگ خواهی کرد. (نهج البلاغه، شرح ابی الحدید چاپ بیروت).

• **قصر شیرین:** شهرستانی است که از شمال شرقی به بخش ثلاث (کرمانشاه) و از جنوب به بخش چوار (ایلام)، از مشرق به بخش گیلان و کرند و از مغرب و شمال به کشور عراق محدود است. از جمله بخش‌های آن سومار و سرپل ذهاب و بخش مرکزی است. در اطراف این شهر خرابه‌هایی است منسوب به خسرو پرویز سامانی. قصر شیرین کنار الوند رود سر شاهراه تجاری تهران به کرمانشاه و بغداد قرار دارد. این شهر همواره در حرکات اذیایی عراق در هر مناقشه‌ای محل مهاجرت یا اخراج معاودین ایرانی قرار داشت. با شروع جنگ تحمیلی و حمله سراسری عراق به ایران متأسفانه کاملاً تخریب و با خاک یکسان شد. و اهالی و ساکنان آن به مناطق و استان‌های هم‌جوار مهاجرت کردند. سال‌ها در اختیار رژیم بعثی صدام بود تا نیروهای رزمنده آنرا با انجام عملیات شجاعانه از اشغال عراق آزاد کردند.

• **قلاویزان:** منطقه قلاویزان دشت وسیعی است در دامنه کوه و قلّه قلاویزان. بخشی از دشت و منطقه قلاویزان در ایران و بخشی در عراق است. از مناطق مهم استراتژیکی در دوران دفاع مقدس بود. «اطلس نبردهای ماندگار».

• **قیام 19 دی:** قیام 19 دی ماه 1356 سرآغاز مرحله نوینی از انقلاب اسلامی می‌باشد که طی آن نخستین تظاهرات گسترده مردم مسلمان ایران بعد از قیام 15 خرداد 1342 علیه رژیم طاغوت در شهر قم برپا شد. این قیام به علت درج مقاله‌ای توهین‌آمیز در یکی از روزنامه‌های عصر تهران آغاز شد. روحانیون و مردم با گردهمایی در مسجد اعظم قم، آشکارا سرنگونی حکومت پهلوی را خواستار شدند و همین امر سرآغاز

اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران شد و عاقبت در بهمن‌ماه 1357 به پیروزی منتهی گشت.

- **کاخ سفید:** اقامتگاه رسمی و محل کار رئیس جمهور آمریکا در واشینگتن دی.سی
- **کاخ‌های کرم‌لین:** محل استقرار روسای جمهور کشور شوروی است. سال‌ها به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان مرسوم به جناح «کمونیستی و چپ» در سیطره بر برخی از کشورهای دنیا در همین مرکز تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. در واقع نماد قدرت شوروی در برابر آمریکا می‌بود که از طریق کاخ سفید مدیریت می‌شد.
- **کارتر، جیمی:** سی‌ونهمین رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا بود، از سال 1981-1977 در این سمت بود. از جناح حزب دمکرات از مهمترین مسائل دوره ریاست جمهوری او، پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران و کودتای نافرجام طبس را می‌توان نام برد.

- **کاشانی، سیدابوالقاسم:** روحانی مبارز و شخصیت معروف سیاسی تاریخ معاصر ایران در گذشته پس از فرار رضاشاه از ایران مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد که در نتیجه این مبارزات توسط نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر و زندانی شد اما پس از آزادی در مقام نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با حمایت ایشان از دکتر مصدق و تشویق مردم در کمک به دولت صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام شد. بعد از روی کار آمدن دولت سرکوب قوام‌السلطنه آیت‌الله کاشانی مردم را دعوت به قیام کرد که این قیام موسوم به 30 تیر بار دیگر دولت مردمی مصدق را به قدرت رساند. اما پس از کودتای آمریکایی زاهدی و بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی نیز خانه‌نشین شد تا اینکه سرانجام بعد از عمری مبارزه با استعمار در 80 سالگی بدرود حیات گفت.

- **کمونیسم:** یک ایدئولوژی است که می‌کوشد براساس مالکیت مشترک روش‌ها و ابزارهای تولید و در غیاب مالکیت خصوصی یک سازمان اجتماعی ضد دولت‌گرایی فاقد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را ترسیم کند. کمونیسم را شاخه‌ای از مکتب سوسیالیسم می‌دانند. اشکال اولیه سازمان‌های اجتماعی انسانی در مکتب

مارکسیسم به «کمون اولیه» مشهور است. با این وجود، کمونیسم یک نوع سازمان اجتماعی را ترسیم می‌کند. این مکتب سال‌های سال به‌عنوان ایدئولوژی روسیه، چین و بسیاری از کشورهای وابسته بدان‌ها در برابر قدرت دیگر یعنی آمریکا بر مناطقی از جهان سلطه داشته است. این مکتب ساختار اجتماعی - اقتصادی را تبلیغ می‌کرد که در آن دولت (هیئت حاکمه) براساس مکتب اشتراکی ابزار تولید را ترویج می‌کرد. پس از فروپاشی روسیه و تغییر موضع و جهت اقتصادی چین این مکتب تا حدی در جهان تضعیف شده است.

- **کودتای طبس:** دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در 13 آبان‌ماه 1358 سفارت آمریکا را که در واقع محل و مرکز توطئه و جاسوس بود اشغال کردند. آمریکا برای آزادی جواساس‌ها برنامه‌ریزی‌ای را در نظر گرفت. از جمله «دلتافورس» و عملیات «ایگل کل» به نیمه عقاب را می‌توان نام برد. عملیات را با 132 نفر نیرو در 1359/2/5 رد صحرای طبس شروع کردند. با همکاری بنی‌صدر و تعطیلی حوزه‌های راهداری هوایی ایران نیروهای آمریکایی ابتدا با 6 دستگاه هلی‌کوپتر را در طبس فرود آمدند. از آنجا که خداوند همواره انقلاب اسلامی را مورد لطف قرار داده است یکی از هلی‌کوپترها در حین برخاستن به هوایمای سی - 130 مستقر در محل برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد. جیمی کارتر رئیس‌جمهوری وقت آمریکا عملیات را مستقیماً تحت نظر داشت. شهید محمد منتظر قائم فرمانده خبیر و شجاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیرو خود را به محل فرود نیروهای آمریکا می‌رساند تا از مدارک و اسناد موجود و همراه آمریکایی‌ها استفاده کند. پس از انفجار و آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپترها از سوی کاخ سفید اعلامیه توقف و عملاً شکست عملیات و کودتای طبس اعلام شد. بنی‌صدر که در موضع فرماندهی کل قوا بود دستور داد تا هلی‌کوپترهای به‌جای مانده آمریکایی‌ها را بمباران کنند. بسیاری از اسناد محرمانه در این خیانت آشکار بنی‌صدر در آتش سوخت و محمد منتظر قائم که از هلی‌کوپترها پس از فرار آمریکایی‌ها حفاظت می‌کرد به شهادت رسید. متأسفانه از قبل بنی‌صدر جریانی ناسالم را در نیروی هوایی به‌خصوص نیروهای بازمانده از رژیم شاه سازماندهی کرده بود. علاوه بر از بین رفتن اسناد مهم و

شهادت محمد منتظر قائم پنج فرزند هلی کوپتر مدرن و پیشرفته نیز می‌توانست غنیمتی ارزشمند و تاریخی برای ایران باشد. شکست کودتا سند مبرهنی بر دخالت و رسوایی آمریکا در ایران و در برابر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

- **کومله:** در سال 1357 گروه کومله از ادغام سه گروه چپ‌گرای کرد تشکیل شد به نام‌های گروه زحمتکشان کردستان ایران، گروه چاوه و گروه اتحادیه کشاورزان و بعدها با اسامی حزب کمونیست ایران، اتحاد سوسیالیستی کارگری و حزب اتحاد کمونیست کارگری و با تعدد انشعاب فعالیت می‌کردند. در ابتدا پیرو اندیشه و مشی سیاسی مائوسیسیم بودند. این گروه از آغاز در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف داشت. حتی زمانی که به نام «سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» فعالیت می‌کرد به ظاهر از خلق کرد دفاع می‌کرد اما به علت وابستگی به قدرت‌ها و کشورهای کمونیست بیگانه از منطقه کردستان ایران سلب آرامش و آسایش می‌کرد. در برابر فعالیت‌های سازندگی نیروهای انقلاب در منطقه موضع مخالف داشتند. در تمامی آشوب‌های منطقه دست داشتند. به بهانه استقلال کردستان بسیاری از نیروهای انقلابی پاسدار را به شهادت رساندند. به جنگ مسلحانه در برابر ارگان‌های انتظامی و نظامی پرداختند از جمله گروه‌هایی بود که نظام جمهوری اسلامی آنان را غیرقانونی اعلام کرد.

- **گیلان غرب:** یکی از شهرهای استان کرمانشاه است. واقع در باختر شاه‌آباد در این منطقه معادن نفت و ذغال‌سنگ و گوگرد و آهن یافت می‌شود. گیلان غرب قصبه مرکز بخش گیلان واقع در 94 کیلومتری باختر شاه‌آباد دارای دشت وسیع و گرمسیری است. این شهرستان نیز با شروع جنگ تحمیلی مورد تهاجم و اشغال عراق واقع شد و در تمام دوران جنگ تحمیلی یکی از پایگاه‌های مهم برای هر دو کشور درگیر بود.

- **لباس سیاه:** از احادیثی که در کراهت سیاه وارد شده و شیخ حر عاملی در رسائل الشیعه نقل کرده است یکی این حدیث است: «قال امیرالمومنین (7) فیما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون» (ج 4، ص 382) ترجمه: «امیرالمومنین در

تعلیم یارانش گفت: سیاه نپوشید که رنگ لباس فرعون است. اما بعضی دیگر از احادیث پوشیدن رنگ سیاه در کفش و عمامه و کساء را روا دانسته‌اند.

- **لیبرالیسم:** به جریان و تفکری مرتبط با دولت، اطلاق می‌شود که آزادی شخصی را مهم‌ترین هدف سیاسی می‌دانند. لیبرالیسم مدرن در عصر روشنفکری ریشه دارد. به صورت کلی، لیبرالیسم به ظاهر بر حقوق افراد و برابری فرصت تأکید دارد. شاخه‌های مختلف لیبرالیسم ممکن است سیاست‌های متفاوتی را پیشنهاد کنند. لیبرال‌ها در نظام جمهوری اسلامی با وجودی که به قدرت رسیدند در ادامه نسبت به برخی مواضع و فتاوی‌ای امام موضع‌گیری کردند. از جهت مشی سیاسی چندان پایبندی به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ندارند.
- **مارگارت هیلدا تاچر:** (زاده 13 اکتبر 1925) رهبر سابق حزب محافظه‌کار بریتانیا بود. وی در سال 1975 به رهبری این حزب برگزیده و چند سال بعد در 1979 با شعار بهبود اوضاع اقتصادی از سوی محافظه‌کاران نامزد شد و به نخست‌وزیری انگلیس رسید و تا سال 1990 در هر سمت باقی ماند. تاچر تنها زنی در بریتانیا است که تاکنون دارای این دو پست به صورت همزمان بوده است. الگوی رفتار سیاسی وی به «تاچریسم» معروف است. در دوران مسئولیت خویش از کمک‌های شایان توجه به دولت صهیونیستی اسرائیل حمایت‌های همه‌جانبه می‌کرد.
- **ماژن (ماژین):** بخش ماژن از بخش‌های مرکزی شهرستان دره‌شهر است، در این بخش امامزاده معین صالح و امامزاده سیدممر کوه‌نشین و امامزاده شاه احمد واقع است.
- **مدرس، سیدحسن:** روحانی مبارز و عالمی آزادی‌خواه بود که در پی مبارزات خود علیه ظلم حکومت داخلی و دخالت‌های بیگانگان در زمان کودتای 1299 رضاخان دستگیر و زندانی شد. وی پس از سقوط کابینه سیدضیاء از زندان آزاد و به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یافت. سرانجام در پی تشدید مخالفت‌های خود علیه حکومت رضا شاه به خواف تبعید و سپس به کاشمر منتقل شد و همان جا به دست عوامل دولتی به شهادت رسید. مدرس از جمله حرفه‌ای‌ترین پارلمانتاریست‌های ایرانی بود که با وجود اقلیت همیشگی، با سخنان خود اکثریت

را به سمت خود می‌کشید. شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ماست» از شهید مدرس است.

- **مدنی، سیداسدالله:** در سال 1293 هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزه علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور 1360 پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.

- **مسجد الاقصی:** در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود (7) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال 585 میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجد الاقصی در قرآن مجید آیه اول از سوره اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام (6) آمده است: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال 1969 میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.

- **مسلم بن عوسجه اسدی:** اولین شهید عاشورا که در حمله نخست به شهادت رسید از طایفه بنی‌اسد و از چهره‌های درخشان کوفه و هواداران اهل‌بیت بود. از اصحاب پیامبر (6) و مسلمانان با سابقه به‌شمار می‌رفت. فردی پارسا، شجاع و سوارکاری نامی بود. در همه جنگ‌های امیرالمؤمنین (7) بیعت می‌گرفت. در کربلا پس از آنکه امام حسین (7) از یاران خواست تا با استفاده از تاریکی شب

از صحنه خارج شوند مسلم برخاست و سوگند خورد اگر هفتاد بار کشته شوم سوزانده شوم و خاکسترم بر باد رود هرگز تو را رها نخواهم کرد. سپاه دشمن چون یارای تن به تن جنگیدن با او را نداشت او را در سنگ باران کردند. در لحظه‌های آخر که حبیب بن مظاهر بالای سر او رفت او را توصیه کرد که مبادا حسین (7) را تنها گذارد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

• **مشکینی (فیض)**، **علی اکبر**: آیت الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 در

روستایی از توابع بلوک مشکین و در خانواده‌ای متدین و اهل علم دیده به جهان گشود. پدر وی نیز روحانی و اهل علم و تقوی بود. ایشان پس از کسب مقدمات علوم دینی در نجف به ایران بازگشت و پس از رحلت پدر به اردبیل مهاجرت کرد و در آنجا ادامه تحصیل داد. ایشان از نخستین افرادی بود که در نهضت سخنرانی از قیام روشنگرانه امام دفاع کرده و به همراه 27 نفر از اساتید حوزه به نقاط مختلفی مثل کاشمر، ماهان کرمان و گلپایگان تبعید شد. ایفای نقش ایشان در جریان‌ات مختلف بعد از انقلاب در مسئولیت‌هایی چون عضویت در خبرگان، تدوین قانون اساسی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی مشهود است. در کارنامه علمی و فرهنگی ایشان تأسیس مؤسسه الهادی و تألیف، تصحیح و ترجمه ده‌ها جلد کتاب و مقاله را می‌توان مشاهده کرد.

• **مصدق**، **محمد**: دکتر محمد مصدق در اردیبهشت 1258 به دنیا آمد. در مدرسه سیاسی

تازه تأسیس به تحصیل پرداخت. در دوره اول به نمایندگی اصفهان وارد مجلس شورای ملی شد. از مدرسه علوم سیاسی پاریس و از دانشگاه نوشاتل درجه دکترا حقوق و جواز وکالت گرفت. در کابینه مشیرالدوله به‌عنوان وزیر دادگستری معرفی شد. مدتی از سوی مردم فارس، والی (استاندارد) ایالت فارس شد. در کابینه قوام‌السلطنه به وزارت دارایی منصوب شد. مدتی والی آذربایجان شد. با وجودی که در کابینه سردار سپه به وی پست نخست‌وزیری پیشنهاد شد نپذیرفت و رحل اقامت در احمدآباد مستوفی افکند. مدتی به بیرجند تبعید شد اما به‌علت بیماری مجدداً او را به احمدآباد برگرداندند. در جریان سی تیر دولت قوام برکنار شد و دکتر مصدق با تصدی وزارت جنگ نخست‌وزیر شد و در 25 آذر تلفن را ملی

اعلام کرد و پس از کودتای 25 مرداد 1332 که منجر به فرار شاه از ایران شد. در کارنامه دکتر محمد مصدق ملی اعلام کردن صنعت نفت قابل توجه است. پس از 28 ماه زمامداری و کودتای دیگر شاه به ایران برگشت و مصدق برکنار و محاکمه شد، سرانجام در 14 اسفند سال 1345 چشم از جهان فرو بست. «دهخدا»

- **مطهری، مرتضی:** (1298-1357ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزه علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال 1331 بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال 1342 بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پا ننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در 11 اردیبهشت 1358 به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

- **معاویه:** معاویه بن ابی‌سفیان زمامداری خودکامه و طاغوتی جبار بود پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بود از زمان عثمان والی شام گشت و با علی (7) جنگید. و همواره علیه او توطئه می‌کرد. معاویه به هیچ یک از تعهدات صلح‌نامه‌ای که به امام حسن (7) تحمیل کرد وفا نکرد. از جمله بدعت‌های معاویه بیعت اجباری از مردم گرفتن برای ولایت عهدی فرزند شراخوار و نالایقش یزید بود. قوی‌ترین گروه مخالفان بیعت با یزید حسین بن علی (7) که هرگز در برابر آن پدر و پسر سکوت نکرد. امام حسین (7) درباره بنی‌امیه فرمود: «انا وهم الحضان الذان اختصمانی ربهم» «ما و آنان در خصمی هستیم که نزاعمان برسر مسئله خداست». معاویه در تحکیم سلطه بنی‌امیه بر مسلمانان و روی کار آمدن یزید و جنایتهای بعدی سهم عمده داشت.

- **مفتح، محمد:** در سال 1307 (ه. ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم

مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتاح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر 1357 بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتاح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتاح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در 27 آذرماه 1358 به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه (3) به خاک سپرده شد.

● **مقداد:** مقداد ابن عمرو بن اسود. صحابی است بدری از جمله اصحاب رسول‌الله (6) است که در نخستین سال‌های اعلام شریعت اسلام، به اسلام گروید. پدرش عمرو حلیف کنده بود لهذا اورا کندی هم نامند. از جمله هفت نفری است که در نخستین بار اظهار اسلام کردند. مقداد در غزوه بدر شرکت داشت. مقداد بن اسود و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و عمار بن یاسر از اولین کسانی هستند که به شیعه علی (7) معروف شده‌اند اینان کسانی بودند که با وجود خلافت ابوبکر در مودت و ولایت علی (7) ثابت ماندند. مقداد در سال 33 ه.ق، در نزدیکی مدینه وفات یافت و جسدش به مدینه حمل شد و در مدینه مدفون گردید. در صحیحین از مقداد 48 حدیث نقل شده است.

● **من طلبنی وجدنی و...:** در هیچ‌کدام از کتب روایی حدیث یا عبارتی دقیقاً مثل این عبارت که به‌خصوص در سال‌های دفاع مقدس به «حدیث قدسی» مشهور بود یافت نشد. در وسائل الشیعه حدیثی شبیه به این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی احبته و من سألنی اعطيته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیه و من عرفنی خیرته و من احببنی ابتلیته و من احبته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فأنا دیته» (ج 18، ص 419).

- **ملک‌حسین:** پادشاه مراکش بود سال‌ها به‌عنوان دیکتاتور در جهت خدمت به اسکتبار جهانی به‌خصوص آمریکا بر جان و مال مردم مراکش حکومت جبارانه داشت. به‌عنوان فردی مزدور و وابسته به قدرت‌های جهانی به‌خصوص آمریکا و انگلیس ثروت ملی و منابع نفت این کشور را برای غارت آمریکا محافظت می‌کرد.
- **ملک‌حسین:** حسین بن طلال (زاده 14 نوامبر 1935، درگذشته 7 فوریه 1999). پادشاه اردن از 11 اوت 1952 تا پایان عمر خود به مدت 47 سال بود ملک‌حسین از پادشاهان جزء حلقه اقماری وابستگان آمریکا بود. همیشه جزء پادشاهان مرتجع عرب منطقه بود که منافع ابرقدرت‌ها را بر منافع مردم اردن ترجیح می‌داد.
- **ملک‌فهد بن عبدالعزیز:** پنجمین پادشاه عربستان سعودی و هشتمین فرزند «عبدالعزیز آل سعود» بنیانگذار عربستان جدید بود. زمان به سلطنت رسیدن ملک‌فهد مصادف با اوج رونق نفتی و افزایش دلارهای نفتی بود که عربستان سعودی را به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان تبدیل کرد او در سال جنگ ایران و عراق با دلارهای نفتی از صدام‌حسین و سایر گروه‌های مرتجع منطقه حمایت کرد.
- **ملکشاهی:** از جمله شهرستانهای استان ایلام با جمعیتی بالغ بر 32991 متر.
- **منافقین:** در سال 1344 با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد 1360 علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.
- **منتظری، حسین‌علی:** در 1364 از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در 1368 به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که

ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقه رزمندگان و مردم بودند.

- **موسوی، میرحسین:** در سال 1360 با رأی مجلس شورای اسلامی به نخست‌وزیری جمهوری اسلامی انتخاب شد و تا سال 1368 در این سمت بود. در مدتی که وی نخست‌وزیری را برعهده داشت مورد احترام و علاقه رزمندگان اسلام و مردم بود.

- **مهران:** از جمله شهرستانهای استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 27077 متر در جنوب شهرستان ایلام و صالح‌آباد واقع است.

- **میثم ابن یحیی از موالی:** بنی اسد از اجله اصحاب حضرت علی (7) بود. وی برده زنی از بنی اسد بود و حضرت علی (7) او را خرید و آزاد کرد و میثم نزد علی (7) باقی ماند سپس در کوفه سکونت گزید و به سبب علاقه و ارتباطی که با حضرت علی (7) داشت عبیدالله بن زیاد امیر کوفه او را زندانی ساخت و سپس بر چوبی به صلیب کشید و او در آن حال شروع به بیان فضایل بنی هاشم کرد و چون خبر آنرا به ابن زیاد دادند بدو گفتند که این برده شما را مفتضح ساخت، امر کرد که او لجام نهادند و این نخستین بار بود که در تاریخ اسلام کسی را لجام می‌زدند و سپس با نیزه او را بقتل رساندند و آن در سال 60 ه.ق. و ده روز پیش از ورود امام حسین (7) به عراق بوده است. (از الاعلام زرکلی، ج 8، ص 294). ابوسالم میثم از ایرانی‌های کوفه و از اجله اصحاب حضرت امیرالمومنین علی (7) بوده و او را عبیدالله زیاد ده روز قبل از آنکه حضرت امام حسین به عراق وارد شود در کوفه به قتل رساند. «دهخدا»

- **میثم تمار:** از صحابه خاص حضرت امام علی (7) بود. میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین «نهروان» - منطقه‌ای میان عراق و ایران - بود. بعضی او را ایرانی و از مردمان فارس دانسته‌اند. به او «ابوسالم» هم می‌گفتند. لقب «تمار» (خرمافروش) را هم از آن جهت به او می‌گفتند، که در کوفه خرمافروش بود. ابتدا غلام زنی از طایفه «بنی اسد» بود. حضرت علی (7) او را از آن زن خرید و آزاد کرد که بعد از آن از یاران و صحابه آن حضرت شد. هم‌چنین وی از اصحاب پیامبر اکرم (6) به‌شمار آمده است، هرچند از جزئیات زندگی او در سال‌های نخستین حیاتش و در

روزگار صدر اسلام، اطلاع مبسوطی در دست نیست. آشنایی میثم با علی (7) برای او توفیقی بزرگ بود. از این رو به شاگردی در مکتب علی (7) مشغول شد. علی (7) هم با مشاهده استعداد روحی و زمینه مناسب وی دانش و آگاهی‌های بسیاری را به او آموخت. میثم، علم تفسیر قرآن را نزد مولای خود علی (7) فرا گرفت. و از معارفی که از او آموخته بود کتابی تدوین کرد که کتابش را پسرش از او روایت کرد. به همین جهت، میثم یکی از مؤلفان شیعه به حساب می‌آید. نقل است که علی (7) چگونگی کشته شدن میثم را پیشگویی و به وی گفت: «تو را بعد از من دستگیر می‌کنند و به دار خواهند زد. در روز سوم از بینی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت». میثم در آخر سال 60 هجری، ده روز قبل از ورود امام حسین (7) به عراق، توسط عبیدالله بن زیاد دستگیر شد و به همان نحوی که امام علی (7) خبر داده بود به دار آویخته شد و کشته شد.

- **میخائیل سرگنه ویچ گورباچف:** (متولد 2 مارس) 1931 از 1985 تا 1991 آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود. تلاش‌ها و اصلاحات او باعث پایان جنگ سرد شد. اما همزمان یگانگی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را نیز پایان داد و نهایتاً باعث فروپاشی شوروی شد. گورباچف در سال 1990 جایزه صلح نوبل را دریافت کرده است.
- **میرزا کوچک جنگلی:** از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل. نامش یونس معروف به میرزا کوچک‌خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت در سال 1298 هجری دیده به جهان گشود. مقدمات علوم دینی را در مدرسه صالح‌آباد رشت و مدرسه محمودیه شمیران فرا گرفت. پس از فراز و نشیب‌های بسیار تصمیم به تأسیس نهضت جنگل گرفت. با دکتر شمس‌الاطباء و میرزا کریم‌خان و سردار محیی‌الدین و سایر مجاهدین گیلان برای اخراج بیگانگان از ایران به مبارزه پرداخت. فردی معتقد به احکام شریعت بود. مدتی طلبه علوم دینی بود، اما از مقدمات فراتر نرفت. سرانجام در سال (1300 ش) با مرگ مشکوک او نهضت جنگل هم خاتمه یافت. «دهخدا با تلخیص»

• **میرلوحی، سیدمجتبی (نواب صفوی):** مشهور به نواب صفوی از رهبران اصلی سازمان فدائیان اسلام همراه سه تن از همزمانش شهید شد. بدین ترتیب رژیم طاغوت مبارزی متعهد و انقلابی را که فقط بر مبنای اسلام خواهی سخن گفته بود به شهادت رساند. شهید نواب صفوی در سال 1305 هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی متولد شد و تحصیلات متداول را در کنار تحصیلات حوزوی ادامه داد. وی بنیانگذار اولین سازمان انقلابی - مکتبی است که راه‌گشای مبارزات مسلحانه اسلامی بود. فداییان اسلام مبارزه با شاه و عوامل او را در داخل و نیز مبارزه با استعمارگران و قدرت‌های خارجی و روشنفکرانهای وابسته به غرب را سرلوحه اهداف خود قرار داده بودند!

• **میمک:** از جمله مناطق استراتژیک و مهم در منطقه ایلام است. از آغاز تحرکات ارتش عراق این منطقه مورد توجه دشمن بود و برای اشغال ارتفاعات میمک عراق تلاش بسیار کرد. چندین بار به اشغال عراق درآمد و مناطقی از آن را نیروهای مبارز ارتش ایلام آزاد می‌کرد. در این منطقه عملیات نظامی بنام ذوالفقار - خوارزم انجام شد. رشادت‌های ایل خزل را در مبارزه برای باز پس‌گیری منطقه و ارتفاعات میمک نباید فراموش کرد. پس از گذشت 7 سال از آغاز جنگ هنوز بخش‌هایی از میمک در دست عراق بود. در عملیاتی بنام نصر 2 با رمز یا حسین مظلوم توسط ارتش جمهوری اسلامی ارتفاعات مشرف و خطوط مواصلاتی دشمن در منطقه میمک آزاد شد.

• **ناکثین:** لقبی است که امیرالمؤمنین علی (7) به اهل واقعه جمل می‌دهد. کسانی که در مدینه با علی ابن ابیطالب (7) بیعت کردند و در بصره عهد خود را شکستند و به جنگ با وی برخاستند.

• **نوری، فضل‌الله:** (حاجی شیخ) بن ملا عباس نوری مازندرانی معروف به شیخ نوری از فقهای امامیه و از مراجع تقلید اوایل قرن چهاردهم است. پس از تحصیل علوم دینی مقیم تهران گشت و در وقایع مشروطیت به حمایت و همراهی از محمدعلی شاه قاجار به مخالفت با طباطبایی و بهبهانی دو روحانی صاحب نفوذ و مشروطه‌خواه پرداخت. پس از فتح تهران گرفتار و در 13 رجب 1327 به دار آویخته شد و در قم

مدفون است. از تصانیف او تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل، صحیفه مهدویت را می‌توان نام برد. «دهخدا».

- **نهیست آزادی:** حزبی سیاسی بود که در سال 1340 با جدایی از جبهه ملی ایران و تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی تأسیس شد. اولین دبیرکل آن آقای مهدی بازرگان بود. که تا هنگام مرگ در این سمت قرار داشت. بعدها به علت خروج از مسیر کلی و جهت حرکتی جمهوری اسلامی و اخذ مواضع مخالف از سوی نظام فعالیتشان غیرقانونی اعلام شد.

- **واشنگتن:** چهل و دومین ایالت از ایالات متحده آمریکاست واقع در شمال غربی آن کشور. در شمال اقیانوس آرام. همچنین پایتخت ایالت متحده آمریکا نیز به همین نام است. مرکز اداره‌ها و کنگره و مقر رئیس جمهور می‌باشد. این شهر در کنار رود پوتوماک در کنار اقیانوس اطلس در شرق کشور آمریکا واقع شده است. کاخ معروف سفید در این شهر واقع است بسیاری از سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم به‌خصوص در جهت استثمار، اشغال و غارت منافع ملی کشورها در همین کاخ طراحی و مدیریت می‌گردد به همین جهت است که بسیاری از اندیشمندان از این کاخ به‌عنوان مرکز فرماندهی دولتمردان آمریکا یاد می‌کنند.

- **واجب کفایی:** آن است که با فعل بعضی از مکلفان منظور حاصل شود، هرکه باشد فرق نمی‌کند (عده مکلفان معین نیست) مانند جهاد. در هر صورت اگر افرادی در زمینه‌ای که حکم واجب کفایی بدان تعلق می‌گیرد انجام وظیفه نمایند، تکلیف از عهده بقیه ساقط می‌گردد. (لغت‌نامه دهخدا).

- **وراثت زمین:** تعبیر وراثت ارض در آیه‌های متعددی در قرآن به‌کار رفته است با دو نگاه ویژه: الف) وراثت زمین به آنان که هدایت شده‌اند. ب) بازپس گرفتن زمین از آنان که از پیشینیان آن را به ارث برده‌اند. در آیه 74 سوره زمر چنین آمده است: «وقالوا الحمد لله الذی صدقنا وعدة و اورثنا الارض...» ترجمه: «و گویند سپاس و ستایش خدای راست که وعده خویش را به ما راست داشت و زمین (بهشت) را به ما میراث داد.»

• **هابیل:** فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لُبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لُبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سرانندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)

• **هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر:** از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.

• **هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم:** در سال 1313 در بهشهر متولد گردید. از سن 14 سالگی در محضر آیت‌الله کوهستانی، سپس در قم نزد آیات عظام بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از همان اوایل انقلاب در سال 1341 مبارزات خویش را علیه رژیم ستمشاهی آغاز نمود و با خطبه‌ها و سخنرانی‌های پرشور و انقلابی در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی تمامی توان خود را به کار برد. کتاب مشهور وی «مناظره دکتر و پیر» یکی از کتب ممنوعه در زمان طاغوت به شمار می‌رفت. او پس از پیروزی انقلاب انقلاب اسلامی به عنوان نماینده خبرگان مشهد مقدس در مجلس قانونگذاری انتخاب و مسئولیت دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را عهده‌دار شد. از دیگر آثار این عالم مجاهد می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: هستی‌بخش، مشکلات مذهبی روز، مسائل عصر ما، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت.

- **هشت شهریور:** در 8 شهریور 1360 دفتر نخست‌وزیری بر اثر انفجار بمب که توسط منافقان کار گذاشته شده بود، دو هم‌رزم دیرینه، شهید محمدعلی رجایی به‌عنوان رئیس جمهوری اسلامی و دکتر محمدجواد باهنر به‌عنوان نخست‌وزیر در این حادثه دلخراش به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هفت تیر (سرچشمه):** دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر 1360 به‌وسیله بمب منفجر گردید و بیش از 72 تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی - که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت - به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هل من ناصر ینصرنی:** عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین (7)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص 506) ترجمه: آیا دل‌رحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریه پاک رسول (6) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول (3)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول (6) دفاع کند؟
- **هیئات من الذله:** از روایت‌ها مشهور و شعار حضرت امام حسین (7) است که در مقابل دشمنان خویش بیان شده است. (نفس‌المهموم، ص 131، متقل خوارزمی، ج 2، ص 7، بحارالانوار، ج 45، ص 83). مفهوم این عبارت برای شاعران مایه سرایش اشعار حماسی بلندی شده است. ترجمه «از من دور است که به ذلت تن بدهم». البته این تعبیر جزئی از سخنان گهربار آن حضرت است که در روز عاشورا فرمود: «لا و ان الدعی من الدعی قد رکنی بین السله و الذله و هیئات له ذلک من، هیئات منا الذله...» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 505).
- **هویزه:** شهر هویزه جنوبی‌ترین شهر دشت آزادگان و مرکز بخش هویزه یا هوزگان است. این شهر 10 کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. این شهر در دوره

خلفای اسلامی آباد و سرسبز بود و کوشک هویزه و کوشک بصره دو قلعه محکم و دژ دفاعی این سرزمین به شمار می‌آمد. آب و هوای آن گرم و خشک است. اغلب ساکنان آن شیعه دوازده امامی هستند با آغاز جنگ هویزه آخرین شهر در دست آزادگان بود که به اشغال ارتش عراق درآمد. نیروهای عراقی پس از پیشروی در منطقه سوسنگرد و کرخه نور عملاً هویزه را در محاصره داشتند برای آزادسازی هویزه در عملیات 1357/10/15 با عنوان نصر ضربه‌ای اساسی به نیروهای عراقی وارد آمد اما در 1359/10/27 بار دیگر نیروهای متجاوز عراق با محاصره هویزه وارد شهر شدند و به غارت منازل پرداختند. طی دوران محاصره و اشغال تقریباً شهر تخریب شد. در تاریخ 1361/12/19 با اجرای مرحله دوم عملیات بزرگ بیت‌المقدس دشمن عقب‌نشینی کرد و شهر آزاد شد. در شهر هویزه به یادبود حماسه و مقاومت شهید حسین علم‌الهدی و یارانش پس از آزادسازی این منطقه پیکرهای مطهرشان شناسایی و در محل یادمان شهدای هویزه به خاک سپرده شد. یادگان معروف حمید در این منطقه است. پس از آزادسازی بلافاصله به فرمان حضرت امام خمینی بازسازی و کار ساخت شهر جدید هویزه به استان قدس رضوی واگذار شد.

- **یاسر:** پسر عامر از نخستین شهیدان تاریخ اسلام، پدرِ عمارِ یاسر و همسر سمیه بود. یاسر از اعراب عنسی مذحجی قحطانی یمن بود که همراه دو برادرش «حارث» و «مالک» از یمن به مکه راه افتاد تا برادر چهارمش را که بر اثر قحطی و خشکسالی و فساد اوضاع حکومت یمن، آواره شده بود، پیدا کند. پس از آنکه سه برادر از پیدا کردن برادر گمشده خود ناامید شدند، مالک و حارث بازگشتند، ولی یاسر در مکه ماند و با رئیس قبیله بنی‌مخزوم - ابی‌حذیفه بن مغیره - هم‌پیمان شد. ابوحذیفه، سمیه دختر خباط را، که بزرگوارترین و پاکدامن‌ترین کنیز وی بود، به ازدواج یاسر درآورد و پس از آن سمیه را نیز آزاد کرد و بنا گذاشت که فرزندان این زن و شوهر نیز جزء آزادگان (احرار) شناخته شوند. از این ازدواج، پسری به نام «عمار» زاده شد، که بعدها به یکی از یاران نزدیک پیامبر (6) تبدیل شد و در راه اسلام کشته شد. هنگامی که حضرت محمد (6) به پیامبری برگزیده شد و آیین اسلام را

به‌طور ناآشکارا وارد مکه نمود، یاسر و سمیه و فرزندشان عمار که در آن هنگام، جوانی رشید و قوی بود، جزء نخستین نفراتی بودند که به دین اسلام گرویدند و تمام خطرات احتمالی را با جان و دل پذیرا شدند. با اسلام آوردن این خانواده و پذیرش آیین توحید و یکتاپرستی و نفی و طرد کفر و شرک، آزار و اذیت‌ها و شکنجه‌های کفار قریش نسبت به آنها آغاز شد و روزبه‌روز فزونی می‌یافت و شدت می‌گرفت. هنگامی که یاسر و همسرش سمیه به پیشنهاد پسرشان عمار اسلام آوردند، مغیره، ابوحنظله، حکم پسر هشام، و ابو جهل او و همسرش را به شکنجه گرفتند. مشرکان این سه نفر را در گرمترین مواقع مجبور می‌کردند که خانه خود را ترک بگویند، و در زیر آفتاب گرم و باد سوزان بیابان به سر ببرند. ابو جهل می‌گفت: یکی از این سه امر موجب رهایی و آسایش شما خواهد بود: 1. ناسزاگویی (سب و شتم) به حضرت محمد (6)؛ 2. بیزاری (تبری) جستن از او؛ 3. بازگشت به لات و عزی. ولی از زبان آنها سخنی جز «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و بد گفتن به لات و عزی و یاد کردن نام حضرت محمد (6) با کمال احترام چیزی شنیده نمی‌شد. حضرت رسول (6) برای همدردی و جويا شدن از حال آنها به نزدشان می‌آمد و با رأفت و مهربانی می‌گفت: «ای افراد خاندان یاسر شکيبا باشید! موعده شما بهشت است».

- **یزید بن معاویه:** فرزند معاویه بن ابی سفیان است پس از پدر به خلافت رسید جوانی بود عاری از علم و فضیلت و شهره به فسق و فجور مدتی حاکم بغداد بود. مردم عراق که از او ناراضی بودند به حسین به علی (7) نامه نوشتند و آن حضرت را برای بیعت به عراق فرا خواندند. امام حسین (7) پسر عمش مسلم بن عقیل را برای گرفتن بیعت به کوفه فرستاد نخست با مسلم بیعت کردند اما چون حاکم یزید عبیدالله بن زیاد به کوفه آمد از یاری و بیعت مسلم سرباز زدند و در دهم محرم به امر یزید عمر بن سعد عامل عبیدالله بن زیاد امام حسین (7) و یارانش را در کربلا به امر یزید شهید کردند. زنان و اطفال بجای مانده در واقع کربلا را نزد یزید به شام فرستادند و این کار نفرت عموم مسلمانان را برانگیخت. یزید حتی مردم مدینه را قتل عام کرد. سلطنت یزید سه سال و نیم طول کشید. در سال اول امام حسین (7)

را به شهادت رسانید. در سال دوم شهر مدینه را تاراج کرد و به قتل و غارت مردم پرداخت و در سال سوم هم به مکه حمله کرد.

• **یعقوب:** یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم نام پسر اسحاق پیغمبر و او را اسرائیل نیز گویند با عیصو از یک شکم زاییده شدند. نام پیغمبری که پدر یوسف بود. یعقوب دارای دوازده فرزند بود، یعقوب یوسف را که از سایر فرزندان نیکوکارتر بود به جانشینی خود برگزید و همین امر موجب حسادت سایر فرزندان شد. داستان تعامل برادران یوسف با او در قرآن آمده است. یعقوب در 2206 پیش از میلاد مسیح بدنیا آمده است. در فراق فرزندش یوسف سالها گریست تا نابینا شد. وقتی یوسف به عزیزی مصر برگزیده شد پدر را از کنعان به نزد خویش فرا خواند و در آنجا چشمان یعقوب روشن گشت. نوشته‌اند که یعقوب 147 سالگی روح پاک را تسلیم کرد و جسد مبارکش را در حنوط نمودند و در مصر به خاک سپردند. (دهخدا).

فهرست نمایه‌ها

544	ارگان‌های اعزام کننده به جبهه
546	آیات قرآنی
552	ترجمه آیات قرآنی
562	دعا، ادعیه و زیارت
564	سخنان بزرگان
575	شعارها
578	شعرها
586	عملیات‌ها، اردوگاه‌ها و لشگرها
587	کتاب‌ها
588	کسان
645	مکان‌ها

ارگان‌های اعزام کننده به جبهه

270	281	290	307	310	335	338	ارتش ج 1: 118، 128، 316، 361 ج 2:
389	402	405	423	426	435	438	115، 131، 158، 174، 220، 227، 276
442	444	471	477	480	500	510	287، 366، 381، 383، 397، 451، 454
513	526	529	560	577	582	605	466، 496، 517 ج 3: 73، 152، 187
609	612	617	620	ج 3: 15، 34، 44			247، 362، 394، 472، 537، 601، 609
50	67	76	84	108	115	128	614 ج 4: 131، 140، 246، 321، 370
133	149	159	162	165	170	173	375، 436، 449، 465
181	189	196	203	225	239	253	بسیج ج 1: 36، 63، 68، 78، 97، 124
261	266	277	281	287	291	294	133، 137، 142، 151، 165، 170، 187
310	334	366	374	377	406	415	237، 244، 248، 254، 260، 269، 279
433	442	457	467	475	480	492	293، 299، 313، 325، 331، 344، 384
498	502	506	511	518	523	529	386، 378، 389، 398، 402، 407، 421
540	543	564	574	580	605	ج 4:	428، 435، 454، 474، 479، 482، 489
15	19	27	31	36	45	57	494، 502، 504، 507، 517، 520، 524
59	62	71	76	90	100	149	544، 549، 553، 560، 563، 594، 604
153	159	167	172	177	217	230	ج 2: 15، 21، 24، 39، 52، 55، 58، 64
240	243	251	274	277	293	300	71، 76، 79، 86، 106، 112، 122، 125
319	335	340	343	347	350	385	134، 140، 148، 155، 169، 177، 182
388	392	405	408	411	418	446	184، 191، 199، 209، 216، 218، 224
462	476						231، 237، 240، 244، 249، 253، 265

38، 60، 102، 111، 124، 139، 145،
156، 176، 191، 214، 219، 242، 256،
269، 274، 299، 303، 306، 313، 316،
321، 325، 331، 343، 372، 402، 410،
420، 425، 450، 484، 432، 534، 550،
554، 558، 568، 577، 583، 589، 617،
ج 4: 39، 52، 81، 106، 115، 120، 127،
146، 192، 196، 201، 206، 212، 224،
256، 263، 281، 287، 298، 306، 309،
315، 332، 365، 396، 413، 422، 429،
456، 470

نیروی انتظامی ج 1: 257 ج 2: 284، 548
ج 3: 222، 496 ج 4: 23
وزارت اطلاعات ج 1: 269

جهاد سازندگی ج 2: 378
ژاندارمری ج 1: 83، 196، 309، 320
ج 2: 145، 299، 319، 418 ج 3: 233،
496 ج 4: 87، 96، 381
سپاه ج 1: 31، 39، 53، 73، 86، 91، 101،
109، 145، 147، 162، 173، 178، 193،
212، 215، 219، 225، 264، 283، 288،
303، 328، 349، 373، 412، 424، 431،
449، 459، 467، 512، 529، 532، 540،
570، 576، 580، 584، 599، 608 ج 2:
29، 35، 47، 67، 152، 161، 164، 194،
204، 256، 262، 273، 296، 302، 314،
326، 344، 358، 363، 371، 411، 431،
448، 457، 462، 484، 489، 522، 533،
536، 539، 553، 566، 569، 574 ج 3:

آیات قرآنی

- إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بخشی از آیه 156 سوره بقره) ج 4: 128
- ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ (بخشی از آیه 28 سوره فجر) ج 1: 400
- أَفِرًّا بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (علق / 2-1) ج 1: 249
- أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد / 28) ج 3: 271، 346
- أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (هود / 81). ج 2: 26
- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره / 218) ج 1: 362
- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاق / 13) ج 4: 437
- إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَغَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه / 111) ج 1: 54، 171، 228 ج 2: 530
- ج 3: 45، 282، 512 ج 4: 244
- إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (فراز آخر سوره توبه آیه 120 و سوره هود آیه 115) ج 3: 473
- إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بخشی از آیه 153 سوره بقره یا آیه 46 از سوره انفال) ج 1: 404
- ج 3: 17، 160، 171 ج 4: 245
- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَآنَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ (صف / 4) ج 1: 92، 332
- ج 2: 126، 149 ج 3: 240، 282، 530 ج 4: 173، 322
- إِنْ تَضَرُّوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُيَسِّرْ أَعْدَاءَكُمْ (بخشی از آیه 7 سوره محمد 6) ج 2: 303
- ج 3: 535 ج 4: 60

- 3 3
إِنَّمَا مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (انشراح/ 6) ج 4: 403
3 3
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بخشی از آیه 156 سوره بقره) ج 1: 134، 185، 194، 197، 199،
503، 505، 554، 561، 585 ج 2: 17، 49، 159، 235، 266، 285، 311، 452، 485، 518،
570 ج 3: 103، 146، 205، 292، 503 ج 4: 72، 107، 116
3 3
إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ (جزئی از آیه 3 سوره انسان) ج 1: 380
3 3
أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ (توبه یا برات/ 41) ج 3: 485
3 3
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حجرات/ 15) ج 1: 590
3 3
إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بخشی از آیه 30 سوره بقره) ج 3: 90
3 3
أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ (بخشی از آیه 78 سوره نساء)
ج 2: 412
3 3
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ... (بخشی از آیه 43 سوره
اعراف) ج 1: 545 ج 3: 166
3 3
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ أَيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا (ملک/ 2) ج 1: 266
3 3
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ أَيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا (بخشی از آیه 2 سوره ملک) ج 3:
468 ج 4: 32
3 3
الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره/ 156) ج 1: 102
3 3
الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (توبه/ 20) ج 1: 87، 120، 380، 490، 554 ج 2: 87، 91، 282،
554 ج 4: 116، 207، 288
3 3
الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ
الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نساء/ 76) ج 2: 132 ج 3: 314، 602 ج 4: 178
3 3
إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ (توبه/ 111) ج 1: 92
3 3
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (سوره مبارکه عصر) ج 3: 295
3 3
رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (بخشی از آیه 41 /ابراهيم) ج 1: 403

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدامنا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره/250) ج 2: 26 ج 4: 156, 77

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (آل عمران/53) ج 3: 493
رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (بخشی از آیه 193/آل عمران) ج 1: 571

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (ممتحنه/5) ج 2: 327

رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران/8) ج 2: 93

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (رعد/24) ج 1: 155
صَلِّصَالٍ كَالْفَخَّارِ (بخشی از سوره الرحمن/14) ج 1: 380
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ (انشراح/8-5) ج 1: 93

فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ (بخشی از سوره توبه) ج 4: 376
فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقتَلْ أَوْ
يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء/74-75) ج 1: 564 ج 3: 204, 257, 503

كَانَها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ (بخشی از آیه 35 از
سوره نور) ج 1: 332

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (بخشی از آیه 57/عنكبوت) ج 2: 235 ج 3: 85
لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا (توبه/40) ج 4: 218
لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (آل عمران/92) ج 3: 89

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا
بَدَلُوا تَبْدِيلًا (احزاب/23) ج 1: 212 ج 2: 40, 257 ج 3: 74, 142, 307, 344, 416 ج 4: 193, 225, 278, 301

- 3 مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (طه/55) ج 4: 382
- 3 نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ (قسمتی از آیه 13 سوره صف) ج 1: 392 ج 3: 103 ج 4: 178
- 3 وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (بخشی از آیه 103 / آل عمران) ج 3: 17 ج 4: 419, 372
- 3 وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (بخشی از انفال/60) ج 1: 94 ج 3: 451
- 3 وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا (بخشی از آیه 74 سوره انفال) ج 1: 561
- 3 وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنكبوت/69) ج 1: 304 ج 2: 288
- 3 وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (واقعه/11-10) ج 1: 508 ج 2: 540
- 3 وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بالصَّبْرِ (سوره عصر) ج 2: 472 ج 3: 177
- 3 وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (بخشی از آیه 146 / آل عمران) ج 2: 459
- 3 وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ (بخشی از آیه 72 / انفال) ج 2: 22
- 3 وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (بخشی از آیه 78 / حج) ج 2: 346
- 3 وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال/39) ج 1: 179, 265, 475 ج 3: 182, 381 ج 4: 154, 179, 288, 393
- 3 وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران/169) ج 1: 70, 79, 119, 125, 129, 134, 152, 163, 188, 197, 220, 238, 270, 272, 284, 289, 317, 374, 379, 390, 408, 425, 480, 495, 513, 541, 600 ج 2: 25, 31, 80, 93, 113, 132, 135, 178, 221, 274, 288, 311, 336, 339, 372, 384, 398, 490, 499, 518, 519, 549, 554, 561, 570, 583, 585, 588 ج 3: 35, 62, 77, 120, 125, 129, 134, 141, 192, 182, 197, 226, 262, 270, 317, 363, 411, 426, 468, 486, 493, 507, 565, 598, 610, 618 ج 4: 28, 40, 46, 77, 121, 128, 218, 231, 241, 252, 257, 282, 322, 333, 336, 344, 377, 397, 389, 371

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَمْ تَشْعُرُوا (بقره/ 154) ج 2: 250، 575 ج 3: 215، 544 ج 4: 37، 341

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (آل عمران/ 178) ج 4: 233

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (آل عمران/ 126) ج 3: 461

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ (آل عمران/ 54) ج 4: 132

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ (بقره/ 165) ج 3: 615

وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (بخشی از آیه 100 / نساء) ج 3: 300 ج 4: 160

وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (بخشی از آیه 74 سوره نسا) ج 2: 77

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص/ 5) ج 1: 422

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص/ 5) ج 1: 364

وَتُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ [الْحَقَّ] وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (قسمت آخر آیه 7 و تمام آیه 8 از سوره انفال) ج 1: 350

وَيَلْ لِكُلِّ هَمَزَةٍ لَمَزَةٌ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (ترجمه آیات اول تا سوم سوره همزه) ج 1: 399

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر/ آیه 27 تا 30) ج 4: 400

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده/ 35) ج 4: 58

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَحُفًّا فَلَا تُؤَلُّوهُمْ الْأَذْبَارَ (انفال/ 14) ج 1: 380

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره/ 153) ج 1: 380

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (بخشی از آیه 59 سوره نساء) ج 2: 579 ج 3: 17

3 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (صف/آیات
10 و 11) ج 3: 451

3 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (توبه/73)
ج 1: 265

3 يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
(تغابن/1) ج 1: 148

ترجمه آیات قرآنی

«از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند» (احزاب/23) ج 3: 142، 307

«طاعت از پدر و مادر اطاعت از خداوند است». (بخشی از آیه 59 /نساء) ج 1: 130

«اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری و ثابت قدم خواهد کرد» (محمد/7) ج 4:

60

«امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خوشنود و او راضی از توست. باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو» (آیه 27 تا 30 /فجر) ج 4: 400

«آنان که ایمان آوردند و از وطن مهاجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلند است و آنان را بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند.» (توبه/20) ج 2: 87، 282 ج 3: 79 ج 4: 288

«آنان که بر همه پیشی گرفتند و مقام تقدم یافتند، آنان به حقیقت مهربان درگاه‌اند» (واقعه/

11 - 10) ج 2: 540

«آنان که چون به حادثه سخت و ناگوار دچار شوند صبوری پیش گرفته، گویند به فرمان خدا آمده به سوی او رجوع خواهیم کرد.» (بقره/156) ج 1: 102

«آنان که ایمان آورده‌اند در راه خدا به پیکار می‌پردازند و آنانکه کافرند در راه طاغوت مبارزه می‌کنند» (نساء/76) ج 3: 602 ج 4: 178

«آنانکه به پروردگارشان ایمان آورده و برای برقراری دین الله از دنیایشان هجرت می‌کنند و با جان و مالشان در راه خدا جهاد می‌کنند بزرگترین درجه و مقام در نزد من دارند و

همانا آنان رستگارانند» (توبه/20) ج 1: 120

«آنکه کشته شود در راه خدا نپندارید و مردگانند بلکه زندگانند ولیکن نمی دانند.»
ج 3: 544 (بقره/154)

«وست که مرگ و زندگی را آفرید تا ببازماید شما را که در صحنه پیکار حق و باطل
کدامین از شما نیکوکارتر است» (ملک/2) ج 3: 468

«ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید.»
(بخشی از آیه 59/نساء) ج 3: 17

«ای اهل ایمان از خدا بترسید و (به وسیله ایمان و پیروی اولیای حق) به خدا توسل جویند
و در راه او جهاد کنید. باشد که رستگار شوید» (مائده/35) ج 4: 58

«ای اهل ایمان شما اگر خدا را یاری کنید (یعنی دین پیغمبر خدا را)، خدا هم شما را یاری
کند و ثابت قدم گرداند» (بخشی از آیه 7/محمد (6)) ج 3: 535

«ای اهل ایمان هرگاه با انبوه دشمنان روبرو شوید مبادا به آنان پشت کنید.» (انفال/15)
ج 1: 380

«ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما
هستند اطاعت کنید» (بخشی از آیه 59/نساء) ج 2: 579

«ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن بر آنها بسیار سخت گیر مسکن آنها دوزخ
است که بسیار بد منزلگاهی خواهد بود» (توبه/73) ج 1: 265

«ای مؤمنین با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فساد دیگری باقی نماند و آیین همه
دین خدا گردد. و چنانچه دست از کفر کشیدند خدا به عملشان بصیر و آگاه است»

(انفال/39) ج 1: 265

«با آنان دشمنان خدا پیکار کنید تا فتنه از روی زمین برطرف شود» (بخشی از آیه
193/بقره) ج 4: 179

«با فتنه گران بجنگید تا فتنه از میان برود و دین از آن خدا باشد» (بقره/193) ج 1: 475

«با کفار مقاتله کنید تا فتنه و آشوب از روی دنیا محو شود و تمام دنیا را حکومت خداوند
فرا گیرد» (انفال/39) ج 4: 154

«بارالها، دل های ما را به باطل میل مده پس از آنکه به حق هدایت فرمودی و به ما از لطف
خویش اجر کامل عطا فرما که همانا تویی بخشنده بی غرض و منت» (آل عمران/8) ج 2:

- 3 «بارخدا یا گناهان ما را بیمارز و بدی های ما را بپوشان و ما را با نیکان محشور بگردان».
(بخشی از آیه 193/آل عمران) ج 1: 571
- 3 «بازگشت همه به سوی خداست» (بخشی از آیه 156/بقره) ج 1: 503، 505، 554، 561،
585 ج 2: 17، 159، 195، 285، 311، 452، 485، 518، 570 ج 3: 503، 146، 205 ج 4:
213
- 3 «بجنگید (با کفار) تا زمانی که فتنه از روی زمین برچیده شود و دین از آن خدا باشد»
(بقره/193) ج 1: 179
- 3 «بخوان به نام پروردگارت که انسان را از خون بسته آفریده» (علق/2-1) ج 1: 249
- 3 «بدان که به لطف خدای با هر سختی آسانی و راحتی هست» (انشراح/6) ج 3: 378
- 3 «برای جنگ با کافران سبکبار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید.
این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید» (سوره توبه یا
برائت/41) ج 3: 485
- 3 «برای کارزار با آنها آنچه می‌توانید نیرو و اسبان بسته و زین کرده آماده سازید» (بخشی از
انفال/60) ج 1: 94
- 3 «برخی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که با عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند کاملاً وفا
کردند سپس برخی بر آن عهد ایستادگی نمودند تا به راه خدا شهید شدند. برخی نیز با
انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تعهد ندادند». (احزاب/23) ج 4: 193
- 3 «برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا
کردند، پس برخی پیمان خویش گزاردند و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده
و هیچ عهد خود را تغییر ندادند». (بقره/154) ج 2: 257
- 3 «برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا
کردند، پس برخی پیمان خویش گزاردند و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کرده و
هیچ عهد خود را تغییر ندادند» (احزاب/23) ج 3: 74
- 3 «برخی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا
کردند، پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به
انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند». (احزاب/23) ج 2: 40

3 «برخی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند. (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند» (احزاب/ 23) ج 1: 40

3 «برخی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهدی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده هیچ عهد خود را تغییر ندادند» (احزاب/ 23) ج 1: 212

3 «بعد از هر سختی آسانی هم هست». (انشراح/ 6) ج 4: 403

3 «بعضی از آن‌ها (مؤمنان) بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدای خود بستند و کاملاً وفا کردند، بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند و برخی با انتظار مقاومت و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند». (احزاب/ 23) ج 4: 301

3 «بعضی از آن‌ها بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدای خود بستند کاملاً وفا کردند. بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند و برخی با انتظار مقاومت کرده و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند». (احزاب/ 23) ج 4: 278

3 «بعضی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که با خدای خود عهد بستند و کاملاً وفا کردند و بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند و برخی به انتظار مقاومت کرده و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند» (احزاب/ 23) ج 3: 416

3 «بکشید و کشته شوید در راه خدا» (نساء/ 76) ج 3: 314

3 «به خدایی که مرگ و زندگی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده (گناه بندگان) است» (ملک/ 2) ج 1: 266

3 «به ریسمان خدایی چنگ بزیند و متفرق نشوید». (آل عمران/ 103) ج 4: 419

3 «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید». (سوره بقره آیه 154) ج 2: 116

3 «به کسی که در راه خدا کشته می‌شود مرده نگویید آنها زنده‌اند ولی شما این واقعیت را درک نمی‌کنید». (بقره / 154) ج 2: 575

3 «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد کرده می‌کنند که دشمنان دین را بکشند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن بیان شده است و

- کسی که به عهد و میثاق با خدا وفا کند. خداوند او را جزو رستگاران قرار داده و فوزی عظیم نصیبش می‌نماید». (توبه/ 111) ج 1: 54، 228
- «پروردگارا ما به کتابی که فرستادی ایمان آورده و از رسول تو نیز پیروی کردیم. نام ما را در صحیفه اهل یقین ثبت فرما» (آل عمران/ 53) ج 3: 493
- «پروردگارا ما را صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و ما را بر شکست کافران یاری فرما» (بخشی از آیه 250/ بقره) ج 4: 156
- «پروردگارا ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و از شر مکر آنها حفظ کن، پروردگارا ما را بیامرز که تنها تویی که بر هر کار بسیار مقتدری و کاملاً آگاهی» (ممتحنه/ 5) ج 2: 327
- «پس کسانی باید در راه خدا جهاد کنند که دست از جان شسته‌اند و زندگی این جهان را به آن جهان می‌فروشند. و هر کس در راه خدا جهاد کند و کشته شود یا فاتح گردد، زود باشد که او را اجری عظیم دهیم* چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید و در راه آزادی جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که در مکه اسیر ظلم کفارند و دائم می‌گویند: بار خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما بیچارگان نگه‌دار و یآوری فرست» (نساء/ 74-75) ج 1: 564
- «خدا آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران مانند بنیان و سدی آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد.» (صف/ 4) ج 2: 126، 149 ج 3: 282
- «خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که در برابری بهشت برای آنان در راه خدا می‌کشند و کشته می‌شوند.» (توبه/ 111) ج 4: 430
- «خداوند با صابری است» (بخشی از آیه 153/ بقره) ج 3: 379، 384، 512
- «خداوند را هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح می‌کنند و ملک و حکومت و پادشاهی از آن اوست، ستایش از آن اوست و او به هر کاری قادر است» (سوره متغابن) ج 1: 148
- «خداوند کسانی را که در راهش می‌جنگند و مانند بنیان مستحکم و شکست‌ناپذیر مقاومت می‌کنند، دوست می‌دارد» (صف/ 4) ج 1: 92، 93، 332 ج 4: 173
- «خداوند ما را از خاک درست کرده است و باید به خاک برگردیم.» (الرحمن/ 14) ج 1:

- 3 «خداوند مرگ و زندگی را قرار داد تا شما (انسانها) را بیازماید که کدام یک از شما کارهای نیکو انجام می‌دهید». (بخشی از آیه 2/ملک) ج 4: 32
- 3 «خداوند می‌خواهد به وسیله جهاد و قتال، حقیقت اسلام و صدق گفتارش بر همه آشکار و روشن گردد و ریشه کفر و تجاوز و اساس ظلم و قطع و نابود شود، تا حقیقت دین اسلام را ثابت و پایدار گرداند و باطل را نابود سازد. هر چند خیانتکاران و بدکاران ناراحت شوند». (قسمت آخر آیه 7 و تمام آیه 8 از سوره انفال) ج 1: 350
- 3 «خدایا دشمنان تو می‌خواهند نور تو را خاموش نمایند ولی از نور تو غافلند و بی‌خبر از این هستند که نور تو خاموش شدنی نیست» (توبه/32) ج 3: 535
- 3 «خدای از مؤمنان جان‌ها و مال‌هاشان را بخیرید و به بهای آنکه بهشت را بر آنان باشد در راه خدا کارزار می‌کنند» (توبه/111) ج 1: 54، 92
- 3 «در راه خدا جهاد کنید چنان که سزاوار جهاد اوست» (بخشی از آیه 78/احق) ج 2: 346
- 3 «ستاره درخشانی بود که هم‌چون چراغی فروزان که سوختنش را از درختی مبارک که نه شرق و غرب است، روشن شد» (بخشی از آیه 35/نور) ج 1: 332
- 3 «ستایش خدای را که ما را بر این مقام راهنمایی کرد که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود به این مقام راه نمی‌یافتیم» (بخشی از آیه 43/اعراف) ج 3: 166
- 3 «ستایش خدای را که ما را بر این مقام راهنمایی کرد و اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود به این مقام راه نمی‌یافتیم» (بخشی از آیه 43/اعراف) ج 1: 545
- 3 «شما اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند» (بخشی از آیه 7/محمد) ج 2: 303
- 3 «شما هرگز به مقام نیکو کاران و خاصان خدا (یا درجات عالیه بهشت) نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید که همانا خدا بر آنچه انفاق می‌کنید آگاه است» (آل‌عمران/92) ج 3: 89
- 3 «عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است» (بخشی از آیه 8/منافقون) ج 1: 230
- 3 «قسم به عصر، به درستی که انسان هر آینه در زیانکاری است، مگر آنان که ایمان آوردند کردند کارهای شایسته وصیت به یکدیگر نمودند به‌راستی وصیت نمودند شکیبایی».
- 3 (سوره عصر) ج 3: 177

3 «کافران هرگز نپندارند که اگر به آن‌ها بهایی دادیم به سود آنان است، چرا که ما به آن‌ها مهلت می‌دهیم تا بیشتر گناه کنند و از آن پس عذابی خوار کننده برایشان خواهد بود.» (آل عمران/ 178) ج 4: 233

3 «کسانی که به پروردگارشان ایمان آورده‌اند و برای برقراری دین الله از دیارشان هجرت می‌کنند و برای بقاء و پایداری قرآن با جان و مالشان در راه خدا جهاد می‌کنند بزرگ‌ترین درجه و مقام را در نزد خداوند کریم دارند و به راستی که آنان رستگاران هر دو عالمند.» (توبه/ 20) ج 2: 490، 554

3 «کسانی که در راه خداوند ایمان آورده‌اند و در راه خدا جهاد و هجرت نمودند درجات بلندی نزد خدای دارند.» (توبه/ 20) ج 1: 87

3 «کسانی که وقتی مصیبتی بر آن‌ها وارد می‌شود می‌گویند به راستی که ما از خداییم و بازگشت ما به سوی اوست.» (بخشی از آیه 156/بقره) ج 4: 128

3 «کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا جهاد می‌کنند و آن کسانی که کفر ورزیدند در راه طاغوت مبارزه می‌کنند. پس بکشید اولیاء شیطان را. به درستی که مکر شیطان سست و ضعیف است.» (نساء/ 76) ج 2: 132

3 «کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند» (آل عمران/ 169) ج 1: 119

3 «کسی را که در راه خدا کشته شود مرده نپندارید بلکه او زنده و جاوید است ولیکن شما این حقیقت را نخواهید یافت» (بقره/ 154) ج 2: 250

3 «گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه نزد پروردگار خویش زنده‌اند و روزی داده می‌شوند و بدانچه خدا از فضل و رحمت خویش به آنها عنایت کرده شادمانند و آرزو می‌کنند که بشارت شهادت دوستان دنیاشان به آنها برسد تا آنها را با خود در این شهادت شریک ببینند» (آل عمران/ 170 - 169) ج 3: 618

3 «گویند سلام بر شما به پاداش صبری که کردید، پس چه نیک است سرانجام این سرای.» (رعد/ 24) ج 1: 155

3 «ما اراده کرده‌ایم تا سرانجام مستضعفان زمین را وارثان حقیقی زمین قرار دهیم» (قصص/ 5) ج 1: 422

3 «ما از خداییم و به سوی او برمی‌گردیم (بقره/ 156) ج 1: 185، 194، 197، 199

3 «ما شما را از همین خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی‌گردانیم و هم بار دیگر از این خاک بیرون می‌آوریم» (طه/ 55) ج 4: 382

3 «مپندارید آن‌هایی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند». (آل عمران/ 169) ج 1: 70، 79، 129، 134، 152، 163، 153، 197، 220، 270، 272، 284، 289، 374، 375، 379، 390، 425، 480، 541، 554، 600 ج 2: 25، 80، 93، 113، 117، 135، 165، 178، 221، 274، 288، 311، 336، 339، 372، 398، 490، 518، 549، 554، 561، 570، 583، 585 ج 3: 35، 77، 120، 125، 129، 134، 141، 182، 192، 197، 226، 363، 411، 426، 468، 486، 493، 507، 541، 565، 610 ج 4: 28، 40، 46، 77، 121، 128، 178، 218، 241، 252، 257، 322، 336، 371، 477

3 «منحصراً مؤمنان واقعی آن کسانی که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعداً هیچ‌گاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جان‌شان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند» (حجرات/ 15) ج 1: 590

3 «می‌خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین ناتوان شمرده می‌شدند منت نهیم و آنان را پیشوایان و آنان را وارثان سازیم» (قصص/ 5) ج 1: 364

3 «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را اجری عظیم (بهشت) دهیم.» (نسا/ 74) ج 3: 204، 503

3 «تترسید که خدا با ماست» (توبه/ 40) ج 4: 218

3 «و آن کسی را که در راه خدا کشته شده مرده مپندارید بلکه او زنده ابدی است و شما نمی‌دانید.» (بقره/ 154) ج 3: 215

3 «و آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که مهاجران را با فداکاری منزل دادند و از آنها یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند» (بخشی از آیه 74 / انفال) ج 1: 561

3 «و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آیین دین خدا باشد» (بقره/ 193) ج 4: 393

«و در راه خدا با مال و جانشان کوشش و فداکاری کردند» (بخشی از آیه 72/ انفال) ج 2:

22

«و شما ای (مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید» (بخشی از آیه 60/ انفال)

ج 3: 451

«و هرکس در راه خدا جهاد کند، پس کشته شود یا پیروز گردد، پاداش عظیمی به او عطا

خواهیم کرد» (بخشی از آیه 74/ نساء) ج 2: 77

«و هرگاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول او بیرون آید و در سفر

مرگ وی را فرا رسد اجر و ثواب چنین کسی بر خداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان

است» (بخشی از آیه 100/ نساء) ج 3: 300 ج 4: 160

«و همانا کسی که از خانه خارج شود و به سوی خدا و رسول مهاجرت نماید و در این راه

(رضایت خدا و رسول) بمیرد همانا خداوند اجری نصیب او می‌گرداند.» (بخشی از آیه

100/ نساء)

«و همگی به ریسمان دین خدا چنگ زنید و به راه‌های متفرق نروید و در تمام کارها صبر

را پیشه کنید که خداوند با صابران است» (بخشی از آیه 153/ بقره) ج 3: 17

«وای بر هر عیب جوی هرزه زبان. همان کسی که مالی جمع کرده و دائم بشمارش سرگرم

است پندارد که مال و داراییش او را عمر جاویدان خواهد بخشید.» (آیات اول تا سوم

سوره همزه) ج 1: 399

«هر کجا باشید اگر چه در کاخ‌های بسیار محکم مرگ شمارا فرا خواهد گرفت» (بخشی از

آیه 78/ نساء) ج 2: 412

«هر کس که در راه خدا قدم بردارد خدا راه را به او نشان می‌دهد.» (عنکبوت/ 69) ج 2:

288

«هر کس مزه تلخ مرگ را خواهید کشید.» (بخشی از آیه 57/ عنکبوت) ج 3: 248

«هر نفسی مزه مرگ را خواهد چشید.» (بخشی از آیه 57/ عنکبوت) ج 3: 85

«همانا با دشواری آسانی است. پس چون [از کار] فارغ شدی به عبادت کوش و رنج آن را

بر خود هموار کن و به سوی پروردگارت روی آر» (انشراح/ 5-8) ج 1: 93

3 «همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس دشمنان دین را به قتل می‌رسانند و یا خود کشته می‌شوند» (بخشی از آیه 111/توبه) ج 1: 92 ج 2: 530 ج 3: 45

3 «همانا خداوند کاسنی که در راه او مانند سد آهنین همدست و پایدارند را دوست می‌دارد». (صف/4) ج 3: 530

3 «همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها به مهر و بخشایش خدا امید دارند، و خدا آمرزگار و مهربان است» (بقره/218) ج 1: 362

3 «یعنی آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند، در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند، آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان عالمند». (توبه/20) ج 1: 490

3 «یهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آنها مکر کرد و به‌یاد آر وقتی که خداوند از همه کس بهتر مکر تواند کرد» (آل عمران/54) ج 4: 132

دعا، ادعیه و زیارت‌ها

«السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین (7) یا ثارالله وابن ثاره ... (فرازی از زیارت عاشورا، مفاتیح‌الجنان) ج 3: 459»

«اللهم اجعلنی من جنک فان جنک هم الغالبون و اجعلنی من حزبک فان حزبک هم المفلحون و اجعلنی من اولیائک، فان اولیائک لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (دعای روز سه‌شنبه، مفاتیح‌الجنان) ج 2: 621

«اللهم برحمتک فی الصالحین فادخلنا [و] فی علیین فارفعنا [و] قتلاً فی سبیلک [مع ولیک] فوق لنا» (فرازی از دعای افتتاح). «خدایا به رحمت خود، ما را در صفوف صالحان داخل کن و به علیین بالا ببر و کشته شدن در راه خود را توفیق فرما.» ج 3: 39

«اللهم فاقبل عذری وارحم شدّة ضرّی و فکّنی من شدّ وثاقی، یا رب ارحم ضعف بدنی و رقّة جلدی و دقّة عظمی یا من بدء خلقی و ذکرى و تربیتی...» «خداوندا بپذیر بهانه‌ام را، و رحم کن سختی بد حالی‌ام را، و رها کن مرا از بند و ریسمان محکم اسارت‌م، ای پروردگار من، رحم کن ناتوانی تنم را و نازکی پوستم را و باریکی استخوانم را، ای آنکه آغاز نمودی آفرینش‌م را و یادم را و پرورش‌م را» (فرازی از دعای کمیل، مفاتیح‌الجنان) ج 3: 378

«اللهم اجعلنی من اولیائک فان اولیائک لاخوف علیهم و لا هم یحزنون. اللهم اجعلنی من جنک فان جنک هم الغالبون» «خدایا مرا از دوستان خویش قرار بده همانا حزب تو رستگارند. خدایا مرد در سپاه خویش قرار بده، همانا سپاه تو پیروزند» (ترجمه فرازی از دعای روز سه‌شنبه) ج 4: 430

«بارالها، اگر مرا از دوستان خود جدا سازی میان اهل بلا رها سازی و با دشمنان خود عقوبت کنی، بر عذاب و سوزش آتش صبر توانم کرد اما جدایی تو را چگونه تحمل نمایم.» (فرازی از دعای کمیل) ج 1: 106

«خدایا به تو تسلیم شدم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل نمودم و به وسیله تو با خصم روبرو شدم و به سوی تو به محاکمه آمدم. ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، بیمارم برایم آنچه پیش و پس کردم، پنهان کردم و آشکار کردم تویی معبود من نیست معبودی جز تو درورد فرست بر محمد و خاندان محمد و بیمارم مرا و به من رحم کن و نظری بر من نما زیرا تویی بسیار توبه‌پذیر بخشنده» (فرازی از دعای عند النوم) ج 1: 226

«سید و آقای من و خدای من جز تو کسی را ندارم.» (فرازی از دعای کمیل، مفاتیح الجنان) ج 1: 102

«مبیرالظالمین، مدرک الهاریین، نکال الظالمین، معتمد المؤمنین» (بخشی از دعای افتتاح) ج 2: 390

«والسلام علی الحسین و علی علی‌ابن الحسین و علی اصحاب الحسین و علی اولاد الحسین (7)» (فراز آغازین زیارت عاشورا) ج 1: 426

«یا ربّ یا ربّ یا ربّ اغفرلی ما قدمت و اخرت و اسررت و ما اعلنت انت الهی لا اله الا انت و صل علی محمد و آل محمد و اغفرلی و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم» (فرازی از دعای عند النوم) ج 1: 226

«یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً.» (فرازی از زیارت عاشورا، مفاتیح الجنان) ج 1: 103

«یا لیتنی کُنت معکم فافوز فوزاً عظیماً» (فرازی از زیارت اول امام حسین (7)) ج 1: 609

«یا ولی المؤمنین و یا غایة آمال العارفین و یا غیاث المستغیثین و یا حبیب قلوب الصادقین و یا اله العالمین» (فرازی از دعای کمیل) ج 1: 460

«یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً» (فرازی از زیارت ششم حضرت امام حسین (7)) ج 1: 304

سخنان بزرگان

آمدن به جبهه‌ها را واجب کفایی کرده‌اند (امام خمینی ؛ ج 4: 323
 آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند (امام خمینی ؛ ج 1: 200
 آنان که رفتند کاری حسینی کردند، آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند (دکتر شریعتی)
 ج 1: 521 ج 3: 581

الا ترون أنّ الحقّ لا يعمل به و إنّ الباطل لا ينتهي عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله «آیا نمی‌بینید
 که حق و حقیقت از نظرها افتاده است و دیگر عمل به آن نمی‌شود و این که باطل رواج
 گرفته و جایگزین حق شده، بنابراین مؤمن متعهد حقیقی در چنین وضعیتی باید خود را
 آماده ملاقات با پروردگار خویش نماید» (امام حسین 7) ج 1: 350
 ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند، از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون
 مکتب انسان‌سازی است (امام خمینی ؛ ج 1: 620 ج 2: 629 ج 3: 632 ج 4: 486
 از شهادت که نمی‌شود چیزی گفت، شهدا شمع محفل دوستانند (امام خمینی ؛ ج 2:
 92

از من الله [و] به‌الی الله و در جهت رضاء الله باشد (امام سجاد 7) ج 1: 92
 اسلام بدون روحانیت مثل کشور بدون طبیب است (امام خمینی ؛ ج 1: 163 ج 2: 42
 اسلام مکتب انسانی‌سازی است (امام خمینی ؛ ج 1: 619 ج 2: 628 ج 3: 631 ج 4:
 485

اسلام یک مکتبی است که برای انسان‌سازی آمده است (امام خمینی ؛ ج 1: 619 ج 2:
 628 ج 3: 631 ج 4: 485

3 اسلحه‌های سرد و گرم - یعنی قلم و بیان و مسلسل - را از نشان‌گری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمنان انسانیت - که در رأس آنها آمریکاست - نشانه روید (امام خمینی ؛ ج 2: 282)

3 اشرف الموت قتل الشهادة «شهادت برترین مرگ‌هاست» (پیامبر اکرم 6) ج 2: 211
3 اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد (امام خمینی ؛ ج 2: 77، 336 ج 3: 21 ج 4: 213، 258
3 اعراض جمجمتک عَضَّ علی ناجذک، تد فی الارض قدمک «سرم را به خدا عاریه خواهم داد و دندان روی دندان گذاشته و قرص و محکم چون کوه استوار در قابل حوادث ایستاده» (امام علی 7) ج 3: 452

3 الفرصة تمرمر السحاب «زمان همانند ابرهای آسمان زودگذر» (امام علی 7) ج 3: 481
3 الفصل الثالث فی الجهاد و المجاهدین «گرامی‌ترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست» (امام علی 7) ج 4: 307

3 اگر پرجمی از دست سرداری بیفتد سردار دیگر آن را به حرکت در می‌آورد (امام خمینی ؛ ج 3: 368)

3 اگر پیروز شدیم که چه خوب و اگر خدای نخواست پیروز نشدیم به وظیفه‌ای که اسلام گردن ما دارد عمل کرده‌ایم (امام خمینی ؛ ج 3: 620
3 الدنیا مزرعة الآخرة «دنیا کشتگاه آخرت است» (پیامبر اکرم 6) ج 1: 171 ج 2: 179 ج 3: 599

3 الدهر یومان: یوم لک و یوم علیک فاذا کان لک فلاتبطرو اذا کان علیک فاصطبر «زندگی همواره دو روز است، گاهی به نفع توست و یک روز هم به ضرر توست. آنجا که به ضرر توست صبور و مقاوم باش و آنجا که به نفع توست خدا را فراموش نکن که در هر حال خدا را فراموش نکردن مایه امید است» (امام علی 7) ج 4: 270

3 امام حسین (7) با خون خود اسلام را زنده کرد (امام خمینی ؛ ج 2: 261
3 امر مملکت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد (امام خمینی ؛ ج 2: 238

3 امرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین (امام علی 7) ج 1: 657 ج 2: 666 ج 3: 669 ج 4: 523

- 3 امروز همه جوان‌های ما موظف‌اند جبهه‌ها را گرم نگه دارند و بروند به سراغ برادرانشان که در حال جنگ هستند (امام خمینی ؛ ج 2: 373
- 3 ان ابواب الجنة تحت ظلال السيوف «بهشت در زیر سایه‌های شمشیرها هویدا می‌شود» (پیامبر اکرم 6) ج 1: 304
- 3 ان افضل عمل المؤمن الجهاد في سبيل الله «بهترین عمل مؤمن جهاد در راه خداست» (پیامبر اکرم 6) ج 4: 180
- 3 ان الحيوة عقيدة والجهاد «زندگی جهاد و عقیده است» (امام حسین 7) ج 2: 185
- 3 ان كان دين محمد لم يستقم فياسوف خذيني «اگر دین جدم پا بر جا نمی‌ماند مگر به قتل من ای شمشیرها مرا دریا بید» ج 1: 155، 619 ج 2: 364، 392، 628 ج 3: 631 ج 4: 485، 55
- 3 ان لم ترحموني فارحموا هذا الطفل (امام حسین 7) ج 1: 629 ج 2: 638 ج 3: 641 ج 4: 495
- 3 انا وهم الحزمان الذان اختصماني ربهم «ما و آنان در خصمی هستیم که نزاعمان بر سر مسئله خداست» (امام حسین 7) ج 1: 664 ج 2: 673 ج 3: 676 ج 4: 530
- 3 انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تبيعوها الا بها (امام علی 7) ج 2: 195
- 3 اوصيكم بتقوى الله و نظم امرکم (امام علی 7) ج 1: 103، 198 ج 2: 41 ج 3: 278 ج 4: 322
- 3 ای افراد خاندان یاسر شکبیا باشید! موعده شما بهشت است (پیامبر اکرم 6) ج 1: 674 ج 2: 683 ج 3: 686 ج 4: 540
- 3 ای مردم مرگ همه را فرا می‌گیرد، [در] هیچ کس توانایی نجات از چنگال مرگ را ندارد و هر کس در هر وضعیتی و حالتی باشد به چنگال آن گرفتار خواهد شد، پس متوجه باشید که با شرف‌ترین مرگ‌ها را انتخاب کنید، که همانا کشته شدن در راه خدا خواهد بود و انسان از موقع به وجود آمدن در مقابل دو نیروی متضاد (حق و باطل - عقل و نفس اماره و پیغمبر و شیطان) قرار گرفت و از همان اول عداوت و عدم سازش بین آن دو بوده است و در هر حال جنگ و گریز بوده است و هستند (امام علی 7) ج 1: 351
- 3 این جوان‌های ما هستند که باید این سرنوشت را به آخر برسانند (امام خمینی ؛ ج 4:

این کشور متعلق به آقا امام زمان (عج) است، مخالفت با جمهوری اسلامی مخالفت با قرآن است (امام خمینی ؛ ج 3: 556)

این وصیت نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند (امام خمینی ؛ ج 3: 16، 220 ج 4: 301، 336)

این وصیت نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید (امام خمینی ؛ ج 1: 8، ج 2: 8، ج 3: 8، ج 4: 8)

اینجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم (امام خمینی ؛ ج 4: 203، 419)

الیوم عمل بلا حساب و غداً حساب بلا عمل «امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل» (امام علی 7)

الیوم عمل بلا حساب و غداً حساب بلا عمل «امروز میدان کار و فردا بازار نبرد است» (امام علی 7) ج 3: 416 ج 4: 278، 301

برای هر فردی از افراد این ملت تکلیف است که حفظ کند اسلام را (امام خمینی ؛ ج 2: 463)

بسیج مدرسه عشق است (امام خمینی ؛ ج 3: 485)

به درستی که برای جان‌های شما بهایی نیست مگر بهشت، پس جان‌هایتان را معامله نکنید مگر به بهای بهشت (امام علی 7) ج 2: 195

بهشت زیر پای مادران است (پیامبر اکرم 6) ج 1: 250

پیروزی را اسلحه نمی‌آورد، پیروزی را ایمان می‌آورد که در عین حقیقت دیده می‌شود (امام خمینی ؛ ج 2: 211)

پیروزی را شمشیر نمی‌آورد، پیروزی را خون می‌آورد (امام خمینی ؛ ج 2: 89)

پیش از آنکه امام به نماز جمعه حاضر می‌شود و با سکوت و آرامش گوش فرا می‌دهید این گونه شرکت در نماز کفاره عمل از جمعه تا جمعه است به اضافه سه روز دیگر (امام علی 7) ج 1: 231

تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد، رفتن به جبهه واجب است و اجازه والدین شرط نیست (امام خمینی ؛ ج 2: 107، 347)

3 تفکر ساعة خیر من عبادة سنة. «یک ساعت فکر کردن از هفتاد سال عبادت افضل تر است»
(امام جعفر صادق 7) ج 1: 54

3 جاهدوا [المشركين] باموالکم و انفسکم والسنتکم «با اموال و جان‌ها و مال‌های خود با
مشركان جهاد کنید» (پیامبر اکرم 6) ج 3: 51

3 جمهوری اسلامی ایران با این خون‌ها آبیاری می‌شود (امام خمینی ؛ ج 1: 495 ج 2:
288

3 جنگ بین اسلام و کفر است (امام خمینی ؛ ج 1: 294، 451 ج 3: 307 ج 4: 372
3 جنگ جنگ است و غیرت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است (امام
خمینی ؛ ج 3: 39

3 جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم (امام خمینی ؛ ج 4: 394
3 جنگ ما جنگی است بین اسلام و کفر، نه جنگی است بین یک کشور و یک کشور، مابین
اسلام و کفر است (امام خمینی ؛ ج 2: 87

3 جوان‌های ما که اعتقاد به ماورای طبیعت دارند و شهادت را برای خودشان فوزی عظیم
می‌دانند (امام خمینی ؛ ج 4: 50

3 چه کشته شویم و چه بکشیم حق با ماست، ما اگر کشته هم شویم در راه حق کشته شویم،
پیروزی است و اگر بکشیم هم در راه حق است، پیروزی است (امام خمینی ؛ ج 1:
555، 606 ج 2: 432 ج 3: 163، 412 ج 4: 253، 283، 389، 414

3 حاسبوا قبل ان تحاسبوا «از نفس‌هایتان حساب بکشید قبل از آنکه حساب کشیده شود»
(امام علی 7) ج 1: 228 ج 3: 85، 89

3 حب الدنيا رأس كل خطيئة «دوستی دنیا ریشه و سرمنشأ خطاهاست» (امام صادق 7)
ج 1: 230 ج 2: 165

3 حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ «بهشت را به بهانه ندهند به بها دهند»
(پیامبر اکرم 6) ج 1: 334

3 خانواده‌های شهدا چشم و چراغ ملت هستند (امام خمینی ؛ ج 1: 300، ج 2: 40

3 خط سرخ شهادت خط آل محمد و علی است (امام خمینی ؛ ج 2: 222 ج 3: 248

3 در صدر اسلام هنوز چنین ملتی پیدا نشده و بس (امام خمینی ؛ ج 4: 225

3 درنگ امروز، فردای اسارت باری را به دنبال دارد (امام خمینی ؛ ج 3: 204

3 درود و سلام خداوند بر شما باد که در نمازهای پرشکوه جمعه شرکت کنید و چون که

بهترین نمازها، نماز جمعه است (امام خمینی ؛ ج 3: 53

3 ذوبوا فی الخمینی کما ذاب هو فی الاسلام «شهید صدر در آن ذوب شدند» (محمدباقر

صدر) ج 2: 192

3 سیاحت امتی الجهاد فی سبیل الله «سیاحت امت من جهاد در راه خداست» (پیامبراکرم

6) ج 2: 61

3 شهادت ارثی است که از اولیاء و انبیاء برای ما به جا مانده است (امام خمینی ؛ ج 2:

575

3 شهادت برای ما فیض عظیمی است و جوان‌های ما شهادت را آرزو دارند و ملتی که

شهادت را آرزو دارد پیروز است (امام خمینی ؛ ج 2: 22

3 شهادت تنها سلاحی است که هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند (امام علی 7

ج 2: 211

3 شهادت یعنی تزریق خون در پیکر خفته اجتماع (شهید مطهری) ج 2: 90

3 شهدا شمع محفل بشریتند (امام خمینی ؛ ج 3: 278، 434

3 شهید از همه افراد افضل است (امام خمینی ؛ ج 4: 457

3 شهید قلب تاریخ است (دکتر شریعتی) ج 3: 68 ج 4: 372

3 شهید نظر می‌کند به وجه الله (امام خمینی ؛ ج 4: 412

3 عاشورا را زنده نگه‌دارید که با نگه‌داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید (امام

خمینی ؛ ج 1: 155

3 علم و تهذیب مانند دو بالی است که با یکی نمی‌شود پرواز کرد (امام خمینی ؛ ج 1:

336

3 غیبت کردن مانند خوردن گوشت مردار سگ است (پیامبراکرم 6) ج 2: 162

3 فَأَنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَنْ لَخَصَّه أَوْلِيَاءَهُ «جهاد دری است از درهای بهشت

که خداوند آنرا برای دوستان خاصش می‌گشاید» (امام علی 7) ج 1: 245 ج 3: 78

ج 4: 438

3 فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشته و پاسداری از مکتبی می‌کنند که

شکست‌ناپذیر و سر تا پیروزی است (امام خمینی ؛ ج 2: 126

3 فزت و رب الكعبه (امام علی 7) ج 1: 614 ج 2: 141، 623، 652، ج 3: 626 ج 4: 480

3 فمّن تركه رغبة عنه البسه الله ثوب الذلّ و شملة البلاء (امام علی 7) ج 1: 93 ج 3: 39
 3 قال اميرالمومنين عليه السلام: ان رسول الله صلى الله عليه و آله بعث سريه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر قيل: يا رسول الله و ما الجهاد الاكبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلى الله عليه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التى بين جنبيه (الامالى ص 553)، ترجمه: گفت اميرالمومنين (7) که رسول خدا (6) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند (پیامبر اکرم 6) ج 1: 624 ج 2: 633 ج 3: 490 ج 4: 636

3 قال اميرالمومنين (7) فيما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون «اميرالمومنين در تعليم يارانش گفت: سياه نپوشيد که رنگ لباس فرعون است» (امام علی 7) ج 1: 660 ج 2: 669 ج 3: 672 ج 4: 527

3 قرآن کتاب انسان‌سازی است (امام خمینی ؛) ج 1: 620 ج 2: 629 ج 3: 632 ج 4: 486

3 کسانی که در طول تاریخ محروم بوده‌اند، نباید در جمهوری اسلامی محرومیت بکشند (امام خمینی ؛) ج 1: 505

3 كنت على الكافرين عذاباً و اصبأ و للمؤمنين كهفا و كنت كالجبل الراسخ، لاتحرك العواصف و لاتزيلك القواصف (امام علی 7) ج 4: 226

3 لا رهبانية فى الاسلام «رهبانیت امت من جهاد است» ج 2: 217
 3 لالف ضربة بالسيف اهون على من ميتة على فراش «اگر هزار ضربه بر فرق من فرود آید که به این وضع کشته شوم بهتر است که در بستر با یک بیماری بمیرم» (امام علی 7) ج 3: 530

3 ما با خدای خود عهد بسته‌ایم که دنباله‌رو قیام امام حسین (7) باشیم (امام خمینی ؛) ج 4: 82

3 ما سرنوشت جنگ را در میدان نبرد تعیین می‌کنیم (شهید رجایی) ج 1: 290

3 ما مرد جنگیم (امام خمینی) ؛ ج 2: 127

3 ما من قطرة احب الى الله عزوجل من قطرة دم فى سبيل الله «هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت

نزد پروردگار از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست» (پیامبر اکرم 6)

ج 3: 134 ج 4: 141

3 ما ینبغى لامرى مسلم این بییت لیلۃ الأ وصیته تحت رأسه «ولی بر هر فرد مسلمان واجب

است که وقتی در راه خدا و اسلام به جهاد می‌رود وصیت‌نامه‌ای داشته باشد» (پیامبر اکرم

6) ج 1: 69, 551 ج 2: 117

3 مثل اهل بیتی سفینه نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق «کشتی نوح می‌ماند که

هرکس بر آن سوار شد رستگار و هرکس از آن سرپیچی نمود به قعر دریا خواهد افتاد»

(حدیث نبوی) ج 1: 129

3 مدرسه را حفظ کنید مدرسه سنگر است (امام خمینی) ؛ ج 3: 314

3 مردم مسلمان ایران در برابر یزیدیان زمان راهی را می‌روند که امام حسین (7) رفت

(شهید دکتر بهشتی) ج 2: 195

3 مرگ برای انسان‌های راستین همچون گردبندی است در گردن دوشیزگان (امام حسین

7) ج 1: 363

3 مرگ برای مؤمن نیکوکار به منزله گشودن زنجیر از دست و پا و پوشیدن لباس‌های زیبا و

معطر و سوار شدن بر بهترین مرکب‌ها و رفتن به بهترین منزل هاست، اما مرگ برای کافر

و انسان بدکار به منزله بیرون آوردن لباس‌های راحت و زیبا و خارج شدن از منزل قشنگ

و راحت است و در عوض پوشیدن آلوده‌ترین و زشت‌ترین لباس هاست و انتقال به

وحشتناک‌ترین و دردناک‌ترین منزل‌ها می‌باشد (امام سجاد 7) ج 3: 125

3 مرگ عادت ما است و شهادت کرامت ما (امام زین‌العابدین 7) ج 2: 185

3 مسجد را پر کنید چون مسجد سنگر است (امام خمینی) ؛ ج 1: 88

3 مسجد را خالی نگذارید (امام خمینی) ؛ ج 1: 509

3 مسجد سنگر است، سنگر را حفظ کنید (امام خمینی) ؛ ج 1: 415 ج 2: 241

3 معلمی شغل پیامبری است (امام خمینی) ؛ ج 3: 383

3 مقام و پست میدان آزمایش است، پس باید سعی کنیم از این آزمایش موفق بیرون بیاییم
(امام علی (7) ج 1: 41

3 ملت عراق بدانند که امروز جنگ بین اسلام و کفر است (امام خمینی ؛ ج 4: 91، 232

3 ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است (امام خمینی ؛ ج 1: 110

3 ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است (امام خمینی ؛ ج 2: 222، 399،
563، 419

3 ملتی که شهادت برای او فوز عظیم است، عقب نمی‌نشینند (امام خمینی ؛ ج 1: 103

3 من خدمتگزار شما هستم (امام خمینی ؛ ج 1: 300

3 من صارع الحق صرعه (امام علی (7) ج 3: 469

3 من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من

عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته «آن کس

که مرا طلب کند می یابد و آن کس که مرا یافت می‌شناسد، آن کس که مرا شناخت

دوستم می‌دارد و آن کس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد و آن کس که به من عشق

ورزید من نیز به او عشق می‌ورزم، آن کس که به او عشق ورزیدم می‌کشم او را و آن کس

که من بکشم خونبهایش بر من واجب است و آن کس که خونبهایش بر من واجب است

پس من خونبهایش هستم» (حدیث قدسی) ج 1: 665، ج 2: 210، 674 ج 3: 677 ج 4:

82، 118، 531

3 من عرف نفسه فقد عرف ربه (پیامبر اکرم (6) ج 2: 41

3 من مات بغير وصية مات ميت الجاهلية «بدون وصیت از دنیا برود، مرده دوره جاهلیت

معرفی می‌کند» (پیامبر اکرم (6) ج 4: 53

3 من ورزشکار نیستم ولی ورزشکارها را دوست دارم (امام خمینی ؛ ج 4: 125

3 منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی

که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد.

منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را

بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و

دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این

آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم
(آیت‌الله خامنه‌ای) ج 1: 9، ج 2: 9، ج 3: 9، ج 4: 9

مؤمن باید هشت صفت داشته باشد: وقار در حوادث سخت، صبر به هنگام بلاها، شکر به هنگام گشایش و قناعت به روزی‌ای که خداوند والا داده است، به دشمنان ستم نکند، مزاحم دوستان نشود. تنش به رنج باشد و مردم از او در آسایش باشند (پیامبر اکرم
6) ج 1: 521

موت فی عز خیر من حیات فی ذل «مرگ باعزت ارزشمندتر از زندگی با ذلت» (امام
حسین 7) ج 1: 106، ج 2: 320، 336 ج 3: 254

نیکی زیاد است اما وقتی انسان در راه خدا شهید شد، دیگر نیکی از آن بالاتر نیست
(پیامبر اکرم 6) ج 3: 68

و ان لم یکن دین کونوا احراراً فی دیناکم «اگر دین ندارید لااقل در دنیا آزاد مرد باشید و
آزاده بمیرید» (امام حسین ؛) ج 2: 285

و فوق کل بر بر حتی یقتل الرجل فی سبیل الله فاذا قتل فی سبیل الله فلیس فوقه بر «بالاتر
از هر نیکی، نیکی دیگری هست تا اینکه انسان در راه خدا کشته شود؛ هنگامی که در راه
خدا کشته شد دیگر بالاتر از آن هیچ نیکی نیست» (پیامبر اکرم 6) ج 2: 170 ج 3:
140

والحیة لموتکم قاهرین و الموت الحیاتکم مقهورین (امام حسین 7) ج 3: 278

و الزموا السواد الاعظم فان یدالله مع الجماعة (امام علی 7) ج 3: 17

والله لابن ابیطالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه «علاقه من به مرگ بیشتر از علاقۀ طفل
به شیر مادر است» (امام علی 7) ج 1: 120 ج 2: 283، 555

و وظیفه شرعی و عرفی خود را ادا کنید (امام خمینی ؛) ج 3: 469

هر پرچمی که از دست رزمنده‌ای می‌افتد باید سردار دیگری آن را بدست گیرد (امام
خمینی ؛) ج 3: 545

هر چه فریاد دارید سر آمریکا بکشید (امام خمینی ؛) ج 1: 413

هر کس از مادر بزاید بمیرد. در این جنگ ما پیروزیم (امام خمینی ؛) ج 2: 266

هر کس سوره عصر را بسیار بخواند، به مقام صبر رسد و با اهل حق به بهشت محشور
گردد (پیامبر اکرم 6) ج 2: 472

- 3 هر که بر سوره عصر مداومت کند در نماز نافله، روز قیامت با لبی خندان و روحی درخشان و دلی شادمان باشد تا به بهشت جاودان وارد شود (امام صادق 7) ج 2: 472
- 3 هر موقع که دین اسلام احتیاج به دفاع داشته باشد، وظیفه هر فرد مسلمان است که در راه خدا جهاد کند (امام خمینی ؛) ج 3: 585
- 3 هرگز از دشمن هراسی نداشته باشید، کسی که خدا با اوست از هیچ قدرتی جز قدرت او هراس ندارد (امام خمینی ؛) ج 1: 329
- 3 هل من ناصر ینصرنی (امام حسین 7) ج 1: 32، 230، 237، 239، 264، 265، 266، 378، 379، 437، 672 ج 2: 39، 41، 94، 140، 141، 192، 238، 485، 517، 518، 414، 485، 518، 681 ج 3: 116، 129، 170، 171، 204، 291، 292، 503، 535، 684 ج 4: 37، 71، 72، 77، 92، 104، 372، 438، 538
- 3 هنر آن است که بی‌هیاهوهای سیاسی و خودنمایی‌های شیطانی برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هوی و این هنر مردان خداست (امام خمینی ؛) ج 3: 610
- 3 هیئات من الذله «از ما ذلت و خواری دور باد» (امام حسین 7) ج 1: 188، 334، 337، 351، 391، 672 ج 2: 681 ج 3: 684 ج 4: 226، 394، 538
- 3 یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشوری با 20 میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد و این یک همچین مملکتی آسیب‌بردار نیست (امام خمینی ؛) ج 2: 613

شعارها

- 330, 215, 214: 1: ج اسلام پیروز است ۳
- 561: 1: ج الله اکبر، الله اکبر ۳
- 56: 1: ج امام امت را تنها نگذارید ۳
- 217, 68, 121: 2: ج امام را دعا کنید ۳
- 312: 2: ج به امید پیروزی اسلام ۳
- 188: 1: ج به امید پیروزی اسلام بر کفر ۳
- 84: 1: ج به امید پیروزی اسلام و نابودی کفر در جهان ۳
- 525, 285: 1: ج به امید پیروزی حق علیه باطل ۳
- 509: 1: ج به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر سپاه کفر ۳
- 385: 2: ج به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی ۳
- 88: 1: ج به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی و به امید زیارت کربلا و قدس عزیز ۳
- 610: 2: ج به امید پیروزی نهایی رزمندگان ۳
- 547: 1: ج به امید پیروزی هر چه زودتر رزمندگان اسلام و فتح کربلا و قدس و پیروزی حق بر باطل ۳
- 137: 2: ج به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی ۳
- 156, 350, 137, 141: 1: ج به امید پیروزی اسلام ۳
- 346: 1: ج به امید پیروزی خون بر شمشیر ۳
- 476: 3: ج به امید پیروزی رزمندگان اسلام ۳
- 327: 3: ج به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی ۳
- 538: 3: ج به امید پیروزی هر چه زودتر حق بر باطل ۳
- 556: 2: ج تا زنده‌ایم رزمنده‌ایم ۳
- 371, 179, 177, 172: 1: ج جنگ جنگ تا پیروزی ۳

- حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست ج 1: 98، 99 ج 3: 70
- خداحافظ به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی ج 2: 350
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگاه‌دار از عمر ما بکاه و به عمر رهبر افزا ج 4: 23
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) حتی کنار مهدی خمینی را نگاه‌دار ج 2: 360
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگاه دار ج 1: 160، 172، 317، 350، 353 ج 2: 385، 440، 473، 610 ج 3: 399 ج 4: 154
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا رزمندگان ما را پیروزشان بگردان، اسیران حزب الله آزادشان بگردان ج 3: 308
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج)، حتی کنار مهدی (عج) خمینی را نگهدار ج 3: 586
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) حتی کنار مهدی (عج) خمینی را نگاه‌دار، رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما ج 1: 611
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، تو را به جان مهدی، خمینی را نگاه‌دار ج 2: 149
- خدایا خدایا تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگاه‌دار، از عمر ما بکاه و بر عمر او بیافزا ج 4: 16
- خدایا رزمندگان اسلام را به پیروزی برسان ج 1: 461
- خدایا تا انقلاب مهدی (عج)، خمینی روح خدا را برای ملت رنج‌دیده ایران زنده نگه دار ج 2: 368
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی (عج) خمینی را نگاه‌دار ج 1: 273، 346، 381، 484، 514، 522 ج 2: 502
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاه‌دار ج 1: 33، 79، 112، 175، 239، 295، 567، 592 ج 2: 81، 121، 289، 295، 579 ج 3: 46، 52، 53، 54، 153، 279، 296، 461، 469، 504، 536، 556، 582، 620 ج 4: 160، 234، 245، 290، 317، 344، 353
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاه‌دار «هیئات منّا الذّله» ج 1: 337
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاه‌دار از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای الهی آمین ج 2: 346 ج 3: 458
- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاه‌دار با امید پیروزی رزمندگان اسلام و قدس عزیز ج 3: 493

- 3 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار. به امید پیروزی حق بر باطل ج 3: 206
- 3 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار، آمین یا رب العالمین ج 3: 444
- 3 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار، رزمندگان اسلام پیروزشان بگردان ج 1: 496
- 3 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) حتی کنار مهدی (عج) خمینی را نگه‌دار ج 2: 563
- 3 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه‌دار ج 2: 503
- 3 خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگه‌دار ج 2: 171
- 3 خدایا خدایا تو را به جان زهرا (3) از رزمندگان ما را نصرت عطا بفرما ج 3: 70
- 3 خدایا خدایا تو را به جان مهدی (عج) خمینی را نگه‌دار ج 2: 384
- 3 خدایا خدایا تو را به حق زهرا (3) از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا ج 1: 414
- 3 خدایا خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگه‌دار ج 2: 428
- 3 در بهار آزادی، جای شهدا خالی ج 2: 229
- 3 درود بر خمینی و سلام بر رزمندگان اسلام ج 3: 314
- 3 درود بر رهبر کبیر انقلاب ج 2: 498
- 3 ستایش خدا کنید//امام را دعا کنید // مهدی را صدا کنید//لبیک یا خمینی لبیک یا خمینی ج 4:
- 234
- 3 کبوتر آستان حسینی سرباز وفادار امام خمینی ج 1: 232
- 3 مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی ج 3: 53

شعرها

- ۳ از اول به نام رب العالمین // ایجادکننده سما و سرزمین // دوم به نام پاکی پیغمبر // یعنی محمد (۶) رسول سرور // دارم دو خواهر برادری خرد // شهید شدم به دست کومله کرد // برادر، ای خواهرم، عمویم، ای پدرم // گریه مکن تو بر سرم، شهید خط رهبرم ج ۲: ۱۴۶
- ۳ افتادگی آموز اگر طالب فیضی // هرگز نخورد آب زمینی که بلند است ج ۲: ۴۰۴
- ۳ اگر از آسمانها تیر بارد // و یا خون از دم شمشیر بارد // هرگز جدا نگردیم از خمینی // قسم به نهضت پاک حسینی ج ۲: ۳۵۰
- ۳ اگر باشد قرار آخر بمیرم // دلم خواهد که در سنگر بمیرم ج ۴: ۱۰۴
- ۳ اگر نگهدار من آن است که من می دانم // شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد ج ۳: ۳۲۷
- ۳ اللهم انصر الاسلام والمسلمین // واخذ للكفار و المنافقین // مرگ اگر مرد است گو نزد من آی // تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ // من از او جانی ستانم جاودان // او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ ج ۴: ۳۴۱
- ۳ آن کس که تو را شناخت جان را چه کند // فرزند و عیال و خانمان را چه کند // دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی // دیوانه تو هر دو جهان را چه کند ج ۱: ۴۰۱ ج ۳: ۲۳ ج ۴: ۴۱
- ۳ آنکه با روح خدا همسفر دلها بود // صورتی داشت که صورتگر از او پیدا بود // زنده با عشق خدا بود و بقایافت ز مرگ // مردنی داشت که چون زندگیش زیبا بود ج ۱: ۱۲۱
- ۳ ای خوشا با فرق خونین در لقای یار رفتن // سر جدا پیکر جدا در محفل دلدار رفتن ج ۱: ۲۸۰ ج ۳: ۷۴
- ۳ ای دوست گلی به یادگارم بفرست // گر گل نبود شاخه خاری بفرست ج ۳: ۲۴۹
- ۳ ای عزیزان بعد از مرگ شیون و زاری چرا // گریه بی حاصل و بانگ عزاداری چرا // من که در جمع شما بیگانه بودم تا کنون // این زمان از بهر این بیگانه غمخواری چرا // روح سرگردان من یکدم سروسامان نداشت // بوسه بر خاکم زدن با شیون و زاری چرا // جان

بیمار مرا درمان و بیماری نبود // از تن بی جان من اینسان پرستاری چرا // شیوهٔ مرده پرستی
تا به کی آئین ماست // این که از زندگانی دوری و بیزاری چرا ج 1: 456
ای هم وطن شهید وطن من // اگر شهید شده‌ام با افتخار رفتم من // ای هم وطن، شهید وطنم³
من // تازه جوان خونین کفتم من // من جز این سعادت چیزی ندارم // جز جنگیدن با صدام
چاره‌ای ندارم ج 3: 520

این جهان همچون درخت است ای گرام // ما بر او چون میوه‌های نیم خام // سخت گیرد³
خام‌ها مر شاخ را // زانکه در خامی نشاید کاخ را // چون گذشت و گشت شیرین لب کز آن
// سست گیرد شاخ‌ها را بعد از آن // چون از آن اقبال شیرین شد دهان // سست شد بر آدمی
ملک جهان ج 2: 390

این چنین فرمود رب العالمین // با همه اقشار بر روی زمین // هر کسی کو بهر من عاشق شود³
// رمز حب داند به من لایق شود // او شود محبوب، من عاشق بر او // تا کنم آزادش از نفس
عدو // من گُشم او را بهایش می‌دهم // نزد خود خوانم صفایش می‌دهم ج 1: 491
باید از فیض شهادت دین خود احیا کنم // جان خود تقدیم آن یکتا کنم // باید از جان بگذرم³
در راه استقلال دین // می‌روم تا با جهادم عالمی شیدا کنم // گر شهادت آرمان ماست از
مردن چه باک // می‌روم تا در بهشت قدسیان مأوا کنم // می‌ستیزم با هر آنکس دشمنی با حق
کند // گر چه باشد یار من از یاریش منها کنم // می‌روم مادر دل خود را مرنجان از فراق //
گر گُشم یا کشته‌گردم با خدا سودا کنم // می‌روم تا جان خود سازم فدای رهبرم // جان رهبر
این سخن با خون خود امضا کنم // مهر مهدی (عج) تا بدل دارم بود حق حامیم // گر خسی
باشم چو در آن قعر دریا جا کنم // گرنه ای دوست باور می‌کنی این ایده‌ام // حاضرم گفتار
خود را با عمل امضا کنم ج 1: 353

بر مزار ما شهیدان نه چراغی نه گلی // نه پر پروانه سوزد نه نوای بلبل ج 2: 329³
برادران و دوستان مرا یاد کنید // با فاتحه خیری مرا شاد کنید // توصیه به دوستان بیگانه از³
اسلام نمایی // هرگاه توانستید بر سر قبر سوره قرآن بخوانی ج 3: 79
برو کار می‌کن مگو چیست کار // که سرمایه جاودانی است کار ج 1: 185³
بزرگ فلسفهٔ قتل شاه دین این است // که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است // *** // نه³
ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو // که این مرام حسین است و منطوق دین // من همسفر
باد سحر خواهم شد // خاک گذر، اهل نظر خواهم شد // در آتش عاشقی اسلام بسر خواهم

شد // پولادم و آبدیده‌تر خواهم شد // *** // با دیو سیاه و شب در آویخته‌ایم // در جام
 فلق باده خون ریخته‌ایم // از باد سحر نشان ما را جوید ج 4: 233، 234
 بگو به پدر پیرم شهید هرگز نمی‌میرد // ره عشق و شهادت را زمولایش علی (7) گیرد ج 4:
 398

به بازماندگانم وصیت می‌نمایم // به پیمانی که بستم با خدایم // چون عشق حسین جای
 گرفته در سرم // جان خود قربان کنم سالم بماند رهبرم // گلی بودم که به باد شهادت من
 دمیدم // بدان مقصود که خواستم من رسیدم // همان پیمان که من بستم با حسین // افتخارم
 شهادت در راه دین // اگر مهر شهیدان در قلب دارید // امام حسین را تنها نگذارید //
 بییونید به حسین رهبر دین و امت // اهل بهشت حسین دست شما را می‌پذیرد // گر شما
 دارید با حسین عهد و پیمان // بجنگید با دشمنان حسین از دل و جان // بهترین ایثار هر
 مسلمان // دفاع از دین حق و حفظ قرآن // نماز و روزه چون ستون دین و ایمان //
 واجب است انجام آن‌ها بر هر مسلمان // حتماً واجب است بر تو ای مسلمان // پاسداری از
 قران و حفظ ایمان // با آن قطره خونی که در بدن دارید // نباشید مثل اهل کوفه به باطل
 نگمارید // مگر ندیدید اهل کفار // به دستور بنی‌صدر و شاپور [و] بختیار // که در دانشگاه و
 مسجد حتی بازار // این ملت مسلمان را گرفتند زیر رگبار // هر آن کس که دارد عشق دین و
 ایمان // رحمت‌الله من قرأ الفاتحة بر ارواح شهیدان ج 4: 231

به جبهه می‌روم و وداع آخر من // یک وصیت دارم ای نازنین همسر من // جان تو و جان این
 یتیمان بی پدر من // تو جای لیلا و به جان اکبر و جواد [و] اصغر من // چون آرزوی شهادت
 بود در سر من // عازم به می‌دانم به فرمان رهبر من // جای من بگو به غم‌دیده مادر من //
 سیه نپوشند برادران و خواهران من // من که زنده‌ام و می‌روم پیش پیامبر من // می‌روم پیش
 حسین (7) آقا و سرور من // مگو نیست دم مرگ کسی اندر بر من // بیا نکه کن به جبهه و
 سنگر من // در دم مرگ و لحظه آخر من // می‌آید آقایم مهدی (عج) بر بالین سر من // اگر
 شهید شدم ای باوفا همسر من // تا سر مزارم بنشین تو اندر بر من // وقتی مرا در قبر
 گذاشتن [د] // مهتر حلالم کن ای باوفا همسر من // سفارش این است ای همسر، مادر و برادر و
 خواهر من // همه دعا کنید برای سلامتی رهبر من ج 2: 263

به راه میهن و دینم فدا کردم جوانی را // به آگاهی پسندیدم جهت جاودانی را // بگو به مادر
 پیرم شهید هرگز نمی‌میرد // ره عشق شهادت را از مولایم علی (ع) گیرم ج 3: 308 ج 4:

3 به هر کس میسر نگشت این سعادت // نصیب هر کس مباد این سعادت // گفتم ثنا گفتم به
 جانبازان // گفتم وطن گفتم بگو مقصد دلیران // گفتم سرود دلکش و نغمه‌رهای // گفتم که
 باشد سرها در راه جانبازان // گفتم جمال نور حق خواهم که دیدن // گفتم برو بین لاله‌های
 سرخ ایران // گفتم کجا عشق و رمز آشنایی // گفتم برو به جبهه پیش جان‌نثاران // گفتم باشد
 وحدت این زیباترین شعر // گفتم اسلامی ضد استکبار و طغیان // چگونه می‌توان معراج رفتن
 // گفتم که باید سر دهی در راه جانان // گفتم به سوک لاله‌ها اشکی فشانیم // گفتم تبسم باید
 اندر سوک یاران // گفتم که شمس و زهره و ماه و ستاره ستاره // گفتم که تندی صفا را //
 گفتم به اشک از نور رخسار شهیدان // گفتم خمینی // گفتم که تندی صفا را // گفتم خمینی //
 گفتم خرابات مغان را // گفتم جماران // گفتم خدایا نصرتی گفتم شفایی ج 4: 97

3 به‌نامت ای امید ناامیدان // شفای درد جمله دردمندان // به‌نامت ای غنای هر فقیری // نجات
 هر فقیر و هر اسیری // الهی تو مأوا و پناه بی‌کسانی // تو یار و یاور مستضعفانی // اگر یارب
 مرا از در برانی // شود تاریک بر من زندگانی // به هر شکل مرا کردی حمایت // نگاهت بود
 بر من از عنایت // ما خسته دل و گناه‌کاریم // امید به غیر از تو نداریم // الهی ز باطل پاک
 گردان این درون را // یکی گردان درون را و برون را // الهی تو معشوق تمام عاشقانی // تو
 یاور و تکیه‌گاه صادقانی // الهی به طاعت بهترین فرمانبرم کن // لباس عفو و بخشش در برم
 کن ج 1: 227

3 بی‌باوران عالم با چشم دل ببینید // آینه زمان است این پیر در جماران ج 3: 23
 3 پس از مرگم بگو با کلنگ‌داران // بخاکم گذارند چون سگواران // به آئین همیشه این نامه
 خوانند // که (نجات) رفت ملحق شد به یاران ج 3: 559

3 تا دشمن دین به جنگمان می‌آید // از خوف و درنگ ننگمان می‌آید // آوای بلند جنگ تا
 پیروزی // از حنجره تفنگمان می‌آید ج 3: 206

3 تابع تکلیفم [به] قصد شهادت می‌روم // راه زینب پیشه کن مادر کز دل و جان می‌روم // مادرم
 مردن مگو حق است این‌طور مردنی // سنگر سرخ ز خونم می‌کند تاریخ ایران ماندنی // از
 پی احیاء دین یاران به میدان می‌روم // با سلاح مکتبم جنگ مسلسل می‌روم // گر دهد اذم
 خدا // پیش حسین بهر شفاعت می‌روم ج 3: 545

3 تشنه‌ام ای آسمان عشق‌بارانت کجاست // دست من در جستجوی پژمرده‌دامانت کجاست //
 هرچه می‌بینم فقط بیابان‌های کویری است // کاش می‌گفتی به من شهر شهیدانت کجاست //
 ابتدای حسرت‌آباد است این دنیا ولی // کاش می‌پرسیدم از دنیا که پایانت کجاست ج 2: 549

- چشم بستم از میان خاکیان // تا ببینم منظر افلاکیان ج 2: 404
- چشم به ره منتظر امشب // آسوده بیارام مکن فکر رفیق را // به روز آن خانهٔ پر مهر تو من
[...]. نیایم // بر در آن خانه دیگر پنجه نسایم ج 3: 54
- حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم // خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم ج 1: 119
- خداحافظ ایا مادر // نمی‌بینم تو را دیگر ج 1: 497
- خداحافظ ایا مادر که دارم می‌روم جبیه // حلالم کن دم آخر نمی‌بینم تو را دیگر // که شد
هنگام پیروزی علیه دشمنان یکسر ج 3: 582
- خرم آن روز کزین منزل ویران بروم // راحت جان طلبم وز پی جانان بروم ج 1: 87
- خطی نوشتم برای یادگار // من بمیرم این بماند یادگار // اگر پروانه بودم می‌پریدم // روز
جمعه به خانه می‌رسیدم // نمک در نمکدان شوری نداره // دل من طاقت دوری نداره
ج 3: 68 ج 4: 169
- خواهم به سوی تو پرواز کنم // اما چه کنم که بال و پر نیست مرا ج 3: 249
- خوشا آنان که با عزت زگیتی // بساط خویش را چیدند و رفته // خوشا آنانکه در راه خداوند
// به خون خویش غلتیدند و رفتند // خوشا آنانکه از سرچشمه عشق // شراب عشق نوشیدند
و رفتند ج 4: 174
- در مسلخ عشق جز نکو را نکشند // روبه صفتان زشت‌خو را نکشند // گر عاشق صادقی زمردن
مهراس // مردار بود هر آنکس او را نکشند ج 2: 87 ج 3: 226
- درخت غم به جانم کرده ریشه // به درگاه خدا نالم همیشه // عزیزان قدر یکدیگر بدانید //
اجل سنگ است و آدم مثل شیشه ج 4: 282
- دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند // اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند // چه مبارک
سحری بود و چه فرخنده شبی // آن شب قدر که این تازه براتم دادند ج 2: 390
- دیگر ای مادر عزیزم به دنبالم مگرد // قلب گرم من خاک شد در گور سرد // نیست این خاک
سیه ماوای من // آسمان‌ها باشد اکنون جای من // من شهیدم شاهد ظلمی عظیم // مهمانم
پیش رازق کریم // منزل من گلشن و نورانی است // نه مثال این جهان فانی است // روح من
را باز بینی هر زمان // پاک و تابان در میان اختران // چون شهادت را به جان می‌خواستم //
زین جهت خود را بدان آراستم // بعد از شهادت از بهر من شادی کنید // شکر ایزد بهر آزادی
کنید ج 2: 346

رفتم سفری که آمدن نیست مرا // در حجله عشق بی کفن باید رفت // دلسوخته پاره پاره تن باید رفت // از جان بگذر که در سراپرده دوست // فارغ ز سر و دست و بدن باید رفت ج 2: 329

روزی که تو آمدی بدنیا عریان // جمعی به تو خندان و تو بودی گریان // کاری بکن ای دوست که وقت مردن ج 4: 283

سر انجام باید به خاک رفت // خوشا آنکه پاک آمد و پاک رفت ج 1: 99
شکوه و شرف در شهادت است // نه مردن در بستر که یک حالت است // به حق به شهادت کمر بسته ام // من از ماندن بی ثمر خسته ام ج 3: 566

شمشیر عشق بر [سر] سنگ مزار ماست // ما عاشقیم و کشته شدن افتخار ماست // اینجا است خوابگاه شهیدان دوست // فردا جوار قرب حقیقت دیار ماست ج 2: 239

شهیدم من شهیدم من // به کام خود رسیدم من // خداحافظ ایا مادر // نمی بینم ترا دیگر // چرا مادر زغم سوزی // گذشت از ما سه روزی // که شد هنگام پیروزی // علیه دشمنان یکدم // منم سرباز روح الله // که پیوستم به جنرال الله // به سوی ارتش الله / روان گشتم ایا مادر // شوم من گر بخون غلطان // مخور غم مادر نالان // گلستان می شود ایران // از این گلها شده پرپر // بین مادر کفن پوشم // تفنگم بر سر دوشم // بیا مادر در آغوشم // حلالم کن دم آخر ج 4: 324

شور جوانی به سرم نیست // عکسم نگه دار فردا اثرم نیست ج 3: 546
شیون مکن مادر در مرگ خونبارم // بگذر ز من مادر عزم سفر دارم // شهید جمهوری اسلامیم مادرم مادرم // کفن شده لباس دامادیم مادرم مادرم // شب و روز در جبهه نماز بود کارم // از کسی باکی ندارم چونکه اسلام بود یارم // من در جبهه می جنگم در راه اسلام // ولی به امامم برسانید سلام // که من شهید شدم در راه اسلام // به خانواده ام برسانید سلام ج 3: 434

صدایم رنگ و بوی غم گرفته // تو گویی نوحه ای را دم گرفته // ز دست دوری تو ای شهادت // دلم در گوشه ای ماتم گرفته // از آتش پیکرم را شعله ور کن // به اندامم بیا رختی دگر کن // خدایا این شهادت [را] لحظه ای هم // بیار [و] از کوچه جانم گذر کن ج 3: 591
صیدنبی نام باشد این شعارم // به راه این شهادت افتخارم // به عشق رهبرم از جان می گذرم // که پیروزی دین با خون می نویسم // من می دانم شهادت در کمین است // شتابان پیش می روم و حق همین است ج 4: 390

عاشقان مژده که شوریده سری پیدا شد // از طریخانه جان نغمه‌گری پیدا شد // عقل در شبه
که پیغامبری پیدا شد // نعره زد عشق که خونین جگری پیدا شد // گنه‌کاری مثل مهدی //
چشم و آبرو که جان دگری پیدا شد ج 2: 586, 588

عاشقم عاشق روی مهدی // ای صبا از سر کوی مهدی // بسته‌ام بسته بر موی مهدی // بر
مشام رسان بوی مهدی // عاشقم عاشق کربلایم // عاشقم عاشق نینوایم // عاشقم عاشق
شهادتم // عاشقم عاشق سعادت // لطف خداوندی بر حالم شامل است // حب ولایت از فقیه
اندر دل است // تو دانستی شهادت در کمین است // شتابان پیش رفتی حق همین است
ج 2: 17

قاضی ار با ما نشنید برفشان دست را // محتسب گر می خورد معذور دارد مست را // ما و
لیلی همسفر بودیم اندر راه عشق // او به مطلب‌ها رسید و [ما] هنوز آواره‌ایم // در این دنیای
بی حاصل چرا مغرور می‌گردی // سلیمان گر شوی آخر خوراک مور می‌گردی // عزیزان قدر
یکدیگر بدانید // اجل سنگ است و آدم مثل شیشه ج 4: 141

کجائید ای شهیدان خدایی // بلا جویان دشت کربلایی // کجائید ای سبک روحان عاشق //
پرنده ترز مرغان هوایی ج 4: 233

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم // موجیم که آسودگی ما عدم ماست ج 2: 92
مادر از جبهه برات پیام دارم // پیام از سربازان امام دارم // اینجا استقامت و رشادت است //
میدان جانبازی و شهادت است ج 3: 23

مادر تو پی مرگم نگران نباشید // گریه نکنید صورت نخرائید // نگران نباشید پی مرگ فرزند
// از لیلا و اکبر تو یاد بگیرید // خوشوقتم شهید در راه اسلام // پیش نسل بعدی من زنده
نامم // خوشوقتم شهید من در راه دینم // رضایت‌بخش بود قلب یقینم // ذائقه الموت بشر
کل فانی // حقیر شهسوار شهرت سلطانی ج 2: 433

مدتی بی حرمتی بسیار شد // این زمان از خواب، دل بیدار شد // محو کن بی حرمتی‌های مرا
// عفو کن دون‌همتی‌های مرا // ای عطا از تو، خطا بر ما نگیر // ای وفا از تو، جفا بر ما نگیر
// آید از ما آنچه آید از لئیم // تو بکن نیز آنچه آید از کریم ج 1: 547

مردم همه گریان و تو باشی خندان // آن کس که تو را شناخت جان را چه کند // فرزند و
عیال و خانمان را چه کند // دیوانه کنی، هر دو جهانش بخشی // دیوانه تو هر دو جهان را
چه کند ج 4: 41

3 مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک // دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم // از کجا آمده‌ام،
آمدنم بهر چه بود // به کجا می‌روم آخر، نمائی وطنم // من به خود نامدم اینجا که به خود
باز روم // هر که آورد مرا باز برد در وطنم ج 3: 270 ج 4: 225

3 مطمئن باش که مهرت نرود از دل من // مگر [آن روز] که در خاک شود منزل من // سر
سرگشته‌ام سامان نداره // دل خون گشته‌ام درمان نداره // به کافر مذهبی دلبسته بودم // که در
هر مذهبی ایمان نداره // خداوندی که در بازار عشقت // به جز جان هیچ کالایی ندیدم ج 2:
308

3 من آن شمع که خاکستر ندارم // شهیدم من ولی پیکر ندارم ج 1: 381
3 من چو مفلوکان نمی‌خواهم که در بستر بمیرم // می‌روم تا همچو مردان در دل سنگر بمیرم //
زندگی خواب است اما، جرعه جام شهادت // می‌کشم سر تا بیزم عشق شیرین بمیرم // از
شراب جان مادر، باده تسلیم خوردم // می‌روم تا با رضای کامل مادر بمیرم ج 2: 390

3 نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود // مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد ج 2: 589
3 ندانم تیره‌بختم یا رو سپیدم // به بدبختی بمیرم یا شهیدم // ای فلک مکن به دست جور چنین
بال و پرم را // گرفتارم مکن خونین مگردان پیکرم را // فرصتی ده تا ببینم بار دیگر مادرم را
// سر در آغوشش نهم گویم کلام آخرم را ج 2: 196

3 نو بهار آمد و گلها همه خوش منظر و پاک // سربرآورده زخاک و گل من خفته به خاک //
حاصل عمر من آن میوه دل یادش باد // که خود آسوده شد و کار مرا مشکل ساخت ج 1:
130

3 وقتی که تو آمدی به دنیا عریان // جمعی به تو خندان و تو بودی گریان // کاری کن که وقت
رفتن، ای دوست // جمعی به تو گریان و تو باشی خندان ج 1: 554

3 هر کسی روح مرا با فاتحه‌ای شاد کند // ایزد خاطرش از معرفت آباد کند ج 1: 103
3 همه شاد و من بیچاره غمناکم // من هم روزی شوم خرم که لاله روید از خاکم // یاران همه
سوی نور رفتند // بشتاب که تا ز ره نمایم // ای خون حماسه در رگ این // برخیز نماز
خون بخوانیم ج 4: 233

3 یارب آن لحظه که جان به لب رسد // چشم پژمرده به تاب و تب رسد // شربت شهد شهادت
بنوشم // خلعت راه سعادت بپوشم // چون ندارم در دو عالم جز تو کسی // هم تو باشی مرا
فریادرسی ج 2: 551

عملیات‌ها، اردوگاه‌ها و لشکرها

- عملیات والفجر ج 1: 27، 64، 626، 651،
652 ج 2: 201، 635، 660، 661 ج 3: 3
، 40، 663 ج 4: 492، 517، 518
عملیات والفجر (3) ج 1: 27 ج 2: 113،
201، 373، 660 ج 3: 663 ج 4: 517
عملیات والفجر (5) ج 1: 27، 212 ج 2:
373، 635، 661 ج 3: 382، 638، 664
ج 4: 492، 518
عملیات والفجر (6) ج 1: 27
عملیات‌های نصر (4) ج 3: 103
گروهان شهادت گردان رمضان ابوذر ج 3:
458
لشکر 64 ارومیه منطقه حاج عمران ج 2:
118
لشکر 77 خراسان ج 4: 330
لشکر 92 جبهه شلمچه ج 4: 451
منطقه عملیاتی مهران 11 ج 1: 126
ناحیه 3 کربلا ج 4: 156
نگهبانی منطقه قلاویزان - مهران ج 4:
420
- اردوگاه شهید باهنر ج 3: 461
امدادگر گردان 505 از لشکر 11
امیرالمومنین (ع) ج 1: 451
پاسگاه‌های عراقی زالوآب ج 1: 652
ج 2: 661 ج 4: 518
ظفر 4 ج 1: 27
عملیات بیت‌المقدس ج 1: 622، 673
ج 2: 631، 682 ج 4: 488، 539
عملیات خیبر ج 1: 624 ج 2: 633 ج 4:
490
عملیات ضربت ذوالفقار ج 1: 27
عملیات قدس (3) ج 1: 27
عملیات کربلای (1) ج 2: 660 ج 3: 663
ج 4: 517
عملیات کربلای (5) ج 2: 660 ج 3: 458
663 ج 4: 517
عملیات کربلای (10) ج 3: 103
عملیات محرم ج 1: 27 ج 2: 290، 292
683 ج 3: 460، 686 ج 4: 540
عملیات نصر (2) ج 1: 27 ج 2: 678
ج 3: 681 ج 4: 535
عملیات نصر (6) ج 1: 27

کتابها

- المغازی ج 1: 654 ج 2: 663 ج 3: 666
مفاتیح الجنان ج 1: 460
المناقب ج 1: 106 ج 4: 226
بحار الانوار ج 1: 54، 69، 121، 226، 551، 618 ج 2: 41، 117، 179، 211، 283، 627 ج 3: 630
تاریخ طبری ج 1: 654 ج 2: 663 ج 3: 666
تفسیر المیزان ج 1: 646 ج 2: 655 ج 3: 658
حقایق ج 2: 48، 274
خط خون ج 4: 277، 278، 300
دهخدا ج 1: 615، 617، 622، 627، 632، 633، 639، 640، 649، 654، 655، 657، 664، 667، 668، 670، 671، 675 ج 2: 624، 626، 631، 636، 641، 642، 648، 649، 658، 663، 664، 666، 673، 676، 677، 679، 680، 684 ج 3: 627، 629، 634، 639، 644، 645، 651، 652، 661
- 666، 667، 669، 676، 679، 680، 682، 683، 687
صحیفه نور ج 1: 8 ج 2: 8 ج 3: 8
فرهنگ عاشورا ج 1: 188، 609، 618، 629، 635، 636، 641، 646، 648، 653، 663، 672 ج 2: 285، 320، 336، 627، 638، 644، 645، 650، 655، 657، 662، 672، 681 ج 3: 254، 630، 641، 647، 648، 653، 658، 660، 665، 675، 684
مجموعه ورام ج 1: 171
نهج البلاغه ج 1: 93، 103، 120، 198، 245، 657 ج 2: 41، 555، 666 ج 3: 17، 78، 669 ج 4: 278، 301، 322، 438
نهج الفصاحه ج 1: 304، 334 ج 3: 51 ج 4: 180

کسان‌ها

- آبانگاه، یحیی (شهید) ج 1: 31
 آبختی (پدر شهید فریدون دلفی) ج 2: 220
 ابراهیم (پدر شهید احمد آواره) ج 1: 97
 ابراهیم (پدر شهید امیر چماچم) ج 1: 553
 ابراهیم (پدر شهید جعفر کرمی) ج 3: 410
 ابراهیم (پدر شهید حمیدرضا دستگیر) ج 2: 204
 ابراهیم (پدر شهید علی‌بخش ابراهیمی) ج 1: 105
 ابراهیم (پدر شهید علی‌نور ابراهیمی) ج 1: 118
 ابراهیم (پدر شهید علی‌نور ابراهیمی) ج 1: 121
 ابراهیمی، کریم (شهید) ج 1: 124، 126
 آبروشن، یوسف (شهید) ج 1: 36
 آبسالان، نصراله (شهید) ج 1: 39، 44
 ابوالقاسم (پدر شهید علی سجادی) ج 2: 411
 ابراهیم (پدر شهید محمدطاهر خدایاری) ج 2: 131
- ابراهیم (پدر شهید مسعود خانلری) ج 2: 106
 ابراهیم جهانی ← جهانی، ابراهیم
 ابراهیم حیدری ← حیدری، ابراهیم
 ابراهیم دارابی ← دارابی، ابراهیم
 ابراهیم صادقی ← صادقی، ابراهیم
 ابراهیم کاظمی ← کاظمی، ابراهیم
 ابراهیم نادی ← نادی، ابراهیم
 ابراهیمی، رحمت‌الله (شهید) ج 1: 101
 ابراهیمی، علی‌بخش (شهید) ج 1: 105
 ابراهیمی، علی‌حسین (شهید) ج 1: 109، 112
 ابراهیمی، علی‌نور (شهید) ج 1: 118، 121
 ابراهیمی، کریم (شهید) ج 1: 124، 126
 آبروشن، یوسف (شهید) ج 1: 36
 آبسالان، نصراله (شهید) ج 1: 39، 44
 ابوالقاسم (پدر شهید علی سجادی) ج 2: 411

احمد بگ (پدر شهید علی غلام حسینی)
ج 3: 266

احمد جهشی ← جهشی، احمد

احمد زینوندی ← زینوندی، احمد

احمد شریفزادی ← شریفزادی، احمد

احمد شریفی ← شریفی، احمد

احمد صادقی ← صادقی، احمد

احمد صیدی ← صیدی، احمد

احمد نوراللهزاده ← نوراللهزاده، احمد

احمد نوری ← نوری، احمد

احمد یارمحمدی ← یارمحمدی، احمد

احمدزاده، جاسم (شهید) ج 1: 133

احمدسوزه، صباح (شهید) ج 1: 137

احمدی، حسین (شهید) ج 1: 142

احمدی، عسگر (شهید) ج 1: 145

احمدی، علی (شهید) ج 1: 147

اخزری، صیدعلی (شهید) ج 1: 151، 153

اخلاوه، صادق (شهید) ج 1: 154، 156

آذریپرا، علیرضا (شهید) ج 1: 49، 51

اردشیر هنجاری ← هنجاری، اردشیر

ارسن، احمد (شهید) ج 1: 158

استرون، حسن (شهید) ج 1: 162

آستوی، عیسی (شهید) ج 1: 53، 55، 56

57

اسحق جاسمی ← جاسمی، اسحق

اسد (پدر شهید علی جان شریفی) ج 2:

526

ابوذر، غفاری ج 1: 614، 665 ج 2: 623.

674 ج 3: 628، 679 ج 4: 480، 531

ابوسفیان ج 1: 615، 654، 655، 664

ج 2: 624، 663، 664، 673 ج 3: 629.

668، 669، 678 ج 4: 481، 520، 521.

530

ابوموسی اشعری ج 1: 649 ج 2: 658

ج 3: 663 ج 4: 515

احسانی فر، رضا (شهید) ج 1: 128

احمد (پدر شهید اردشیر هنجاری) ج 4:

365

احمد (پدر شهید جعفر میرزایی) ج 4:

172

احمد (پدر شهید صباح احمدسوزه) ج 1:

137

احمد (پدر شهید علی والایی) ج 4: 370

احمد (پدر شهید قاسم رحیمی) ج 2:

253

احمد (پدر شهید محمدکریم بابایی ملکیان)

ج 1: 257

احمد (پدر شهید منصور ملکی) ج 4: 90

احمد (پدر شهید نامدار اوحام) ج 1: 248

احمد ارسن ← ارسن، احمد

احمد اسدنیا ← اسدنیا، احمد

احمد آفاق ← آفاق، احمد

احمد آواره ← آواره، احمد

- اسد (پدر شهید کریم ابراهیمی) ج 1: 124
 اسد بره ← بره، اسد
 اسد عباسی ← عباسی، اسد
 اسدالله (پدر شهید سعدالله قیصر بیگی)
 ج 3: 366
 اسدالله رسولوندی ← رسولوندی، اسدالله
 اسدالله رضائی ← رضائی، اسدالله
 اسدالله مرادی ← مرادی، اسدالله
 اسدنیایا، احمد (شهید) ج 1: 165، 167
 اسدی، آیت‌الله (شهید) ج 1: 170، 172
 اسدی، رضا (شهید) ج 1: 173، 175
 اسفندیاری، محمدرضا (شهید) ج 1: 178.
 181
 اسکناس (مادر شهید علی حسین مهدوی)
 ج 4: 115
 اسکندر (پدر شهید فرج‌الله نوریان) ج 4:
 329
 اسکندر (پدر شهید فریدالله مرادی) ج 4:
 31
 اسلام اسماعیلی ← اسماعیلی، اسلام
 اسماعیل (پدر شهید احمد شریفی) ج 2:
 500
 اسماعیل (پدر شهید پرویز باقری) ج 1:
 269
 اسماعیل (پدر شهید قدرت‌اله فتاحی)
 ج 3: 281
 اسماعیل جابری ← جابری، اسماعیل
 اسماعیلی، اسلام (شهید) ج 1: 184
 اسماعیلی، امیدعلی (شهید) ج 1: 187،
 190
 اسماعیلی، مظفر (شهید) ج 1: 193
 اشرفی اصفهانی ج 1: 643 ج 2: 652
 ج 3: 657 ج 4: 509
 اشرفی، اکبر ج 1: 12 ج 2: 12 ج 3: 12
 ج 4: 12
 آشور محمدحسینی ← محمدحسینی،
 آشور
 اصبری (پدر شهید پیرولی علیزاده) ج 3:
 222
 آصف فتاحی ← فتاحی، آصف
 اصله (مادر شهید منصور ملکی) ج 4: 90
 اعتقادی، شیرمحمد (شهید) ج 1: 196
 اعتقادی، نارنج (شهید) ج 1: 208
 آغابانو (مادر شهید ماشاالله عزیززی) ج 3:
 181
 آغاسلطان (مادر شهید بندر محسن‌زاده)
 ج 3: 543
 آغه سلطان (مادر شهید صادق صیدکرمی)
 ج 3: 84
 آفاق، احمد (شهید) ج 1: 63، 65
 آفاق، جمعه (شهید) ج 1: 68، 70، 71
 آقابگ (پدر شهید تقی رحیمی مقدم) ج 2:
 262
 آقابیگی، منصور (شهید) ج 1: 73، 74

598 .609 .610 .618 .619 .627 .630
 635 .636 .640 .641 .644 .645 .647
 648 .648 .652 .657 .662 .663 .664
 667 .668 .672 .674 .683 ج 2:22
 48 .67 .68 .87 .90 .93 .94 .108 .113
 116 .148 .149 .627 .628 .636 .639
 644 .645 .649 .650 .656 .657 .661
 671 .673 .676 .677 .681 .683 ج 3:
 20 .34 .36 .51 .52 .90 .111 .112
 128 .129 .142 .145 .146 .165 .167
 187 .190 .192 .197 .240 .247 .249
 254 .632 .633 .641 .643 .644 .645
 649 .650 .655 .662 .666 .676 .677
 678 .681 .682 .686 .688 .644 .649
 654 .654 ج 4:28 .31 .32 .37 .43
 51 .55 .57 .58 .60 .69 .71 .72 .73
 76 .77 .78 .82 .83 .84 .90 .92 .107
 117 .125 .140 .147 .149 .150 .154
 484 .485 .493 .495 .496 .497 .501
 502 .506 .507 .513 .514 .518 .528
 529 .530 .533 .534 .538 .540
 امام خمینی (ره) ج 1:8، 14، 15، 16، 23
 429 .626 .637 .638 .671 ج 2:635
 646 .647 .680 ج 3:652 .651
 685 ج 4:537 .504 .503 .492
 امام رضاع) ج 1:617 ج 2:626 ج 3:
 631 ج 4:483

آقاجان (پدر شهید کشمند شریفی) ج 2:
 536
 آقاجانی، طهماسب (شهید) ج 1:78، 80
 آقایی، امیر (شهید) ج 1:83
 آقایی، خلیل (شهید) ج 1:86، 88
 آقایی، عباس (شهید) ج 1:91
 اقلیم (مادر شهید حمیدرضا دستگیر) ج 2:
 204
 اکبر (پدر شهید علی علیزاده) ج 3:225
 اکبر (پدر شهید گودرز فتاحی) ج 3:277
 اکبر حمدانی ← حمدانی، اکبر
 اکبری، عزت‌الله (شهید) ج 1:211
 اکبری، عزیز (شهید) ج 1:215، 217
 اکبری، منوچهر ج 1:12 ج 2:12 ج 3:
 12 ج 4:12
 ام لیلی ج 1:618 ج 2:627 ج 3:632
 ج 4:484
 امام جعفر(ع) ج 2:72
 امام حسن مجتبی(ع) ← امام حسن (ع)
 امام حسن(ع) ج 1:630، 652، 664 ج 2:
 108، 639، 661، 673 ج 3:644، 664
 678 ج 4:69، 84، 496، 518، 530
 امام حسین(ع) ج 1:53، 56، 94، 104
 108، 109، 145، 153، 270، 283، 284
 299، 301، 304، 350، 351، 352، 389
 391، 402، 403، 421، 422، 429، 513
 545، 546، 563، 565، 566، 572، 581

امام زمان ← صاحب‌الزمان	498 .507 .509 .512 .513 .515 .518
امام زمان(عج) ج 1: 15، 16، 24، 264.	520 .521 .530 .531 .533 .540
265، 270، 300، 321، 353، 373، 375.	امام موسی کاظم (ع) ج 1: 26
391، 399، 402، 403، 414، 468، 530.	امامعلی (پدر شهید علی‌احمد
544، 547، 570، 571، 572، 600، 609.	علی محمدی) ج 3: 242
611، 650 ج 2: 16، 17، 53، 68، 81.	امامعلی (پدر شهید قنبر جم‌زاده) ج 1:
87، 93، 126، 136، 659 ج 3: 19، 21.	512
40، 51، 60، 62، 63، 90، 120، 142.	امامی، جاسم (شهید) ج 1: 225، 228،
182، 220، 254، 664 ج 4: 28، 32، 33.	232
37، 39، 40، 50، 77، 78، 81، 82، 107.	آمنه (مادر شهید صیدمحمد نظریگی)
108، 117، 128، 516.	ج 4: 246
امام زین‌العابدین(ع) ← امام سجاد(ع)	امید حسینی ← حسینی، امید
امام سجاد(ع) ج 1: 26، 353، 617، 641.	امیدعلی (پدر شهید علی عصمت) ج 3:
ج 2: 626، 650 ج 3: 125، 631، 655.	196
ج 4: 483، 507.	امیدعلی (پدر شهید مجید خوزستانی)
امام علی(ع) ج 1: 16، 351، 421، 422.	ج 2: 161
459، 460، 521، 572، 614، 615، 618.	امیدعلی اسماعیلی ← اسماعیلی، امیدعلی
619، 627، 632، 643، 646، 647، 649.	امیدی، عبدالامیر (شهید) ج 1: 237
652، 654، 655، 664، 665، 667، 674.	امیر (پدر شهید حسین ملکی) ج 4: 68
ج 2: 623، 624، 627، 628، 636، 641.	امیر آقایی ← آقایی، امیر
652، 655، 656، 658، 661، 663، 664.	امیر چماچم ← چماچم، امیر
673، 674، 676، 683 ج 3: 90، 247.	امیرخان (پدر شهید مجید رحیمی) ج 2:
628، 629، 632، 633، 641، 646، 657.	256
660، 661، 663، 666، 668، 669، 678.	امین (پدر شهید علیمرد مهرداد) ج 4:
679، 681، 688 ج 4: 28، 37، 40، 60.	127
91 ج 4: 480، 481، 484، 485، 493.	امین (پدر شهید نادر حاتمی) ج 1: 584
	امین شیخ‌محمدی ← شیخ‌محمدی، امین

- انصاری، غلامرضا (شهید) ج 1: 244، 246
 آهو (مادر شهید روح الله شنبه‌ای) ج 2:
 566
 آهو (مادر شهید کرم علی رحمی) ج 3:
 219
 آهوخانم (مادر شهید بروز حاتمی) ج 1:
 576
 آواره، احمد (شهید) ج 1: 97، 99
 اوحام، نامدار (شهید) ج 1: 248، 250
 آیت الله اسدی ← اسدی، آیت الله
 آیت الله حکیم ج 1: 662 ج 2: 671 ج 3:
 676 ج 4: 528
 آیت الله کاشانی ج 1: 658 ج 2: 667
 ج 3: 672 ج 4: 524
 ایدی (پدر شهید علیرضا دیده‌دار) ج 2:
 231
 ایرج طاهری نسب ← طاهری نسب، ایرج
 ایلگه رستمی ← رستمی، ایلگه
 ایمانعلی (پدر شهید احمد شریف‌زادی)
 ج 2: 496
 ایمکی، رستم (شهید) ج 1: 254
 بابا رضایی ← رضایی، بابا
 بابامراد (پدر شهید حضرت سلیمانی)
 ج 2: 438
 بابایی ملکیان، محمدکریم (شهید) ج 1:
 257
 بارانی، سلمان (شهید) ج 1: 260
 بارانی، علی (شهید) ج 1: 264
 باقر (پدر شهید جعفر چراغی) ج 1: 549
 باقری، پرویز (شهید) ج 1: 269، 271
 273
 باقری، حاجی (شهید) ج 1: 279
 باقری، حسن (شهید) ج 1: 283، 285
 باقری، عبدالرضا (شهید) ج 1: 288، 290
 باقری، نصرالله (شهید) ج 1: 293، 295
 بالوی‌زاده، حمید (شهید) ج 1: 299، 301
 بانقلائی، مهدی (شهید) ج 1: 303
 بانو (مادر شهید احمد زینوندی) ج 2:
 405
 بانو (مادر شهید عباس ملکی) ج 4: 71
 بانو (مادر شهید علی محمد صادقی) ج 2:
 617
 بانو (مادر شهید مهدی شیرکول) ج 2:
 582
 بانوزاهد (مادر شهید مستعلی قاسمی)
 ج 3: 321
 باهنر، محمدجواد ج 1: 24، 416، 572،
 621، 628، 636، 672 ج 2: 630، 637،
 645، 681 ج 3: 167، 174، 635، 642
 650، 686 ج 4: 487، 494، 502، 538
 باولگ‌زاده، موسی (شهید) ج 1: 309
 باوه‌پیرمحمدی، عبدالعلی (شهید) ج 1:
 313
 باوی (پدر شهید غضبان مزید) ج 4: 42

- بتول ج 4:، 54
 بساط (پدر شهید محمدتقی یونسی) ج 4: 476
 بدری (مادر شهید پرویز ولی بیگی) ج 4: 381
 بسطام بیگ (پدر شهید آصف فتاحی) ج 3: 269
 بدریه (مادر شهید سرحد عبداللهی) ج 3: 145
 بشیر داودیان ← داودیان، بشیر
 بلال حبشی ج 1: 621 ج 2: 630 ج 3: 635 ج 4: 487
 بدریه (مادر شهید سیدعلی حسینی) ج 2: 15
 بندر محسن زاده ← محسن زاده، بندر
 بندمه، علی (شهید) ج 1: 344، 346
 بدریه (مادر شهید صادق اخلاوه) ج 1: 154
 بنی صدر ج 1: 659 ج 2: 668 ج 3: 673 ج 4: 525
 بدریه (مادر شهید محمدرضا خدایاری) ج 2: 125
 بهبهانی ج 1: 669 ج 2: 678 ج 3: 683 ج 4: 535
 بدریه (مادر شهید محمدولی خدایاری) ج 2: 134
 بهجت (مادر شهید قدرت اله فتاحی) ج 3: 281
 برتنی، حجت الله (شهید) ج 1: 316، 318
 بهرام (پدر شهید بندر محسن زاده) ج 3: 543
 برجی، عبدالولی (شهید) ج 1: 320، 322
 بهرام (پدر شهید ماشاءالله دشتی پور) ج 2: 216
 برگگی، کریم (شهید) ج 1: 325
 بهرام (پدر شهید مهرعلی تندرو) ج 1: 449
 بره، اسد (شهید) ج 1: 328
 بروجرودی ج 1: 631، 639، 643، 671
 ج 2: 640، 648، 652، 680 ج 3: 645، 653
 ج 4: 685، 657، 497، 505، 509
 537
 بروز حاتمی ← حاتمی، بروز
 بروز کرمی ← کرمی، بروز
 بزرگی مقدم، عبدالرحیم (شهید) ج 1: 331، 337
 بساط (پدر شهید جوهر مرادی) ج 4: 19

پرویز ولی بیگی ← ولی بیگی، پرویز
 پری (مادر شهید خسرو شادی) ج 2: 471
 پری (مادر شهید علی محمد جمال الدینی)
 ج 1: 507
 پنجشنبه (پدر شهید حجت الله جابری)
 ج 1: 467
 پورزند، صادق (شهید) ج 1: 402، 404
 پورقاسمی، محمدیار (شهید) ج 1: 407،
 409
 پورمند، عزیزالله (شهید) ج 1: 412، 417
 پیامبر اکرم (ص) ج 1: 18، 24، 351،
 399، 402، 404، 449، 450، 461، 544،
 545، 591، 614، 622، 624، 630، 638،
 640، 646، 647، 652، 654، 655، 662،
 667، 673، 674، 675 ج 2: 40، 72، 87،
 146، 162، 623، 631، 633، 639، 647، 649،
 655، 656، 661، 663، 664، 671، 676،
 682، 683 ج 3: 18، 20، 76، 79، 90،
 122، 125، 126، 142، 171، 201، 206،
 248، 262، 628، 636، 638، 644، 652، 654،
 660، 661، 666، 668، 669، 676، 681،
 687، 688 ج 4: 53، 55، 81، 82، 90،
 91، 92، 115، 117، 118، 480، 488، 490،
 496، 504، 506، 512، 513، 518، 520،
 521، 528، 533، 539، 541
 پیر جماران ج 1: 629 ج 2: 22، 638
 پیرحیاتی، عبدالمهدی (شهید) ج 1: 421

بهمن (پدر شهید ابراهیم کاظمی) ج 3:
 374
 بهمن (پدر شهید علی اکبر لاجین) ج 3:
 511
 بهمن (مادر شهید حمید مرادی) ج 4: 23
 بهمن نوروزی ← نوروزی، بهمن
 بیتوکه (مادر شهید محمدرضا یاری) ج 4:
 436
 بیگرضا (پدر شهید نورالله نجفی) ج 4:
 240
 بیگزاده، علی (شهید) ج 1: 349، 351،
 353
 بیگشیر (پدر شهید جواد نیکنام) ج 4:
 332
 بیگی، جمال (شهید) ج 1: 361
 بیگی، رحمان (شهید) ج 1: 373، 376
 بیگی، کرم (شهید) ج 1: 378، 381
 پاپا (پدر شهید شیرزاد جمالی زاده) ج 1:
 517
 پاپی احمد (پدر شهید جواد کولیوند) ج 3:
 484
 پالیزبان، عبدالحسین (شهید) ج 1: 384
 پدرامفر، سعدالله (شهید) ج 1: 386
 پرک، علی اکبر (شهید) ج 1: 389، 392
 پرکاسی، محمد (شهید) ج 1: 398، 401
 پرویز باقری ← باقری، پرویز
 پرویز نوروزی ← نوروزی، پرویز

- پیرنیا، محمود (شهید) ج 1: 424
 پیروزی، یارمحمد (شهید) ج 1: 428
 پیرولی (پدر شهید عبدالولی برجی) ج 1: 320
 پیرولی عزیزاده ← عزیزاده، پیرولی
 پیغمبر (6) ← پیامبر اکرم (6)
 تاج (مادر شهید ایرج طاهری نسب) ج 3: 111
 تاج دولت (مادر شهید عزیزالله لطفی) ج 3: 518
 تاج ناصر (مادر شهید عدل قبادیان) ج 3: 325
 تاراج نسب، رحمان (شهید) ج 1: 431
 تام، جعفر (شهید) ج 1: 435
 تقی رحیمی مقدم ← رحیمی مقدم، تقی
 تندرو، مهرعلی (شهید) ج 1: 449
 تهمینه (مادر شهید احمد ارسن) ج 1: 158
 تهمینه (مادر شهید بهرام کمرخانی) ج 3: 467
 تورتیز، سامی (شهید) ج 1: 454
 توکل زینی وندمقدم ← زینی وندمقدم، توکل
 تیمور (پدر شهید امین شیخ محمدی) ج 2: 574
 جابری، اسماعیل (شهید) ج 1: 459
 جابری، حجت الله (شهید) ج 1: 467
 جابری، نعمت الله (شهید) ج 1: 474، 476
 جازیه (مادر شهید محمد حیدری) ج 2: 64
 جاسم (پدر شهید اسحق جاسمی) ج 1: 479
 جاسم (پدر شهید صادق یاسین ممتاز) ج 4: 462
 جاسم (پدر شهید عبدالمهدی پیرحیاتی) ج 1: 421
 جاسم (پدر شهید محمدتقی عباسی) ج 3: 128
 جاسم احمدزاده ← احمدزاده، جاسم
 جاسم امامی ← امامی، جاسم
 جاسم یاسمی ← یاسمی، جاسمی
 جاسمی، اسحق (شهید) ج 1: 479
 جاسمی، جوزعلی (شهید) ج 1: 482، 484
 جالوت ج 1: 230، 623
 جان پری (مادر شهید جهانبخش زینی وند) ج 2: 383
 جانمه (مادر شهید ناصر علوی فیلی) ج 3: 203
 جاوید، رضا (شهید) ج 1: 489
 جبار (پدر شهید ستار کمالوند) ج 3: 457
 جبار کباری ← کباری، جبار
 جبار گل گلی ← گل گلی، جبار
 جبار نادعلی پور ← نادعلی پور، جبار
 جرایه، علی (شهید) ج 1: 494

- جمالی زاده، شیرزاد (شهید) ج 1: 517
 جم زاده، قنبر (شهید) ج 1: 512
 جمشید (پدر شهید امید حسینی) ج 1: 599
 جمعه (پدر شهید خسرو شادی) ج 2: 471
 جمعه (پدر شهید شیرزاد میری) ج 4: 192
 جمعه آفاق ← آفاق، جمعه
 جمیله (مادر شهید شهراد روشنی) ج 2: 358
 جمیله (مادر شهید عالیہ ذبیحی) ج 2: 234
 جمیله (مادر شهید عباسعلی ولی زاده) ج 4: 392
 جندی پور، محمد (شهید) ج 1: 520
 جهان (پدر شهید علی محمد جمال الدینی) ج 1: 507
 جهانبخش (پدر شهید محمدرضا یاری) ج 4: 436
 جهانبخش (پدر شهید یاسین حیدری) ج 2: 67
 جهانبخش زینبی وند ← زینبی وند، جهانبخش
 جهانبخش شریفی ← شریفی، جهانبخش
 جهانبخش عبدی ← عبدی، جهانبخش
 جهانشاه یاری ← یاری، جهانشاه
- جعفر (پدر شهید ابراهیم جهانی) ج 1: 529
 جعفر (پدر شهید اکبر حمانی) ج 2: 29
 جعفر (پدر شهید حسین احمدی) ج 1: 142
 جعفر (پدر شهید حمید بالوی زاده) ج 1: 299
 جعفر تام ← تام، جعفر
 جعفر چراغی ← چراغی، جعفر
 جعفر چناری ← چناری، جعفر
 جعفر طیار ج 1: 647، 652 ج 2: 656، 661 ج 3: 666، 661 ج 4: 513، 518
 جعفر کرمی ← کرمی، جعفر
 جعفر میرزا کرمی ← میرزا کرمی، جعفر
 جعفر میرزایی ← میرزایی، جعفر
 جعفر علی (پدر شهید شاولی میرزایی) ج 4: 177
 جعفر علی جعفری ← جعفری، جعفر علی
 جعفری، جعفر علی (شهید) ج 1: 502
 جعفری، یاسین (شهید) ج 1: 504
 جلال فرهادی ← فرهادی، جلال
 جلال نجفی ← نجفی، جلال
 جلیل رستمی ← رستمی، جلیل
 جمال بیگی ← بیگی، جمال
 جمال الدینی، علی محمد (شهید) ج 1: 507
 جمال بیگ (پدر شهید اسد عباسی) ج 3: 124

- جهانگیر (پدر شهید امیر آقایی) ج 1: 83
 جهانگیر (پدر شهید جهانبخش شریفی)
 ج 2: 510
 جهانی، ابراهیم (شهید) ج 1: 529
 جهانی، ناصر (شهید) ج 1: 532
 جهت (پدر شهید غلامرضا علیمرادی)
 ج 3: 247
 جهشی، احمد (شهید) ج 1: 540
 جواد کولیوند ← کولیوند، جواد
 جواد نیکنام ← نیکنام، جواد
 جواهر (مادر شهید حبیب‌الله کمری) ج 3:
 472
 جواهر (مادر شهید حسین ملک‌پور) ج 4:
 65
 جواهر (مادر شهید حیدر خلفی) ج 2:
 148
 جواهری، علی (شهید) ج 1: 524، 525
 جوزعلی (پدر شهید ایرج طاهری‌نسب)
 ج 3: 111
 جوزعلی جاسمی ← جاسمی، جوزعلی
 جوزیه (مادر شهید ملک‌علی دارایی) ج 2:
 182
 جوهر مرادی ← مرادی، جوهر
 جیانو (مادر شهید اسحق جاسمی) ج 1:
 479
 جیران (مادر شهید اسد عباسی) ج 3: 124
 جیران (مادر شهید رحمان بیگی) ج 1:
 373
 جیران (مادر شهید عبدالکریم نوروزی)
 ج 4: 298
 جیران (مادر شهید غضبان عوضی) ج 3:
 253
 جیران (مادر شهید فرمان یاری‌نژاد) ج 4:
 413
 جیران (مادر شهید محسن صفری) ج 3:
 67
 جیران (مادر شهید محمد کوهی) ج 3:
 496
 جیران (مادر شهید مختار دارایی) ج 2:
 174
 جیواد، رابع (شهید) ج 1: 544
 چراغ (پدر شهید جلال نجفی) ج 4: 230
 چراغی، جعفر (شهید) ج 1: 549، 552
 چرمه (مادر شهید احمد آواره) ج 1: 97
 چماچم، امیر (شهید) ج 1: 553
 چمران ج 1: 565، ج 2: 634 ج 3: 639
 ج 4: 491
 چم‌سورکی، علی‌نجات (شهید) ج 1: 560
 چناری، جعفر (شهید) ج 1: 563، 567
 چناری، حمزه (شهید) ج 1: 570، 573
 چنانیه (مادر شهید مصطفی عزت‌پناهی)
 ج 3: 165

حسن (پدر شهید محمدکریم حسینی)
ج 2: 24

حسن (پدر شهید نصرت الله
حاتمی شیروانی فرد) ج 1: 589

حسن استرون ← استرون، حسن

حسن باقری ← باقری، حسن

حسن کریم بیگی ← کریم بیگی، حسن

حسن ناصری ← ناصری، حسن

حسن نظری ← نظری، حسن

حسن بگ (پدر شهید حیدر خلفی) ج 2:
148

حسن بگ (پدر شهید علیرضا فتحی زاده)
ج 3: 287

حسنه (مادر شهید یدالله نوری) ج 4: 321

حسین (پدر شهید حبیب الله نوری) ج 4:
306

حسین (پدر شهید حسن ناصری) ج 4:
224

حسین (پدر شهید سایه حسینی پور) ج 1:
597

حسین (پدر شهید عباس نوری) ج 4:
309

حسین (پدر شهید علی بندمه) ج 1: 344

حسین (پدر شهید محسن صفری) ج 3:
67

حسین (پدر شهید محمد پرکاسی) ج 1:
398

چهارشنبه (پدر شهید نعمت الله صادقی)
ج 2: 620

چهارشنبه (پدر شهید یارمحمد پیروزی)
ج 1: 428

چوپا (پدر شهید مزبان حیدرزاده) ج 2:
47

حاتم (پدر شهید میرزا مرادی طولابی)
ج 3: 617

حاتمی، بروز (شهید) ج 1: 576

حاتمی، کریم (شهید) ج 1: 580

حاتمی، نادر (شهید) ج 1: 584, 585,
592

حاتمی شیروانی فرد، نصرت الله (شهید)
ج 1: 589

حاجی باقری ← باقری، حاجی

حاجی عباس (پدر شهید) ج 1: 91

حافظ ج 1: 362 ج 3: 170, 171

حبیب الله کمری ← کمری، حبیب الله

حبیب الله نوری ← نوری، حبیب الله

حجت الله برتنی ← برتنی، حجت الله

حجت الله جابری ← جابری، حجت الله

حجت الله گوهری ← گوهری، حجت الله

حرمی، نعمت الله (شهید) ج 1: 594

حسن (پدر شهید رحمان رامشک) ج 2:
240

حسن (پدر شهید رضا احسانی فر) ج 1:
128

- حسین (پدر شهید محمد حیدری) ج 2: 64
 حسین احمدی ← احمدی، حسین
 حسین خدادادی ← خدادادی، حسین
 حسین محمد حسینی ← محمد حسینی، حسین
 حسین ملکی ← ملکی، حسین
 حسین ولی زاده ← ولی زاده، حسین
 حسینعلی (پدر شهید صیدرستم نادی) ج 4: 212
 حسین ملک پور ← ملک پور، حسین
 حسینی، امید (شهید) ج 1: 599، 601
 حسینی، رحمان (شهید) ج 1: 604، 606
 حسینی، سیدعلی (شهید) ج 2: 15
 حسینی، سید موسی (شهید) ج 1: 608، 611
 حسینی، فرج (شهید) ج 2: 21
 حسینی، محمد کریم (شهید) ج 2: 24، 26
 حسینی پور، سایه (شهید) ج 1: 597
 حشمت الله نقی زاده ← نقی زاده، حشمت الله
 حضرت ابوالفضل (ع) ج 3: 167 ج 4: 61
 حضرت ام کلثوم (س) ج 1: 618، 652
 ج 2: 627، 661 ج 3: 632، 666 ج 4: 484، 518
 حضرت رقیه (س) ج 1: 636 ج 2: 645
 ج 3: 650 ج 4: 502
 حضرت زهرا (س) ج 1: 24
 حضرت زهرا (س) ج 1: 301، 326، 400، 403، 414، 416، 426، 432، 468، 469، 514، 516، 626، 650، 651، 652 ج 2: 22، 25، 59، 60، 79، 80، 635، 659، 660، 661 ج 3: 18، 46، 60، 63، 70، 126، 135، 200، 201، 640، 664، 665، 666
 ج 4: 61، 117، 492، 516، 517، 518
 حضرت زینب (س) ج 1: 271، 283، 285، 460، 514، 598، 636، 647، 648 ج 2: 24، 25، 68، 89 ج 2: 645، 656، 657، 661 ج 3: 20، 34، 36، 40، 102، 104، 135، 189، 190، 191، 193 ج 3: 650، 661، 662 ج 4: 54، 60، 110، 502، 513، 514
 حضرت زینب (س) ج 1: 24، 460، 514
 حضرت سلیمانی ← سلیمانی، حضرت
 حضرت عباس (ع) ج 1: 431، 432
 حضرت علی (ع) ← امام علی (ع)
 حضرت علی اصغر (ع) ج 1: 629 ج 2: 59، 638 ج 3: 643 ج 4: 495
 حضرت علی اکبر (ع) ج 1: 293، 294، 630 ج 2: 88، 639
 حضرت فاطمه (س) ج 1: 540، 541، 618 ج 2: 72، 627 ج 3: 104، 632 ج 4: 104، 110، 484
 حضرت محمد (ص) ← پیامبر اکرم (ص)
 حضرت مهدی (ع) ج 1: 390

حمیده (مادر شهید نجم‌الدین زمانی) ج 2: 378

حمیلا (مادر شهید رضا جاوید) ج 1: 489
حوری (مادر شهید شمس‌الدین ملایی) ج 4: 57

حیات سروری ← سروری، حیات
حیات طهماسبی ← طهماسبی، حیات
حیاتی، علی (شهید) ج 2: 39، 43

حیدر (پدر شهید ابراهیم حیدری) ج 2: 52

حیدر (پدر شهید شهبسوار سلطانی) ج 2: 431

حیدر (پدر شهید علی‌حسین مهدوی) ج 4: 115

حیدر (پدر شهید علی‌عباس غفاریا) ج 3: 261

حیدر (پدر شهید منصور ملک‌احمدی) ج 4: 62

حیدر (پدر شهید همت یکسان) ج 4: 470

حیدر خلفی ← خلفی، حیدر
حیدر کاکلی ← کاکلی، حیدر

حیدرزاده، مزبان (شهید) ج 2: 47، 49
حیدری، ابراهیم (شهید) ج 2: 52

حیدری، سلمان (شهید) ج 2: 55
حیدری، صالح (شهید) ج 2: 58

حیدری، محمد (شهید) ج 2: 64

حضرت مهدی (ع) ← امام زمان (ع)
حمانی، اکبر (شهید) ج 2: 29

حمدالله (پدر شهید مهرعلی حمدی) ج 2: 35

حمدالله یاری ← یاری، حمدالله

حمدی، مهرعلی (شهید) ج 2: 35

حمدیه (مادر شهید علی‌احمد علی‌محمدی) ج 3: 242

حمدیه (مادر شهید یوسف آبروشن) ج 1: 36

حمزه چناری ← چناری، حمزه

حمزه روشنی ← روشنی، حمزه

حمید (پدر شهید حیات سروری) ج 2: 423

حمید بالوی‌زاده ← بالوی‌زاده، حمید

حمید رضانی ← رضانی، حمید

حمید مرادی ← مرادی، حمید

حمیدرضا دستگیر ← دستگیر، حمیدرضا

حمیدرضا صحرایی ← صحرایی، حمیدرضا

حمیده (مادر شهید بشیر داودیان) ج 2: 191

حمیده (مادر شهید ستار کمالوند) ج 3: 457

حمیده (مادر شهید محمدحسین خدادادی) ج 2: 122

حیدری، یاسین (شهید) ج 2: 67	خانم جان (مادر شهید موسی ملکی) ج 4:
حیدری‌زادی، رضا (شهید) ج 2: 71, 73	96
حیران (مادر شهید امیر آقایی) ج 1: 83	خانی، علیداد (شهید) ج 2: 112
حیران (مادر شهید جلیل رستمی) ج 2:	خاور (مادر شهید حسین ولی‌زاده) ج 4:
270	396
خاتون (مادر شهید سلمان بارانی) ج 1:	خاور (مادر شهید عبدالرضا دارابی‌فر)
260	ج 2: 177
خاتون (مادر شهید عزیزالله پورمند) ج 1:	خاور (مادر شهید علیرضا فتحی‌زاده)
412	ج 3: 287
خاک‌بیمار، الله‌حسین (شهید) ج 2: 76	خاور (مادر شهید کریم برگی) ج 1: 325
خالدی، غلامرضا (شهید) ج 2: 79, 81	خاور (مادر شهید موسی کمری) ج 3:
خامنه‌ای، آیت‌الله ج 1: 9, 373, 375, 630	475
ج 2: 58, 59, 639 ج 3: 644 ج 4: 496	خاور (مادر شهید نصرالله باقری) ج 1:
خان بانو (مادر شهید جعفرعلی جعفری)	293
ج 1: 502	خدابخش (پدر شهید جلیل رستمی) ج 2:
خانزادی، علی (شهید) ج 2: 86, 95	270
خانعلی (پدر شهید لطفعلی مرادحاصلی)	خدابخش (پدر شهید علی رضانی) ج 2:
ج 3: 605	326
خانلری، مسعود (شهید) ج 2: 106	خدابخش رضایی ← رضایی، خدابخش
خانم (مادر شهید احمد اسدنی) ج 1: 165	خدابس (مادر شهید احمد نوری) ج 4:
خانم (مادر شهید عباس رضایی) ج 2:	300
299	خدابس (مادر شهید صباح احمدسوزه)
خانم (مادر شهید علیداد دانشگر) ج 2:	ج 1: 137
184	خدابس (مادر شهید علی مؤمنی) ج 4:
خانم جان (مادر شهید محمد محمدی)	159
ج 3: 583	خدابس (مادر شهید مهدی بانقلائی) ج 1:
	303

خلف (پدر شهید حسین ولی زاده) ج 4:
396

خلفی، حیدر (شهید) ج 2: 148

خلفی، عبدالسلام (شهید) ج 2: 152

خلیل آقایی ← آقایی، خلیل

خلیل قاسمی ← قاسمی، خلیل

خورشیدخان (پدر شهید نجات محسنی)
ج 3: 558

خورشیدی، علی نقی (شهید) ج 2: 155

خوز، عباس (شهید) ج 2: 158

خوزستانی، مجید (شهید) ج 2: 161، 163

خوشیار (پدر شهید رضا جاوید) ج 1:
489

خیرالله (پدر شهید رحمان راسخی) ج 2:
237

خیرالله سیدی ← سیدی، خیرالله

خیرالله مهدوی ← مهدوی، خیرالله

خیربانو (مادر شهید بابا رضایی) ج 2:
287

خیربانو (مادر شهید عزت الله رحمانی)
ج 2: 244

خیره (مادر شهید احمد صیدی) ج 3:
108

خیره (مادر شهید صادق پورزند) ج 1:
402

خیری، نادر (شهید) ج 2: 164، 166

خداداد (پدر شهید اسدالله مرادی) ج 4:
15

خدادادی، حسین (شهید) ج 2: 115

خدادادی، محمدحسین (شهید) ج 2: 122

خداره خانم (مادر شهید یاسین جعفری)
ج 1: 504

خداکرم (پدر شهید علی دوستان نژاد)
ج 2: 224

خدامراد (پدر شهید عباس صیدمرادی)
ج 3: 102

خدامراد (پدر شهید یدالله محمدی) ج 3:
601

خدامراد سلیمانی ← سلیمانی، خدامراد

خدایاری، محمدرضا (شهید) ج 2: 125،
128

خدایاری، محمدطاهر (شهید) ج 2: 131

خدایاری، محمدولی (شهید) ج 2: 134

خدایچه (مادر شهید جاسم یاسمی) ج 4:
456

خدایچه (مادر شهید علی بارانی) ج 1:
264

خدایچه (مادر شهید علیمرد مهرداد) ج 4:
127

خزلی، سلیمان (شهید) ج 2: 140

خزلی، عبدالجواد (شهید) ج 2: 145

خسرو شادی ← شادی، خسرو

خیریه (مادر شهید علیرضا رضایی) ج 2:	307	درویش (پدر شهید علیداد دانشگر) ج 2:	184
خیزران (مادر شهید ابراهیم دارابی) ج 2:	169	درویش‌نیا، صیدحسین (شهید) ج 2: 199،	201
خیزران (مادر شهید مراد صفری) ج 3: 73		دستغیب، سیدمحمد تقی (آیت‌الله) ج 1:	24، 633، 643 ج 2: 642، 652 ج 3:
داراب (پدر شهید نجات عزیزی) ج 3:	187	647، 657 ج 4: 499، 509	
دارابی، ابراهیم (شهید) ج 2: 171، 169		دستگیر، حمیدرضا (شهید) ج 2: 204،	206
دارابی، مختار (شهید) ج 2: 174		دشتیار، سعدالله (شهید) ج 2: 209، 212	
دارابی‌فر، عبدالرضا (شهید) ج 2: 177		دشتی‌پور، ماشاءالله (شهید) ج 2: 216	
دارایی، ملک‌علی (شهید) ج 2: 182، 183		دلاوری، قدرت (شهید) ج 2: 218	
داربلوط (پدر شهید محمدرضا خدایاری)		دلبر (مادر شهید حسین خدادادی) ج 2:	115
ج 2: 125		دلفی، فریدون (شهید) ج 2: 220	
داربلوط (پدر شهید محمودولی خدایاری)		دوستان‌نژاد، علی (شهید) ج 2: 224	
ج 2: 134		دوستی، محمدعلی (شهید) ج 2: 227	
دانشگر، علیداد (شهید) ج 2: 184، 186		دولت (مادر شهید جاسم امامی) ج 1: 225	
دانه‌انار (مادر شهید علی رضایی) ج 2:	302	دیده‌دار، علیرضا (شهید) ج 2: 231، 232	
داود (پدر شهید ایلگه رستمی) ج 2: 265		ذبیحی، عالیه (شهید) ج 2: 234	
داود (پدر شهید بشیر داودیان) ج 2: 191		ذوالفقار (پدر شهید سیدباقر یزدانی‌نیا)	ج 4: 465
داودیان، بشیر (شهید) ج 2: 191		ذوالفقار روزفراخ ← روزفراخ، ذوالفقار	
داوری، شیرمحمد (شهید) ج 2: 194		رابع جیواد ← جیواد، رابع	
دراب (پدر شهید نجف عزیززاده) ج 3:	170	راجبه (مادر شهید علی حیاتی) ج 2: 39	
دردی (پدر شهید مصطفی زرین‌جو) ج 2:	371	راسخی، رحمان (شهید) ج 2: 237	

رحیمی پور، صفرعلی (شهید) ج 2: 260
 رحیمی مقدم، تقی (شهید) ج 2: 262
 رزاق زاده، امیر ج 1: 12 ج 2: 12 ج 3:
 12 ج 4: 12
 رستم (پدر شهید احمد صیدی) ج 3: 108
 رستم ایملکی ← ایملکی، رستم
 رستمی، ایلگه (شهید) ج 2: 265
 رستمی، جلیل (شهید) ج 2: 270
 رستمی، مرتضی (شهید) ج 2: 273
 رسن (پدر شهید مرتضی رستمی) ج 2:
 273
 رسول اکرم ← پیامبر اکرم (ص)
 رسول خدا ← پیامبر
 رسولوندی، اسدالله (شهید) ج 2: 276
 رشید عزیزی ← عزیزی، رشید
 رشیدی، مهدی (شهید) ج 2: 281، 283
 رضا (پدر شهید شیرزاد نظری زلانی) ج 4:
 251
 رضا (پدر شهید غلامرضا زینی وند) ج 2:
 389
 رضا احسانی فر ← احسانی فر، رضا
 رضا اسدی ← اسدی، رضا
 رضا جاوی ← جاوید، رضا
 رضا حیدری زادی ← حیدری زادی، رضا
 رضا رهپور ← رهپور، رضا
 رضا شریفی ← شریفی، رضا

راضیه (مادر شهید علیرضا آذرپیرا) ج 1:
 49
 رامشک، رحمان (شهید) ج 2: 240، 242
 ربابه (مادر شهید صادق یاسین ممتاز) ج 4:
 462
 ربابه (مادر شهید علی سجادی) ج 2: 411
 رجایی ج 1: 24، 621، 635 ج 2: 630،
 644 ج 3: 635، 649 ج 4: 487، 501
 رحمان (پدر شهید فرمان یاری نژاد) ج 4:
 413
 رحمان بیگی ← بیگی، رحمان
 رحمان تاراج نسب ← تاراج نسب، رحمان
 رحمان حسینی ← حسینی، رحمان
 رحمان راسخی ← راسخی، رحمان
 رحمان رامشک ← رامشک، رحمان
 رحمان رضایی ← رضایی، رحمان
 رحمان مرادی ← مرادی، رحمان
 رحمانی، عزت الله (شهید) ج 2: 244
 رحمانی زاده، سیدعلی (شهید) ج 2: 249
 رحمت (پدر شهید احمد نوری) ج 4:
 300
 رحمت الله ابراهیمی ← ابراهیمی،
 رحمت الله
 رحیم (پدر شهید ابراهیم صادقی) ج 2:
 609
 رحیمی، قاسم (شهید) ج 2: 253
 رحیمی، مجید (شهید) ج 2: 256، 258

- رضاشاه ج 1: 658 ج 2: 667 ج 3: 672
ج 4: 524
- روح‌الله (پدر شهید محمدرضا لطفی) ج 3:
529
- روح‌الله (پدر شهید مهرداد هاشمی) ج 4:
343
- روح‌الله شنبه‌ای ← شنبه‌ای، روح‌الله
روح‌الله فردیس ← فردیس، روح‌الله
روحی، علی عباس (شهید) ج 2: 335
روزفراخ، ذوالفقار (شهید) ج 2: 338
روشنی، حمزه (شهید) ج 2: 344، 346
350
- روشنی، شهراد (شهید) ج 2: 358، 360
روضان (پدر شهید احمد صادقی) ج 2:
612
- ریحان (مادر شهید حسین ملکی) ج 4:
68
- ریحان (مادر شهید خلیل قاسمی) ج 3:
310
- ریحان (مادر شهید علی جواهری) ج 1:
524
- ریحان (مادر شهید قنبر جم‌زاده) ج 1:
512
- ریحان (مادر شهید گودرز فتاحی) ج 3:
277
- ریگان ج 1: 638
- زییده (مادر شهید الله‌کرم شامحمدی)
ج 2: 472
- رضایتی، قنبرعلی (شهید) ج 2: 284
رضایی، بابا (شهید) ج 2: 287، 289
رضایی، خدابخش (شهید) ج 2: 290
رضایی، رحمان (شهید) ج 2: 296
رضایی، عباس (شهید) ج 2: 299، 300
رضایی، علی (شهید) ج 2: 302
رضایی، علیرضا (شهید) ج 2: 307
رفیعی، عزت‌الله (شهید) ج 2: 310، 312
رقیه (مادر شهید جعفر کرمی) ج 3: 410
رقیه (مادر شهید عظیم نارنجی) ج 4: 217
رقیه (مادر شهید یدالله محمدی) ج 3:
601
- رمضان زینی‌وندمقدم ← زینی‌وندمقدم،
رمضان
رمضان مرادخانی ← مرادخانی، رمضان
رمضان همت‌علی ← همت‌علی، رمضان
رمضانی، اسدالله (شهید) ج 2: 314، 316
رمضانی، حمید (شهید) ج 2: 319
رمضانی، علی (شهید) ج 2: 326، 328
رهبر کیسر ج 1: 284، 385، 390، 403
ج 2: 40 ج 3: 35، 240، 243
رهپور، رضا (شهید) ج 2: 363
روح‌الله ج 1: 271، 364 ج 2: 72 ج 4:
149، 150

زنوبه (مادر شهید محمود مرادی) ج 4:	39	زبیده (مادر شهید علی اکبر کرمی) ج 3:	415
زنوبه (مادر شهید علی علیزاده) ج 3: 225		زبیده (مادر شهید علی مردان کریمی) ج 3:	442
زهرا (مادر شهید آیت الله اسدی) ج 1:	170	زبیده (مادر شهید یارالله شامحمدی) ج 2:	480
زهرا (مادر شهید حیات سروری) ج 2:	423	زرافشان (مادر شهید شیرمراد شمسی) ج 2: 560	
زهرا (مادر شهید سامی تورتیز) ج 1: 454		زره الوار، محمد (شهید) ج 2: 368, 366	
زهرا (مادر شهید عبدالله سعیدنژاد) ج 2:	426	زرین (مادر شهید پرویز نوروزی) ج 4:	293
زهرا (مادر شهید عیسی سیاهی) ج 2:	457	زرین (مادر شهید علی صفری) ج 3: 50	
زهرا (مادر شهید مرتضی رستمی) ج 2:	273	زرین تاج (مادر شهید حسن باقری) ج 1:	283
زینب (مادر شهید ابراهیم صادقی) ج 2:	609	زرین جویی، مصطفی (شهید) ج 2: 371	375
زینب (مادر شهید جلال فرهادی) ج 3:	303	زکیه (مادر شهید حمید بالوی زاده) ج 1:	299
زینب (مادر شهید سلیمان خزلی) ج 2:	140	زکیه (مادر شهید نورالدین موسی) ج 4:	149
زینب (مادر شهید صادق شریفی) ج 2:	522	زلیخا (مادر شهید جعفر میرزایی) ج 4:	172
زینب (مادر شهید علی عباس روحی) ج 2: 335		زمانی، نجم الدین (شهید) ج 2: 379, 378	
زینب (مادر شهید علی محمد صفری) ج 3: 60		زنگنه، عمران (شهید) ج 2: 381	
		زنوبه (مادر شهید صید علی اخزری) ج 1:	151

- زینب (مادر شهید علی‌نظر صیدبیگیان) ج 3: 76
 سبزی (پدر شهید اسماعیل جابری) ج 1: 459
- زینب (مادر شهید محمدتقی عباسی) ج 3: 128
 ستار عبدالی ← عبدالی، ستار
- زینب (مادر شهید محمود عباسی) ج 3: 133
 ستار کمالوند ← کمالوند، ستار
- زینب (مادر شهید موسی باولگ‌زاده) ج 1: 309
 ستاره (مادر شهید عبدالله محسنی) ج 3: 554
- زینب (مادر شهید نعمت‌الله شیری) ج 2: 605
 ستاره (مادر شهید نامخاص علیزاده) ج 3: 233
- زینب (مادر شهید یوسف نظری) ج 4: 269
 سجادی، علی (شهید) ج 2: 411
- زینت (مادر شهید سعادت‌الله پدرام‌فر) ج 1: 386
 سحر (مادر شهید احمد یارمحمدی) ج 4: 408
- زینی‌وند، جهانبخش (شهید) ج 2: 383
 سحر (مادر شهید تقی رحیمی مقدم) ج 2: 262
- زینی‌وند، غلامرضا (شهید) ج 2: 389
 سحر (مادر شهید شیرمحمد داوری) ج 2: 194
- زینی‌وندمقدم، توکل (شهید) ج 2: 402
 سحر (مادر شهید عجم ملکی) ج 4: 81
- زینی‌وندمقدم، رمضان (شهید) ج 2: 397
 سحر (مادر شهید مهدی موسی‌زاده) ج 4: 153
- زینی‌وندی، احمد (شهید) ج 2: 407, 405
 سحرخانم (مادر شهید محمدیار مرادی) ج 4: 36
- زیور (مادر شهید جعفر میرزاکرمی) ج 4: 167
 سرآهنگ، علی محمد (شهید) ج 2: 418
- سایه تورتیز ← تورتیز، سامی
 سرحد عبداللهی ← عبداللهی، سرحد
- سایه حسینی‌پور ← حسینی‌پور، سایه
 سردار (پدر شهید محسن قاسمی) ج 3: 316
- سبزخدا (پدر شهید سهراب یاری) ج 4: 429

سکینه (مادر شهید عیسی آستوی) ج 1:
53

سکینه (مادر شهید محمدطاهر خداپاری)
ج 2: 131

سلطان (مادر شهید رضا حیدری زادی)
ج 2: 71

سلطان (مادر شهید غلام کایدخوره) ج 3:
394

سلطان (مادر شهید کشمند شریفی) ج 2:
536

سلطان (مادر شهید ملا فرجی) ج 3: 291
سلطانی، شهنسوار (شهید) ج 2: 431

سلطنت (مادر شهید خدامراد سلیمانی)
ج 2: 442

سلطنت (مادر شهید عظیم ماهی گیر) ج 3:
537

سلطنت (مادر شهید محمدرضا
اسفندیاری) ج 1: 178

سلطنت خانم (مادر شهید محمد قبادیان)
ج 3: 331

سلمان (پدر شهید موسی کمری) ج 3:
475

سلمان بارانی ← بارانی، سلمان

سلمان حیدری ← حیدری، سلمان

سلیم (پدر شهید عباسعلی سلیمی) ج 2:
454

سردار بک (پدر شهید کریم برگی) ج 1:
325

سروری، حیات (شهید) ج 2: 423

سعدالله پدرام فر ← پدرام فر، سعدالله

سعدالله دشتیار ← دشتیار، سعدالله

سعدالله قیصر بیگی ← قیصر بیگی، سعدالله

سعدی ج 1: 614 ج 2: 623 ج 3: 628
ج 4: 480

سعید عبدی ← عبدی، سعید

سعید یارمحمدی ← یارمحمدی، سعید

سعید نژاد، عبدالله (شهید) ج 2: 426، 428

سکینه (مادر شهید احمد جهشی) ج 1:
540

سکینه (مادر شهید اکبر حمانی) ج 2: 29

سکینه (مادر شهید رحمان تاراج نسب)
ج 1: 431

سکینه (مادر شهید شریف علی حسینی)
ج 3: 214

سکینه (مادر شهید شیرزاد نظری زلانی)
ج 4: 251

سکینه (مادر شهید شیرمحمد اعتقادی)
ج 1: 196

سکینه (مادر شهید علی بیگزاده) ج 1:
349

سکینه (مادر شهید علی مراد مهربان زاده)
ج 3: 540

- سلیم (پدر شهید نورالدین موسی) ج 4: 149
 سلیمان (پدر شهید رحمان حسینی) ج 1: 604
 سلیمان خزلی ← خزلی، سلیمان
 سلیمان دوست، مراد (شهید) ج 2: 435
 سلیمانی، حضرت (شهید) ج 2: 438
 440
 سلیمانی، خدامراد (شهید) ج 2: 442
 سلیمانی، صفر (شهید) ج 2: 444
 سلیمانی، علی (شهید) ج 2: 448
 سلیمانیان، علی محمد (شهید) ج 2: 451
 سلیم بگ (پدر شهید غلام ملاحی) ج 4: 52
 سلیمی، عباسعلی (شهید) ج 2: 454
 سمن گل (مادر شهید حمیدرضا صحرايي) ج 3: 15
 سمین (پدر شهید علی خانزادی) ج 2: 86
 سنگین طلا (مادر شهید غلامحسین محمدی) ج 3: 580
 سنگینه (مادر شهید شیرزاد جمالی زاده) ج 1: 517
 سهراب (پدر شهید علی اشرف نعمتی) ج 4: 274
 سهراب (پدر شهید لطیف نصراللهی) ج 4: 243
 سهراب یاری ← یاری، سهراب
- سهیم (پدر شهید علی حیاتی) ج 2: 39
 سوخته زار (پدر شهید علی جرایه) ج 1: 494
 سوسن (مادر شهید علیرضا دیده دار) ج 2: 231
 سیاهی، عیسی (شهید) ج 2: 457 459
 سیدابراهیم موسوی ← موسوی، سیدابراهیم
 سیدالشهدا ← امام حسین (ع)
 سیدالماس (پدر شهید خیرالله سیدی) ج 2: 462
 سیدامیدعلی موسوی پشتکوهی ← موسوی پشتکوهی، سیدامیدعلی
 سیدباقر یزدانی نیا ← یزدانی نیا، باقر
 سیدرستم (پدر شهید سیدابراهیم موسوی) ج 4: 146
 سیدرضا (پدر شهید حسین ملک‌پور) ج 4: 65
 سیدرضا (پدر شهید سیدامیدعلی موسوی پشتکوهی) ج 4: 131
 سیدسلیمان (پدر شهید سیدعلی حسینی) ج 2: 15
 سیدعبدالله (پدر شهید سید محمود موسوی) ج 4: 140
 سیدعلی حسینی ← حسینی، سیدعلی
 سیدعلی رحمانی زاده ← رحمانی زاده، سیدعلی

سیما (مادر شهید غلامرضا علیمرادی)
ج 3: 247

سیما (مادر شهید فرج الله نوریان) ج 4:
329

سیما (مادر شهید یاسین حیدری) ج 2:
67

سیماخانم (مادر شهید محمد کرمی) ج 3:
420

شاپری (مادر شهید جعفر تام) ج 1: 435
شاپری (مادر شهید صفرعلی رحیمی پور)
ج 2: 260

شادی، خسرو (شهید) ج 2: 471
شاصنم (مادر شهید همت یکسان) ج 4:
470

شامحمدی، الله کرم (شهید) ج 2: 477
شامحمدی، یارالله (شهید) ج 2: 480

شاه حسن ج 1: 229
شاهبانو (مادر شهید علی نجات
چم سورکی) ج 1: 560

شاه پسند (مادر شهید ابراهیم کاظمی)
ج 3: 374

شاه دولت (مادر شهید رمضان زینی وند
مقدم) ج 2: 397

شاهزاده (مادر شهید مهرداد هاشمی) ج 4:
343

شاهزنان (مادر شهید جوهر مرادی) ج 4:
19

سیدغلام (پدر شهید سیدعلی
رحمانی زاده) ج 2: 249

سید محمود موسوی ← موسوی،
سید محمود

سید مراد (پدر شهید شیر مراد شمسی)
ج 2: 560

سید مرتضی (پدر شهید بروز کرمی) ج 3:
406

سید موسی حسینی ← حسینی، سید موسی
سید نورالدین (پدر شهید سید موسی
حسینی) ج 1: 608

سیده خدیجه (مادر شهید جلال نجفی)
ج 4: 230

سیدی، خیرالله (شهید) ج 2: 462
سیزعلی (پدر شهید جوزعلی جاسمی)
ج 1: 482

سیف الله شفیعی ← شفیعی، سیف الله
سیفعلی (پدر شهید جهانبخش زینی وند)
ج 2: 383

سیفعلی (پدر شهید عبدالجواد خزلی)
ج 2: 145

سیکانی، میرحسین (شهید) ج 2: 466
سیما (مادر شهید جعفر چراغی) ج 1:
549

سیما (مادر شهید علی حسین ابراهیمی)
ج 1: 109

- شاه‌زنان (مادر شهید عمران زنگنه) ج 2: 381
 شربتبی (مادر شهید ذوالفقار روزفراخ) ج 2: 338
- شاه‌زنان (مادر شهید محمدرضا کاظمی) ج 3: 377
 شربتبی (مادر شهید عباس خوز) ج 2: 158
- شاهمراد (پدر شهید اللهیار محسنی) ج 3: 550
 شربتبی (مادر شهید ناصر جهانی) ج 1: 532
- شاهمرادی، مرتضی (شهید) ج 2: 484
 شریف (پدر شهید مصطفی عزت‌پناهی) ج 3: 165
- شاه‌منصور (پدر شهید محمود پیرنیا) ج 1: 424
 شریف‌علی حسینی ← علی حسینی، شریف
- شاه‌ولی (پدر شهید محمد کرمی) ج 3: 420
 شریف‌زادی، احمد (شهید) ج 2: 496
- شاهی (مادر شهید حیدر کاکلی) ج 3: 433
 شریفی، احمد (شهید) ج 2: 500, 503
- شاهی خانم (مادر شهید محمد شیرزادی) ج 2: 577
 شریفی، جهانبخش (شهید) ج 2: 510
- شاهی‌طلا (مادر شهید احمد شریف‌زادی) ج 2: 496
 شریفی، رضا (شهید) ج 2: 513, 515
- شاهین نامدار ← نامدار، شاهین
 شاهین، نامدار (شهید) ج 2: 489, 490
- شاولی میرزایی ← میرزایی، شاولی
 شاولی (پدر شهید عبدالنبی علوانی) ج 3: 200
- شربتبی (مادر شهید امیدعلی اسماعیلی) ج 1: 187
 شریفی، فرهاد (شهید) ج 2: 533
- شربتبی (مادر شهید حسن استرون) ج 1: 162
 شریفی، کشمند (شهید) ج 2: 536
- شکر (پدر شهید ابراهیم دارابی) ج 2: 169
 شرفیعی، علیمرد (شهید) ج 2: 539
- شفیع (پدر شهید علیرضا آذرپیرا) ج 1: 49
 شفیع، سیف‌الله (شهید) ج 2: 548

شهربانو (مادر شهید یارمحمد صحرائی)
ج 3: 44

شهبسوار (پدر شهید سیف‌الله شفیع)
ج 2: 548

شهبسوار سلطانی ← سلطانی، شهبسوار
شهمراد روشنی ← روشنی، شهمراد
شوقعلی (پدر شهید خلیل قاسمی) ج 3:
310

شوکت (مادر شهید جهان‌شاه یاری) ج 4:
418

شوکت (مادر شهید عبادالله همتی) ج 4:
350

شوکت (مادر شهید یحیی یاری) ج 4:
449

شوکت محمدزاده ← محمدزاده، شوکت
شیخ‌امیر شریفی ← شریفی، شیخ‌امیر
شیخ‌حسین (پدر شهید رستم ایمکی) ج 1:
254

شیخ‌طهماسب (پدر شهید نعمت‌الله
جابری) ج 1: 474

شیخ‌عباس (پدر شهید پرویز نوروزی)
ج 4: 293

شیخ‌عباس (پدر شهید محمد محمدی)
ج 3: 583

شیخ‌محمدی، امین (شهید) ج 2: 574
شیخه (پدر شهید الیاس ملکی) ج 4: 87

شکرعلی (پدر شهید محمدرضا قربانی)
ج 3: 334

شکری، مصطفی (شهید) ج 2: 553
شمس‌الدین ملایی ← ملایی، شمس‌الدین
شمس‌الله (پدر شهید اسدالله رسولوندی)
ج 2: 276

شمس‌الله (پدر شهید حجت‌الله گوهری)
ج 3: 506

شمسی، شیرمراد (شهید) ج 2: 560
شمسیه (مادر شهید قهرمان مهدی‌زاده)
ج 4: 120

شمسیه (مادر شهید مرتضی شاهمرادی)
ج 2: 484

شنبه‌ای، روح‌الله (شهید) ج 2: 566
شهباز (پدر شهید حمزه روشنی) ج 2:
344

شهباز (پدر شهید رشید عزیززی) ج 3:
173

شهبازی، هادی (شهید) ج 2: 569
شهربانو (مادر شهید علی جرایه) ج 1:
494

شهربانو (مادر شهید علیرضا مرادخانی)
ج 3: 614

شهربانو (مادر شهید علی محمد صحرائی)
ج 3: 34

شهربانو (مادر شهید مجید خوزستانی)
ج 2: 161

- شیخه (پدر شهید علی نقی خورشیدی) ج:2 155
- صاحب‌خانم (مادر شهید رضا رهپور) ج:2 363
- شیخه (پدر شهید کرم بیگی) ج:1 378
- صادق (پدر شهید یوسف نظری) ج:4 269
- شیرزاد جمالی‌زاده ← جمالی‌زاده، شیرزاد شیرزاد میری ← میری، شیرزاد شیرزاد نظری‌زلانی ← نظری‌زلانی، شیرزاد شیرزاد محمد (شهید) ج:2 577
- صادق اخلاوه ← اخلاوه، صادق صادق پورزند ← پورزند، صادق صادق شریفی ← شریفی، صادق صادق صیدکرمی ← صیدکرمی، صادق صادق یاسین ممتاز ← یاسین ممتاز، صادق
- شیرکول، مهدی (شهید) ج:2 582
- شیرمحمد (پدر شهید احمد یارمحمدی) ج:4 408
- صادقی، ابراهیم (شهید) ج:2 609
- شیرمحمد (پدر شهید نارنج اعتقادی) ج:1 208
- صادقی، احمد (شهید) ج:2 612، 614
- صادقی، علی محمد (شهید) ج:2 617
- صادقی، نعمت‌الله (شهید) ج:2 620
- شیرمحمد اعتقادی ← اعتقادی، شیرمحمد شیرمحمد داوری ← داوری، شیرمحمد شیرمراد شمسی ← شمسی، شیرمراد شیرین (مادر شهید سیدعلی رحمانی‌زاده) ج:2 249
- صالح (پدر شهید عبدالرسول وحیدنیا) ج:4 375
- شیری، نعمت‌الله (شهید) ج:2 605
- صالح (پدر شهید علیمرد شعبانی) ج:2 539
- صالح حیدری ← حیدری، صالح صباح احمدسوزه ← احمدسوزه، صباح صبیحه (مادر شهید عبدالسلام خلفی) ج:2 152
- صالح حیدری (پدر شهید رضا حیدری‌زادی) ج:2 71
- صاحب (مادر شهید ابراهیم جهانی) ج:1 529
- صاحب (مادر شهید جوزعلی جاسمی) ج:1 482
- صاحب (مادر شهید سرحد عبداللهی) ج:3 145
- صاحب (مادر شهید مهدی لطفی) ج:3 532

صفرعلی رحیمی پور ← رحیمی پور،
صفرعلی

صفری، علی (شهید) ج 3: 50

صفری، علی محمد (شهید) ج 3: 60

صفری، محسن (شهید) ج 3: 67

صفری، مراد (شهید) ج 3: 73

صنم (مادر شهید) ج 1: 91

صنم (مادر شهید غضبان مزید) ج 4: 42

صنم (مادر شهید هادی کرمشاهی) ج 3:

402

صنم بر (مادر شهید قیصر مؤمنی) ج 4:

162

صورت (مادر شهید سعید عبدی) ج 3:

153

صورت (مادر شهید عزیز اکبری) ج 1:

215

صیداحمد (پدر شهید علی محمد صفری)

ج 3: 60

صیداحمد (پدر شهید غلامحسین

محمدی) ج 3: 580

صیداحمد (پدر شهید نورمحمد قربانی)

ج 3: 343

صیدبیگیان، علی نظر (شهید) ج 3: 76

صیدجعفر (پدر شهید حسن نظری) ج 4:

256

صیدجعفر (پدر شهید مستعلی قاسمی)

ج 3: 321

صحرابگ (پدر شهید نورعلی یاری) ج 4:

446

صحرایی، حمیدرضا (شهید) ج 3: 15، 23

صحرایی، علی محمد (شهید) ج 3: 34،

36

صحرایی، هدایت (شهید) ج 3: 38، 41

صحرایی، یارمحمد (شهید) ج 3: 44، 46

صدام، حسین ج 1: 289، 314، 331،

333، 375، 518، 580، 581، 595، 627،

636، 644، 656، 657، 666 ج 2: 636،

645، 653، 665، 666، 675 ج 3: 128،

130، 142، 219، 220، 225، 226، 641،

650، 658، 670، 671، 680 ج 4: 132،

493، 502، 510، 522، 523، 532

صدرا (مادر شهید پیرولی علیزاده) ج 3:

222

صدیقه (مادر شهید عبدالرزاق مهدیه)

ج 4: 124

صغرا (مادر شهید غلامرضا زینی وند)

ج 2: 389

صفر (پدر شهید فرزاد شریفی) ج 2: 529

صفر (پدر شهید مصطفی شکری) ج 2:

553

صفر (پدر شهید موسی باولگزاده) ج 1:

309

صفر سلیمانی ← سلیمانی، صفر

صفرعلی (پدر شهید جعفر تام) ج 1: 435

- صید محمد (پدر شهید محمد زره الوار) ج 2: 366
 صید محمد (پدر شهید محمد زره الوار) ج 1: 225
- صید حسن درویش نیا ← درویش نیا، صید حسن ج 2: 307
 صید محمد (پدر شهید نعمت الله ملکی) ج 4: 76
- صید حیدر (پدر شهید علیرضا رضایی) ج 2: 307
 صید محمد (پدر شهید مهدی رشیدی) ج 2: 281
- صید رحیم (پدر شهید محمد علی ولی زاده) ج 4: 399
 صید محمد نظریگی ← نظریگی، صید محمد ج 2: 358
 صید مراد (پدر شهید شهراد روشنی) ج 3: 102
- صید عباس (پدر شهید رمضان همت علی) ج 4: 347
 صید مهدی (پدر شهید صید حسن درویش نیا) ج 2: 199
 صید عباس (پدر شهید علی عباس روحی) ج 2: 335
- صید علی (پدر شهید عبدل قبادیان) ج 3: 325
 صید محمد (پدر شهید نورالدین عبدی) ج 3: 159
 صید نبی ولی زاده ← ولی زاده، صید نبی ج 4: 162
 صید نظر (پدر شهید حسن کریم بیگی) ج 3: 436
- صید علی (پدر شهید ملک علی دارایی) ج 2: 182
 صید نور (پدر شهید فرزاد علی کرمی) ج 3: 239
 صید کاظم (پدر شهید رحمان مرادی) ج 4: 27
 صید هواس (پدر شهید علی محمد صحرائی) ج 3: 34
 صید کرمی، صادق (شهید) ج 3: 84
 صید کریم (پدر شهید عبدالعلی باوه پیر محمدی) ج 1: 313
 صید هواس (پدر شهید یار محمد صحرائی) ج 3: 44
 صیدی، احمد (شهید) ج 3: 108

طهمینه (مادر شهید فرمان ملک احمدی)

ج 4: 59

طوبی (مادر شهید آشور محمد حسینی)

ج 3: 564

طوبی (مادر شهید حسین محمد حسینی)

ج 3: 568

طوفانی، فریدون (شهید) ج 3: 115

طولان (مادر شهید علی اکبر پرک) ج 1:

389

طیبه (مادر شهید حبیب الله نوری) ج 4:

306

طیبه (مادر شهید عباس نوری) ج 4: 309

ظریفه (مادر شهید نور علی یاری) ج 4:

446

عالمناج (مادر شهید حسن کریم بیگی)

ج 3: 436

عالیه (مادر شهید رحمان رضایی) ج 2:

296

عالیه ذبیحی ← ذبیحی، عالیه

عایشه ج 1: 646 ج 2: 655 ج 3: 660

ج 4: 512

عبادالله همتی ← همتی، عبادالله

عباس (پدر شهید حیات طهماسبی) ج 3:

119

عباس (پدر شهید خدامراد سلیمانی) ج 2:

442

طالقانی، سید محمود (آیت الله) ج 1: 620.

626 ج 2: 629، 635 ج 3: 634، 640

ج 4: 492، 486

طالوت ج 1: 230، 623، 633، 646

طاهری نسب، ایرج (شهید) ج 3: 111

طاوس (مادر شهید امیر چماچم) ج 1:

553

طاوس (مادر شهید جمال بیگی) ج 1:

361

طاوس (مادر شهید علی عباس غفاریا)

ج 3: 261

طاوس (مادر شهید محمد علی ولی زاده)

ج 4: 399

طاووس (مادر شهید رضا شریفی) ج 2:

513

طلا (مادر شهید حشمت الله نقی زاده) ج 4:

277

طلا (مادر شهید مهدی محمدی) ج 3:

594

طلا (مادر شهید ولی الله عباسی) ج 3: 139

طهماس (پدر شهید عباس خوز) ج 2:

158

طهماس (پدر شهید علی صفری) ج 3:

50

طهماسبی، حیات (شهید) ج 3: 119

طهمور (پدر شهید رمضان زینی وند مقدم)

ج 2: 397

- عباس (پدر شهید مجید کشکولی) ج 3: 450
 عبدالرحمان عیدصید ← عیدصید،
 عبدالرحمان
- عباس (پدر شهید محمد شیرزادی) ج 2: 577
 عبدالرحیم بزرگی مقدم ← بزرگی مقدم،
 عبدالرحیم
- عباس آقایی ← آقایی، عباس
 عباس خوز ← خوز، عباس
 عباس رضایی ← رضایی، عباس
 عباس صیدمرادی ← صیدمرادی، عباس
 عباس مامی ← مامی، عباس
 عباس ملکی ← ملکی، عباس
 عباس نوری ← نوری، عباس
 عباسعلی سلیمی ← سلیمی، عباسعلی
 عباسعلی ولی‌زاده ← ولی‌زاده، عباسعلی
 عباسقلی مصطفی ← مصطفی، عباسقلی
 عباسی، اسد (شهید) ج 3: 124
 عباسی، محمدتقی (شهید) ج 3: 128
 عباسی، محمود (شهید) ج 3: 133
 عباسی، ولی‌الله (شهید) ج 3: 139
 عبد (پدر شهید محمد میری) ج 4: 196
 عبدالامیر امیدی ← امیدی، عبدالامیر
 عبدالجواد خزلی ← خزلی، عبدالجواد
 عبدالحسن (پدر شهید منیره ولی‌زاده)
 ج 4: 402
 عبدالحسین (پدر شهید بابا رضایی) ج 2: 287
 عبدالحسین پالیزبان ← پالیزبان،
 عبدالحسین
- عبدالرحمان عیدصید ← عیدصید،
 عبدالرحمان
- عبدالرحیم بزرگی مقدم ← بزرگی مقدم،
 عبدالرحیم
- عبدالرزاق مهدیه ← مهدیه، عبدالرزاق
 عبدالرسول وحیدنیا ← وحیدنیا،
 عبدالرسول
- عبدالرضا (پدر شهید احمد اسدینا) ج 1: 165
 عبدالرضا (پدر شهید صادق اخلاوه) ج 1: 154
 عبدالرضا (پدر شهید علی محمد سرآهنگ)
 ج 2: 418
 عبدالرضا باقری ← باقری، عبدالرضا
 عبدالرضا دارابی فر ← دارابی فر، عبدالرضا
 عبدالسلام خلفی ← خلفی، عبدالسلام
 عبدالعلی (پدر شهید عباسعلی ولی‌زاده)
 ج 4: 392
 عبدالعلی باوه‌پیرمحمدی ←
 باوه‌پیرمحمدی، عبدالعلی
 عبدالکریم نوروزی ← نوروزی،
 عبدالکریم
- عبدالله (پدر شهید اسدالله رضانی) ج 2: 314
 عبدالله (پدر شهید سلمان حیدری) ج 2: 55

- عجم ملکی ← ملکی، عجم
عزت (مادر شهید احمد نورالله زاده) ج 4: 281
عزت (مادر شهید روح الله فردیس) ج 3: 299
عزت (مادر شهید علی اشرف نعمتی) ج 4: 274
عزت (مادر شهید نادر خیری) ج 2: 164
عزت الله رحمانی ← رحمانی، عزت الله
عزت الله رفیعی ← رفیعی، عزت الله
عزت پناهی، مصطفی (شهید) ج 3: 165
عزیز (پدر شهید اسلام اسماعیلی) ج 1: 184
عزیز (پدر شهید مظفر اسماعیلی) ج 1: 193
عزیز (پدر شهید یارحسین محمدی) ج 3: 597
عزیز اکبری ← اکبری، عزیز
عزیز الله پورمند ← پورمند، عزیز الله
عزیز الله لطفی ← لطفی، عزیز الله
عزیز بیگ (پدر شهید علی بارانی) ج 1: 264
عزیززاده، نجف (شهید) ج 3: 170
عزیز علی (پدر شهید علی مراد مهرباب زاده) ج 3: 540
عزیزی، رشید (شهید) ج 3: 173
عزیزی، کرم الله (شهید) ج 3: 176
عبدالله (پدر شهید ولی الله عباسی) ج 3: 139
عبدالله سعیدنژاد ← سعیدنژاد، عبدالله
عبدالله فتاحی ← فتاحی، عبدالله
عبدالله محسنی ← محسنی، عبدالله
عبداللهی، سرحد (شهید) ج 3: 145
عبدالمحمد (پدر شهید شاهین نامدار) ج 2: 489
عبدالمطلب ج 1: 638 ج 2: 647 ج 3: 652 ج 4: 504
عبدالمهدی پیرحیاتی ← پیرحیاتی، عبدالمهدی
عبدالنبی علوانی ← علوانی، عبدالنبی
عبدالولی برجی ← برجی، عبدالولی
عبدالی، ستار (شهید) ج 3: 149
عبدعلی (پدر شهید خدابخش رضایی) ج 2: 290
عبدعلی منصوری ← منصوری، عبدعلی
عبدکه (پدر شهید محمود مرادی) ج 4: 39
عبدل (پدر شهید جاسم احمدزاده) ج 1: 133
عبدل قبادیان ← قبادیان، عبدل
عبدی، جهانبخش (شهید) ج 3: 152
عبدی، سعید (شهید) ج 3: 156
عبدی، نورالدین (شهید) ج 3: 159
عبدیان، علی نظر (شهید) ج 3: 162

- عزیزی، ماشاالله (شهید) ج 3: 181
 عزیزی، نجات (شهید) ج 3: 187
 عسگر احمدی ← احمدی، عسگر
 عسگری، کریم (شهید) ج 3: 189
 عسگری نیا، مجتبی (شهید) ج 3: 191
 عصمت (مادر شهید محمدرضا لطفی)
 ج 3: 529
 عصمت (مادر شهید محمدکریم
 بابایی ملکیان) ج 1: 257
 عصمت (مادر شهید نعمت الله حرمی)
 ج 1: 594
 عصمت، علی (شهید) ج 3: 196
 عطیه (مادر شهید شوکت محمدزاده) ج 3:
 571
 عطیه (مادر شهید عبدالامیر امیدی) ج 1:
 237
 عطیه (مادر شهید عبدالولی برجی) ج 1:
 320
 عظیم ماهی گیر ← ماهی گیر، عظیم
 عظیم نارنجی ← نارنجی، عظیم
 علامه طباطبایی ج 1: 631 ج 2: 640
 علگه (پدر شهید عزیز اکبری) ج 1: 215
 علوانی، عبدالنبی (شهید) ج 3: 200
 علوی فیلی، ناصر (شهید) ج 3: 203
 علی (پدر شهید احمد نورالله زاده) ج 4:
 281
 علی (پدر شهید الله حسین خاکبیمار)
 ج 2: 76
 علی (پدر شهید خلیل آقایی) ج 1: 86
 علی (پدر شهید صالح حیدری) ج 2: 58
 علی (پدر شهید عباس ملکی) ج 4: 71
 علی (پدر شهید عیسی سیاهی) ج 2: 457
 علی (پدر شهید ناصر علوی فیلی) ج 3:
 203
 علی (پدر شهید یدالله نوری) ج 4: 321
 علی احمدی ← احمدی، علی
 علی بارانی ← بارانی، علی
 علی بندمه ← بندمه، علی
 علی بیگزاده ← بیگزاده، علی
 علی جرایه ← جرایه، علی
 علی جواهری ← جواهری، علی
 علی حیاتی ← حیاتی، علی
 علی خانزادی ← خانزادی، علی
 علی دوستان نژاد ← دوستان نژاد، علی
 علی رضایی ← رضایی، علی
 علی رمضانی ← رمضانی، علی
 علی سجادی ← سجادی، علی
 علی سلیمانی ← سلیمانی، علی
 علی صفری ← صفری، علی
 علی عصمت ← عصمت، علی
 علی علیزاده ← علیزاده، علی
 علی غلام حسینی ← غلام حسینی، علی
 علی مؤمنی ← مؤمنی، علی

علی حسینی، شریف (شهید) ج 3: 214
علیداد (پدر شهید عمران زنگنه) ج 2:
381

علیداد خانی ← خانی، علیداد
علیداد دانشگر ← دانشگر، علیداد
علی رحمی، کرم (شهید) ج 3: 219
علیرضا (پدر شهید محمد کوهی) ج 3:
496

علیرضا (پدر شهید محمدیار پورقاسمی)
ج 1: 407

علیرضا (پدر شهید هادی شهبازی) ج 2:
569

علیرضا آذرپیرا ← آذرپیرا، علیرضا
علیرضا دیده‌دار ← دیده‌دار، علیرضا
علیرضا رضایی ← رضایی، علیرضا
علیرضا فتحی‌زاده ← فتحی‌زاده، علیرضا
علیرضا مرادخانی ← مرادخانی، علیرضا
علیزاده، پیرولی (شهید) ج 3: 222

علیزاده، علی (شهید) ج 3: 225، 228
علیزاده، نامخاص (شهید) ج 3: 233
علی‌زمان (پدر شهید صیدنی ولی‌زاده)
ج 4: 388

علی‌عباس (پدر شهید میرحسین سیکانی)
ج 2: 466

علی‌عباس روحی ← روحی، علی‌عباس
علی‌عباس غفارنیا ← غفارنیا، علی‌عباس

علی والایی ← والایی، علی
علی‌احمد علی‌محمدی ← علی‌محمدی،
علی‌احمد

علی‌اشرف نعمتی ← نعمتی، علی‌اشرف
علی‌اصغر لطفی ← لطفی، علی‌اصغر
علی‌اصغر محمدی ← محمدی، علی‌اصغر
علی‌اکبر (پدر شهید جعفر میرزاکرمی)
ج 4: 167

علی‌اکبر (پدر شهید روح‌الله شنبه‌ای) ج 2:
566

علی‌اکبر (پدر شهید محمدعلی کندوله)
ج 3: 480

علی‌اکبر (پدر شهید مختار دارابی) ج 2:
174

علی‌اکبر پرک ← پرک، علی‌اکبر
علی‌اکبر کرمی ← کرمی، علی‌اکبر
علی‌اکبر لاجین ← لاجین، علی‌اکبر
علی‌بخش ابراهیمی ← ابراهیمی،
علی‌بخش

علی‌بن ابی‌طالب ← امام علی (ع)
علی‌جان شریفی ← شریفی، علی‌جان
علی‌حسین (پدر شهید عزت‌الله رفیعی)
ج 2: 310

علی‌حسین ابراهیمی ← ابراهیمی،
علی‌حسین
علی‌حسین مهدوی ← مهدوی،
علی‌حسین

عمرو عاص ج 1: 649 ج 2: 658 ج 3:

663 ج 4: 515

عنبر (مادر شهید اسدالله مرادی) ج 4: 15

عنبر (مادر شهید علی نقی خورشیدی)

ج 2: 155

عنبر (مادر شهید نعمت الله جابری) ج 1:

474

عنبربانو (مادر شهید محمد نوری) ج 4:

319

عنبر تاج (مادر شهید محمدصادق محمدی)

ج 3: 589

عنبر طلا (مادر شهید میرزا مرادی طولابی)

ج 3: 617

عوضی، غضبان (شهید) ج 3: 253

عیدصید، عبدالرحمان (شهید) ج 3: 256،

258

عیسی (پدر شهید ستار مظفری) ج 4: 49

عیسی آستوی ← آستوی، عیسی

عیسی سیاهی ← سیاهی، عیسی

عین العلی (پدر شهید فریدون طوفانی)

ج 3: 115

غضبان (پدر شهید رضا اسدی) ج 1: 173

غضبان (پدر شهید سلمان بارانی) ج 1:

260

غضبان (پدر شهید هاشم متی) ج 4: 100

غضبان عوضی ← عوضی، غضبان

غضبان مزید ← مزید، غضبان

علیمرد (پدر شهید محمدعلی گل گلی)

ج 3: 502

علیمرد شعبانی ← شعبانی، علیمرد

علیمرد مهرداد ← مهرداد، علیمرد

علی مردان کریمی ← کریمی، علی مردان

علی نجات (پدر شهید علی نظر عبدیان)

ج 3: 162

علی نجات چم سورکی ← چم سورکی،

علی نجات

علی نظر صیدبیگیان ← صیدبیگیان،

علی نظر

علی نظر عبدیان ← عبدیان، علی نظر

علی نقی خورشیدی ← خورشیدی،

علی نقی

علی نور ابراهیمی ← ابراهیمی، علی نور

عمار بن یاسر ج 1: 665 ج 2: 674 ج 3:

679 ج 4: 531

عمران (پدر شهید قدرت نظری) ج 4:

263

عمران زنگنه ← زنگنه، عمران

عمران قاسمی ← قاسمی، عمران

عمر بن سعد ج 1: 618، 630، 648، 674

ج 2: 627، 639، 657، 683 ج 3: 632،

644، 662، 688 ج 4: 484، 496، 514،

540

عمر سعد ← عمر بن سعد

- غفارنیا، علی عباس (شهید) ج 3: 261
 غفاری ج 1: 665 ج 2: 674 ج 4: 531
 غلام (پدر شهید عبدالرضا باقری) ج 1: 288
 غلام (پدر شهید محمدرضا اسفندیاری) ج 1: 178
 غلام کایدخوره ← کایدخوره، غلام
 غلام ملاحی ← ملاحی، غلام
 غلامحسین (پدر شهید محمد قاسم‌زاده) ج 3: 306
 غلامحسین محمدی ← محمدی، غلامحسین
 غلامحسینی، علی (شهید) ج 3: 266
 غلامرضا (پدر شهید عبدالسلام خلفی) ج 2: 152
 غلامرضا (پدر شهید عزت‌الله اکبری) ج 1: 211
 غلامرضا (پدر شهید یوسف آبروشن) ج 1: 36
 غلامرضا اکبری ← اکبری، غلامرضا
 غلامرضا انصاری ← انصاری، غلامرضا
 غلامرضا خالدی ← خالدی، غلامرضا
 غلامرضا زینی‌وند ← زینی‌وند، غلامرضا
 غلامرضا علیمرادی ← علیمرادی، غلامرضا
 غلامعلی (پدر شهید امیدعلی اسماعیلی) ج 1: 187
 غلامعلی (پدر شهید صیدعلی اخزری) ج 1: 151
 غلامعلی (پدر شهید غضبان عوضی) ج 3: 253
 غلامعلی (پدر شهید نعمت‌الله شیری) ج 2: 605
 فارس یاران ← یاران، فارس
 فاضل (پدر شهید بهرام کمرخانه) ج 3: 467
 فاضل (پدر شهید ذوالفقار روزفراخ) ج 2: 338
 فاضل (پدر شهید عبدالامیر امیدی) ج 1: 237
 فاطمه (مادر شهید ابراهیم حیدری) ج 2: 52
 فاطمه (مادر شهید امین شیخ‌محمدی) ج 2: 574
 فاطمه (مادر شهید رضا اسدی) ج 1: 173
 فاطمه (مادر شهید عزت‌الله رفیعی) ج 2: 310
 فاطمه (مادر شهید علی احمدی) ج 1: 147
 فاطمه (مادر شهید علیمرد شعبانی) ج 2: 539
 فاطمه (مادر شهید علی‌نظر عبدیان) ج 3: 162

فتح الله (پدر شهید حمدالله یاری) ج 4:
422

فتحی زاده، علیرضا (شهید) ج 3: 287
فتومه (مادر شهید رحمت الله ابراهیمی)
ج 1: 101

فتومه (مادر شهید مزبان حیدرزاده) ج 2:
47

فخریه (مادر شهید فریدالله مرادی) ج 4:
31

فرج حسینی ← حسینی، فرج

فرج الله نوریان ← نوریان، فرج الله

فرجی، ملا (شهید) ج 3: 291

فرجی، مهدی (شهید) ج 3: 294

فرخ (مادر شهید حیات طهماسبی) ج 3:
119

فرخ (مادر شهید فرزاد شریفی) ج 2: 529

فرخ (مادر شهید لطیف نصراللهی) ج 4:
243

فرخنده (مادر شهید عبدالمهدی پیرحیاتی)
ج 1: 421

فردوس (مادر شهید اسلام اسماعیلی)
ج 1: 184

فردوس (مادر شهید اسماعیل جابری)
ج 1: 459

فردوس (مادر شهید فریدون دلفی) ج 2:
220

فاطمه (مادر شهید غلامرضا انصاری)
ج 1: 244

فاطمه (مادر شهید فرزاد علی کرمی) ج 3:
239

فاطمه (مادر شهید قاسم رحیمی) ج 2:
253

فاطمه (مادر شهید کاظم محمدزاده) ج 3:
574

فاطمه (مادر شهید محمد قاسم زاده) ج 3:
306

فاطمه (مادر شهید نجف عزیززاده) ج 3:
170

فانوس (مادر شهید جبار نادعلی پور) ج 4:
201

فانوس (مادر شهید خدابخش رضایی)
ج 2: 290

فانوس (مادر شهید سلمان حیدری) ج 2:
55

فانوس (مادر شهید علی غلام حسینی)
ج 3: 266

فانوس (مادر شهید نورمحمد کاظمی)
ج 3: 430

فتاحی، آصف (شهید) ج 3: 269، 271

فتاحی، عبدالله (شهید) ج 3: 274

فتاحی، گودرز (شهید) ج 3: 277، 279

فتاحی پور، قدرت اله (شهید) ج 3: 281

قدم (مادر شهید نعمت الله صادقی) ج 2: 620
 قدمخیر (مادر شهید جهانبخش عبدی) ج 3: 152
 قدمخیر (مادر شهید حسن ناصری) ج 4: 224
 قدمخیر (مادر شهید رمضان مرادخانی) ج 3: 609
 قدم خیر (مادر شهید سعدالله قیصریگی) ج 3: 366
 قدم خیر (مادر شهید شاهین نامدار) ج 2: 489
 قدمخیر (مادر شهید شاولی میرزایی) ج 4: 177
 قدم خیر (مادر شهید صالح حیدری) ج 2: 58
 قدمخیر (مادر شهید محسن هاشمی) ج 4: 340
 قدم خیر (مادر شهید محمدرضا قربانی) ج 3: 334
 قربانی، محمدرضا (شهید) ج 3: 334
 قربانی، نورمحمد (شهید) ج 3: 343
 قرص الدوله (مادر شهید سهراب یاری) ج 4: 429
 قزی (مادر شهید حجت الله برتنی) ج 1: 316

فوزیه (مادر شهید نصرت الله حاتمی شیروانی فرد) ج 1: 589
 قایل ج 1: 671 ج 2: 680 ج 3: 109. 685 ج 4: 537
 قاسم (پدر شهید جاسم یاسمی) ج 4: 456
 قاسم (پدر شهید حیدر کاکلی) ج 3: 433
 قاسم (پدر شهید فرمان هاشمی پور) ج 4: 335
 قاسم (پدر شهید کاظم محمدزاده) ج 3: 574
 قاسم (ع) ج 2: 21، ج 3: 90، 192 ج 4: 84
 قاسم رحیمی ← رحیمی، قاسم
 قاسم زاده، محمد (شهید) ج 3: 306
 قاسمی، خلیل (شهید) ج 3: 310
 قاسمی، عمران (شهید) ج 3: 313
 قاسمی، محسن (شهید) ج 3: 316
 قاسمی، مستعلی (شهید) ج 3: 321
 قبادیان، عبدل (شهید) ج 3: 325
 قبادیان، محمد (شهید) ج 3: 331
 قدرت دلاوری ← دلاوری، قدرت
 قدرت نظری ← نظری، قدرت
 قدرت اله فتاحی ← فتاحی، قدرت اله
 قدم (مادر شهید علی بندمه) ج 1: 344
 قدم (مادر شهید قدرت دلاوری) ج 2: 218

کاشنگ (مادر شهید مسعود خانلری) ج 2:	106
کاشم (پدر شهید عبدالله فتاحی) ج 3:	274
قطیبان، کرم (شهید) ج 3: 362	
کاشم محمدزاده ← محمدزاده، کاشم	
قمر (مادر شهید حمید رمضانی) ج 2:	319
کاشم خان (پدر شهید رمضان مرادخانی) ج 3: 609	
قمرتاج (مادر شهید اللهیار محسنی) ج 3:	550
کاشمی، ابراهیم (شهید) ج 3: 374	
کاشمی، محمدرضا (شهید) ج 3: 377	
قمرتاج (مادر شهید کرم قطیبان) ج 3:	362
کاشمی، نورمحمد (شهید) ج 3: 430	
کافیہ (مادر شهید آصف فتاحی) ج 3:	269
قمرناز (مادر شهید علی دوستان‌نژاد) ج 2:	224
کاکامراد (پدر شهید صفر سلیمانی) ج 2:	444
قنبر (پدر شهید علی اصغر محمدی) ج 3:	577
کاکا، حیدر (شهید) ج 3: 433	
قنبر جم‌زاده ← جم‌زاده، قنبر	
کایدخوره، غلام (شهید) ج 3: 394	
قنبرعلی رضایتی ← رضایتی، قنبرعلی	
کباری، جبار (شهید) ج 3: 397	
قهرمان (پدر شهید علی محمد سلیمانان) ج 2: 451	
کبرا (مادر شهید علی عصمت) ج 3: 196	
قهرمان مهدی‌زاده ← مهدی‌زاده، قهرمان	
کبری (مادر شهید هادی شهبازی) ج 2:	569
قیصر مؤمنی ← مؤمنی، قیصر	
کتان (مادر شهید صیدرستم نادری) ج 4:	212
کتان (مادر شهید محسن قاسمی) ج 3:	316
کرکی (پدر شهید مهدی موسی‌زاده) ج 4:	153
کرم (پدر شهید ستار عبدالی) ج 3: 149	
کرک (پدر شهید مهدی محمدی) ج 3:	594
قیمتی (مادر شهید سعید یارمحمدی) ج 4: 347	
قیصریگی، سعدالله (شهید) ج 3: 366	
قیمتی (مادر شهید رمضان همت‌علی) ج 4: 347	
قیطاسی، محسن (شهید) ج 3: 372	
قیمتی (مادر شهید سعید یارمحمدی) ج 4: 347	
کاشم (پدر شهید جهانبخش عبدی) ج 3:	152

- کرم بیگی ← بیگی، کرم
 کرم علی رحمی ← علی رحمی، کرم
 کرم قطیبان ← قطیبان، کرم
 کرم الله عزیزی ← عزیزی، کرم الله
 کرم رضا (پدر شهید حسن باقری) ج 1: 1
 283
 کرمشاهی، هادی (شهید) ج 3: 402
 کرمعلی (پدر شهید محمد نوری) ج 4: 4
 319
 کرمعلی کولیوند ← کولیوند، کرمعلی
 کرمی، بروز (شهید) ج 3: 406
 کرمی، جعفر (شهید) ج 3: 410
 کرمی، علی اکبر (شهید) ج 3: 415
 کرمی، محمد (شهید) ج 3: 420
 کروبسی ج 1: 628 ج 2: 637 ج 3: 642
 ج 4: 494
 کریم (پدر شهید عبدالرحیم بزرگی مقدم)
 ج 1: 331
 کریم (پدر شهید علی سلیمانی) ج 2: 448
 کریم (پدر شهید علی اصغر لطفی) ج 3: 3
 523
 کریم (پدر شهید قهرمان مهدی زاده) ج 4: 4
 120
 کریم ابراهیمی ← ابراهیمی، کریم
 کریم برگی ← برگی، کریم
 کریم حاتمی ← حاتمی، کریم
 کریم عسگری ← عسگری، کریم
- کریم کلمی ← کلمی، کریم
 کریم بیگی، حسن (شهید) ج 3: 436
 کریمی، علی مردان (شهید) ج 3: 442
 کشکول (پدر شهید علی احمدی) ج 1: 1
 147
 کشکولی، مجید (شهید) ج 3: 450
 کشمند شریفی ← شریفی، کشمند
 کشور (مادر شهید بهمن نورزوی) ج 4: 4
 287
 کشور (مادر شهید جواد نیکنام) ج 4: 332
 کشور (مادر شهید ستار عبدالی) ج 3: 3
 149
 کشور (مادر شهید سیدباقر یزدانی نیا)
 ج 4: 465
 کشور (مادر شهید عباس مامی) ج 3: 534
 کشور (مادر شهید عباسعلی سلیمی) ج 2: 2
 454
 کشور (مادر شهید نارنج اعتقادی) ج 1: 1
 208
 کلب رضا (پدر شهید عمران قاسمی) ج 3: 3
 313
 کلمی، کریم (شهید) ج 3: 425
 کمالوند، ستار (شهید) ج 3: 457
 کمرخان (پدر شهید ملا فرجی) ج 3: 291
 کمرخان (پدر شهید مهدی فرجی) ج 3: 3
 294
 کمرخانی، بهرام (شهید) ج 3: 467

- کمری، حبیب‌الله (شهید) ج 3: 472
 کمری، موسی (شهید) ج 3: 475
 کندوله، محمدعلی (شهید) ج 3: 480
 کوکب (مادر شهید احمد صادقی) ج 2: 612
 کوکب (مادر شهید الیاس ملکی) ج 4: 87
 کوکب (مادر شهید حمزه روشنی) ج 2: 344
 کوکب (مادر شهید سعیدالله دشتیار) ج 2: 209
 کوکب (مادر شهید شیرزاد میری) ج 4: 192
 کوکب (مادر شهید عمران قاسمی) ج 3: 313
 کوکب (مادر شهید غلامرضا اکبری) ج 1: 211
 کوکب (مادر شهید فارس یاران) ج 4: 405
 کوکب (مادر شهید مهدی رشیدی) ج 2: 281
 کوکب (مادر شهید مهدی فرجی) ج 3: 294
 کوکب (مادر شهید یداله ولی‌نژاد) ج 4: 385
 کولیوند، جواد (شهید) ج 3: 484
 کولیوند، کرمعلی (شهید) ج 3: 492
 کوهی، محمد (شهید) ج 3: 496
 کیانی، کیانوش ج 1: 12 ج 2: 12 ج 3: 12
 کیانوش ج 4: 12
 کیفیه (مادر شهید حمدالله یاری) ج 4: 422
 کیکاوس نوری ← نوری، کیکاوس
 گرابگ (پدر شهید کریم کلمی) ج 3: 425
 گل آفتاب (مادر شهید خیرالله سیدی) ج 2: 462
 گل انار (مادر شهید نعمت‌الله ملکی) ج 4: 76
 گل اندام (مادر شهید جبار کباری) ج 3: 397
 گل اندام (مادر شهید فریدون طوفانی) ج 3: 115
 گل اندام (مادر شهید قدرت نظری) ج 4: 263
 گل بانو (مادر شهید کرمعلی کولیوند) ج 3: 492
 گل‌بهار (مادر شهید صیدحسن درویش‌نیا) ج 2: 199
 گل‌پری (مادر شهید عبدالرضا باقری) ج 1: 288
 گل‌پسند (مادر شهید مصطفی شکری) ج 2: 553
 گل‌جهان (مادر شهید ایلگه رستمی) ج 2: 265

- گل خانم (مادر شهید مراد سلیمان دوست) ج 2: 435
- گوهر (مادر شهید کریم عسگری) ج 3: 189
- گل صنم (مادر شهید جهانبخش شریفی) ج 2: 510
- گوهر بیگم (مادر شهید سید محمود موسوی) ج 4: 140
- گل طلا (مادر شهید ابراهیم نادری) ج 4: 206
- گوهر تاج (مادر شهید خلیل آقایی) ج 1: 86
- گل گل (مادر شهید عبدالحسین پالیزبان) ج 1: 384
- گوهر خانم (مادر شهید یارمحمد پیروزی) ج 1: 428
- گل گلی، جبار (شهید) ج 3: 498
- گوهری، حجت الله (شهید) ج 3: 506
- گل گلی، محمد علی (شهید) ج 3: 502
- لاچین، علی اکبر (شهید) ج 3: 511
- گل محمد (پدر شهید احمد ارسن) ج 1: 158
- لطفعلی (پدر شهید کرم علی رحمی) ج 3: 219
- گل نازار (مادر شهید حجت الله جابری) ج 1: 467
- لطفعلی مراد حاصلی ← مراد حاصلی، لطفعلی
- گل نازار (مادر شهید رشید عزیززی) ج 3: 173
- لطفی، عزیز الله (شهید) ج 3: 518
- گل نبات (مادر شهید حاجی باقری) ج 1: 279
- لطفی، علی اصغر (شهید) ج 3: 523
- لطفی، محمدرضا (شهید) ج 3: 529
- لطفی، مهدی (شهید) ج 3: 532
- لطفی (پدر شهید عزت الله رحمانی) ج 2: 244
- گودرز فتاحی ← گودرز گورباچف ج 1: 229، 668
- لطفی، محمدرضا (شهید) ج 4: 340
- گوهر (مادر شهید جاسم احمدزاده) ج 1: 133
- لطفی، مهدی (شهید) ج 3: 532
- لطفی (پدر شهید محسن هاشمی) ج 4: 340
- گوهر (مادر شهید رضا احسانی فر) ج 1: 128
- لطفی، نصراللهی ← نصراللهی، لطفی
- الله حسین خاک بیمار ← خاک بیمار، الله حسین
- گوهر (مادر شهید علیداد خانی) ج 2: 112
- الله خان (پدر شهید آشور محمد حسینی) ج 3: 564

- الله خان (پدر شهید حسین محمدحسینی) ج 3: 568
 ماه بانو (مادر شهید محمدعلی دوستی) ج 2: 227
- الله کرم (پدر شهید مراد سلیمان دوست) ج 2: 435
 ماه پاره (مادر شهید علی بخش ابراهیمی) ج 1: 105
- الله کرم شامحمدی ← شامحمدی، الله کرم
 اللهیار محسنی ← محسنی، اللهیار
 لوهکه (مادر شهید سایه حسینی پور) ج 1: 597
 ماه پاره (مادر شهید علی نور ابراهیمی) ج 1: 118
- لیلی (مادر شهید شهبسوار سلطانی) ج 2: 431
 ماه جبین (مادر شهید عبدالنبی علوانی) ج 3: 200
- مؤمنعلی (پدر شهید مهدی شیرکول) ج 2: 582
 ماهی (مادر شهید صفر سلیمانی) ج 2: 444
- مؤمنی، علی (شهید) ج 4: 159
 ماهیچه (مادر شهید حجت الله گوهری) ج 3: 506
- مؤمنی، قیصر (شهید) ج 4: 162
 ماهیچه (مادر شهید منصور ملک احمدی) ج 4: 62
- مارگارت تاچر ج 1: 229
 ماهی طلا (مادر شهید علی رضوانی) ج 2: 326
- الماس (پدر شهید علیداد خانی) ج 2: 112
 ماهی طلا (مادر شهید محمدتقی یونسی) ج 4: 476
- الماسی زاده، مجید (شهید) ج 1: 219، 222
 ماشاءالله دشتی پور ← دشتی پور، ماشاءالله
 ماشاءالله عزیزی ← عزیزی، ماشاءالله
 مامود (پدر شهید محمود عباسی) ج 3: 133
 ماهی گیر، عظیم (شهید) ج 3: 537
 مجتبی عسگری نیا ← عسگری نیا، مجتبی
- مامی، عباس (شهید) ج 3: 534
 مجید (پدر شهید شریف علی حسینی) ج 3: 214
- ماه بانو (مادر شهید احمد آفاق) ج 1: 63
 ماه بانو (مادر شهید جمعه آفاق) ج 1: 68
 ماه بانو (مادر شهید عبدعلی منصور) ج 4: 103
 مجید الماسی زاده ← الماسی زاده، مجید
 مجید خوزستانی ← خوزستانی، مجید
 مجید رحیمی ← رحیمی، مجید

محمد (پدر شهید عبدالکریم نوروزی)
ج 4: 298
محمد (پدر شهید عجم ملکی) ج 4: 81
محمد (پدر شهید علیرضا مرادخانی) ج 3:
614
محمد (پدر شهید علی محمد صادقی)
ج 2: 617
محمد (پدر شهید عیسی آستوی) ج 1: 53
محمد (پدر شهید کریم عسگری) ج 3:
189
محمد (پدر شهید کیکاوس نوری) ج 4:
315
محمد (پدر شهید محمدرضا کاظمی)
ج 3: 377
محمد (پدر شهید محمدیار مرادی) ج 4:
36
محمد (پدر شهید مهدی بانقلانی) ج 1:
303
محمد (پدر شهید یحیی آبانگاه) ج 1: 31
محمد پرکاسی ← پرکاسی، محمد
محمد جندی پور ← جندی پور، محمد
محمد حیدری ← حیدری، محمد
محمد زره الوار ← زره الوار، محمد
محمد شیرزادی ← شیرزادی، محمد
محمد قاسم زاده ← قاسم زاده، محمد
محمد قبادیان ← قبادیان، محمد
محمد کرمی ← کرمی، محمد

مجید کشکولی ← کشکولی، مجید
محسن (پدر شهید جعفر چناری) ج 1:
563
محسن (پدر شهید حمزه چناری) ج 1:
570
محسن صفری ← صفری، محسن
محسن قاسمی ← قاسمی، محسن
محسن قیطاسی ← قیطاسی، محسن
محسن هاشمی ← هاشمی، محسن
محسن زاده، بندر (شهید) ج 3: 543
محسنی، اللهیار (شهید) ج 3: 550
محسنی، عبدالله (شهید) ج 3: 554
محسنی، نجات (شهید) ج 3: 558
محمد (پدر شهید حبیب الله کمری) ج 3:
472
محمد (پدر شهید حجت الله برتنی) ج 1:
316
محمد (پدر شهید حشمت الله نقی زاده)
ج 4: 277
محمد (پدر شهید سعید الله پدرام فر) ج 1:
386
محمد (پدر شهید سعید عبدی) ج 3: 553
محمد (پدر شهید شوکت محمدزاده)
ج 3: 571
محمد (پدر شهید عبدالرضا دارابی فر)
ج 2: 177

- محمد کوهی ← کوهی، محمد
 محمد محمدی ← محمدی، محمد
 محمد میری ← میری، محمد
 محمد نوری ← نوری، محمد
 محمدباقر (پدر شهید غلامرضا انصاری)
 ج 1: 244
 محمدبیگ (پدر شهید رحمان بیگی) ج 1:
 373
 محمدبیگ (پدر شهید غلامرضا خالدی)
 ج 2: 79
 محمدتقی عباسی ← عباسی، محمدتقی
 محمدتقی یونسی ← یونسی، محمدتقی
 محمدحسن (پدر شهید عزیزالله لطفی)
 ج 3: 518
 محمدحسن (پدر شهید محسن قیطاسی)
 ج 3: 372
 محمدحسین (پدر شهید عظیم نارنجی)
 ج 4: 217
 محمدحسین خدادادی ← خدادادی،
 محمدحسین
 محمدحسینی، آشور (شهید) ج 3: 564
 محمدحسینی، حسین (شهید) ج 3: 568
 محمدرضا اسفندیاری ← اسفندیاری،
 محمدرضا
 محمدرضا خدایاری ← خدایاری،
 محمدرضا
 محمدرضا قربانی ← قربانی، محمدرضا
- محمدرضا کاظمی ← کاظمی، محمدرضا
 محمدرضا لطفی ← لطفی، محمدرضا
 محمدرضا یاری ← یاری، محمدرضا
 محمدزاده، شوکت (شهید) ج 3: 571
 محمدزاده، کاظم (شهید) ج 3: 574
 محمدشریف (پدر شهید توکل زینی‌وند
 مقدم) ج 2: 402
 محمدصادق محمدی ← محمدی،
 محمدصادق
 محمدظاهر خدایاری ← خدایاری،
 محمدظاهر
 محمدعلی (پدر شهید جبار نادعلی‌پور)
 ج 4: 201
 محمدعلی دوستی ← دوستی، محمدعلی
 محمدعلی کندوله ← کندوله، محمدعلی
 محمدعلی گل‌گلی ← گل‌گلی، محمدعلی
 محمدعلی ولی‌زاده ← ولی‌زاده،
 محمدعلی
 محمدکریم (پدر شهید بروز حاتمی) ج 1:
 576
 محمدکریم بابایی ملکیان ← بابایی ملکیان،
 محمدکریم
 محمدکریم حسینی ← حسینی،
 محمدکریم
 محمدمراد (پدر شهید نجم‌الدین زمانی)
 ج 2: 378

مختوم (مادر شهید الله حسین خاکبیمار)
ج 2: 76

مدرس، سیدحسن ج 1: 661 ج 2: 670
ج 3: 675 ج 4: 527

مدنی، آیت الله ج 1: 643، 662 ج 2: 652،
671 ج 3: 657، 676 ج 4: 509، 528

مراد (پدر شهید ابراهیم نادى) ج 4: 206
مراد (پدر شهید حاجى باقرى) ج 1: 279

مراد (پدر شهید عبدالله محسنى) ج 3:
554

مراد سلیمان دوست ← سلیمان دوست،
مراد

مراد صفرى ← صفرى، مراد
مرادحاصلی، لطفعلی (شهید) ج 3: 605

مرادخانى، رمضان (شهید) ج 3: 609،
611

مرادخانى، علیرضا (شهید) ج 3: 614
مرادعلی (پدر شهید فرمان ملک احمدی)

ج 4: 59
مرادقلی (پدر شهید کرمعلى کولیوند)

ج 3: 492
مرادى، اسدالله (شهید) ج 4: 15

مرادى، جوهر (شهید) ج 4: 19
مرادى، حمید (شهید) ج 4: 23، 25

مرادى، رحمان (شهید) ج 4: 27، 29
مرادى، فریدالله (شهید) ج 4: 31، 33

مرادى، محمدیار (شهید) ج 4: 36

محمدنبی (پدر شهید مجید الماسی زاده)
ج 1: 219

محمدولی (پدر شهید قنبرعلی رضایتی)
ج 2: 284

محمدولی خدایاری ← خدایاری،
محمدولی

محمدی، علی اصغر (شهید) ج 3: 577
محمدی، غلامحسین (شهید) ج 3: 580

محمدی، محمد (شهید) ج 3: 583، 586
محمدی، محمدصادق (شهید) ج 3: 589،

591
محمدی، مهدی (شهید) ج 3: 594

محمدی، یارحسین (شهید) ج 3: 597،
600

محمدی، یدالله (شهید) ج 3: 601، 603
محمدیار پورقاسمی ← پورقاسمی،

محمدیار
محمدیار مرادی ← مرادی، محمدیار

محمود (پدر شهید عباس مامی) ج 3:
534

محمود (پدر شهید مرتضی شاهمرادی)
ج 2: 484

محمود پیرنیا ← پیرنیا، محمود
محمود عباسی ← عباسی، محمود

محمود مرادی ← مرادی، محمود
مختار دارابی ← دارابی، مختار

- مرادی، محمود (شهید) ج 4: 39
 مرادی طولابی، میرزا (شهید) ج 3: 617.
 620
 مرتضی (پدر شهید بهمن نوروزی) ج 4:
 287
 مرتضی (پدر شهید رحمت‌الله ابراهیمی)
 ج 1: 101
 مرتضی (پدر شهید روح‌الله فردیس) ج 3:
 299
 مرتضی (پدر شهید عالیہ ذبیحی) ج 2:
 234
 مرتضی (پدر شهید عباسقلی مصطفی)
 ج 4: 45
 159
 مرتضی رستمی ← رستمی، مرتضی
 مرتضی شاهمرادی ← شاهمرادی،
 مرتضی
 مرجان (مادر شهید عبدالعلی
 باوه‌پیرمحمدی) ج 1: 313
 مروارید (مادر شهید رستم ایمکی) ج 1:
 254
 مروارید (مادر شهید نورالله نجفی) ج 4:
 240
 مریم (مادر شهید جواد کولیوند) ج 3:
 484
 مریم (مادر شهید کیکاوس نوری) ج 4:
 315
 مزبان حیدرزاده ← حیدرزاده، مزبان
 مزید، غضبان (شهید) ج 4: 42
 مستعلی قاسمی ← قاسمی، مستعلی
 مسعود خانلری ← خانلری، مسعود
 مسلم بن عقیل ج 1: 421، 422، 646،
 648، 674، 674 ج 2: 655، 657، 683
 ج 3: 660، 662، 688 ج 4: 512، 514،
 540
 مصدق ج 1: 623، 658، 663 ج 2: 632،
 667، 672 ج 3: 637، 672، 677 ج 4:
 489، 524، 529
 مصری (مادر شهید جبار گل‌گلی) ج 3:
 498
 مصری (مادر شهید علی‌جان شریفی)
 ج 2: 526
 مصری (مادر شهید محمدعلی گل‌گلی)
 ج 3: 502
 مصری (مادر شهید نادر حاتمی) ج 1:
 584
 مصطفی (پدر شهید عبادالله همتی) ج 4:
 350
 مصطفی زرین‌جو ← زرین‌جو، مصطفی
 مصطفی شکری ← شکری، مصطفی
 مصطفی عزت‌پناهی ← عزت‌پناهی،
 مصطفی

ملک پور، حسین (شهید) ج 4: 65
 ملک علی دارایی ← دارایی، ملک علی
 ملک محمد (پدر شهید صادق شریفی)
 ج 2: 522
 ملکه (مادر شهید ستار مظفری) ج 4: 49
 ملکه (مادر شهید منیره ولی زاده) ج 4:
 402
 ملکی، الیاس (شهید) ج 4: 87، 89
 ملکی، حسین (شهید) ج 4: 68
 ملکی، عباس (شهید) ج 4: 71
 ملکی، عجم (شهید) ج 4: 81، 84
 ملکی، منصور (شهید) ج 4: 90
 ملکی، موسی (شهید) ج 4: 96
 ملکی، نعمت الله (شهید) ج 4: 76
 ملیحه (مادر شهید اسدالله رسولوندی)
 ج 2: 276
 منتظری ج 1: 461
 منتی، هاشم (شهید) ج 4: 100
 منخی (پدر شهید یاسین جعفری) ج 1:
 504
 منصور (پدر شهید آیت الله اسدی) ج 1:
 170
 منصور (پدر شهید صادق پورزند) ج 1:
 402
 منصور (پدر شهید علی نجات چم سورکی)
 ج 1: 560

مصطفی، عباسقلی (شهید) ج 4: 45
 مطهری ج 1: 24، 626 ج 2: 635 ج 3:
 640 ج 4: 492
 مظفر اسماعیلی ← اسماعیلی، مظفر
 مظفری، ستار (شهید) ج 4: 49، 51
 معاویه ج 1: 614، 615، 648، 649، 664
 ج 2: 623، 624، 657، 658، 673 ج 3:
 628، 629، 662، 663، 678 ج 4: 480
 481، 514، 515، 530
 معصومه (مادر شهید رحمان راسخی)
 ج 2: 237
 معصومه (مادر شهید نورالدین عبدی)
 ج 3: 159
 معصومه (ع) ج 1: 617، 665 ج 2: 626،
 674 ج 3: 631، 679 ج 4: 483، 531
 مفتوح ج 1: 664 ج 2: 673 ج 3: 678
 ج 4: 530
 مقداد ج 1: 565، 566، 665 ج 2: 674
 ج 3: 679 ج 4: 531
 مکیه (مادر شهید نصراله آبسالان) ج 1: 39
 ملا فرجی ← فرجی، ملا
 ملاحی، غلام (شهید) ج 4: 52، 55
 ملایی، شمس الدین (شهید) ج 4: 57
 ملک (مادر شهید اسدالله رمضان) ج 2:
 314
 ملک احمدی، فرمان (شهید) ج 4: 59، 61
 ملک احمدی، منصور (شهید) ج 4: 62

- منصور (پدر شهید غلام کایدخوره) ج 3: 394
 مهدی شیرکول ← شیرکول، مهدی
 مهدی فرجی ← فرجی، مهدی
- منصور (پدر شهید کریم حاتمی) ج 1: 580
 مهدی لطفی ← لطفی، مهدی
 مهدی محمدی ← محمدی، مهدی
- منصور (پدر شهید مجتبی عسگری نیا) ج 3: 191
 مهدی موسی‌زاده ← موسی‌زاده، مهدی
 مهدی‌خان (پدر شهید علی بیگ‌زاده) ج 1: 349
- منصور آقابیگی ← آقابیگی، منصور
 منصور ملک‌احمدی ← ملک‌احمدی، منصور
- منصور ملکی ← ملکی، منصور
 منصور، عبدعلی (شهید) ج 4: 103
 منوچهر (پدر شهید جلال فرهادی) ج 3: 303
- منیر (مادر شهید نجات محسنی) ج 3: 558
 منیر، علی‌محمد (شهید) ج 4: 129، 127
 مهرعلی تندرو ← تندرو، مهرعلی
- منیره (مادر شهید غلام ملاحی) ج 4: 52
 منیره ولی‌زاده ← ولی‌زاده، منیره
- منیژه (مادر شهید سیدامیدعلی موسوی پشتکوهی) ج 4: 131
 منیژه (مادر شهید علی سلیمانی) ج 2: 448
- مهدوی، خیرالله (شهید) ج 4: 106
 مهدوی، علی‌حسین (شهید) ج 4: 115، 118
- مهدی (پدر شهید رابع جیواد) ج 1: 544
 مهدی بانقلانی ← بانقلانی، مهدی
 مهدی رشیدی ← رشیدی، مهدی
- مهراد هاشمی ← هاشمی، مهرداد
 مهرداد، علیمرد (شهید) ج 4: 129، 127
 مهرعلی حمدی ← حمدی، مهرعلی
- مهری (مادر شهید مجتبی عسگری نیا) ج 3: 191
 مهری (مادر شهید نورمحمد قربانی) ج 3: 343
- مهری‌جان (مادر شهید هدایت صحرائی) ج 3: 38
 مهندس بازرگان ج 1: 620، ج 2: 629
 ج 3: 634، ج 4: 486
- موسوی، میرحسین ج 1: 628، 667 ج 2: 637، 676 ج 3: 642، 681 ج 4: 132، 141، 147، 494، 533

میرطهماسب (پدر شهید طهماسب
آقاجانی) ج 1: 78
میرطهماسب آقاجانی ← آقاجانی،
میرطهماسب

میرولی (پدر شهید فرهاد شریفی) ج 2:
533

میرولی (پدر شهید یداله ولی نژاد) ج 4:
385

میری، شیرزاد (شهید) ج 4: 192

میری، محمد (شهید) ج 4: 196

مینا (مادر شهید ماشاءالله دشتی پور) ج 2:
216

نادر حاتمی ← حاتمی، نادر

نادر خیری ← خیری، نادر

نادعلی (پدر شهید جعفرعلی جعفری)
ج 1: 502

نادعلی پور، جبار (شهید) ج 4: 201

نادی، ابراهیم (شهید) ج 4: 206

نادی، صیدرستم (شهید) ج 4: 212

نارنج (مادر شهید بروز کرمی) ج 3: 406

نارنج (مادر شهید عبدالرسول وحیدنیا)
ج 4: 375

نارنج اعتقادی ← اعتقادی، نارنج

نارنجی، عظیم (شهید) ج 4: 217

نازار (مادر شهید فرمان هاشمی پور) ج 4:
335

موسوی، سیدابراهیم (شهید) ج 4: 146

موسوی، سید محمود (شهید) ج 4: 140

موسوی پشتکوهی، سید امیدعلی (شهید)
ج 4: 131

موسی (پدر شهید حمید رمضانی) ج 2:
319

موسی (پدر شهید عبدالرحمان عیدصید)
ج 3: 256

موسی (پدر شهید عزیزالله پورمند) ج 1:
412

موسی (پدر شهید علی جواهری) ج 1:
524

موسی باولگ زاده ← باولگ زاده، موسی

موسی کمری ← کمری، موسی

موسی ملکی ← ملکی، موسی

موسی، نورالدین (شهید) ج 4: 149

موسی زاده، مهدی (شهید) ج 4: 153

مولای متقیان ← امام علی (ع)

میران (پدر شهید نصرالله باقری) ج 1:
293

میرحسین سیکانی ← سیکانی، میرحسین

میرزا کرمی، جعفر (شهید) ج 4: 167

میرزا مرادی طولابی ← مرادی طولابی،
میرزا

میرزایی، جعفر (شهید) ج 4: 172

میرزایی، شاولی (شهید) ج 4: 177

- نازار (مادر شهید مصطفی زرین‌جو) ج 2: 371
 نشمیه (مادر شهید صیدنبی ولی‌زاده) ج 4: 388
- نازی (مادر شهید نامدار اوحام) ج 1: 248
 ناصر جهانی ← جهانی، ناصر
 ناصر علوی فیلی ← علوی فیلی، ناصر
 ناصری، حسن (شهید) ج 4: 224
 نامخاص عزیزاده ← عزیزاده، نامخاص
 نامدار اوحام ← اوحام، نامدار
- نبات (مادر شهید کریم حاتمی) ج 1: 580
 نجات عزیززی ← عزیززی، نجات
 نجات محسنی ← محسنی، نجات
 نجف عزیززاده ← عزیززاده، نجف
 نجفی، جلال (شهید) ج 4: 230
 نجفی، نورالله (شهید) ج 4: 240
 نجم‌الدین زمانی ← زمانی، نجم‌الدین
- نجمه (مادر شهید هاشم متی) ج 4: 100
 نجیمه (مادر شهید محمود پیرنیا) ج 1: 424
- نرگس (مادر شهید شیخ‌امیر شریفی) ج 2: 517
 نرگس (مادر شهید مجید الماسی‌زاده) ج 1: 219
- نرگس (مادر شهید محمد پرکاسی) ج 1: 398
- نریمان (پدر شهید شیرمحمد داوری) ج 2: 194
- نصرت (مادر شهید حسین احمدی) ج 1: 142
 نصرت (مادر شهید سیدابراهیم موسوی) ج 4: 146
 نصرت (مادر شهید سیدموسی حسینی) ج 1: 608
 نصرت (مادر شهید مجید رحیمی) ج 2: 256
 نصرت (مادر شهید مجید کشکولی) ج 3: 450
 نصرت (مادر شهید محمدکریم حسینی) ج 2: 24
 نصرت (مادر شهید مهرعلی تندرو) ج 1: 449
 نصرت (مادر شهید مهرعلی حمدی) ج 2: 35
 نصرت‌الله حاتمی شیروانی فرد ← حاتمی شیروانی فرد، نصرت‌الله

نورالله (پدر شهید سعدالله دشتیار) ج 2:

209

نورالله (پدر شهید مهدی لطفی) ج 3: 532

نورالله نجفی ← نجفی، نورالله

نورالله زاده، احمد (شهید) ج 4: 281

نوربانو (مادر شهید محمد زره الوار) ج 2:

366

نورخاص (مادر شهید عبدالرحیم

بزرگی مقدم) ج 1: 331

نورعلی (پدر شهید احمد جهشی) ج 1:

540

نورعلی (پدر شهید نادر خیری) ج 2: 164

نورعلی یاری ← یاری، نورعلی

نورگه (پدر شهید رضا شریفی) ج 2: 513

نورمحل (مادر شهید کرم الله عزیزی) ج 3:

176

نورمحل (مادر شهید کریم ابراهیمی) ج 1:

124

نورمحمد (پدر شهید احمد زینوندی)

ج 2: 405

نورمحمد (پدر شهید جبار کباری) ج 3:

397

نورمحمد (پدر شهید حسین خدادادی)

ج 2: 115

نورمحمد (پدر شهید علی اکبر پرک) ج 1:

389

نظر (پدر شهید عبدالله سعیدنژاد) ج 2:

426

نظریگی، صیدمحمد (شهید) ج 4: 246

نظری، حسن (شهید) ج 4: 256

نظری، قدرت (شهید) ج 4: 263

نظری، یوسف (شهید) ج 4: 269

نظری زلانی، شیرزاد (شهید) ج 4: 251

نعمت الله جابری ← جابری، نعمت الله

نعمت الله حرمی ← حرمی، نعمت الله

نعمت الله شیری ← شیری، نعمت الله

نعمت الله صادقی ← صادقی، نعمت الله

نعمت الله صادقی ← صادقی، نعمت الله

نعمت الله صادقی ← صادقی، نعمت الله

نعمت الله ملکی ← ملکی، نعمت الله

نعمتی، علی اشرف (شهید) ج 4: 274

نقره (مادر شهید رحمان حسینی) ج 1:

604

نقره (مادر شهید یارحسین محمدی) ج 3:

597

نقشه (مادر شهید حضرت سلیمانی) ج 2:

438

نقی زاده، حشمت الله (شهید) ج 4: 277

نمامعلی (پدر شهید محمدعلی دوستی)

ج 2: 227

نواب صفوی ج 1: 669 ج 2: 678

نورالدین عبدی ← عبدی، نورالدین

نورالدین موسی ← موسی، نورالدین

- نورمحمد (پدر شهید منصور آقاییگی) ج 1: 73
 نیم طلا (مادر شهید خیرالله مهدوی) ج 4: 106
- نورمحمد قربانی ← قربانی، نورمحمد
 نورمحمد کاظمی ← کاظمی، نورمحمد
 نورمراد (پدر شهید محمدصادق محمدی) ج 3: 589
- نوروز (پدر شهید شمس‌الدین ملایی) ج 4: 57
 نیم طلا (مادر شهید عباسقلی مصطفی) ج 4: 45
- اله (پدر شهید علی‌اکبر کرمی) ج 3: 415
 هاییل ج 1: 544، 545، 351، 656 ج 2: 87، 93، 665 ج 3: 40، 670 ج 4: 77، 522، 544، 545
- نوروزی، بهمن (شهید) ج 4: 287
 نوروزی، پرویز (شهید) ج 4: 293، 294
 نوروزی، عبدالکریم (شهید) ج 4: 298
 نوری (مادر شهید لطفعلی مرادحاصلی) ج 3: 605
- نوری، احمد (شهید) ج 4: 300، 302
 نوری، حبیب‌الله (شهید) ج 4: 306
 نوری، عباس (شهید) ج 4: 309
 نوری، کیکاوس (شهید) ج 4: 315
 نوری، محمد (شهید) ج 4: 319
 نوری، یدالله (شهید) ج 4: 321
 نوریان، فرج‌الله (شهید) ج 4: 329
- نوریجان (مادر شهید کرم بیگی) ج 1: 378
 نیاز (پدر شهید کرم قطبیان) ج 3: 362
 نیازخان (پدر شهید نامخاص علیزاده) ج 3: 233
- نورمحمد (پدر شهید امید حسینی) ج 1: 599
 نیم طلا (مادر شهید امید حسینی) ج 1: 599
- هاجر (مادر شهید عسگر احمدی) ج 1: 145
 هاجر (مادر شهید علی اصغر لطفی) ج 3: 523
 هاجر (مادر شهید علی محمد سرآهنگ) ج 2: 418
 هاجر (مادر شهید فرهاد شریفی) ج 2: 533
- هاجر (مادر شهید کریم کلمی) ج 3: 425
 هاجر (مادر شهید یحیی آبانگاه) ج 1: 31
 هادی (پدر شهید ناصر جهانی) ج 1: 532
 هادی شهبازی ← شهبازی، هادی
 هادی کرشاهی ← کرشاهی، هادی
 هاشم (پدر شهید موسی ملکی) ج 4: 96
 هاشم منتی ← منتی، هاشم

والیه (مادر شهید محمدیار پورقاسمی)

ج 1: 407

وحیدنیا، عبدالرسول (شهید) ج 4: 375

ولدیبیگ (پدر شهید سلیمان خزلی) ج 2:

140

ولی (پدر شهید عبدعلی منصور) ج 4:

103

ولی (پدر شهید محمد جندی پور) ج 1:

520

ولی (مادر شهید محمد جندی پور) ج 1:

520

ولی الله عباسی ← عباسی، ولی الله

ولی بیگی، پرویز (شهید) ج 4: 381

ولی خان (پدر شهید کرم الله عزیزی) ج 3:

176

ولی زاده، حسین (شهید) ج 4: 396

ولی زاده، صیدنبی (شهید) ج 4: 388

ولی زاده، عباسعلی (شهید) ج 4: 392

ولی زاده، محمد (شهید) ج 4: 399

ولی زاده، منیره (شهید) ج 4: 402

ولی عصر (ع) ← امام زمان

ولی نژاد، بداله (شهید) ج 4: 385

وهب ج 4: 60

یادگار (پدر شهید فرج حسینی) ج 2: 21

یارالله شامحمدی ← شامحمدی، یارالله

یاران، فارس (شهید) ج 4: 405

یارحسین محمدی ← محمدی، یارحسین

هاشمی، محسن (شهید) ج 4: 340، 341

هاشمی، مهرداد (شهید) ج 4: 343

هاشمی پور، فرمان (شهید) ج 4: 335.

337

هدایت صحرائی ← صحرائی، هدایت

هرسین (مادر شهید علی محمد سلیمانان)

ج 2: 451

هما (مادر شهید میرحسین سیکانی) ج 2:

466

همت یکسان ← یکسان، همت

همت علی، رمضان (شهید) ج 4: 347

همتی، عبادالله (شهید) ج 4: 350

هنجاری، اردشیر (شهید) ج 4: 365، 367

هواس (پدر شهید عباس رضایی) ج 2:

299

هواسعلی (پدر شهید صفرعلی رحیمی پور)

ج 2: 260

والایی، علی (شهید) ج 4: 370، 372

والیه (مادر شهید احمد شریفی) ج 2: 500

والیه (مادر شهید پرویز باقری) ج 1: 269

والیه (مادر شهید جعفر چناری) ج 1: 563

والیه (مادر شهید حمزه چناری) ج 1: 570

والیه (مادر شهید عباس صیدمرادی) ج 3:

102

والیه (مادر شهید علی اکبر لاجین) ج 3:

511

- یارقدم (پدر شهید پرویز ولی بیگی) ج 4: 381
 یارکریم (پدر شهید صادق صیدکرمی) ج 3: 84
 یارگه (پدر شهید فارس یاران) ج 4: 405
 یارمحمد (پدر شهید احمد آفاق) ج 1: 63
 یارمحمد (پدر شهید جمعه آفاق) ج 1: 68
 یارمحمد (پدر شهید سعید یارمحمدی) ج 4: 411
 یارمحمد (پدر شهید عسگر احمدی) ج 1: 145
 یارمحمد (پدر شهید نعمت‌الله حرمی) ج 1: 594
 یارمحمد پیروزی ← پیروزی، یارمحمد
 یارمحمد صحرائی ← صحرائی، یارمحمد
 یارمحمدی، احمد (شهید) ج 4: 408
 یارمحمدی، سعید (شهید) ج 4: 411
 یاره (پدر شهید حسن استرون) ج 1: 162
 یاره (پدر شهید علی حسین ابراهیمی) ج 1: 109
 یارولی (پدر شهید هادی کرمشاهی) ج 3: 402
 یاری، جهانشاه (شهید) ج 4: 420، 418
 یاری، حمدالله (شهید) ج 4: 422
 یاری، سهراب (شهید) ج 4: 432، 429
 یاری، محمدرضا (شهید) ج 4: 436
 یاری، نورعلی (شهید) ج 4: 446
 یاری، یحیی (شهید) ج 4: 451، 449
 یاری‌نژاد، فرمان (شهید) ج 4: 413، 415
 الیاس (پدر شهید شیخ‌امیر شریفی) ج 2: 517
 الیاس (پدر شهید علی نظر صیدیگیان) ج 3: 76
 الیاس ملکی ← ملکی، الیاس
 یاسمی، جاسم (شهید) ج 4: 456
 یاسین جعفری ← جعفری، یاسین
 یاسین حیدری ← حیدری، یاسین
 یاسین ممتاز، صادق (شهید) ج 4: 462
 یحیی آبانگاه ← آبانگاه، یحیی
 یحیی یاری ← یاری، یحیی
 یدالله (پدر شهید حمید مرادی) ج 4: 23
 یدالله (پدر شهید خیرالله مهدوی) ج 4: 106
 یدالله محمدی ← محمدی، یدالله
 یدالله نوری ← نوری، یدالله
 یداله ولی‌نژاد ← ولی‌نژاد، یداله
 یزدانی‌نیا، سیدباقر (شهید) ج 4: 465
 یزید ج 1: 615، 627، 636، 648، 664، 674
 یکسان، همت (شهید) ج 4: 470
 یوسف آبروشن ← آبروشن، یوسف
 یوسف نظری ← نظری، یوسف
 یونسی، محمدتقی (شهید) ج 4: 476

مکان‌ها

- آبادان ج 2: 227، 228، 451
آبدانان ج 4: 173، 257، 279، 289، 302، 316، 329
آذرشهر آذربایجان شرقی ج 1: 662 ج 2:
671 ج 3: 674 ج 4: 528
اروندروود ج 1: 544، 624 ج 2: 633
ج 3: 228، 636 ج 4: 490
استان ایلام ج 1: 3، 4، 12، 25، 26، 258
ج 1: 626، 655 ج 2: 3، 4، 12، 635
664 ج 3: 3، 4، 12، 116، 638، 667
ج 4: 3، 4، 12، 492، 521
استان فارس ج 1: 634 ج 2: 643 ج 3:
646 ج 4: 500
اسرائیل ج 1: 622 ج 2: 397، 398، 399
631 ج 3: 634 ج 4: 488
اشنویه ج 4: 429
اصفهان ج 1: 564، 629، 643، 644، 663
ج 2: 638، 652، 653، 672 ج 3: 641
655، 656، 675 ج 4: 495، 509، 510
529
- امامزاده پیرحمزه ج 1: 594
امامزاده پیرمحمد ج 1: 147، 158، 196،
208، 431، 436، 512، 540 ج 2: 169
418 ج 4: 399، 408، 446، 462
امامزاده سید ابراهیم ج 1: 49، 151، 162
امامزاده سیداکبر ج 1: 39، 459
امامزاده سیدحسن از توابع ایلام ج 1: 237
آمریکا ج 1: 170، 172، 245، 331، 333،
412، 413، 495، 518، 530، 621، 625،
626، 627، 631، 633، 635، 636، 638،
642، 644، 653، 658، 659، 666، 670
ج 2: 93، 399، 288، 340، 347، 382
413، 578 ج 3: 52، 53، 84، 88، 115
117، 633، 639، 643، 645، 647، 650
654، 656، 665، 670، 671، 678، 682
ج 4: 377، 487، 491، 492، 493، 497
499، 501، 502، 504، 508، 510، 519
524، 525، 532، 536
اندیمشک ج 1: 617، 622، 650 ج 3:
629، 634، 662 ج 4: 483، 488، 516

52 .68 .69 .70 .77 .78 .116 ، .170	اہواز ج 1: 27، 564، 641، 649، 650
171 .182 .183 .247 .248 .628 .629	ج 3: 653، 661، 662 ج 4: 68، 507
632 .633 .635 .636 .637 .638 .639	516، 515
640 .643 .646 .647 .648 .649 .651	اورشلیم ج 1: 622 ج 2: 631 ج 3: 634
654 .655 .656 .657 .658 .663 .664	ج 4: 488
665 .668 .669 .670 .671 .672 .675	ایران ج 1: 70، 114، 121، 123، 127
676 .678 .679 .680 .682 ج 4: 12	136، 152، 163، 170، 171، 172
16 .28 .50 .60 .72 .87 .88 .89 .97	212، 213، 216، 226، 229، 230، 245
100 .101 .103 .104 .107 .121 .132	249، 270، 271، 284، 285، 300، 351
146 .147 .153 .155 .163 .178 .179	ج 2: 4، 16، 22، 25، 30، 41، 65، 93
212 .213 .225 .232 .241 .252 .257	108، 112، 113، 117، 127، 132، 134
263 .264 .265 .277 .279 .288 .289	135، 136، 140، 141، 174، 175، 178
294 .300 .302 .307 .309 .310 .320	183، 195، 204، 205، 211، 228، 232
324 .336 .351 .366 .371 .372 .377	238، 241، 250، 253، 254، 261، 265
382 .383 .386 .387 .401 .410 .414	266، 277، 288، 292، 303، 311، 314
415 .431 .432 .437 .438 .439 .440	316، 340، 346، 367، 368، 371، 373
467 .468	379، 384، 397، 398، 412، 413، 428
ایلام ج 1: 25، 26، 27، 28، 154، 172	438، 440، 449، 458، 485، 496، 497
216 .271 .404 .551 .567 .591 .610	500، 501، 514، 515، 518، 526، 527
614 .617 .620 .627 .633 .634 .643	531، 536، 537، 540، 561، 562، 570
651 .656 .657 .666 .667 .669 ج 2:	575، 583، 589، 610، 612، 613، 618
113 .118 .265 .345 .382 .496 .542	625، 626، 629، 630، 632، 633، 634
570 .575 .623 .626 .629 .636 .642	635، 636، 637، 640، 643، 644، 645
643 .652 .660 .665 .675 .676 .678	646، 648، 651، 652، 653، 654، 655
ج 3: 68، 116، 216، 626، 632، 639	660، 661، 662، 665، 666، 677، 668
645 .646 .655 .663 .669 .678 .679	669، 672، 673، 675، 676، 679 ج 3:
ج 4: 104، 156، 212، 218، 354	4، 12، 16، 19، 20، 21، 34، 35، 45، 51

- بخش ملکشاهی از توابع شهرستان مهران
 ج 1: 208 ج 2: 36، 55، 147، 165 ج 3: 310، 433، 496، 534، 574 ج 4: 90
- بخش موسیان از توابع شهرستان دهلران
 ج 2: 191
 بدره ج 3: 60
- بستان ج 1: 623، 641، 649، 655 ج 2: 632، 650، 658، 664 ج 3: 635، 653، 661، 667 ج 4: 489، 507، 515، 521
- بصره ج 1: 615، 624، 646، 648، 651، 669، 673 ج 2: 624، 633، 655، 657، 660، 678، 682 ج 3: 627، 636، 658، 660، 663، 681، 685 ج 4: 481، 490، 512، 514، 517، 535، 539
- بهشت رضای شهرستان مشهد ج 3: 457
- بیت المقدس ج 1: 622، 645، 649، 673 ج 2: 374، 631، 654، 658، 682 ج 3: 634، 657، 661، 685 ج 4: 488، 511، 515، 539
- پادگان شهدای کرمانشاه ج 3: 372
- پاسگاه زید عراق ج 3: 115، 334
- تبریز ج 1: 619، 646، 662 ج 2: 628، 655، 671 ج 3: 631، 658، 674 ج 4: 485، 512، 528
- تپه دوقلو مهران ج 4: 343
- تنگاب گیلانغرب ج 2: 526، 612 ج 3: 402، 423، 425، 468، 476، 480، 483، 486، 493، 499، 500، 509، 517، 522، 523، 532، 533، 535
- بانسه ج 1: 86، 120، 147، 162، 283، 288، 467، 520 ج 2: 442، 462 ج 3: 159، 225 ج 4: 315
- بخش بدره از توابع شهرستان دره شهر
 ج 1: 248 ج 4: 167
- بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران
 ج 1: 63، 73، 91، 115، 131، 139، 173، 187، 208، 211، 244، 264، 390، 402، 407، 424، 454، 504، 507، 554، 584، 599 ج 2: 35، 36، 55، 68، 76، 111، 115، 131، 148، 154، 155، 184، 194، 199، 204، 209، 211، 215، 216، 219، 220، 234، 237، 244، 249، 254، 257، 260، 262، 264، 276، 281، 326، 338، 344، 438، 444، 451، 454، 477، 484، 489، 539، 553، 566، 574، 620 ج 3: 84، 102، 108، 124، 128، 133، 139، 145، 191، 203، 219، 222، 233، 239، 242، 243، 246، 253، 256، 263، 298، 375، 388، 413، 422، 465، 472، 498، 506، 529، 534، 577 ج 4: 212، 243، 246، 263، 298، 335، 375، 388، 413، 422، 465، 476

- تنگه جزابه ج 2: 220
 تنگه حاجیان گیلانغرب ج 2: 510
 تنگه کورک گیلانغرب ج 2: 366
 تهران ج 1: 4، 9، 12، 544، 617، 620، 621، 625، 630، 635، 637، 638، 639، 642، 645، 657، 658، 661، 664، 665، 669، 671، 672 ج 2: 4، 9، 12، 185، 271، 455، 626، 629، 630، 634، 639، 644، 646، 647، 648، 651، 654، 666، 667، 670، 673، 674، 678، 680، 681، 687 ج 3: 4، 9، 12، 629، 632، 633، 637، 642، 647، 649، 650، 651، 654، 657، 669، 670، 673، 676، 677، 681، 683، 684 ج 4: 4، 9، 12، 394، 483، 486، 487، 491، 496، 501، 503، 504، 505، 508، 511، 523، 524، 527، 530، 531، 535، 537، 538 ج 4: 4، 91، 177، 232، 251، 256، 263، 298، 299، 320، 372، 375، 376، 377، 454، 483، 489، 490، 492، 493، 497، 498، 500، 502، 507، 509، 513، 514، 516، 518، 519، 521، 522، 523، 524، 526
 جزیره مجنون عراق ج 2: 158 ج 3: 196
 ج 4: 159
 جماران ج 1: 220، 229، 629 ج 2: 22، 74، 136، 170، 326، 327، 339، 349، 412، 621، 638، 288، 289، 407، 408، 467
- 468، 522 ج 3: 23، 78، 641 ج 4: 57، 76، 78، 97، 243، 245، 495
 جمل ج 1: 627، 638، 647، 648، 669
 ج 2: 636، 647، 656، 657، 678 ج 3: 639، 650، 659، 660، 681 ج 4: 493، 504، 513، 514، 535
 جوانرود ج 2: 161
 چنانه دهلران ج 4: 436
 چنگوله شهرستان مهران ج 1: 27، 63، 64، 102، 130، 144، 154، 165، 173، 215، 216، 431، 436، 494، 563، 564، 599، 626، 652 ج 2: 115، 155، 169، 171، 177، 182، 194، 240، 244، 249، 256، 273، 296، 335، 348، 372، 402، 427، 432، 436، 471، 477، 480، 539، 560، 577، 620، 635، 661 ج 3: 34، 50، 133، 139، 149، 170، 239، 256، 261، 262، 287، 306، 374، 382، 415، 433، 450، 467، 469، 502، 540، 554، 638، 664 ج 4: 15، 27، 28، 36، 45، 81، 103، 201، 217، 224، 230، 300، 405، 492، 518
 حاج عمران عراق ج 3: 321
 حسینیه خرمشهر ج 3: 362
 حلبچه عراق ج 3: 269، 617

روستای آسمان‌آباد از توابع شهرستان
 شیروان و چرداول ج 3: 173 ج 4: 27
 روستای امامزاده سیدابراهیم از توابع
 شهرستان دهلران ج 2: 15، 560
 روستای امیرآباد مهران ج 2: 86
 روستای باخله از توابع شهرستان شیروان
 و چرداول، 442
 روستای بان‌زیارت از توابع شهرستان ایلام
 ج 4: 413
 روستای بانقلائی از توابع شهرستان ایلام
 ج 2: 131
 روستای بانهلان از توابع شهرستان دره‌شهر
 ج 2: 224
 روستای بولگ از توابع شهرستان مهران
 ج 1: 540، 254 ج 2: 169 ج 3: 498،
 502 ج 4: 462
 روستای بدره از توابع شهرستان دره‌شهر
 ج 3: 219
 روستای بسطام‌آباد از توابع شهرستان
 دره‌شهر ج 1: 31
 روستای بلاوه‌تره از توابع شهرستان
 شیروان و چرداول ج 4: 381
 روستای بلوطستان از توابع شهرستان
 مهران ج 1: 554 ج 2: 577
 روستای بهارآب از توابع شهرستان دهلران
 ج 4: 281

خراسان ج 1: 27، 630، 648 ج 2: 639،
 657 ج 3: 642، 660 ج 4: 330، 496
 514
 خرم‌شهر ج 1: 643، 649، 656 ج 2:
 513، 514، 652، 658، 665 ج 3: 228،
 655، 661، 668 ج 4: 55، 340، 509،
 515، 522
 خواف ج 1: 661 ج 2: 670 ج 3: 673
 ج 4: 527
 دارسوخته مهران ج 2: 260
 دزفول ج 1: 28، 172، 639، 650 ج 2:
 648، 659 ج 3: 116، 651، 662 ج 4:
 330، 505، 516
 دشت لک میمک ج 3: 430
 دهلران ج 1: 26، 27، 337، 597، 617،
 634، 650، 651، 652 ج 2: 39، 42، 77،
 337، 626، 643، 659، 660، 661 ج 3:
 281، 532، 629، 646، 662، 663، 664
 ج 4: 173، 178، 283، 372، 483، 500،
 516، 517، 518
 رقابیه ج 1: 655 ج 2: 664 ج 3: 667
 ج 4: 521
 روستای اسدآباد از توابع شهرستان
 دره‌شهر ج 2: 366 ج 3: 321
 روستای اسماعیلی سفلا از توابع شهرستان
 ایوان ج 1: 184، 193

- روستای بهرام‌آباد از توابع شهرستان مهران
ج 1: 215 ج 2: 35
- روستای بهمن‌آباد از توابع شهرستان ایلام
ج 2: 184
- روستای بولی از توابع شهرستان ایلام
ج 2: 438
- روستای بیشه‌دراز از توابع شهرستان
دهلران ج 1: 39، 49 ج 3: 15، 34، 38،
44 ج 4: 76، 159، 201
- روستای پاقله از توابع شهرستان شیروان
و چرداول ج 3: 139
- روستای پشت زنجیره از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 79
- روستای پشت‌قلعه از توابع شهرستان
آبدانان ج 1: 467، 474
- روستای پهل از توابع شهرستان دهلران
ج 4: 321
- روستای تخت بسطام شهرستان شیروان و
چرداول ج 1: 107، 120
- روستای تنگه قبر از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 449
- روستای تونس از توابع شهرستان مهران
ج 4: 45
- روستای تونه‌علیا از توابع شهرستان مهران
ج 1: 407 ج 4: 15
- روستای جابرانصار از توابع شهرستان
دهلران ج 1: 459
- روستای جان جان از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 269، 279 ج 2:
64، 500، 510، 612، 617
- روستای جوق از توابع شهرستان مهران
ج 1: 424
- روستای چالاب از توابع شهرستان مهران
ج 2: 52
- روستای چالانچی اولیا از توابع شهرستان
ایوان ج 1: 149، 170
- روستای چالسرا از توابع شهرستان ایلام
ج 1: 264 ج 2: 574
- روستای چشمه از توابع شهرستان آبدانان
ج 2: 513
- روستای چشمه کبود از توابع شهرستان
ایلام ج 2: 451
- روستای چم‌آب از توابع شهرستان مهران
ج 1: 111 ج 2: 148 ج 4: 192
- روستای چم‌ژاب از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 2: 411
- روستای چمسورک از توابع شهرستان
ایوان ج 1: 560
- روستای چم‌کبود از توابع شهرستان آبدانان
ج 1: 597 ج 2: 529
- روستای چم‌لوان از توابع شهرستان مهران
ج 2: 273
- روستای چم‌نشمت از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 3: 377

روستای خوشادول از توابع شهرستان
مهران ج 2: 76

روستای داراب‌آباد از توابع شهرستان
مهران ج 4: 240

روستای دارتوت از توابع شهرستان ایلام
ج 2: 199

روستای درگه از توابع شهرستان ایوان
ج 1: 436

روستای دلفان‌آباد از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 4: 429

روستای دمیران از توابع شهرستان ایوان
ج 4: 19

روستای دنه از توابع شهرستان دهلران
ج 4: 87

روستای دهنه از توابع شهرستان آبدانان
ج 4: 315

روستای دومیران از توابع شهرستان ایوان
ج 2: 112، 270 ج 3: 594

روستای رودبار عرب از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 152

روستای رومشکان از توابع شهرستان
خرم‌آباد ج 1: 78

روستای زرانگوش بالا از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 3: 589

روستای زرنه از توابع شهرستان ایوان
ج 2: 67

روستای چنگوله از توابع شهرستان مهران
ج 2: 281، 326

روستای چنگینه میشخاص از توابع
شهرستان ایلام ج 2: 260

روستای چهارطاقی ج 1: 580

روستای چهل‌زری از توابع شهرستان ایوان
ج 2: 218

روستای حاجی‌حاضر از توابع شهرستان
ایوان ج 1: 149، 170، 184، 193، 225،

550 ج 2: 24، 193، 218، 225، 270،
378، 422، 560 ج 2: 24، 86، 170،

218، 442 ج 3: 247 ج 4: 19، 251،
456

روستای حربهرام از توابع شهرستان مهران
ج 3: 306

روستای حسن گاوداری از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 73 ج 4: 217،
388

روستای خرابانان سفلا از توابع شهرستان
ایوان ج 2: 548

روستای خربزان از توابع شهرستان
دهلران، 60

روستای خزل از توابع شهرستان شیروان و
چرداول ج 3: 568

روستای خسروند از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 211

- روستای زرین‌آباد از توابع شهرستان
دهلران ج 1: 151، 2: 158، 249، 358
ج 3: 415، 4: 39، 140
روستای زلان ج 4: 251
- روستای زنجیره سفلا از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 178، 2: 310
ج 3: 170، 605543،
روستای زنجیره علیا از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 71
روستای زنگوان از توابع شهرستان شیروان
و چرداول ج 3: 84، 269
روستای زیدآباد از توابع شهرستان دره‌شهر
ج 2: 383، 3: 550
- روستای زیرتنگ بیجنوند از توابع
شهرستان شیروان و چرداول ج 1: 107
ج 2: 174
روستای ژبور از توابع شهرستان آبدانان
ج 4: 115
روستای سارات سومار ج 1: 422
روستای سراب از توابع شهرستان ایوان
ج 2: 442
روستای سراب باغ از توابع شهرستان
آبدانان ج 1: 83، 494، 520، 2: 253،
287، 290، 381، 3: 225
روستای سرنی از توابع شهرستان مهران
ج 4: 212
- روستای سلطانقلی سفلا از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 540، 2: 296،
426 ج 3: 76، 4: 385
روستای سیاه‌خانی ج 4: 196
روستای سیاه‌گل از توابع شهرستان آبدانان
ج 1: 398، 2: 231
روستای سید محمد عابد شهرستان
زادگاش ج 1: 165
روستای سیفی از توابع شهرستان مهران،
571
روستای شاله‌شوری از توابع شهرستان
ایوان ج 4: 456
روستای شباب از توابع شهرستان شیروان
و چرداول ج 1: 135، 436، 4: 277
روستای شوهان از توابع شهرستان مهران
ج 2: 155، 194، 338، 3: 111، 4:
36، 42، 335، 411
روستای شیخ‌مکان از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 4: 365
روستای شیلاب از توابع شهرستان آبدانان
ج 1: 517، 2: 164
روستای صیدنظری از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 532
روستای طاق‌کاورین از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 240
روستای طهماسب علیا از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 435

روستای کچ‌کوبان از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 4: 392

روستای کره‌پو از توابع شهرستان مهران
ج 1: 584 ج 2: 423

روستای کلک از توابع شهرستان مهران
ج 1: 431، 196 ج 2: 484

روستای کلم ج 3: 425، 523

روستای کله‌قندی از توابع شهرستان ایلام
ج 3: 242

روستای کلی‌کلی از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 262، 3: 266، 523
ج 4: 405

روستای گامو بانه ج 1: 390

روستای گاوداری از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 3: 467

روستای گرده‌بیشه از توابع شهرستان
دهلران ج 2: 605

روستای گره‌شیر شهرستان ج 3: 274

روستای گل‌گل از توابع شهرستان آبدانان
ج 1: 86 ج 2: 471

روستای گنداب از توابع شهرستان آبدانان
ج 4: 287

روستای گوراب از توابع شهرستان شیروان
و چرداول ج 2: 21

روستای ماریره مهران ج 2: 234

روستای ماژین از توابع شهرستان دره‌شهر
ج 2: 371، 402 ج 3: 492

روستای طولاب از توابع شهرستان ایلام
ج 2: 234، 454

روستای علمدار کلان از توابع شهرستان
ایوان ج 2: 609

روستای علی‌آباد علیا از توابع شهرستان
ج 4: 370

روستای علی‌شیروان از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 3: 214

روستای فجر از توابع شهرستان ایلام
ج 2: 209

روستای قلاویزان ج 1: 459

روستای قلعه‌تسمه از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 1: 384 ج 2: 582، 3: 518

روستای قلعه‌گل از توابع شهرستان
دره‌شهر ج 4: 293

روستای قلعه‌جوق از توابع شهرستان
مهران ج 1: 390 ج 2: 418 ج 3: 124،

133 ج 4: 476

روستای قلعه‌دره از توابع شهرستان مهران
ج 1: 512 ج 2: 256 ج 4: 408

روستای کارزان از توابع شهرستان شیروان
و چرداول ج 2: 140، 145، 431 ج 4:

59، 62

روستای کانی‌سخت شهرستان مهران ج 2:

131، 418 ج 4: 269

روستای کاوه تورطاق از توابع شهرستان
دهلران ج 2: 448

- روستای نثار عمارت از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 1: 589
- روستای نخجیر از توابع شهرستان مهران
ج 4: 127
- روستای نصار هلشی از توابع شهرستان
ایوان ج 2: 86
- روستای هاشم‌آباد از توابع شهرستان
دره شهر ج 2: 106، 405 ج 4: 332
- روستای هرمزآباد از توابع شهرستان مهران
ج 1: 608 ج 2: 569 ج 4: 396
- روستای هزارانی از توابع شهرستان آبدانان
ج 2: 457
- روستای هفت چشمه از توابع شهرستان
آبدانان ج 2: 307
- روستای هلشی از توابع شهرستان ایوان
ج 1: 225
- روستای هلیوه ج 3: 181
- روستای هندمینی از توابع شهرستان آبدانان
ج 4: 319
- روستای وچکبود از توابع شهرستان آبدانان
ج 2: 363
- روستای ورکبود از توابع شهرستان مهران
ج 1: 158 ج 4: 399
- روستای ورمیان سفلا از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 227
- روستای وزیرآباد از توابع شهرستان
دره شهر ج 1: 412 ج 2: 125 ج 3: 484
- روستای ماهونه از توابع شهرستان آبدانان
ج 2: 302 ج 4: 224، 300
- روستای محمدقلی از توابع ج 3: ش، 430
روستای محمودآباد از توابع شهرستان
ایلام ج 1: 257
- روستای مهدی‌آباد از توابع شهرستان ایلام
ج 4: 243
- روستای مهر از توابع شهرستان مهران
ج 2: 284
- روستای مورموری از توابع شهرستان
آبدانان ج 1: 576 ج 3: 394، 420
- روستای موشکان از توابع شهرستان
شیروان و چرداول ج 2: 314، 319
- روستای میان‌تنگ از توابع شهرستان مهران
ج 3: 149
- روستای میر از توابع شهرستان مهران
ج 3: 222، 277
- روستای میران از توابع شهرستان ایلام
ج 2: 122
- روستای میسخاص از توابع شهرستان ایلام
ج 2: 115
- روستای میمه از توابع شهرستان دهلران
ج 3: 583
- روستای میمه زرین‌آباد از توابع شهرستان
دهلران ج 4: 162
- روستای نادرآباد از توابع شهرستان مهران
ج 1: 63، 68، 599

553، 582 ج:3، 84، 119، 128، 181،
 187، 316، 506 ج:4، 120، 196، 206،
 319، 385، 396
 شاهرود ج:2، 367
 شاوله قصرشیرین ج:1، 107
 شرق بصره ج:1، 139، 650، 651 ج:2،
 397 ج:3، 662، 663 ج:4، 516، 517
 شرهانی ج:2، 287، 319
 ششدار ایلام ج:1، 73 ج:3، 277 ج:4،
 146
 شلمچه ج:1، 31، 225، 237، 643، 651
 ج:2، 484 ج:3، 214، 457، 458، 480،
 511، 655، 663 ج:4، 172، 449، 451،
 452، 509، 517
 شهدای باغ فردوس شهرستان کرمانشاه
 ج:4، 23
 شهدای بخش صالح‌آباد از توابع شهرستان
 مه‌ران ج:4، 49، 52، 71، 81، 87، 90،
 124، 127، 140، 149، 153
 شهر بدره از توابع شهرستان دره‌شهر ج:3،
 316
 شهر بغداد از توابع کشور عراق ج:1، 237
 شهر چوار از توابع شهرستان ایلام ج:2،
 265، 533 ج:3، 233 ج:4، 350
 شهر سومار از توابع شهرستان قصرشیرین
 ج:2، 24 ج:4، 68

روستای یخی از توابع شهرستان آبدانان
 ج:1، 130
 زرین‌آباد از توابع شهرستان دهلران ج:4،
 39، 140، 146
 زعفرانیه اهواز ج:2، 15
 سرپل ذهاب ج:1، 624، 657 ج:2، 617،
 633، 666 ج:3، 537، 636، 669 ج:4،
 306، 309، 372، 456، 490، 523
 سردشت ج:1، 639 ج:2، 383، 384،
 466، 517 ج:3، 15، 397، 398، 609،
 651 ج:4، 505
 سرنی مهران ج:2، 574 ج:3، 310
 سفز ج:1، 638 ج:2، 145 ج:3، 650
 ج:4، 504
 سلیمانیه عراق ج:2، 134 ج:4، 153
 سنندج ج:2، 185
 سوسنگرد ج:1، 549، 551، 639، 641،
 649، 672 ج:2، 277، 648، 650، 658،
 681 ج:3، 651، 653، 661، 684 ج:4،
 505، 507، 515، 538
 سومار ج:1، 91، 657 ج:2، 270، 666
 ج:3، 601، 669 ج:4، 68، 131، 140،
 321، 523
 شاخ شمیران عراق ج:1، 149، 170، 178،
 187، 248، 407، 412، 517 ج:2، 21،
 67، 71، 149، 170، 178، 187، 248،
 253، 314، 405، 431، 457، 489، 529

- شهر هزارانی از توابع شهرستان آبدانان ج:2 29
- شهرستان آبدانان ج:1 474 ج:2 177، 244، 462 ج:3 609 ج:4 206، 230، 422، 281، 256
- شهرستان ایلام ج:1 422، 91 ج:2 344، 276، 237، 220، 216، 204، 185، 489، 553، 566 ج:3 374، 436، 480، 532، 558، 614 ج:4 52، 124، 149، 436، 274، 246
- شهرستان پلدختر ج:4 343، 340
- شهرستان خرم‌آباد ج:2 134
- شهرستان دامغان ج:4 309، 306
- شهرستان دره شهر ج:1 78، 126، 502 ج:2 283، 389، 397، 466 ج:3 377، 381، 382، 402، 425 ج:4 106
- شهرستان دهلران ج:1 162، 489، 580 ج:2 39، 182، 335، 665 ج:4 522
- شهرستان دهلران ج:3 343، 362، 511، 580، 668 ج:4 31، 76، 87، 96، 131، 146، 172، 177، 269، 436
- شهرستان زادگاهش ج:3 313، 475، 534، 550، 574، 617
- شهرستان شیروان و چرداول ج:1 402 ج:3 366 ج:4 449
- شهرستان مرند ج:2 496
- شهرستان مشهد ج:4 23، 465
- شهرستان مهران ج:1 144، 504 ج:2 47، 58، 187، 219، 260، 264، 299، 314، 444، 477، 620 ج:3 291، 294، 334، 372، 472، 529، 577 ج:4 15، 36، 39، 42، 45، 49، 52، 59، 62، 65، 71، 81، 87، 90، 100، 103، 120، 124، 127، 140، 149، 153 ج:4 347، 399، 402، 408، 446
- شورشیرین ایلام ج:4 192
- شوروی ج:1 625 ج:2 199، 201، 347، 397، 398، 399، 659، 665 ج:3 53، 88، 637 ج:4 491
- شوش ج:1 83، 84، 650، 656 ج:3 662، 668، 516، 522 ج:4
- شوهان ج:4 16، 104
- شیراز ج:1 633، 638 ج:2 642، 647 ج:3 645، 650 ج:4 499، 504
- صالح آباد از توابع شهرستان مهران ج:1 26، 667، 668 ج:2 102، 126، 144، 480، 509، 382، 676، 677 ج:3 679، 680 ج:4 468، 533، 534

.489, 486, 482: 4 ج 665, 647, 635
519, 501
فرخ‌آباد مهران ج 1: 211 ج 2: 610
فلسطین ج 1: 623, 626, 644, 649, 662
ج 2: 632, 635, 653, 658, 671 ج 3:
142, 635, 638, 656, 661, 674 ج 4:
489, 492, 510, 515, 528
قدس ج 1: 27, 55, 88, 232, 547, 622,
640, 645, 662, 673 ج 2: 128, 374,
404, 418, 419, 562, 563, 569, 570
ج 3: 52, 634, 652, 657, 674, 685
ج 4: 140, 142, 194, 329, 330, 334,
488, 506, 511, 528, 539
قزوین ج 1: 635 ج 2: 644 ج 3: 647
ج 4: 501
قصرشیرین ج 1: 193, 454, 549, 551,
657 ج 2: 458, 666 ج 3: 436, 669
ج 4: 246, 370, 372, 381, 383, 523
قلاویزان ج 1: 507, 512, 540, 577,
ج 2: 47, 79, 99, 122, 152, 204, 338,
358, 605 ج 3: 228, 331, 343, 496,
523, 543, 580 ج 4: 76, 106, 281,
413, 418, 421, 462
قم ج 1: 331, 332, 617, 621, 629,
631, 636, 639, 643, 644, 656, 657,
662, 663, 664, 669, 671 ج 2: 626,
630, 638, 640, 645, 648, 652, 653,

صفین ج 1: 627, 632, 649, 655 ج 2:
636, 641, 658, 664 ج 3: 639, 644,
661, 667 ج 4: 493, 498, 515, 521
طلاییه ج 3: 394
عراق ج 1: 4, 26, 27, 7, 139, 140,
563, 564, 623, 624, 626, 627, 631,
632, 634, 636, 641, 643, 647, 648,
650, 652, 653, 655, 656, 657, 658,
660, 666, 667, 669, 673, 674 ج 2:
4, 25, 30, 49, 59, 77, 91, 103, 108,
120, 171, 185, 216, 230, 265, 266,
294, 332, 333, 341, 375, 398, 411,
413, 451, 459, 514, 565, 580, 581,
606, 626, 632, 633, 635, 636, 640,
641, 643, 645, 650, 652, 656, 657,
659, 661, 662, 664, 665, 666, 667,
669, 675, 676, 678, 682, 683 ج 3:
629, 635, 636, 638, 639, 643, 644,
646, 648, 653, 655, 659, 660, 662,
664, 665, 667, 668, 669, 670, 672,
678, 679, 681, 685, 686
عین‌خوش ج 1: 656 ج 2: 218, 665
ج 3: 668 ج 4: 522
فاو عراق ج 2: 363, 448, 536
فرانسه ج 1: 170, 172, 616, 620, 623,
635 ج 2: 340 ج 3: 628, 632

329, 330, 334, 372, 402, 438, 440,	665, 666, 671, 672, 673, 678, 680
441, 484, 493, 501, 506, 512, 513,	ج 3: 629, 633, 641, 643, 648, 651
514, 516, 518, 528, 540	655, 656, 668, 669, 674, 675, 676
کرخه ج 2: 276, 454	681, 683 ج 4: 354, 483, 487, 495
کردستان ج 1: 121, 584 ج 2: 25, 258,	497, 502, 505, 509, 510, 522, 523
333, 384, 455, 522, 634, 643 ج 3:	528, 529, 530, 535, 537
90, 646 ج 4: 287, 311, 347, 424,	کاشمر ج 1: 661 ج 2: 670 ج 3: 673
425, 431, 432, 500	ج 4: 527
کردستان عراق ج 1: 102, 111, 191	کراچی ج 1: 645 ج 2: 654 ج 3: 657
ج 2: 191, 326, 533 ج 3: 605 ج 4:	ج 4: 511
90, 102, 111, 191	کریلا ج 1: 55, 69, 70, 88, 122, 154,
کشور عراق ج 1: 53, 544 ج 2:	155, 174, 301, 328, 350, 392, 329
644, 653, 657, 666 ج 3: 457,	426, 450, 467, 468, 469, 504, 505
656, 669 ج 4: 510, 523	513, 514, 547, 566, 595, 618, 627
کله قندی مهران ج 1: 151, 254, 384,	635, 640, 646, 647, 648, 650, 652
560 ج 2: 39	662, 674 ج 2: 21, 22, 128, 194,
کنجان چم ج 3: 571	196, 210, 284, 285, 290, 292, 350
کوت عراق ج 2: 58	374, 404, 418, 419, 503, 527, 563
کوشک ج 1: 673 ج 2: 682 ج 3: 685	584, 183, 205, 219, 250, 348, 385
ج 4: 375, 539	485, 501, 570, 579, 627, 636, 644
کوفه ج 1: 219, 221, 317 ج 2: 140,	649, 655, 656, 657, 659, 661, 671
142 ج 3: 176, 177, 205 ج 4: 231,	683 ج 3: 40, 51, 52, 79, 109, 121
251, 252, 397, 398	129, 189, 190, 191, 193, 639, 630
کوه مانشت ایلام ج 1: 589	647, 652, 658, 659, 660, 662, 664
گاموی کردستان ج 4: 115	674, 686 ج 4: 40, 51, 84, 117, 140
	142, 147, 149, 150, 154, 156, 192
	193, 196, 197, 232, 245, 258, 316

گلزار شهدای امامزاده سیدفخرالدین ج 2:
158 ج 4: 146

گلزار شهدای امامزاده عباس ج 1: 589
گلزار شهدای امامزاده قاسم ج 3: 366،
523 537 ج 4: 217

گلزار شهدای بخش صالح آباد شهرستان
مهران ج 2: 47، 52، 55، 122، 140،
145، 227، 256، 265، 273، 299، 496،
533، 569، 577 ج 3: 306، 334، 415،
475 ج 4: 42، 45، 59، 62، 65، 103،
411، 415 ج 4: 39، 42، 45، 49، 52،
59، 62، 65، 71، 81، 87، 90، 103، 124،
127، 140، 149، 153، 162، 192، 274،
350، 370، 396، 402، 411

گلزار شهدای پیرحمزه ج 4: 385
گلزار شهدای روستای آرمو ج 2: 383،
402 ج 4: 293

گلزار شهدای روستای اسلام آباد شهرستان
دره شهر ج 2: 435 ج 3: 402
گلزار شهدای روستای بدره از توابع
شهرستان دره شهر ج 4: 319

گلزار شهدای روستای پیرحمزه ج 4:
27، 329

گلزار شهدای روستای جهانگیرآباد ج 2:
389

گلزار شهدای روستای حاج بختیار ج 4:
470

گره شیر شهرستان مهران ج 1: 532 ج 2:
426 ج 3: 498، 124، 42، 71،
90

گلان مهران ج 1: 502
گلزار امام حسین بخش ملکشاهی ج 3:
372 ج 4: 120

گلزار امامزاده پیرمحمد ج 4: 240
گلزار شهدای آبچشمه ج 4: 167
گلزار شهدای امامزاده سیدفخرالدین ج 4:
131

گلزار شهدای امامزاده پیرحمزه ج 1: 532
ج 2: 426

گلزار شهدای امامزاده حسن شهرستان
اسلام آباد غرب ج 2: 240 ج 4: 418،
449

گلزار شهدای امامزاده سید اکبر ج 2: 335
گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم
شهرستان دهران ج 2: 21 ج 4: 76، 321
گلزار شهدای امامزاده سیداکبر ج 2: 39
ج 3: 343، 362، 511، 580 ج 4: 31،
172، 177، 201

گلزار شهدای امامزاده سیدحسن شهرستان
مهران ج 3: 571 ج 4: 15، 100

گلزار شهدای امامزاده سیدصلاح الدین
شهرستان آبدانان ج 1: 489 ج 2: 191
ج 4: 281

- گلزار شهدای روستای حاجی حاضر ج 2: 112
- گلزار شهدای روستای زنجیره‌علیا ج 2: 310, 79
- گلزار شهدای روستای زیرتنگ بیجنوند ج 2: 314
- گلزار شهدای روستای شباب ج 2: 319
- ج 3: 442
- گلزار شهدای سیداکبر ج 4: 159
- گلزار شهدای شهر بدره از توابع شهرستان دره شهر ج 3: 303
- گلزار شهدای شهر میمه از توابع شهرستان دهلران ج 2: 358 ج 4: 96
- گلزار شهدای شهرستان دره‌شهر ج 2: 134 ج 3: 436 ج 4: 343
- گلزار شهدای فردوس رضای ج 4: 36, 309, 306
- گنجوان ایلام، 222
- گیلانغرب ج 1: 269, 279 ج 2: 64, 174, 500, 511 ج 4: 298, 465
- مانشت ایلام ج 3: 597
- ماووت عراق ج 1: 436 ج 2: 231 ج 4: 177, 59
- مدینه ج 1: 630, 648, 669 ج 2: 639, 657, 678 ج 3: 642, 660, 681 ج 4: 496, 514, 535
- مريوان ج 2: 307, 423 ج 4: 335
- مسجدالاقصی ج 1: 622, 662 ج 2: 631, 671 ج 3: 634, 674 ج 4: 488, 528
- مشهد ج 1: 484, 639, 664, 671 ج 2: 564, 564 ج 2: 648, 673, 680 ج 3: 651, 676, 683 ج 4: 505, 530, 537
- مکّه ج 1: 564, 648 ج 2: 657 ج 3: 660 ج 4: 424, 514
- ملکشاهی مهران ج 2: 265
- مهران ج 1: 26, 27, 78, 99, 102, 114, 128, 135, 190, 199, 216, 224, 237, 262, 267, 302, 310, 337, 348, 350, 371, 375, 389, 402, 435, 438, 439, 474, 476, 482, 489, 550, 576, 604, 606, 651, 652, 667 ج 2: 29, 77, 106, 112, 140, 141, 267, 310, 313, 314, 337, 348, 350, 375, 376, 439, 476, 480, 550, 606, 609, 651, 652, 660, 661, 667, 676 ج 2: 267, 337, 348, 350, 375, 439 ج 3: 90, 103, 266, 282, 299, 314, 325, 332, 335, 377, 402, 442, 484, 492, 518, 558, 560, 564, 566, 589, 663, 664, 679 ج 4: 15, 23, 25, 27, 31, 33, 36, 39, 49, 52, 57, 65, 66, 71, 76, 81, 87, 90, 100, 106, 120, 124, 127, 140, 149, 153, 167, 243, 277, 282, 283

نهروان ج 1: 627، 632، 667 ج 2: 636،
641، 676 ج 3: 639، 644، 679 ج 4:
ج 4: 329، 330، 493، 498، 533
هفت تپه ج 4: 330
همدان ج 1: 622، 662، 664 ج 2: 631،
671، 673 ج 3: 634، 674، 676 ج 4:
488، 528، 530
هور الهویزه ج 1: 649 ج 2: 658 ج 3:
661 ج 4: 515

372، 388، 392، 393، 394، 408، 411،
420، 421، 470، 517، 518، 533
موسیان ج 4: 87، 293
میان تنگ زادگاهش ج 2: 24
میمک ج 1: 53، 94، 196، 398، 525،
535، 554، 594، 608، 669 ج 2: 125،
164، 184، 186، 299، 348، 381، 411،
496، 678 ج 3: 228، 366، 422، 425،
475، 568، 583، 681 ج 4: 52، 62
164، 332، 365، 422، 423، 535
نجف ج 1: 55، 141، 180، 232، 392،
504، 505 ج 2: 404، 527، 628، 619،
631، 640، 634، 643، 646، 655، 671،
672، 662، 663 ج 3: 5، 109، 171،
631، 643، 646، 658، 674، 675 ج 4:
485، 497، 500، 512، 528، 529